



BP1481

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

منشورات کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث (۱۴)

انقلاب اسلامی و غرب

زیر نظر: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی / به کوشش: محمد حسن زمانی - باقر ریاحی مهر

چاپ اول: ۱۴۰۰ ش / ۱۴۴۳ ق

ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

● چاپ: چاپخانه دیجیتال المصطفی ﷺ ● قیمت: ۴۴۴ ریال ● شمارگان: ۵۰۰

## مراکز پخش

◀ ایران، قم، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸:

تلفن: ۰۲۵ ۳۷۸۳۶۱۳۴ +۹۸ ۲۵ ۳۷۸۳۹۳۰۵ / (داخلی ۱۰۵) / تلفکس: (داخلی ۱۰۵) / ۰۲۵ ۳۷۸۳۹۳۰۵

◀ ایران، قم، بلوار محمد امین، سه راه سالاریه. تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۱۳۳۱۰۶

pub\_almustafa @

http://buy-pub.miu.ac.ir

miup@pub.miu.ac.ir

با تشکر از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثریاری رساندند.

● ناظر فنی: سید محمد رضا جعفری

● مدیر انتشارات: مصطفی نوبخت

● ناظر گرافیک: مسعود مهدوی

● مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری

● ناظر چاپ: ایوب جمالی



این اثر با حمایت «دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی»  
معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه چاپ شده است.

منشورات کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث (۱۴)

## انقلاب اسلامی و غرب

زیر نظر: دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

به کوشش: محمدحسن زمانی - باقرریاحی مهر



مرکز بین المللی

ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی، فراوری اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پایبندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این‌رو، مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و اندیشه‌های ناب و ژرف، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت بنیان‌گذاران این شجره طیبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام می‌باشد.

جهانی‌شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی، اقتضا دارد که دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به این مباحث، با اندیشه‌های بلند و ارزش‌های متعالی آشنا شوند و این مهم، با ایجاد رشته‌های تخصصی، تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان‌یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید. این فرایند، گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می‌شود و گاه در نگارش بحث‌های علمی، اما نه چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می‌رسد.

بالندگی مراکز آموزشی، در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. بازنگری در متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و پژوهشی و به‌روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه، نشاط علمی مراکز آموزشی و پژوهشی را در پی دارد. «جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمیة» به‌عنوان بخشی از این مجموعه، که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این فرایند است.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم



کنگره بین المللی گام دوم انقلاب  
اسلامی از منظر قرآن و حدیث

### امام خامنه‌ای عَلَيْهِ السَّلَام:

انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.

بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

### تقدیم به:

روح ملکوتی بنیان گذار تمدن نوین اسلامی حضرت روح الله موسوی خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و شهدای گران قدر راه انقلاب اسلامی که با خون خود نهال انقلاب را آبیاری نموده تا به درخت پربار تمدن نوین اسلامی بدل گشته و مقدمات طلوع خورشید عظمای ولایت فراهم گردد.



---

## فهرست

---

- مقدمه ریاست کنگره ..... ۱۱
- مقدمه مدیر علمی ..... ۱۳
- مقدمه معاون علمی ..... ۲۷
- مقدمه مدیر کمیته ..... ۳۱

### فصل اول: توطئه‌های غرب علیه انقلاب اسلامی در گام دوم

۱. مفهوم‌شناسی نفوذ فرهنگی در قرآن کریم و بیانات مقام معظم رهبری ..... ۳۴
- عبدالمحمود جهانگیری (نویسنده مسئول) ..... ۳۴
- سمیه احمدی طیفکانی ..... ۳۴
- آسیه گلستانی ..... ۳۴
- زینب ربیعی ..... ۳۴
۲. علل انحطاط جوامع اسلامی و راهکارهای مقابله با آن از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله علیه و مقام معظم رهبری علیه‌السلام ..... ۵۸
- زینب طیبی (نویسنده مسئول) ..... ۵۸
- فاطمه خسروپناه ..... ۵۸
۳. بررسی رویکرد مستشرقان نسبت به امامان شیعه بعد از انقلاب اسلامی ..... ۸۷
- سمیه رضایی ..... ۸۷
۴. بررسی مستندات قرآنی، روایی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری علیه‌السلام در رابطه با نفوذ فرهنگی دشمنان در انقلاب ۱۳۵۷ ..... ۱۲۲
- سیدعیسی مسترحمی (نویسنده مسئول) ..... ۱۲۲

- ۱۲۲ \_\_\_\_\_ سیدصادق مجابی
- ۱۵۵ \_\_\_\_\_ ۵. تبیین مستندات قرآنی مقام معظم رهبری علیه السلام در موضوع تهاجم فرهنگی
- ۱۵۵ \_\_\_\_\_ محمد جواد اسکندرلو
- ۱۸۳ \_\_\_\_\_ ۶. عوامل گرایشی از خود بیگانگی فرهنگی انقلاب اسلامی و راهکارهای ستیز با فرهنگ بیگانه
- ۱۸۳ \_\_\_\_\_ محمد حسنی (نویسنده مسئول)
- ۱۸۳ \_\_\_\_\_ مجید حیدری فر
- ۲۱۴ \_\_\_\_\_ ۷. عوامل فرهنگی و اخلاقی استکبارستیزی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام
- ۲۱۴ \_\_\_\_\_ جواد اسماعیل‌نیا (نویسنده مسئول)
- ۲۱۴ \_\_\_\_\_ سمیه احمدی طیفکانی
- ۲۱۴ \_\_\_\_\_ فاطمه جاودان

#### فصل دوم: بایسته‌های مسلمانان در مواجهه با غرب در گام دوم

- ۲۶۱ \_\_\_\_\_ ۱. بررسی عوامل سیاسی، اقتصادی و نظامی استکبارستیزی در اندیشه مقام معظم رهبری علیه السلام
- ۲۶۱ \_\_\_\_\_ زینب طیبی (نویسنده مسئول) - عبدالمحمود جهانگیری - سمیه احمدی طیفکانی فاطمه جاودان
- ۳۰۴ \_\_\_\_\_ ۲. استقامت و پایداری از منظر قرآن کریم و روایات با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
- ۳۰۴ \_\_\_\_\_ زینب طیبی (نویسنده مسئول) - مرضیه شمس‌الدینی گورزانی - هاجر زارعی
- ۳۲۸ \_\_\_\_\_ ۳. راهکار مقابله با جنگ نرم با تأکید بر بیانیه گام دوم
- ۳۲۸ \_\_\_\_\_ رقیه دورقی (نویسنده مسئول) - محمدصادق فاضل
- ۳۵۸ \_\_\_\_\_ ۴. مبانی قرآنی مقاومت اسلامی در مقابل نظام سلطه با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام
- ۳۵۸ \_\_\_\_\_ زینب درانی
- ۳۷۵ \_\_\_\_\_ ۵. اصول قرآنی حاکم بر روابط خارجی در فرمایشات مقام معظم رهبری با تکیه بر بیانیه گام دوم
- ۳۷۵ \_\_\_\_\_ علی سلحشور (نویسنده مسئول) - مهوش پوررحمانی
- ۴۰۵ \_\_\_\_\_ ۶. تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های تمدن غرب و تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری علیه السلام
- ۴۰۵ \_\_\_\_\_ مجتبی صبوری
- ۴۲۵ \_\_\_\_\_ ۷. اصول اخلاقی نمایندگی مجلس در گام دوم انقلاب از منظر اسلام و غرب
- ۴۲۵ \_\_\_\_\_ محمد مهدی چگینی



۸. تدوین انقلاب اسلامی به عنوان الگویی مستقل برای سایر کشورها برپایه بیانیه گام دوم انقلاب \_\_\_\_\_ ۴۵۲  
علی اکبرپور آلمه جوقی - محمدرضا صالحی وثیق (نویسنده مسئول) \_\_\_\_\_ ۴۵۲
۹. جایگاه گفتمان استکبارستیزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: (مطالعه موردی: بیانیه گام دوم انقلاب) \_\_\_\_\_ ۴۸۳  
حسین فرزانه پور (نویسنده مسئول) - احسان مزدخواه - ریحانه نورمحمدی \_\_\_\_\_ ۴۸۳
۱۰. غرب شناسی در برابر شرق شناسی با تأکید بر بیانات رهبری \_\_\_\_\_ ۵۱۷  
باقر ریاحی مهر (نویسنده مسئول) - مسعود شم آبادی - عبدالمطلب اسکندری \_\_\_\_\_ ۵۱۷
۱۱. مواجهه دین مدارانه با تمدن غرب از منظر رهبری ﷺ با تأکید بر بیانیه گام دوم \_\_\_\_\_ ۵۳۷  
یدالله حاجی زاده \_\_\_\_\_ ۵۳۷
۱۲. دلایل اسلام هراسی غربیان و راهکار مقابله با آن از منظر مقام معظم رهبری ﷺ \_\_\_\_\_ ۵۷۱  
باقر ریاحی مهر \_\_\_\_\_ ۵۷۱  
مجتبی صبوری \_\_\_\_\_ ۵۷۱  
مسعودشم آبادی \_\_\_\_\_ ۵۷۱
۱۳. رشد نگاه انتقادی نسبت به مستشرقان بعد از انقلاب اسلامی (پژوهش موردی رویکرد و خدمات دکتر رضایی اصفهانی) \_\_\_\_\_ ۶۰۵  
عباس کریمی (نویسنده مسئول) - باقر ریاحی مهر \_\_\_\_\_ ۶۰۵
۱۴. تاثیر نیاز و کمال بر تکامل معنوی انسان معاصر \_\_\_\_\_ ۶۲۷  
محمدحسین محمدی - عباس کریمی (نویسنده مسئول) \_\_\_\_\_ ۶۲۷



---

## مقدمه ریاست کنگره

---

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن به عنوان کتاب هدایت، تبیان هر چیزی است که سعادت دنیوی و اخروی انسان در گرو آن است. آموزه‌های وحیانی قرآن، به گونه‌ای است که هر کسی در هر سطحی از ادراک و دانش که باشد می‌تواند نیازهای اندیشه‌ای و انگیزشی خود را از آن تأمین کند.

از طرف دیگر هر انسانی نیازمند الگوهای عینی و ملموسی است که به او نشان دهند که آثار و برکات راه چیست و چگونه می‌توان به سلامت به مقصد و مقصود رسید. از این رو خداوند، پیامبر مکرم ﷺ و عترت طاهره آن حضرت را به عنوان «مبین» و اسوه‌های عینی و عملی حسنه برای مردمان شمرده تا ایشان را سرمشق خویش قرار دهند.

بر اساس بیان قرآن نتیجه تمسک به عروة الوثقی الهی و حبل الله المتین که همان قرآن و عترت است، هدایت در صراط مستقیم و رهایی از گمراهی و گمگشتگی در ظلمت‌ها است. امروز که جهان به شدت گرفتار فتنه‌های گوناگون است، نیاز بشر به این مشعل هدایت برای برون رفت از بحران‌ها بیش از هر زمان دیگر است.

انقلاب اسلامی و گفتمان برآمده از آن در چارچوب و با محوریت اسلام ناب محمدی ﷺ به دنبال ارائه نظام جامع تمدن اسلامی در جهان معاصر است. امامان انقلاب اسلامی بر آن بوده و هستند تا تمدن نوین اسلامی را شکل دهند و الگویی عینی از زیست مؤمنانه در جهان معاصر را به بشریت ارائه کنند.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که مقام معظم رهبری علیه السلام ابلاغ فرمودند، در حقیقت منشوری مبتنی بر آموزه‌های وحیانی قرآن کریم است که شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را مدنظر قرار داده و بنا دارد جهت‌گیری‌ها را در راستای تحقق آن سامان دهد.

تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و شناسایی و تبیین مبانی و اصول قرآن و حدیثی آن بی‌شک می‌تواند راهگشای تحقق آرمان‌های گفتمان انقلاب اسلامی باشد. جامعه المصطفی العالمیه در همین راستا و بر اساس رسالت و مأموریت خویش اقدام به برگزاری همایشی با موضوع تبیین مبانی و اصول قرآنی و حدیثی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نمود. ضمن تقدیر و تشکر از برگزارکنندگان این همایش ارزشمند به‌ویژه همکاران گرامی در مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث و همچنین فضلاء و اساتیدی که با ارائه بیش از ۱۰۸۰ مقاله به دبیرخانه دائمی همایش قرآن و حدیث المصطفی در این رویداد بزرگ علمی مشارکت داشته‌اند برای همگان توفیق خدمت به ساحت قرآن کریم را از خدای بزرگ مسألت دارم.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

علی عباسی

آذرماه ۱۴۰۰

---

## مقدمه مدیر علمی

---

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾؛ (اسراء، آیه ۹).

قرآن کریم نوری در ظلمات جهل و کفر و شرک و خرافات جاهلیت بود جهان را در چهارده قرن پیش روشن ساخت و انقلابی در جهان برپا کرد که گام اول آن در عصر پیامبر اسلام ﷺ برداشته شد و گام دوم آن در عصر امام علی علیه السلام برداشته شد و گام‌های بعدی توسط امامان اهل بیت علیهم السلام پیموده شد و گام آخر آن توسط مهدی آل محمد علیهم السلام برداشته خواهد شد.

یکی از جلوه‌های این انوار الهی در انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ شمسی درخشید و گام اول آن توسط امام خمینی رحمته الله علیه برداشته شد و تا چهل سال ادامه یافت، و اینک گام دوم آن توسط جانشین علی وار ایشان امام خامنه‌ای علیه السلام برداشته می‌شود و می‌رود تا این انقلاب به دست صاحب اصلی آن حضرت بقیه الله عز وجله داده شود تا گام نهایی آن به دست ایشان رقم بخورد (ان شاء الله) حضرت امام خامنه‌ای علیه السلام برای پیمودن گام دوم انقلاب اسلامی بیانیه‌ای گرانسنگ صادر فرمودند و برنامه‌ای راهبردی و آینده پژوهانه را ترسیم نمودند که چراغ راه ایران و امت اسلامی باشد.

از آنجاکه مفاد این بیانیه مستند به آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام است. دانشوران «مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه» بر خود فرض دیدند که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث اهل بیت علیهم السلام تبیین کنند تا

مبانی، مستندات و لوازم قرآنی حدیثی محتوای عالی این بیانیه روشن گردد و زیر ساخت فرهنگی جهت عملیاتی شدن بیانیه گام دوم فراهم گردد.

بر این یک ماه بعد از صدور بیانیه گام دوم در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ شمسی یعنی در اسفند ۱۳۹۸ شمسی نخستین جلسات کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث برگزار شد و شروع آن اعلام شد.

لیکن مراحل اداری و مقدمات کار در سال ۱۳۹۸ شمسی انجام و جذب مقالات و نشست‌های علمی آن آغاز شد و با استقبال زیاد قرآن پژوهان و مراکز علمی روبه‌رو شد لیکن به خاطر شیوع بیماری کرونا (اسفند ۱۳۹۸ ش) برگزاری اجلاس نهایی کنگره به تاخیر افتاد تا در زمستان ۱۴۰۰ شمسی این شجره طیبه به بار نشست و به همت همکاران کنگره به ویژه قائم مقام مدیر و معاون علمی کنگره حجت‌الاسلام والمسلمین محمد امینی تهرانی و با حمایت خاص ریاست جامعه المصطفی‌العالمیه حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و دیگر مسئولان؛ کاری عظیم سامان یافت که در زمره بزرگترین کنگره‌های تاریخ ایران گشت، والحمد لله رب العالمین.

---

## گزارش اجمالی کنگره

---

### ۱. اهداف کنگره:

همایش گام دوم دارای اهدافی است که در ذیل به آن اشاره می‌گردد:

۱. تبیین مبانی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
۲. تبیین راهکارهای اجرایی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
۳. تبیین جایگاه قرآن و حدیث در گام دوم انقلاب اسلامی
۴. تقویت و تعمیق گام دوم انقلاب اسلامی در اندیشه دینی
۵. تبیین الگوی قرآنی و حدیثی انقلاب اسلامی برای جهانیان
۶. تبیین نقش نهادهای قرآنی به‌ویژه در جامعه المصطفی‌العالمیه در گام دوم انقلاب اسلامی
۷. تبیین مبانی گام دوم انقلاب اسلامی انقلاب با توجه به آموزه‌های قرآنی و حدیثی.

### ۲. محورهای کنگره:

گام دوم، عقلا نیت و قرآن و حدیث	گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث
گام دوم و تمدن و قرآن و حدیث	گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی
گام دوم و غرب و شرق	گام دوم و آینده‌پژوهی
گام دوم و دانش‌های قرآنی و حدیثی	راهکارهای اجرایی سازی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
مبانی و مستندات قرآنی و حدیثی بیانیه گام دوم	رسالت طلاب جامعه المصطفی‌العالمیه در تحقق بیانیه گام دوم
نقش جوانان در تحقق بیانیه بیانیه گام دوم	نقش بانوان و خانواده در گام دوم انقلاب اسلامی

### ۳. شورای سیاست‌گذاری کنگره

حضرت آیت‌الله اعرافی رئیس هیئت امنای جامعه المصطفی‌العالمیه و ریاست حوزه‌های علمیه	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عباسی رئیس جامعه المصطفی‌العالمیه
حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبادی معاونت پژوهش جامعه المصطفی‌العالمیه	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر قنبری معاونت ارتباطات و بین‌الملل جامعه المصطفی‌العالمیه
حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر جزایری معاونت آموزش جامعه المصطفی‌العالمیه	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی عراقی مسئول دفتر معظم رهبری در قم
حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رستم نژاد معاونت آموزش حوزه‌های علمیه	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر جزایری معاونت آموزش جامعه المصطفی‌العالمیه
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد فاکرمیبدی رئیس مدرسه عالی قرآن و علوم	حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی رئیس مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی تهرانی رئیس مدیر گروه علمی قرائات	حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر رئیس مدرسه عالی تفسیر
حجت‌الاسلام والمسلمین محمد حسن پیرولی معاونت آموزش مجتمع قرآن و حدیث	حجت‌الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی معاونت پژوهش مجتمع قرآن و حدیث
حجت‌الاسلام والمسلمین حسن رضایی رییس پژوهشگاه المصطفی	حجت‌الاسلام والمسلمین مسلم احمدلومعاون فرهنگی تربیتی مجتمع قرآن و حدیث

### ۴. شورای علمی کنگره

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن زمانی معاون اجتماعی حوزه‌های علمیه	حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی ریاست محترم مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبد‌الکریم بهجت پور ریاست حوزه‌های علمیه خواران	حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد فاکر میبدی ریاست مدرسه عالی قرآن و علوم
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبد‌الکریم بی‌آزار شیرازی	حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر ریاست مدرسه عالی تفسیر و علوم قرآن
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن پیرولی	حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی



معاون آموزش مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث	تهرانی مدیر گروه علوم و فنون قرائات مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین محمدی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حیدر طباطبائی مدیر گروه علوم حدیث مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر صاعد رازی نماینده انتشارات انقلاب اسلامی و سایت اینترنتی مقام معظم رهبری	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید یوسف موسوی معاون پژوهش مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد رضا ستوده نیا عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد اسکندرلو مدیر گروه علوم قرآن مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر روشن ضمیر معاون پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی	حجت الاسلام والمسلمین حسین شیرافکن عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید عیسی مسترحمی مدیر گروه قرآن و علوم طبیعی مجتمع عالی قرآن و حدیث	حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی رستم نژاد معاون آموزش حوزه های علمیه سراسر کشور
حجت الاسلام دکتر غلام جابر جعفری از کشور پاکستان و نمایندگی روسیه	دکتر حمیدرضا طوسی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی
دکتر فائق ولی زاده از کشور روسیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد یعقوب بشوی از کشور پاکستان
دکتر سید علی سید اف از کشور تاجیکستان	دکتر رییس اعظم شاهد از کشور هندوستان

## ۵. ارکان کنگره

مدیر علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی (ریاست مجتمع عالی قرآن و حدیث)

معاونت علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی تهرانی

معاونت اجرایی: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی

مسئول دبیرخانه: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین

### ۶. کمیته اجرایی کنگره

معاون علمی کنگره و قائم مقام مدیر: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی تهرانی  
 معاون اجرایی کنگره: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی  
 معاون پیشتیبانی و منابع انسانی: حجت الاسلام والمسلمین خلیل زاد  
 معاون ارتباطات و بین الملل: جناب آقای حسین حیدری  
 معاون فرهنگی مجتمع عالی قرآن و حدیث: حجت الاسلام والمسلمین احمدلو

### دبیرخانه کنگره

مسئول دبیرخانه: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین  
 مسئول ارزیابی: حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی  
 مسئول روابط عمومی: حجت الاسلام والمسلمین عقیل یوسفی  
 مسئول سایت و نشست های علمی: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت سمنانی

### ۷. کمیته های علمی کنگره

اول: کمیته گام دوم، علوم عقلی و قرآن و حدیث

مدیر کمیته:	دبیر کمیته:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی رستم نژاد	حجت الاسلام دکتر محمد جواد دشتی

### اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد باقر قیومی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی عزیزی علویجه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی یوسفی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد غفاری	

**دوم: کمیته گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث**

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر سید عیسی مسترحمی	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی
--	---

**اعضای کمیته:**

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین صاعد رازی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی واشیان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی آقاصفیری	جناب حجت الاسلام والمسلمین میثم ناظمی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حامد دادسرشت تهرانی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی همتیان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالمومن حکیمی	حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالله توکلی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین رفیعی	

**سوم: کمیته گام دوم، تمدن و قرآن و حدیث**

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت
---	--

**اعضای کمیته:**

حجت الاسلام والمسلمین عباس الهی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حسین شفیعی دارابی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدهادی منصوری	حجت الاسلام والمسلمین سیدرضی زکی مرتضوی

**چهارم: کمیته گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی**

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی آدریانی	دبیر کمیته: جناب آقای محمد زینلی
---	-------------------------------------

**اعضای کمیته:**

حجت الاسلام والمسلمین حمید الهی دوست	حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم ملکی
حجت الاسلام والمسلمین محسن جلالی	حجت الاسلام والمسلمین محمد قربانی مقدم
جناب آقای دکتر احمدی فراز	جناب آقای محسن برقی کار
سرکار خانم زهرا سهرابی	سرکار خانم زهرا توکلی

**پنجم: کمیته گام دوم، انقلاب اسلامی و غرب و شرق از منظر قرآن و حدیث**

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدحسن زمانی	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر باقر ریاحی مهر
---	--

**اعضای کمیته:**

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد نوروزی	جناب آقای دکتر غلام حسین مقیمی
جناب آقای دکتر حسن رضایی هفتادر	جناب آقای دکتر سید حسین علوی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی براتی یزدی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر باقر ریاحی مهر

**ششم: کمیته گام دوم، و دانش های قرآنی و حدیثی**

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر فاکر میبدی	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر عبدالله جبرئیلی
--	---

**اعضای کمیته:**

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی طهرانی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجعلی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدحیدر طباطبائی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدصادق یوسفی مقدم

**هفتم: کمیته گام دوم، آینده پژوهی قرآنی و حدیثی**

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر غلامرضا بهروزی لک	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین
---	---

**اعضای کمیته:**

دکتر اسماعیل شراهی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید جعفر رحمان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد کوهی	دکتر محمد رحیم عیوضی

**هشتم: کمیته تخصصی بانوان**

مدیر کمیته: سرکار خانم زینب بهجت پور	دبیر کمیته: سرکار خانم دکتر سمیه کامرانی
--------------------------------------	--

**اعضای کمیته:**

سرکار خانم دکتر زینب طیبی	سرکار خانم دکتر طاهره ماهرو زاده
سرکار خانم دکتر رقیه جاویدی	سرکار خانم دکتر عاطفه صادقی
سرکار خانم دکتر راضیه زارعی	سرکار خانم دکتر معصومه شریفی

**نهم: کمیته بین الملل**

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر محمد یعقوب بشوی از پاکستان	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین محمد عسکری از پاکستان
--	--

**اعضای کمیته:**

جناب آقای دکتر غلام جابر محمدی از پاکستان	جناب آقای دکتر رئیس اعظم شاهد از پاکستان
جناب آقای سید مجتبی رضوی از هندوستان	دکتر ترلان سیف الله اف از آذربایجان
دکتر منظر بیاتی از عراق	جناب آقای استیفان شفر از آلمان
جناب آقای رحمان دهلان از اندونزی	جناب آقای عبدالقادر محمد بلو از نیجریه
جناب آقای عباس خان فاضل اف از تاجیکستان	

## ۸. آثار کنگره

۱. شناخت نامه کنگره	۲. منبع شناخت بیانیه گام دوم
۳. نشست‌ها، کرسی‌ها و کارگاه‌های کنگره	۴. چکیده مقالات کنگره (فارسی) (جلد اول)
۵. چکیده مقالات کنگره (فارسی) (جلد دوم)	۶. چکیده مقالات کنگره (غیر فارسی)
۷. علم و عقل در گام دوم انقلاب اسلامی	۸. علوم و بیانیه گام دوم (جلد اول) (علوم اجتماعی. اقتصاد. سیاست. مدیریت)
۹. علوم و بیانیه گام دوم (جلد دوم) (علوم تعلیم و تربیت، روانشناسی و پزشکی)	۱۰. دانش‌های قرآنی در گام دوم (جلد اول)
۱۱. دانش‌های قرآنی در گام دوم (جلد دوم)	۱۲. تمدن نوین اسلامی و گام دوم (جلد اول)
۱۳. تمدن نوین اسلامی و گام دوم (جلد دوم)	۱۴. انقلاب اسلامی و غرب
۱۵. رویکرد قرآنی بانوان به گام دوم	۱۶. آینده‌پژوهی و مهدویت در گام دوم
۱۷. سبک زندگی و گام دوم (جلد اول)	۱۸. سبک زندگی و گام دوم (جلد دوم)
۱۹. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد اول) (زبان اردو)	۲۰. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد دوم) (زبان اردو)
۲۱. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد سوم) (عربی، انگلیسی)	۲۲. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد چهارم) (هندی، آذری، بنگالی، برمه‌ای، آلمانی، اندونیزی، تاجکی، فرانسوی، روسی، ترکی، بلتی و...)

تذکره: تمام آثار در سمیم بررسی و مشابهت‌یابی انجام شد و سه مقاله به خاطر مشابهت

بالا حذف شد.

۹. مجلات منتشرکننده مقالات کنگره:

۱. مجله علمی قرآن و علم
۲. مجله علمی مطالعات قرائت قرآن
۳. مجله علمی قرآن پژوهی خاورشناسان
۴. مجله علمی علوم حدیث تطبیقی
۵. مجله تخصصی مطالعات حدیث پژوهی
۶. مجله تخصصی قرآن و علوم
۷. مجله تخصصی مطالعات قرآن پژوهی نور وحی

۱۰. کنگره در آینه آمار

تعداد کل چکیده‌ها: ۱۶۹۶	مقالات پذیرفته شده: ۹۵۸
مقالات چاپ شده در مجلات: ۴۲	مجموع مقالات رسیده به کنگره: ۱۰۸۲
مقالات چاپ شده در مجلدات: ۲۸۲	مجلدات منتشرشده: ۲۲
تعداد ارزیابان: ۷۱	تعداد نشست‌ها: ۱۶۳
تعداد کرسی‌های علمی و ترویجی: ۸	تعداد کارگاه‌ها: ۴۰

تذکر: دو جلد مجموعه مقالات کنگره به صورت جداگانه توسط مرکز خواهران هرمزگان

منتشر می‌شود.

۱۱. نرم افزارهای کنگره:

مجموعه آثار کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

## ۱۲. ارزیابان مقالات:

آقایان: محمد علی رضایی اصفهانی، محمدفاکر میبیدی، محمدحسن زمانی، مهدی رستم نژاد، غلامرضا بهروزی لک، حسین علوی مهر، سید عیسی مسترحمی، محمد امینی تهرانی، عباس علی واشیان، عباس الهی، محمد حسین صاعد رازی، علی کریم پور قراملکی، عبدالله جبرئیلی، حسن رضا رضایی، علی آقا صفری، محمدرضا حقیقت سمنانی، مهدی جهانی، علی رضا شاهین، محمداقبر ریاحی مهر، محمد جواد دشتی، محمد یعقوب بشوی، محمد عسکری ممتاز، عقیل یوسفی زارمی، سید مجتبی رحمانی، سید مجتبی رضوی اصیل، سیدرضی زکی مرتضوی، میثم ناظمی، علی فرهنگدیان، محمد حسین رفیعی، سید علی حسینی، سعید حسنی، حسین مرکزی مقدم، مجتبی انصاری مقدم، کامران اویسی، مهدی سازندگی، نجات یحیی، مجید ابوالقاسم زاده، عباس جوانشیر، علی اصغر کوراوند، محمدهادی منصوری، محمد حسین محمدی، علی محمد راهی، مهدی همتیان، ابوذر رجبی، حمید رضا کاظمی.

بانوان: زینب بهجت پور، زینب طیبی، نسترن بهرمان، منیژه کاشانی، محبوبه جوکار، معصومه حاجی مقصودی، مریم رمضانیان، نرگس رشیدی راوندی، سیده نفیسه حسینی واعظ، فاطمه طائبی، سمیه پاپی، حمیده کرمی، عفت رمضانیان، صدیقه بهرامی، فاطمه حسین آبادی، مریم افشارویگنی، حدیثه سلیمانی، فهیمه ربیعی، فاطمه قنبری، طاهره سادات ضیاء حسینی، فاطمه عطارد، مهدیه علوی فر، طیبه توکلی، سیده معصومه فاطمی، طاهره عبداللهی، زهرا فتحی، الناز جهان پور، راضیه شیرینی، پریوش علیزاده، فاطمه درویشی، صدیقه کاویانی.



۱۳. مراکز علمی همکار کنگره

۱. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها	۲. دانشگاه علوم اسلامی رضوی
۳. مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه‌های علمیه	۴. مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۵. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم	۶. مرکز تخصصی قرآن امام علی بن ابیطالب <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۷. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی <small>رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ</small>	۸. مؤسسه پژوهش‌های قرآنی المهدی <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۹. پژوهشکده اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی	۱۰. مرکز تخصصی کلام ائمه اطهار <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small>
۱۱. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	۱۲. مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن
۱۳. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم	۱۴. دانشگاه میبد
۱۵. دانشگاه معارف	۱۶. انجمن‌ها و قطب‌های علمی حوزه علمیه قم
۱۷. رادیو معارف	۱۸. شبکه قرآن و معارف سیمای جمهوری اسلامی ایران
۱۹. مؤسسه مطالعات اسلامی	۲۰. مرکز تخصصی امام خمینی <small>رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ</small>
۲۱. دانشگاه امام صاق <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	۲۲. دانشگاه قم
۲۳. مرکز تخصصی تفسیر ائمه اطهار <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small>	۲۴. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم اصفهان
۲۵. انجمن قرآن پژوهی حوزه	۲۶. دانشگاه علامه طباطبائی <small>رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ</small>
۲۷. جامعه الزهرا <small>عَلَيْهَا السَّلَام</small>	۲۸. مرکز مدیریت حوزه علمیه خاوران
۲۹. پژوهشگاه امام صاق <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	۳۰. سیلیویکا
۳۱. مؤسسه فتوح اندیشه	۳۲. دانشگاه آزاد اسلامی
۳۳. دانشکده شهید محلاتی	۳۴. دانشگاه فرهنگیان
۳۵. معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه	۳۶. دانشگاه اشرفی اصفهان
۳۷. نمایندگی المصطفی اصفهان	۳۸. پژوهشگاه المصطفی

۱۴. نشانی پایگاه اطلاع رسانی کنگره

<http://hamayesh.miu.ac.ir/hadith/fa>

نشانی کانال کنگره در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/Conferencegam2>

---

## سخن پایانی

---

در پایان لازم است از همه کارگزاران کنگره به ویژه مدیران محترم کمیته های علمی کنگره، معاونان محترم حجج اسلام دکتر امینی تهرانی و موسوی و اعضای دبیرخانه که با زحمات شبانه روزی و نویسندگان و ارزیابان محترم کتابها و مقالات و نیز همه کسانی که در آماده سازی آثار و برگزاری کنگره زحمت کشیدند به ویژه مسئول محترم انتشارات بین المللی المصطفی حجت الاسلام والمسلمین نویخت و همکاران انتشارات و ریاست امور مشترک مجتمع عالی امام خمینی رحمته الله علیه حجت الاسلام والمسلمین زهادت و به صورت خاص ریاست جامعه المصطفی عليه السلام العالمیه حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و معاون پژوهش المصطفی عليه السلام حجت الاسلام والمسلمین عبادی و نیز معاونت پژوهش حوزه های علمیه حجت الاسلام والمسلمین مقیمی که حمایت خاص از این کنگره نموده اند، تشکر کنم. اجرهم علی الله.

والحمد لله رب العالمین

مدیر علمی کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

محمد علی رضایی اصفهانی

۱۴۰۰/۸/۲۲

---

## مقدمه معاون علمی

---

بسم الله الرحمن الرحيم

هر روزی که سپری می‌شود و هر لحظه‌ای که به جلو می‌رویم برگه‌ای زرین از مدیریت داهیانه و حکیمانه ناخدای مدبر انقلاب اسلامی ایران مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای عنه‌السلام هویدا و آشکار می‌گردد.

یکی از این برگه‌های زرین و جلوه‌های درخشان مدیریتی ایشان «بیانیه گام دوم» انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران است. این بیانیه صحبت‌های بی‌پرده و شفاف یک مدیر و پدر دلسوزی برای فرزندان و ملت خود است که پس از طی زمانی ۴۰ ساله با همه سختی‌ها در حال عبور از مرحله‌ای سخت و ورود به مرحله مهم دیگری هستند که قرار است با پیمودن صحیح آن یک «پیچ تاریخی» در جهان معاصر اتفاق افتد.

بیانیه گام دوم آگاهی بخشی به منظور آماده کرده ملتی بزرگ برای مسئولیت‌های پیش روست. این بیانیه نقش راه انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به یک تمدن نوین اسلامی است. این بیانیه نشان از صداقت مدیری و رهبری فرزانه دارد که بدون تعارف همه خطرهای سختی‌های راه را برای روندگان آن، روشن می‌نماید و علاوه بر بیان نعمت‌ها و رویش‌های انقلاب اسلامی، ضعف‌ها و سختی‌ها را نیز بیان می‌نماید.

روشن و واضح است که بیانات و نوشته‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران متأثر از اندیشه‌های ناب ایشان است و این اندیشه‌های ناب در بستر قرآن و احادیث نورانی

اهل بیت علیهم السلام شکل یافته است. اندیشه‌هایی که از دوران کودکی و نوجوانی و جوانی تا میان سالی و بزرگ سالی همگی در اثر انس بسیار ایشان با قرآن و عترت شکل گرفته است. به یقین می‌توان گفت که برای همه عبارات ایشان در «بیانیه گام دوم» می‌توان مستندی از قرآن و حدیث یافت و به نوعی آن را با قرآن و حدیث ارتباط داد. وظیفه همه علاقه مندان به انقلاب اسلامی است تا ارتباط این بیانیه ارزشمند را با قرآن کریم بیش از پیش روشن نمایند و این امر مستلزم تلاشی در خور و شایسته است.

بر همین اساس کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب از منظر قرآن و حدیث در مجتمع عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه و زیر نظر استاد فرزانه حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی که خود مفسری انقلابی و نواندیش است، شکل گرفت تا در این راستا به نوعی بیانیه گام دوم را با قرآن و حدیث بسنجد و مبانی و راهکارهای اجرایی این بیانیه را از قرآن و حدیث استخراج نماید.

در بررسی مقالات رسیده به کنگره مراحل متعددی طی شده است تا این کتب به حالت فعلی تبدیل شود. اگر چه ممکن است در رسیدن به این شرائط فعلی همه مقالات یکسان نباشند اما اهم مراحل که برای هر مقاله طی شده است را می‌توان در مراحل زیر معرفی نمود:

۱. ارسال مقاله توسط نویسنده به سایت کنگره
۲. ارزیابی اولیه چکیده توسط مسئول ارزیابی جهت رفع اشکالات اولیه
۳. ارزیابی اولیه مقاله توسط مسئول ارزیابی جهت رفع اشکالات اولیه
۴. ارزیابی ثانویه توسط ارزیاب تخصصی
۵. برخی از مقالات دو یا سه ارزیاب داشته‌اند به خاطر تخصصی بودن
۶. ارسال فایل اصلاحات به نویسنده
۷. ارسال مقاله اصلاح شده توسط نویسنده به دبیرخانه
۸. رویت مقاله اصلاح شده توسط ارزیاب و تأیید نهایی

۹. ارسال مقاله به کمیته مربوطه
۱۰. ارزیابی مجدد در کمیته جهت بررسی چاپ در کتاب
۱۱. ارسال اصلاحات کمیته به نویسنده
۱۲. ارزیابی توسط معاون علمی و دبیر علمی کمیته
۱۳. رفع اشکالات و ارسال به دبیر کمیته توسط نویسنده
۱۴. تأیید نهایی مقاله توسط کمیته و چاپ در کتاب
۱۵. بررسی مقالات در سمیم جهت مشابهت‌یابی
۱۶. بررسی مجدد چکیده و یکسان‌سازی چکیده‌ها
۱۷. شکل دهی مقالات تأیید نهایی معاون و دبیر علمی
۱۸. ارسال برای انتشارات

امید است تا این فعالیت‌ها گامی در راستای رسیدن به تمدن نوین اسلامی را فراهم سازد و موجبات خشنودی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف باشد.

قائم مقام و معاون علمی کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی ایران از منظر قرآن و حدیث

محمد امینی تهرانی

۱۴۰۰/۸/۲۲

---

## اعضای کمیته گام دوم، انقلاب اسلامی و غرب و شرق

---

مدیر: حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدحسن زمانی  
دبیرکمیته: حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدباقر ریاحی مهر

### اعضای کمیته:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدجواد نوروزی دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس))  
حجت الاسلام و المسلمین دکتر عباسعلی براتی یزدی (استادیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه)  
حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدباقر ریاحی مهر (استادیار گروه مطالعات تطبیقی قرآن جامعه المصطفی العالمیه)  
جناب آقای دکتر غلامحسین مقیمی (استادیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه)  
جناب آقای دکتر حسن رضایی هفتادر (دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده پردیس فارابی دانشگاه تهران)  
جناب آقای دکتر سید حسین علوی (دانش آموخته دکترای رشته قرآن و مستشرقان)

---

## مقدمه مدیر کمیته

---

مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای «حفظه الله» به عنوان یک پیشوای دینی که در اوج هوشمندی سیاسی جهان معاصر بر قلّه دیدبانی امت اسلام ایستاده و با نگاهی تحلیلی‌گرانه نسبت به تحولات چهل ساله اول انقلاب بزرگ اسلامی چشم‌انداز آینده انقلاب و ملت قهرمان ایران و امت اسلام را در بیانیه گام دوم انقلاب تدوین و به رشته تحریر درآورده است.

(غرب) به عنوان نماد دول استکباری جهان معاصر و دشمنان انقلاب اسلامی که آمریکای جنایتکار و صهیونیسم غاصب، رهبری آن را به عهده گرفته، نقش عمده‌ای در پیشگیری از تحقق آرمان‌های والای انقلاب اسلامی و چشم‌انداز بیانیه گام دوم دارد، به همین جهت (غرب‌شناسی) که شامل اهداف دول استکباری غرب، جنایتهای گذشته آنان، توطئه‌ها و نقشه‌های کنونی آنان نسبت به انقلاب اسلامی و ملت قهرمان ایران و نیز راهکارهای مقابله با توطئه‌های غرب استعماری از بایسته‌های تمامی ملت بویژه مسئولان، مدیران، نخبگان و حوزویان است.

مقالات مجموعه حاضر اثر تعدادی از طلاب و فضلاء و اساتید حوزه‌های علمیه در خصوص غرب‌شناسی و افشاء توطئه‌های غرب علیه انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله با آنها با الهام از رهنمودهای قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم‌السلام و رهنمودهای امام خمینی علیه‌السلام و ارشادات مقام معظم رهبری «حفظه الله» می‌باشد.

بدیهی است این موضوع غرب‌شناسی با گستره ابعادش نیازمند بررسی و پژوهش‌های فراوان دیگر توسط تمامی طلاب و فضلاء و اساتید حوزه‌ها و دانشگاهیان است که باید

عصاره‌اندیشه خویش را به رشته تحریر درآورد و به جامعه حوزوی و دانشگاهی و عمومی ملت ایران تقدیم کنند.

در پایان از همه عزیزانی که برای آماده‌سازی و چاپ مجموعه مقالات کمیته تخصصی انقلاب اسلامی و غرب و شرق از منظر قرآن و حدیث و گام دوم انقلاب همت گماشتند به خصوص ریاست محترم مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و معاونت محترم پژوهش حجة الاسلام و المسلمین دکتر سید یوسف موسوی و دبیر علمی کنگره گام دوم حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد امینی تهرانی و به خصوص دوست فاضل حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمدباقر ریاحی مهر، تقدیر و تشکر به عمل آورده و از خداوند متعال توفیقات روزافزون تمامی بزرگواران و اساتید محترم را مسئلت می‌نمایم.

محمدحسن زمانی

مدیر کمیته تخصصی انقلاب اسلامی

و غرب و شرق از منظر قرآن و حدیث

۱۴۰۰/۸/۵



# فصل اول

---

توطئه‌های غرب علیه انقلاب اسلامی در گام دوم

---

---

## مفهوم‌شناسی نفوذ فرهنگی در قرآن کریم و بیانات مقام معظم رهبری

---

عبدالمحمود جهانگیری<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

سمیه احمدی طیفکانی<sup>۲</sup>

آسیه گلستانی<sup>۳</sup>

زینب ربیعی<sup>۴</sup>

### چکیده

نفوذ فرهنگی به عنوان یکی از اساسی‌ترین عناصر تغییردهنده در باورهای دینی مردم و سبک زندگی آنان مورد توجه مقام معظم رهبری است. بنابر فرمایشات مقام معظم رهبری، در نفوذ فرهنگی دشمن سعی می‌کند باورهای جامعه و سبک زندگی آن‌ها را دگرگون کند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بر اساس بیانات رهبر معظم انقلاب، شبهه افکنی یکی از مصادیق مهم در بعد تغییر باورها است که دشمن با القاء شبهه در مبانی

---

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، hamraz32@gmail.com

۲. دانش‌آموخته سطح ۳ کلام اسلامی، s.ahmadi\_t@yahoo.com

۳. طلبه سطح ۴ فقه خانواده موسسه آموزش عالی معصومیه قم، دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق

اسلامی، @vatanmail.com ۴۷۲۱۰۰moud

۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشکده معارف اسلامی هدی، قم z.rabiee1212@gmail.com

اعتقادی، باعث تضعیف اسلام می‌شود. راه دیگر نفوذ، ترویج شایعه است که بر اساس شنیده‌ها و زمینه‌های قبلی افکار عمومی شکل می‌یابد و تمایلات و امیال ذهنی را به صورت واقعیتی عینی نشان می‌دهد و راه توطئه‌گری دشمن را تقویت می‌کند. سومین عامل، اشاعه خرافات در جامعه است که با نام اسلام و به نام دین خدا و به نام محبت اهل بیت علیهم‌السلام خرافاتی را اشاعه می‌دهند. در روش عملی تغییر سبک زندگی فردی و اجتماعی با مصادیقی از جمله تجمل‌گرایی است که دشمن از این طریق قصد وابسته کردن کشور را از طریق رواج تجمل‌گرایی به وسیله وارد کردن کالاهای مصرفی غربی دارد، مصرف‌گرایی نیز با تغییر در فرهنگ مصرف به ویژه در قشر زنان سبب فلج شدن اقتصاد جامعه را دارند. در رواج مدگرایی با نادیده گرفتن ارزش‌های معنوی، سودهای کلان فرهنگی و اقتصادی برای استعمارگران غربی را به ارمغان خواهد داشت در ترویج فساد و فحشا روح و جان انسان مورد هدف دشمن واقع می‌شود تا با پیاده کردن این استراتژی، سقوط جوامع اسلامی را به دنبال خواهد داشت. در جستار حاضر، روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها کتابخانه‌ای، ابزارگردآوری فیش برداری و روش پردازش اطلاعات توصیفی - تحلیلی است. کلیدواژگان: مقام معظم رهبری، نفوذ فرهنگی، سبک زندگی، گام دوم انقلاب اسلامی.

## مقدمه

فرهنگ اسلامی همیشه با خطر نفوذ دشمنان اسلام مواجه بوده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی با الهام از معارف قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام در موارد متعددی به این مهم اشاره دارند که بهره‌مندی از بیانات معظم له در این زمینه راهگشاست. اگر نفوذ فرهنگی از طرف دشمن بر جامعه اعمال شود، در بعد اعتقادی، عملی، کارکردهای جامعه و سبک زندگی اسلامی تغییراتی صورت می‌گیرد و از اسلامیت خارج می‌شود؛ به عبارت دیگر با نفوذ فرهنگی باورها، ایمان و عادات مردم تغییر می‌کند. از این رو، تحقیق در مورد موضوع مفهوم شناسی نفوذ فرهنگی ضرورت می‌یابد. به علت گستردگی موضوع در این تحقیق به دو بعد اعتقادی و عملی با استفاده از آیات و روایات در تبیین سخنان مقام معظم رهبری پرداخته شده است.

این تحقیق در بعد اعتقادی به تغییر باورها اشاره و در بعد عملی به تغییر سبک زندگی توجه دارد. در مبحث اول شبهه افکنی، ترویج شایعه، اشاعه خرافات بیان و در مبحث دوم تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی، مدگرایی و ترویج فساد و فحشا از عناوین اصلی نفوذ فرهنگی به شمار می‌آید. این پژوهش از نوع توصیفی تحلیلی است. شیوه جمع‌آوری مطالب نیز استفاده از منابع نرم‌افزاری و کتابخانه‌ای است.

### ۱. روش‌های نفوذ فرهنگی دشمن در منظومه فکری مقام معظم رهبری علیه السلام

روش‌های نفوذ فرهنگی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام به شرح ذیل است.

#### ۱-۱. تغییر باورها

مسئله مهم در نفوذ فرهنگی تغییر در باورها است... دشمن سعی می‌کند در زمینه‌ی فرهنگی، باورهای جامعه را دگرگون کند؛ و آن باورهایی را که توانسته این جامعه را سرپا نگه دارد جابه‌جا کند، خدشه در آن‌ها وارد کند، اختلال و رخنه در آن‌ها به وجود بیاورد. خرج‌ها می‌کنند؛ میلیاردها خرج می‌کنند برای این مقصود؛ این رخنه و نفوذ فرهنگی است... (امام

خامنه‌ای، بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

.<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791,94/06/25۱۳>

در حوزه تغییر باورها که از طرف دشمن با نفوذ فرهنگی بر جامعه اعمال می‌گردد موارد متعددی را می‌توان برشمرد که در این مجال به مهم‌ترین مصادیق آن پرداخته می‌شود.

### ۱-۱-۱. شبهه افکنی

یکی از مسائلی که در بحث نفوذ فرهنگی مورد نظر دشمن است شبهه افکنی در بین آحاد مردم است، مبارزه علنی با اسلام و تشیع و شبهه پراکنی‌های شیطنی علیه فرهنگ تشیع، همیشه بوده است و هیچ زمانی هم متوقف نخواهد شد؛ هرچند روزگار معاصر هم از نظر حجم شبهات و هم از نظر سطوح مخاطبان و جامعه هدف شبهه پراکنان، قابل مقایسه با دوران گذشته نیست. در دوران جدید، با توجه به وسایل ارتباط جمعی گسترده‌ای که در اختیار است، شبهات به جای آن که در کتاب‌های علمی و در جمع اندیشمندان و مجامع علمی مطرح شوند، در روزنامه‌ها و سایت‌ها و مجلات عمومی و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و ماهواره‌ای مطرح می‌شوند؛ و به همین دلیل، هم با زبانی ساده‌تر و عوام‌فریبانه‌تر مطرح می‌شوند؛ و هم در دایره‌ای وسیع و گسترده‌تر و حجمی بالا تکثیر و ترویج می‌شوند. به همین دلیل نقش تخریبی آن‌ها بسیار بالاست. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «... یک بخش مهم از حادثه فرهنگی در جامعه امروز ما این است که این‌ها در معرض شبهات قرار می‌گیرند یعنی دشمنان شبهه القاء می‌کنند. دشمنان هم نه؛ منکرین فکر من و شما به القای شبهه می‌پردازند...» (امام خامنه‌ای، بیانات مقام معظم رهبری در جمع روحانیون استان کهگیلویه و بویراحمد در آسانه محرم، ۱۳۷۳/۳/۱۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=11612>)

ایجاد شبهه در مبانی اعتقادی جهت تضعیف آن‌ها شیوه‌ای دیگر در نفوذ فرهنگی است. دشمن اگر در این زمینه به موفقیت نائل شود، زودتر و کم‌هزینه‌تر از سایر موارد می‌تواند به اهداف خود برسد. دشمن با گسترش عرفان‌های کاذب و شیطان‌پرستی و

لابالی‌گری، به استحاله مبانی دینی و عقیدتی و بی‌رنگ و بی‌اثر شدن تعالیم آسمانی در زندگی مردم می‌پردازد و از طرفداران یک مکتب، افرادی بی‌خاصیت به وجود می‌آورد. مشرکان صدر اسلام و اهل کتاب، با ایجاد شبهات متعدد درباره قرآن و تعالیم آن، قصد داشتند مسلمانان و سایر مردم را نسبت به نبوت پیامبر ﷺ و قرآن بدبین کنند؛ نمونه‌هایی از این القائات شیطانی عبارت‌اند از: شبهه مرگ و زنده شدن در قیامت، اساطیر اولین خواندن قرآن، غیر الهی دانستن قرآن، بشر بودن پیامبر و فرشته نبودن، تعلیم گرفتن قرآن از فردی عجم (غیر عرب) و...

از آن زمان تاکنون، دشمنان قسم‌خورده دین خدا، با شبهه‌آفرینی درباره پیامبر ﷺ و آموزه‌های قرآن، در قالب‌های نوین، کینه و عداوت خود را نسبت به مکتب و حیانی اسلام به نمایش گذاشته‌اند؛ شبهاتی همچون: ازدواج‌های مختلف پیامبر ﷺ، مسئله جهاد و اتهام جنگ‌افروزی، حکم قصاص و خشونت، تفاوت دیه و ارث زن با مرد، موضوع حجاب زن و ده‌ها نمونه دیگر که از طریق ماهواره و اینترنت و رسانه‌های جمعی ارائه کرده، بر اذهان و افکار عمومی تأثیر می‌گذارند و این شبهات برای کسانی که از درجات علم و ایمان بالایی برخوردار نباشند، خطرآفرین و گمراه‌کننده است. حضرت علی علیه السلام شبهات را بسترهای مناسبی برای ایجاد فتنه می‌دانند. می‌فرماید: «اِحْذَرُوا الشُّبُهَاتِ فَإِنَّهَا وُضِعَتْ لِلْفِتْنَةِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۰). قرآن کریم نیز در این باره می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَانْتِعَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل عمران: ۷).

کسانی که انگیزه بدعت در دین دارند، به متشابهات قرآن تمسک می‌کنند. آیات قرآن طبق دسته‌بندی خود آن، به دو دسته محکّمات و متشابهات تقسیم می‌شوند. در عین حال قرآن می‌فرماید برخی از افراد به منظور فتنه افکنی متشابهات قرآن را می‌گیرند و بدون ارجاع آن‌ها به محکّمات، تفسیرهای بی‌مبنا را پایه کار خود قرار می‌دهند. اینان برای ایجاد ابهام و

تردید در دل مؤمنان و در نتیجه انحراف افکار عمومی، به متشابهاات تمسک می‌کنند (شریفی، ۱۳۸۸: ۹۳).

نتیجه شیوع شبهه در جامعه، بی‌توجهی به ارزش‌ها و احکام دینی خواهد بود. به تعبیر پیامبر اکرم ﷺ، شبهه‌های بی‌مبنا و خواسته‌های غفلت‌آفرین موجب می‌شود که حرام خدا حلال و حلال خدا حرام دانسته شود (همان: ۶۸). حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «یستحلون حرامه به الشبهات الکاذبه و الالهواء الساهیه» (نهج البلاغه: حکمت ۳۶۹). ایجاد شبهه در جوامع از ناحیه مخالفان دین، همواره روش مناسبی برای گمراه کردن مردم و فرو بردن آنان در غبار جهل و غفلت و تغییر فرهنگ آنان است. به همین منظور جوامع اسلامی، دولتمردان و مردم در چنین شرایطی باید متوجه خطر نفوذ فرهنگی در این زمینه باشند.

## ۲-۱-۱. ترویج شایعه

امروزه شایعه به‌عنوان یکی از شیوه‌های مهم در نفوذ فرهنگی مطرح است؛ و پدیده‌ای است که بر اساس شنیده‌ها و زمینه‌های قبلی افکار عمومی شکل می‌گیرد. به کمک شایعه می‌توان تمایلات و امیال ذهنی یک طبقه و قشر اجتماعی را به‌صورت واقعی عینی نشان داد. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: «... می‌فهمند دروغ است، می‌دانند دروغ است، شایعه درست می‌کنند برای این‌که از نظام اسلامی چهره‌ای بسازند که گویی با صلح و استقرار صلح در دنیا مخالف است (بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌ها، گروهان‌ها و دسته‌های عاشورای نیروی مقاومت بسیج سراسر کشور، در سالروز شهادت امام سجاد علیه السلام، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2627>، ۱۳۷۱/۴/۲۲). در جای دیگر ایشان می‌فرماید: «... مخصوص امروز هم نیست از اول انقلاب شایعه ساخته‌اند...» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۴/۲۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2895>).

جعل و پخش شایعات دروغین و نگران‌کننده، یکی از مهم‌ترین شاخه‌های نفوذ فرهنگی توطئه‌گران است. هنگامی که دشمن قادر نیست از طریق رویارویی صدمه‌ای وارد

کند، دست به پخش شایعات می‌زند و از این طریق، افکار عمومی را نگران و به خود مشغول ساخته و از مسائل ضروری و حساس منحرف می‌کند. شایعه‌سازی یکی از سلاح‌های مخرب برای جریحه‌دار ساختن حیثیت نیکان، پاکان و پراکنده ساختن مردم از اطراف آن‌ها است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴/۴۳۷).

اگرچه شایعه‌پراکنی همیشه یک مسئله اجتماعی و روانی با ابعاد گسترده است، همین ابعاد در زمان بحران، حالتی حادث‌تر به خود می‌گیرد. در هر برهه‌ی از زمان که اجتماع با مشکل روبرو شود، گزارش‌های نادرست حالتی زهرآگین پیدا می‌کنند. در زمان جنگ، شایعات با انتشار هشدارهای نا به‌جا و ایجاد امیدهای واهی، روحیه مردم را تضعیف می‌کنند و امنیت ملی را به خطر می‌اندازند؛ و بدتر از همه ویروس دشمنی و تنفر نسبت به اقلیت‌های صادق و باوفای جامعه را نشر می‌دهند (آلپرت و پستمن، ۱۳۷۴: ۸).

دهخدا در تعریف شایعه می‌گوید: «در تداول امروز، خبرهای بی‌اصل است که در میان مردم، بر سر زبان‌ها باشد» (دهخدا، ۱۳۴۱: ۱۹۱)؛ اما در تعریف دقیق‌تری از شایعه آمده است: «شایعه یک موضوع خاص گمانی بدون وجود ملاک‌های اطمینان‌بخش رسیدگی است که معمولاً به صورت شفاهی، از فردی به فرد دیگر انتقال می‌یابد» (آلپرت و پستمن، ۱۳۷۴: ۹).

قرآن مجید از شایعه با لغت ارجاف نام برده و شایعه‌پراکنان را به نام مُرْجِفُون می‌خواند. ارجاف به معنی لرزیدن است و آن دروغ‌پراکنی و انتشار اخباری است که دل‌های مردم را لرزانده و نگران نموده باشد. از شایعه در آیات قرآن سخن بسیار رفته است. همه پیامبران با بسیاری از شایعات مواجه بودند. گاهی شایعه ساحر بودن رواج داشت و گاهی شایعه قدرت طلبی و دیوانگی و ... . قوم حضرت نوح علیه السلام، همواره شایعه گمراهی، قدرت طلبی و مجنون بودن او را رواج می‌دادند: «قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (اعراف: ۶۰). در جایی دیگر می‌گفتند: «فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلُكُمْ يَرِيدُ أَنْ يَنْفِضَ عَلَيْكُمْ وَكُلَّ شَاءِ اللَّهِ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ» (مومنون: ۲۴)؛ جمعیت اشراف از قوم نوح که کافر شده بودند گفتند: این مرد بشری است هم چون شما که



می‌خواهد بر شما برتری جوید، اگر خدا می‌خواست پیامبری بفرستد فرشتگانی نازل می‌کرد، ما چنین چیزی هرگز در نیکان خود نشنیده‌ایم. خداوند درباره آنان می‌فرماید: «كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ» (قمر: ۹)؛ پیش از آن‌ها قوم نوح تکذیب کردند. آری بنده ما را تکذیب کرده و گفتند او دیوانه است و از ادامه رسالتش باز داشتند.

هم‌چنین دیگر پیامبران از تیررس این‌چنین شایعاتی در امان نبودند. در زمان پیامبر اکرم ﷺ نیز، شایعات جامعه مسلمین را گرفتار تردید، سستی و اضطراب کرده بود. شایعات عصر پیامبر از لحاظ محتوایی مانند شایعات دیگر پیامبران بود. «كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ» (ذاریات: ۵۳)؛ بدین سان بر آن‌هایی که از این پیش بودند پیامبری مبعوث نشد، جز آن‌که گفتند: جادوگری است، یا دیوانه‌ای است.

شایعه نقش مؤثری در جنگ‌های روانی دارد؛ زیرا بدون آن‌که برچسب منفی تبلیغات بخورد، شنونده آن را می‌پذیرد. بسیاری از اوقات ریشه شایعه حذف یا به فراموشی سپرده می‌شود و شنونده نیز نمی‌تواند مدرک و سند بخواند، چون گوینده هرگز ادعا نمی‌کند که مدرکی دارد. او فقط آنچه را شنیده تکرار می‌کند؛ اما خداوند از مسلمانان می‌خواهد که به راحتی هر سخنی را نپذیرند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات: ۶).

تکیه بر اخبار غیر موثق بسیار خطرناک و موجب از هم پاشیدگی نظام جامعه‌ها است، مصائب فراوانی به بار می‌آورد، حیثیت و حقوق اشخاص را به خطر می‌اندازد، انسان را به بیراهه و انحراف می‌کشاند و به تعبیر جالب قرآن در آیه مورد بحث، سرانجام مایه ندامت و پشیمانی خواهد بود. این نکته نیز قابل توجه است که: ساختن خبرهای دروغین و تکیه بر اخبار غیر موثق، یکی از حرب‌های قدیمی نظام‌های جبار و استعماری است، که به وسیله آن جو کاذبی ایجاد کرده و با فریب و اغفال مردم ناآگاه، آن‌ها را گمراه می‌سازند و سرمایه‌های آن‌ها را به تاراج می‌برند. اگر مسلمانان دقیقاً به همین دستور الهی که در این آیه وارد شده، عمل کنند و خبرهای فاسقین را بدون تحقیق و تبیین نپذیرند، از این بلاهای بزرگ، مصون

خواهند ماند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶۶/۲۲) و شایعات نیز نمی‌توانند در فرهنگ و اعتقادات آنان نفوذ پیدا کند.

### ۳-۱-۱. اشاعه خرافات

باورهای ناشی از نادانی، ترس از امور ناشناخته، درک نادرست از روابط علی معلولی را خرافات گویند (انوری، ۱۳۸۶). مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «... کسانی که خرافات را به نام اسلام بیان کنند بزرگ‌ترین دشمنی در این قسمت با اسلام، همین است که کسانی به نام اسلام و به نام دین خدا و به نام محبت اهل بیت علیهم‌السلام خرافاتی را اشاعه دهند که وقتی کسانی از این خرافات اطلاع پیدا می‌کنند بگویند (اگر اسلام این است ما اسلام را نمی‌خواهیم!). این ضربه‌ی بزرگی است. (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2830>، ۱۳۷۶/۱/۱)

قرآن کریم، از خرافات با عنوان «اساطیر» یاد کرده است. «اساطیر» به معنای «اباطیل» و سخنان بیهوده‌ای است که هیچ پایه و اساسی ندارند (طریحی، ۱۳۷۵). هنگامی گفته می‌شود «سطر فلان علینا تسطیرا» که شخصی سخنانی شبیه باطل بیاورد و زمانی که گفته شود: «فلان سطر علی فلان» که سخنان بیهوده بگوید (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۳۷۳/۵).

در آیه «وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (انفال: ۳۱)، کلمه اساطیر به معنای احادیث و جمع اسطوره است و بیشتر در اخبار خرافی استعمال می‌شود. جمله «قد سمعنا» و جمله «لو نشاء لقلنا» و همچنین تعبیر به «مثل هذا» با این‌که می‌بایست گفته باشند مثل هذو و یا مثلها همه حکایت کلام مشرکین است که اهانت ایشان را به آیات خدا و بی‌اعتنائی آن‌ها را نسبت به مقام رسالت می‌رساند و نظیر آن، آیه «ان هذا الا اساطیر الاولین»: «نیست این جز همان خرافات پیشینیان» است و معنای آیه این است که: «و اذا تتلیٰ علیهم آیاتنا» وقتی آیات ما که تردیدی در آن نیست که از ناحیه ما است، بر ایشان تلاوت می‌شود با اینکه به خوبی کشف می‌کند از آن دین حقی

که ما از ایشان خواسته‌ایم مع‌ذلک لجاجت و عناد به خرج داده و از در توهین به امر آن و بی‌اعتنائی به امر رسالت ما گفتند: «قد سمعنا» خیلی خوب شنیدیم و فهمیدیم که این حرف‌ها که برای ما می‌خوانی هیچ حقیقتی ندارد، حقیقتش این است که از همان خرافات عهد قدیم است، «لو نشاء لقلنا مثل هذا» اگر بخواهیم ما هم می‌توانیم مثل آن را ببافیم، اما ما به امثال این‌گونه مطالب خرافی اعتنائی نداریم (طباطبایی، بی‌تا: ۸۷/۹).

منشأ عمده خرافات، جهل و نادانی بشر است؛ از این رو، این مسئله بیشتر در بین مردم عوام رواج پیدا نموده است.

دیدگاه اسلام نسبت به خرافات، آن است که خرافات را به منزله غل و زنجیرهایی می‌داند که بشر بر دست و پای فکر و روح خود بسته است. «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف: ۵۷)؛ همانان که از این فرستاده پیامبر درس نخوانده که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند پیروی می‌کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند و از [دوش] آنان قیدوبندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاری‌اش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند آنان همان رستگارانند. منظور از غل و زنجیر در دنیا، زنجیر جهل و نادانی، زنجیر انواع تبعیضات و زندگی طبقاتی، زنجیر بت‌پرستی و خرافات و زنجیرهای دیگر، است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶/۴۰۰).

در تاریخ اسلام، نمونه‌های زیادی از گرفتاری مردم در چنگال اساطیر و خرافات نقل شده است. به عنوان مثال علت نوشیدن آب توسط حیوانات را وجود دیوها در میان شاخ و جسم حیوانات می‌دیدند و یا اگر کسی را عقرب و مار می‌گزید، بر گردن مار و عقرب گزیده،

زیور آلات طلایی می‌آویختند (سبحانی، ۱۳۷۵: ص ۶۲-۵۷). دنیای امروز نیز درگیر خرافات با اشکال جدید است. علامه طباطبائی ادله دانشمندان طبیعی و متمدن دنیا در خصوص پایه‌های علم امروزی که بر اساس حس و تجربه است را نمونه‌ای از خرافه پرستی عجیب امروزی می‌خواند و می‌گوید: «در حالیکه همین اساسشان خودش یکی از خرافه پرستی‌های عجیب است، برای اینکه علوم طبیعی از خواص طبیعت بحث می‌کند و آثار هر موضوعی را برای آن اثبات می‌نماید و به عبارتی دیگر این علوم مادی عرصه جولانگاهش تنها ماده است که باید آثار و خواص ناپیدای ماده را پیدا کند و اما غیر آثار آن را نمی‌تواند متعرض شود و در آن چیزی را اثبات و یا نفی کند، پس اعتقاد به نبود چیزی که دست حس و تجربه به آن نمی‌رسد، اعتقادی بدون دلیل و از روشن‌ترین مصادیق خرافه است» (طباطبایی، بی‌تا: ۳۲۹/۱).

یکی از مصادیق و شیوه‌های جنگ نرم برای غرق کردن انسان و جامعه در مرداب پندارها و اندیشه‌های باطل و جاهلی و البته آغازی برای نفی اصالت فرهنگی جامعه، خرافات است که می‌تواند تأثیرات منفی و نابهنجاری چون عقب ماندگی از جهات مختلف، رکود، انحرافات اخلاقی، عقیدتی و ... را به همراه داشته باشد.

از آنجا که نفوذ فرهنگی افکار عمومی و آرمان‌ها و باورهای عمومی را نشانه رفته است و یکی از لوازمات اصلی در تأثیرگذاری بر افکار عمومی، رسانه‌های جمعی است، بنابراین موضوع خرافات و باورهای نادرست در هم‌نشینی با رسانه‌های جمعی از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود. از این رو می‌توان به این نتیجه رسید که دین آلوده به خرافات و آمیخته با تاریکی‌ها نمی‌تواند در مقابل پیشرفت‌های علمی مقاومت نماید (بیانات در دیدار فرماندهان و گروه کثیری از پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار، ۱۳۷۸/۸/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2980>)

## ۲-۱. تغییر سبک زندگی فردی و اجتماعی

منظور از شیوه زندگی، یعنی مجموعه‌ای از رفتارها و عملکردهایی که به منظور تأمین

نیازها و احتیاجات روزمره خود به کار گیرد. افزون بر این، شیوه زندگی هر فردی بیانگر هویت شخصی و معرف شخصیت آن فرد است. سبک زندگی هر فرد و جامعه‌ای، شاخص و نشانه‌ای از هویت فردی و اجتماعی آن‌هاست. فرماندهان و کارگزاران دشمنان اسلام، برای تغییر باورها و ارزش‌های جامعه هدف، سعی می‌کنند از راه دگرگون کردن شیوه زندگی افراد، وارد شوند. تغییر در نوع پوشش، آرایش، طرز خوراک و نوع معماری و مدها و مدل‌های مختلف، زمینه تغییر در باورها و ارزش‌های افراد را نیز فراهم می‌کنند؛ هر چند پذیرش این نوع تغییرات، خود به یک معنی، معلول تغییر در باورها و ارزش‌ها و ذهنیت‌ها هم است. به تعبیر دقیق‌تر، رابطه باورها و ارزش‌ها و سبک زندگی، رابطه‌ای متقابل است. ابزارهای رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی و تبلیغی و ابزارهای مکتوب و تصویری، همگی برای تغییر در سبک زندگی به خدمت گرفته می‌شوند و به صورت آرام و غیر مستقیم، اهداف پشت پرده را عملیاتی می‌کنند (شریفی، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «... یکی از عیوب ما و جوامع ما در طول زمان این بوده است که گاهی فرهنگ خود را متأثر می‌کردیم از فرهنگ بیگانگان، ما را سوق دادند به سمت زندگی کسانی که دل و جان‌شان خالی بود از نور معنویت؛ در سبک زندگی در کیفیت پوشش در کیفیت راه رفتن در کیفیت معاشرت‌ها و ارتباطات اجتماعی...» (بیانات در محفل انس با قرآن در روز اول ماه مبارک رمضان سال ۱۴۳۴ق: ۱۳۹۲/۴/۱۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23070>)

نهاد خانواده یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهادهای تربیتی جامعه است و در سعادت و شقاوت فرد و جامعه، خانواده نقش اساسی دارد اگر دشمنان بخواهند به آداب و سنن و فرهنگ یک جامعه یورش ببرند، راه سهل و آسان رسیدن به هدف، خانواده است؛ و این را دشمن به خوبی دریافته است که تنها راه استحاله نظام جمهوری اسلامی بی اساس کردن و فروپاشی بنیان خانواده است. به همین خاطر تمام تلاش خود را بر این گذاشته‌اند که بنیان خانواده را در هم ریخته و به نابودی بکشانند؛ و برای از بین بردن این نهاد ارزشی لازم است

که تغییری در باورها و نگرش‌های عمومی صورت گیرد.

بنابراین با ایجاد مدل‌های رفتاری جدید در خانواده‌ها، موفق به ایجاد مدل‌های رفتاری جدید بر اساس باورها و اعتقادات جدید می‌شوند. جامعه‌ی امروز ایران با این مسائل مواجه است که شاید رد آن را بتوان در تغییر سبک زندگی و مصرف‌گرایی یافت. مسئله‌ی حجاب، رواج ارزش‌های مصرفی، گسترش کالاهای مصرفی، تلاش خانواده‌ها برای تأمین اقتصادی بیشتر در راستای ارضای نیاز به مصرف، تغییر در سبک پوشش، رواج زنانه شدن مصرف و... مسائلی از این دست هستند... (جعفری، ۱۳۸۰: ۲۷). در تغییر سبک زندگی که به تبع نفوذ فرهنگی در جامعه صورت می‌گیرد مصادیقی وجود دارد که در ذیل به مواردی از آنها پرداخته می‌شود:

### ۱-۱-۲. تجمل‌گرایی

استعمارگران برای فراهم کردن زمینه‌های سقوط ملت ایران و نابودی فرهنگ ایرانی، از ترویج تجمل‌گرایی به روش‌های گوناگون کمک گرفتند. از آنجا که دشمنان اسلام، راه وابسته کردن ایران را از طریق رواج تجمل‌گرایی در آن تجربه کرده‌اند، بار دیگر در عصر حاضر این نقشه را به کار گرفته‌اند تا نیروی جوان و سرمایه‌های عظیم کشور را به مدپرستی و تجمل‌گرایی سرگرم کنند، با این تفاوت که این بار تبلیغ می‌کنند محصولات خارجی بهتر است. با کمال تأسف، امروزه بر روی پوشاک و دیگر وسایل زندگی مسلمانان مارک‌ها و خط‌های خارجی، بسیار به کار می‌رود که برخی از این نوشته‌ها، پیام‌های زشت اخلاقی و شهوانی را در بردارد. اگر نقاب مرغوبیت یا استحکام جنس خارجی به کنار زده شود، چهره زشت وابستگی و ذلت و سرانجام، نابودی فرهنگ ایرانی در پس آن به چشم می‌خورد.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «... کسانی که اهل تجمل و چسبیدن به زر و زیور آلات هستند و یا کورکورانه یا چشم بسته می‌خواهند از الگوهای غربی در لباس و پوشاک و سبک زندگی تقلید کنند غالباً از سواد و معلومات و معرفت کافی بهره ندارند...»

(بیانات در جمع خواهران ارومیه، ۱۳۷۵/۶/۲۸،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2812>).

از این رو می‌توان گفت که اعمال نفوذ فرهنگی غرب از دیدگاه مقام معظم رهبری سبب تجمل‌گرایی شده است... امروزه اثر مستقیم روحیه تجمل‌گرایی بر واردات کالاهای مصرفی لوکس و پیروی از مدهای گوناگونی که حجم انبوهی از فرهنگ و ارزشهای غربی را یدک می‌کشند، بر کسی پوشیده نیست نگاهی به زندگی روزانه مرفهین بی درد نشانگر این واقعیت است که پیروی از مد، حتی در شیوه خوراک آنان نیز دگرگونی پدید آورده است. البته زیان روحیه رفاه جویی و تجمل‌گرایی تنها در تغییر شیوه پوشش، خوراک و رفتارهای اجتماعی و شخصی آشکار نمی‌شود بلکه در بالا رفتن میزان بزهکاری‌ها و زیر پا نهادن اصول اخلاقی نیز اثری شگرف دارد (مرکز تحقیقات سپاه، تهاجم فرهنگی، ۱۳۷۸: ۳۶).

در جامعه‌ای که تمام تلاش اعضای آن، دست‌یابی به تجملات بی حد و حصر باشد، دیگر مفاهیمی چون زهد، قناعت، انفاق و ایثار هیچ جایگاهی نخواهد داشت؛ زیرا همه این ارزش‌ها مخالف خواست و میل آنان است و هیچ کدام برای آن‌ها ارزشی ندارند. تجمل‌پرستی در میل درونی انسان به اندوختن مال و زینت‌های مادی ریشه دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ» (یونس: ۸۸)؛ موسی علیه السلام گفت: پروردگار ما! تو فرعون و اشراف وابسته او را در زندگی دنیا، زیور و دارایی داده‌ای که با آن، مردمان ما را از راه تو گمراه کنند. خدایا! دارایی آنان را نابود ساز. اگر مال و زینت‌های دنیایی، دل‌ها را تسخیر نمی‌کرد، پیامبر عظیم الشانی هم چون موسی علیه السلام از خداوند نمی‌خواست اموال فرعونیان را درهم کوبد تا مبادا این جاذبه‌ها، قوم او را بفریبد و آنان را از بندگی خدا باز دارد. حال اگر جامعه‌ای، فریب این جاذبه‌ها را بخورد، در همه مسائل زندگی، بینش مادی خواهد داشت. بدین ترتیب، در جهت گیری‌های فردی و گروهی، مادیات اصل و مبنا قرار می‌گیرد و با حاکمیت سودجویی بر ذهن اعضای آن، دیگر انگیزه الهی و معنوی برای آنان رنگ می‌بازد (رستگاران، ۱۳۸۲: ۳۰).

امام باقر علیه السلام درباره ارزش مال و سرمایه و شیوه حفظ و مصرف آن می فرماید: **إِنَّ مِنْ بَقَاءِ الْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ عِنْدَ مَنْ يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَ يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ، وَإِنَّ مِنْ فِنَاءِ الْإِسْلَامِ وَ فِنَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ عِنْدَ مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَ لَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ** (ابن شعبه بحرانی، ۱۳۸۰: ۳۲۶)؛ بقای اسلام و مسلمانان در این است که اموال و سرمایه‌های جامعه نزد کسانی قرار گیرد که راه مصرف پسندیده آن اموال را بشناسند و آن‌ها را در راه پسندیده مصرف کنند. فنا و نابودی اسلام و مسلمانان نیز در این است که اموال و سرمایه‌ها نزد افرادی باشد که راه مصرف پسندیده را در اموال نشناسند و آن‌ها را در مسیر و جهت مطلوب مصرف نکنند. یکی از این راه‌های نامطلوب، مصرف اموال در امور تجملاتی است که به فرموده آن حضرت، نابودی جامعه اسلامی را به دنبال خواهد داشت؛ زیرا با حاکم شدن روحیه تجمل پرستی، چه بسا کالاها و خدمات به جای تأمین نیازهای واقعی و لازم، صرف زیاده روی‌ها و لأبالی‌گری‌های افراد شود و فقر را در پی آورد (رستگاران، ۱۳۸۲: ۲۴).

## ۲-۱-۲. مصرف‌گرایی

نفوذ فرهنگی و رسانه‌ای با هدف استحاله فرهنگی امت اسلامی به واسطه تغییر ذائقه از فرهنگ ناب اسلامی به فرهنگ منحط غربی انجام می‌شود. در این مقابله، با به کارگیری تخریب بنیان خانواده و تغییر سبک، راهبرد استحاله ایدئولوژی، تضعیف هویت‌های اسلامی، تغییر زندگی اسلامی به سبک زندگی غربی تلاش می‌شود. دشمن برای سکولار نمودن، ابتدا دین را صرفاً جدا می‌کند و ساحت اجتماعی زندگی را کاملاً از آن جدا می‌کند و در مرحله بعد، در ساحت فردی دین دخالت می‌نماید.

الگوی مصرف نوعی رفتار اجتماعی به شمار می‌آید و تغییر اصولی آن، نیازمند تغییر در فرهنگ است و نمی‌توان فقط با متغیرها و تعیین‌کننده‌های اقتصادی، الگوی مصرف را از وضع موجود به وضع مطلوب تغییر داد. در حقیقت برای تغییر الگوی مصرف لازم است افزون بر تغییر در متغیرهای اقتصادی مؤثر بر الگوی مصرف، فرهنگ مصرفی را نیز تغییر



داد؛ زیرا پدید آوردن رفتار پایدار جدید در حوزه مصرف، تغییر الگوی مصرف گرایي پوشش بدون پایدار ساختن فرهنگ ممکن نیست و برای به وجود آوردن این تغییر پایدار، فقط تغییر در تعیین کننده‌های اقتصادی کافی نیست، بلکه تغییر در تعیین کننده‌های فرهنگی و ارزشی، اجتماعی و سیاسی نیز مهم است (همان: ۹۳).

فرهنگ مصرف گرایي عواقب روانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد. مصرف گرایي از نظر روانی ممکن است محرومیت از مصرف کالایی یا خدماتی در فرد احساس عزت نفس پایین و یا محرومیت ایجاد کند. از نظر اقتصادی باعث فلج شدن تولیدات داخلی و واردات غیر ضروری برخی کالاها شود. از نظر اجتماعی نیز منجر به مدگرایی و عواقب آن می‌شود؛ و از لحاظ سیاسی ممکن است رهبران و حاکمان سیاسی را زیر سؤال ببرد. در این لایه از نفوذ فرهنگی، زنان که متکفل اصیل تربیت جامعه هستند، جامعه اصلی هدف به شمار می‌آیند. تعبیر مقام معظم رهبری در این رابطه این است که: بانوان در نظام جمهوری اسلامی باید قدر عظمتی را که اسلام به آنان داده را بدانند دام مصرف زدگی را که سرمایه داران چپاول گر جهانی بر گرد زن امروز دنیا تنیده‌اند کاملاً بدرند...» (پیام به ملت شریف ایران در پایان چهلمین روز ارتحال امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۸/۴/۲۳،

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2141>). این قشر در نظام سیاسی اسلام از جایگاه رفیعی برخوردار است؛ پس هر گونه تزلزل در نقش و کارکردهای این قشر، بنیان جامعه اسلامی را متزلزل می‌سازد. دشمن در این خصوص شیوه‌های گوناگونی انجام می‌دهند که یکی از انواع بارز آن، تلاش برای پوشش زدایی است. این شیوه در سیاست مصرف گرایي فرهنگی و افزایش مدپرستی و تجمل گرایي رخ می‌نماید (قربی، ۱۳۹۲: ۹۴).

امام صادق علیه السلام رئیس مذهب از امام علی علیه السلام روایت می‌کند که می‌فرمود: «کار این امت به خیر (و خوشی) است تا آن زمان که لباس عجم (اشراف خارجی و غیر عرب) نپوشند و خوراک‌های عجم نخورند و چون چنین کنند خدا آنان را خوار می‌کند (عاملی، ۱۴۱۲ق: ۱۱۵). محمدرضا حکیمی در ذیل این حدیث آورده‌اند: مسلمانان صدر اسلام زندگی

ساده‌ای داشتند و ایمان اسلامی. از راه برانگیختن آنان به ساده‌زیستی و بی‌نیازی و ترك پرمصرفی. از آنان امتی استوار و نیرومند و متکی به خود ساخته بود و به سبب همین صفت‌های ارزشی بود که بر هر کس که با آنان کارزار می‌کرد پیروز می‌شدند، لیکن از آن به بعد. بیشتر. در نعمت‌های رنگارنگ فرو رفتند و به زندگی‌های اشرافی و اسراف‌ی روی آوردند و آن روحيات بالا را که به آن‌ها خوگرفته بودند از دست دادند. جامعه انقلابی، زمانی که ساده‌زیستی و پایداری را ترك نکرده است به هدف‌های خود می‌رسد؛ لیکن در غالب احوال عکس این می‌شود (حکیمی، ۱۳۷۳: ۳۲).

جامعه و افرادی که دچار بیماری اسراف و تبذیر شوند و زیاده روی در مصرف، به جای تولید، برای آن‌ها عادی و مرسوم شود، خود به خود گرفتار استثمار می‌شوند و به ناچار برای تأمین نیازهای مصرفی خود، همواره به سوی بیگانگان دست دراز می‌کنند؛ و استثمار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را می‌پذیرند. مصرف‌گرایان به تدریج ذهن خویش را نیز به روی پذیرش اندیشه و فرهنگ دیگران می‌گشایند (قربی، ۱۳۹۲). از همین روی خداوند به مسلمانان امر می‌کند که از فرمان اسراف کاران اطاعت نکنید: «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ» (شعرا: ۵۱). در حقیقت پیام آیه این است که پیروی از اشرافیان نهی شده است (طباطبایی، بی‌تا). مردم یک جامعه هنگامی که به بیماری مصرف‌گرایی مبتلا شدند ناخودآگاه برای مصرف بیشتر به بیگانگان نیز به همان ترتیب بیشتر وابسته خواهند شد و این همان هدف دشمن خواهد بود تا بتواند از طریق کالاهای مصرفی فرهنگ نادرست خود را به مسلمانان و جوامع هدف تزریق کند. مقام معظم رهبری بر این نظر هستند که باید به خطر نفوذ فرهنگی از طریق مصرف‌گرایی توجه داشت.

### ۳-۱-۲. مُدگرایی

یکی از اثرات مخرب نفوذ فرهنگی رواج مُد و مُدگرایی در بین مردم به ویژه زنان است. صرف توجه به مادیات و زندگی دنیا و نادیده گرفتن ارزش‌های معنوی، استعمارگران را بر آن داشت تا از هر طریق برای رسیدن به آن تلاش کنند. در این رهگذر، برای دستیابی به منافع

اقتصادی بزرگ، زنان را بهترین وسیله یافتند و از وجود برهنه آن‌ها برای تبلیغ کالاهای خود بهره گرفتند. آن‌ها همواره برهنگی را تشویق می‌کردند و به شکل گسترده علیه حجاب تبلیغ می‌نمودند. همین امر سبب شد فرهنگ بی‌حجابی سیر صعودی به خود بگیرد و آرام آرام بی‌حجابی به فرهنگی مسلط تبدیل شود. استعمار با تکیه بر پیشرفت‌های علمی - صنعتی خود یا فرهنگ ///، مصرف و فساد را به جای آموزش مبانی تکنولوژیکی و علوم بر جوامع دیگر غالب می‌کند یا همراه وسایل صنعتی به انتشار فرهنگ خود دست می‌زند. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «... با ورود فرهنگ اروپایی این مدگرایی و نوگرایی در مصرف به شکل عجیبی تشدید شد ...» (بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2407>، ۱۳۶۹/۱۰/۱۶)

و در جایی دیگر می‌فرمایند: «... به اعتقاد من، گرایش به سمت مدگرایی و تجمل‌گرایی و تازه‌طلبی و افراط در کار آرایش و نمایش در مقابل یکی از بزرگترین عوامل انحراف جوامع و انحراف زنان ماست ...» (سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب کبری علیها السلام و روز پرستار، ۱۳۷۰/۸/۲۲)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2511>

رواج مدگرایی در امت اسلامی استفاده از پدیده مُد، سوده‌های کلان فرهنگی و اقتصادی را برای استعمارگران غربی به ارمغان آورده است. آن‌ها با ترویج مدهایی که در اتاق‌های جنگ روانی و فرهنگی طراحی می‌شوند، علاوه بر این که فرهنگ غیر انسانی را در میان ملت‌های دیگر رواج می‌دهند، راهی نیز برای فروش محصولات نه‌چندان ضروری خود می‌یابند و سرمایه‌های هنگفتی از کشورهای آماج تهاجم خارج می‌کنند. لوازم لوکس، لباس، لوازم بهداشتی، لوازم آرایشی، نمونه‌هایی از ابزار مد هستند. با این اوصاف، یکی از ابزارهای نفوذ فرهنگی در جامعه استفاده وسیع و هنرمندانه از نمادها و مد است. در حالی که دین اسلام با این شیوه به شدت مخالف است. از امام صادق علیه السلام نقل است که: خداوند به پیامبری از پیامبرانش وحی می‌کند که به مؤمنان بگو: «لَا تَأْبِسُوا لِبَاسِ أَعْدَائِي وَلَا تَطْعَمُوا

مَطَاعِمَ اَعْدَائِي، وَ لَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ اَعْدَائِي، فَتَكُونُوا اَعْدَائِي كَمَا هُمْ اَعْدَائِي» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۱/۲۶۳)؛ لباس دشمنان را نپوشید و غذای دشمنان را نخورید و به شیوه دشمنان من رفتار نکنید که شما نیز همانند آنان جزو دشمنان من خواهید شد!

روحیه تنوع طلبی و نوگرایی نوجوانان و جوانان به ویژه دختران جوان سبب می شود مُد و نماد، جایگاه ویژه‌ای در میان آنان داشته باشد. هرچند ممکن است مدگرایی و تنوع طلبی، به خودی خود اشکالی نداشته باشد، دشمنان اسلام می‌کوشند با استفاده از این روحیه، نخست با ترویج مدها نمادهای خاصی در میان قشر نوجوان و جوان جامعه نفوذ کنند، بعد از آن، دل بستگان به آن‌ها را با مبانی فکری و ارزشی دلخواه خود آشنا سازند. بسیاری از افراد که صرفاً به خاطر تنوع طلبی از مدها و نمادها استفاده می‌کنند، بعد از آشنایی با اندیشه‌ها و ارزش‌های نهفته در برخی از مدها و نمادها، آن‌ها را کنار می‌گذارند، اما در عین حال، برخی دیگر به دلایل متفاوت، با آن اندیشه‌ها و ارزش‌ها احساس هم‌سنخی، هم‌دلی می‌کنند و آرام آرام در دام فرقه‌ها و گروه‌های مختلف گرفتار می‌شوند. معاندان و کارگزاران جنگ رسانه‌ای می‌کوشند با ترویج مدگرایی و رواج سبک پوشش غربی و پوشش‌های منحط که برخلاف موازین اسلامی طراحی و تولید شده‌اند با پوشش رایج در جوامع مسلمان مقابله کنند و از آن جایی که اولین نمود حاکمیت اسلام در مجامع اسلامی، بسترهای عینی و ظاهری است، هر گونه تخریب ظواهر اسلامی (نوع پوشش اسلامی در سطح جامعه) ممکن است از میزان مقاومت در برابر اندیشه‌های منحط غربی بکاهد و در گام بعدی، استحاله ارزشی و فرهنگی را سبب شود (قربی، ۱۳۹۲: ۱۰۱).

#### ۴-۱-۲. ترویج فساد و فحشا

دشمنان اسلام در طول تاریخ برای سیطره پیدا کردن بر جوامع اسلامی از ابزارهای گوناگونی هم چون ابزارهای نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی استفاده کرده‌اند که در این میان، بدحجابی و به دنبال آن ترویج و گسترش فساد و فحشا، یکی از خطرناک‌ترین سلاح‌های دشمن در اعمال نفوذ فرهنگی به شمار می‌آید؛ سلاحی که برخلاف سلاح‌های

متفاوت، روح و جان انسان را هدف قرار داده و او را از دورن متلاشی می‌سازد. مهم‌ترین شیوه دشمنان دین به عنوان یک استراتژی، نشر فساد و فحشاء در جوامع اسلامی و دینی است. قرآن کریم یکی از حيله‌های شیطان را فراخواندن به فساد و فحشاء می‌داند و می‌فرماید: «الشيطان يعدكم الفقر و يامرکم بالفحشاء» (بقره: ۲۶۸)؛ شیطان به شما وعده فقر می‌دهد و شما را به فحشاء دعوت می‌کند و در جای دیگر آمده است: «فانه يامر بالفحشا و المنکر» (نور: ۲۱)؛ او (شیطان) به فحشاء و زشتی فرمان می‌دهد. در این دو آیه به سه مسأله مهم: «فقر»، «فحشاء» و «منکر» اشاره شده است که هر کدام می‌تواند جامعه‌ای را به سقوط بکشاند. وقتی فقر و فساد و فحشاء پدید آید، روح ایمان و جوانمردی و غیرت دینی و ملی از بین می‌رود و اندلسی دیگر پدید می‌آید. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

«قدرت‌های سلطه‌گر، بزرگ‌ترین عامل توجیه و نشر فسادند، فساد اخلاقی، فساد جنسی و فساد اعتقادی». دشمن که همواره اشاعه فرهنگ دینی و اعتقاد به خداوند و معنویات را مانع اصلی هدف‌های خود می‌بیند، برای کم‌رنگ کردن این اعتقادات، با ایجاد خلل در اعتقادات قشر جوان، در به انحراف کشاندن و بی‌هویت کردن آنان می‌کوشد» (سخنرانی آیت الله خامنه‌ای در چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل نیویورک، ۱۳۶۶/۶/۳۱،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8089>

محمد سقازاده و حمزه کریم خانی، ۱۳۸۵: ۴۱).

ایشان همچنین می‌فرمایند: «... این فرهنگ فحشایی که امروز متاسفانه سراسر دنیا و بیش از همه دنیای فقیر جهان سوم را فرا گرفته از کجا آمده است این یکی از صادرات فرهنگ غربی و تمدن استعماری و استکباری است...» (سخنرانی در مراسم بیعت جمع کثیری از اقشار مختلف مردم شهرهای قم، رفسنجان و کهنوج، ۱۳۶۸/۴/۱۹،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2134>

آن‌ها مصداق این آیه شریفه‌اند: «یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین امنوا» (نور: ۱۹). دوست دارند که فساد و فحشاء در میان مؤمنان رواج یابد. امام رضا علیه اسلام در همین

راستا می‌فرمایند: «آن کس که گناه را نشر دهد، رانده است و آن کسی که گناه را پنهان می‌دارد، مشمول آمرزش الهی است» (کلینی، ۱۳۷۲: ۳۲۸/۷). لذا در طول تاریخ به ویژه در فتح اندلس، بهره‌های لازم را از این راهکار برده‌اند. شهید مطهری در تبیین فتح اندلس به دست مسیحی‌ها می‌نویسد: «نقشه‌ای که مسیحیان برای تصرف اندلس و بیرون کشیدن آن از دست مسلمانان کشیدند این بود که به صورت دوستی و خدمت، وسایل عیاشی برای آنها فراهم کردند؛ باغ‌ها و بوستان‌ها، وقف ساختن شراب شد. دختران زیبا و بی‌حجاب در خیابان‌ها به عشق و عاشق‌سازی پرداختند. سرگرمی‌های شهوانی از هر جهت فراهم شد و روح ایمان و جوانمردی مرد. پس از این جریان بود که توانستند مسلمانان را بی‌درنگ از دم تیغ بگذرانند» (مطهری، بی‌تا: ۱۷ / ۲۳۵). حضرت امام خامنه‌ای این مسأله را به صورت دقیق تبیین می‌نمایند:

«اروپایی‌ها وقتی خواستند اندلس را از مسلمانان پس بگیرند، اقدامی بلند مدت کردند. آن روز صهیونیست‌ها نبودند؛ اما دشمنان اسلام و مراکز سیاسی، علیه اسلام فعال بودند. آن‌ها به فاسد کردن جوانان پرداختند و در این راستا، انگیزه‌های مختلف مسیحی، مذهبی یا سیاسی داشتند. یکی از کارها این بود که تاکستان‌هایی را وقف کردند تا شراب آن‌ها را به طور مجانی در اختیار جوانان قرار دهند! جوانان را به سمت زنان و دختران خود سوق دادند تا آن‌ها را به شهوات آلوده کنند گذشت زمان راههای اصلی برای فاسد یا آباد کردن یک ملت را عوض نمی‌کند. امروز هم آن‌ها همین کار را می‌کنند» (بیانان مقام معظم رهبری، دیدار با دانشجویان و جوانان سیستان بلوچستان،

مورخه ۱۳۸۱/۱۲/۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8798>).

ایشان نیز فرموده‌اند:

«تهاجم فرهنگی مثل خود کار فرهنگی، اقدام آرام و بی‌سر و صدایی است. یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بوده است که سعی می‌کنند جوانان مؤمن را از پابندی‌های متعصبانه به ایمان که همان عواملی است که یک تمدن را نگه می‌دارد، منصرف کنند.

همان کاری را که در اندلس، در قرن‌های گذشته کردند؛ یعنی جوانان را در عالم به فساد و شهوت رانی و می‌گساری و این چیزها مشغول کردند. این کارها حالا هم انجام می‌گیرد» (موسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

### نتیجه‌گیری

دشمن انواع شگردها را برای تضعیف اسلام به کار می‌گیرد و سعی دارد فرهنگ غرب و افکار مادی را ترویج کند و این کار را از طریق نفوذ فرهنگی انجام می‌دهد. آن چه مسلم است این که هیچ چیز خطرناک‌تر از رواج فرهنگ غرب و توجه به مادیات و افکار بی‌اساس مادی‌گری و شیوع خرافات و شایعات و شبهه افکنی و ترویج شهوات در جوامع اسلامی نیست؛ بنابراین دشمنان تلاش می‌کنند تا از راه‌های گوناگون در فرهنگ و اعتقادات جوامع مختلف نفوذ پیدا کرده و فرهنگ مردم جوامع دیگر را آن طور که به نفع خودشان است تغییر دهند. فحشا و فساد را به گونه‌ای ترویج می‌دهند که مردم جوامع را سرگرم کنند تا از رسیدن به اهداف عالی‌هی خود باز بمانند و باورهایشان را به شکلی تغییر دهند که به راحتی دست از اعتقادات خود بردارند.

تغییر سبک زندگی فردی و اجتماعی از طریق تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی و گرایی به مد و مد پرستی نیز یکی دیگر از راه‌هایی است که دشمنان آن را طی می‌کنند تا به فرموده رهبر انقلاب بتوانند هویت ملی و اسلامی مردم را از بین ببرند در این میان استفاده ابزاری از زنان را نیز نباید از نظر دور داشت؛ زیرا دشمنان، زنان را مناسب‌ترین عنصر برای انحرافات دینی مسلمانان می‌دانند. با این نگاه، دشمنان دین و اسلام با ابزارهای موجود که در اختیار دارند مانند رسانه‌ها، مشغول ترویج منکرات و فساد در بین خانواده‌ها، مخصوصاً جوانان هستند تا بدین وسیله بتوانند جامعه هدف را تضعیف نمایند و در پایان از بین ببرند. در این صورت نفوذ فرهنگی خود را بر جامعه اسلامی اعمال نموده‌اند.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۲. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، چاپ سیزدهم، قم: مشهور، ۱۳۸۰ ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم. بی جا: انتشارات دارالاضواء، ۱۴۱۳ ق،
۴. ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول عن آل رسول، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، چاپ هشتم، انتشارات کتابچی، ۱۳۸۰.
۵. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، جلد چهارم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۶.
۶. جعفری، وفا، ثروت از دیدگاه قرآن، قم، انتشارات سپاه، ۱۳۸۰.
۷. جی دبلیو آلپرت و لئو پستمن، روان شناسی شایعه، ترجمه ساعد دبستانی، چاپ دوم، تهران، سروش، ۱۳۷۴.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، هدایه الامه الی الاحکام الائمه (منتخب المسائل)، مشهد، مجمع البحوث الاسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۹. حسینی شریفی، احمد، جنگ نرم، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.
۱۰. حکیمی، محمدرضا، قیام جاودانه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
۱۱. دهخدا، علی اکبر و دیگران، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
۱۲. رستگاران، علیرضا، تجمل‌گرایی از دیدگاه اسلام، تهران، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، ۱۳۸۲.
۱۳. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، چاپ دوازدهم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.



۱۴. شریفی، احمدحسین، *موج فتنه از جمل تا جنگ نرم*، چاپ نهم، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۸.
۱۵. طباطبائی، محمدحسین، *تفسیرالمیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱ و ۹ و ۱۵، چاپ پنجم، قم، انتشارات اسلامی، بی تا.
۱۶. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، محقق: احمد حسینی اشکوری، ج ۱، چاپ سوم، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، جلد ۵، چاپ دوم، انتشارات دار الهجره، ۱۴۱۰ق.
۱۸. کریم خانی، حمزه و سقازاده، محمد، *هجوم خاموش*، چاپ هشتم، قم، عطر یاس، ۱۳۸۵.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ترجمه: محمدباقر، کمره‌ای، چاپ دوم، جلد ۷، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۷۲.
۲۰. محمد جواد قربی، «نظام رسانه‌ای غرب و اشاعه مصرف‌گرایی فرهنگی در فرایند پوشش‌زدایی امت اسلامی»، *مجله رسانه و امت*، شماره اول، ص ۱۰۱، ۱۳۹۲.
۲۱. مرکز تحقیقات سپاه، *تهاجم فرهنگی*، تهران، معاونت انتشارات سپاه پاسداران، ۱۳۷۸.
۲۲. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، جلد ۱۷، تهران، انتشارات صدرا، بی تا.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران، *تفسیر نمونه*، جلد ۶ و ۱۴، تهران، انتشارات درالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۴. موسسه ایمان جهادی، *دغدغه‌های فرهنگی*، شرح مزجی بیانات مقام معظم رهبری، چاپ سی‌ام، تهران، مؤسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۰.
۲۵. نوئل کاپفر، ژان، *شایعه*، ترجمه: خداداد موقر، تهران، نشر و پژوهش شیراز، ۱۳۸۰.
۲۶. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای: [khamenei.ir](http://khamenei.ir)

## علل انحطاط جوامع اسلامی و راهکارهای مقابله با آن از دیدگاه

امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ و مقام معظم رهبری ظله

زینب طیبی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

فاطمه خسروپناه<sup>۲</sup>

### چکیده

علل انحطاط و عقب ماندگی جوامع از موضوعاتی بسیار مهمی است که نظر دانشمندان اسلامی را به خود جلب کرده است. از دیدگاه امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ، انحطاط جامعه اسلامی دو عامل خارجی و داخلی دارد؛ دور بودن از اسلام، جدایی دین از سیاست، اختلاف میان مسلمانان و وابستگی دولت‌ها به ابر قدرت‌های جهان از علل داخلی انحطاط هستند و متحجر نشان دادن اسلام توسط بیگانگان، تفرقه افکنی میان کشورهای اسلامی، استفاده از ذخایر طبیعی مسلمانان و تهاجم فرهنگی ایجاد شده توسط ابر قدرت‌ها، علل خارجی انحطاط جوامع اسلامی به شمار می‌آیند. نتایج این جستار که با روش توصیفی و تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای سامان یافته است، نشان می‌دهد که از نظر مقام معظم رهبری ظله، انحطاط در جوامع اسلامی به خاطر هوس‌های پراکنده، شک و تردید در افراد، نداشتن آرمان

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. [ztayyebi62@gmail.com](mailto:ztayyebi62@gmail.com)

۲. طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه عالی حضرت آمنه. [za.hasani94@gmail.com](mailto:za.hasani94@gmail.com)

صحیح، تقلید از غرب، علم بدون تذکیه، افکار متحجران غرب زده و فقدان آرمان صحیح در مسلمانان است. امام خمینی علیه السلام برای مقابله با انحطاط جوامع مسلمان راهکارهایی چون: بیداری مسلمانان، بازگشت به اسلام اصیل، اعتماد به نفس و خودباوری و افزایش وحدت میان مسلمانان ارائه داده‌اند. مقام معظم رهبری نیز راهکارهایی چون: بهره‌گیری از علم، تقویت رابطه با خدا، جلوگیری از غرور، توجه به شعارهای انقلاب، پایبندی به اصول، دفاع از مظلوم را یاد نموده‌اند.

کلید واژگان: علل انحطاط، بیداری اسلامی، امام خمینی علیه السلام، جوامع اسلامی، مقام معظم رهبری.

## مقدمه

انحطاط و عقب ماندگی جوامع اسلامی از مسائل مهمی است که مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. انحراف و انحطاط را می توان به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم کرد: عوامل درونی عواملی هستند که از ناحیه مسلمانان صادر شده اند و عوامل بیرونی از ناحیه بیگانگان به مسلمانان رسیده است. عقاید در طول زندگی بشر نقش بی همتایی داشته است و در واقع جامعه ای که عقیده در آن نباشد واقعیت ندارد. آنچه مورد بحث است بی توجهی مسلمانان نسبت به عقاید اسلامی و در مقابل، توجه دشمنان نسبت به آن است. انحطاط مسلمین را می توان از دو جنبه اجتماعی و سیاسی مورد بررسی قرار داد. به دلیل اهمیت زیادی که این مطلب در جامعه اسلامی دارد ما در این مقاله به آن پرداخته ایم. در این نوشتار بر آنیم تا علل انحطاط مسلمین را از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام بررسی کنیم و راهکارهای مقابله با آن را بیان کنیم.

از دیر باز انحراف مسلمین دغدغه ی پیامبران و عالمان دینی بوده است اما موضوع اصلی ما بررسی این موضوع از نگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام است که افرادی چون عبدالحسین خسروپناه در کتاب آسیب شناسی جامعه دینی و بهروز رشیدی در کتاب امام خمینی علیه السلام و نهضت احیای تمدن اسلامی است. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام دو کتاب در این موضوع با عنوان های خودباختگی و خودباوری، اسلام ناب در کلام امام خمینی علیه السلام به چاپ رساندند.

ضرورت و اهمیت بحث در موضوع، وجود انحطاط در جامعه اسلامی است در صورتی که باید یک جامعه اسلامی در طول زمان پیشرفت عظیمی داشته باشد. هدف کلی این بحث بررسی راهکارهای مقابله با انحطاط در جوامع اسلامی و هدف جزئی آن بررسی علل انحطاط در جوامع اسلامی، علل تفرقه و تجزیه مسلمانان، ضعف ریشه های اعتقادی، افراط و تفریط مسلمانان است. سوال اصلی مقاله این گونه مطرح میشود که علل انحطاط جامعه اسلامی و راهکارهای مقابله با آن چیست؟ و سوالات فرعی در این مقاله شامل: چه عواملی سبب

تفرقه و جدایی مسلمانان شده است؟ و نقشه ی دشمنان برای انحراف مسلمین چیست؟

## ۱. مفهوم‌شناسی انحطاط

الانْحِطاط در لغت از ریشه حَطَّ و در لغت به معنای به عقب برگشتن و عقب افتادگی؛ «عَصْرُ الانْحِطاط»: دوران عقب افتادگی به ویژه در ادبیات؛ «الانْحِطاط النفسی»: عقب ماندگی نیروی اندیشیدن (مهیار، ۱۳۷۰: ۱۴۳). انحطاط به معنای هَكَدَا اَنْشَدَه الْجَوْهَرِي، كَانْحَطَّ اِنْحِطاطًا، يَقَالُ: نَجِيْبَةٌ مُنْحَطَّةٌ فِي سَيْرِهَا: حَطَّتْ فِي سَيْرِهَا، وَ اِنْحَطَّتْ، اَيِ اعْتَمَدَتْ، وَقَالَ أَبُو عَمْرٍو: اَيِ اُسْرَعَتْ نِيْزًا اَمَدَه اسْت (زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۱۰/۲۱۷).

این واژه در اصطلاح به این معنا آمده است که اساساً در جوامع بشری، تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در بستر تاریخ حرکت می‌کنند و این حرکت در بستر تاریخ همیشه حرکت صعودی نیست؛ یعنی، همیشه حرکت‌ها در یک قوس صعودی واقع نمی‌شود و اتفاق نمی‌افتد. گاهی حرکت‌ها در یک مسیر موجی راه می‌افتد. بدین معنا که جوامع در یک مقطع تاریخ، در سکوی تمدن، دانش و فرهنگ تکیه می‌زند و در یک مقطع دیگری از تاریخ، در حوض انحطاط می‌افتد و بعد دوباره به پا می‌ایستد و بار دیگر احیا می‌شود و به یک جامعه و جغرافیای پیش‌رو تبدیل می‌گردد. پس می‌توان انحطاط را به معنای افول جامعه یا عقب ماندن جامعه از اهداف از پیش تعیین شده تعریف کرد.

## ۲. علل انحطاط جوامع اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

پرسشی در آغاز مطرح است که چه شد اسلام در ابتدا با دست خالی و با هیچ ساز برگی قریب به نیم قرن آن قدر پیشرفت داشته است اما حال نظام اسلامی را انحطاط فرا گرفته است! در بررسی علل ضعف و انحطاط مسلمانان برداشت‌های مختلفی وجود دارد: در یک برداشت، علل خارجی و استعمار تأثیر چندانی در انحطاط جوامع اسلامی ندارند و مهم‌ترین علل، علل داخلی به شمار می‌آید و در برداشتی دیگر، عقب ماندگی جوامع اسلامی، به استعمار و عوامل خارجی نسبت داده می‌شود و به زمینه‌های ایجاد شده در داخل برای

حضور استعمار کمتر توجه می‌شود. حضرت امام با نگاهی جامع نگر در علل انحطاط جوامع اسلامی، آن علل را هم داخلی و هم خارجی بیان می‌کند.

## ۲-۱. علل داخلی

علل داخلی، عللی است که در میان مسلمانان و یا در کشور اسلامی وجود دارد. در واقع مقصر اصلی در به فقیر رفتن جوامع اسلامی خود مسلمانان هستند. حضرت امام علل داخلی انحطاط مسلمین را اینگونه تقسیم بندی می‌کند:

### ۲-۱-۱. فاصله گرفتن از اسلام اصیل و خودباختگی در برابر غرب

از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله، فاصله گرفتن مسلمانان از اسلام اصیل و تعالیم عزت بخش آن، افزون بر مشکلات گذشته، روزهای بسیار غم‌انگیزتر و نکبت‌بارتری برای جامعه اسلامی در پی خواهد داشت. ایشان می‌فرمایند: «چنان‌که مکرراً اعلام خطر کرده‌ام اگر ملت اسلام بیدار نشوند ... اگر اسلام واقعی که ... ضامن سیادت و استقلال ملل مسلمان و کشورهای اسلامی می‌باشد، به دست عوامل و ایادی اجانب همین طور در زیر پرده سیاه استعماری پوشیده بماند، روزهای سیاه‌تر و نکبت‌بارتری برای جامعه اسلامی در پیش است» (خمینی، ۱۳۶۸: ۸۱).

هنگامی که مسلمانان، اسلام و تعالیم آن را عامل عزت و رشد و تعالی خود ندانند، به یقین، مکتب‌ها و اندیشه‌های دیگر برایشان با اهمیت جلوه می‌کند و این آغاز انحطاط مسلمانان، در طول تاریخ بوده است. در دوران معاصر نیز فرهنگ و اندیشه غربی با برخی پیشرفت‌های مادی، ذهن و فکر بسیاری از نخبگان جامعه اسلامی را به خود مشغول داشته است، به گونه‌ای که این اندیشمندان برای آن‌ها اصالت قائلند و تنها راه پیشرفت جوامع اسلامی را در پذیرش فرهنگ و اندیشه غربی می‌دانند.

در مقابل، حضرت امام خمینی رحمته‌الله منشأ بیشتر بدبختی‌های مسلمانان، بلکه همه ملت‌ها را خودباختگی در برابر غرب و وابستگی فکری به غرب می‌داند: «کمال تأسف است

که کشور ما که حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد، این فرهنگ را، این حقوق را نادیده گرفته است و دنبال غرب رفته است. غرب در نظریه قشری از این ملت جلوه کرده است که گمان می‌کنند غیر از این غرب هیچ خبری در هیچ جا نیست و این وابستگی فکری، وابستگی عقلی، وابستگی مغزی به خارج، منشأ اکثر بدبختی‌های ملت‌ها و ملت ماست» (یوسفی فخر، ۱۳۸۶: ۱۲۳-۱۲۴).

رهبر کبیر انقلاب اسلامی، نقش روشن فکران غرب زده را عامل مهمی در وابستگی جوامع اسلامی به غرب در همه مسائل حتی آداب معاشرت و سخن گفتن می‌داند، در صورتی که در دوره‌ای، این جوامع متمدن، به وحشیگری معروف بودند و اسلام سعی داشت آن‌ها را اصلاح کند. در صدر اسلام افراد کم بودند لکن متهد به ملک خودشان و معتقد به اسلام بودند، برای آنها زندگی آسان مطرح نبود. اینها شهادت می‌خواستند و شهادت را مایه‌ی سعادت خودشان می‌دانستند و همین سبب شد تا بر امپراطوری ایران و روم پیروز شوند. مسلمین باید اسلام را پیدا کنند، اسلام از دستشان فرار کرده است. ما الان نمی‌دانیم اسلام چیست. اینقدر این غرب به مغز ما خوانده است که اسلام را گم کرده ایم. اگر مسلمین بر حسب امری که خداوند فرموده است «واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا» (آل عمران: ۱۰۳) عمل کنند تمام مشکلات حل خواهد شد (تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶: ۲۹).

## ۲-۱-۲. جدایی دین از سیاست و ملی‌گرایی

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان عوامل ضعف و انحطاط تمدن اسلامی را به عوامل سیاسی و فرهنگی تقسیم بندی نمود. از جمله مسائلی که سبب گشته است، اداره جوامع اسلامی به دست عده‌ای از وابستگان غربی و شرقی باشد و متعهدان و دلسوزان از آن کناره‌گیری کنند تفکر جدایی دین از سیاست است که این، خود دلیل مشکلات بسیار جوامع اسلامی است. حضرت امام در این باره می‌فرمایند: در ذهن بسیاری، بلکه اکثری، بیشتر از مردم، بیشتر از اهل علم... این است که اسلام به سیاست چه کار دارد... به سیاست چه کار دارد.

حاکمان جوامع اسلامی و استعمارگران با برخی اعمال عبادی اسلام مخالفتی نداشتند؛ زیرا به سیاست آن‌ها زیانی نمی‌رساند. حضرت امام با اشاره به این قضیه تاریخی در دوران اشغال عراق به وسیله انگلیسی‌ها که شخصی بر بالای مناره مشغول اذان گفتن می‌شود که فرمانده انگلیسی‌ها می‌پرسد: آیا این کار او ضرری به سیاست انگلیس دارد؟ می‌گویند ضرری ندارد. فرمانده انگلیسی می‌گوید: بگذارید هرچه می‌خواهد، اذان بگوید، می‌فرماید: «در جوامع اسلامی سیاست یک ننگ تلقی می‌شد و برای توهین می‌گفتند «آخوند سیاسی»». آن‌ها می‌خواستند ظاهر اسلام باشد، ولی محتوای اسلام که بسیار مهم است و آن، قیام الله، نهضت الله، جلوگیری از ستم ستمکاران و اجرای عدالت [است]، فراموش شود.»

با وجودی که اسلام از نخستین روزهای ظهور و رشد خود، قومیت‌گرایی و نژادپرستی را نفی می‌کرد، ولی با فاصله گرفتن از صدر اسلام، دوباره ملاک‌های نژادپرستی و قومیت‌گرایی مطرح شد، به گونه‌ای که در کنار بحث جدایی دین از سیاست که از سوی سکولارها مطرح می‌شود، نگاه به ملیت، از اصالت خاصی برخوردار است. حضرت امام این مسئله را یکی از مشکلات و عوامل عقب‌ماندگی‌های مسلمانان عنوان می‌کنند: «آن چیز مهمی که دولت اسلامی را بیچاره کرده است و از ظل قرآن کریم دارد دور می‌کند، آن قضیه نژادبازی است... که اسلام آمد و قلم سرخ روی آن کشید... و میزان را این طور قرار داد: "إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ" (حجرات: ۱۳؛ ر.ک. خمینی، ۱۳۶۸: ۱/۳۷۸).

آن رهبر کبیر، در موارد گوناگونی با رد ملی‌گرایی، آن را اساس بدبختی مسلمانان می‌شمارد و علت خارجی (استعمار) را در آن دخیل می‌داند: «اینکه من مکرر عرض می‌کنم که این ملی‌گرایی اساس بدبختی مسلمین است، برای این است که این ملی‌گرایی ملت ایران را در مقابل سایر ملت‌های مسلمین قرار می‌دهد... این‌ها نشانه‌هایی است که مستعمرین کشیده‌اند که مسلمین با هم مجتمع نباشند» (همان، ۸۷/۱۳). البته رهبر حکیم انقلاب، حب وطن، حب اهل وطن و حفظ حدود کشور را نیز می‌پذیرد و تعارضی میان آن‌ها و تعالیم اسلام نمی‌بینند، ولی ملی‌گرایی را عاملی برای مقابل هم قرار دادن مسلمانان و ایجاد



شکاف میان آنان برشمرد که بیگانگان برای جلوگیری از گسترش اسلام به آن دامن می‌زنند. قانون اسلام در وضع تشکیل حکومت و وضع مالیات و وضع قوانین حقوقی و جزایی و آنچه مربوط به نظام مملکت است از تشکیل قشون گرفته تا تشکیل ادارات هیچ چیز را فرو گزار نکرد و شماها از آن بی خبرید و همه ی بدبختی ها آن است که مملکتی که همچون قانونی دارد دست خود را پیش اجانب دراز کند و قانون‌های ساختگی آن‌ها را که از افکار مسموم یک مشت خود خواه تراوش کرده است در مملکت خود اجرا کند و از قانون مملکت خود که مملکت دینی خدایی است به طوری غافل باشند که باز گمان کنند اینجا قانون ندارد یا قانونش ناقص است در صورتی که اسلام درباره ی قضاوت چند هزار ماده قانون دارد که انسان با استفاده از آن می‌تواند بهترین طرز و آسان‌ترین کار را انجام دهد (تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶: ۳۵).

### ۳-۱-۲. وابستگی دولت‌های اسلامی

از جمله عواملی که مشکلات بسیاری را برای مسلمانان به وجود آورده است، وابستگی دولت‌های اسلامی به ابرقدرت‌هاست: «این حکومت‌ها هستند که به واسطه روابطشان با ابرقدرت‌ها و سرسپردگی‌شان با ابرقدرت‌های چپ و راست مشکلات را برای ما و همه مسلمین ایجاد کردند» (خمینی، ۱۳۶۸: ۱۳/۸۳). امام خمینی رحمته الله علیه، دولت‌ها را مقصر اصلی عقب‌ماندگی‌های مسلمانان می‌داند؛ زیرا معتقد است برای حفظ موقعیت خودشان می‌کوشند تا مقاصد شوم ابرقدرت‌ها را در سرزمین مسلمانان به اجرا درآورند. «مشکل اسلام، دولت‌های اسلامی است» (همان: ۱۳۵/۱۴). دشمنانی که به اسلام تسلط پیدا کردند مرد عمل بودند اما مسلمین مرد حرف بودند، خوب شعر می‌گفتند و خوب نظر می‌دادند و وقتی مشکلات مطرح می‌شد خوب طرح می‌دادند اما از حد حرف خارج نمی‌شد و به عمل نمی‌رسید (تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶: ۲۹).

#### ۴-۱-۲. تفرقه و اختلاف میان مسلمانان

تفرقه از مهم ترین عوامل نابودی یک امت و ابزاری همیشگی برای پیشبرد نقشه‌های دشمنان آن است. تفرقه میان یک امت پیامدهای فراوانی به دنبال دارد. ایجاد تفرقه میان مسلمانان به شکل‌های گوناگون است.

#### ۴-۱-۴-۱. اختلاف میان آحاد مسلمانان

با اینکه جمعیت مسلمانان بیش از یک میلیارد است، ولی به دلیل وجود تفرقه میان آن‌ها، ابرقدرت‌ها بر سرنوشت آن‌ها حاکمند: «اسلام همه مسلمان‌ها را وادار می‌کند به اینکه با هم متفق باشید... اگر اختلاف داشته باشید، دچار مشکل می‌شوید... مع‌الاسف می‌بینیم که ما هرچه مصیبت پیدا کردیم از سال‌های طولانی از اختلافاتی است که در داخل خودمان بوده است» (خمینی، ۱۳۶۸: ۷۳/۱۳).

#### ۴-۱-۴-۲. تفرقه و اختلاف میان شیعه و سنی

امام خمینی علیه السلام، در موارد بسیاری اختلاف میان شیعه و سنی را سبب ضعف مسلمانان و تسلط اجانب به آن‌ها مطرح می‌کند: «این دو برادر شیعه و سنی به واسطه دست‌هایی که به کار بوده است، چه از روی تقصیر یا قصور، نتوانسته است اتحادی را که مسلمین باید در مقابل کفار و مشرکین داشته باشند، ایجاد نمایند... این امر موجب ضعف مسلمین و قوت سلطه‌گران گردیده است» (همان، ۴۸۸/۱۶). رهبر کبیر انقلاب از مسلمانان می‌خواهد که دست از این اختلاف بردارند؛ زیرا این اختلاف تنها به سود کسانی خواهد بود که می‌خواهند هم شیعه و هم سنی را از بین ببرند.

#### ۴-۱-۴-۳. اختلاف میان سران کشورهای اسلامی

عدم هم‌بستگی میان سران کشورهای اسلامی سبب شده است ابرقدرت‌ها بر کیان اسلامی تسلط یابند و سران کشورهای اسلامی نیز با خواری در برابر آن‌ها، تن به اطاعت از

آن‌ها دهند: «اگر سران کشورهای اسلامی از اختلافات داخلی دست بردارند و با اهداف عالیه اسلام آشنا شوند... این‌گونه اسیر و ذلیل استعمار نمی‌شوند» (همان، ۲/۳۲۳). امام راحل در خطاب به سران دولت‌های اسلامی به آنان هشدار می‌دهد که از اختلاف دست بردارند؛ زیرا این امر سبب می‌شود ممالک اسلامی زیر سلطه و تاخت و تاز ابرقدرت‌ها قرار گیرند.

مصلح بزرگ جهان اسلام که تفرقه افکنی میان سران کشورهای اسلامی را از سیاست‌های قدرت‌های بزرگ می‌داند، معتقد است دولت‌های اسلامی به جای تکیه بر اشتراکات بسیار، با تحریک ابرقدرت‌ها روز به روز بر اختلافاتشان افزوده می‌شود، به گونه‌ای که بسیاری از مصیبت‌های مسلمانان به دولت‌های اسلامی باز می‌گردد همچنین دلیل پیروی دولت‌های اسلامی از قدرت‌های بزرگ در گسترش اختلافات را نیز به نداشتن پایگاه مردمی این دولت‌ها مربوط می‌داند.

## ۲-۲. علل خارجی

علل خارجی همان نقش استعمار و ابرقدرت‌ها در ضعف و انحطاط جوامع اسلامی است. در واقع همان تلاشی که ابر قدرت‌های برای به انحطاط کشیدن جوامع اسلامی می‌کنند.

### ۲-۲-۱. متحجر نشان دادن اسلام

یکی از نقشه‌های پلید استعمار، متحجر نشان دادن اسلام است، به گونه‌ای که می‌کوشد از نظر فکری و فرهنگی و در پی آن، اقتصادی، بر جوامع اسلامی سیطره یابد: «از بدبختی‌هایی که بر دولت اسلامی پیش آمده است، که از جمله آن‌ها این است که... یک مدت زیادی دولت استعمار طلب مشغول شده‌اند پیغمبر اسلام را کوچک کنند... بعدش دنبال این رفتند که احکام اسلام یک احکامی است که مال هزار سال پیش است و حالا چه و چه شده است و مملکت مترقی شده است و امثال ذلك و اسلام نمی‌تواند به آن خواسته‌های ملل را جواب دهد» (خمینی، ۱۳۶۸: ۳۷۸/۱). همچنین: «دست استعمار در ممالک اسلامی یکی از

فعالیت‌هایی که می‌کند، این است که اسلام را به يك طریقت عقب‌افتاده کهنه شده معرفی کند» (همان، ۳۸/۱).

### ۲-۲-۲. تفرقه‌افکنی میان کشورهای اسلامی

همه اختلافات کشورهای اسلامی، از نقشه‌های استعمار سرچشمه می‌گیرد: «این طور نیست که این ممالک اسلامی که با هم اختلاف دارند و اختلاف سرسختانه با هم دارند، گاهی هم به جنگ با هم برمی‌خیزند، از باب اتفاق شده باشد؛ خیر، این نقشه‌های آن ابرقدرت‌هاست» (همان، ۲۳۳/۴).

### ۲-۲-۳. استفاده از ذخایر طبیعی مسلمانان و ترویج کالاهای مصرفی

با وجودی که مسلمانان از منابع طبیعی بسیار غنی سرشارند، ولی متأسفانه عموم کشورهای اسلامی به دلیل عقب مانده بودن، این فرصت را به ابرقدرت‌ها داده‌اند که آنان با استفاده از این منابع، پیوسته جوامع اسلامی را در این عقب ماندگی نگه‌دارند تا به مقاصد خود دست یابند: «کسانی که اندک تفکری در اوضاع کشورهای اسلامی بنمایند، به وضوح خواهند دانست که آنچه دوا بر قدرت جهان و قدرت‌های تابع این کشورها با هم اتفاق دارند و هیچ‌گاه از این اتفاق دست بردار نیستند، عقب نگه‌داشتن کشورهای جهان سوم خصوصاً کشورهای پهناور و غنی اسلامی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نظامی است» (خمینی، ۱۳۶۸: ۳۴۲/۱۹). ابرقدرت‌ها همه امکانات خویش را به کار می‌گیرند تا با بهره‌گیری از ذخایر مسلمانان، آن‌ها را از رشد و ترقی بازدارند و به خود وابسته سازند. آنان با تبلیغات تفرقه‌افکن خود در طول تاریخ، دولت‌ها و ملت‌های اسلامی را به اسارت کشیدند، مانع رشد و ابتکار مسلمانان و سبب وابستگی روزافزون مسلمانان به غرب و شرق شدند.

افزون بر استفاده دولت‌های استعماری از منابع طبیعی کشورهای اسلامی، بازارهای کشورهای اسلامی نیز به مراکز رقابت کالاهای غرب و شرق تبدیل گشته و بسیاری از کالاهایی که وارد می‌شود، کالاهای تزئینی، مبتذل و اجناس مصرفی است. وضعیت کنونی بازارهای

اسلامی سبب شده است تا مردم مصرف‌گرا بار آیند و بپندارند بدون کالاهای امریکایی و اروپایی و ژاپنی دیگر نمی‌توان زندگی کرد. ابرقدرت‌ها با غارت ذخایر کشورهای اسلامی سعی دارند آن‌ها را مصرف‌گرا کنند، با توطئه، کشورهای اسلامی را از ابتکار بازدارند و آن‌ها را به غرب و شرق بیشتر وابسته سازند و در نهایت، از این طریق مانع بیداری اسلامی شوند.

#### ۴-۲-۲. تهاجم نظامی و فرهنگی

قدرت‌های بزرگ استعماری برای رسیدن به مقاصد خود، به هر وسیله‌ای توسل می‌جویند و با اینکه مدعی دموکراسی هستند، ولی در صحنه جهانی شاهد کودتاهای بسیاری هستیم که به دست همین مدعیان دروغین دموکراسی به وجود آمده است. علاوه بر آن، با توجه به گستره امکانات اطلاع‌رسانی آنان، تهاجم فرهنگی گسترده‌ای را به راه‌انداخته‌اند: «اینان (ابر قدرت‌ها) برای مقاصد شوم خود، کودتاها به راه‌انداختند و رژیم‌هایی را برچیده و رژیم‌هایی وابسته به خود روی کار آوردند... برای به دست آوردن سلطه استعماری نوبه‌ترین راه را در حمله به فرهنگ‌های ملت دانسته‌اند؛ دانشگاه‌ها را به خدمت گرفتند... از ره آوردهای آن‌ها، مجلس‌های فرمایشی ساختند و حکومت‌های دلخواه به دست آوردند و نظام‌ها را سرتا قدم، غربی یا شرقی کردند» (خمینی، ۱۳۶۸: ۳۴۲/۱۹).

#### ۳. راهکارهای مقابله با انحطاط از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

انحطاط جوامع اسلامی سبب می‌شود تا جلوی پیشرفت مسلمانان گرفته شود و مسلمانان از آرمان تشکیل حکومت جهان اسلام عقب بمانند پس برای مقابله با آن باید راهکاری اندیشید که از دیدگاه امام خمینی علیه السلام می‌توان به چنین راهکارهایی اشاره کرد:

#### ۳-۱. بیداری مسلمانان

حضرت امام خمینی علیه السلام قدم نخست برای عزت و استقلال و پویایی جوامع اسلامی را بیداری آنان می‌داند: «ملتی که بخواهد سرپای خود بایستد و اداره کشور خودش را خودش

بکنند، لازم است اول بیدار شود» (خمینی، ۱۳۶۸: ۱۳/۳۸۱)؛ زیرا «تا ما بیدار نشویم و به این توجه نکنیم که ما هم انسان هستیم و ما هم شخصیت داریم و ملت بزرگی هستیم و یک میلیارد جمعیت با همه وسایل داریم، دنبال کار نمی رویم.» از دیگر عوامل پویایی جوامع اسلامی پس از بیداری، شناخت عوامل رفتاری هاست: «مسلمین توجه کنند به اینکه از کجاها این رفتاری‌ها آمده است و علل این رفتاری‌ها چیست و راه نجات از آن چیست» (همان، ۲۰۳/۱۷).

### ۲-۳. بازگشت به اسلام اصیل

حضرت امام خمینی علیه السلام تنها راه برطرف ساختن مشکلات مسلمانان را بازگشت به اسلام اصیل می‌داند و از آن با عنوان «اسلام ناب محمدی» یاد می‌کند. در مقابل نیز برداشت دیگران از اسلام را «اسلام امریکایی» معرفی می‌سازد. «ما تا به اسلام برنگردیم، اسلام رسول الله... قضیه فلسطین و افغانستان و سایر مکان‌ها را نمی‌توانیم حل کنیم» (همان، ۲/۴۳۸). ایشان تنها راه بازیابی عزت و عظمت پیشین اسلام را در سایه پاسداری از قوانین الهی و عمل به قرآن جست‌وجو می‌کند. سپس هشدار می‌دهد اگر مسلمانان بیدار نشوند و اسلام واقعی که ضامن سیادت و استقلال مسلمانان است، به دست عوامل و ایادی اجانب در زیر پرده سیاه استعماری بماند، روزهای سیاه‌تر و نکبت‌بارتری برای جوامع اسلامی در پیش است و خطری بزرگ‌تر متوجه اساس اسلام و قرآن است.

### ۳-۳. اعتماد به نفس و خودباوری مسلمانان

اعتماد به نفس، رمز رشد و تعالی جوامع بشری است. از این رو، رشد و توسعه غرب به دلیل برتری نژادی آن‌ها نیست، بلکه آنان با تقویت حس اعتماد به نفس خویش، فقط زودتر از ما کار را آغاز کرده‌اند. بنیان‌گذار انقلاب اسلامی معتقد است: «شما متوقع نباشید که همین امروز بتوانید طیاره درست کنید... وقتی این فکر در یک ملتی پیدا شد و این اراده در یک ملتی پیدا شد، کوشش می‌کند و به دنبال کوشش، این مطلب حاصل می‌شود» (خمینی،

۱۳۶۸: ۱۳/۵۳۶).

معمار بزرگ انقلاب با اشاره به تلاش عده‌ای برای وابسته کردن فکر ملت‌ها به غرب و شرق، راه نجات بشر را در این می‌داند که ملت‌ها از وابستگی فکری و فرهنگی بیرون آیند و به توانمندی‌ها و فرهنگ غنی خود توجه کنند: «ما تا نفهمیم که خودمان هم یک شخصیتی داریم، مسلمان‌ها هم یک گروهی هستند و شخصیتی دارند و می‌توانند خودشان هم کار انجام بدهند و تا نخواهیم نمی‌توانیم کاری را انجام دهیم.»

#### ۴-۳. وحدت مسلمانان

از جمله مسائلی که امام خمینی علیه السلام در حل معضلات جوامع اسلامی، آن را بسیار راهگشا می‌دانست، مسئله وحدت مسلمانان بود. در این مقاله، به سه محور اساسی آن اشاره می‌کنیم:

#### ۱-۴-۳. وحدت میان آحاد مسلمانان

وحدت مسلمانان، از مسائلی است که امام خمینی بر آن بسیار تأکید می‌ورزید، به گونه‌ای که از آن به عنوان رمز پیروزی مسلمانان یاد می‌کند و راه حل همه مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها را در وحدت مسلمانان می‌داند: «اگر مسلمین به حسب امری که خدای تبارک و تعالی فرموده است: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران: ۱۰۳)، اگر به همین یک امر ونهی عمل می‌کردند، تمام مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی‌شان رفع می‌شد و هیچ قدرتی نمی‌توانست با آن مقابله کند.» بنابراین، می‌توان گفت رمز پیروزی مسلمانان، وحدت کلمه است. امام خمینی در این باره فرموده است: «پشت کردن به تعالیم عالیه اسلام... مسلمین را با قریب یک میلیارد جمعیت و مخازن بسیار غنی تحت سیطره اجانب درآورده... پس مسلمین باید برای استقلال و آزادی این کلید پیروزی را به دست آوردند و برای وحدت کلمه کوشش کنند» (خمینی، ۱۳۶۸: ۷/۱۷۰).

## ۲-۴-۳. وحدت شیعه و سنی

با توجه به اینکه دشمنان اسلام می‌خواهند با اختلاف پراکنی میان برادران شیعه و سنی بر همه ممالک اسلامی سلطه یابند، بر همه مسلمانان لازم است با وحدت خود جلوی این سلطه را بگیرند: «باید همه ما توجه داشته باشیم که مبادا يك وقت تبلیغی شود که اهل سنت را با ما جدا کردند، باید ما با هم برادر باشیم و نگذاریم دیگران بیایند همه چیزمان را ببرند و ما بنشینیم سر چیزی که نباید دعوا بکنیم» (همان، ۴۳۹/۱۳).

## ۳-۴-۳. وحدت دولت‌های اسلامی

از عواملی که می‌تواند کشورهای اسلامی را قدرتمند سازد و آن‌ها را در برابر قدرت‌ها مستحکم نگه دارد، وحدت دولت‌ها و سران دولت‌های اسلامی است: «دولت‌ها اسلامی باید به منزله يك دولت باشند، کأنه يك جامعه هستند... این آمال حاصل بشود که بین دولت‌های اسلامی از همه جهات وحدت پیدا بشود، امید است که به مشکلات خودشان غلبه کنند و يك قدرتی بزرگ‌تر از قدرت‌های دیگر در مقابل سایر قدرت‌ها باشند» (همان، ۱۹۹/۷) حضرت امام رمز پیروزی دولت‌ها را وحدت کلمه می‌داند و می‌فرماید: «رمز پیروزی دولت‌ها، وحدت کلمه است» (همان، ۳۰۸/۸). امام خمینی علیه السلام ضمن تأکید بر بیداری اسلامی و توجه به منابع انسانی، مادی و معنوی مسلمانان، از آن‌ها می‌خواهد که مجد و عظمت جهان اسلام را بار دیگر احیا سازند و با اتحاد مسلمانان و دولت‌های اسلامی، بزرگ‌ترین قدرت را شکل دهند. از این رو، می‌فرماید: «من امیدوارم که همه ملت‌های اسلام که به واسطه تبلیغاتی که این‌ها را از هم متفرق کردند و مقابل هم قرار دادند، بیدار شوند و همه با هم بشوند، یک دولت بزرگ اسلامی، یک دولت زیر پرچم لا اله الا الله تشکیل بدهند و این دولت به همه دنیا غلبه بکند» (خمینی، ۱۳۶۸: ۱۷۹/۱۵).

۴. بررسی انحطاط جوامع اسلامی از نگاه قرآن توسط مقام معظم رهبری علیه السلام

علت انحطاط مسلمین در قرآن کریم ترک نماز، پیروی از شهوات و دنیا طلبی است.



قرآن در دو جا اشاره می‌کند به انحطاط ملت‌هایی که اول ایمان آوردند، بعد در نسل بعد دچار انحطاط شدند. یک جا در سوره‌ی مریم است که می‌فرماید: فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا؛ (مریم: ۵۹) یعنی اولی‌ها مبارزه کردند و ایمان آوردند، منتها بعد - معنای «خَلَف» با سکون لام، با «خَلَف» با فتح‌هی لام، ضد هم است؛ «خَلَف» یعنی بازمانده‌ی بد، «خَلَف» یعنی بازمانده‌ی خوب؛ اینجا می‌گوید: فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ - بازمانده‌های بدی روی کار آمدند که «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ»؛ اولین کارشان این بود که نماز را ضایع کردند؛ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ؛ دنبال شهوات رفتند، دنبال شهوات شخصی رفتند؛ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا؛ این دو عامل - عامل ضایع کردن نماز و دنباله‌روی از شهوات - این نیروهایی را که باید در مقام جهاد و مبارزه ایستادگی کنند و این ایستادگی قطعاً به پیروزی منتهی خواهد شد، در یک جای دیگر همین موضوع در سوره‌ی اعراف [آمده]: (فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرَثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَصَ هَذَا الْأَدْنَى) (اعراف: ۱۶۹؛ برگرفته از بیانات در دیدار با دانشجویان: ۹۵/۴/۱۲).

## ۵. علل انحطاط جوامع اسلامی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب علیه السلام

دنیا در حال تغییر است و نظم جدیدی در حال نطفه بندی است و ما وظایف مهم‌تری داریم. نظم دو پایه‌ی اساسی دارد: یک پایه‌ی فکری و ارزشی، و یک پایه‌ی عملی، یعنی نظامی و سیاسی که هر دو پایه امروز دچار چالش و تزلزل شده. پایه‌ی اخلاقی و فکری ادعای برتری فکری و ارزشی غرب - شامل اروپا و آمریکا - بر بقیه‌ی مناطق جهان و بقیه‌ی ملل عالم است. شعارهایی را مثل شعار آزادی، شعار دموکراسی، شعار حقوق بشر، شعار دفاع از ملتها مطرح کردند که جذاب و فریبنده است.

بخش عملی مسئله‌ی توانایی‌های سیاسی و نظامی است که اگر ملتها یا دولتها یا جریانهای گوناگونی تحت تأثیر آن نظام ارزشی و آن جنبه‌ی اول قرار نمی‌گرفتند و تسلیم نمی‌شدند و ایستادگی می‌کردند، با فشار سیاسی و با فشار نظامی با آنها برخورد می‌کردند و آن‌ها را مجبور به همراهی می‌کردند (برداشتی از بیانات در دیدار اعضای خبرگان: ۹۳/۶/۱۳).

موارد بسیاری عوامل انحطاط و عوامل پیشرفت جامعه اسلامی را بیان فرموده‌اند و در نشست‌های گوناگون و به مناسبت‌های مختلف عوامل پیشرفت در جامعه را نام برده‌اند. از جمله علل انحطاط جوامع اسلامی که از سخنان ایشان برداشت می‌شود عبارت است از:

### ۵-۱. عوامل داخلی

عوامل داخلی انحطاط جوامع اسلامی از دیدگاه رهبری به شرح ذیل است.

#### ۵-۱-۱. بی‌خبری مردم از مسائل کشور

طبق نظر مقام معظم رهبری علیه‌السلام ایران در طول تاریخ خود فراز و نشیب‌ها و به عبارتی عزت و ذلت‌هایی داشته است. در زمان قبل از انقلاب مردم از سیاست کشور خودشان بی‌خبر بودند چه برسد به سیاست کشورهای دیگر و در نتیجه آن، تاثیری هم در فعل و انفعالات آن نداشتند. طبق فرموده ایشان: قبل از انقلاب در حوزه اقتصاد، وضع ما روزبه‌روز به طرف انحطاط بیشتر حرکت می‌کرد. در حوزه علم و فناوری، به کلی عقب‌مانده بودیم؛ هیچ دستاورد علمی‌ای که قابل توجه و قابل عرضه باشد، در مقابله‌ی با حرکت عظیم علمی در دنیا نداشتیم (بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام: ۹۱/۳/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19996>)

#### ۵-۱-۲. ضعف دولت‌های اسلامی

در سیاست داخلی خودمان، دستخوش سیاست‌های بیگانگان بودیم. استعمارگرها، قدرتهای مسلط دنیا، بر روی حکومت‌های ما اثر می‌گذاشتن و قدرتهای مسلط ما، هیچ عکس‌العمل شایسته‌ی انسانی افتخارآمیزی از خودشان نشان نمی‌دادند. حتی در زمینه‌ی حفظ تمامیت ارضی کشور، حفظ حاکمیت دولتها، ضعف خجالت‌آوری را در این دوران دویست ساله مشاهده و تجربه کرده‌ایم. البته در این میان، استثنائی هم وجود داشت: مثلاً

امیرکبیر که سه سال بر سرکار آمد یا فتوای میرزای بزرگ شیرازی که توانست قضیه‌ی تنباکورا فیصله بدهد یا علما در قضیه‌ی مشروطیت دخالت کردند یا نهضت ملی شدن نفت در یک دوره‌ای به راه افتاد. همه‌ی اینها کارهای کوتاه‌مدت، موقت و بعضاً به کلی ناکام بود؛ اما روال کلی، حرکت کلی، حرکت ذلت بود که بر این ملت دارای موارث عظیم تاریخی تحمیل شده بود (همان).

### ۳-۱-۵. دور شدن از شعارهای انقلاب

جمهوری اسلامی آن وقتی واقعاً جمهوری اسلامی است که با همان مبانی مستحکم امام، همان چیزهایی که در دوران حیات مبارک امام مطرح بود، شعار بود، با جدیت دنبال می‌شد و با همان شعارها پیش می‌رود. هر جا با آن شعارها پیش رود پیشرفت می‌کند و پیروز است و هر جا منفعت دنیائی با آن بوده و از آن شعارها عقب‌نشینی کرده است و به دشمن میدان داده است، عزت به دست نیامده است و دشمن پیشتر آمده است؛ از لحاظ مادی هم ضرر کرده است (خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران: ۸۸/۶/۲۰،  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8033>).

### ۴-۱-۵. هوس‌های پراکنده

هوس‌های پراکنده به دو معنا است: معنای ساده‌تر اینکه انسانها در هر بخشی از بخشهای جامعه یا در هر بخشی از بخشهای روی زمین دارای خواسته‌ها و جهت‌گیری‌های ویژه‌ی خودشان باشند و آرمانهای مشترکی در جامعه وجود نداشته باشد. معنای دوم این است که هوس‌ها در سطح زندگی مردم پراکنده شده باشد؛ یعنی در سراسر عالم چند قطب و چند قدرت بیشتر وجود ندارد و هر جا هر طاغوتی در رأس یک جامعه‌ای قرار دارد بنابراین هوس یک انسان در بخش عظیمی از جامعه‌ی بشریت و خانواده‌ی بشریت مشاهده میشود و محسوس و ملموس است که دنیا در یک چنین وضعی بوده است.

## ۵-۱-۵. شک و تردید

یکی از طرفندهای تبلیغاتی دشمن همین است که ذهنها را به نحوی دچار تردید بکند که آینده چه خواهد شد؟ متأسفانه بعضی از افراد ساده دل وقتی می بینند کشور به سمت سازندگی و آبادی پیش می رود، به جای کمک و همکاری یک هاله‌ای از ابهام و شک را بر همه چیز می گسترانند و مردم را دچار تردید می کنند. حضرت آیت الله خامنه‌ای تأکید می کند که کسانی که حرفی می زنند و اظهار نظری می کنند، مواظب باشند که مبدا برطبق خواست دشمن و برطبق خواست استکبار حرف بزنند؛ دشمن می خواهد که مردم در تلاش و سازندگی خودشان دچار شک و تردید بشوند (بیانات رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2224>، ۶۸/۹/۱).

## ۵-۱-۶. تقلید از غرب

ایشان در صحبت ها و در دیوارهای متعددی در مورد تقلید از غرب سخن گفته‌اند و نسبت به آن تذکر داده‌اند ایشان با تأکید بر اینکه نهضت‌های بیداری اسلامی باید به تجربه‌ی تلخ و وحشتناک تبعیت از غرب در سیاست و اخلاق و رفتار و سبک زندگی، توجه دائم داشته باشد. می فرمایند: کشورهای مسلمان در بیش از یک قرن تبعیت از فرهنگ و سیاست دولتهای مستکبر، به آفات مهلکی همچون وابستگی و ذلت سیاسی، فلاکت و فقر اقتصادی، سقوط فضیلت و اخلاق، عقب ماندگی خجلت آور علمی، دچار شدند و این در حالی بود که امت اسلامی از سابقه‌ای افتخار انگیز در همه‌ی این عرصه‌ها برخوردار بود. این سخن را نباید به معنی دشمنی با غرب دانست. ما با هیچ گروهی از انسان ها به خاطر تمایز جغرافیائی، دشمنی نداریم. ما از علی (علیه السلام) آموخته‌ایم که درباره‌ی انسان ها فرمود: «اما اخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق» ادعای ما، علیه ظلم و استکبار، تحکم و تجاوز، فساد و انحطاط اخلاقی و عملی است که از سوی قدرتهای استعماری و استکباری بر ملت های ما وارد شده است. هم اکنون نیز تحکّمها و دخالتها و زورگوئی های آمریکا و برخی ایادی هایش در منطقه را در کشورهایی که نسیم بیداری در آنها به طوفان قیام و انقلاب بدل

شده است، مشاهده می‌کنیم.

وعده‌ها و وعیدهای آنان نباید در تصمیم‌ها و اقدام‌های نخبگان سیاسی و در حرکت عظیم مردمی اثر بگذارد. در اینجا نیز باید از تجربه‌ها درس بیاموزیم. آنها که در طول سالیان به وعده‌های آمریکا دل خوش کرده نتوانستند گرهی از کار ملت خود بگشایند باید از این تهدید الهی بیمناک باشند که فرمود: «ألم ترالی الذین بدّلوا نعمت الله کفرا واحلّوا قومهم دارالبوار. جهنّم یصلونها وبئس القرار (ابراهیم: ۲۸)» (بیانات رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی: ۲۳/۰۷/۹۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>).

### ۷-۱-۵. علم بدون تزکیه

آیه «یزکیهم ویعلّمهم الكتاب والحکمة» (آل عمران: ۱۶۴) می‌فرماید که علم باید با تزکیه همراه باشد و اگر علم همراه با تزکیه نباشد فاجعه به بار می‌آید و بدون تزکیه، علم هم ابزاری برای فساد و انحطاط و گمراهی و سقوط بشر خواهد شد؛ همچنان که امروز در دنیا، علم وسیله‌ی سقوط بشر است و از علم برای به زنجیر کشیدن ملت‌ها و دگرگون جلوه دادن حقایق و گرسنگی دادن به انسان‌ها استفاده می‌کنند. همین سلاح می‌تواند در دست انسان صالح، وسیله‌ی دفاع از انسان‌ها، حقوق مردم و خانواده باشد بنابراین علم را بایستی آن وقتی در دست گرفت که با تزکیه همراه باشد.

### ۸-۱-۵. افکار متحجران غرب زده

مقلدان، انسان‌هایی هستند که طالب توسعه و رشد و پیشرفت هستند اما راه را در تقلید مطلق از الگوهای غربی جستجو می‌کنند امروز روحانیت و اسلام، راه و جایگاه خود را کاملاً پیدا کرده‌اند؛ اما افکار انحرافی، به کلی از بین نرفته و ریشه‌کن نشده است. کسانی که هنوز نتوانسته‌اند جلوه‌ی انقلابی اسلام را درک کنند، هنوز هم در حوزه‌ها و در کسوت روحانیت هستند. آنها کسانی هستند که قلب‌های آنان به جای کینه‌ی امریکا و دشمنان، جایگاه کینه‌ی مجاهدان فی سبیل الله و جوانان مؤمن و پرچمداران حقیقت است، در حوزه‌ها

و بیرون از حوزه‌ها نیز پیدا میشوند. همان متحجرانی که امام مکرر اشاره کردند - یعنی دوستداران و شیفتگان اسلام امریکایی؛ اسلامی که روحانیت و دین و معنویت را از مسیر خود و از مردم و خدا دور می‌کند و مایه‌ی شادی و آسایش دل دشمنان خدا میشود - هنوز هستند. در همه‌ی جبهه‌ها، حضور جوان‌های مؤمن و فعال و فضیلتی جوان در سمت هدف‌های انقلاب، یک ضرورت است (بیانات رهبری، ۶۸/۱۲/۲،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2268>.

### ۹-۱-۵. نداشتن آرمان صحیح

جامعه بدون آرمان، بدون مکتب، بدون ایمان، ممکن است به ثروت برسد، به قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد، تازه می‌شود یک حیوان سیر و قدرتمند - و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیشتر است - اسلام این را نمی‌خواهد. اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار باشد، هم قدرتمند باشد، و هم شاکر و بنده‌ی خدا باشد؛ جبهه عبودیت بر خاک بساید (بیانات رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی: ۲۳/۰۷/۹۱،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>

### ۲-۵. عامل خارجی

عوامل خارجی انحطاط جوامع اسلامی از دیدگاه رهبری به شرح ذیل است.

#### ۱-۲-۵. حیل‌های دشمن برای انحطاط میان مسلمانان

حیل‌های دشمنان اسلام به کار می‌برند تا جوامع اسلامی را به انحطاط بکشند. که جزو عوامل خارجی برای به انحطاط کشیدن جوامع اسلامی است. ایجاد شکاف در میان ملت، به جان هم انداختن آحاد ملت، فاصله ایجاد کردن بین توده‌ی عظیم مردمی کشور با مسئولین، ایجاد سوءظن، ایجاد بگومگو بر سر قضایای هیچ و پوچ و همچنین فساد اخلاقی، انحطاط اخلاقی که به عنوان ابزار در خدمت هدف‌های سیاسی استکبار است؛ همان طور که در بسیاری از مراکز عالم، برای ضایع کردن و نابود کردن یک ملت - و البته در کنارش پول

درآوردن - مواد مخدر را هم به عنوان یک ابزار در خدمت اغراض سیاسی قرار می‌دهند (بیانات رهبری در دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان: ۸۹/۸/۲۶،  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10608>).

#### ۶. راهکارهای مقابله با انحطاط از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام

خدمت به تعالی انسان هدف حقیقی و اصلی پیشرفت‌ها و برجستگی‌های بشری است. علم و هنر در ذات خود، موهبت‌های الهی می‌آید. ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، باید این پدیده‌های متعالی را در خدمت اسلام و معنویت و تعالی بشر قرار بدهند. حفظ هویت و شاکله باطنی یک ملت را منوط به برطرف کردن نقایص و اصلاح رخنه‌های احتمالی در فرهنگ است (برگرفته از دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبرانقلاب، ۹۰/۳/۲۳،  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18292>

#### ۶-۱. بهره‌گیری از علم

در قرآن کریم آمده است: «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم» (علق: ۵). آموخت به انسان چیزی را که نمی‌دانست». مقام معظم رهبری علیه السلام در توضیح این آیه می‌فرمایند: اینها نعمت‌های خداست درباره‌ی انسان. پس انسان باید این نعمت‌ها را شکر کند. وقتی خدا راه را به انسان نشان داده، قلم را به انسان داده، انسان را خردمند کرده و آموزش داده، پس انسان بایستی به طرف قله‌ی اوج برود و نباید یک لحظه انحطاط داشته باشد.

دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲،  
(<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

## ۲-۶. محکم کردن رابطه انسان با خدا

انسان باید رابطه خود را با خدای متعال مستحکم کند، عیب بزرگ دنیای مادی غرب، قطع رابطه‌ی انسان با خدا است که نتیجه آن انحطاط معنوی و لغزش‌های اخلاقی فراوان می‌شوند و دچار نومیدی می‌شوند و جوان‌هایشان دچار سرگردانی و سرگشتگی می‌شوند؛ پس روز به روز تمدن غرب دارد افول می‌کند؛ چون رابطه‌ی با خدا را قطع کرده‌اند. راز پیشرفت یک انسان به صورت شخصی و فردی، و یک جامعه به صورت جمعی حفظ رابطه‌ی خود با خدا است پس باید ارتباط را با خدا حفظ کرد (بیانات رهبری در مراسم جشن تکلیف دانش‌آموزان: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=35137,95/9/23>).

## ۳-۶. جلوگیری از غرور در انسان

هر فردی باید از زندان نفسانیات و خودبینی و غرور، خود را خارج کند و از بیرون به خود بنگرد. همه ما به این تحوّل احتیاج داریم. ما باید نقص‌های خود را را برطرف کنیم پس باید آنها را ببینیم و آنها را بشناسیم. اگر خودمان را مطلق دانستیم، مغرور شده‌ایم. خیال کرده‌ایم نقصی نداریم به فکر علاج نمی‌افتیم. پیغمبران، وائمه هدی دائم چکشی به دست گرفته بودند و بر سر نفس فرود می‌آوردند. نفس، یعنی آن بُعد انحطاط‌گرای وجود ما؛ آن بُعدی که شهوات را به ما القا و تلقین می‌کند و ما را به آن می‌کشاند. ضعف‌ها و نقص‌های ما از آن جاست. باید خودنگری داشته باشیم تا ضعف‌ها را ببینیم. ملت هم از روزی که متوجه نقایص خود شد؛ خود باوری پیدا کرد و ترقی کرد (بیانات رهبری در دیدار پرسنل فرماندهان ارتش: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2793,75/1/28>).

## ۴-۶. توجه به نقش جوانان در پیشرفت کشور اسلامی

باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد؛ البته باید سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت آن چشم‌انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً با محوریت جوان متعهد است؛ جوان‌های متعهد، محور این حرکتند. برای ورود جوانان به صحنه به چند عامل نیاز است:



عنصر اول این است که جوان باید از صحنه یک شناختی داشته باشد؛ یعنی این کسانی که این حرکت را انجام می دهند یا محور این حرکت اند یا لااقل تحریک کننده‌ی این حرکت اند، بایستی صحنه را درست بشناسند، عناصر درگیر در این صحنه را بشناسند. عنصر دوم این حرکت باید یک جهت گیری مشخصی داشته باشد؛ یک جهت گیری منطقی و قابل قبول، که در حرکت عمومی ملت ایران که ما داریم پیشنهاد می کنیم این جهت گیری، جهت گیری به سمت جامعه‌ی اسلامی یا تمدن اسلامی است؛ یعنی می خواهیم برویم به سمت تشکیل یک جامعه‌ی اسلامی؛ و حرکت عمومی، ما را باید به اینجا و در نهایت به یک تمدن پیشرفته‌ی اسلامی برساند. عنصر سومی که [این حرکت] نیاز دارد، این است که یک عامل امیدبخشی باید وجود داشته باشد، یک نقطه‌ی روشنی باید وجود داشته باشد. در هر حرکتی اگر چنانچه این نقطه‌ی روشن، این نقطه‌ی امیدبخش وجود نداشته باشد، حرکت پیش نمی رود. این خوشبختانه در کشور ما، در دسترس است؛ نقطه‌ی روشن عبارت است از ظرفیت‌های ملی‌ای که ما این‌ها را شناخته‌ایم. عنصر چهارم این است که بالاخره در هر برهه‌ای راهکارهای عملی لازم است. راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه به لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش ببرد. این هدایت به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملت است. همان نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان و در میان مسئولین، تشکلهای دانشجویی، مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری که باید برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان: ۹۸/۳/۱).

مقام معظم رهبری علیه السلام در سخنان خود روشنفکران، نخبگان، علمای دینی، فعالان سیاسی و در رأس همه، حکومت و حاکمان را قطب‌های تأثیرگذار در فرهنگ ملت‌ها می‌دانند زیرا آنان هم توانایی تقویت فرهنگ و هم زمینه تضعیف و یا انحطاط آن را دارند (دیدار اعضای شورا عالی انقلاب فرهنگی: ۹۰/۳/۲۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech->

content?id=18292). مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

### ۵-۶. انقلاب اسلامی ملت ایران

انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است (همان).

### ۶-۶. آغاز عصر جدید

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادّی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گوناگون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند (همان).

### ۷-۶. شعارهای انقلاب

برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت،

استقلال، عزّت، عقلانیّت و برادری هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند (همان).

### ۸-۶. نظام انقلابی

انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریّه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند (همان).

### ۹-۶. پایبندی به اصول

جمهوری اسلامی، متحجّر و در برابر پدیده‌ها و موقعیّت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به شدّت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدّت حسّاس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند (همان).

### ۱۰-۶. دفاع از مظلومان

این انقلاب از آغاز تا امروز بی‌رحم و منفعل نبوده است. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است (همان).

### نتیجه‌گیری

هدف از تشکیل جامعه اسلامی، پیشرفت جامعه بر اساس آموزه‌های اسلام است. مبنای حکومت اسلامی هم پیشرفت و تعالی انسان هاست پس اگر افولی در جامعه پدید بیاید نشان از دور بودن از اسلام و دور شدن از آموزه‌های دین دارد. در این تحقیق تلاش شده است که با توجه به نظرات دو حاکم اسلام شناس عواملی که سبب افول جامعه اسلامی شده است یا سبب کاهش رشد شده است بررسی شود و عوامل انحطاط این جوامع شناخته شود. تا از افول آن جلوگیری شود. از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه انحطاط جامعه‌ی مسلمین دو

عامل خارجی و داخلی دارد.

دور بودن از اسلام، جدایی دین از سیاست، اختلاف میان مسلمانان و وابستگی دولت‌ها به ابر قدرت‌ها را می‌توان از عوامل داخلی شمرد، اما از عوامل خارجی می‌توان متحجران نشان دادن اسلام توسط بیگانگان، تفرقه افکنی میان کشورهای اسلامی نام برد همچنین می‌توان از عوامل چون استفاده از ذخایر طبیعی مسلمانان و تهاجم فرهنگی ایجاد شده توسط ابر قدرت‌ها یاد کرد.

از نظر مقام معظم رهبری علیه السلام انحطاط در جوامع اسلامی به خاطر هوس‌های پراکنده، شک و تردید در افراد، نداشتن آرمان صحیح، تقلید از غرب، علم بدون تذکیه، افکار متحجران غرب زده و فقدان آرمان صحیح در مسلمانان است. امام خمینی برای مقابله با انحطاط جوامع مسلمان راهکارهایی چون: بیداری مسلمانان، بازگشت به اسلام اصیل، اعتماد به نفس و خودباوری و افزایش وحدت میان مسلمانان ارائه داده‌اند. مقام معظم رهبری نیز راهکارهایی چون: بهره‌گیری از علم، تقویت رابطه با خدا، جلوگیری از غرور، توجه به شعارهای انقلاب، پایبندی به اصول، دفاع از مظلوم را نام برده‌اند. البته نکته بسیار مهمی که سبب انحطاط جوامع می‌شود و معظم له بسیار روی آن تأکید دارند تقلید کورکورانه شیفتگان غرب است تقلیدی که بخواهند عین الگوی غرب را در کشور پیاده کنند. البته ایشان با استفاده کردن از تجربیات کشورهای مختلف مخالف نیستند بلکه تأکید ایشان پیاده نکردن ساختار غرب در کشور است چراکه هر کشوری با توجه به اعتقادات و روحیات مردم آن کشور ساختار خود را می‌بندد و پیاده کردن ساختار مخصوص کشورهای غربی روی دیگر کشورها کار صحیحی نیست. اگر عوامل ضعف در جامعه اسلامی از بین برود و جامعه اسلامی به معنای واقعی در کشور محقق شود یا حداقل به آن نزدیک شود ثبات حکومت اسلامی تقویت می‌شود و انسان به خصوص شیعه به هدف آرمانی خود یعنی حکومت عدل جهانی نزدیک می‌شود. زیرا جمهوری اسلامی مقدمه همان حکومت جهانی است.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰.
۱. ارجینی، حسین، «عوامل انحطاط و پویایی جوامع اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه»، فصل نامه پژوهشی مطالعات اسلامی، ۱۳۸۷.
۲. خامنه‌ای، سید علی، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تهران، دفتر نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷.
۳. خسروپناه، عبدالحسین، آسیب شناسی جامعه‌ی دینی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴.
۴. خسروپناه، عبدالحسین، منظومه فکری آیت الله عظمی خامنه‌ای، قم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۹۶.
۵. خمینی، روح الله صحیفه امام، تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۸.
۶. خمینی، روح الله، جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۶۸.
۷. رشیدی، بهروز، امام خمینی رحمته الله علیه و نهضت احیای تمدن، قم، چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۷.
۸. زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۰، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۹. عالمیان، علی اکبر، عوامل انحطاط و عقب ماندگی مسلمین، قم، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۹.
۱۰. علی خوانی، محمد؛ حاضری، علی، خودباختگی و خود باوری از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه، تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۷.
۱۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰.
۱۲. موثقی، سید احمد، جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
۱۳. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، تهران، اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۴. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، اسلام ناب در کلام امام خمینی رحمته الله علیه، تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۶.

۱۵. میرزا، عبداله‌اشم، عوامل انحطاط و سقوط مسلمین از دیدگاه قرآن، قم، جامعه المصطفی‌العالمیه، ۱۳۸۹.
۱۶. یوسفی فخر، سیدحسین، کرامت انسان در آثار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه «مأخذشناسی»، تهران، عروج، ۱۳۸۶.
۱۷. یوسفی، هدایت، ریشه‌های انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان در اندیشه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، قمف مرکز پژوهشی صدا و سیما، ۱۳۸۵.
۱۸. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای: khamenei.i

---

## بررسی رویکرد مستشرقان نسبت به امامان شیعه بعد از انقلاب اسلامی

---

(پژوهش موردی امام کاظم علیه السلام و تطبیق بانگاه امام خامنه‌ای علیه السلام)

سمیه رضایی<sup>۱</sup>

### چکیده

شرق‌شناسی در بردارنده هر نوع بررسی درباره شرق است، که در زمینه عقاید، تاریخ، اوضاع معاصر شرق و شناخت دانش‌ها و آداب و رسوم مردم خاورزمین صورت می‌گیرد. و نوعی تمایز بین شرق و غرب در آن نهفته است. خاورشناسان درباره ائمه نظرات مختلفی دارند و گروهی از آنان دچار گزاف‌گویی شده‌اند. بعد از انقلاب اسلامی و قدرت گرفتن جبهه اسلام در برابر جبهه غرب، مستشرقین که سربازان نظام سلطه غرب اند به تکاپو افتادند تا مبانی انقلاب اسلامی را خدشته دار و با القاء شبهات متزلزل کنند، یکی از مهم‌ترین مبانی انقلاب اسلامی، مشروعیت حکومت اسلامی و ولایت فقیه است که ریشه در امامت و ولایت اهل بیت و تلاش سیاسی آنان در تحقق حاکمیت الهی دارد، شناخت و معرفت امامان امری واجب است و هیچ بهانه‌ای در ترک این امر پذیرفته نیست و هر کس که بدون معرفت و شناخت امام از دنیا برود مرگ او همانند زمان جاهلیت می‌باشد. هدف از این تحقیق نقد آراء مستشرقان بعد از انقلاب اسلامی نسبت به ائمه خصوصاً رسیدن به حقایق

---

۱. طلبه سطح سه، مدرسه علمیه فاطمة المعصومه بندرعباس. ometaha313@gmail.com.

سیره سیاسی امام کاظم علیه السلام است. آن چه که تحقیق حاضر را متمایز می‌کند، ارائه تحلیل تاریخی بر اساس نظریه مقام معظم رهبری علیه السلام است. این مقاله با روش کتابخانه‌ای - تحلیلی ابتدا به ارائه تبیین واژه شناسانه از مفهوم مستشرق، خاورشناس، شرق شناس و امام پرداخت و سپس به زندگی امام کاظم علیه السلام و القاب و فرزندان امام و سیاست‌های ایشان و بررسی شبهات در باره ایشان می‌پردازد، در نتیجه نظرات نادرست مستشرقان نسبت به امام کاظم علیه السلام روشن خواهد شد.

کلید واژگان: امام کاظم علیه السلام، اتان کلبرگ، دونالدسون، مستشرق، مقام معظم رهبری علیه السلام،

هالم هاینس



## مقدمه

امام کاظم علیه السلام، هفتمین امام شیعیان دوازده امامی است. دوران زندگی آن امام با مسائلی روبه‌رو بود که شیعیان را با وضعیت جدیدی مواجه ساخت. صدها حادثه توجه برانگیز و پرمعنی و در عین حال ظاهراً بی‌ارتباط و گاه متناقض با یکدیگر در زندگی موسی بن جعفر علیه السلام هنگامی معنی می‌شود و ربط می‌یابد که ما آن رشته مستمری را که از آغاز امامت آن بزرگوار تا لحظه شهادتش ادامه داشته مشاهده کنیم این رشته همان خط جهاد و مبارزه ائمه علیهم السلام است که در تمام دوران ۲۵۰ ساله و در شکل‌های گوناگون استمرار داشته و هدف از آن اولاً تبیین اسلام ناب و تفسیر صحیح قرآن و ارائه تصویری روشن از معرفت اسلامی است و ثانیاً تبیین مسئله امامت و حاکمیت سیاسی در جامعه اسلامی و ثالثاً تلاش و کوشش برای تشکیل آن جامعه و تحقق بخشیدن به هدف پیامبر معظم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و همه پیامبران یعنی اقامه قسط و عدل زدودن انداد الله از صحنه حکومت و سپردن زمام اداره زندگی به خلفا الله و بندگان صالح خداوند، امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز همه زندگی خود را وقف این جهاد مقدس ساخته بود درس و تعلیم و فقه و حدیث و تقیه و تربیتش در این جهت بود. البته زمان او ویژگی‌های خود را داشت پس جهاد اونی‌زبه تناسب زمان مختصاتی می‌یافت.

بعد از انقلاب اسلامی و قدرت گرفتن جبهه اسلام در برابر جبهه غرب، مستشرقین که سربازان نظام سلطه غرب اند به تکاپو افتادند تا مبانی انقلاب اسلامی را خدشته دار و با القاء شبهات متزلزل کنند، یکی از مهم‌ترین مبانی انقلاب اسلامی، مشروعیت حکومت اسلامی و ولایت فقیه است که ریشه در امامت و ولایت اهل‌بیت و تلاش سیاسی آنان در تحقق حاکمیت الهی دارد، شناخت و معرفت امامان امری واجب است و هیچ بهانه‌ای در ترک این امر پذیرفته نیست و هرکس که بدون معرفت و شناخت امام از دنیا برود مرگ او همانند زمان جاهلیت می‌باشد.

گروهی از مستشرقان نظریه‌های مختلفی درباره امام کاظم علیه السلام ارائه کرده‌اند و از آنجا که عموم مستشرقان، غیرمسلمان و اکثراً مسیحی یا یهودی بوده‌اند، برخورد آنان با فرهنگ دینی

شرق، یعنی اسلام، واقع بینانه نبوده و در مقالات و کتبی که در زمینه معرفی اسلام و قرآن و امامان علیهم السلام به نگارش درآورده‌اند، چهره ناقص، نادرست و نازیبایی ارائه کرده‌اند. این پژوهش‌های مکتوب، امروزه در دانشگاه‌های مختلف اروپا، به عنوان مرجع اصلی آموزش و پژوهش، در کرسی‌های اسلام شناسی مورد پذیرش واقع شده است. لذا این ضرورت ایجاد می‌شود که به بررسی دیگاه خاور شناسان درباره امام کاظم علیه السلام پرداخته شود تا حقایق روشن گردد. باتوجه به آنچه بیان شد محوری ترین سوال مقاله این است؛ دیدگاه خاورشناسان درباره امام هفتم شیعیان چیست؟ مستشرق کیست؟ مستشرقان جایگاه اخلاقی امام کاظم علیه السلام را چگونه می بینند؟ سیاست امام کاظم علیه السلام از دیدگاه خاورشناسان چگونه است؟ آیا خاورشناسان جانشینی امام را قبول دارند؟ مستشرقان شهادت امام را چگونه تحلیل می‌کنند؟ با وجود گستردگی آثار خاورشناسان درباره شیعه در دهه‌های اخیر، به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران که رشد چشم گیری داشته است، آثار مربوط به امامان شیعه، چندان وفور ندارد. هدف از این پژوهش آشنایی با دیدگاه مستشرقان درباره امامان کاظم علیه السلام و دست یابی به دستاوردهای علمی این پژوهش‌ها و هم چنین تحلیل آن از منظر مقام معظم رهبری علیه السلام است. آثار خاورشناسان درباره امام کاظم علیه السلام و مسائل مربوط به دوره زندگی آن امام بزرگوار، در برخی کتاب‌های مربوط به شیعه انجام شده است از جمله کتاب و مقالات از جمله: مذهب شیعه از دونالدسون، ترجمه دکتر عباس احمدوند، چاپ اول، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، سال چاپ ۱۳۹۵، که در فصل‌های مختلف به تاریخ شیعه و زندگی امامان از جمله در فصل چهاردهم به امام کاظم علیه السلام می پردازد و مقاله بررسی انتقادی آثار خاورشناسان درباره امام کاظم علیه السلام، سال چهاردهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۲، شماره مسلسل ۵۳، خاورشناسان موضوعات مختلف مربوط به اسلام را از نگاه برون دینی و به صورت روشمند مطالعه نمودند، شخصیت امام کاظم علیه السلام و مسائل مربوط به دوره آن حضرت را نیز در محورهای مختلف آن بررسی کردند، که نگارنده به روش کتابخانه‌ای و تحلیلی و باتوجه به بیانات مقام معظم رهبری در پاسخ به سوال مقاله و بررسی دقیق و تثبیت برخی از فرایض آن

اقدام کرده است. کاری که نگارنده‌های پیشین بر حسب آمار و احتمال نگاشته‌اند. این نوشتار، به بررسی پژوهش‌های شیعه پژوهان غربی درباره امام کاظم علیه السلام می‌پردازد. هدف از این تحقیق نقد آراء مستشرقان بعد از انقلاب اسلامی نسبت به ائمه خصوصاً رسیدن به حقایق سیره سیاسی امام کاظم علیه السلام است. آن‌چه که تحقیق حاضر را متمایز می‌کند، ارائه تحلیل تاریخی بر اساس نظریه مقام معظم رهبری علیه السلام است. این مقاله با روش کتابخانه. تحلیلی ابتدا به ارائه‌ی تبیین واژه شناسانه از مفهوم مستشرق، خاورشناس، شرق شناس و امام پرداخت و سپس به زندگی امام کاظم علیه السلام و القاب و فرزندان امام و سیاست‌های ایشان و بررسی شبهات در باره ایشان می‌پردازد.

## ۱. مفهوم‌شناسی

مفهوم‌شناسی مهمترین واژگان این نوشتار به شرح ذیل است.

### ۱-۲. خاورشناس

از خاورشناسی یا شرق‌شناسی در غربی با استشرق و در انگلیسی با **orientalism** یاد می‌شود. این واژه ابتدا به دانشجوی اهل مشرق زمین اطلاق می‌شده و سپس در سال ۱۸۱۲م، در فرهنگ آکسفورد به معنای شرق‌شناسی به کار رفته است (مونتگمری وات، ۱۳۷۳: ۱۸۱). خاورشناسی عبارت از نوعی سبک فکری است که بر مبنای یک تمایز شناختی و شناخت شناختی است که میان شرق و غرب قرار دارد (ادوار، ۱۳۷۷: ۱۵-۱۶).

### ۱-۳. شرق‌شناسی

به پژوهش‌های علمی دانشمندان غربی درباره ملل، تمدن، مذاهب، ادبیات، تاریخ مشرق زمین را شرق‌شناسی می‌گویند (دهخدا، ۱۳۷۷: ۹/۱۲۵۴۸).

### ۱-۴. امام

امام جمع آن ائمه است و به معنی اقتدا شده به او. خواه این مقتدی انسان باشد که به

قول یا فعلش اقتدا شود، یا کتاب و چیزی از این قبیل باشد و فرقی ندارد این پیشوا برحق باشد یا باطل (اصفهانی، ۱۳۹۰: ۴۵).

## ۲. معرفی خاورشناسان پژوهشگر درباره‌ی امام کاظم علیه السلام

فهرست خاورشناسانی که در این مقاله به دیدگاه آنها درباره امام کاظم علیه السلام می پردازیم به شرح زیر است.

### ۲-۱. اتان کلبرگ

اتان کلبرگ شیعه شناس رژیم صهیونیستی است که به سال ۱۹۴۳ در تل آویو به دنیا آمده است. وی در کودکی به موسیقی و پیانو علاقه داشته و به همین منظور به مدرسه فنون و موسیقی نیویورک می رود. او در دوره متوسطه بود، که در کنار زبان عبری به مطالعه زبان های عربی و انگلیسی علاقه مند می شود. کلبرگ پس از اتمام خدمت سربازی وارد دانشگاه عبری اورشلیم شده و در سال های ۱۹۶۶ و ۱۹۶۸ به ترتیب مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را با رتبه عالی پشت سر می گذارد. وی در ادامه به دانشگاه آکسفورد می رود و در ۱۹۷۱ درجه دکتری را از این دانشگاه کسب می کند. موضوع رساله دکترای اتان کلبرگ «جایگاه صحابه نزد شیعیان دوازده امامی» بود که آن را با راهنمایی ساموئل استرن و ریچارد والزنرنگاشته و دفاع می کند. پس از آن کلبرگ، از سال ۱۹۷۲ به عنوان مدرس در گروه مطالعات زبان عربی دانشگاه عبری اورشلیم مشغول به کار می شود. او در سال ۱۹۹۱ به رتبه استاد تمامی ارتقا می یابد و در سال ۲۰۰۶ بازنشسته می شود.

زمینه های مطالعاتی و تخصصی اتان کلبرگ شامل: تفسیر قرآن، متون عرفانی، ادبیات شیعی قدیم، شهادت در اسلام قرون وسطی و بررسی نسخ خطی عربی بود. در این مدت و مابین سال های ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹ ریاست مرکز مطالعات آسیایی-آفریقایی مکس شلوسینگر را بر عهده داشته است. وی همچنین در دانشگاه های ییل، پرینستون و مؤسسه مطالعات پیشرفته دانشگاه عبری اورشلیم به عنوان استاد میهمان تدریس داشته است. او در سال

۱۹۹۳ به عضویت آکادمی ملی علوم رژیم صهیونیستی درآمد و از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ به نمایندگی از این آکادمی در کمیته دائمی علوم انسانی بنیاد علمی اروپا حضور داشت. اتان کلبگ علاوه بر آن، تاکنون در مراکز علمی مختلفی از جمله انجمن مطالعات پیشرفته دانشگاه پرینستون، کمیته مطالعه عربی آموزش و پرورش رژیم صهیونیستی و کمیته آموزشی موسسه بن زوی عضویت داشته و چند نوبت به عنوان استاد نمونه دانشگاه خود انتخاب شده است. وی همچنین در سال ۲۰۰۸ به پاس دستاوردهای علمی چندین ساله برنده جایزه روچیلد شد (Etan Kohlberg).

مهمترین آثار او، محدث (فصلنامه امامت پژوهی، ۱۳۹۱: شماره ۶)، امام قوای بصری (فصلنامه امامت پژوهی، ۱۳۹۰: شماره ۳)، از امامیه تا اثنی عشریه (فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۴: شماره ۲) و ... است.

## ۲-۲. هالم هاینس

هاینتس هالم (به آلمانی: Heinz Halm؛ زاده ۲۱ فوریه ۱۹۴۲ در آندرناخ) مستشرق و شیعه‌شناس آلمانی است. هاینتس هالم در ۱۹۴۲ میلادی در شهر آندرناخ کشور آلمان به دنیا آمد. پس از گرفتن دیپلم در دانشگاه بن به تحصیل تاریخ و اسلام‌شناسی پرداخت. در سال ۱۹۶۹ دکتری فلسفه را اخذ کرد و پس از چند سال همکاری در دانشگاه در ۱۹۷۵ استاد رشته اسلام‌شناسی در دانشگاه توبینگن (Tubingen) شد و چند سال نیز در دانشگاه سوربن پاریس به تدریس اشتغال داشت.

محور مطالعات و تحقیقات هالم تاریخ اسلام در خاورمیانه، به خصوص مصر و آفریقای شمالی و فرقه‌های اسماعیلیه و شیعه بوده است. آثار او نشان می‌دهد که وی پیش از جریانات سیاسی کشورهای اسلامی از مبادی تحقیقی و پژوهشی خارج نشد و کمتر به مباحث و مسائل سیاسی پرداخت. ولی تحقیقات او در سال‌های بعد از ۱۹۸۲ جزء موضوعات «بنیادگرایی» امروز نویسندگان غربی به شمار می‌آید.

تألیفات مهم او عبارتند از: جهان‌شناسی نزد اسماعیلیان، شناخت اسلام، شیعه افراطی

و علویان، حکومت مهدی و صعود فاطمیان، اسلام شیعی از دین به سوی انقلاب، تاریخ جهان عرب، تصوف اسلامی، طریقت‌های درویشان شیعه در ایران. هاینس هالم به ضرورت نگارش کتابی درباره تاریخ شیعه پی برده است (هالم، ۱۹۹۶م: ۵۸). او این کتاب را در پنج فصل که شامل ۳۴ بخش است به رشته تحریر درآورده است. زحمات هالم برای پیدا کردن منابع این کتاب، در حدود ۳۰۰ جلد، قابل تقدیر است. وی گوشزد کرده است که خواننده نباید بدون مطالعه تاریخ و اوضاع ایران اقدام به داوری کند. باید توجه داشت که چون هالم فردی خارجی است، بسیاری از حوادث تاریخی را نادرست یا ناقص نقل کرده است (جعفریان، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

### ۳-۲. دوایت مارتین دونالدسون

«دوایت. م. دونالدسون»، اسلام شناس امریکایی و مبلغ کلیسای مشایخی. او در ۱۶ سالگی در خانواده‌ای روحانی وابسته به کلیسای مشایخی در ایالت اوهایو به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات در کالج واشنگتن و جفرستن در جنوب پیسبرگ در سال ۱۳۲۵ به هند رفت و سه سال در کالج مسیحی فورمن در لاهور پاکستان تدریس کرد. سپس به امریکا بازگشت و در مدرسه عالی الهیات هاروارد مطالعات علوم دینی را ادامه داد. در سال ۱۳۲۳ به عنوان مبلغ کلیسای مشایخی امریکا به مشهد رفت و مدت شانزده سال در ایران و مشهد سکونت داشت.

مهم‌ترین آثار شیعه پژوهانه وی عبارت هستند از: مذهب تشیع یا تاریخ اسلام در ایران و عراق (لندن ۱۹۳۳)، اندیشه امامت نزد شیعه و سلمان فارسی، «محراب در حرم مشهد». کتاب مذهب شیعه او به شهادت دکتر نصر، هنوز در مطالعات شیعه امامیه مسند و مرجع است (دونالدسون، ۱۳۹۵: ۱۹۰).

### ۳. حیات فردی امام کاظم علیه السلام در آثار خاورشناسان

اتان کلبرگ القاب امام کاظم علیه السلام را ابوالحسن اول، ابوابراهیم، ابوعلی معرفی نموده است

و تاریخ ولادت امام کاظم علیه السلام را ۷ صفر سال ۱۲۸ قمری دانسته است. وی گزارش تاریخ‌های دیگر درباره ولادت امام (ذی الحججه ۱۲۷ و ۱۲۹ ق) را نیز آورده است. کلب‌رگ درباره مادر امام می‌گوید نام ایشان حمیده بنت صاعد بربریه است (یا اندلسیه) که ام ولد بود که از یک برده فروش بربر خریداری شد. در بیشتر موارد از وی با لقب «مصفاة» به معنای پاک شده یاد نموده‌اند (رزاقی، ۱۳۹۲: ۵۳).

آنچه که به عنوان لقب از سوی کلب‌رگ یاد شده است، کنیه امام است و القاب ایشان عبارت است از: کاظم، عبد صالح، النفس الزکیه، صابر، زاهر، سیدمی باشد (مدرسی، ۱۳۸۲: ۲۸). در خصوص تولد حضرت در ماه ذی الحججه نیز نکات ذیل قابل توجه است:

۱. قال الامام الحسن العسکری علیه السلام ولد بالأبواب بین مکة والمدینه فی شهر ذی الحججه سنه مائه و سبعة و عشرين من الهجره (طبری صغیر، ۱۳۸۳: ۳۰۳).

امام عسکری علیه السلام فرمودند: امام کاظم علیه السلام در ابواب بین مکة و مدینه در ماه ذی الحججه سال ۱۲۷ هجری به دنیا آمدند.

۲. ابوبصیر می‌گوید: در سالی که حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام متولد شدند من در خدمت امام صادق علیه السلام به سفر حج رفته‌م و ... از روایت دوم معلوم می‌شود که ابوبصیر در ماه ذی الحججه با حضرت صادق علیه السلام همسفر حج شده است (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۸۵).

۳. دلیل و مؤید دیگر روایتی است که از منهال قصاب در محاسن برقی ذکر شده است: «عَنْ مِنْهَالِ الْقَصَابِ قَالَ: خَرَجْتُ مِنْ مَكَّةَ وَأَنَا أُرِيدُ الْمَدِينَةَ - فَمَرَرْتُ بِالْأَبْوَابِ وَقَدْ وُلِدَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُوسَى فَسَبَقْتُهُ إِلَى الْمَدِينَةِ وَدَخَلَ بَعْدِي بِيَوْمٍ فَأَطْعَمَ النَّاسَ ثَلَاثًا فَكُنْتُ أَكُلُ فِيمَنْ يَأْكُلُ فَمَا أَكَلُ شَيْئًا إِلَى الْعَدِ حَتَّى أَعُوذَ فَمَكَّنْتُ بِدَلِكِ ثَلَاثًا أَطْعَمُ حَتَّى أَتَرَفَّقَ ثُمَّ لَا أَطْعَمُ شَيْئًا إِلَى الْعَدِ؛ از مکة به قصد تشرف به مدینه بیرون رفته‌م. هنگامی که به ابواب رسیدم دیدم خدا مولودی به امام صادق علیه السلام عطا فرموده است. من زودتر از آن حضرت به مدینه وارد شدم و آن حضرت یک روز بعد از من وارد شد و سه روز مردم را اطعام کرد» (مجلسی، ۱۳۱۵: ۴ / ۴۸)

با وجود این روایات متاسفانه روز مشخصی برای ولادت امام کاظم علیه السلام در ماه ذیحجه تعیین

نشده است، فقط این احتمال است که در ۱۵ ماه ذی الحجه که به حسب بعضی روایات امام هادی علیه السلام است که شاید اشتباهی صورت گرفته باشد. چون کنیه حضرت امام هادی علیه السلام ابوالحسن است و کنیه حضرت امام کاظم علیه السلام هم ابوالحسن است احتمال دارد که مطالبی که در ۱۵ ذی الحجه برای ولادت امام هادی علیه السلام با کنیه ابوالحسن است منظور امام کاظم علیه السلام باشد.

۴. دلیل دیگر اینست که ولادت امام هادی علیه السلام در ماه رجب است و عباراتی صریح بر این مطلب وجود دارد مثلاً در دعای شریف امام زمان عجل الله تعالی فرج الشریف در ایام رجب که فرمودند: «اللهم انی استلک بالمولودین فی رجب محمد بن علی الثانی وابنه علی بن محمد المنتجب و اتقرب بهما الیک خیر القلوب؛ خدایا از تو درخواست دارم به این دو مولودی که در ماه رجب به دنیا آمده‌اند، محمد بن علی الثانی امام جواد الائمه و پسرش علی بن محمد امام هادی علیه السلام و به این دو امام تقرب می‌جویم» (همان، ۱۴/۵).

در اینجا صراحت کلام امام زمان علیه السلام دلالت بر ولادت امام جواد و امام هادی علیه السلام در ماه رجب را دارد (رضی الدین، ۱۳۷۳: ۴۷/۲). با این حساب و نقل کلمات معصومین و اقوال علما ولادت امام کاظم علیه السلام در ماه ذی الحجه، که بهترین روز برای احیاء سالروز حضرت همان ۱۵ نیمه ذیحجه می‌باشد. آقای کلبی در باره مادر امام فقط به لقب مصفاة اشاره کرده است. در صورتی که لقبهای دیگری هم برای مادر امام کاظم علیه السلام ذکر شده است:

۱. در روایت مسعودی آمده است: «حمیده... مهذبة» حمیده، تهذیب شده است. یعنی از تمامی آلودگیهای روحی خالص و پاک است و دارای اخلاق و اوصاف نیکو است. و شاید واژه «مهذبة» مترادف جمله‌ای باشد که به دنبال آن در روایت مسعودی و برخی دیگر آمده است؛ «مصفاة من الارجاس»؛ یعنی پاک و پیراسته از زشتیها و آلودگیها است.

۲. در همین گزارشها از ایشان به عنوان «سیدالاماء» و «سيدة الاماء» یعنی سرور کنیزان نیز یاد شده است (طبری، ۱۳۳۷: ۱۴۷).

۳. لقب دیگری که برای حضرت حمیده ذکر کرده‌اند «لؤلؤة» (بحرانی، ۱۳۶۳: ۱۰/۲۱) کنیه شریف ایشان «ام محمد» (غروی نایینی، ۱۳۷۵: ۱۵۲/۱).



۴. بنابراین، کنیه و اسامی و لقبهای این بانوی فرهیخته عبارتند از: ۱- حمیده-۲- مهذبه-۳- مصفاة-۴- سيدة الاماء-۶- لولو۷-ام محمداست.

دونالدسون با اشاره به این نکته که امام در زمان اختلاف امویان و عباسیان ولادت یافته است، می‌گوید سن امام در زمان خلافت ابوالعباس سفاح چهار سال بوده است (دونالدسون، ۱۳۹۵: ۱۹۰). دونالدسون با اشاره به کنیز بربری و ام ولد بودن مادر امام کاظم علیه السلام، وی را در این زمینه با خیزران همسر با نفوذ مهدی عباسی همانند دانسته است (کلینی، ۱۳۶۵: ۱/۴۷۶).

#### ۴. نظرات خاورشناسان درباره فرزندان امام کاظم علیه السلام

اتان کلبرگ فرزندان امام کاظم A را بر اساس منابع مکتوب، ۳۳ تا ۶ نفر معرفی کرده است. در برخی گزارشات نیز تعداد فرزندان آن حضرت را ۱۸ یا ۱۹ پسر و ۲۳ دختر دانسته‌اند. کلبرگ روایتی را آورده است که امام کاظم علیه السلام به دخترانش اذن ازدواج نداده است و تنها أم - سلمه در منطقه مصر با قاسم بن محمد بن جعفر بن محمد ازدواج کرد. (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/۴۱۵)

شیعه به فراوانی فرزندان امام کاظم علیه السلام معتقد است. وجود تفاوت دیدگاه درباره تعداد فرزندان ذکور و إناث امام کاظم علیه السلام، بیانگر آن است که همه اخبار مطرح شده در این باره صحیح نیست. برای مثال در برخی گزارشات، نام و کنیه و لقب یک فرزند، به عنوان سه فرزند مستقل آمده است. اینکه در برخی اخبار ۲۷، شیخ مفید ۳۷ (مفید، ۱۴۱۳: ۲/۲۴۴) و حتی برخی ۵۹ یا ۶۰ فرزند برای امام یاد کرده‌اند، روشن می‌شود که برخی از این گزارش‌ها، بر پایه اخبار و منابع نامعتبر گرد آمده است. در اینجا باید به این نکته توجه نمود که فراوانی امام کاظم علیه السلام دارای حکمت است. ابن صباغ در این باره آورده است که برای هر يك از فرزندان امام کاظم علیه السلام، فضیلتی مشهور است (مالکی، ۱۴۲۲: ۲۵۶). بیشتر علمای تاریخ و انساب در تعداد فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام اختلاف کرده‌اند، در حالی که ابن شهر آشوب تعداد فرزندان آن حضرت را سی نفر نوشته است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳/۴۳۸).

صاحب عمده الطالب این تعداد را به شصت نفر رسانده است. به این ترتیب که ۳۷ نفر از آنان دختر و ۲۳ نفر پسر بوده‌اند (حسینی، ۱۳۸۰: ۱۸۵-۱۸۷). و یعقوبی عدد فرزندان آن حضرت را ۴۱ نفر، ۱۸ پسر و ۲۳ دختر نوشته است (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۴۱۵/۲۱). و مؤلف کشف الغمة نیز تعداد فرزندان آن بزرگوار را ۳۸ نفر ۲۰ دختر و ۱۸ پسر ذکر کرده است (اربلی، ۱۳۸۱: ۴۱/۳). ولیکن طبق نظر مرحوم مفید حضرت موسی بن جعفر دارای سی و هفت فرزند پسر و دختر بود هیچ‌جده تن ذکور و نوزده تن اناث بودند و اسامی همه آنها را به ترتیب ذکر کرده است (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۸۳). شیخ مفید می‌نویسد: «و کان أفضل ولد أبی الحسن موسی علیه السلام و انبههم و أعظمهم قدراً و أعلمهم و أجمعهم فضلاً: أبو الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام؛ و در میان فرزندان آن حضرت از همه برتر و در قدر و منزلت والاتر و دانشمندتر و در فضل و کمال جامعتر، حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام بوده است» (همان) ابوالصلت هروی از اسحاق بن موسی بن جعفر روایت کرده است که گفت از پدرم موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که به پسران خود فرمود: «هذا اخوكم علی بن موسی عالم آل محمد فاسألوه عن أديانكم و احفظوا ما يقول لكم، فإنتی سمعت أبی جعفر بن محمد علیه السلام غیر مرّة يقول لی: إنّ عالم آل محمد لفی صلبک ولیتنی ادرکتہ فأنه سمی امیرالمؤمنین علی؛ این علی بن موسی برادران عالم آل محمد است پس دینهایتان را از او بپرسید و هر چه به شما می‌گوید آن را حفظ کنید زیرا مکرر از پدرم جعفر بن محمد شنیدم که می‌فرمود: عالم آل محمد در صلب توست وای کاش او را می‌دیدم و او همان امیرالمؤمنین (علی) نامیده می‌شود؛» (مجلسی، ۱۳۱۵: ۴۹/۱۰۰) یکی دیگر از فرزندان با فضیلت امام کاظم علیه السلام احمد بن موسی است که قبرش در شیراز و به شاه چراغ معروف است. مفید درباره او می‌نویسد: و احمد بن موسی مردی کریم و بزرگوار و پارسا بوده و حضرت موسی بن جعفر علیه السلام او را دوست داشت و مقدم می‌داشت و مزرعه خود که معروف بود به «یسیره» به او بخشید و گفته‌اند احمد بن موسی رضی الله عنه در زمان خود هزار بنده آزاد کرد (مفید، ۱۴۱۳: ۲۸۴). و دیگر از فرزندان آن حضرت محمد بن موسی است که از اهل فضل و صلاح بوده و نقل شده که

محمد بن موسی پیوسته با وضوء و همیشه سرگرم نماز بود و شبها کم می خوابید و برمی خاست و مشغول عبادت می شد، یکی از نزدیکان وی می گوید من هرگز او را ندیدم جز اینکه به یاد گفتار خدای تعالی می افتادم که درباره پرهیز کاران می فرماید: «کانوا قلیلاً من اللیل ما یهجعون؛ اندکی از شب را می خوابیدند» (ذاریات: ۱۷) و محمد بن موسی را به جهت کثرت عبادتش «محمد عابد» می گفتند و او نیز در شیراز مدفون است. و دیگر از فرزندان آن حضرت، ابراهیم بن موسی است که مردی شجاع و کریم بود و در زمان مأمون از طرف محمد بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام فرماندار یمن شد. محمد بن زید کسی است که در زمان مأمون خروج کرد و ابو السرایا نیز در کوفه با او بیعت کرد و کوفه را فتح نمود و مدتی در آنجا بماند تا آنکه ابوالسرایا در جنگ با بنی عباس کشته شد و کار محمد بن زید پراکنده گشت و برای ابراهیم بن موسی از مأمون امان گرفتند ابراهیم به بغداد آمد و در آنجا بود تا از دنیا رفت. مرحوم محدث قمی به هنگام بحث از دختران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می نویسد: بر حسب آنچه به ما رسیده، افضل آنها سیده جلیله معظمه، فاطمه بنت امام موسی شجاع و کریم بود و در زمان مأمون از طرف محمد بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام فرماندار یمن شد. صاحب قاموس الرجال می گوید: در میان فرزندان امام کاظم علیه السلام با آن همه کثرتشان بعد از امام رضا علیه السلام کسی همسنگ حضرت معصومه علیه السلام نبود (همان: ۶۵).

در بیانات کلبرگ آمده است که امام کاظم علیه السلام، ازدواج دخترانش را ممنوع کرده است. و این بیان صحیح نیست. زیرا تنها مورخی که گزارش نموده امام علیه السلام ازدواج دخترانشان را ممنوع نموده، یعقوبی است. خبر این مخالفت امام با ازدواج دختر در تعارض با کتاب و سنت و عقل و سیره پیشوایان دینی و غیر قابل استناد است. بر اساس تاریخ یعقوبی، امام کاظم علیه السلام دارای ۲۳ فرزند اناث بوده است. یعقوبی می گوید: حضرت موسی بن جعفر وصیت کرد که دخترانش ازدواج نکنند جز یکی از ایشان که ام سلمه نام داشت و در مصر به زنی قاسم بن محمد بن جعفر درآمد و در این باره میان قاسم و خویشان جریان سختی پیش آمد تا آنجا که قاسم قسم خورد که جامه از وی دور نکرده و جز آنکه او را به حج برد منظوری

نداشته است (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/۴۱۵). مؤلف تاریخ قم با بیان علت مخالفت ازدواج دختران امام کاظم علیه السلام، آورده است: «چنین رسیده که رضائیه دختران خود را به شوهر نمی دادند، زیرا کسی را که همسر و کفو ایشان بود نمی یافتند و حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را بیست و یک دختر بوده است و هیچ یک شوهر نکرده اند. و این مطلب در میان دختران ایشان عادت شده و محمد بن علی الرضا علیه السلام به شهر مدینه ده دیه وقف کرده است بر دختران و خواهران خود که شوهر نکرده اند و از انفاقات آن دیه ها نصیب و قسط رضائیه که به قم ساکن بوده اند از مدینه جهت ایشان می آوردند. شیخ مفید در پایان می افزاید: «ولکل واحد من ولد أبی الحسن موسی علیه السلام فضل و منقبة مشهورة و كان الرضا علیه السلام المقدم علیهم فی الفضل علی حسب ما ذکرناه». و برای هر یک از فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فضیلت و منقبتی جداگانه و مشهور است و حضرت رضا علیه السلام در فضیلت مقدم بر دیگران بود (الهامی، ۱۳۷۹: ۴-۵).

تنها وصیت قطعی و مستند امام موسی کاظم علیه السلام در مورد ازدواج دختران شان مبنی بر این است که پس از من (به عنوان پدر)، مادران یا برادران آنها، عموها یا سلاطین و...، حق ندارند آنها را به ازدواج کسی در بیاورند، مگر با اجازه ای امام علی بن موسی بن الرضا علیه السلام\* ازدواج همیشه به دلیل خواستگار تصریح کردند که جانشین من ایشان است و قیم اولاد من نیز امام بعدی است و مناسب صورت نمی گیرد که دلیل عدم ازدواج نیز همیشه نبود یا کمبود خواستگار مناسب باشد. لذا دلایل بسیاری می تواند مانع از اقدام به ازدواج گردد.

تمام دوران زندگی کوتاه آنان، به خاطر جو اختناق که البته سبب ترس همگان از نزدیک شدن به این خانواده بوده است. چه رسد به ازدواج با دختران امام علیه السلام را در دل ها انداخته بود همراه با دوران های دوری پدر، زندان و شکنجه ی پدر - شهادت پدر - بلافاصله هجرت دادن و غربت امام رضا علیه السلام و دوری از مدینه شهادت امام رضا علیه السلام و بالاخره فرارها و هجرت های دائم فرزندان بوده است؛ چنان چه قبور دختران و اکثر امامزادگان از ایشان، دال بر مدعا می باشد. بدیهی است که در چنین شرایطی نه کسی به فکر ازدواج می افتد و نه اصلاً

کسی مایل به ازدواج آنان است و نه خودشان ازدواج می‌کنند.

## ۵. فضایل و مناقب امام کاظم علیه السلام از منظر مستشرقان

اتان کلب‌رگ درباره مقام عرفانی امام کاظم علیه السلام، سخن از شهرت امام به زهد و تقوا آورده و به ملاقات شقیق بن ابراهیم بلخی با امام در سال ۱۴۹ قمری در قادسیه اشاره کرده، جمله او در وصف امام را آورده که امام مردی مقدس است (طبری، بی‌تا: ۱۵۵). دوایت مارتین دونالدسون درباره شخصیت امام آورده است که طبعی آرام و حلیم داشتند و به کاظم علیه السلام و ابوصالح ملقب گردیده بودند. در تصویر تمایل حضرت به امور دینی و عبادی، روایتی نقل می‌کند که براساس آن یک روز هنگام غروب، امام وارد مسجدالنبی شدند و به سجده‌ای رفتند که از سر شب تا صبح فردا طول کشید. همچنین به نقل از ابن خلکان درباره سخاوت و بخشندگی حضرت، آورده که وقتی از مردی رنج دیده برایش سخن گفت، امام کیسه‌ای محتوی هزار دینار به او دادند. حضرت معمولاً دویست، سیصد و یا چهارصد دینار را در کیسه‌های می‌نهادند و در مدینه تقسیم می‌نمودند. ممکن است همین بخشندگی، موجب سوءظن مهدی عباسی به ایشان شده باشد.

دونالدسون هم چنین به مسأله کرامات و فضایل منسوب به امام پرداخته و اولین کرامت از ۲۳ کرامت منسوب به امام را جریان ادعای امامت از سوی عبدالله می‌داند که امام دستور دادند هیزم جمع کرده، آتش زدند و خود به میان آتش رفتند و اتفاقی نیفتاد، سپس از عبدالله خواستند که اگر حقیقتاً می‌پندارد امام است، همین کار را انجام دهد که رنگ چهره عبدالله تغییر می‌کند و از آن مجلس خارج می‌شود (دونالدسون، ۱۳۹۵: ۱۹۲). وی به کرامت دیگر امام اشاره می‌کند که در آن امام صادق علیه السلام به یعقوب بن سراج فرمودند تا به مولایش امام کاظم علیه السلام سلام گوید؛ یعقوب چنین کرد و امام از او خواستند: «نامی را که دیروز برای دخترم برگزیدی تغییر بده، زیرا خدا را خشمگین می‌سازد». و امام صادق علیه السلام نیز از یعقوب می‌خواهند «بدانچه موسی فرمود عمل کن که به صلاح توست». در ادامه به کراماتی از امام در شفای مردم اشاره می‌کند که یک بار امام زنی را دیدند که چند کودک دور او حلقه زده،

می‌گیرد. علت را پرسیدند. پاسخ داد: «گاوی که معاش ما از او بوده مرده است». امام دو رکعت نماز به جای آوردند و آن گاه انگشت مبارکشان را بر گاو نهادند، پس گاو زنده شد و برخاست، زن فریاد زد: «بنگرید این عیسی بن مریم است» (همان، ۱۹۶).

مواردی رو که کلبرگ و دونالدسون آورده‌اند مورد قبول است چون پیشوایان معصوم علیهم‌السلام مظهر کامل فضائل و مکارم اخلاقی بودند. همه ی آنان در یک مکتب تربیتی پرورش یافته و از یک منبع الهام گرفته‌اند. بنابراین فضائلی که برای هر یک از آنان گفته می‌شود در مورد بقیه ی پیشوایان نیز صادق است. ولی تفاوت ویژگی‌های هر دوره از زندگی و شرایط اجتماعی و آمادگی‌های فکری جامعه، وجب متجلی شدن برخی از فضائل و مناقب خاص گردیده که در دوران‌های دیگر، زمینه و اقتضای ظهور و تجلی نداشته است.

## ۶. جایگاه علمی امام کاظم علیه‌السلام از منظر مستشرقان

اتان کلبرگ در آثار خود در دو مورد به مباحث مرتبط با مقام علمی امام علیه‌السلام اشاره کرده است. اولی در ارتباط با مجادله امام با ابوحنیفه که با سکوت ابوحنیفه و موفقیت امام پایان یافت و دیگری گفت و گوی امام با مسیحیانی که برای مباحثه درباره مسائل دینی نزد امام آمدند و در نهایت به اسلام گرویدند. دیگر مستشرقان به جایگاه علمی امام در نزد بزرگان اهل سنت نیز اشاره کرده‌اند. از این منظر بزرگان اهل سنت عموماً امام را یکی از راویان موثق می‌دانند، اما معتقدند امام روایات اندکی را نقل کرده است. کلبرگ اشاره می‌کند که اثری به نام «مسند موسی کاظم علیه‌السلام» نوشته ابوبکر محمد بن عبدالله شافعی بزاز (م ۳۵۴ ق) موجود است. البته آثار علمی منتسب به امام در میان شیعیان زیاد است که کلبرگ به برخی از آنان مانند، مناجات، پاسخ به پرسش‌های شرعی، وصیه فی العقل خطاب به هشام بن حکم و غیره اشاره می‌کند (حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۲۹۷-۲۸۳).

طبق مقام معظم رهبری علیه‌السلام اگر این حرکت مبارزه جویانه سرسخت ائمه در طول این ۲۵۰ سال نبود بدانید که قلم به مزدها و زبان به مزدهای دوران بنی امیه و بنی عباس اسلام را تدریجاً آنقدر عوض می‌کردند که بعد از گذشت یکی دو قرن از اسلام هیچ چیز باقی

نمی ماند یا قرآنی نمی ماند یا قرآن تحریف شده ای می ماند.

این پرچم های سرفراز این مشعل های نور افشان این مناظره های بلند بود که در تاریخ اسلام ایستاد و شعاع اسلام را آنچنان پرتوافکن کرد که تحریف کنندگان و کسانی که مایل بودند در محیط تاریک حقایق را قلب کنند آن تاریکی را نتوانستند به دست بیاورند (مقام معظم رهبری علیه السلام، ۱۳۹۰: ۳۰۳).

موقعیت علمی امام کاظم علیه السلام فقط در همین دو مورد که آقای کلبرگ اشاره کرده نیست بلکه چندین مورد است مانند: ۱- ارشاد بشر بن حارث ۲- مناظره با هارون الرشید ۳- مناظره با راهب و... و اینکه بزرگان اهل سنت گفته اند روایات امام کاظم اندک است قابل پذیرش نیست. قوت و توانایی های علمی ائمه معصومین از جمله مباحث علمی مورد علاقه خاورشناسان است. از یک طرف به علت جنبه های علمی خود دوست دارند از زوایایی مختلف قدرت علمی امامان شیعه را بشناسند و از سوی دیگری خواهند از مواجهه بزرگان و دانشمندان ادیان مختلف آگاه گردند. علم ائمه اطهار علیهم السلام مانند سایر دانشمندان کسبی و تحصیلی نیست بلکه موهوبی و الهامی است که از جانب خداوند به آنان اضافه شده است بنابراین امام در برابر هرگونه سوال و پرسشی که از ناحیه ی دیگران بعمل آید پاسخ صحیح و مقتضی می دهد و هیچگونه خطا و اشتباهی در گفتار او راه نیابد چنانکه با مراجعه به تاریخ زندگانی آنان این مطلب روشن می شود که هرگز در برابر پرسش کنندگان اظهار نادانی و درماندگی نکرده و هر سوالی را بنحو احسن و شایسته ای پاسخ داده اند. هارون الرشید به ابویوسف (قاضی القضاة) دستور داد که از موسی بن جعفر علیه السلام پرسش هائی بکند (که شاید او را از پاسخ عاجز و درمانده نماید). ابویوسف از حضرت پرسید: عقیده ی شما در مورد شخص محرم که زیر سایبانی بر بالای محملش برود چیست؟ امام فرمود: نمی توان د ابویوسف گفت: اگر شخص محرم در زیر چادر باشد چطور؟ امام فرمود عیب ندارد، ابویوسف پرسید فرق بین این دو حال چیست؟ امام فرمود: در زنان حیض چه می گوئی که قضای نماز خود را بجا نمی آورند ولی قضای روزه را باید بگیرند؟ ابویوسف گفت اینطور وارد شده است. امام فرمود: در

این مورد هم این طور وارد شده است، ابویوسف مجاب شد و مهدی عباسی به ابویوسف گفت: کاری نکردی، ابویوسف گفت (امام) مرا با سنگ (منطق) چنان زد که مغزم را کوبید (شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۲/۳۷۵). فتال نیشابوری و شیخ مفید و بعضی دیگر در این مورد چنین نوشته‌اند که محمد بن حسن شیبانی در حضور هارون الرشید در مکه از حضرت ابوالحسن موسی علیه السلام پرسید که آیا برای محرم جائز است که سایبانی در محمل خود قرار دهد؟ امام فرمود در حال اختیار جائز نیست، محمد بن حسن گفت: آیا براو جائز است که زیر سایه (مثل داخل چادر) راه رود؟ فرمود: بلی، محمد بن حسن از روی استهزاء خندید. امام فرمود: آیا از سنت نبی اکرم تعجب می‌کنی و آن را مسخره می‌نمائی در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال احرام سایبان محمل خود را برداشت ولی در زیر سایه (دیوار) راه می‌رفت احکام خدا با هم قیاس نمی‌شوند و هر کس بعضی از آنها را با بعض دیگر قیاس کند در گمراهی افتد محمد بن حسن ساکت شد و از جواب بازماند (نیشابوری، ۱۳۶۶: ۶/۱).

علاوه بر علم امامت که لدنی و آسمانی است آن حضرت تحت نظارت پدرش امام صادق علیه السلام نیز که دانشگاه جعفری را به وجود آورده بود تربیت یافته و از همان دوران کودکی و نوجوانی از سرچشمه‌ی علوم سیراب گشته بود چنانکه به پاسخ آن حضرت به ابوحنیفه که پرسیده بود گناه و معصیت از ناحیه‌ی کیست در فصل سابق اشاره گردید. همچنین یکی از علمای بزرگ نصاری به نام بریه (یا بریهه) که در جستجوی راه حق بود با تمام فرقه‌های اسلامی مباحثه کرده ولی چیزی دستگیرش نشده بود تا اینکه به وسیله‌ی عده‌ای از شیعیان با هشام بن حکم آشنا شد و از مسائل مهم کلامی و اعتقادی از او پرسش نمود و پاسخ شنید آنگاه به منظور ملاقات حضرت صادق علیه السلام خدمت آن جناب رهسپار شدند و پیش از اینکه به مقصد برسند به امام موسی کاظم علیه السلام برخورد نمودند، و هشام جریان مباحثات را با بریهه به عرض امام هفتم رسانید، حضرت رو به بریهه کرد و فرمود: ای بریهه علم و اطلاع تو درباره‌ی کتابت (انجیل) تا چه حد است؟ بریهه گفت: من به آن دانا هستم. فرمود: به تأویل آن چقدر اطمینان داری؟ عرض کرد خوب می‌دانم و اطمینان کامل دارم؟ آنگاه موسی ابن جعفر علیه



السلام<sup>۱</sup> به ترتیب فصول به خواندن انجیل شروع کرد، چون بریبه کلام او را شنید دانست که دین اسلام حق است و آن حضرت هم از شجره ی نوبت است رو به موسی کاظم علیه السلام کرد و گفت پنجاه سال است که من در جستجوی تو و یا مثل تو بودم آنگاه خود و زنش اسلام آوردند و همگی خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند و هشام جریان مباحثه با بریبه و اسلام آوردن او را به دست پسرش موسی علیه السلام به عرض امام ششم رسانید و حضرت صادق علیه السلام از این امر بسیار مسرور گردید و متوجه فرزندش شد و فرمود: ذریه بعضها من بعض و الله سمیع علیم (آل عمران: ۳۴). آنگاه بریبه به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد، فدایت شوم تورات و انجیل و کتب پیغمبران کجا به شما رسیده است؟ فرمود: این کتاب‌ها از خودشان به ما ارث رسیده است، و ما آنها را می‌خوانیم، همچنانکه خود آنها می‌خواندند و بیان می‌کنیم همانگونه که آنها بیان می‌کردند زیرا خداوند در روزی زمین حجتی قرار نمی‌دهد که از او چیزی پرسند و او بگوید من نمی‌دانم. بریبه در خدمت امام صادق علیه السلام ماند و از اصحاب خاص وی گردید و پس از رحلت آن بزرگوار ملازم امام موسی کاظم علیه السلام شد و در زمان وی وفات یافت (کلینی، ۱۳۶۵: ۶۰۰/۱).

## ۷. ابعاد زندگی اجتماعی - سیاسی امام کاظم علیه السلام در آثار مستشرقان

هالم هاینساز خاورشناسان شیعه پژوه، درباره وضعیت سیاسی دوره امام و سیاست‌های خلفا، بر این باور است که گسترش روزافزون شیعیان در عراق که عمدتاً پیرامون خاندان حسینی گرد می‌آمدند، موجب اضطراب عباسیان شد. لذا با اقدامی احتیاطی، تمامی مدعیان بالقوه حکومت را به دربار آوردند و تحت مراقبت حبس مانند خود قرار دادند. به اعتقاد هالم، نخستین کسی که با این سرنوشت روبرو شد موسی بن جعفر بود. امام در مدت حضور در بغداد، می‌توانست با برخی از پیروان خود ارتباط داشته باشند. از جمله این افراد علی بن یقطین بود که در دوران خلافت سه خلیفه مهدی، هادی، هارون منصب‌های مهم داشت و امام از او خواستند با پذیرش مسئولیت و همکاری با دستگاه خلافت، از نفوذ خود برای کمک به شیعیان و حل مشکل آنان استفاده نماید (هالم، ۱۹۹۶: ۶۹).

اتان کلبرگ می‌گوید اطلاعات زیادی دربارهٔ اوایل حیات امام کاظم علیه السلام موجود نیست. او به نقل از ویلفرد مادلونگ، با تکیه به اثر ناصر اطروش از پیروان زیدیه، حضور امام در قیام محمد بن عبدالله علیه عباسیان را در سال ۱۴۵ قمری، گزارش کرده است (Madeiung, ۱۹۶۵: ۱۶۰) و وی ادعا نموده است که این حضور امام در منابع اسلامی مانند مقاتل الطالبیین وارد شده است (اصفهانی، ۱۳۸۵: ۲۷۷).

دوایت مارتین دونالدسون به حکایتی از مواجهه امام با هارون اشاره می‌کند که صلابت امام و استفاده از موقعیت‌ها را نشان می‌دهد. روایت کرده‌اند که یک بار هنگامی که رشید و امام کنار مزار پیامبر بودند، خلیفه از پاسخ مناسبی که امام بدو دادند رنجید. هارون به قصد نشان دادن خویشاوندی‌اش با پیامبر گفت: «سلام بر تو ای رسول خدا، ای عموزاده!» امام به مزار نگرست، فرمود: «سلام بر تو ای پدر». هارون با این سخن دستپاچه شد و گفت: «به راستی ای ابوالحسن، چنین فخری از آن توست» (دونالدسون، ۱۳۹۵: ۱۹۶).

هالم و تعدادی از مستشرقان با نقل‌های مختلف بر این نظر هستند که گسترش شیعه باعث اضطراب عباسی شده و منجر به دستگیری امام شده است. امام در مدت حضور در بغداد، می‌توانست با برخی از پیروان خود ارتباط داشته باشند. از منظر کلبرگ و دونالدسون از حیات سیاسی و اجتماعی امام موسی کاظم علیه السلام در دوران ابتدایی زندگانی ایشان اطلاعاتی در دسترس نیست، جزیک مواجهه بین ایشان و هارون که در مکه پیش آمد.

طبق نظر مقام معظم رهبری علیه السلام جریان‌های فکری و عقیدتی در این دوران، برخی به اوج رسیده و برخی زاده شده و فضای ذهنی را از تعارضات، انباشته و حربه‌ای در دست قدرت‌مداران و آفتی در هوشیاری اسلامی و سیاسی مردم گشته و میدان را بر علمداران صحنه معارف اصیل اسلامی و صاحبان دعوت علوی، تنگ و دشوار ساخته بود. شعر و هنر فقه و حدیث و حتی زهد و ورع، در خدمت ارباب قدرت درآمد و مکمل ابزار زر و زور آنان گشته بود. در این دوران دیگر نه مانند اواخر دوران بنی امیه و نه همچون ده ساله اول دوران بنی عباس و نه شبیه دوران پس از مرگ هارون که در هر یک، حکومت مسلط وقت، به نحوی

تهدید می‌شد؛ تهدیدی جدی دستگاه خلافت را نمی‌لرزاند و خلیفه را از جریان عمیق و مستمر دعوت اهل بیت غافل نمی‌ساخت در این دوران تنها چیزی که می‌توانست مبارزه و حرکت فکری و سیاسی اهل بیت و یاران صدیق آنان را مجال رشد و استمرار بخشد تلاش خستگی ناپذیر و جهاد خطیر آن بزرگواران بود و توسل به شیوه الهی تقیه بدین ترتیب است که عظمت حیرت آور و دهشت انگیز جهاد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام آشکار می‌گردد کاوشگران تاریخ اسلام آنگاه که به فحص و شهر زندگی امام موسی بن جعفر علیه السلام پرداختند سهم شایسته‌ای که توجه و تفتن را که باید به حادثه عظیم و بی‌نظیر حبس طویل‌المدت این امام همام اختصاص می‌یابد به آن اختصاص نداده و در نتیجه از جهاد خطیر آن بزرگوار غافل مانده‌اند. در زندگی نامه آن امام عالی مقام سخن از حوادث گوناگون و بی‌ارتباط با یکدیگر و تأکید بر مقام علمی و معنوی و قدسی آن سلاله پیامبر و نقل قضایای خاندان و اصحاب و شاگردان و مباحثات علمی و کلامی و امثال آن بدون توجه به خط جهاد مستمری که همه عمر ۳۵ ساله امامت آن بزرگوار را فراگرفته بوده است ناقص و ناتمام می‌ماند تشریح و تبیین این خط است که همه اجزای این زندگی پرفیض را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و تصویری واضح و متکامل و جهت دار که در آن هر پدیده‌ای و هر حادثه‌ای و هر حرکتی دارای معنایی است ارایه می‌کند (مقام معظم رهبری، بی‌تا: ۲۸۹-۲۹۰). هالم وکلبرگ و دونالدسون اشاره‌ای به عدم مخالفت علنی حضرت به حکومت و مبارزات سیاسی امام نداشته‌اند. در صورتی که امام مخالفت‌هایی با حکومت داشته‌اند که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

۱. امام کاظم علیه السلام در مواردی که خلفای عباسی با انتساب خود به پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم در صدد مشروعیت بخشی به حکومت خود بودند، نسب خود را مطرح می‌کرد و نشان می‌داد که او از عباسیان به پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم نزدیک‌تر است. از جمله در گفت‌وگویی که میان او و هارون عباسی رخ داد، امام کاظم علیه السلام با تکیه بر آیاتی از قرآن از جمله آیه مباهله، انتساب خود به پیامبر را از طریق مادرش حضرت زهرا علیه السلام اثبات کرد.

۲. هنگامی که مهدی عباسی رد مظالم می‌کرد، امام کاظم علیه السلام فدک را از او مطالبه کرد. مهدی از او خواست تا حدود فدک را مشخص کند و امام مرزهایی را تعیین کرد که با قلمرو حکومت عباسیان برابری می‌کرد.

۳. امام هفتم شیعیان اصحاب خود را به عدم همکاری با عباسیان سفارش می‌کرد، از جمله صفوان جمال را از کرایه دادن شتران خود به هارون منع کرد. در عین حال از علی بن یقطین که در حکومت هارون الرشید، عهده‌دار وزارت بود، خواست تا در دربار بماند و به شیعیان خدمت کند (جعفریان، ۱۳۸۱: ۳۸۴).

### روش‌های مبارزه امام کاظم علیه السلام

۱. فرهنگ سازی برای تشکیل حکومت (جوزی، ۱۳۷۹: ۳۵۰)

۲. نفوذ در حکومت (پیشوایی، ۱۳۸۳: ۴۶۲).

۳. راز داری (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۷۴-۲۷۵)

۴. مبارزه منفی

۵. تربیت اندیشمندان فکری و سیاسی

۶. حمایت از انقلابیون (نجفی، ۱۳۶۵: ۹)

۷. حفظ نیروهای کارآمد (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۱۲۶)

### ۸. جانشینی امام کاظم علیه السلام در آثار مستشرقان

درباره اختلافات مطرح شده درباره امام جعفر بن محمد علیه السلام و انشعاب‌هایی که بر سر جانشینی امام صادق علیه السلام به وجود آمده است، مطالعاتی در آثار اسلامی و مستشرقان صورت گرفته است. دونالدسون که به شدت از منابع اسماعیلی تأثیر می‌پذیرد، معتقد است که امام صادق علیه السلام، اسماعیل فرزند ارشدشان را به جانشینی خود در امامت برگزیدند، ولی مرگ اسماعیل قبل از پدر، تمام شیعیان را اندوهگین نمود و این مسأله‌ای بود که تضارب آراء بسیاری در ماهیت امامت را باعث شد. وی در ادامه، به پیدایش دوفرقه اسماعیلیه و اعتقاد

آنان پرداخته، بیان می‌دارد: گروهی از اسماعیلیه مرگ اسماعیل را منکر شدند و گمان بردند که اسماعیل غایب شده و بر خواهد گشت و خداوند او را تا زمان ظهورش نهان داشته است. گروه دیگر مرگ او را پذیرفته و پسرش محمد بن اسماعیل را امام می‌دانند. هردو گروه که به اندیشه توقف امامت ظاهری با مرگ اسماعیل یا پسرش معتقدند به سببیه [هفت امامی] مشهورند (دونالدسون، ۱۳۹۵: ۱۹۱). وی اعتقاد امامیه در این زمینه را چنین معرفی کرده است که امام صادق علیه السلام درحالی که پسر ارشدشان اسماعیل را به جانشینی خویش برگزیده بودند. چون وی را دائم الخمر یافتند، فرزند چهارمشان موسی علیه السلام را به امامت پس از خود برگزیدند. و به نقل از ابن خلدون، نزاع [منبعث از] این اقدام، شکاف عمیقی را در شیعه به وجود آورد و فرق و طوایف متنوعی پدید آمدند (ابن خلدون، ۱۴۰۴: ۲/۳۵۵).

اتان کلبرگ نیز در این باره معتقد است، اسماعیل پسر بزرگ ترامام صادق علیه السلام که به جانشینی او تعیین شده بود. پیش از پدرش درگذشت و پسر دوم امام صادق علیه السلام، به نام عبدالله، مدت کوتاهی پس از پدرش وفات کرد و هیچ فرزند پسری از امام باقی نماند. با وجود این هردو پیروانی داشتند که اسماعیلیه نخستین و فطحیه را شکل دادند (KOHberg Mus al-Kazim EL2 pp.545) وی هم چنین گروه دیگری به نام «سمیطیه (یا سمیطیه، شمیطیه)» را نیز نام می‌برد که به امامت محمد فرزند دیگر امام صادق علیه السلام معتقد بودند (ibid EL2 pp.645).

در تحلیل دونالدسون باید گفت؛ منابع اولیه امامی به انتخاب امام کاظم علیه السلام از سنین کودکی به امامت حکایت دارند نه پس از اینکه امام به شارب الخمر بودن اسماعیل پی برده باشد. و این مطلب در منابع امامی سندی ندارد (کلینی، ۱۳۶۵: ۱/۲۴۶). مطالبی که کلبرگ بیان کردند سندی در منابع امامی نداری (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲/۲۱۹) و به نقل از ابن خلدون، در اثر این حادثه، شکاف عمیقی در شیعه به وجود آمد و فرق و طوایف متنوعی پدید آمدند.

## ۹. شهادت امام کاظم علیه السلام از منظر مستشرقان

دیدگاه‌های متفاوتی درباره نحوه شهادت امام کاظم علیه السلام در آثار مستشرقان آمده

است. هالم هاینس با وجود آنکه نحوه شهادت امام را ذکر نکرده است، اما احتمال می دهد که امام به دستور هارون در سال ۱۸۳ قمری مسموم شده است. (هالم: ۷۰: ۱۹۹۶). اتان کلبرگ پس از بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره چگونگی شهادت امام کاظم علیه السلام می گوید:

۱. هارون بعد از اطلاع از وضعیت مناسب و آرام امام کاظم علیه السلام، به فضل نامه نوشت و دستور قتل امام کاظم علیه السلام را صادر کرد. اما بنا بر رخی اخبار، فضل از دستور هارون امتناع نمود و مشمول یکصد ضربه شلاق شد. پس از آن امام را به رئیس نظمیہ یعنی سندی بن شاهک (پدر بزرگ شاجم شاعر) تحویل دادند و سندی با دادن رطب آلوده به سم، امام کاظم علیه السلام را به قتل رسانید.

۲. در خبری دیگر، مسمومیت امام کاظم علیه السلام به فضل نسبت داده شده است.

۳. بنا بر گزارشی دیگر، حضرت را در فرشی پیچیده و لگدکوب نمودند تا به امام به

شهادت رسید (E.KOhlberg Musa al-Kazim EL2 pp645).

۴. اتان کلبرگ با اشاره به گزارش طبری که وفات امام کاظم علیه السلام را بدون توضیح آورده است، می گوید این گزارشتلویحاً نشان می دهد که امام به مرگ طبیعی وفات نموده است (طبری، ۱۳۳۷: ۳/ ۶۴۹).

مقام معظم رهبری درباره نحوه شهادت امام کاظم علیه السلام می فرماید: چهار خلیفه در دوران امامت موسی بن جعفر در این ۳۵ سال به خلافت رسیدند یکی منصور عباسی است که ۱۰ سال از دوران اول امامت موسی بن جعفر منصور عباسی بر سر کار بود بعد پسر او مهدی است که او هم ۱۰ سال خلافت کرد بعد پسر مهدی هادی عباسی که یک سال خلافت کرد بعد از او هم هارون الرشید است که ۱۲.۱۳ سال از دوران خلافت هارون موسی بن جعفر مشغول دعوت و تبلیغ امامت بودند چهار خلیفه هر کدام از این چهار خلیفه یک زحمتی و یک فشاری بر موسی بن جعفر وارد کردند منصور حضرت را دعوت کرد یعنی تبعید کرد احضار اجباری کرد به بغداد البته این هایی که عرض می کنم بعضی از آن حوادث است وقتی انسان نگاه می کند زندگی موسی بن جعفر را می بیند که از این حوادث زیاد است یکی

از موارد هم این است که موسی بن جعفر را از مدینه آورد بغداد، مدتی در بغداد حضرت را تحت نظر نگه داشته و بر حضرت فشار آورد آنطور که در روایات به دست می‌آید حضرت را در محذورات فراوانی قرار داده این یک نوبت از چقدر طول کشیده معلوم نیست یک نوبت در همان زمان منصور ظاهر آن حضرت را آوردند در یک نقطه‌ای در عراق به نام ابجد که مدتی در آنجا حضرت تبعید بوده راوی می‌گوید من خدمت موسی بن جعفر رسیدم در آنجا در این حوادث حضرت چنین فرمودند و چنین کردن در زمان مهدی عباسی حداقل یک بار حضرت را از مدینه به بغداد آوردند راوی می‌گوید من در راهی که موسی بن جعفر می‌رفتند حضرت را می‌بردند به بغداد در دفعه اولی که حضرت را بردند. معلوم میشود چند دفعه حضرت برده بودند که من احتمال می‌دهم دوبار سه بار در زمان مهدی حضرت را به بغداد برده بودند. می‌گویند من به خدمت امام رسیدم اظهار تاسف کردم اظهار ناراحتی کردم فرمودند نه ناراحت نباش من از این سفر سالم برمی‌گردم و در این سفر اینها نمی‌توانند به من آسیب برسانند این هم زمان مهدی. زمانرا هادی عباسی باز حضرت خواستند بیاورند به قصد کشتن که یکی از فقهای دور بر هادی عباسی ناراحت شد که فرزند پیغمبر را اینجور زیر فشار قرار می‌دهند وساطت کرد هادی عباسی منصرف شد در زمان هارون هم که حضرت را آوردند به بغداد و مدت طولانی در چند نوبت که احتمال می‌دهم من در زمان هارون هم بیش از یک بار حضرت را از مدینه جدا کرده باشند اما قدر مسلمش یک بار است که امام را آوردند در جاهای مختلف زندان کردند و یکی اش از جمله در بغداد بود که در زندانهای مختلف بعد هم در زندانهای سندی بن شاهک حضرت را به شهادت رساندند شما ببینید در طول این ۳۵ سال ۳۴ سال که موسی بن جعفر مشغول تبلیغ امامت و مشغول انجام وظیفه و مبارزات خودشان بودند دفعات مختلف حضرت را آوردند علاوه بر اینها چندین بار خلفای زمان موسی بن جعفر حضرت را به قصد کشتن برایشان توطئه چیدند. مهدی عباسی پسر منصور اولی که به خلافت رسید به وزیر خودش یا به حاجب خودش ربیع گفت که باید یک ترتیبی بدهید که موسی بن جعفر را از بین ببری نابود کنید

احساس می‌کرد که خطر عمده از طرف موسی بن جعفر است هادی عباسی همانطور که گفتم در اوایل خلافت یا اول خلافت تصمیم گرفت امام را به قتل برساند حتی شعری سرود گفت گذشته آن وقتی که نسبت به بنی هاشم ما سهل‌انگاری می‌کردیم من عازم و جازم هستم که از شماها کسی را باقی نگذارم و موسی بن جعفر اول کسی خواهد بود که از بین خواهم برد. بعد هم که هارون الرشید همین کار را می‌خواست بکند و کرد و این جنایت بزرگ را مرتکب شد (مقام معظم رهبری، بی‌تا: ۲۹۴-۲۹۵).

آقای کلبرگ در یکی از احتمالاتشان اشاره کردند که امام به مرگ طبیعی از دنیا رفته‌اند که ما شیعیان این رو قبول نداریم. دلیل ما هم درباره نحوه شهادت حضرت سه روایت مختلف است که در کتب ما شیعه‌ها نقل شده است:

۱. شهادت حضرت در پی مسموم کردن امام صورت گرفته است (جعفریان، ۱۳۹۱:

۲۵۳-۲۵۲).

۲. در نقلی آمده است که آن حضرت را در فرشی پیچانده و چنان فشار داده‌اند که آن

حضرت به شهادت رسیده است (اصفهانی، ۱۳۸۵: ۳۳۶).

۳. روایت دیگر آن است که مستوفی نقل کرده: شیعه گوید: به فرمان هارون الرشید سرب

گداخته در حلق او ریخته‌اند (مستوفی، ۱۳۶۴: ۲۰۴).

### ۱۰. چگونگی شهادت امام کاظم علیه السلام و شبهه مستشرقان

اتان کلبرگ بر آن است که چگونگی شهادت امام کاظم علیه السلام، شبهه کلامی را در بین امامیه ایجاد نموده است. کلبرگ در این زمینه می‌گوید: «اگر امام از همه چیز آگاه بوده و پیشاپیش زمان و چگونگی مرگش را می‌دانسته و با این حال هیچ کاری برای جلوگیری از مرگ خود نکرده، آیا می‌توان گفت که او معین بر قتل خود (معین علی نفسه) بوده است؟» بدین ترتیب، وی سعی دارد تا مسأله علم امام در کلام شیعی را به چالش کشانده، با نقل پاسخ‌های مجمل و اغلب غیر قانع‌کننده از جانب شیعیان، این مسأله را مبهم جلوه دهد. وی در بررسی پاسخ متکلمان شیعه به این شبهه، سه پاسخ را در منابع گردآورده که



عبارتند از:

۱. در پاسخی که به امام رضا علیه السلام نسبت داده شده، آمده است که امام کاظم علیه السلام از نزدیکی وفات خود اطلاع داشتند و پیش بینی‌های لازم را انجام دادند، اما خداوند در زمان شهادت، ایشان را دچار فراموشی زمان شهادت نمود (صفارقمی، ۱۴۰۴ق: ۶).

۲. در نقلی دیگر آمده است که فضل بن یحیی برمکی، سه روز به امام کاظم علیه السلام میوه آلوده به سم داد، اما امام از خوردن آنها خودداری کردند. در چهارمین روز، حضرت فرمودند: «الهی تومی دانی که اگر پیش از امروز خورده بودم، به هلاکت خویش کمک کرده بودم». سپس میوه را خوردند و بیمار شدند طیب آوردند. ابتدا امام توجهی نکردند، اما با اصرار طیب، سرانجام کف دست خود را که بر اثر سم به سبزی گراییده بود، به وی نشان دادند. طیب به عباسیان گفت که امام آگاه است که ایشان را مسموم کرده‌اند (صدوق، ۱۳۷۲: ۸۶/۱-۸۸). معنای ضمنی این مطلب آن است که امام تاریخ دقیق شهادتشان را می دانستند و با وجود علم به آن، نوشیدن زهر را پذیرفتند. کلبرگ در ادامه، گردآوردن هشتاد نفر از بزرگان بغداد توسط سندی بن شاهک و گرفتن شهادت از آنان مبنی بر رفتار مناسب با امام را آورده که امام در پایان آن دیدار خبر می دهند که «به من هفت (یا نه) خرمای مسموم دادند؛ فردا (از شدت آثار سم) رنگ پریده و بیمار خواهم شد و پس فردا خواهم مرد» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۵۸/۱-۲۵۹).

۳. در پاسخی دیگر آمده است که امام در انتخاب آزاد نبود و تحت فشار، ناگزیر از خوردن خرمای مسموم شدند. کلبرگ با اشاره به برخی دیدگاه‌های شیعیان، شهادت امام کاظم علیه السلام را نتیجه مستقیم رفتار اشتباه جامعه‌اش برمی شمارد. کلبرگ از الکافی شیخ کلینی نقل کرده است: «خدا از شیعیان عصبانی بود و به امام فرمود که بین قربانی شدن خود برای حفظ شیعیان و یا کشته شدن شیعیان یکی را برگزیند، امام نیز خواستند تا به قیمت زندگی خود، از شیعیان حمایت کنند (همان: ۲۶۰). علامه مجلسی نیز در مرآة العقول، از خشم خدا نسبت به شیعه به دلیل نافرمانی و وفا نداشتن نسبت به امام سخن می گوید و عامل آن را ترک

تقیه توسط شیعیان می‌داند که موجب آشکار شدن هویت امام برای عموم و در نهایت دستگیری امام شد» (مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۲۶/۳). سندی (یا هارون) پس از شهادت امام، نمایندگان هاشمیان، طالبیان و دیگر سرشناسان بغداد را گردآورد و پوشش از چهره امام کنار زد و آنان را وادار ساخت که تصدیق کنند هیچ نشانه‌ای از قتل و جنایت در کار نیست. آن‌گاه پیکر امام را غسل داده، کفن کردند و در قبرستان اشراف عرب در شمال غربی بغداد (مقابل شونیزی یا مقابر قریش) در «باب التین» - که به نام کاظمیه معروف شد - دفن گردیدند (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۷۶/۱). هالم نیز به محل دفن امام در قبرستان مربوط به اشراف عرب در شمال بغداد اشاره کرده که مزار آن حضرت و آرامگاه نوه اش را شیعیان زیارت می‌کنند و حرم کاظمین یکی از بزرگ‌ترین زیارتگاه‌های شیعیان در عراق است (هالم، ۱۹۹۶م: ۷۰).

طبق فرمایش مقام معظم رهبری، بالاخره موسی بن جعفر علیه السلام را در زندان مسموم کردند یکی از تلخی‌های تاریخ زندگی ائمه همین شهادت موسی بن جعفر است البته می‌خواستند همانجا هم ظاهری سازی بکنند. در روزهای آخر سندی بن شاهک عده‌ای از سران و معاریف و بزرگان را که در بغداد بودند آورد دور حضرت، اطراف حضرت، گفت ببینید وضع زندگی خوب است مشکلی ندارد. حضرت آنجا فرمودند: «بله ولی شما هم بدانید که اینها من را مسموم کردند» و حضرت را مسموم کردند با چند دانه خرما و در زیر بار سنگین غل و زنجیر که بر گردن و دست و پای امام بسته بودند امام بزرگوار به مظلوم عزیز در زندان روحش به ملکوت اعلی پیوست و به شهادت رسید. البته باز هم می‌ترسیدند از جنازه امام موسی بن جعفر هم می‌ترسیدند از قبر موسی بن جعفر هم می‌ترسیدند این بود که وقتی که جنازه موسی بن جعفر را از زندان بیرون آوردند شعار می‌دادند به عنوان اینکه این کسی است که علیه دستگاه حکومت قیام کرده این حرف‌ها را می‌گفتند تا اینکه شخصیت موسی بن جعفر را تحت شعاع قرار بدهند. آنقدر برای دستگاه جوو نا مطمئنی بود که یکی از عناصر خود دستگاه که سلیمان بن جعفر باشد او دید با این وضعیت ممکن است که مشکل برای ایشان درست بشود یک نقش دیگری را به عهده گرفت و جنازه موسی بن جعفر را آورد. کفن

قیمتی برجنازه حضرت پوشاند آن حضرت را با احترام بردند در مقابر قریش آنجایی که امروز به عنوان «کاظمین» معروف هست و مرقد مطهر موسی بن جعفر در نزدیکی بغداد آنجا دفن کردند و موسی بن جعفر زندگی سراپا جهاد و مجاهدت خودش را به این ترتیب به پایان رساند (مقام معظم رهبری، صص ۳۰۳، ۳۰۴).

اینکه آقای کلبرگ بیان کردند که امام کاظم علیه السلام از وفات قریب الوقوع خویش آگاه بودند و پیش بینی‌های لازم را انجام دادند، اما در لحظه حساس، خداوند ایشان را در این مسأله دچار فراموشی کرد. تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند امام دچار فراموشی شود آن هم در یک لحظه حساس و یکدفعه. در روایت دوم هم ایشان دچار اشتباه شدند و اگر واقعا میوه‌ای مسموم کننده بوده و قرار بوده امام روبه شهادت برساند چه فرقی داشته که روز اول خورده شود یا روز چهارم. و باز روایت سوم هم همین طور.

#### ۱۱. پدید آمدن واقفیه بعد از شهادت امام کاظم علیه السلام

اتان کلبرگ در این زمینه آورده که وفات امام، به ایجاد شاخه خاصی از شیعه انجامید. گروهی از شیعیان، وفات حضرت را انکار کردند و معتقد شدند که ایشان غایب گشته و به عنوان مهدی باز خواهند گشت. این افراد از آن جهت که امامت را در این امام تمام شده تلقی کردند، «واقفه» نامیده شدند و بر سر انتقال امامت به فرزندشان به مجادله برخاستند. کلبرگ در بررسی بیشتر مسأله واقفیه آورده که بسیاری از واقفیان کوفی بودند.

هاینس هالم بر آن است که شهادت امام هفتم، به ظهور شیعه جداگانه‌ای از تشیع انجامید که در تعالیم آن، تعدادی از ویژگی‌های اساسی تشیع دوازده امامی بعدی روبه تکامل نهاد. وی واقفیه را کسانی معرفی می‌کند که عقیده داشتند امام کاظم علیه السلام وفات نیافته، بلکه غایب شده و در انتظار مراجعتش به عنوان مهدی بودند. وی واقفیه را قدیمی‌ترین نمونه شیعه «هفت امامی» می‌داند که در اواخر قرن سوم قمری (نهم میلادی) با اثنا عشری درهم آمیختند که از الگوی واقفیه در غیبت آخرین امام اقتباس نمودند (هالم، ۱۹۹۶م: ۷۰).

در بیان سبب پیدایش واقفیه آمده است که گروهی از اصحاب موسی بن جعفر علیه السلام بعد

از ارتحال امام به امامت و وصایت امام رضا علیه السلام ایمان نیاوردند و گفتند: «حضرت موسی بن جعفر زنده است و روزی ظهور خواهد کرد». این گروه از آنجا که در امامت امام موسی بن جعفر توقف کردند به واقفیه معروف اند (مجلسی، ۱۳۱۵: ۴۸/۲۵۰-۲۵۲).

مهم‌ترین دلیل به وجود آمدن این فرقه وجود اموال فراوان امام موسی بن جعفر علیه السلام در نزد وکیلان ایشان بود. چون امام موسی کاظم علیه السلام مدت زیادی در زندان بود و نمی‌توانست اموالی را که برایشان ارسال می‌کردند در موارد مناسب به مصرف برسانند، مبالغ زیادی نزد وکلای ایشان مانده بود. برای نمونه، هفتاد هزار دینار نزد زیاد بن مروان قندی، سی هزار دینار نزد علی بن ابی حمزه بطائنی و سی هزار دینار و پنج کینیز نزد عثمان ابن عیسی مانده بود. اگر این افراد به امامت حضرت رضا علیه السلام اعتراف می‌کردند، باید همه این اموال را به ایشان می‌دادند. به همین دلیل در آنها طمع کردند و با سرباز زدن از امامت ایشان، اموال را تصاحب کردند و به مصارف شخصی رساندند (همان، ۴۸/۲۷۰). مقام معظم رهبری می‌فرماید: شاگردان ائمه از همه فرقه‌های اسلامی بودند مخصوص شیعه نبودند از کسانی که به آرمان تشیع یعنی به امامت شیعی اعتقاد نداشتند کسان زیادی بودند که شاگردان ائمه بودند تفسیر قرآن و حدیث و سنت از ائمه یاد می‌گرفتند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰: ۳۰۳). حضرت آیت الله خامنه‌ای در بیان شرایط آغاز امامت امام رضا علیه السلام پس از شهادت امام کاظم علیه السلام و انحراف برخی شاگردان ائمه علیهم السلام تصریح نموده‌اند:

«موضوع دیگر که نقش جدی در فهم بستر فعالیت امام رضا علیه السلام در عصر هارون عباسی دارد، وضعیت شیعیان امامی و مسائل و نیازهایی است که در این دوره دارند. پس از شهادت امام کاظم علیه السلام، واقفیه به عنوان یک پدیده‌ی خطرناک و ویران‌ساز هویدا شدند. متولیان امور امام هفتم علیه السلام در مناطق گوناگون که به شیعیان معرفی شده و از این جهت مورد اطمینان بودند و گاه تنها راه ارتباطی میان امام و پیروان آن حضرت تلقی می‌شدند، با بهانه‌جویی و طرح ابهاماتی، اعلام کردند که پس از امام کاظم علیه السلام، فرزند ایشان حضرت رضا علیه السلام مورد تبعیت نخواهد بود. بررسی چگونگی جدایی مجموعه گروه‌هایی که در عصر حضور از خط مستقیم امامت منحرف

شدند، حاکی از احتمال ضربه‌ی هولناک واقفیان به بقاء و تداوم اندیشه‌ی اسلام ناب داشت. نکته‌ی مهم دیگر قوت نظر و عملی بود که برخی فرق و مذاهب اسلامی و شیعی دیگر در این دوره به دست آورده و در مکتوبات و مناظرات به طور مستقیم تفکرات ائمه علیهم‌السلام را مورد اشکال و شبهه‌پراکنی قرار می‌دادند. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان و دست‌اندرکاران حج، ۱۶/۶/۱۳۹۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=27383>)

### نتیجه‌گیری

این مقطع ۳۵ ساله از ۱۴۸ تا ۱۸۳ هجری. یعنی دوران امامت حضرت ابی‌الحسن موسی بن جعفر علیه‌السلام یکی از مهم‌ترین مقاطع زندگی‌نامه ائمه علیهم‌السلام است. دوتن از مقتدرترین سلاطین بنی‌عباس. منصور و هارون. و دوتن از جبارترین آنان. مهدی و هادی. در آن حکومت می‌کردند. بعضی از قیام‌ها و شورش‌ها و شورش‌گرها در خراسان در افریقیه، در جزیره موصل در دیلمان و جرجان، در شام، در مصر، در آذربایجان و ارمنستان و در اقطاری دیگر سرکوب و منقاد گردیده و در ناحیه شرق و غرب و شمال قلمرو وسیع اسلامی، فتوحات تازه و غنائم و اموال وافر، بر قدرت و استحکام تخت عباسیان افزوده بود. اگر این حرکت مبارزه جویانه سرسخت ائمه در طول این ۲۵۰ سال نبود بدانید که قلم به مزدها و زبان به مزدهای دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس اسلام را تدریجا آنقدر عوض می‌کردند که بعد از گذشت یکی دو قرن از اسلام هیچ چیز باقی نمی‌ماند یا قرآنی نمی‌ماند یا قرآن تحریف شده‌ای می‌ماند.

هرچند که مدت زیادی است که خاورشناسان، مطالعات مختلفی درباره اسلام انجام می‌دهند، اما پژوهش علمی پیرامون شیعه قدمت آن به کمتر از یک قرن می‌رسد. با این وجود، امامت پژوهی همچنان رونق چندانی نداشته و آثار بسیار کمی از خاورشناسان به امامت پژوهی اختصاص دارد.

در مجموع از آنچه از منظر خاورشناسان درباره حیات امام موسی کاظم علیه‌السلام گذشت می‌توان بیان داشت که آنها به بخش‌هایی از حیات حضرت پرداخته‌اند، با وجود این،

خاورشناسان در بررسی شخصیت امام و وقایع دوره ایشان که طولانی ترین دوره امامان شیعه به شمار می آید، چندان موفق نبودند. در آن دوره امام و شیعیان، با جریان های متعددی مواجه بودند که خاورشناسان آن گونه که باید به آن توجه نکرده اند. پژوهش های خاورشناسان درباره امامان علیهم السلام در مقایسه با حجم مطالعات شیعی آنان، اندک است و ارائه تصویری نسبتاً جامع از دوران زندگی از تولد تا شهادت امام، مسئله جانشینی امام و پیدایش اختلاف میان شیعیان، بررسی مشکلات اجتماعی و سیاسی عصر امام،، بررسی اقوال متعدد در منابع درباره شهادت امام و پیامدهای آن، بررسی علل پیدایش فرقه واقفیه بعد از شهادت امام از نکات مثبت پژوهش های غربیان درباره امام بوده است. عدم بررسی نحوه تعامل امام با فرقه ها، عدم بررسی قیام های علویان در این دوره، عدم بررسی مواضع سیاسی اجتماعی امام و نحوه تعامل با خلفا و دگرگونی های آن، چگونگی ارتباط شیعیان با امام و هدایتگری آنان و عدم پرداختن به اوضاع علمی فرهنگی دوره و نقش آفرینی امام در این عرصه از جمله کاستی هایی است که در این آثار مشاهده می شود.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

- ۱- ابن خلدون، عبدالرحمن، *مقدمه ابن خلدون*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق.
- ۲- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی الطالب*، نجف، نشرالمکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ ه.ق.
- ۳- ادوار، سعید، *شرق شناسی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ ه.ق.
- ۴- اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، تبریز، نشرینی هاشم، چ اول، ۱۳۸۱ ه.ق.
- ۵- اصفهانی، ابوالفرج، *مقاتل الطالبین*، بیروت، نشر دارالمعرفه، چ اول، ۱۳۸۵ ه.ق.
- ۶- اصفهانی، راغب، *مفردات الفاظ قرآن کریم*، قم، نشر نوید اسلام، چ سوم، ۱۳۹۰ ه.ش.
- ۷- الهامی، داود، *فرزندان امام کاظم (ع)*، تهران، متن الکترونیکی، ۱۳۷۹ ه.ش.
- ۸- انوری، حسن، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، نشر سخن، چ پنجم، ۱۳۸۷ ه.ق.
- ۹- بحرانی، عبدالله بن نورالله، *عوامل العلوم*، قم، نشر مدرسه امام مهدی، چ اول، ۱۳۶۳ ه.ق.
- ۱۰- پیشوایی، مهدی، *سیره پیشوایان*، قم، نشر موسسه امام صادق (ع)، چ شانزدهم، ۱۳۸۳ ه.ش.
- ۱۱- حرانی، ابن شعبه، *تحف العقول*، قم، نشر جامعه مدرسین، چ اول، ۱۴۰۴ ه.ق.
- ۱۲- حسینی، احمد بن علی بن حسین، *عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب*، قم، نشرالمطبعه الحیدریه، ۱۳۸۰ ه.ق.
- ۱۳- حمیری، عبدالله بن جعفر، *اقرب الاسناد*، نشر موسسه آل البيت، ۱۴۱۳ ه.ق.
- ۱۴- جعفریان، رسول، *حواشی بر کتاب «تشیع» هاینس هالم*، قم، نشر مرکز ادیان، ۱۳۸۵ ه.ش.

- ۱۵- -----، رسول، حیاط فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، قم، نشر انصاریان، چ ششم، ۱۳۸۱ ه. ش
- ۱۶- -----، رسول، گزیده حیات سیاسی فکری امامان شیعه علیهم السلام، قم، نشر معارف، ۱۳۹۱ ه. ش
- ۱۷- جوزی، سبط، *تذکره الخواص*، مشهد، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۷۹ ه. ش
- ۱۸- رضی الدین، علی بن موسی بن طاووس، *اقبال الاعمال*، نشر بوستان کتاب، ج ۲، ص ۴۷، ۱۳۷۳ ه. ق
- ۱۹- رزاقی، قاسم، بررسی انتقادی آثار خاور شناسان درباره امام کاظم علیه السلام، *فصل نامه پژوهشی تاریخ اسلام*، شماره چهاردهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۲ ه. ش
- ۲۰- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران، نشر موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ه. ش
- ۲۱- دونالدسون، مذهب شیعه، ترجمه دکتر عباس احمدوند، تهران، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ اول، ۱۳۹۵ ه. ش
- ۲۲- صدوق، ابن بابویه، *عیون الاخبار الرضا*، تهران، نشر صدوق، چ اول، ۱۳۷۲ ه. ش
- ۲۳- صفارقمی، ابن فروخ، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ه. ق
- ۲۴- طبری صغیر، محمد بن جریر، *دلایل الامیه*، قم، نشر دارالذخائر، ۱۳۸۳ ه. ق
- ۲۵- طبری، محمد بن جریر بن یزید، *تاریخ الرسل والملوک*، بیروت، نشر بی نا، چ دوم، ۱۳۳۷ ه. ق
- ۲۶- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم، ۱۳۶۵ ه. ش
- ۲۷- کلبرگ، اتان، *کتابخانه ابن طاووس واحوال و آثار او*، ترجمه سید علی قرائتی و رسول جعفریان، قم، نشر کتابخانه عمومی ایه الله مرعشی، ۱۳۷۱ ه. ش



- ۲۸- فصلنامه امامت پژوهی، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۹۱. ش
- ۲۹- -----، سال اول، شماره ۳، ۱۳۹۰. ش
- ۳۰- فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، سال اول، شماره دوم، ۱۳۷۴
- ۳۱- قمی، عباس، *منتهی الامال*، تهران، نشر مبین اندیشه، ۱۳۹۰. ش
- ۳۲- غروی نایینی، *محدثات شیعه*، قم، نشر دانشگاه تربیت مدرس، چ ۱۳۷۵، ۱۳۷۵. ش
- ۳۳- مالکی، ابن صباغ، *الفصول المهمه*، قم، نشر دارالحدیث، ۱۴۲۲. ق
- ۳۴- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، قم، نشر دارالکتب الاسلامیه، چ اول، ۱۳۱۵. ق
- ۳۵- -----، *مراه العقول*، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، چ دوم، ۱۳۶۳. ش
- ۳۶- مدرسی، محمدتقی، *زندگانی امام موسی بن جعفر علیه السلام*، تهران، نشر محبان الحسین، ۱۳۸۲. ش
- ۳۷- مستوفی، حمدالله، *تاریخ گزیده*، تهران، نشر امیرکبیر، چ سوم، ۱۳۶۴. ش
- ۳۸- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الارشاد*، قم، نشر آل البيت، ۱۴۱۳. ق
- ۳۹- مقام معظم رهبری، *انسان ۲۵ ساله*، تهران، نشر موسسه ایمان جهادی، چ اول، ۱۳۹۰. ش
- ۴۰- مونتگمری وات، ویلیام، *برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان*، ترجمه: محمد حسین آریا، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چ اول، ۱۳۷۳
- ۴۱- نیشابوری، فتال، *روضه الواعظین*، تهران، نشر نی، چ اول، ۱۳۶۶. ش
- ۴۲- نجفی، محمد جواد، *ستارگان درخشان*، تهران، نشر اسلامیه، چ چهاردهم، ۱۳۶۵. ش
- ۴۳- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چ ششم، ۱۳۷۱. ش
- ۴۳- هالم، هاینس، *کتاب شیعه*، آلمان، موسسه کتب علوم انسانی، چاپ دوم، ۱۹۹۶ م
- ۴۴- -----، *تشیع*، ترجمه محمدتقی اکبری، قم، نشر ادیان، ۱۳۸۵. ش

---

## بررسی مستندات قرآنی، روایی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری ظله العالی در رابطه با نفوذ فرهنگی دشمنان در انقلاب

---

سید عیسی مسترحمی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)  
سید صادق مجابی<sup>۲</sup>

### چکیده

امروزه دشمنان برای رسیدن به اهداف استعماری خود و تغییر حکومت و سبک زندگی، سعی می‌کنند در همه عرصه‌ها نفوذ کرده و مبانی فکری عقیدتی مردم بخصوص نسل جوان و فرهیخته را به سمت دلخواه خود تغییر دهند. لذا با استفاده از تمامی سازوکارهای ممکن، شبانه روز فعالیت می‌کنند. نفوذ فرهنگی یکی از مهمترین روش‌هایی است که دشمنان همواره در طول تاریخ انقلاب به انحاء مختلف در پیش گرفته‌اند تا بتوانند با صرف هزینه‌های کمتر، بهتر و آسان‌تر به اهداف خود نائل شوند. اهمیت بحث « نفوذ فرهنگی » را در یک کلام می‌توان در کلمات مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر، خصوصاً اشارت مهم ایشان در بیانیه ی گام دوم انقلاب مشاهده نمود. از آنجا که سخنان رهبرانقلاب برگرفته از آموزه‌های اسلام ناب محمدی ص است ؛ نگارنده در این مقاله با روش توصیفی،

---

۱. استادیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه. @yahoo.com5101365seid

۲. دانشجوی سطح ۴ مرکز امام علی بن ابیطالب رضی الله عنه رشته قرآن و مستشرقان @yahoo.com5101365seid

تبیینی ضمن مطالعه بیانات ایشان درباره «نفوذ فرهنگی» و تطبیق فرمایشات ایشان بر متون قرآنی و روایی تلاش می‌کند شاخص‌های محوری بحث، ابزارها و راهکارهای مقابله درباره نفوذ فرهنگی را تبیین نماید.

کلیدواژگان: قرآن و روایات، مستندات، نفوذ فرهنگی، مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم

## مقدمه

اسلام توانست با ظهورش فرهنگ کامل سعادت و شکوفایی دنیا و آخرت را بیان کرده و در دوران حضور پیامبر اعظم ﷺ، بسیاری از این اهداف ناب اسلامی را به ثمر رساند. اما متأسفانه پس از رحلت آن حضرت، دشمنان با استفاده از غفلت و با نفوذ در عموم مردم و خواص جامعه، راهی را که رسول خدا ﷺ تنها در طول ۲۳ سال، با آن همه شوکت و عزت هموار نموده بود و تا آهستانه جهانی شدن قرار داشت مسدود کردند.

حال که پس از حدود هزارو چهارصد سال، با وقوع انقلاب اسلامی ایران توسط امام خمینی رحمته الله علیه، بار دیگر فرصتی جدید و سرنوشت ساز برای پیشرفت اسلام و رسیدن به اقتدار و عزت مسلمین فراهم گردیده است، باید قدر آن را دانست و مراقب بود؛ چرا که دشمنان اسلام و مسلمین در سراسر جهان متحد شده و تمام توان خود را برای نفوذ و سرنگونی اسلام عزیز به کار گرفته‌اند. یکی از مهمترین عرصه‌های نفوذ در عرصه فرهنگی جریان پیدا می‌کند و در این میان نسل جوان و فرهیخته بیشتر از هر کسی هدف نفوذ قرار گرفته‌اند. بنابراین موضوع نفوذ فرهنگی دشمن، ضرورتاً مسئله‌ای حیاتی برای بقاء حکومت اسلامی خواهد بود و یکی از گسترده‌ترین مباحث در جنگ نرم به شمار رفته و مورد تأکید مقام معظم رهبری رحمته الله علیه خصوصاً در بیانیه گام دوم انقلاب نیز می‌باشد.

با توجه به اینکه بیانات رهبر انقلاب ریشه در اسلام ناب محمدی رحمته الله علیه دارد، می‌توان گفت مهمترین ویژگی این تحقیق، مستندسازی قرآنی روایی فرمایشات حضرت آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه در زمینه نفوذ فرهنگی است که با روش توصیفی-تبیینی مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین سوال اصلی در این تحقیق این است که مستندات قرآنی روایی بیانات مقام معظم رهبری رحمته الله علیه (خصوصاً با توجه به بیانیه گام دوم) در مورد نفوذ فرهنگی چیست؟

از مجموع فرمایشات رهبری در این زمینه می‌توان دریافت که از نظرایشان نفوذ فرهنگی، شاخه و رگ وریشه‌های فرهنگ جامعه اسلامی را به خطر می‌اندازد. لذا بسیاری از حرکت‌های سیاسی و اقتصادی، برای نیل به این گونه از نفوذ صورت می‌گیرد. به همین دلیل

ایشان به موضوع اقتصاد نیز نگاه فرهنگی دارند و لذا اقتصاد و فرهنگ را در عرض یک دیگر نمی‌دانند؛ بلکه طبق دیدگاه ایشان، اقتصاد ذیل فرهنگ است و نتیجه اصلاح اقتصادی نیز رسیدن به فرهنگ است. با نگاه با آیات الهی و روایات اهل بیت علیهم السلام روشن می‌گردد که یکی از گرفتاری‌های مهم انبیاء و رهبران الهی در جوامع انسانی نیز، درگیری‌های ایشان در رابطه با نفوذ فرهنگی دشمنان بوده است. لذا همواره خطر استعمار فرهنگی محسوس می‌باشد و باید با راهکارهای مناسب به مقابله با آن پرداخت.

### پیشینه بحث

با مطالعاتی که انجام شده باید گفت پیشینه این موضوع در انقلاب اسلامی ایران به زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ بر می‌گردد؛ لکن جای تعجب و تاسف دارد که با این همه تذکر از جانب امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری (حفظه الله)، تحقیق جامع و کاملی در چنین مسئله مهمی صورت نپذیرفته و فقط در حد چند پایان نامه و مقاله و کتاب با سرفصل‌های مشوش و پراکنده به طور کلی به این موضوع پرداخته شده است. مثلاً در کتاب تهاجم فرهنگی اثر استاد آیت‌الله... مصباح یزدی تنها در فصل دوم کتاب به کلیاتی در مورد نفوذ فرهنگی اشاره شده است. یا مثلاً کتاب شبکه‌های عنکبوتی اثر محمد کهوند در مورد نفوذ در فضای مجازی بحث شده و ابعاد دیگر این مسئله مورد نظر نویسنده محترم قرار نگرفته است. مهم تر صرفاً اینکه در این موارد، مستندات قرآنی روایی در حد بسیار ضعیف بیان گردیده است.

### مفهوم شناسی

قبل از ورود به بحث، شناخت معنا و مفهوم نفوذ و نفوذ فرهنگی امری ضروری است. در این قسمت به طور اجمال مفهوم واژگان کلیدی تبیین می‌گردد.

## معنای نفوذ

کارکردهای واژه نفوذ گوناگون بوده و در معانی پُرکردن منافذ و جاهای خالی، تسلط غیر مادی، پیشروی با سرعت و قدرت بازیکن در ورزش، سرایت کردن، نشت کردن، جاسوس، اجرایی شدن حکم وغیره به کار رفته است. (<https://www.vajehyab.com/>)

نفوذ در لغت عرب، مصدر فعل ( نَفَذَ يَنْفُذُ ) می باشد. در کتب لغت همچون لسان العرب، العین، مجمع البحرین و مفردات راغب واژه ( نَفَاذ ) را نیز مترادف نفوذ و مصدر ( نَفَذَ يَنْفُذُ ) بیان نموده اند. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۸، ۱۹۰ / ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳، ۵۱۴ / جوهری، ۱۴۰۷: ۲، ۵۷۱ / طریحی، ۱۳۵۷: ۴، ۳۴۴)

در تمامی کتب یاد شده در لغت عرب، یک مفهوم واحد از این واژه بیان گردیده است. (نَفَذَ) در این کتب بیشتر به معنی ورود، رخنه کردن، سوراخ کردن و عبور از هدف، معنا شده است. باید گفت لازمه ی نفوذ؛ ورود و رخنه کردن در چیزی است. مانند اینکه گفته شده (سلک الطريق ای نفذ فیه) یعنی داخل مسیر شد و (سلک الخیط فی الابره ای نفذ فیه) یعنی نخ داخل سوزن شد و از آثار نفوذ، مطاع بودن، اجرایی شدن، به نتیجه رسیدن، خروج و عبور از امری است که مورد نفوذ می باشد، مانند اینکه تیری از کمانی خارج شود. همچنین آیه ی «یا معشرَ الْجِنَّ وَالْانْسِ اِنْ اسْتَطَعْتُمْ اَنْ تَنْفُذُوا» (الرحمن، ۳۳) بر همین معنا دلالت دارد.

این کلمه در زبان فارسی نیز به نوعی از معنای عربی اش الهام گرفته است و به معنای فرورفتن در چیزی (هدف) و جاری شدن حکم و فرمان، تأثیر گذاشتن بر کسی، و راه یافتن پنهان در گروهی یا جایی به منظور هدفی است. (دهخدا، کتابخانه دیجیتالی، ۲۱۰۶ / معین، ۱۳۸۸، ۴، ۴۷۸۸)

با بررسی های صورت گرفته مشخص شد که واژه نفوذ در لغت دارای دو جنبه است. یک جنبه ی رخنه و ورود و دخول در چیزی و یک جنبه ی اجرایی و اثرگذاری و نتیجه دهی بعد از ورود که به صورت مساوی در مفهوم نفوذ دخیل هستند. لذا اگر جنبه دوم (جنبه ی اجرایی و اثرگذاری و نتیجه دهی) در خارج و در عمل ایجاد نشود، عنوان نفوذ نیز صدق

نخواهد کرد. به تعبیر دیگر در معنای نفوذ داخل شدن و رخنه، بدون اثر گذاری ممکن نیست. یعنی تنها وقتی می‌توان گفت نفوذ محقق شده که اثرگذار هم باشد؛ در غیر این صورت و بدون اثرگذاری، واژه نفوذ معنا نخواهد داشت.

برخلاف اتحاد نسبی که در مفهوم لغوی واژه نفوذ بیان شد، باید گفت در معنای اصطلاحی تعاریف گوناگونی از واژه نفوذ ارائه شده است. برای نمونه برخی گفته‌اند: «رسوخ، تأثیر، ورود و قدرت یابی در مکان یا محیط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و علمی خاص از طریق راهیابی پنهانی یا غلبه یا تأثیرگذاری». (اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۷۸)

در جای دیگر اینگونه آمده: «اعمالی که مستقیم یا غیر مستقیم موجب تغییر در رفتار یا نظرات دیگران می‌شوند». (الوانی، ۱۳۸۶: ۱۴۲)

این واژه همچنین به این صورت تعریف شده: «نفوذ شکلی از قدرت است اما متمایل به کنترل، اجبار و زورنیست. نفوذ نوعی رابطه میان بازیگرانی است که موجب آن یک بازیگر بازیگران دیگر را وا می‌دارد تا به طریقی که خواست خود آنها نیست عمل کند». (آقابخشی، ۱۳۸۴: ۳۱۴)

با توجه به تعاریف بررسی شده، به نظر می‌رسد برای تعریف جامع اصطلاحی در رابطه با نفوذ باید گفت: نفوذ یعنی ورود پنهانی یا ورود با قدرت و غلبه در حوزه اعمال، افکار و اعتقادات یک فرد یا جامعه که در نتیجه باعث تغییر نگرش در افکار و سپس رفتار آن فرد یا جامعه می‌شود. بنابراین نفوذ دشمن به معنای ورود دشمن در حوزه‌های اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی رقیب خواهد بود و در نهایت منجر به بیمار شدن سیستم اعتقادات و فرهنگ و اقتصاد و... در فرد و جامعه شده و منتهی به نابودی آنها می‌شود.

## معنای فرهنگ

فرهنگ واژه‌ای فارسی و مرکب از دو جزء «فر» و «هنگ» می‌باشد. «فر» پیشوندی است که در معنای جلو، بالا و پیش، به کار می‌رود و «هنگ» به معنی کشیدن، سنگینی و وزن می‌باشد و فرهنگ به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، هنر، آداب و رسوم است. (دهخدا،

ذیل واژه فرهنگ). ادوارد تایلور (Tylor) نیز در یک نگاه، فرهنگ را مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هرچه که فرد به عنوان عضوی از ملت از جامعه خویش فرامی‌گیرد تعریف می‌کند. (آشوری، ۱۳۸۹: ۳۲ و ۷۱)

بر اساس مجموع بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، الگوهای حاکم بر بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارها، معنای عام فرهنگ است. الگو به معنای آن چیزی است که به انسان شکل می‌دهد. به عنوان مثال، گرایش‌هایی جزء فرهنگ انسان هستند و الگو به حساب می‌آیند که سایر گرایش‌های انسانی بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرند. رهبری در بیان مصادیق و شاخه‌های فرهنگ معمولاً از سه لفظ عقاید، اخلاق و آداب استفاده می‌کنند که به نظری رسد این معنای خاص فرهنگ است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۹۳/۳/۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26518>) اما معنای عام فرهنگ از دیدگاه رهبر انقلاب شامل ادبیات، هنر، علم، عادات و اخلاق جامعه و سنن موجود جامعه و شامل خصلتهای ملی می‌شود، و فرهنگ مدروس و مکتوب مدرسی در معنای عام آن جایگاهی ندارد. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۷۵/۹/۲۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9615>)

### معنای نفوذ فرهنگی

باید گفت نفوذ فرهنگی نیز تعریفی برگرفته از فرهنگ دارد. در یک تعریف، نفوذ فرهنگی یعنی کاربرد قدرت سیاسی و اقتصادی برای پراکندن ارزشها و عادات‌های فرهنگ متعلق به آن قدرت در میان مردمی دیگر و به زیان فرهنگ آن مردم. (آشوری، ۱۳۸۷: ۲۷)

مقام معظم رهبری علیه السلام نفوذ فرهنگی را اختلال و رخنه و خدشه در آن باورها و اعتقاداتی می‌دانند که توانسته یک جامعه اسلامی را روی پای خود نگه دارد. ایشان مکرر بیان فرموده‌اند که دشمن جمهوری اسلامی با تمام توان خود به میدان آمده و تلاش شبانه‌روزی خود را برای این منظور قطع نکرده است. لذا می‌فرمایند: «... اگر این توانایی را پیدا کرده‌اند که فرهنگ آن ملت را مضمحل کنند و تحت تأثیر قرار دهند و تضعیف کنند، پایه‌های



قدرتشان در آنجا مستحکم شده و اگر در جایی فرهنگ ملی و بومی به خاطر کهنسال بودن، ریشه دار بودن و برجسته بودن مضمحل نشده و از بین نرفته، استعمارگرها و اشغالگرها نتوانسته‌اند مدت زیادی از آنجا منافع خودشان را تأمین کنند و ناچار شدند که آن منطقه را رها کنند». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۹۴/۶/۲۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>)

### بیانات رهبر انقلاب در رابطه با نفوذ فرهنگی

فرهنگ مقوله‌ای است که جان یک ملت به وسیله آن می‌تپد. فرهنگ آینه تمام‌نمای فکرو اندیشه و تمدن یک کشور به شمار می‌آید. در مورد فرهنگ اجتماعی کشور ایران باید گفت که این فرهنگ، برگرفته از آداب و رسوم چند هزارساله بوده و بسیار غنی می‌باشد و از دیرباز به شدت توانسته بر فرهنگ‌ها و مردم جهان تا نقاطی چون ایتالیا، مقدونیه و یونان، روسیه، شرق اروپا و آسیای میانه، شبه جزیره عربستان، جنوب شرق آسیا، شبه‌قاره هند و شرق آسیا اثرگذار باشد.

. ۲۰۱۸November ۷Persian Influence on Greek Culture". Livius.org )

(۲۰۱۹July ۳Retrieved

اما پس از انقلاب اسلامی، فرهنگ جهاد فی سبیل الله و انقلابی‌گری و انقلابی زیستن برای رشد و تعالی کشور و افراد جامعه، به طور جدی برگرفته از فرهنگ و مکتب کامل اسلامی بوده است و جالب اینکه در مدت چهل سال از عمر انقلاب توانسته این فرهنگ ناب را به کشورهای همسایه نیز صادر کند و جریان بیداری اسلامی را در منطقه شکل دهد. به همین جهت حضرت آیت الله خامنه‌ای علیه السلام معتقد است عرصه فرهنگی بسیار مهم بوده و از مسائل دیگر همچون اقتصاد نیز مهم‌تر می‌باشد. زیرا فرهنگ در نگاه رهبر انقلاب به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم. اگر این هوا پاکیزه باشد در بدن انسان آثاری دارد و اگر آلوده باشد آثار دیگری دارد. (امام خامنه‌ای، بیانات در حرم مطهر رضوی، ۹۳/۱/۱،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25993>

مقام معظم رهبری علیه السلام همچنین در این رابطه فرموده بودند: «توجه بکنید که امروز، عمده قوای دشمنان ما در جبهه‌ی فرهنگی داردکار می‌کند. این جنگهای روانی، این فعالیت‌های فرهنگی، این بودجه‌های پنهان و آشکاری که برای منحرف کردن ذهنها می‌گذارند، همه‌اش مربوط به مسئله‌ی فرهنگ است. فرهنگ مثل هواست که انسان وقتی که این هوا را استنشاق کرد، با هوایی که استنشاق کرده و با آن جانی که گرفته، می‌تواند دو قدم بردارد و جلو برود؛ بقیه‌ی کارها همه برخاسته‌ی از آن چیزی است که شما استنشاق کرده‌اید. اگر چنانچه یک جایی، هوای مسمومی تزریق بشود، نتیجه‌ای که در اندامها دیده خواهد شد تابع آن مسمومیتی است که در این هواست. اگر فضا را با دود یا مخدری تخدیر کنند، وقتی شما آن را استنشاق کردید، رفتار شما متناسب با آن چیزی خواهد شد که استنشاق کرده‌اید؛ فرهنگ یک چنین حالتی دارد. فرهنگ را دست کم نگیرید؛ خیلی مهم است. بنابراین صرف وقت کنید و در بودجه هم برایش پول و فصول قابل توجهی بگذارید تا جهت‌ارزشی به فرهنگ بدهید». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۸۶/۶/۴،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33398>

پس از بیان اهمیت عرصه فرهنگی، ایشان در فرمایش دیگری بیان می‌دارند که مراد ما از فرهنگ همان ذهنیت هاست؛ ذهنیت‌های حاکم بر وجود انسان که رفتارهای او را به سمتی هدایت می‌کند. برای نمونه، ذهنیت مقابله با ظلم و برگرفته از فرهنگ عاشورایی را می‌توان مثال زد که موجب هشت سال دفاع خالصانه در برابر تجاوز ناجوانمردانه دهها کشور غربی و شرقی بر علیه کشور و ملت ایران گردید. لذا دشمنان ایران از داشتن چنین فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی بسیار ناراحتند. چراکه با وقوع انقلاب اسلامی، جلوی پچاول‌گریشان گرفته شد و پایه‌های استعمارگریشان را به شدت لرزاند. به همین جهت دشمنان این ملت از صدر انقلاب اسلامی تا کنون در این عرصه دست به کار شده و در جهت رفع مانع انقلاب تمام تلاش خود را می‌کنند تا به این فرهنگ ضربه‌ای وارد کرده و آن را مخدوش نمایند. بنابراین با توجه به کوشش‌های مجدانه دشمن برای نفوذ در فرهنگ ملت

ایران و طبق دیدگاه رهبر انقلاب، حرکت نفوذی استعمار فرهنگی یعنی، حضور قدرتهای مسلط نظامی و سیاسی دنیا در کشورهایی که می‌توانستند با استفاده از زور در آنها حضور پیدا کنند و منافع خودشان را از آن جاها تأمین کنند و در واقع از منافع مادی و معنوی آن کشور سرمایه‌ای برای خودشان بسازند. (امام خامنه‌ای، ۸۳/۲/۲۸، بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3232>) حال که فرهنگ انقلاب و انقلابی‌گری مانعی برای رسیدن دشمنان به اهداف و منافعشان شده است، مطابق بیان رهبری آنها در صدد آلوده کردن این فرهنگ بر می‌آیند تا بتوانند آن را در جامعه دستخوش تغییر و یا تحریف قرار داده و نفوذ فرهنگی را محقق سازند.

از مجموع این بیانات روشن شد که نفوذ فرهنگی دشمن، حوزه اعتقادی، تربیتی، اخلاقی، رفتاری و فرهنگ دینی و ملی ما را هدف قرار داده است. در نتیجه مطابق سفارش رهبرانقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب باید هوشیار بود. مطابق بیان ایشان، مدیران، کارگزاران، اندیشمندان و فعالان جوان برای ارتقاء فرهنگ ملی و مقابله در برابر نفوذ دشمنان می‌بایست شانه‌های خود را زیر بار مسئولیت قرار داده و در این مسیر از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته استفاده نمایند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی قرار دهند. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

### بررسی و تطبیق مستندات قرآنی، روایی در رابطه با نفوذ فرهنگی

با نگاهی به آیات الهی و روایات اهل بیت علیهم السلام در این زمینه، روشن می‌گردد که یکی از گرفتاریهای مهم انبیاء و رهبران الهی در جوامع انسانی، درگیری‌های ایشان در رابطه با نفوذ فرهنگی دشمنان بوده است. اینک به فراخور حال این تحقیق، به چند نمونه از آیات و روایات در این زمینه اشاره خواهد شد.

## مستندات قرآنی نفوذ فرهنگی

## ۱. تخریب و وابستگی فکر و اندیشه و تشکیک در اعتقادات

همانطور که در کلام رهبرانقلاب بیان شد، از مهمترین علت‌های نفوذ فرهنگی، تغییر فکر و اندیشه و اعتقادات آحاد مردم و اجتماع، و ایجاد وابستگی‌های گوناگون برای نیل به استعمارگری در این زمینه می‌باشد. این مسئله در قرآن نیز قابل استناد است. حدود ۶ آیه در قرآن با عبارت «أَمْ يَقُولُونَ أَفْتَرَاهُ» آغاز می‌شود که نشان می‌دهد دشمنان همواره برای تشکیک در اعتقادات مردم سعی کرده‌اند رسولان و رهبران الهی را دروغگو جلوه دهند.

در داستان فرعون در جریان ایمان به پیامبر الهی آمده است که به مردم سرزمینش چنین می‌گوید: «قَالَ فِرْعَوْنُ أَمْثَلُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ أَدْنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرُتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ». (اعراف، ۱۲۳) فرعون گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟! حتماً این نیرنگ و توطئه‌ای است که در این شهر (و دیار) چیده‌اید، تا اهلش را از آن بیرون کنید؛ ولی بزودی خواهید دانست!

بر طبق این آیه در نفوذ فرهنگی بر علیه حکومت‌ها، آزادی اندیشه و حق انتخاب عقیده از مردم سلب می‌شود. (قرآنی، ۱۳۷۴، ۳، ۱۴۳) منطق استعمارگران اینگونه است که کاری کنند تا مردم در امور قلبی خودشان نظیر ایمان، محبت و کینه از استعمار اجازه بگیرند، درحالی‌که طبق بیان دین، در جهان هستی هیچ نیرو و استعماری حق ندارد بر قلب انسانهای مظلوم یا ضعیف دیگر حکومت کند؛ لکن منطق خودکامگان چنین است. (مغنیه، ۱۳۷۸، ۳، ۵۸۴)

همچنین با توجه به گزارشات تاریخی در آیات الهی می‌توان دریافت که وقتی فرهنگ ضد شرافت و کرامت انسانی بر یک امت و ملت غلبه کند، تغییرش بسیار سخت و سنگین خواهد بود، تا جایی که گاهی رهبران الهی و انبیاء اولوالعزم هم از اصلاح آن به طرق عادی عاجز می‌شدند. برای نمونه فرهنگ ظالمانه فرعونیان طبق آیه «وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنْ

الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ». (یونس، ۸۶) مورد شکایت نبی خدا و پیروانش بوده و خواستار نجات از درگاه الهی می‌شوند. آیات پیرامون این آیه نشان می‌دهد که فرهنگ طاغوتی و جاه و جلال و جبروت زندگی فراعنه، طوری بود که گویی چشم‌ها را خیره می‌کرده است. اما فرعونیان از این موهبت‌های الهی به خاطر فرهنگ کاخ نشینی‌ای که داشتند در جهت ظلم و عصیان و گمراه کردن مردم استفاده می‌نمودند. سه تعبیر متفاوت اسراف‌گری و ظلم و کفر خطاب به فراعنه در این آیات، شاید به این جهت باشد که انسان در مسیر گناه و خطا نخست از «اسراف»؛ یعنی تجاوز از حد و مرزها شروع می‌کند، بعد بنای «ستمکاری» می‌گذارد و سرانجام کارش به «کفر و انکار» منتهی می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۸، ۳۶۸) یعنی انتهای فرهنگ اسراف‌گری و فساد، ظلم و در نهایت کفر است.

در انتها حضرت موسی علیه السلام پس از تبلیغ رسالت و نپذیرفتن معبود یگانه از سوی فرعونیان و ادامه فرهنگ فساد، نسبت به فرهنگ ظلمانی آنها به درگاه خدا شکوه برده و می‌فرماید: «... رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرُوا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ \*» پروردگارا! اموالشان را نابود کن و دل‌هایشان را سخت گردان که ایمان نیاورند تا آنکه عذاب دردناک را ببینند. (یونس، ۸۸)

در تفسیر نمونه اشاره می‌کند که اگر حضرت موسی علیه السلام از پروردگار درباره فرعونیان عذاب می‌خواهد، نه به خاطر روح انتقام جویی و کینه توزی است، بلکه به خاطر این است که آنها دیگر هیچ‌گونه آمادگی برای ایمان ندارند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ۲، ۳۱۱) این تفسیر نشان می‌دهد که وقتی تغییر فرهنگ یک امت میسر نباشد، همچنانکه اشاره شد، انتهای آن فرهنگ ظالمانه، فساد در زمین و در نهایت استحقاق عقوبت الهی خواهد بود. در تفسیر کاشف نیز بیان شده: «بی‌تردید، حضرت موسی علیه السلام آنان را نفرین نکرد و این سخن را بر زبان نیاورد مگر زمانی که از اصلاح آنها ناامید شد». (مغنیه، ۱۳۷۸، ۴، ۲۹۸)

اما رنج بزرگتر این است که بقایای فرهنگ جاهلی حتی پس از نابودی دشمنان در مردم باقی بماند. حضرت موسی علیه السلام وقتی بعد از آن همه زحمت در عرصه رسالت و تبلیغ دین

توحیدی، عده‌ای را به راه خدا می‌آورد و ایمان به خدای واحد را به آنها تلقین می‌کند، اما باز می‌بیند که با یک مسئله جزئی، بنی اسرائیل از این ایمان بر می‌گردند، بسیار رنجور و ناراحت می‌شود. لذا در قرآن دارد: «وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ». (اعراف، ۱۵۰) و سر برادر خود را گرفت (و با عصبانیت) به سوی خود کشید.

تغییر فرهنگ جاهلی آنچنان طاقت فرسا است که به فرموده امیرالمومنین علیه السلام مانند گیرکردن استخوان درگلو و رفتن خار در چشم می‌ماند (اشاره به خطبه شقشقیه) و گاهی باید صبر جمیل کرد تا پیشرفتی حاصل شود. شدت سخت بودن این تغییر وقتی بیشتر محسوس می‌شود که ببینیم یک پیغمبر، ۹۰۰ سال در تغییر آیین گمراه ملتی تلاش کند و با خون دل خوردن‌ها، تبلیغ به وحدانیت و پذیرفتن فرهنگ دینی و الهی کند، اما ثمره‌ی چندانی نداشته باشد، مانند داستان نوح نبی علیه السلام که به خدایش می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا \* فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا» (نوح: ۵ و ۶) خدایا در این سال‌های طولانی نبوت، شبانه روز در جهت تغییر فرهنگ دینی این مردم برای اقرار به وحدانیت تلاش کردم، اما از من گریزان بودند. آن حضرت وقتی می‌بیند اصلاح فرهنگ دینی ممکن نیست، مانند حضرت موسی علیه السلام دست به دعا برداشته و قوم گمراهش را نفرین می‌کند: «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَبَّارًا \* إِنَّكَ إِن تَذَرْنَهُمْ يَضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا». (نوح: ۲۶ و ۲۷)

## ۲. بنده‌ی دشمن شدن در پرتو نفوذ فرهنگی

یکی از آثار و پیامدهای مهم در نفوذ فرهنگی تبعیت از افکار دشمنان است. این همان بردگی فکری است که انسانها را عبد خواسته‌های شیطانی خود می‌کند. بخش مهمی از آیه‌ی معروف «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ...» دلالت می‌کند که خداوند سلطه و استعمار فرهنگی و فکری را یک نوع عبودیت و پرستش می‌داند و می‌فرماید: «...وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ

دُونَ اللَّهِ...» لذا همان گونه که با شرک و بت پرستی مبارزه می‌کند با استعمار فکری و سلطه فرهنگی نیز می‌جنگد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲، ۵۹۵)

بنابر نظر علامه طباطبایی علیه السلام مراد از جمله « أَلَا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ » اثبات عبادت خدانیست، بلکه منظور نفی عبادت غیر خدا است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳، ۳۹۰) بنابراین همانطور که رهبرانقلاب فرموده‌اند، نفوذ فرهنگی استعمار دنبال برده کردن انسانهاست و این دقیقا بر ضد منطق قرآن می‌باشد.

این منطق قرآنی در کلام انبیاء الهی نیز مشهود است. مانند سخن حضرت یوسف به دوستان زندانش که فرمود: « يَا صَاحِبِي السِّجْنِ أَأَزْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ \* مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ...». (یوسف، ۳۹) ای دو رفیق زندان من، آیا خدایان متفرق (بی حقیقت مانند بتان و فراعنه و غیره) بهترند یا خدای یکتای قاهر و غالب؟ شما به جای او جز نامهایی [چند] را نمی‌پرستید که شما و پدرانتان آنها را نامگذاری کرده‌اید، و خدا دلیلی بر [حقانیت] آنها نازل نکرده است. فرمان جز برای خدا نیست. دستور داده که جز او را نپرستید.

بر طبق امثال این آیات و سفارش رهبران الهی، پذیرفتن استعمار فرهنگی دشمن یعنی بردگی غیرالهی و این بردگی با وجدان و روح و روان انسان‌ها در تضاد هست.

### ۳. اشاعه فرهنگ استعماری

شبکه‌های مختلف استعمارگر در صدد همراه کردن مردم با خود هستند و به همین سبب، از تبلیغات ایجابی و سخنان و مناظره‌های مجاب‌کننده استفاده می‌نمایند و برای همسو کردن مخاطبان با خود از هیچ تلاشی فروگذار نیستند. بسیاری از افرادی که به تقلید و پیروی از این شبکه‌ها پرداخته‌اند، بهانه‌ای جز هم‌رنگ شدن با جماعت را ندارند. وقتی چنین شد، مردم با پذیرش فرهنگ استعمارگر، راه غلبه دشمن بر خود را کوتاه کرده و در نتیجه خود مردم علاوه بر اینکه حقوق و منافعشان به تاراج می‌رود، تدریجا نیز به نوعی به یک استعمارگر بالقوه تبدیل می‌شوند.

قرآن کریم که بر مبنای نیاز روز نازل شده، به همین دلیل پذیرش فرهنگ بیگانه را به صورت چشم و گوش بسته و بدون در نظرگرفتن عقل و منطق نکوهیده است و همگان را به تدبیر فراخوانده است: «أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ». (مومنون، ۶۸) یا آنها در این گفتار نیندیشیدند، یا اینکه چیزی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟ بر طبق بیان سیدقطب، فرهنگ دینی آنقدر جذاب و زیبا و مستدل و منطبق با عقل و منطق بشری است که نیازی به جایگزینی با فرهنگ دیگری نداشته باشند. اما مردم به خاطر عدم تدبیر در این فرهنگ اصیل و به بهانه‌های واهی به دنبال فرهنگ بیگانه می‌روند. (قطب، ۱۴۲۵، ۴، ۲۴۷۴)

بنابراین طبق بیانات رهبری و آیات الهی، استعمار در تلاش است که بتواند فرهنگ خویش را جایگزین فرهنگ اصیل کشور مستعمره بکند تا در پرتو آن به اهداف خویش برسد.

### مستندات روایی نفوذ فرهنگی

#### ۱. تلاش در حفظ فرهنگ دینی و ملی در برابر نفوذ فرهنگی

فرمایشات امیرمومنان علیه السلام از تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد که اقوام عرب چون تنها به منافع خود و خویشاوندانشان می‌اندیشیدند و مفهوم کشور و منافع ملی برای آنان بیگانه بود، دارای روحیه ی استبداد و استعمارگری خاصی بوده‌اند. امام علی علیه السلام با توجه به این که در دامان پیامبرگرمی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم تربیت شده بودند، شخصیت ایشان با فرهنگ مذهبی اسلام رشد کرده بود و از فرهنگ استعماری عرب جاهلی، بسیار فاصله داشت.

فرهنگ خدامحوری، عدالت خواهی، شایسته سالاری، مصلحت گرایی، مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی (شامل: امر به معروف و نهی از منکر، تحمل سختی‌ها و مشکلات در راه حق و در مسیر جهاد فی سبیل الله، یاری مستمندان و انفاق، قرض الحسنه، ملت گرایی و...)، تقواگرایی و پاسداری از کرامت انسانی، همگی از موارد فرهنگ اسلامی است که ایشان از محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرا گرفته‌اند.



ایشان در راستای حفظ این فرهنگ نورانی در برابر نفوذ دشمنان، خطاب به مردم و اصحابشان فرمایشات مهمی داشتند. به عنوان نمونه در فرهنگ اسلامی که حاکم بر حکومت امام علی علیه السلام بود، حتی اهل کتاب (یهودیان، مسیحیان، زرتشت و...) هم باید احساس امنیت، برابری در برابر قانون و نیز امکان استیفای حقوق خود را داشته باشند. لذا حضرت ضمن سفارش به حاکم فارس در جهت رسیدگی به زرتشتیان، تأکید می‌نماید که باید با ایشان خوش رفتاری شود و نسبت به شکایت دهقانان این منطقه، به والی فارس هشدار می‌دهد که حتما رعایت تعادل نسبت به ایشان بشود: «...وَنظَرْتُ فَلَمْ أَرَهُمْ أَهْلًا لِأَن يَدْتُوا لَشِرْكَهُمْ، وَلَا أَنْ يَقْصُوا وَ يَجْفُوا لِعَهْدِهِمْ. فَأَلْبَسَ لَهُمْ جِلْبَابًا مِنَ اللَّيْنِ تَشْوِبُهُ بِطَرْفٍ مِنَ الشَّدَّةِ، وَ دَاوِلَ لَهُمْ بَيْنَ الْقُسُوفِ وَالرَّافَةِ». (نهج البلاغه، نامه ۱۹) شنیدم که خوارشان شمرده و بر آنها ستم روا می‌داری. در کارشان اندیشه کردم. آنان را سزاوار نزدیک کردن ندیدم، چون مشرکند، و شایسته دور شدن و جفا نیافتم چون با ما پیمان بسته‌اند. پس برای آنان جامه‌ای ازمدارا همراه با اندکی سختی بپوش، و رفتاری مخلوط از نرمی و شدت با آنان داشته باش.

ایشان همچنین در جریان بیرون کشیدن خلخال از پای زن یهودی فرمودند: «فَلَوْ أَنَّ امْرَأَةً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهٍ مَلُومًا، بَلْ كَانَ بِهٍ عِنْدِي جَدِيرًا». (نهج البلاغه، خطبه ۲۷) اگر بعد از این حادثه مسلمانی از غصه بمیرد جای ملامت نیست، بلکه مرگ او در نظر من شایسته است.

این فرمایشات گهربار بیانگر فرهنگ ملی دین اسلام است که در آن حتی غیرمسلمین نیز دارای حق و حقوق هستند. همین برجستگی فرهنگ، باعث جذب غیرمسلمانان به دین اسلام بود و برای همین عرب جاهلی و استعمارگر با نفوذ در این فرهنگ سعی می‌کرد مردم را نسبت به آن بی‌توجه کند.

نمونه دیگر در مسیر حرکت امام علی علیه السلام به شام در جنگ صفین اتفاق می‌افتد که عده‌ای از دهقانان شهر انبار به امام علیه السلام برخورد کردند. از اسبان و اشتران خود پیاده شدند و پیشاپیش آن حضرت می‌دویدند. حضرت فرمود: چرا چنین می‌کنید؟ گفتند: این کار در

فرهنگ و عادت ما برای بزرگداشت و احترام فرمانروایان می باشد. حضرت ﷺ فرمود: «وَاللَّهِ مَا يَنْتَفِعُ بِهَذَا أَمْرًاؤُكُمْ، وَإِنَّكُمْ لَتَشْفُونَ عَلَى أَنْفُسِكُمْ فِي دُنْيَاكُمْ وَتَشْفُونَ بِهِ فِي [أَخْرَاكُمْ] آخِرَتِكُمْ؛ وَمَا أَخْسَرَ الْمُشَقَّةَ وَرَاءَهَا الْعِقَابُ، وَ أَرْبِحَ الدَّعَةَ مَعَهَا الْأَمَانُ مِنَ النَّارِ». (نهج البلاغه، حکمت ۳۷) به خدا قسم این کاری است که امیرانتان از آن سود نبردند و شما خود را در زندگیتان به مشقت می افکنید و در آخرت به بدبختی گرفتار می شوید. چه زیان بار است مشقتی که در پی آن عذاب باشد و چه سودمند است آسودگی همراه با ایمنی از عذاب خدا.

با استناد به این سخنان و قسم جلاله روشن می گردد که حفظ کرامت انسانها جزئی از فرهنگ اسلامی است که متاسفانه اعراب استعمارگران زمان، فرهنگ ذلت باری را در بین مردم جا انداخته بودند تا مقام و منصب و منافعشان در امان باشد. بنابراین عرب جاهلی به ناچار برای حفظ منافع خود به مقابله با این فرهنگ ناب می پرداخت و یکی از مهمترین آنها نفوذ فرهنگی بوده است؛ کاری که امروز نیز استعمارگران انجام می دهند.

## ۲. تظاهر به فرهنگ اسلامی از سوی استعمارگران

یکی از این نمونه‌های بارز برای تظاهرگری به فرهنگ مقدس اسلامی معاویه است. کسی که بنا داشت صدای اذان را از ماذنه‌ها حذف کرده و اسلام را از ریشه نابود کند. (به نقل از شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ۵، ۱۲۹ و ۱۳۰) وی در تاریخ تشیع از استعمارگران فرهنگی زبده‌ای به شمار می رود که توانست با نفوذ و تظاهر به فرهنگ اسلامی آن روز، نهال شوم شجره خبیثه اش را بنیانگذاری کند.

امیر مومنان ﷺ می فرماید: «... وَأُحْدِرْكُمْ أَهْلَ التَّفَاقِ فَإِنَّهُمْ الصَّالُونَ الْمُضْلُونَ وَالرَّالُونَ الْمُزْلُونَ يَتَلَوْنَ أَلْوَانًا وَيَفْتَنُونَ أَفْتِنَانًا وَيَعْمِدُونَكُمْ بِكُلِّ عِمَادٍ وَيَصُدُّونَكُمْ بِكُلِّ مِرْصَادٍ قُلُوبُهُمْ دَوِيَّةٌ وَصِفَاحُهُمْ نَقِيَّةٌ يَمْشُونَ الْحَفَاءَ وَيَدْبُونَ الصَّرَاءَ وَصَفُهُمْ دَوَاءٌ وَذِكْرُهُمْ شِفَاءٌ وَفِعْلُهُمُ الدَّاءُ...». (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵)

ایشان منافقان را افرادی دور و دشمن مومنان معرفی کرده‌اند. حضرت هشدار می دهند

که هدف آنها نفوذ در درون جامعه به وسیله تظاهر به فرهنگ اسلام است تا در غالب آن بتوانند فرهنگ دینی شما را تغییر دهند.

مرحوم فیض در تبیین سخنان حضرت علی علیه السلام می گوید: « اگر به اندیشه های آنان (دشمنان) پی برید و کناره گیرید با وسائل دیگری در صدد فریب شما بر می آیند تا بالأخره شما را با خود همراه سازند. (اصفهانی، ۱۳۶۸، ۳، ۳۱۱)

با تأیید خلافت امیرالمومنین علیه السلام و احیاء فرهنگ ناب اسلامی توسط ایشان، معاویه باز هم دست از حرکت‌های استعماری مرموزانه و خاموش خویش برداشت و با استفاده از همین تظاهر به فرهنگ دینی باعث به زحمت افتادن امیرالمومنین علیه السلام در اداره حکومت و ایجاد جنگ‌های گوناگون بین مسلمین شد. شاید بتوان نقشه قرآن برنیزه قرار دادن او را به عنوان یکی از زیرکانه ترین تظاهرات او به اسلام تلقی کرد. متأسفانه این حرکت‌های نفوذی تا جایی پیش رفت که اصل اسلام دچار بحران شده و به خطر افتاد و اگر خون امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش جاری نمی شد، قطعاً امروز نیز اسمی از اسلام نبود.

## ابزار نفوذ فرهنگی

### بیانات رهبر معظم انقلاب در رابطه ابزارهای نفوذ فرهنگی دشمنان

ابزار نفوذ فرهنگی مبتنی بر ایجاد تغییر در جهان بینی ها، فرهنگ ها، باورها، بینش ها، رفتار و نگرش های سیاسی، فرهنگی بوده و با هدف تغییر نامرئی و نامحسوس فرهنگ و هویت ملت‌ها پایه ریزی شده است. البته ممکن است ادوات نظامی هم به کار گرفته شود، ولی آن هم در پرتو ابزار نفوذ فرهنگی مخفی شده و مسیر اجرای نفوذ را تقویت می کند.

با توجه به اهمیت این مطلب در کلام رهبری، بررسی ابزار نفوذ فرهنگی برای مقابله و دفع و رفع آن، امری اجتناب ناپذیر است. در این قسمت به بخشی از مهمترین ابزارهای مورد استفاده برای نفوذ فرهنگی اشاره می شود.

## ۱. تغییر فرهنگ به وسیله تبلیغات

باید پذیرفت که دستگاه تبلیغاتی دشمنان بسیار پیشرفته بوده و در نفوذ اثر بسزایی دارد. رهبرانقلاب یکی از مهمترین ابزارهای نفوذ فرهنگی دشمنان را رسانه‌ها و رادیو و ماهواره می‌دانند. در واقع دشمنان از طریق وسایل ارتباط جمعی که پوششی فراگیر دارند حتی وارد زندگی خصوصی مردم می‌شوند. البته اثرات مخرب این ابزار امروزه در اجتماع و خصوصاً در خانواده‌ها مشهود است. مقام معظم رهبری علیه السلام در این زمینه فرموده‌اند: «تبلیغات دشمنان به شکلهای مختلف انتقاد، گاهی را کوهی کردن، مشکل کوچکی را ده برابر جلوه دادن و از این رادیو و آن رادیو گفتن است». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از پرستاران، ۱۳۷۳/۷/۲۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2729>)

ایشان در بیان دیگری فرمودند: «تبلیغات دشمنان، قوی است. امروز زر و زور و تزویر با هم در اختیار استکبار است و تزویرشان به وسیله‌ی همین بوقهای تبلیغاتی است». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۸۱/۶/۲۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3143>)

بیانات رهبری در رابطه با شعارهای تبلیغاتی که به دگرگونی باورها و اعمال جامعه مسلمان می‌انجامد، در واقع همان چیزی است که در قرآن تأکید شده تا فریب این شعارهای تبلیغی توسط نفوذی‌ها را نخوریم و به تبع آن اسیر دشمنان نشویم. چرا که عمده کار دشمنان و نفوذی‌ها این است که با زینت بخشی ظاهری و جلوه‌گری مؤمنان بی بصیرت یا کم بصیرت و ظاهربین را از بازشناسی حقایق مملکتشان بازدارند. خداوند در این رابطه می‌فرماید: «... وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ». و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده، و آنها را از راه بازداشته؛ و از این رو هدایت نمی‌شوند! (نمل، ۲۴)

این مسئله را به صورت خاص تر می‌توان در داستان فرعون احساس نمود؛ آنجا که خداوند می‌فرماید: «وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلَّوْا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ

الألیم». موسی علیه السلام گفت: «پروردگارا! تو فرعون و اطرافیانش را زینت و اموالی (سرشار) در زندگی دنیا داده‌ای، پروردگارا! در نتیجه (بندگانت را) از راه تو گمراه می‌سازند! پروردگارا! اموالشان را نابود کن! و (بجرم گناهانشان)، دل‌هایشان را سخت و سنگین ساز، به گونه‌ای که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند. (یونس، ۸۸)

مطابق محتوای این آیه یکی از ابزارهای فرهنگی مورد استفاده فرعونیان (زینت) بوده است. زینت از مصدر (زین) به معنای آراستن است، و آن حالت و وضعی است که موجودی، آنرا به خود می‌گیرد و باعث می‌شود که موجودی دیگر جذب آن شود. یعنی آنچه باعث آراستگی است. این زینت بخشی یکی از ابزارهای فرهنگی مورد دشمنان است که باعث نفوذ و تغییر افکار و اعمال مردم خواهد شد. علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌فرماید: «اینکه در آیه شریفه بین زینت و مال مقابله شده و آن را در مقابل این قرار داده به ما می‌فهماند که منظور از زینت تنها جهت زینت است، با قطع نظر از مالیت آن. و خلاصه کلام، منظور از چیزهایی از قبیل جواهرات و زیورآلات و جامه فاخر و اثاث تجملی و ساختمانهای زیبا و امثال آن است». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰، ۱۶۹)

رشید رضا نیز در تفسیر این آیه می‌گوید که لام در جمله (لیضلوا) لام عاقبت است، و معنای آیه اینست که: «خدایا! توبه فرعون و فرعونیان زینت و اموال دادی، و نتیجه و عاقبتش این شد که بندگانت را از راهت گمراه کنند». (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ۱۱، ۴۷۲)

پرواضح است بر طبق این تفاسیر یکی از دلایل مهمی که موجب می‌شود اعمال انسان در نظرش زیبا جلوه کند و با این فکر اشتباه به مسیر انحراف قدم بردارد، همین ابزار فرهنگی دشمنان است. همچنانکه شیاطین با روش زینت بخشی، در افکار انسانها نفوذ کرده و ایشان را گمراه می‌کنند، دشمنان که جنود شیاطین هستند نیز چنین می‌کنند.

## ۲. تحمیل سبک زندگی غربی

یکی از شایع‌ترین مواردی که دشمنان روی آن تأکید دارند این است که تمدن غرب و سبک زندگی‌شان از سایر امم دیگر برتر است و لذا باید این سبک زندگی در کشورهای جهان

سومی تقلید شود. رهبرانقلاب در این زمینه فرموده‌اند: «باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت آلود، گناه آلود، هویت زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود. ما متأسفانه در طول سالهای متمادی، یک چیزهائی را عادت کرده ایم تقلید کنیم». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۹۱/۷/۲۳، ۲۱۲۵۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>)

رهبر انقلاب در انتهای بیاناتشان در بیانیه گام دوم نیز فرمودند: «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران زیانهای بی جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و به ملت ما زده است. مقابله با آن جهادی همه جانبه و هوشمندانه می طلبد. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، ۴۱۶۷۳، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

باتوجه به این فرمایش، تغییر فرهنگ و سبک زندگی مسلمین یکی از ابزار مورد استفاده دشمنان است. آنان تلاش می‌کنند تا گفتمان دینی (منحرف)، خود را بر فرد و گروه و یا جامعه تحمیل کنند، وگفتمان اسلامی را از دایره رقابت بیرون کنند. چرا که خوب می‌دانند اگر مردم دنیا از محاسن اسلام با خبر شوند فوج فوج به این دین تمایل پیدا می‌کنند و در نتیجه کارشان تمام خواهد بود. هدف اساسی نفوذی‌ها در اینجا تغییر رویکردها و تسلط بر حاکمیت فرهنگی جامعه مسلمین است که برای دستیابی به این هدف، گاه به تغییر اصل حاکمیت روی می‌آورند و اگر زورشان نرسد به دنبال تغییر فرهنگ و رویکردها و سبک‌های زندگی با استفاده از ابزارهای فرهنگی می‌گردند. همان بلایی را که سر مسلمانان اندلس آوردند، اینجا بدتر از آن را تکرار خواهند کرد. خدای متعال در قرآن می‌فرماید، دشمنان مسلمانان (یهود و نصاری) که به دشمنی با اسلام برخاستند) تا وقتی که شما از ایشان تبعیت نکنید از شما راضی نمی‌شوند. لذا درباره تلاش نفوذی‌ها در این باره می‌فرماید: «وَ لَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَ لَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ». و هرگز یهود و نصاری از تو خشنود

نخواهند شد تا آنکه از آیین آنان پیروی کنی بگو: به یقین تنها هدایت خداوند هدایت (واقعی) است و اگر پس از دانشی که برایت حاصل شد از هواهای آنها پیروی کنی هرگز برای تو از جانب خداوند سرپرست و یآوری نخواهد بود (بقره، ۱۲۰)

بنابراین به فرموده رهبر انقلاب، یکی از عرصه‌های مهمی که دشمنان از مسلمین راضی نمی‌شوند همین مسئله فرهنگی است. به صورت یک قاعده کلی تا وقتی فرهنگ خارجی را از آنها اخذ کنند از ایشان راضی خواهند بود، چرا که در این صورت بردگانی برای خدمت به غرب و فرهنگشان تلقی می‌شوند. به همین دلیل اگر مسلمین نسبت به فرهنگ آنها بی‌رغبت باشند آرام و قرار نخواهند داشت. لذا اگر مسلمانان مشاهده کردند که کفار از دین آنان راضی هستند، باید در دینداری خود تردید نمایند. دینداری کافرپسند، همان کفر است.

### ۳. شیوع شبهات

از مواردی که در دنیای امروز بسیاری از جوانان و حتی عموم مردم را تهدید می‌کند شیوع شبهاتی است که دشمنان به صورت مفصل و گسترده و در عرصه‌های گوناگون دینی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و غیره در دستور کار خود دارند. شبهه افکنی ابزار فرهنگی بسیار مناسبی برای تشکیک در اصل دین و حکومت دینی و ایجاد خودباختگی و یاس و ناامیدی خواهد بود. حضرت آیه‌ا... خامنه‌ای علیه السلام در این مورد می‌فرمایند: «دیگر مثل سابق نیست که شما بخواهید یک مطلبی را بیان کنید، ناچار باشید روی کاغذ بنویسید، آن را پلی‌کپی کنید یا فتوکپی کنید. ده نسخه، صد نسخه، دویست نسخه؛ این جور نیست. هر یک نفری که بتواند با رایانه کار بکند یک رسانه است. می‌نشینند پخش می‌کنند شبهات را، حرفها را، (و) جوانهای مؤمن را، جوانهای سالم را گمراه می‌کنند. اینها را باید شناخت. چه کسی بایستی بیاید وسط میدان و سینه سپر کند و مانع بشود از گمراهی جوانان؟ چه کسی باید مانع بشود از اقدام دشمن برای انحراف ذهن جوانان». (امام خامنه‌ای، بیانات در اولین جلسه درس خارج فقه در سال تحصیلی جدید،

بنابرا گزارش تاریخ و روایات، در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام زحماتی بر نظام اسلامی تحمیل شد که در نتیجه القاء شبهات و چالش حکومت اسلامی با افرادی که مدعی اسلام بودند، به وجود آمد. متأسفانه در دوران ائمه (علیهم السلام) نیز این جریان ادامه داشت. باید توجه داشت امام علی علیه السلام در مقابل کسانی قرار گرفتند که مدعی اسلام بودند. لکن به خاطر هواهای نفسانی، راه را غلط می رفتند. این مشکل ترین وضعی است که نظام را درگیر می کند. به طوری که حدود چهارصد تن از اصحاب عبدالله بن مسعود خدمت حضرت آمده و می گویند: «یا امیرالمؤمنین انا شککنا فی هذا القتال علی معرفتنا بفضلک!». (ابن مزاحم منقری، ۱۴۰۴، ۱۱۵) ما در عین شناختی که از فضیلت شما داریم در جنگ کنونی شک داریم. لذا این شبهات باعث ایجاد شک و تردید در مردم شده و پایه های حرکت صحیح جامعه ی اسلامی را مثل موربانه می جود. مخصوصاً اگر خواص در حقایق روشن شک و تردید پیدا کنند، اساس امور و کارها مشکل تر خواهد شد. اینجاست که دفع و رفع شبهات امری ضروری و حیاتی به حساب می آید. مشکل کار در حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام، این شبهات بود و در عصر حاضر نیز همینگونه است. لذا به فرموده رهبرانقلاب در بیانیه گام دوم، کار جهادی می طلبد.

#### ۴. ترویج زبان

گاهی مراد از زبان، بیان نرم و خوب ولین است که البته مورد استفاده دشمنان نیز می باشد. لکن منظور از زبان در این قسمت، همان ادبیات مرسوم گفتاری و نوشتاری و شنیداری در کشورهای مختلف است. امروزه در میان مردم دنیا، زبان بریتانیایی و امریکایی بیشتر کاربرد را دارد. بنابراین یکی از مهمترین ابزار و شیوه های نفوذ فرهنگی، ترویج زبان می باشد. چرا که گسترده ترین راه برای نفوذ در یک کشور و انتقال فرهنگ بیگانه، زبان است. مقام معظم رهبری علیه السلام در این زمینه می فرماید: «کشورهای مقتدر دنیا تلاش می کنند که زبان خودشان را در دنیا رایج کنند. چون زبان بزرگترین رقم یک ملت و کانال عمده فرهنگ اوست، که لباس، آداب، دین، عقاید و باورهای اجتماعیش را منتقل کند». (امام خامنه ای، بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری: ۷۲/۵/۱۲، - <https://farsi.khamenei.ir/speech->



(content?id=2678

همچنانکه بیان شد زبان وسیله‌ای برای ابراز تفکر بوده و غالباً برای انتقال فکر کسی به دیگری به کار می‌رود که ممکن است به وسیله گفتن، نوشتن، اشاره و یا لمس انجام شود. خدای متعال در کتابش اشاره می‌فرماید که قرآن را به این جهت به زبان عربی نازل نمود تا در آن تعقل شود: «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (زخرف، ۳) ما آن را خواندنی عربی (واضح) قرار دادیم، تا شاید شما خردورزی کنید. یعنی علت نزل قرآن به زبان عربی این است که مردم، محتوای آن را فهمیده و در جملات آن تفکر نمایند. در واقع خدای متعال برای انتقال مفاهیم و دستورالعمل‌های هدایت بشر، ابتدا از طریق زبان مرسوم آن قوم (یعنی عربی) استفاده نموده است.

در تفسیر مجمع البیان و نفحات الرحمان نیز به این مطلب اشاره شده است: «قرآن عربی یعنی روی مجرای کلام عرب، در گفتگوی خود، آن را به زبان عرب نازل کردیم». (طبرسی، ۱۳۵۹، ۱۲، ۱۵۷). «قُرْآنًا عَرَبِيًّا بَلَّغْتُمْ» (نهایندی، ۳، ۱۳۸۶، ۳۶۳)

به همین جهت در جای دیگر نیز می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِبَلِّغَانِ قَوْمِهِ لَبِيِّنَ لَهُمْ». ما هیچ پیامبری را جز اینکه به زبان قومش تکلم کند به پیامبری مبعوث نکردیم تا بتواند حقایق و مطالب دین را برای آنها به خوبی شرح دهد. (ابراهیم، ۴)

روشن شد که استفاده از زبان برای انتقال فرهنگ و تعلیمات تربیتی یک راهکار دینی به شمار می‌آید. جالب اینکه دشمن نیز از طریق حیل‌های مشابه سازی، به وسیله زبان، فرهنگ باطل خود را رواج می‌دهد. لذا دیده می‌شود که آنها در جهت منافع خویش و از طریق زبان، در مورد فرهنگ دینی انقلاب اسلامی حرف‌هایی زده و حتی آن را حق عنوان می‌کنند، و به نوعی فرهنگ انقلابی ایران را تحریف می‌نمایند. این همان کاری است که خداوند به شدت توبیخ نموده و می‌فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتِكُمُ الْكُذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِيُفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ لَا يَفْلِحُونَ». از گفتن حرف‌هایی بی‌اساس که زبان‌هایتان عامل شیوع آن هستند اجتناب کنید و نگوئید این حلال است و آن حرام تا

حکمی نادرست را به خداوند نسبت دهید، کسانی که بر خداوند دروغ می‌بندند روی رستگاری را نخواهند دید.» (نحل/۱۱۶)

در فرمایشات مقام معظم رهبری علیه السلام نیز تذکر داده شد که باید مراقب انتقال فرهنگ بیگانه از طریق زبان بود. کتب و نشریات، ترویج کالاهای لوکس مصرفی و الگوهای تجمل‌گرایی، شیوع لباسهای غربی؛ پوستر، عکس و فیلم‌های سینمایی بر اساس فرهنگ بی بند و بار، استفاده از اساتید فرنگ رفته که تحصیلات عالی و طولانی در غرب داشته‌اند و غیره از ابزارهای دیگری است که در نفوذ فرهنگی مورد استفاده دشمنان قرار می‌گیرد.

### راهکارهای مقابله با نفوذ فرهنگی

پس از تطبیق آیات و روایات در مورد اصل مسئله نفوذ فرهنگی و آثار و ابزارش، اینک به بررسی سه راهکار از مهمترین راهکارهای مقابله با نفوذ فرهنگی در کلام رهبری و استنادش به آیات و روایت پرداخته می‌شود.

#### ۱. تلاش در ایجاد اعتماد به نفس ملی

در بخشهای گذشته بیان شد که یکی از آثار نفوذ فرهنگی در جامعه، ایجاد وابستگی در ذهن و عمل است. نقطه مقابل وابستگی برای مقابله با آن، داشتن اعتماد به نفس است. لذا یکی از بهترین راه‌ها برای مقابله با نفوذ فرهنگی از نگاه رهبری نیز، تلاش برای رسیدن به اعتماد به نفس ملی و اجتماعی است. مقام معظم رهبری علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «اعتماد به نفس ملی؛ که بنده روی این اعتماد به نفس ملی مفضلاً بحث کرده‌ام - در سالهای گذشته، در مجامع بزرگ - که این اعتماد به نفس ملی، راه وابستگی را می‌بندد. اگر این اعتماد به نفس وجود داشت، ملت احساس نمی‌کند که به وابستگی نیاز دارد، بلکه از وابستگی به دیگران می‌گریزد.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39710,۹۷/۳/۷>

در قرآن اشاره شده که پیامبران پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند

و از او می‌ترسیدند و از هیچکس جز خدا واهمه نداشتند: «الَّذِينَ يَبُلُّونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا». (احزاب، ۳۹) این آیه اشاره می‌کند که رهبران الهی و طرفدارانشان در راه اسلام قاطعانه باید پیش روند، حرفهای ناموزون بدگویان را به جان خریدار شوند و بی‌اعتنا به جوسازیها و غوغای عوام و توطئه فاسدان و مفسدان به برنامه‌های خود ادامه دهند چراکه همه حسابها به دست خدا است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۷، ۳۳۰)

داشتن اعتماد به نفس، رعب و وحشت و ترس را از بین برده و پذیرش فرهنگ بیگانه را مذموم جلوه می‌دهد. باید دانست که چرخ روزگار همیشه بر وفق مراد پیش نمی‌رود. چون ماهیت دنیا این‌گونه است و همواره شکست و پیروزی، سختی و آسانی و شادی و غم، همراه یکدیگرند. لذا از ناکامی‌ها نباید ترسید و جایی برای واهمه نخواهد بود. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «الدهرُ یومانٍ: یومٌ لکَ و یومٌ علیکَ، فان کانَ لکَ فلا تَبَطِّرْ و إن کانَ علیکَ فلا تَضَجِرْ». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۸، ۲۰) روزگار دو روز است: روزی به سود تو و روزی به زیان توست. اگر به نفع و مطابق میل تو بود، سرمستی مکن و اگر به ضررتو بود، دلتنگ و بی‌قرار مباش.

## ۲. ایجاد فضای آزاد فکر و اندیشه و بصیرت افزایی

یکی دیگر از راهکارهای مهم در مقابل نفوذ فرهنگی دشمنان این است که باید آزادانه فکر کرد و با تفکرات پخته و کامل شده راه را برای وابستگی و نفوذ فرهنگی مسدود نمود. دشمن می‌خواهد قدرت فکر و انتخاب را بگیرد تا طعمه اش را به سمت خود کشانده و او را وابسته خود نماید. جامعه با آزادی اندیشه می‌تواند اثرات مخرب نفوذ فرهنگی را درک کرده و از وابسته شدن دوری کند. به همین دلیل مقام معظم رهبری علیه السلام همواره بر آزادی فکر و اندیشه تأکید دارند. ایشان می‌فرمایند: «باید روی مسائل فکر کرد. عزیزان من! روی مسائل فکر کنید تا به نتیجه برسید. نهضت آزاد فکری که من پیشنهاد کردم در دانشگاه و حوزه راه بیفتد، برای همین است. تریبون‌های آزاد بگذارند و با هم بحث کنند؛ منتها نه متعصبانه و

لجوجانه و تحریک شده ی به وسیله ی جریانات سیاسی و احزاب سیاسی که فقط به فکر آینده ی کوتاه مدت و مقاصد خودشان هستند و برای انتخابات و امثال آن از جوان ها استفاده می کنند؛ بلکه برای پخته شدن، ورز خوردن و ورزیده شدن و با هدف آماده شدن برای ادامه ی این راه طولانی و دشوار، اما بسیار خوش عاقبت». (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان، ۸۴/۲/۱۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-> (content?id=3290)

انبیاء و رهبران الهی نیز در راستای اراده الهی، بصیرت افزایی و ایجاد فضای آزاد فکرو اندیشه را سرلوحه دعوت خود برای هدایت پیروانشان قرار داده اند تا از این طریق، انگیزه مبارزه و استقامت نسبت به فرهنگ دینیشان در ایشان مستحکم گردد. لذا حضرت یوسف علیه السلام خطاب به یارانش می فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي...» (یوسف، ۱۰۸) بگو: این طریقه و راه من است که من و هر کس پیرو من است بر پایه بصیرت و بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم. حضرت ابراهیم علیه السلام نیز برای هدایت مردم در حوادث مختلف از طریق بصیرت افزایی اقدام می نماید. مثلاً پذیرش خدای ماه و خورشید و ستاره را از طریق بالا بردن عقل و شعور عمومی و افزایش بصیرت پیگیری می فرماید. (انعام، ۷۶ الی ۷۹) یا برای رد کردن مقوله بت پرستی و اینکه بت نمی تواند معبود واقع شود، در اقدامی بصیرت افزا تبر را در دست بت بزرگ قرار می دهد و به این شیوه تلاش می کند تا بصیرت خفته مردم بیدار شود. (انبیاء، ۶۳ الی ۶۷)

به همین مناسبت خداوند، اسلام را دینی آزاداندیش و بصیرت افزا معرفی می نماید: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ...» (انعام، ۱۰۴) دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد. این آیات نشان می دهد که برای داشتن فرهنگ اصیل اسلامی و حفظ آن، باید از طریق عقل و منطق و ایجاد فضای مناسب گفت و گو، اقدام نمود. نکته مهم در این قسمت این است که این راهکار در همه زمینه ها و فضاهای حقیقی و مجازی قابل استفاده خواهد بود.

### ۳. ارزشی کردن فرهنگ دینی و ملی کشور

یکی از آفاتی که به واسطه نفوذ فرهنگی دشمنان گریبان گیر جامعه می‌شود، حذف مقوله ارزشی بودن از ماهیت فرهنگ است. وقتی فرهنگ یک جامعه از ارزش بیفتد، مردمانش دیگر نسبت به حفظ و پایبندی به آن فرهنگ اهمتامی نشان نخواهند داد. از این رو مقام معظم رهبری علیه السلام ارزشی کردن فرهنگ را راهکاری مهم و مناسب برای مقابله با دشمن دانسته و در این زمینه می‌فرماید: «از جمله‌ی کارهایی که مسئولین فرهنگی دولت خیلی باید به آن بپردازند و واقعاً یک دقیقه را در آن فروگذار نکنند، این است که به فرهنگ عمومی جامعه و ابزارها و وسائل فرهنگی، جهت ارزشی بدهند. چون تلاش زیادی شده تا جریانهای فرهنگی و عاملهای فرهنگی - هنر و ادبیات و شعر و سینما و بقیه - در جهت غیر ارزشی حرکت کنند و راه بیفتند. شما باید کمک کنید و همه‌ی تلاش‌تان را بکنید که به تحرکات فرهنگی کشور در جهت ارزشی جهت بدهید». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۸۶/۶/۴، ۳۳۹۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3398>)

آیات و روایات نیز همواره فرهنگ اسلامی را ارزشمند معرفی می‌کند. به عنوان نمونه خداوند با یک جمله ارزشی می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ». (آل عمران، ۱۹) قطعاً دین (کامل و هدایتگر) نزد خداوند اسلام است. خداوند با کلامش آنچنان ارزشی به فرهنگ اسلامی می‌دهد که دیگر هیچ جایی برای جایگزینی این فرهنگ با سایر فرهنگهای دینی مخدوش (توسط بشر) باقی نماند: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ» (شوری، ۱۳) آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید! و بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سویش دعوت می‌کنید! و در نهایت ارشاد می‌کند که ورود به غیر فرهنگ اسلامی، موجب فساد امت‌ها و اختلاف و تفرقه خواهد بود: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ». (انعام،

۱۵۳) و مسلماً این [برنامه‌های محکم و استوار و قوانین و مقررات حکیمانه] راه راست من است؛ بنابراین از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید که شما را از راه او پراکنده می‌کند.

مجموع این آیات، ارزش دادن به فرهنگ متعالی اسلام است. همچنین در آیه دیگر می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء، ۷۰) به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌هایی که در اختیارشان گذاشتیم] سوار کردیم، و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم.

این آیه اشاره می‌کند که در نگاه اسلام، همه انسانها دارای کرامت و فضیلت هستند و لذا بیان این مطلب، همان ارزش‌دهی به تعالیم و محتوای متعالی دین مبین اسلام است. بنابراین اسلام همواره تلاش می‌کند با ارزشمند نمودن دین، فرهنگ توحیدی و دینی ناب، جایگزین فرهنگ جاهلی شود. سید قطب در این زمینه می‌گوید: «اسلام از گره نفس بشر، یعنی گره عقیده شروع کرد و با کنندن ریشه بینش و باور جاهلی، بینش صحیح اسلامی را جایگزین ساخت. کاری از ژرفا، ... گره فطرت بشر، گره عقیده و باور است و تا زمانی که این گره گشوده نشود، هیچ خُلق نیک و تهذیب نفس و اصلاح اجتماعی رخ نخواهد داد... کلید فطرت بشر اینجاست» (قطب، ۱۴۲۵، ۲، ۹۷۳) بنابراین هر مقدار که دین در عقیده مردم ارزشمند شود، نفوذ دشمنان نیز سخت‌تر خواهد شد.

ائمه معصومین علیهم‌السلام و رهبران الهی نیز در طول تاریخ اسلام، تلاش فراوانی برای ارزشی کردن دین و فرهنگ دینی در فکرو عقیده و عمق جان انسانها نموده‌اند. لذا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در راستای ارزشمندی اسلام، قرآن را اینچنین معرفی نمودند: «فَضَّلُ الْقُرْآنَ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ» (نوری، ۱۴۰۸، ۴، ۲۳۷) فضیلت و برتری قرآن بر سایر کلام‌ها، مانند فضیلت و برتری خدا است بر مخلوقاتش.

سیره اهل بیت علیهم‌السلام و پیروانشان در شهادت طلبی یکی از عناوینی است که نشان دهنده

ارزشمند بودن اسلام است. باید دانست کسی که جان خود را در راه دین خدا تقدیم می‌کند، به صورت عملی، اسلام را ارزشمند معرفی کرده است.

بنابراین جوانان عزیز و با فرهنگ این مرز و بوم می‌بایست هشدارهای رهبری را جدی گرفته و در پی کسب روحیه استقلال و هویت ملی باشند و با استفاده از راهکارهای مناسب در برابر نفوذ دشمنان خصوصاً در عرصه فرهنگی، از فرهنگ و تمدن اسلامی، دینی و ملی خود دفاع نمایند.

### نتیجه‌گیری

از مجموع محتوای این پژوهش به دست می‌آید که مسئله نفوذ دشمن یکی از مسائل مهم روز کشور بوده و بررسی ابعاد مختلف آن امری ضروری می‌باشد. یکی از مهمترین عرصه‌های نفوذ در عرصه فرهنگی نمود پیدا می‌کند. چرا که مقدمه مهمی برای از بین بردن نظام اسلامی به شمار می‌رود. دشمنان با هدف براندازی و استحاله حکومت اسلامی از هر راهی برای نابودی و مخدوش کردن فرهنگ دینی و اسلامی ملت ایران استفاده می‌کنند. اما کلام رهبر حکیم جمهوری اسلامی ایران که مستند به آیات و روایات می‌باشد، مخصوصاً با نظر به بیانیه گام دوم و عملی کردن راهکارهای ایشان در این زمینه می‌تواند نظام اسلامی ایران را از نفوذ دشمنان خصوصاً در زمینه فرهنگی مصون نگه دارد.

## منابع

### قرآن

### نهج البلاغه

۱. ابن مزاحم منقري، نصر، (۱۴۰۴ ه ق)، وقعة صفين، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، قم، چاپ دوم، انتشارات مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى
۲. ابن منظور الانصارى، محمد بن مكرم بن على، (۱۴۱۴ ه ق)، لسان العرب، بيروت، جلد سوم، چاپ سوم، انتشارات دارصادر
۳. اسماعیلی، رفيع الدين وعلى اسکندرى، (۱۳۹۵ ه ش)، جريان شناسى نفوذ فمينيسم درسينماى ايران، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه امام حسين علیه السلام و دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
۴. آشورى، داريوش، (۱۳۸۹ ه ش)، تعريف ها و مفهوم فرهنگ، تهران، چاپ چهارم، انتشارات آگه
۵. آشورى، داريوش، (۱۳۸۷ ه ش)، دانشنامه سياسى، تهران، چاپ شانزدهم، انتشارات مرواريد
۶. آقابخشی، على اکبر و مينو افشارى راد، (۱۳۸۴ ه ش)، فرهنگ علوم سياسى، تهران، چاپ اول، انتشارات چاپار
۷. آل على، نور الدين، (۱۳۷۰ ه ش)، اسلام در غرب، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران
۸. الوانى، سيدمهدى، (۱۳۸۶ ه ش)، مدیریت عمومى، تهران، چاپ سى و يك، انتشارات نى
۹. جوهرى، أبونصر، (۱۴۰۷ ه ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، تحقيق: عطار، احمد عبدالغفور، بيروت، جلد دوم، چاپ چهارم، انتشارات دار العلم للملايين
۱۰. دهخدا، على اکبر، (۱۳۷۷ ه ش)، لغت نامه دهخدا، تهران، چاپ اول، انتشارات



## دانشگاه تهران

۱۱. رضا، محمدرشید، (۱۴۱۴ ه ق)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت، جلد ۱۱، چاپ اول، انتشارات دارالمعرفه
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴ ه ش)، المیزان فی تفسیرالقرآن، مترجم: موسوی، محمد باقر، قم، جلد ۳ و ۱۰، چاپ پنجم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۵۹ ه ش)، تفسیر مجمع البیان، ترجمه: هاشم رسولی، علی صحت و غیره، تهران، جلد ۱۲، چاپ اول، انتشارات فراهانی
۱۴. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، (۱۳۶۸ ه ش)، شرح و ترجمه نهج البلاغه، تهران، چاپ پنجم، موسسه چاپ و انتشارات فقیه
۱۵. قرائتی، محسن، (۱۳۷۴ ه ش)، تفسیر نور، تهران، جلد ۳، چاپ اول، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
۱۶. قطب، سید، (۱۴۲۵ ه ق)، فی ظلال القرآن، بیروت، جلد ۲ و ۴، چاپ سی و پنج، انتشارات دار الشروق
۱۷. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ه ق)، بحار الأنوار، تهران، جلد ۷۸، چاپ دوم، انتشارات مؤسسه الوفاء
۱۸. معین، محمد، (۱۳۸۸ ه ش)، فرهنگ معین، تهران، جلد ۴، چاپ چهارم، انتشارات زرین
۱۹. مغنیه، محمدجواد، (۱۳۷۸ ه ش)، تفسیر الکاشف، مترجم: موسی دانش، قم، جلد ۳ و ۴، چاپ اول، انتشارات بوستان کتاب
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (و جمعی از نویسندگان)، (۱۳۷۱ ه ش)، تفسیر نمونه، تهران، جلد ۸ و ۱۷، چاپ دهم، انتشارات دارالکتب الإسلامیة،
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (و جمعی از نویسندگان)، (۱۳۸۲ ه ش)، برگزیده تفسیر نمونه،

تهران، جلد ۲، چاپ سیزدهم، انتشارات دارالکتب الإسلامية  
۲۲. نوری طبرسی (محدث نوری)، میرزا حسین، (۱۴۰۸ ه ق)، مستدرک الوسائل  
ومستنبط المسائل، قم، جلد ۴، بی تا، انتشارات آل بیت علیه السلام لإحياء التراث (برگرفته از  
کتابخانه اینترنتی مدرسه فقهت)

۲۳. نهاوندی، محمد، (۱۳۸۶ ه ش)، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، جلد ۳،  
چاپ اول، انتشارات: موسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر

سایت ها:

a) <https://www.vajehyab.com>

Khamenei.IR (b)

<https://library.tebyan.net/image/MainLogo.png> (c)

November √Persian Influence on Greek Culture". Livius.org (d)

۲۰۱۹ ۳. Retrieved ۲۰۱۸

---

## تبیین مستندات قرآنی مقام معظم رهبری علیه السلام در موضوع تهاجم فرهنگی

---

محمد جواد اسکندارلو<sup>۱</sup>

### چکیده

پروژه تهاجم فرهنگی که به طور مشخص از دهه دوم آغاز شده و با روندی صعودی تا امروزه نیز ادامه دارد، امنیت حوزه‌های اخلاق و فرهنگی کشورمان به ویژه نسل نورسته، خلاق و جوان ما را مورد هدف قرار داده است. مقام معظم رهبری از همان آغاز فعالیت فرهنگی دشمن، نقشه آن‌ها را پی برده و به گونه‌های مختلف برای اқشار گوناگون جامعه در این رابطه افشاگری و روشنگری نموده است. در مقاله پیش‌روی، مهم‌ترین نکات و توصیه‌ها و راهکارهای معظم له از بیانات ایرادشده‌ی ایشان برای مردم، انتخاب شده و در این نوشتار، نقل و تبیین گردیده است. گرچه تاکنون مقالات متعددی در این رابطه به نگارش درآمده، لیکن جنبه‌ی نوآوری این مقاله، ذکر و تبیین شواهد و مستندات قرآنی بیانات ایشان می‌باشد. از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: پاسخ ما در برابر تهاجم فرهنگی دشمن باید به گونه‌ی منظم و سازمان‌یافته باشد. امر به معروف و نهی از منکر، حفظ وحدت در دنیای اسلام، حفظ مرزهای ایمانی و روحی خودمان، رعایت

---

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه . mj\_eskandarlo@miu.ac.ir

تقوا در همه عرصه‌های زندگی، و حفظ روحیه مقاومت و پایداری در سنگر ایمان، از برجسته‌ترین راهکاری مبارزه با تهاجم فرهنگی قلمداد می‌شود.

واژگان کلیدی: تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی، تبادل فرهنگی، راهکارهای قرآنی مبارزه با تهاجم فرهنگی، مقام معظم رهبری.

## تبیین موضوع

مسئله‌ی «تهاجم یا شبیخون فرهنگی» موضوع مهم و امر خطیری است که از سال‌های گذشته بلکه از سه دهه‌ی قبل تاکنون در سخنرانی‌ها و بیانات مختلف مقام معظم رهبری، مطرح شده و مورد تأکید جدی و اهتمام وافر ایشان قرار گرفته است. معظم له در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب چنین اظهارنظر فرمودند:

«در حال حاضر، یک جبهه‌بندی عظیم فرهنگی که با سیاست و صنعت و پول و انواع و اقسام پشتوانه‌ها همراه است، مثل سیلی راه افتاده تا با ما بجنگد، جنگ هم جنگ نظامی نیست. بسیج عمومی هم در آن جا هیچ تأثیری ندارد. آثارش هم به گونه‌ای است که تا به خود بیاییم، گرفتار شده‌ایم. مثل یک بمب شیمیایی نامحسوس و بدون سروصدا عمل می‌کند. فرض کنید در محوطه‌ای یک بمب شیمیایی بیفتد که احدی نفهمد که این بمب در آن جا افتاد؛ ولی پس از هفت، هشت ساعت ببینند صورت‌ها و دست‌ها همه تاول زده است. الان در مدرسه‌ها و داخل خیابان‌ها و جبهه‌ها و حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های ما، ناگهان نشانه‌های این تهاجم تبلیغی و فرهنگی را خواهید دید، الان مقداری هم آن را می‌بینید و بعداً هم بیشتر خواهد شد یک کتاب چاپ می‌شود. یک فیلم تولید می‌شود و به صورت ویدئو داخل کشور می‌آید و زمینه‌ی چنین تهاجمی را فراهم می‌کند. دیشب یکی از آقایان می‌گفت: وسایل کوچکی اختراع شده که در آن، بیست فیلم ویدئویی به صورت میکرو فیلم ضبط می‌شود و هر فردی می‌تواند آن را لای دکمه‌اش مخفی کند و به داخل کشور بیاورد و بین جوان‌ها توزیع کند. (بیانات در دیدار مجمع نمایندگان طلاب، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2228>، ۱۳۶۸/۹/۷).

معظم له در باب اهمیت و ضرورت مبارزه و مقابله با تهاجم فرهنگی فرموده‌اند:

«من در یک جمله ساده و کوتاه عرض کنم که یک ملت، با ایمان و اعتقادش مبارزه می‌کند، اصلاً مبارزه و جنگیدن و مقاومت کردن با ایمان است، نه با دست و چشم و بدن، دست و چشم بدن ابزار است... اگر دشمن بتواند ملت ما را به ملتی که اعتقادی به مبارزه

ندارد، امیدی به پیروزی ندارد، زهدی نسبت به جلوه‌های شهوانی و مادی ندارد تبدیل کند، پیروز شده است. این جاست که مبارزه فرهنگی، مبارزه‌ای می‌شود واجب‌تر از واجب.» (مقام معظم رهبری، ۱۵/ اردیبهشت/ ۱۳۷۲، بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2666>)

«این مسئله تهاجم فرهنگی که بنده بارها از آن اسم می‌آورم و حقیقتاً و قلباً و روحاً نسبت به آن حساس هستم، دو شاخه اساسی و مهم دارد که هردویش برای شما قابل توجه است. یکی عبارت است از جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی که این ادامه همان کاری است که در دوران پهلوی به صورت آزاد و نرخ شاه عباسی انجام می‌گرفته و در دوران اسلامی قطع شد. این‌ها دارند فشار می‌آورند که همان کار، باید انجام بگیرد، شاخه‌ی دوم عبارت است از حمله به جمهوری اسلامی و به ارزش‌های جمهوری اسلامی و ارزش‌های ملت ایران، از طریق فرهنگی با نوشتن، با تهیه فیلم یا نمایشنامه‌ها یا تنظیم کتاب‌ها یا فصلنامه‌ها، این کار هم الان در کشور ما با هدایت بیگانه دارد انجام می‌گیرد... باید جبهه فرهنگی به وجود آید. سنگرهای فرهنگی باید به وجود بیاید، همه باید کار کنند و امروز، روز کار است» (مقام معظم رهبری، ۸/ مرداد/ ۱۳۷۲، بیانات در جمع بزرگ بسیجیان تبریز، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29449>)

«سازندگی کشور، بدون توجه به این کار مهم فرهنگی، کار حکیمانه و عاقلانه‌ای نیست» (مقام معظم رهبری، ۵/ بهمن/ ۱۳۷۶).

### بررسی و تحلیل:

«پروژه تهاجم فرهنگی که به طور مشخص از دهه دوم آغاز و با روندی صعودی تا امروز نیز ادامه دارد، در حقیقت امنیت حوزه‌های اخلاق و فرهنگی کشورمان به ویژه نسل نوریسته، خلاق و جوان ما را مورد هدف قرار داده و آنچه نظام سلطه را به تداوم این سیاست ترغیب می‌کند پاسخگو بودن آن به اهداف طراحان و استراتژیست‌های کهنه‌کار غربی است. این سیاست، پیش از این در کشورهای دیگر آزموده شد و با موفقیت همراه بود. مهم‌ترین این

کشورها، کشور اسلامی اندلس (اسپانیا) بود.

اروپایی‌ها با اعمال این سیاست این کشور مهم اسلامی را، به شکست و هزیمت واداشتند و آن را با کم‌ترین هزینه به تصرف خود درآوردند». (سیدمحسن موسوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶).

«تهاجم فرهنگی، مثل خودکار فرهنگی، اقدام آرام و بی‌سروصدایی است یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بوده است که سعی کنند جوان‌های مؤمن را از پایندی‌های متعصبانه به ایمان، که همان چیزهایی است که یک تمدن را نگه می‌دارد منصرف کنند. همان کاری که در اندلس، در قرن‌های گذشته کردند. یعنی جوان‌ها را در عالم به فساد و شهوترانی و می‌گساری و این چیزها مشغول کردند، این کار حالا هم دارد انجام می‌گیرد... (مقام معظم رهبری، ۲۱ / مرداد/ ۱۳۷۱، بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2630>

مقام معظم رهبری معتقدند که پاسخ مقابل ما در برابر تهاجم فرهنگی دشمن باید منظم و سازمان یافته باشد: «دشمن به شکل منظم و سازمان یافته‌ای تهاجم فرهنگی خود را علیه جمهوری اسلامی ایران به انجام می‌رساند و اگر پاسخ متقابل ما منظم و سازمان یافته نباشد خطر تهاجم دشمن بیشتر خواهد بود، لذا این مسأله باید به طور جدی مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد. و در این زمینه لازم است نهادهای ذریبط با همفکری و کمک به یکدیگر ابزار و شیوه‌های مختلف را برای خنثی کردن تهاجم فرهنگی دشمن به کار گیرند» (فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان رهبری، ص ۳۸۳)

### پیشینه‌ی بحث

تقریباً از دو دهه‌ی گذشته تاکنون در باب «تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن» مقالات بسیار متعددی تدوین یافته و در مجلات و نشریات گوناگون به چاپ رسیده است، در ذیل آن دسته از مقالات مربوط به تهاجم فرهنگی که به دیدگاه مقام معظم رهبری نیز پرداخته‌اند معرفی می‌گردد:

«معناکاوی تهاجم فرهنگی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری»؛ نویسنده: محسن مهاجرنیا؛ مجله: کتاب نقد، ۱۳۸۸، شماره ۵، ۵۱ و ۵۰.

«جنگ نرم از دیدگاه مقام معظم رهبری»؛ نویسنده: سید مسعود جزایری؛ مجله: راهبرد فرهنگ، زمستان ۱۳۹۰، ش ۱۶.

از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم و راهکارهای مقابله با آن از منظر مقام معظم رهبری؛ نویسنده: محمدجواد سبحانی فر، مجله: پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱، شماره ۵.

بررسی نقاط ضعف فرهنگ غرب در مقابله با تهاجم فرهنگی از منظر مقام معظم رهبری؛ نویسنده: جمال شفیعی و دیگران؛ مجله: امنیت ملی، ۱۳۹۳، شماره ۱۲.

نفوذشناسی، بازخوانی اندیشه‌های مقام معظم رهبری؛ نویسنده: حمیدرضا حاتمی؛ مجله: مطالعات عملیات روانی، ۱۳۹۴، شماره ۴۲.

تحلیل پیکره بنیاد گفتمان تهاجم فرهنگی در سخنان رهبر جمهوری اسلامی ایران؛ نویسنده: زهرا شیرازیان؛ مجله: زبان کاوی، ۱۳۹۵، شماره ۳.

واکاوی مسئله نفوذ فرهنگی در کلام مقام معظم رهبری با تکیه بر آیات قرآن؛ نویسنده: خاتمی سبزواری، سید جواد؛ مجله: فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۱۳۹۶، شماره ۲۵.

- یادآوری محورهای اصلی که در مقالات یادشده مباحث مورد نظر نویسندگان آنها را به خود اختصاص داده است نوعاً عبارتند از: مفهوم‌شناسی فرهنگ و تهاجم فرهنگی، تفاوت تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی؛ ضرورت مقابله و مبارزه با تهاجم فرهنگی، راه کارهای مبارزه با تهاجم فرهنگی، تبیین تهدید نرم، اهداف تهاجم فرهنگی از نگاه مقام معظم رهبری؛ ولی هیچ‌یک از آنها، مستندات و شواهد قرآنی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری... را مورد بحث و تبیین قرار نداده‌اند. مقاله‌ی پیش‌روی به این امر مهم پرداخته و هدف اصلی آن تبیین مبانی قرآنی دیدگاه‌های معظم له در باب مسئله تهاجم فرهنگی می‌باشد.



## مفهوم‌شناسی واژگان

### تعریف فرهنگ

از فرهنگ تعاریف متعددی ارائه شده است که متجاوز از ۱۶۰ تعریف می‌باشد. که بعضی از این تعاریف مفهوم عام و برخی دیگر مفهوم خاص از این واژه را به دست می‌دهند. یکی از نخستین تعاریف نسبتاً جامع از فرهنگ، توسط تایلور (مردم‌شناس انگلیسی) در سال ۱۸۷۱ ارائه شده است: «فرهنگ عبارت است از مجموعه پیچیده‌ای از علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار، اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم، سنت‌ها و به طور خلاصه آموخته‌ها و عاداتی که یک انسان به عنوان عضو جامعه اخذ می‌کند» (همایون: ۱۳۵۸)

«فرهنگ، مجموعه‌ی پیچیده‌ای از معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنت‌ها و سرانجام، تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضو جامعه، از جامعه‌ی خود فرا می‌گیرد و در برابر آن، وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد. (داون، ۱۹۷۸: ۳۴)

### تعریف تهاجم فرهنگی:

«تهاجم فرهنگی»، «شبیخون فرهنگی»، «هجوم فرهنگی» و... مفاهیمی است که بر سر زبان‌ها افتاد و گسترش یافت، مقام معظم رهبری از همان نخستین سال‌های پایان دفاع مقدس، دست دشمنان را خوانده و خبر از تهاجم و شبیخون فرهنگی آنان دادند. چنانچه در یکی از سخنرانی‌ها می‌فرمایند:

«دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط - فرهنگ فساد و فحشاء - سعی می‌کند جوان‌های ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند یک تهاجم فرهنگی بلکه باید گفت یک شبیخون فرهنگی و یک قتل عام و غارت فرهنگی است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان گردان عاشورا، ۲۲/۴/۷۱، -<https://farsi.khamenei.ir/speech->

از این رو، عناصر اصلی تشکیل‌دهنده‌ی تعریف تهاجم فرهنگی از نگاه مقام معظم رهبری عبارتند از: اشاعه فرهنگ فساد و فحشاء به منظور نابودی جوانان مسلمان.

### تفاوت تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی:

«تهاجم فرهنگی این است که یک مجموعه- سیاسی یا اقتصادی- برای مقاصد سیاسی خود و برای اسیر کردن یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. چنین مجموعه‌ای هم چیزهای تازه‌ای را وارد آن کشور و آن ملت می‌کند، اما به زور، اما به قصد جایگزین کردن آن‌ها با فرهنگ و باورهای ملی و از بین بردن آن است؛ ولی در تبادل فرهنگی، آن ملتی که از ملت‌های دیگر چیزی می‌گیرد، می‌گردد چیزهای مطبوع و دلنشین و خوب و مورد علاقه را می‌گیرد... اما در تهاجم فرهنگی، دشمن می‌گردد آن نقطه‌ای از فرهنگ خود را به این ملت می‌دهد و وارد این ملت می‌کند که خودش می‌خواهد... پس تبادل فرهنگی به انتخاب ماست اما تهاجم فرهنگی به انتخاب دشمن است... (مقام معظم رهبری، ۲۱ / مرداد/۱۳۷۱، بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2630>

### مهم‌ترین دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در رابطه با تهاجم فرهنگی:

#### یک- حوزه‌های علمیه، مسئول اصلی مبارزه با تهاجم فرهنگی:

از دیدگاه مقام معظم رهبری، مسئولیت مقابله با تهاجم فرهنگی بیش از همه، بر عهده‌ی حوزه‌های علمیه می‌باشد. ایشان در این باره می‌فرمایند: «هدف این تهاجم با چنین ابعادی، اسلام و انقلاب و ما هستیم. البته، شکی نیست که مقابله با این تهاجم، پول و بودجه و امکانات و پشتیبانی‌های سیاسی دولت را می‌خواهد، اما دولت پول بدهد و پشتیبانی کند که چه بشود؟ طبیعی است که فکری پخش بشود، آن فکر کجا تولید خواهد شد؟ آیا آن هم در دولت است یا در حوزه؟ این‌ها انتظاراتی است که از حوزه می‌رود.»

(بیانات در دیدار مجمع نمایندگان طلاب، ۱۳۶۸/۹/۷،  
[.https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2228](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2228)

شاهد و مستند قرآنی

خداوند حکیم در قرآن کریم می‌فرماید: (وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ) (توبه: ۱۲۲).

«شایسته نیست، مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند، چرا از هر گروهی، طایفه‌ای از آنان کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای بماند) تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی پیدا کنند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آن‌ها را انداز نمایند تا (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند».

شک نیست که منظور از «تفقه» در دین فراگیری همه معارف و احکام اسلام اعم از اصول و فروع است، زیرا در مفهوم تفقه، همه این امور جمع است؛ بنابراین آیه‌ی فوق دلیل روشنی است بر اینکه همواره گروهی از مسلمانان به عنوان انجام یک واجب کفائی باید به تحصیل علم و دانش در زمینه‌ی تمام مسائل اسلامی بپردازند، و پس از فراغت از تحصیل برای تبلیغ احکام اسلام به نقاط مختلف، مخصوصاً به قوم و جمعیت خود بازگردند، و آن‌ها را به مسائل اسلامی آشنا سازند. بنابراین آیه‌ی فوق دلیل روشنی است بر وجوب تعلیم و تعلم در مسائل اسلامی... و اگر دنیای امروز به تعلیمات اجباری افتخار می‌کند، قرآن در چهارده قرن پیش علاوه بر آن بر معلمان نیز این وظیفه را فرض کرده است. (مکارم، ۱۳۷۱: ۱۹۳/۸)

یکی از مفسران معاصر در ذیل این آیه مطلب جالبی دارد، او می‌گوید: «من در «طرابلس» مشغول تحصیل علم بودم، روزی فرماندار آنجا که خود از معارف اسلامی اطلاعات قابل ملاحظه‌ای داشت، به من گفت: چرا دولت، علما و طلاب علوم دینی را از خدمت سربازی معاف می‌کند، در حالی که این خدمت مقدس، شرعاً بر همه واجب

است، و طلاب علوم دینی از همه‌ی مردم به انجام این فریضه‌ی دینی شایسته‌ترند، آیا این کار اشتباه نیست؟ من بدون مقدمه به فکر آیه‌ی فوق افتادم و گفتم این کار ریشه‌ای در قرآن مجید دارد، آنجا که می‌گوید: گروهی جهاد کنند و گروهی به تحصیل علم پردازند! او بسیار از این جواب لذت برد. به خصوص اینکه از یک فرد مبتدی مانند من که در آن روز تازه مشغول به تحصیل شده بودم صادر شده بود» (رشیدرضا، بی‌تا: ۷۸/۱۱)

شایان ذکر است که فراگیری و تعلیم معارف اسلامی اختصاص به علم فقه و اصول و فلسفه و امثال آن نداشته بلکه هدف اصلی و کاربردی آن عبارت است از: مبارزه با فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی- اعتقادی بیگانگان و جایگزین‌سازی فرهنگ اسلامی و توحیدی به جای فرهنگ غربی؛ که این رسالت عظیم در درجه‌ی اول بر دوش فرهیختگان حوزه‌های علمیه می‌باشد.

## دو- مبارزه با تهاجم فرهنگی: مصداق بارز امر به معروف و نهی از منکر

بر اساس آیات و روایات فراوان، اساس و شالوده‌ی همه دین، امر به معروف و نهی از منکر است و بر همین اساس واجب است در برابر تهاجم فرهنگی بیگانگان واکنش جدی و عملی نشان داد؛ مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

«دشمن از راه اشاعه‌ی فرهنگ غلط- فرهنگ فساد و فحشا- سعی می‌کند جوان‌های ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک تهاجم فرهنگی بلکه باید گفت یک «شبیخون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است. امروز دشمن این کار را با ما می‌کند، چه کسی می‌تواند از این فضیلت‌ها دفاع کند؟ آن جوان مؤمنی که دل به دنیا بسته، دل به منافع شخصی بسته و می‌تواند بایستد و از فضیلت‌ها دفاع کند. کسی که خودش آلوده و گرفتار است که نمی‌تواند از فضیلت‌ها دفاع کند! این جوان با اخلاص می‌تواند دفاع کند... همه باید امر به معروف و نهی از منکر کنند. نهی از منکر کنید این واجب است. این مسئولیت شرعی شماست.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان گردان عاشورا، ۲۲/۴/۷۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech->

## شاهد و مستند قرآنی

اگر مردم به این اصل مهم دینی و عقلی آگاهی یابند و خود را مقید و عامل به آن کنند و هر کس در محدوده زندگی خویش با فساد و زشتی‌ها مبارزه کند و مردم را به نیکی دعوت نماید دشمن هرگز روزه‌ای برای نفوذ نخواهد یافت خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

(وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (آل عمران: ۱۰۴).

«و باید از میان شما امتی باشد که دعوت به خیر و نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند». در تفسیر این آیه علامه طباطبائی می‌فرماید:

«... اگر در اجتماعی، دانش و علم نافع و عمل صالحی باشد، برای دوام و پایداریش باید افراد را از منحرف شدن از راه خیر- که همان اعمال معروف و شناسایی نزد آنان است- بازدارند، و مردم دیگر را هم به طی کردن راه خیر تشویق نمایند. این همان دعوتی است که با تعلیم و آموزش و امر به معروف و نهی از منکر شروع می‌شود، چنانکه در آیه‌ی مورد بحث به عنوان (يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ) از آن یادآوری شده است.

از اینجا سرّ اینکه خدای متعال از «خیر و شرّ» تعبیر به «معروف و منکر» فرموده روشن می‌گردد: زیرا اساس و بنیان کلام چنانکه از آیه‌ی سابقه: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...)) دستگیر می‌شود، بر چنگ زدن به رشته‌ی الهی و اتحاد و برادری نهاده شده، پرواضح است اجتماعی که راه زندگیش را چنین قرار داد، اعمال معروف نزدش همانا «خیر» و منکرات جز «شرّ» چیز دیگری نخواهد بود. (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۳/۶۰۷)

سه- دنیای اسلام وحدت خود را حفظ کند:

«امروز تهاجم علیه اسلام و مقدسات مسلمانان همه‌جانبه است. و این نه به خاطر این است که دشمن قوی شده است، به خاطر این است که دشمن در مقابل حرکت عظیم

اسلامی احساس ضعف می‌کند؛ لذا به انواع جنگ‌های روانی، تهاجمات گوناگون، ترساندن ملت‌ها و کشورهای مسلمان از یکدیگر و تبلیغات علیه یکدیگر متوسل می‌شود. راه این است که دنیای اسلام وحدت خود را حفظ کند... اتحاد خودتان را حفظ کنید، مبدا بازیچه‌ی دست دشمنان مشترکی بشوید که به عنوان قومیت عرب و عجم، به عنوان مذهب شیعه و سنی، به عناوین گوناگون دیگر، می‌خواهند بین شما اختلاف بیندازند...».

(خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۷/۷/۱۰، -<https://farsi.khamenei.ir/speech-> (content?id=3902)

### شاهد و مستند قرآنی سخن مقام رهبری در باب حفظ وحدت:

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...) (آل عمران: ۱۰۳).

«و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هر گونه وسیله‌ی ارتباط دیگر) چنگ زنید و پراکنده نشوید...»

در این آیه بحث «مسئله اتحاد و مبارزه با هر گونه تفرقه» مطرح شده و می‌فرماید: همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید، و از هم پراکنده نشوید. درباره‌ی اینکه منظور از «حبل الله» (ریسمان الهی) چیست؟ مفسران احتمالات مختلفی ذکر کرده‌اند، بعضی می‌گویند منظور از آن قرآن است، و بعضی می‌گویند اسلام، و بعضی دیگر گفته‌اند منظور خاندان پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام هستند....

ولی در واقع منظور از ریسمان الهی هر گونه وسیله‌ی ارتباط با ذات پاک خداوند است، خواه این وسیله، اسلام باشد، یا قرآن، یا پیامبر و اهل بیت او، و به عبارت دیگر تمام آنچه گفته شد، در مفهوم وسیع «ارتباط با خدا» که از معنی «حبل الله» استفاده می‌شود، جمع است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۹/۳-۲۸)

اتحاد نقش بسیار مهمی در بقای ملت‌ها و مقابله با نقشه بیگانگان دارد. با تمام گفت‌وگوهایی که درباره‌ی اثر اعجاز‌آمیز اتحاد در پیشرفت اهداف اجتماعی و

سربلندی اجتماعی گفته شده است، می‌توان گفت هنوز اثر واقعی آن شناخته نشده است. امروز سدهای عظیمی در نقاط مختلف جهان برپا شده که مبدأ تولید بزرگ‌ترین نیروهای صنعتی است و سرزمین‌های وسیعی را زیر پوشش آبیاری و روشنایی خود قرار داده است، اگر درست فکر کنیم می‌بینیم این قدرت عظیم چیزی جز نتیجه‌ی به هم پیوستن قدرت‌های ناچیز دانه‌های باران نیست و آنگاه به اهمیت اتحاد و کوشش‌های دسته‌جمعی انسان‌ها واقف می‌شویم. (همان، ۳۳)

در احادیث فراوانی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشوایان بزرگ اسلام به ما رسیده به لزوم و اهمیت این موضوع با عبارات مختلفی اشاره شده است:

در یک مورد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُا بَعْضًا»: «افراد با ایمان نسبت به یکدیگر همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از آن جزء دیگر را محکم نگاه می‌دارد.»

و نیز فرمود: «المؤمنون كالنفس الواحدة»: «مؤمنان همچون یک روحند». و نیز می‌فرماید: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى بَعْضُهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَ الْحُمَّى»: «مثل افراد با ایمان در دوستی و نیکی به یکدیگر همچون اعضای یک پیکر است که چون بعضی از آن رنجور شود و به درد آید اعضای دیگر را قرار و آرامش نخواهد بود» (ابوالفتوح رازی، ۱۳۵۲ ش: ۴۵۰/۲)

#### چهار- تبادل فرهنگی لازم است:

مقام معظم رهبری در باب اهمیت و ضرورت تبادل فرهنگی و تفاوت آن با تهاجم فرهنگی می‌فرمایند:

«تهاجم فرهنگی» با «تبادل فرهنگی» متفاوت است. تبادل فرهنگی لازم است هیچ ملتی بی‌نیاز نیست از این که در همه زمینه‌ها، از جمله در زمینه مسائل فرهنگی- آن مجموعه مسائلی که به آن‌ها نام فرهنگ داده می‌شود- از ملت‌های دیگر بیاموزد.

همیشه تاریخ نیز همین بوده است. ملت‌ها در رفت و آمدهایشان، آداب زندگی را

خلفیات را، علم را، لباس پوشیدن را، آداب معاشرت را، زبان را، معارف و دین را از یکدیگر  
فرا گرفته‌اند. این مهم‌ترین تبادل‌های ملت‌ها با هم بوده است....

تهاجم فرهنگی این است که یک مجموعه - سیاسی یا اقتصادی- برای مقاصد  
سیاسی خود و برای اسیر کردن یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد.  
چنین مجموعه‌ای هم چیزهای تازه‌ای را وارد آن کشور و آن ملت می‌کند، اما به زور، اما به  
قصد جایگزین کردن آن‌ها با فرهنگ و باورهای ملی و از بین بردن آن است؛ در تبادل  
فرهنگی، آن ملتی که از ملت‌های دیگر چیزی می‌گیرد، می‌گردد چیزهای مطبوع و دلنشین  
و خوب و مورد علاقه را می‌گیرد... ولی در تهاجم فرهنگی، دشمن می‌گردد آن نقطه‌ای از  
فرهنگ خود را به این ملت می‌دهد و وارد این ملت می‌کند که خودش می‌خواهد... پس  
تبادل فرهنگی به انتخاب ماست اما تهاجم فرهنگی به انتخاب دشمن است». (مقام معظم  
رهبری، ۲۱ / مرداد/۱۳۷۱، بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2630>

شاهد و مستند قرآنی:

(...فَبَشِّرْ عِبَادِ \* الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ  
هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ) (زمر: ۱۸-۱۷).

«... پس بندگان مرا بشارت ده همان‌هایی که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را  
پیروی می‌کنند؛ اینانند که خدایشان هدایت کرده و هم آن‌ها خردمندانند»  
این دو آیه که به صورت یک شعار اسلامی درآمده، آزاداندیشی مسلمانان، و  
انتخاب‌گری آنان را که در مسائل مختلف به خوبی نشان می‌دهد.

«بندگان من کسانی هستند که به سخنان این و آن بدون در نظر گرفتن گوینده و  
خصوصیات دیگر گوش فرا می‌دهند و با نیروی عقل و خرد بهترین آن‌ها را برمی‌گزینند»

هیچ‌گونه تعصب و لجاجتی در کار آن‌ها نیست و هیچ‌گونه محدودیتی در فکر و  
اندیشه آن‌ها وجود ندارد. آن‌ها جویای حقتند و تشنه‌ی حقیقت، هر جا آن را بیابند با تمام



وجود از آن استقبال می‌کنند و از چشمه‌ی زلال آن بی‌دریغ می‌نوشند و سیراب می‌شوند. آری این است نشانه‌ی یک مسلمان راستین و مؤمن حق طلب.

بسیاری از مذاهب، پیروان خود را از مطالعه و بررسی سخنان دیگران نهی می‌کنند، چرا که بر اثر ضعف منطق که به آن گرفتارند از این می‌ترسند منطق دیگران برتری پیدا کند و پیروانشان را از دستشان بگیرد. اما فرهنگ و تمدن اسلام و قرآن به گونه‌ای است که سیاست «دروازه‌های باز» را به اجرا درآورده، و بندگان راستین خداوند را کسانی می‌داند که اهل تحقیقند نه از شنیدن سخنان دیگران وحشت دارند، نه تسلیم بی‌قید و شرط می‌شوند و نه هر وسوسه‌ای را می‌پذیرند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۹/۴۱۳-۴۱۲)

### پنج- مرزهای ایمانی و مرزهای روحی خودمان را حفظ کنیم.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در این باره فرموده‌اند: «در تهاجم نظامی شما طرفتان را می‌شناسید، دشمنان را می‌بینید، اما در تهاجم معنوی، تهاجم فرهنگی، تهاجم نرم، شما دشمن را در مقابل چشم‌تان نمی‌بینید. هوشیاری لازم است. من از همه‌ی ملت ایران به خصوص از خانواده‌های شهیدان و از همه‌ی شما عزیزان، به خصوص از جوان‌ها خواهش می‌کنم با هوشیاری کامل مرزهای فکری و روحی را حراست کنید. نگذارید دشمن مثل موربانه‌ای به جان پایه‌های فکری و اعتقادی و ایمانی مردم بیفتد و آن‌ها را دچار رخنه کند، همه وظیفه داریم مرزهای ایمانی و مرزهای روحی خودمان را حفظ کنیم» (بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲، [https://farsi.khamenei.ir/speech-\(content?id=6742](https://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=6742)

ریشه و خاستگاه این توصیه و تأکید رهبری را می‌توان در آیه‌ی ذیل جستجو کرد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا... (تحریم: ۶).

نگهدار خویش‌تان به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است، و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر، و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده است.

این برنامه‌ای است که باید از نخستین سنگ بنای خانواده، یعنی از مقدمات ازدواج، و سپس نخستین لحظه‌ی تولد فرزند آغاز گردد، و در تمام مراحل با برنامه‌ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود. به تعبیر دیگر حق زن و فرزند تنها با تأمین هزینه‌ی زندگی و مسکن و تغذیه‌ی آن‌ها حاصل نمی‌شود، مهم‌تر از آن تغذیه‌ی روح و جان آن‌ها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است.

علامه طبرسی در تفسیر آیه‌ی محل بحث می‌نویسد: «خودتان و خانواده خویش را با صبر و استقامت بر طاعت الهی و از معصیت او از پیروی نمودن شهودات در برابر آتش الهی حفظ کنید همچنین آنان را به بندگی خدا فراخوانید و به آن‌ها فرائض دین را بیاموزید و از زشتی‌ها بازدارید و نسبت به کارهای نیک و شایسته تشویق و ترغیب نمایید. وظیفه هر مسلمان است که این کار و رویه را نسبت به خود و خانواده و همه‌ی زیردستانش انجام دهد» (طبرسی، ۱۴۰۳ ه.ج: ۳۱۸/۵)

بدیهی است که مفاد کلی آیه‌ی محل بحث عبارت است از حفظ مرزهای ایمانی و روحی هر مسلمان نسبت به خود، خانواده و اطرافیانش.

**شش- دشمنان از احکام و فرهنگ اسلامی همچون حجاب زنان و از اصل اسلام احساس خطر کرده‌اند:**

رهبری در این باره می‌فرماید: «تهاجم عجیبی وجود دارد. چیزهایی که می‌شنوید: مثل حجاب در فرانسه و مبارزه با دختران محجبه در این کشور- این‌ها چیزهایی است که نشان از آتش‌های زیر خاکستر می‌باشد و از کار عظیمی در پشت پرده خبر می‌دهد. قضیه فقط این نیست که یک دولت مثلاً لایبکی بگوید که ما نمی‌خواهیم محجبه‌ای باشد، نه، این‌ها اصلاً از اسلام به شدت احساس خطر کرده‌اند. البته، این موضوع تازگی هم ندارد، از سابق نیز این طور بوده است.» (بیانات رهبری در دیدار مجمع نمایندگان طلاب؛

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2228>، ۱۳۶۸/۹/۷

نکته: عفاف و حجاب علاوه بر آنکه آموزه دینی و اسلامی است از حمایت‌های

روان شناختی و جامعه‌شناختی نیز برخوردار است. دو واژه‌ی عفاف و حجاب را غالباً به همراه هم به کار می‌بریم به این دلیل که پیوند درونی عمیقی با یکدیگر دارند. حجاب از این رو مهم است که هم برآمده از عفت است و هم عفت را تقویت می‌کند.

### شاهد و مستند قرآنی:

گرچه حجاب الزاماً دلیل بر عفاف نیست، ممکن است حجاب ظاهر باشد اما عفاف باطن نباشد، اما تجسم بیرونی عفاف، حجاب است، فرد عقیف، محجوب است، حجاب حریم ارزش بین زن و مرد است. (رفیعی، ۱۳۸۸: ۱۴۱) خداوند در این باره می‌فرماید: (وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ) (احزاب: ۵۳): «هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را به عنوان (عاریت) از آنان (همسران پیامبر) می‌خواهید از پشت پرده بخواهید این کار برای پاک‌ی دل‌های شما و زنان بهتر است» خطاب آیه متوجه مردان است که با زنان اختلاط پیدا نکنند و در صحبت و تقاضا حریم‌ها را حفظ کنند. حجاب، عاملی است برای دور کردن آسیب‌ها و خطرات از ساحت زن، خداوند می‌فرماید: (ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يَعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ) (احزاب: ۵۹)؛ از طرفی ارزش و قیمت زن را بالا می‌برد و نوعی وقار و عظمت به او می‌بخشد. بی‌حجابی و بدحجابی مقدمه ترویج فساد و عفت‌ستیزی و عفت‌گریزی است. بنابراین علت اصلی مبارزه و مخالفت دشمنان اسلام با مسئله حجاب این است که حیا و عفت را از دختران و زنان مسلمانان بگیرند تا بتوانند همه اهداف تهاجم فرهنگی خویش را تحقق بخشند. و در واقع با اصل اسلام مخالفند چون تمامی احکام و دستورات دین مبین اسلام، مطابق با فطرت و سرشت سلیم آدمی است و جامعه‌ی بشری را به حفظ اخلاق و معنویت و ارزش‌های دینی و توحیدی دعوت می‌نماید و این همان چیزی است که نه تنها در فرانسه و بلکه در تمام کشورهای غربی و اروپایی مورد هجمه دشمنان اسلام و قرآن قرار گرفته است.

## هفت- انسان، آسیب پذیر است

«دشمن و نهادهای دشمن، بر اثر تجربه فهمیده اند که انسان، آسیب پذیر است، می گویند: «هر انسانی قابل فاسد شدن است. هر کس باشد، می توان فاسدش کرد، البته راست می گویند، با یک استثناء: (إِلَّا الْمُتَّقِينَ) متقین را نمی توان فاسد کرد» (بیانات رهبری در دیدار جمعی از پاسداران: ۱۳۷۳/۱۰/۱۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-> (content?id=2738

در مورد اینکه هر انسانی در معرض خسران و آسیب است ولی افراد صالح و باتقوا اهل نجات و رستگاری هستند، سوره‌ی کاملی در قرآن به نام سوره‌ی «عصر» وجود دارد: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* وَالْعَصْرِ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ): «به نام خدای رحمان و رحیم. سوگند به عصر که جنس انسان در خسران و زیانکاری است. مگر افراد و اقلیتی که ایمان آورده اعمال صالح می کنند و یکدیگر را به حق سفارش و به صبر توصیه می نمایند»

به طور مسلم همه‌ی انسان‌ها در زیانند. سرمایه‌های وجودی خود را چه بخواهند یا نخواهند از دست می دهند. ساعات و ایام و ماه‌ها و سال‌های عمر به سرعت می گذرد، نیروهای معنوی و مادی تحلیل می رود، و توان و قدرت کاسته می شود.

«فخر رازی» در تفسیر این آیه سخنی نقل می کند که حاصلش چنین است:

«یکی از بزرگان پیشین می گوید: معنی این سوره را من از مرد یخ‌فروشی آموختم، فریاد می زد و می گفت: «ارحموا من یدوب رأس ماله ارحموا من یدوب رأس ماله!»: «رحم کنید به کسی که سرمایه اش ذوب می شود، رحم کنید به کسی که سرمایه اش ذوب می شود. پیش خود گفتم این است معنی (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ): «عصر و زمان بر او می گذرد و عمرش پایان می گیرد، و ثوابی کسب نمی کند و در این حال زیانکار است». (فخر رازی، بی تا:

(۸۵/۳۲

به هر حال از نظر جهان بینی اسلام دنیا یک بازار تجارت است همان گونه که در حدیثی

از امام هادی علیه السلام می‌خوانیم: «الدُّنْيَا سُوقٌ رَبِیحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَ حَسِرَ آخِرُونَ»: «دنیا بازاری است که جمعی در آن سود می‌برند و جمعی دیگر زیان». (حرّانی، ۱۳۷۶ ش: ۳۶۱)

آری تنها یک راه برای جلوگیری از این خسران عظیم و زیان قهری و اجباری وجود دارد، فقط یک راه که در آخرین آیه این سوره به آن اشاره شده است: «مگر کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، و یکدیگر را به طرفداری و انجام حق سفارش کردند، و یکدیگر را به صبر و استقامت توصیه نمودند»

### هشت- چه کسانی «خسرالدنیا والآخرة» شده‌اند!؟

مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«هدف تهاجم فرهنگی دشمن این است که ذهن مردم را عوض کند، از راه اسلام منصرف نماید و از مبارزه ناامید سازد. آن آقایی که خودش به حسب آنچه که ما می‌بینیم خسرالدنیا والآخرة است، بر می‌دارد می‌نویسد که «ملت ایران خسرالدنیا والآخرة» شده‌اند! می‌نویسند و چاپ هم می‌کنند که «مسلمان‌های عالم و از جمله ملت ایران، خسرالدنیا والآخرة شدند» چرا؟ چون با آمریکا جنگیدند، مقصودش این است! این خسرالدنیا والآخرة بوده است؟ ملت ایران که توانست خود را از ذلت و وابستگی نجات دهد، توانست خود را از ذلت و ننگ ارتباط و اتصال با رژیم منحوس دست‌نشاندهی فاسد پهلوی و ارتباط با آمریکا نجات دهد و این طور شجاعت و شهامت و سربلندی در دنیا از خود به نمایش بگذارد و در جاده‌ی آزادگی گام نهد، خسرالدنیا والآخرة است؟ این جوانان ما، این خانواده‌های مؤمن ما، این زن و مرد دلباخته‌ی دین و عاشق راه خدا، خسرالدنیا والآخرة‌اند؟ خودشان خسرالدنیا والآخرة‌اند کسی که این را می‌گوید، حقیقتاً خسرالدنیا والآخرة است. نه دنیا دارند، نه آخرت، دنیاشان، دنیا‌ی نکبت، آخرتشان هم بلاشک قهر و عذاب الهی است. این‌ها عوامل دشمن‌اند، این تهاجم فرهنگی است...» (بیانات رهبری در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۷۱/۲/۱۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2666>)

**شاهد و مستند قرآنی:**

(وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكُمْ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ) (حج: ۱۱).

«بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می پرستند (و ایمان قلبی شان بسیار ضعیف است) همین که دنیا به آن ها رو کند و نفع و خیری به آنان رسد حالت اطمینان پیدا می کنند اما اگر مصیبتی به عنوان امتحان به آن ها برسد دگرگون می شوند و به کفر رو می آورند و به این ترتیب هم دنیا را از دست داده اند و هم آخرت را و این خسران و زیان آشکاری است»  
در حقیقت این گونه افراد دین را تنها از دریچه منافع مادی می نگرند و معیار و محک حقانیت آن را روی آوردن دنیا می پندارند، این گروه در هر جامعه ای وجود دارند، ایمانی آلوده به شرک و هوی پرستی دارند. بدیهی است که چنین ایمان و اعتقادی سست تر از تار عنکبوت است!

امروزه گروه ها یا احزابی سیاسی را مشاهده می کنیم که کاملاً غریزده و وابسته به مظاهر فریبنده دنیای غرب و فرهنگ مبتذل غربی هستند از این رو، ذوق و سلیقه ی آن ها با فرهنگ اسلامی، جهاد و دفاع مقدس و با حجاب و عفاف سازگار نیست و برعکس، شیفته زندگی و فرهنگ غربی هستند و به همین علت، گرایش به غرب و غریزدگی را خوشبختی و سعادت واقعی در زندگی قلمداد می کنند ولی پشت پا زدن به فرهنگ مبتذل اروپاییان و ارزش های ضد اخلاقی آنان را زیان و خسران می پندارند و بر همین اساس است که مردم ایران را به گمان باطل خویش «خسرالدنیا والآخرة» معرفی کرده اند!

### نه- نقش تقوا در مبارزه با تهاجم فرهنگی

از دیدگاه مقام معظم رهبری، نقشه گمراه کنندگان فرهنگی در افراد باتقوی تأثیرگذار نیست و در همین رابطه می فرمایند:

«متقین را نمی توان فاسد کرد. آن ها این را، یعنی معنای تقوا را دیگر نمی فهمند. بله، انسان ها را می توان فاسد کرد و می توان زیبایی های دنیا را از طرق نامشروع در جلو چشم آن ها به رژه درآورد و دل هایشان را برد، طوری که همه ی ارزش ها را دور بریزید و در مقابل

جلوه‌های مادی قربانی کنند. اما اگر تقوا نباشد: «الْأَمْتَقِينَ» تقوا در قیامت هم اثر می‌کند. در دنیا هم اثر می‌کند، در سیاست هم اثر می‌کند. در حفظ نظام هم اثر می‌کند، در جنگ هم اثر می‌کند، و این را خود شما، درک و لمس کردید و دیدید» (بیانات در دیدار جمعی از پاسداران، ۱۳۷۳/۱۰/۱۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2738>)

### شاهد و مستند قرآنی

خداوند حکیم بهترین پوشش و لباس را برای انسان، پوشش تقوا معرفی کرده و در این رابطه می‌فرماید: (وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ) (اعراف: ۲۶). این آیه روشن می‌سازد که تقوا باید چنان در زندگی انسان جامع و فراگیر باشد که همچون لباس، سراسر وجود و حیات او را در بر گرفته و زینت و پوشش دهد. برخی از آثار و فواید از نگاه قرآن کریم در ذیل ذکر می‌گردد:

#### الف- تقوا بینش و درک حقایق انسان را افزایش می‌بخشد:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ) (انفال: ۲۹).  
«ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از (مخالفت با فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد و گناهانتان را می‌پوشاند»

#### ب- تقوا راه‌هایی از بن‌بست‌ها:

(وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا) (طلاق: ۲)  
«و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند»

#### ج- آسان شدن کارهایی که برای دیگران دشوار به نظر می‌رسد:

(وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يسْرًا) (طلاق: ۴)  
«و هر کس تقوای الهی داشته باشد، خداوند کار او را آسان می‌سازد»

#### د- نیل به مقام عالی سعادت و رستگاری

(وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ) (نور: ۵۲)

«و هر کس که اطاعت خدا و رسولش را نماید و از او بترسد و تقوا پیشه کند، پس چنین کسانی رستگارند و به فوز و سعادت نائل می‌آیند»

#### ه- فراوانی نعمت‌های مادی پروردگار و رفاه اقتصادی:

(وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ) (اعراف: ۹۶)

«و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم»

#### و- خداوند خود، آموزگار پرهیزکاران می‌گردد:

(وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمَكُمُ اللَّهُ) (بقره: ۲۸۲)

«و تقوا پیشه کنید و خداوند به شما تعلیم می‌دهد»

«قلبی که پاک و عاری از هر پلیدی و آلودگی باشد، می‌تواند همچون آینه‌ای جلوه‌گر

تمام حقایق باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲/۲۸۹)

#### ز- رسیدن به مدال جوانمردی:

(إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى) (کهف: ۱۳)

«آنان جوانمردان بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایشان افزودیم»

#### ک- مشمول عنایات خاص و رحمت ویژهی الهی شدن:

(وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ) (اعراف: ۱۵۶)

«و رحمت من همه چیز را فراگرفته و آن را برای آنان که تقوا پیشه کنند مقرر خواهم

داشت»



#### ل- کسب برترین کرامت نزد پروردگار:

(إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ) (حجرات: ۱۳)

«به راستی گرامی ترین شما نزد پروردگار با تقواترین شما است»

#### م- دوری از آتش دوزخ:

(وَسَيَجْزِيهَا الْأُنثَى) (لیل: ۱۷)

«و به زودی با تقواترین مردم از آن آتش دور داشته می شوند»  
در قرآن کریم حدود ۲۴۰ آیه مسأله و موضوع مهم تقوا را مورد بحث و بررسی قرار داده است و مفاد کلی این آیات بیانگر خیر و خوشبختی و کامیابی برای متقین در هر دو سرا می باشد.

بدیهی است که عقل و منطق سالم هر انسانی در مواجهه با این همه آثار و فواید مطلوب، مجبوز شدن به تقوا را بر نفس خویش واجب می داند. (اسکندرلو، ۱۳۸۶: ۱۰۸-۱۰۲)

#### ده- حفظ مقاومت و پایداری در سنگر ایمان:

«دشمن در تهاجم فرهنگی خود سعی می کند، مقاومت را در میان مردم ما از حیثیت و اعتبار بیندازد، در واقع مقاومت شکنی کند و سنگرها را از بین ببرد. مهم ترین سنگر یک انسان، ایمان و انگیزه و عشق اوست. نباید اجازه دهید این سنگر را در دل ها فرو بریزند و از بین ببرند» (بیانات در دیدار خانواده های شهدای نیروهای مسلح، ۱۳۸۰/۷/۴،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3087>

شاهد و مستند قرآنی:

(إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ) (فصلت: ۳۰).

«کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنها نازل می شوند که نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است»

نکته‌ی مهم: بسیاری از کسانی که دم از عشق الله می‌زنند، ولی در عمل استقامت ندارند. افرادی سست و ناتوانند که وقتی در برابر طوفان شهوات قرار می‌گیرند با ایمان وداع کرده، و در عمل مشرک می‌شوند، و هنگامی که منافعشان به خطر می‌افتد، همان ایمان ضعیف و مختصر را نیز از دست می‌دهند.

علی علیه السلام در یکی از خطبه‌های نهج‌البلاغه این آیه را با عبارت گویا و پرمعنایی تفسیر می‌کند و بعد از تلاوت آن می‌فرماید: «وَقَدْ قُلْتُمْ رَبُّنَا اللَّهُ فَاسْتَقِيمُوا عَلَى كِتَابِهِ وَعَلَى مَنَهَاجِ أَمْرِهِ وَعَلَى الطَّرِيقَةِ الصَّالِحَةِ مِنْ عِبَادَتِهِ ثُمَّ لَا تَمُرُّوا مِنْهَا وَلَا تَبْتَدِعُوا فِيهَا وَلَا تُخَالِفُوا عَنْهَا» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۶).

«شما گفتید پروردگار ما «الله» است اکنون بر سر این سخن پایمردی کنید، بر انجام دستورهای کتاب او، و در راهی که فرمان داده، و در طریق پرستش شایسته‌ی او، استقامت به خرج دهید، از دایره‌ی فرمانش خارج نشوید، در آئین او بدعت مگذارید و هرگز با آن مخالفت نکنید»

#### یازده- ظرفیت اسلام در پاسخ‌گویی به نیازهای روحی انسان معاصر

«رسانیدن پیام حیات‌بخش اسلام به دنیای غیرمسلمانان به ویژه جوامع صنعتی که تشنه معنویت و خسته از مکاتب شکست‌خورده مادی است جزء وظایف اجلاس‌های بین‌المللی اسلامی می‌تواند باشد. مارکسیسم جزء موزه تاریخ سیاسی جهانی شده و سرمایه‌داری از پاسخ دادن به نیازهای معنوی و رو به رو شدن ملل غربی عاجز است و گرایش به معنویت در بین آن‌ها روزافزون است و هیچ آئین و مکتب فکری، ظرفیت اسلام برای پاسخ‌گویی به نیازهای روحی انسان عصر ما را ندارد» (پیام رهبری به کنفرانس

بین‌المللی مجالس اسلامی، ۱۳۷۸/۳/۲۵، <https://farsi.khamenei.ir/message->

(content?id=2956

### شاهد و مستند قرآنی:

بدیهی است که قرآن کریم اصلی‌ترین منبع معارف دین مبین اسلام است. و این کتاب آسمانی مسلمانان، واجد و ویژگی جامعیت است. سخن درباره‌ی جامعیت قرآن، ریشه در برخی از آیات قرآن کریم دارد؛ چنان که خداوند از این کتاب آسمانی به عنوان بیانگر همه چیز تعبیر می‌کند: **﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾** (نحل: ۸۹).

«و ما قرآن را بر تو نازل کردیم در حالی که بیان‌کننده‌ی همه‌ی مطالب است»

بحث درباره‌ی جامع بودن قرآن گرچه به صورت نوین، در اثر تقابل با اندیشه‌های سکولاریستی مطرح گردیده، ولی محتوای آن در نصوص اسلامی دارای پیشینه‌ای کهن است؛ برای مثال امیرمؤمنان علیه السلام در سرزنش اختلاف فقیهان در فتوا و تصویب همه‌ی اقوال متعارض، بر جامعیت و کامل بودن محتوای قرآن در رفع نیازهای مرتبط با دین تأکید کرده و از آیه‌ی ۸۹ سوره‌ی نحل و نیز آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی انعام برای اثبات کاستی نداشتن دین الهی بهره جسته است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸).

همچنان که در روایات دیگر امامان علیهم السلام نیز بر جامعیت قرآن و بیانگری و روشنگری آن نسبت به همه‌ی نیازهای انسانی تأکید می‌شود (کلینی، ۱۳۶۳: ش: ۵۹-۶۱)

«البته چنانچه به همه‌ی نیازهای انسانی توجه شود، مجموع آیات قرآنی در زمینه‌ی عقاید، اخلاق، احکام، طبیعت‌شناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و مانند آن بر قلمرو اعتدالی قرآن دلالت دارد؛ و چنانچه تنها به نیازهای هدایتی توجه شود. با بهره‌گیری از سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام قلمرو حداکثری قرآن پذیرفته خواهد شد» (خسروپناه، ۱۳۹۶: ۲/۲۶۳)

دوازده- این حادثه (تهاجم فرهنگی) برای ما تجربه و عبرتی است:

«این که از «تهاجم فرهنگی» اسم آوردند و گفتند شما در خط مقدم این تهاجم هستید، این حق است و بنده این را قبول دارم، چون تهاجم فرهنگی، به مقصود بی‌اعتقاد کردن نسل نوانجام می‌گیرد؛ هم بی‌اعتقاد کردن به دین، هم بی‌اعتقاد کردن به اصول انقلابی و آن تفکر

فعالی که امروز استکبار از آن می‌ترسد و قلمرو قدرت‌های استکباری را به خطر می‌اندازد. این حادثه، برای ما تجربه و عبرتی است: (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً). (بیانات رهبری در دیدار با جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۰/۱۰/۲۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2557>)

### شاهد و مستند قرآنی:

(قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ) (آل عمران: ۱۳).

«در دو جمعیتی (که در میدان جنگ بدر) با هم روبرو شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود، یک جمعیت در راه خدا نبرد می‌کرد و جمعیت دیگری که کافر بود (و در راه شیطان و بت) در حالی که آن‌ها (جمعیت مؤمنان) را با چشم خود دو برابر آنچه بودند مشاهده می‌کردند (و این خود عاملی برای وحشت و شکست آن‌ها شد) و خداوند هر کس را بخواهد (و شایسته ببیند) با یاری خود تأیید می‌کند. در این عبرتی است برای صاحبان چشم و بینش»

در پایان این آیه خداوند می‌فرماید: (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ)

«آن‌ها که چشم بصیرت دارند و حقایق را آنچنان که هست می‌بینند از این پیروزی همه جانبه‌ی افراد با ایمان، درس عبرت می‌گیرند و می‌دانند که سرمایه اصلی برای پیروزی‌ها ایمان است ایمان»

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین مسائل خطیری که از حدود سه دهه پیش تا کنون در مناسبات مختلف مورد توجه جدی مقام معظم رهبری قرار گرفته و نکات ارزنده و توصیه‌های مؤکدی در آن باره بیان فرموده است، «تهاجم یا شبیخون فرهنگی» است. دشمن به شکل منظم و سازمان‌یافته‌ای تهاجم فرهنگی خود را علیه جمهوری اسلامی

ایران به انجام می‌رساند پاسخ ما در برابر آن نیز باید منظم و سازمان‌یافته باشد. تهاجم فرهنگی عبارت است از اشاعه فرهنگ فساد و فحشاء به منظور نابودی جوانان مسلمان.

در تبادل فرهنگی، آن ملتی که از ملت‌های دیگر چیزی می‌گیرد، چیزهای مطبوع و خوب را انتخاب می‌کند.

حوزه‌های علمیه، مسئول اصلی مبارزه و مقابله با تهاجم فرهنگی هستند. امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین راه‌کارهای مبارزه با تهاجم فرهنگی است. دنیای اسلام باید وحدت خود را حفظ کند.

همه باید مرزهای ایمانی و روحی خود را حفظ کنیم.

دشمنان از احکام و فرهنگ اسلامی همچون حجاب و عفاف زنان احساس خطر کرده‌اند. کسانی که ملت ایران را «خسرالدنیا والآخرة» معرفی کرده‌اند در حقیقت، خودشان این چنین هستند، نه دنیا دارند و نه آخرت، دنیایشان دنیای نکبت، و آخرتشان هم بلاشک قهر و عذاب الهی است.

دشمنان هرگز نمی‌توانند اهل تقوا را فاسد کنند چون تقوا هم در قیامت اثر می‌کند و هم در دنیا، در حفظ نظام و در سیاست نیز اثر می‌کند.

به منظور موفقیت در برابر نقشه‌های دشمن و خنثی کردن تهاجم فرهنگی وظیفه‌ی ما حفظ مقاومت و پایداری در سنگر ایمان است.

هیچ آئین و مکتب فکری، ظرفیت اسلام برای پاسخ‌گویی به نیازهای روحی انسان عصر ما را ندارد. از این رو، رسانیدن پیام حیات‌بخش اسلام به دنیای غیرمسلمانان به ویژه جوامع صنعتی، جزء وظایف اجلاس‌های بین‌الملل اسلامی است.

## فهرست منابع

### - قرآن کریم

- نهج البلاغه، الشریف الرضی، قم: دارالهجره، بی تا.

۱. اسکندریلو، محمدجواد، نگاهی قرآنی به پاک سازی روح، تهران: کانون اندیشه جوان، ج ۲، ۱۳۸۶.
۲. حرّانی، حسین بن شعبه، تحف العقول، تهران: انتشارات کتابچی: ۱۳۷۶ ش.
۳. خسروپناه، عبدالکریم، جامعیت قرآن، دانشنامه علوم قرآن، ج ۲، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶.
۴. رفیعی، ناصر، گفتار رفیع (جلد دوم)، قم: نشر معروف، ۱۳۸۸.
۵. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۶. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه‌ی آیت الله مکارم شیرازی، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۳.
۷. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۸. رازی ابوالفتوح، جمال الدین، روض الجنان و روح الجنان، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۵۲ ش.
۹. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۱۲. موسوی، سید محسن، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران: ۱۳۸۶.
۱۳. Downs, James F. (1978). Cultures in Crisis. London: clencoe Press.
۱۴. نرم افزارها:
۱۵. پایگاه اطلاع رسانی فرهنگ ایثار و شهادت
۱۶. www. Navide shahed. Com.
۱۷. پایگاه اطلاع رسانی حوزه، مجله معارف / مهر ۱۳۸۸ - ش ۹۹:
۱۸. تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن.
۱۹. نرم افزار جامع بیانات مقام معظم رهبری درباره‌ی تهاجم فرهنگی، تهیه کننده: صاعد رازی
۲۰. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای: khamenei.ir.

---

## عوامل گرایشی از خود بیگانگی فرهنگی انقلاب اسلامی و راهکارهای ستیز با فرهنگ بیگانه

---

محمد حسنی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

مجید حیدری فر<sup>۲</sup>

### چکیده

«ازخودبیگانگی فرهنگی» از مهم‌ترین چالش‌های انقلاب اسلامی است. مردمی که از باورها و ارزش‌های خود غافل شوند، استثمارگران در پی تغییر اندیشه و انگیزه و الگوهای رفتاری آنان برمی‌آیند و به تدریج از هویت و فرهنگ خودی جداایشان می‌کنند. اهمیت و ضرورت پژوهش در باره این موضوع، با توجه به رفتارهای دشمنان در عصر کنونی آشکار می‌گردد، چون آنان پیش از ورود به دروازه‌های جغرافیائی با نیروهای پرهزینه نظامی، از دروازه دل‌ها و تغییر اراده‌ها و باورها وارد می‌شوند. براین اساس، برای ناکارآمد ساختن دشمنان در نبرد فرهنگی، باید عوامل این بحران را شناسائی و راهکارهای مقابله با آن‌ها را بررسیید.

---

۱. دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم. استاد و مدرس حوزه و دانشگاه صنعتی سیرجان

m.hasani561@gmail.com

۲. استاد سطوح عالی و دروس خارج حوزه علمیه قم Dr.mheidarifar313@yahoo.com

بر پایه رهنمودهای قرآن و عترت، عوامل گرایشی از خود بیگانگی فرهنگی انقلاب اسلامی به گونه کلان در سه عنوان زیر خلاصه می‌شود: روحیه رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی و روحیه اعتماد به دشمن و روحیه فرمان‌گریزی از حکومت دینی. راهکارهای مقابله با آنها نیز بدین شرح است: تقویت روحیه تقوآمداری و شکیبائی و خودباوری و دشمن‌شناسی و امید به آینده و فرهنگ انتظار.

روش پژوهش در این مقاله، ترکیبی از عقلی برهانی (تحلیل ادله عقلانی) و نقلی و حیانی (تحلیل دلالتی متنی و فرامتنی آیات و روایات) در برابر نقلی تاریخی است و گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از نرم افزارهای مرتبط بوده و داده‌پردازی مقاله، به روش تحلیل محتواست.

واژگان کلیدی: گام دوم انقلاب، فرهنگ خودی، فرهنگ بیگانه، ازخودبیگانگی، ازخودبیگانگی فرهنگی، عوامل پیدائی، عوامل گرایشی، راهکارهای مقابله گرایشی.



## یکم. مقدمه

در این زمینه بیان چند مطلب بایسته می‌نماید:

### ۱. بیان مسأله

از خودبیگانگی، ترجمه واژه «الیناسیون» است و برگرفته از «alius» به معنای «دیگر» است. پسوند «en» صفت‌ساز است، بنابراین، «alien» به معنای «منسوب به دیگری» است. از این کلمه، اسم فعل «alienation» به معنای «انتقال به غیر» ساخته شده است. مورد استعمال اصلی آن، مناسبات حقوقی و به معنای سلب حقی از شخصی و انتقالش به دیگری است؛ اما با گذشت زمان، توسعه پیدا کرده و در جامعه‌شناسی نیز کاربرد دارد. (دریابندری، ۱۳۶۹ش، ص ۱). تعبیر دقیق و عمیق قرآنی (بقره/۴۴). و روائی (لیثی، ۱۳۷۶ش، ص ۴۲۴؛ تمیمی آمدی ۱۳۶۶ش، ص ۱۹۰). آن خود فراموشی است. خدای سبحان در آیاتی چند به آن هشدار داده و همگان را به هوشیاری و مراقبت فرامی‌خواند. (حشر/۱۸، ۱۹؛ مائده/۱۰۵).

این واژه غالباً مفهوم منفی را می‌رساند که جنبه فردی - اجتماعی؛ فرهنگی - سیاسی دارد. جامعه‌ای که از باورها و ارزش‌ها، سنت‌ها و آداب خود غافل شود، استثمارگران در پی تغییر هویت فرهنگی او برمی‌آیند. در این صورت، جامعه دچار از خودبیگانگی فرهنگی می‌گردد؛ یعنی فرهنگ خودی را از دست می‌دهد و فرهنگ غیرخودی را هویت خودی می‌پندارد و از خودش فکر و اراده‌ای ندارد.

از سوئی جوامع مسلمان با دیگران در ارتباطند و در فرایند «جهانی‌سازی» در تیررس هجوم گسترده فرهنگی غرب قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر، اسلام بر حفظ هویت مستقل فرهنگی جامعه اسلامی تأکید دارد. عوامل این بحران اجتماعی می‌تواند در سه قلمرو باشد: بینشی و گرایشی و کنشی. بر این اساس، مجهول پژوهش پیش رو، شناسائی عوامل گرایشی این بی‌هویتی فرهنگی و ارائه راه‌های مقابله و گریز از این بحران، با تکیه بر آموزه‌های وحیانی است.

## ۲. پیشینه پژوهش

الیناسیون و از خودبیگانگی که تعبیر قرآنی و روائی آن «خود فراموشی» است، قدمتی به درازای عمر آدمی دارد. ادیان آسمانی و انبیا و اولیای الهی بیش تر و پیش تر از هر مکتب و هر متفکری، به این بحران بشری توجه کرده و نسبت به آن هشدار داده و نمادها و نموده‌های آن را بیان و برای پیشگیری و درمان آن راهکارهای علمی و عملی ارائه کرده‌اند. تبیین و تحلیل از خودبیگانگی دو گونه است:

أ. اندیشمندان اسلامی: مفسران گرانقدری که درباره آیات مرتبط با این موضوع، دیدگاه‌های خویش را نگاشته‌اند؛ همچنین برخی محققان اسلامی در لابه لای آثارشان به این مسئله پرداخته‌اند. (جعفری، ۱۳۵۸ش، ج ۱، صص ۱۱۲-۱۳۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، صص ۶۶-۷۲؛ جوادی آملی، تفسیرموضوعی ج ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵؛ مطهری، ۱۳۷۴ش، ج ۱۳، صص ۵۵۸-۵۶۰ و ج ۱۶، صص ۵۸۲، ۵۷۸؛ سبحانی، ۱۳۸۳ش، ج ۱۳، صص ۳۲۵-۳۳۷؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۷ش، صص ۳۴۴؛ رجبی، ۱۳۸۶ش، صص ۸۲-۸۸؛ دریابندری، ۱۳۶۹ش، صص ۲ و ۳).

ب. دانشمندان مغرب زمین: آنان در سده‌های هیجدهم و نوزدهم میلادی به این موضوع پرداخته‌اند. نخستین بار «هگل» فیلسوف معروف آلمانی، از «خودبیگانگی» سخن گفت، آنگاه دیگران به این مقوله پرداختند. آنان دین را مانعی در راه پیشرفت و پویایی توانمندی‌های انسان می‌دانند که به جای هویت حقیقی آدمی، انسانی خیالی را به وی می‌نمایاند و به این طریق او را از خودبیگانه می‌سازد. (بدوی، ۱۹۸۴م، ج ۲، صص ۲۱۳ و ۴۲۰؛ آرون، ۱۳۵۴ش، صص ۱۸۷؛ مسترسن، ۱۳۸۹ش، صص ۱۱۶). این پندار دقیقاً عکس نگرش ادیان آسمانی، به ویژه اسلام است.

در پایان به چند نمونه از نگاشته‌های پیرامون این موضوع اشاره می‌شود:

أ. قانونی، حسین، خودفراموشی و از خودبیگانگی، رساله علمی سطح ۳، حوزه علمیه قم، با راهنمایی معلمی، ۱۳۸۷ش.

ب. کلانتری، عبدالحسین، بشیری گیوی، حسین، بررسی جامعه شناختی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر از خودبیگانگی اجتماعی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۱.

ج. بشیری، ابوالقاسم، از خودبیگانگی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، معرفت، شماره ۹۱ تیرماه ۱۳۸۴.

د. عبداللهی عابد، صمد؛ وجدی، فاطمه، جنگ نرم در قرآن، دانشگاه معارف اسلامی، مطالعات تفسیری شماره ۱۵ پائیز ۱۳۹۲.

### ۳. امتیاز این پژوهش

ژرف‌کاوی در آیات و روایات، توجه بیش از پیش به جنبه فرهنگی - اجتماعی این موضوع، تبیین و تحلیل عوامل گرایشی این بحران و راهکارهای مقابله با آن در پرتو نورافشانی آیات و روایات، بر اساس چیدمان منطقی و دسته‌بندی‌های استاندارد و نگارشی روان و گویا، از امتیازات این تحقیق است.

### ۴. اهمیت موضوع و دلیل انتخاب آن

اهمیت و ضرورت پژوهش در باره این موضوع، با توجه به رفتارهای دشمنان در عصر کنونی آشکار می‌گردد، چون آنان پیش از ورود به دروازه‌های جغرافیائی با نیروی پرهزینه نظامی، با تغییر اراده و باورها و ارزش‌ها از دروازه دل‌ها وارد می‌شوند. براین اساس، برای ناکارآمد ساختن دشمنان در نبرد فرهنگی، باید عوامل گوناگون این بحران را شناخت و راهکارهای مقابله با آن‌ها را برسید.

### ۵. سؤال‌های تحقیق

أ. بر پایه آیات و روایات، عوامل گرایشی «از خودبیگانگی فرهنگی» انقلاب اسلامی

چیست؟

ب. بر پایه آیات و روایات، راهکارهای گرایشی مقابله با «ازخودبیگانگی فرهنگی» انقلاب اسلامی چیست؟

### ۶. فرضیه‌های پژوهش

أ. با توجه به مطالعات آغازین، گمان می‌رود که روحیه رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی و روحیه اعتمادورزی به دشمن و روحیه فرمان‌گریزی از حکومت دینی از عوامل گرایشی از خودبیگانگی فرهنگی باشد.

ب. با استناد به مطالعات پیشین، شاید بتوان گفت: تقویت روحیه تقوادماری و شکیبائی و خودباوری و دشمن‌شناسی و امید به آینده و فرهنگ انتظار از راهکارهای گرایشی مقابله با عوامل گرایشی بحران از خودبیگانگی فرهنگی انقلاب اسلامی باشد.

### دوم. ادبیات تحقیق

برای توضیح این عنوان بیان مطالب زیر ضروری است:

#### ۱. مبانی پژوهش

أ. جامعه برخوردار از فرهنگ توحیدی، بر این باور است که جهان و انسان را خدا آفریده و پیوند این دو را او تنظیم می‌کند.

ب. وجود انسان در چارچوب جهان مادی و زندگی دنیائی خلاصه نمی‌شود. زندگی حقیقی آدمی، عالم پس از مرگ است و او برای لحظه‌ای معدوم نمی‌شود.

ج. جامعه الحادی بر پایه باورهای واهی، مبدأ جهان را ماده می‌داند و تمام نظام هستی را در نشئه مادی خلاصه می‌کند. در نگاه آنان ماورای طبیعت هیچ مصداقی ندارد و پس از مرگ، جهان دیگری نیست.

د. اعتقاد به پاداش و کیفر اخروی، از مؤثرترین باورها در بهسازی رفتار آدمی و اصلاح اوست، زیرا رفتارهای آدمی از باورها و بینش‌های او سرچشمه می‌گیرد.

۵. باور توحیدی نقش شایانی در اصلاح فرهنگ عمومی جامعه دارد و آثار تربیتی شگرفی در زندگی فردی و اجتماعی به ارمغان می‌آورد. هم عامل بازدارنده قوی در برابر گناه است، هم می‌تواند محرک نیرومندی برای خدمت به خلق خدا و انجام دادن کارهای شایسته باشد.

و. گرایش به فرهنگ بیگانه در صورتی امکان‌پذیر است که فرد، احساس کمبود فرهنگی کند یا فرهنگ خویش را ناقص یا نادرست بینداند.

ز. شناخت درست فرهنگ بیگانه و رواج فرهنگ خودی سبب بیداری جوامع می‌گردد و آن‌ها را در مسیر فرهنگ خودی یعنی فرهنگ توحیدی قرار می‌دهد.

## ۲. اهداف تحقیق

هر پژوهشی دو نوع هدف می‌تواند داشته باشد: نظری و عملی. بر این اساس، پژوهش پیش رو اهداف زیر را دنبال می‌کند:

یکم. تبیین و تحلیل عوامل گرایشی از خودبیگانگی فرهنگی انقلاب اسلامی  
دوم. تبیین و تحلیل راهکارهای گرایشی رویارویی با از خودبیگانگی فرهنگی انقلاب اسلامی

## ۳. روش پژوهش

روش تحقیق در این مقاله، ترکیبی از عقلی برهانی (تحلیل ادله عقلانی) و نقلی و حیانی (تحلیل دلالتی متنی و فرامتنی آیات و روایات؛ در برابر نقلی تاریخی) است و گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از نرم‌افزارهای مرتبط بوده و داده‌پردازی متن پژوهش، به شیوه تحلیل محتواست.

## ۴. معناشناسی واژگان کلیدی

در آغاز هر پژوهشی، گزارش کوتاهی از معانی لغوی و اصطلاحی واژگان تحقیق بایسته

است:

### ۱. خود

«خود» ضمیر مشترک میان گوینده و مخاطب و غائب است و همیشه مفرد می‌آید: «من خودم آمدم، تو خودت آمدی، او خودش آمد» (دهخدا، ۱۳۲۸ش، ج ۲، ص ۸۴۰). و در معانی «شخص و ذات و وجود» (معین، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۴۵۲) و «نفس و خویش و خویشتن و نقیض غیر و بیگانه» (دهخدا، ۱۳۲۸ش، ج ۲، ص ۸۴۱-۸۴۹). به کار می‌رود. خود در زبان عربی با واژه نفس و در زبان انگلیسی با واژه self بیان می‌شود.

معنای اصطلاحی در دو عرصه بیان می‌گردد:

أ. خود در اندیشه غیرمسلمانان

بر اساس بینش مادی‌گرایانه، خود امری مادی است که از مجموعه دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها و تفکراتی تشکیل یافته که در طول زندگی فرد پدید می‌آیند و دچار تغییر و تأثر شده و در برخی حالات از بین می‌رود. (ارانی، ۱۳۵۷ش، ص ۱۳۹، ۱۴۰؛ دریابندری، ۱۳۶۹ش، ص ۱۷۰). برخی چنین نگاه‌شده‌اند: «دو جنبه "خود" را باید از هم تشخیص دهیم: "خود مؤثر" و "خود متأثر". غرض از "خود مؤثر" عبارت از هیكلی است که من آن را خود می‌دانم و غرض از "خود متأثر" من خودم هستم که از وجود خود اطلاع دارم. خود مؤثر نتیجه جمیع شرایطی است که آن را پدید آورده است.» (ارانی، ۱۳۵۷ش، ص ۱۳۹)

ب. خود در اندیشه مسلمانان

«خود در اندیشه اسلامی موجودی متشخص و ثابت و باقی است و در هیچ یک از حالات و عوارض قابل تعدد و تکثر و تفاسد نیست.» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۲۳).

علامه شهید مطهری رحمته‌الله می‌نویسد:

انسان اموری را به خودش نسبت می‌دهد و منسوب را غیر از منسوبِ إلیه می‌داند و از راه وحدت (هر کسی تشخیص می‌دهد که در گذشته و حال یکی است نه بیشتر.) و از راه عینیت<sup>۱</sup> تشخیص می‌دهد که من عین همان هستم که بودم نه غیر آن. ثابت می‌شود که

آنچه انسان آن را حقیقت خود می‌شناسد، حقیقتی وُحدانی است که از ثبات و استمرار برخوردار است و هرگز متغیر و متعدد نمی‌شود و آنچه دچار تغییر و تأثر و انفعال می‌شود از حالات و عوارض خود است، پس هیچ یک از اعضای ظاهری و محسوس بدن یا اعضای باطنی که به وسیله حس و تجربه به وجود آن‌ها پی می‌بریم نمی‌توانند عنوان «خود یا من» را به خود اختصاص دهند، زیرا با پذیرش آن‌ها در قالب خود ناچار خواهیم شد کسانی را که فاقد حس یا عضوی هستند، به ناقص بودن «خود» متهم کنیم و «خود» آن‌ها را معیوب بدانیم. (مطهری، ۱۳۷۴ش، ج ۶، ص ۱۴۶).

### ج. خود در اصطلاح قرآن

خود در اصطلاح قرآن کریم همان چیزی است که از آن به نفس تعبیر شده و حقیقت و هویت واقعی انسان را تشکیل می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸ش، ص ۳۲). و مراتب و درجات مختلفی دارد که عبارتند از: نفس امار به سوء، (یوسف / ۵۳). نفس مسؤل، نفس لوام، (قیامت، ۲). نفس مطمئن. (فجر، ۲۷).

## ۲. از خود بیگانگی

«از خود بیگانگی» اصطلاحی شایع و ترجمه «الیناسیون = Alienation» است. برخی این واژه را «گرفتار بیگانه شدن» و «بیگانه زده شدن» ترجمه می‌کنند. (سروش، ۱۳۸۸ش، ص ۴۱۵). این ترکیب در هر علمی، معنای خاصی را می‌رساند که با گذشت زمان، توسعه پیدا کرده و در جامعه شناسی و روان شناسی و فلسفه و روان پزشکی کاربرد دارد و به حالت برآمده از اختلال روانی یا روانی بودن گفته می‌شود. (دریابندی، ۱۳۶۹ش، ص ۲-۳؛ مطهری، ۱۳۷۴ش، ج ۱۳، ص ۵۵۸؛ مطهری، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۴۹۶).

تعبیر دقیق و عمیق قرآنی و روایی آن «خود فراموشی» است: (وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ) (حشر/ ۱۹) و (أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ). (بقره/ ۴۴) خدای سبحان در آیاتی چند به آن هشدار داده و همگان را به هوشیاری و مراقبت فرامی‌خواند: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ). (حشر/ ۱۸، ۱۹؛ مائده/ ۱۰۵).

علامه جعفری رحمته الله علیه از خودبیگانگی را فقدان خود یا بعضی عناصر خود تعریف می‌کند؛ یعنی عوامل رباینده‌ای که انسان را از خودش بیگانه و محروم می‌سازند؛ سپس آن را به از خودبیگانگی منفی و مثبت قسمت می‌کند و با نظر به کیفیت و عوامل از خودبیگانگی منفی، چند معنای عمده برای آن بیان می‌کند: جهل و ناآشنائی با خود؛ خودباختگی (خود را در دیگران دیدن)؛ انکار خود؛ زیستن با خود مجازی به جای خود حقیقی؛ هضم نکردن قدرت‌ها و امتیازاتی که در خود وجود دارد.

در پایان، از خودبیگانگی مثبت را قرار گرفتن در مسیر تحولات منطقی خویش می‌داند و آن را با نظر به سمت و مقصد، دو گونه می‌داند: مقصد طبیعی و معمولی؛ گذرگاه تکامل. (جعفری، ۱۳۵۸ش، ج ۱، ص ۱۱۲).

آری این اصطلاح در جنبه مثبتش، به معنای «وارستن از خود» است، از این رو به معنای خَلْسَه یا وجد و حال عرفانی به کار می‌رود؛ یعنی سیر به سوی غایت هستی، فنای کامل دراو، کامل شدن خود. (ابن العربی، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۶).

### ۳. فرهنگ

این واژه ترکیبی است از «فر، پیشوند + هنگ» از ریشه «ثنگ» اوستائی به معنای کشیدن است که مفهوم تعلیم و تربیت، دانش و ادب را می‌رساند. (دهخدا، ۱۳۲۸ش، ج ۳۷، ص ۲۲۶). همچنین به معنای «مجموعه آداب و رسوم» آمده است. (معین، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۲۵۳۸).

در اصطلاح جامعه‌شناسی (رک: آشوری، بی تا، ص ۱۱۲). فرهنگ را می‌توان به عنوان مجموع ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی اکتسابی اعضای یک جامعه تعریف کرد. (کوئن، ۱۳۷۴ش، ص ۵۹ و ۱۳۸۵ش، ص ۳۹). واژه تعیین کننده در این تعریف، اکتسابی بودن است که فرهنگ را از رفتاری که نتیجه وراثت زیست‌شناختی است، به روشنی جدا می‌سازد.

شاید جامع‌ترین تعریف فرهنگ از «ادوارد تایلر» است: «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای



است که در برگزیده دانستنی‌ها و اعتقادات، هنرها و اخلاقیات، قوانین عادات و هرگونه توانائی دیگری است که به وسیله انسان، به عنوان عضو جامعه، کسب شده

است. (Braun, D. D. Sociology. P. P. 18 – 26 – 29)

«گی روشه» فرهنگ را مجموعه به هم پیوسته‌ای از شیوه‌های تفکر و احساس و عمل می‌داند که کم و بیش مشخص بوده و شمار بسیاری آن را فرامی‌گیرند و میان آنان مشترک است و به دو شیوه عینی و نمادین به کار می‌رود تا این اشخاص را به جمع خاص و متمایزی مبدل سازد. (روشه، گی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی، ص ۱۱۶).

«مارتین» فرهنگ را به مجموعه و ذخیره‌ای از اطلاعات تعریف می‌کند؛ اطلاعاتی که گروه سازماندهی کرده است و در قالب الگوهای مشخص از قوانین و اعتقادات، ارزشها و سمبلها مورد استفاده قرار می‌گیرد تا به زندگی معنا بخشد. (رفیع پور، فرامرز، آنا تومی جامعه، ص ۲۹۷).

تعریف برگزیده از فرهنگ: مجموعه‌ای از بینش‌ها و گرایش‌ها، ارزش‌ها و ضد ارزشها، آداب و رسوم اکتسابی یک جامعه است که سبب تمایز آن جامعه می‌شود.

در قرآن کریم، از فرهنگ، به مفهوم مصطلح آن تعبیری یافت نمی‌شود؛ ولی به طور کلی به زبان قوم: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» (ابراهیم / ۴): ما پیامبران را نفرستادیم، مگر با زبان قوم خودشان سخن بگویند. یا حکم جاهلیت: «أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ» (مائده / ۵۰): چرا حکم جاهلیت را می‌جوئید؟ برای گروه باورمند، حکم چه کسی از حکم خدا بهتر است؟ و در آیات بسیاری، سنت گذشتگان و آداب و رسوم آن‌ها را یادآوری کرده است: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَاسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَدِّبِينَ». (آل عمران / ۱۳۷).

یادسپاری: منظور از صفت «بیگانگی» در واژه ترکیبی «ازخودبیگانگی فرهنگی»، جدائی از فرهنگ خودی است؛ یعنی همان فرهنگ توحیدی که خاستگاه اصلی اش آموزه‌های وحیانی است. فرهنگ خودی توحیدی و فرهنگ بیگانه شرک‌گرایانه، چون سیاهی

و سفیدی، قابل جمع نیستند. شناسه‌های فرهنگ خودی را می‌توان در سه محور دسته‌بندی کرد: بینشی و معرفتی؛ گرایشی و اخلاقی؛ کنشی و رفتاری.

#### ۴. انقلاب در لغت و اصطلاح

واژه انقلاب در زبان عربی بر وزن «انفعال» و به معنای دگرگونی و دگرگونی پذیری آمده است: «انْقَلَبَ يَنْقَلِبُ اِنْقِلَابًا»: دگرگون شد، واژگون شد، مراجعت کرد» (بندرریگی، ۱۳۵۷، ج ۲، ۱۴۹۵). «انْقَلَبَ اِنْقِلَابًا الشَّيْءُ» آن چیز دگرگون شد. (جُر، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۷۱). انقلاب در زبان فارسی عبارت است از: «بازگردیدن، تحول، بازگردانیدن، تقلب، انعکاس و غیره» (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۰۷۴)؛ «برگشتن از حالی به حالی، دگرگون شدن، واگردیدن و برگشتن» (معین، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۸۷)؛ همچنین به معنای «زیر و رو شدن، تغییر وضع، دگرگونی و ناآرامی و بی قراری» (انوری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۲۷). وجه مشترک در معنای پیش بیان شده، برگشتن از حالتی به حالت دیگر، دگرگونی و تغییر یافتن است.

این واژه در زبان عربی در اصطلاح سیاسی به معنای مصطلح امروزی است: «الانقلابُ فی السَّیاسة: سرنگون کردن یک حکومت و رژیم از راههای غیر سیاسی و با قوه قهریه» است. (بندرریگی، ۱۳۵۷، ج ۲، ۱۴۹۶).

انقلاب در معنای مصطلح و عرف سیاسی عبارت است از: «براندازی طبقه حاکم با قصد و عمد و با توسل به خشونت به دست طبقه‌ای دیگر که توده‌های مردم را بر ضد نظام موجود بسیج می‌کند» (رابرتسون، ۱۳۷۵، ص ۳۸). برخی، انقلاب را یک دگرگونی سریع، بنیادین و خشونت آمیز داخلی در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، فعالیت‌های حکومتی و سیاست‌های آن تعریف کرده‌اند (هانتینگتون، ۱۳۷۰، ص ۶۸).

در نگاه‌اندیشمندان اسلامی، انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یا یک سرزمین علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظامی مطلوب (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۲۳).

با توجه به تعاریف بیان شده، بدست می آید که انقلاب در عرف سیاسی، حرکتی است همراه با طغیان و خشونت و حرکات قهرآمیز که در اثر نارضایتی مردم از نظام حاکم و به منظور اصلاح وضعیت موجود مملکت در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره صورت می گیرد.

### سوم. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در تبیین عناصر نقش آفرین در بدنه مقاله باید به دو موضوع مهم پرداخته شود:

#### یکم. عوامل گرایشی از خودبیگانگی فرهنگی

در تبیین و تحلیل عوامل گرایشی از خودبیگانگی فرهنگی به سه عنوان اشاره می شود:

#### روحیه رفاه طلبی و تجمل گرایی

«اتراف» یعنی سرگرم شدن به لذات دنیا. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۱۱۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۶۶.) «مترف در نرمی زندگی، غوطه ور است؛ به خود وانهاده شده و هر کاری می کند و در استفاده از لذت های دنیوی و شهوات آن، دستش باز است.» (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۶۲۶.) مترفان همان قدرتمندان اقتصادی هستند که با حفظ پایگاه ثروت، به جهان سیاست هم وارد می شوند. عنصر مشترک در این قشر، ثروت و ابزار به دست آوردن آن است. این گروه با تمایل به رفاه طلبی و تجمل گرایی، جامعه را از فرهنگ الاهی و رهاورد پیامبران، منحرف و زمینه گسست از فرهنگ اصیل اسلامی را فراهم می کنند.

قرآن حکیم «اتراف» را از عوامل انحطاط جوامع می شمارد: (وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ) (سبأ / ۳۴-۳۵) « و ما در هیچ شهری، بیم دهنده ای نفرستادیم مگر که کامرانان آن شهر گفتند: ما منکر پیام رسالت شمائیم و گفتند: ما دارائی و فرزند بیش تری داریم و ما را عذاب

نخواهند کرد.» و (وَ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَ اتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَ يَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ) (مؤمنون / ۳۳) «و سرکردگان از قوم او که کفر ورزیده و لقای جهان واپسین را دروغ شمرده بودند و ما در زندگانی این جهان به آنها رفاه بخشیده بودیم گفتند: این (پیامبر) جز بشری مانند شما نیست، از آنچه می‌خورید می‌خورد و از آنچه می‌آشامید می‌آشامد.»

آیه نخست درباره اشراف قوم عاد است که بر اثر انکار مبدأ و معاد، یکسره به دنیا روی آوردند و از هوای نفس پیروی کردند، چون دعوت پیامبران با دنیاطلبی و افسار گسیختگی آنان در تضاد بود، از این رو خود و مردم را به گمراهی کشانده و به توهین و تحقیر پیامبرشان پرداختند: (ما هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَ يَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ) (مؤمنون / ۳۳) « این (پیامبر) جز بشری مانند شما نیست، از آنچه می‌خورید می‌خورد و از آنچه می‌آشامید می‌آشامد.»؛ یعنی او مانند دیگر مردم است که می‌خورد و می‌آشامد! با این سخن، خود و جامعه را به سمت حیوانیت کشانند که فضیلت و کمالی جز خوردن و آشامیدن و لذت‌بری ندارد و از هویت انسانی و الهی خود بیگانه ساختند و از مسیر سعادت و تکامل باز داشتند. (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۳۱). قرآن کریم می‌فرماید: (وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا) (اسراء / ۱۶) « و چون بر آن شویم که (مردم) شهری را نابود گردانیم، به کامروایان آن فرمان می‌دهیم و در آن نافرمانی می‌ورزند، پس (آن شهر) سزاوار عذاب می‌گردد، آنگاه یکسره نابودش می‌گردانیم.» از خصوصیات بارز مترفان، تمرّد از دستورهای الهی است. آنان با پدید آوردن نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، روابط سالم اجتماعی را خدشه‌دار می‌کنند و عامل مستقیم یا غیر مستقیم انحرافاتمانند سرقت و ربا‌دهی و رشوه‌خواری و گرانفروشی و ... می‌شوند، از این رو زمینه فساد و انحراف و در نهایت هلاکت خود و جامعه را فراهم می‌آورند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ص ۳۹۱).

در آیه دیگری می‌فرماید: (وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ

تُشْكِرُ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا (قصص/۵۸) «و چه بسیار شهرهائی را نابود کردیم که (مردم آن‌ها) در زندگی خویش سرمستی می‌کردند و این خانه‌های آن‌هاست که جز اندکی، خالی مانده است». «بطر» به معنای طغیان برآمده از نعمت است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۲۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۶۸). آیه به نابودی اجتماعی اشاره دارد که بر اثر میگساری و نشناختن نعمت‌ها و بجای نیاوردن شکر سلامت جسم و جان خویش، خدای قهار آنان را پیش چشم کودکان خویش به هلاکت رساند و در پی این خوشگذرانی و اشرافیت، دچار نابودی و انقراض ساخت. (قشیری، بی تا، ج ۳، ص ۷۴؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۶۱).

انسان به مقتضای طبع اولی خویش آسایش جوست. (قیامة/۵). طبع انسان‌ها از راحتی‌ها و خوشی‌ها لذت می‌برد و با دیدن آن‌ها در دنیای فریبنده- به ویژه در فضای مجازی- به راحتی تسلیم آن‌ها شده و خط و خال زیبای دنیا، او را به استفاده بیشینه از نعمت‌ها و لذت‌ها وادار می‌سازد. در پی این هواخواهی و زیاده‌طلبی روز افزون، از ارزش‌های انسانی و فرهنگ متعالی اسلام بیگانه‌تر می‌شود.

### روحیه اعتمادورزی به دشمن

دلبستگی و وابستگی به بیگانه، روح پیشرفت را از جامعه می‌گیرد و رکود و عقب‌ماندگی، تن‌پروری و ذلت را جایگزین آن می‌کند. خدای سبحان، پیامبر اعظم ﷺ و مسلمانان را از گرایش به بیگانگان نهی می‌کند: (وَ لَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمَسَّكُمْ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ) (هود/۱۱۳). «رکون» به نوعی اعتماد و وابستگی گفته می‌شود که برخاسته از میل باشد. با توجه به سیاق آیات، روشن می‌شود که مراد از ظالمان، کافران و مشرکان و هر ستمگری است که از پذیرش آئین توحیدی سرباز زده و از گسترش آن جلوگیری می‌کند و مؤمنان را به دلیل باورها و ارزش‌هایشان، مورد آزار و شکنجه قرار می‌دهد.

در دین اسلام، نظام‌های اجتماعی و سیاسی که مبتنی بر فرهنگ اسلامی نباشند و

حاکمانی که بر مبنای معیارهای اسلامی سر کار نیامده و عمل نمی‌کنند، «غاصب» و «طاغوت» شمرده می‌شوند. (نساء/۶۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق؛ ج ۸، ص ۲۹۶، ح ۴۵۶؛ ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۳۰). در فقه اسلامی، بحث گسترده‌ای درباره «اعانت بر اثم» و «معاونت ظلمه» بیان شده که نشان از زشتی و سنگینی گناه یاری کردن ستمگران دارد. کمک به آنان سبب تسلط بر جامعه اسلامی می‌شود. در قرآن مجید روی این اصل تکیه شده است: (وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ) (مائده/۲).

معصومان علیهم‌السلام نیز همواره نسبت به این نظام‌ها و حاکمان جور، موضع منفی داشته و با آنان درگیر بودند و به همین دلیل نیز به وسیله آنان مسموم و شهید شدند. آن بزرگواران از هرگونه همکاری با آنان نهی کرده‌اند، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱ ص ۳۷۳، ح ۹ و ۱۰). چون این‌گونه مراجعات، به رسمیت شناختن آنان را در پی دارد و به مرور زمان مشروعیت آن‌ها را نهادینه می‌کند، در نتیجه، سبب گسستن از فرهنگ توحیدی می‌گردد.

### روحیه فرمان‌گریزی از حکومت دینی

تشویق به نافرمانی مدنی، یعنی نوعی اعتراض به سیاست‌های حکومت و تبلیغ برای ناکارآمد جلوه دادن حکومت دینی و کارشکنی و ترغیب به مخالفت و زیر پا گذاشتن قوانین الهی است. (آخوندی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۱۸). در میدان جنگ نرم، جامعه ایمانی و مؤمنان الهی و جامعه الحادی و دشمنان دین خدا در دو سوی جبهه قرار دارند، در این نبرد ناپیدا، دشمن در قالب دوست و خیرخواه و با لطائف الحیل ظاهر می‌شود. قرآن مجید در این زمینه می‌فرماید: (وَ قَاتِمَهُمَا إِنَّي لَكُمَا لِمِنَ النَّاصِحِينَ) (اعراف/۲۱) «و برای آن دو، سوگند خورد که من از خیرخواهان شمایم.»

دشمن در این عملیات روانی از ابزارها و شگردهای مختلف کمک می‌گیرد: تحقیر مؤمنان مطیع حاکم دینی (هود/۲۷). و تضعیف باورهای دینی (احزاب/۱۲). تمسخر (نساء/۱۴۰؛ توبه/۶۵). و ایجاد روحیه نافرمانی میان مردم نسبت به حکومت دینی. رهبری عامل وحدت و هوشیاری در برابر شگردهای فرهنگی دشمن است که تضعیف آن،

زمینه از هم گسستگی و انحطاط جامعه را فراهم می‌آورد. علی علیه السلام جایگاه رهبر را، بسان رشته‌ای می‌داند که دانه‌ها را به هم پیوند می‌دهد و هرگاه آن رشته بگسلد، دانه‌ها پراکنده گشته و هرگز یکجا جمع نخواهند شد. (شریف رضی، خ ۱۴۶).

نمونه دیگرش مخالفت بنی اسرائیل با انتخاب طالوت است: (وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ) (بقره/۲۴۷). «پیامبرشان به آنان گفت: خدا طالوت را برای زمامداری شما گمارده است، گفتند: چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او سزاوارتریم و او ثروت فراوانی ندارد».

آنان که معیار شایستگی را ثروتمندی و امتیازات قومی می‌دانستند، امارت طالوت را نمی‌پذیرفتند. علامه طباطبائی رحمته الله علیه می‌نویسد: «بنی اسرائیل از دو جهت به انتخاب طالوت، به عنوان زمامدار اعتراض داشتند: أ. خاندان نبوت و سلطنت، دو دودمان از هم جدا بود و اهل آن دو همواره به آن فخر می‌کردند و طالوت از هیچ یک از این دو خاندان نبود، به همین جهت گفتند: او کجا و سلطنت کجا؟ ما به سلطنت سزاوارتریم، چون هم از دودمان نبوتیم، هم از دودمان سلطنت. ب. نداشتن ثروت انبوه؛ از نگاه آنان کسی که از مال فراوان بی‌بهره باشد، حق سلطنت و حکومت ندارد.» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۸۶).

فرهنگ بیگانه همان فرهنگ خداستیزی و گرایش به شرک و دنیاپرستی، داشتن آزادی‌های لجام گسیخته، جدائی دین از سیاست، گسترش فساد و فحشا و بی‌بندباری، گسترش خرافات و بدعت‌ها، و گرایش به فرهنگ جاهلی و ناهنجاری‌هاست. (آخوندی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۴۶).

## دوم. راهکارهای گرایشی از خود بیگانگی فرهنگی

پس از تبیین عوامل گرایشی از خود بیگانگی فرهنگی، به تحلیل راهکارهای گرایشی مقابله با این معضل می‌پردازیم:

### تقویت روحیه تقوآمداری و شکیبائی

از راهکارهای مهم در جبهه جنگ نرم و مقابله با از خودبیگانگی فرهنگی، تقویت روحیه تقوآمداری و شکیب‌ورزی است. اصلی که در بیانیه دوم انقلاب از آن به عامل جذب دل‌های مستعد و نورانی جوانان یاد می‌کند و آن را سودبخش فضای جامعه و دین می‌داند.

تقوا از ریشه «وق ی» (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ماده «وق ی».) به معنای نگهبانی از چیزی است که می‌تواند مایه آزار باشد؛ یعنی حفاظت خویشتن از چیزی که می‌ترسی. در اصطلاح شریعت غالباً به معنای نگهداشتن نفس از گناه به کار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ماده «وق ی».)

قرآن کریم، تقوا را بارها و همراه با تأکید به مؤمنان سفارش می‌کند که سبب نجات از آسیب‌های فردی و اجتماعی می‌گردد: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتُنظُرْنَ نَفْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ) (حشر، ۱۹ و ۱۸). برخی مفسران چنین نگاشته‌اند: مقصود از امر به تقوا در مرتبه نخست، دوری از انجام محرمات و ترک واجبات است و تکرار آن خواهان بازنگری و مراقبت اعمال، توأم با تقواست، (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۱۸). زیرا ممکن است انسان در این بازنگری اعمال نیک و بدش، با نگاه به اعمال نیکش، دچار غفلت و خودفریبی شود.

صبر توأم با تقوا، زمینه تفکر و تصمیم‌گیری حکیمانه را فراهم می‌آورد، زیرا در شرائط التهاب و اضطراب، امکان ارزیابی درست از اوضاع و تبیین مسائل وجود ندارد. از سوی دیگر، تصمیم‌گیری و عمل عجولانه در برابر دشمن، رویکرد به هدف دشمن است.

پایداری قوی‌ترین یاور رکن انسان در شدائد است و به فرد فرصت درست اندیشیدن و گزینش بهترین تصمیم را هنگام هجوم افکار پریشان و صحنه‌های هولناک می‌دهد، (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۹۶). از این رو خدای سبحان می‌فرماید: (وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ) (انفال / ۴۶).

قرآن مجید بهترین و استوارترین راه ایمنی در برابر آسیب‌ها و توطئه‌های دشمن را



داشتن روحیه تقوامداری و شکیبائی می‌داند: (وَ لَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيراً وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ) (آل عمران/۱۸۶). و از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب (آسمانی) داده‌اند و از کسانی که شرک ورزیده‌اند، (سخنان دل) آزار بسیار خواهید شنید و اگر شکیبائی و تقوا پیشه کنید، بی‌گمان این مهم از کارهائی است که آهنگ آن می‌کنند.»

بر اساس این آیه که اخبار قبل از وقوع است، خدای سبحان مؤمنان را به تقوا و صبر جمیل سفارش می‌کند، نه تحملی که از روی خواری باشد و این امر را زمینه آمادگی بیش‌تر و مانع لغزش و سستی آنان در برابر خطرات دشمنان می‌داند. (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۸۴؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ج ۶، ص ۱۱۸).

تقوامداری یعنی در فضای ناهنجار فرهنگی، تمام تصمیم‌ها بر اساس خدامحوری باشد و از چارچوب قوانین الهی خارج نگردد. با مسخره کنندگان دین و مؤمنان همراه نشود، از رهبری دینی حمایت کند، به شایعات دامن نزند، از جاده عفت بیرون نرود، به سخنان گمراه کننده دشمن و بیگانگان گوش فراند و بدون تحقیق به افراد تهمت نزند. دشمنان می‌کوشند در جامعه اسلامی بذر گناه بکارند و جوانان را از فرهنگ اسلامی تقوامدار دور کنند، از این رو برای رعایت تقوا، صبر بر معصیت لازم است. (کلینی، ۱۴۰۷ق؛ ج ۲؛ ص ۹۱، ۱۴ و ۱۵؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۶). اگر انسان نتواند در برابر هوای نفس خود مقاومت کند، از جاده بندگی خدا خارج خواهد شد. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «کسی که تقوا پیشه کند، خدا راه خروج از فتنه‌ها و چراغ هدایتی در ظلمت‌ها را در اختیار او قرار می‌دهد.» (شریف رضی، خ ۱۸۳).

## ۲. تقویت روحیه خودباوری

دشمن همواره با ایجاد ترس و تضعیف روحیه نیروهای مؤمن و انقلابی، می‌کوشد به اهداف شوم خود دست یازد. راه مقابله با آن، تقویت روحیه خودباوری در افراد جامعه، به ویژه مسئولان است، عاملی که در بیانیه گام دوم انقلاب از آن به مایه‌ی سربلندی ایران و

ایرانی و جوانمردی و مروّت انقلابی، نام برده شده است.

انبیای الهی از راه‌های مختلف در تقویت روحیه طرفداران حق و مخالفان نیز در تضعیف آن می‌کوشید. پیامبر اعظم ﷺ در جنگ احزاب، برای تقویت روحیه لشکریان اسلام سخنرانی کرد؛ ولی منافقان برای تضعیف روحیه مؤمنان، پیامبر ﷺ را به فریب دادن نیروها متهم کردند: (ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا).<sup>۱</sup> احزاب/۱۲ «گفتند: خدا و پیامبرش به ما جز وعده فریبنده نداده‌اند!»

از دیگر نمونه‌های تقویت روحیه مسلمانان در همین جنگ، دادن وعده پیروزی هنگام حفر خندق بود. (حمیری، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۶). قرآن حکیم در زمینه تقویت روحیه مسلمانان می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا) (احزاب/۹). «ای مؤمنان! نعمت خدا را بر خویش به یاد آورید هنگامی که سپاه‌یانی بر شما تاختند و ما بر آنان بادی و (نیز) سپاه‌یانی را فرستادیم که آنان را نمی‌دیدید و خدا بیناست به آنچه انجام می‌دهید.»

همچنین به امت اسلامی روحیه می‌دهد که با ایمان قوی، بیست نفر صابر بر دویست نفر و صد نفر بر هزار نفر پیروز می‌گردد. (انفال/۶۵). در پی شکست مسلمانان در جنگ احد آیه نازل شد و آنان را به مقابله با دشمنان فراخواند و از هرگونه سستی و ابراز ناتوانی باز داشت، زیرا مسلمانان با دیدن لشکر مشرکان، روحیه خویش را از دست داده بودند: (وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (آل عمران/۱۳۹). «وهن» یعنی سستی و ضعف است، روحی یا جسمی، در رفتار و عمل یا در ایمان و اراده باشد. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ماده «وهن»).

خدای سبحان به آنان هشدار می‌دهد که نباید با دیدن وضع موجود از پیروزی نهائی ناامید شوند و در تعلیل آن می‌فرماید: اگر شما مسلمانان ایمان داشته باشید، نباید در عزم خود سست و اندوهناک گردید، زیرا ایمان با برتری شما همراه است و به هیچ وجه ممکن نیست با حفظ ایمان خود، زبردست کافران روید، چون ایمان ملازم با تقوا و شکیبائی است و

ملاك فتح و ظفر نیز همین است. (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۷۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۶).

پیامبر اعظم ﷺ که از عالی‌ترین درجات توکل برخوردار بود، همواره می‌کوشید تا به اصحاب خویش خودباوری بیاموزد. یکی از یاران حضرت روزگار سختی را می‌گذراند. او قادر نبود هزینه‌های زندگی خویش را تأمین کند. با خود بارها فکر کرد که چاره چیست؟ به این نتیجه رسید که حال و روز خود را نزد رسول خدا ﷺ شرح دهد. روزی نزد ایشان رفت؛ اما پیش از آن که سخنی بگوید، پیامبر ﷺ فرمود: «هر کس از ما کمکی بخواهد، ما به او کمک می‌کنیم؛ ولی اگر کسی بی‌نیازی ورزد و دست حاجت دراز نکند، خدای توانا او را بی‌نیاز می‌سازد.» آن مرد این سخن را شنید و بی‌آنکه چیزی بگوید، به خانه برگشت. فضای مهیب فقر که بر خانواده‌اش سایه افکنده بود، او را برای بار دوم و سوم، محضر پیامبر ﷺ کشاند و هر بار همان سخن را شنید. آن صحابی پس از شنیدن‌های مکرر، در قلب خود احساس کرد که کلید مشکلش در همین جمله نهفته است. با خود اندیشید که چه کنم؟ وی تصمیم گرفت به صحرا برود و هیزم جمع کند و بفروشد. تیشه‌ای عاریه گرفت، هیزم‌ها را جمع کرد و فروخت و از دسترنج خویش غذائی تهیه کرد. روزهای دیگر به این کار ادامه داد تا تیشه و لوازم دیگری خرید. به تدریج توانست چندین غلام بخرد و سرمایه‌دار شود. (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۳۹، ح ۰۷).

روزی رسول اکرم ﷺ به او رسید و تبسم کنان فرمود: «هر کس از ما کمکی بخواهد، ما به او کمک می‌کنیم؛ ولی اگر بی‌نیازی بورزد، خدا او را بی‌نیاز می‌سازد.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۳۹، ح ۰۷).

خودباوری مقوله‌ای درونی و شخصی صرف نیست؛ بلکه دو گونه دارد: فردی و اجتماعی. «خودباوری ملی» از اموری است که دشمن آن را نشانه گرفته است، زیرا در صورتی که سلاح اعتماد از جامعه گرفته شود، خودباختگی سرنوست حتمی جامعه خواهد بود، از این رو می‌توان با طرح عمومی‌ترین نوع خودباوری ملی، جامعه را به داشته‌ها و

توانمندی‌های خود آگاه ساخت تا مردم نیروهای خود را پرورش داده و به فعلیت برسانند و در مسیر تمدن و فرهنگ و ارزش‌های جامعه گامی استوار بردارند.

ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان، یکی از مؤلفه‌های مهم در برابر دشمنان است چنانچه در بیانیه گام دوم انقلاب به آن تصریح شده است.

به هر حال، خودباوری ملی و مذهبی، همان‌طور که از اهمیت برخوردار است و مایه پیشرفت و تکامل فرد و جامعه است، از دست دادن آن نیز عامل و زمینه‌ای بس خطر آفرین در انحطاط و عقب‌ماندگی و از خودبیگانگی جامعه است، زیرا در صورت از دست دادن این سرمایه (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش، ص ۱۹۷). فرد و جامعه دچار نوعی ضعف و سستی و حقارت می‌شوند، خود را خوار و امکانات و نیروهای خود را ناچیز می‌شمرند و تمام هست و نیست خود را در دیگران می‌بینند و اراده خود را از دست می‌دهند و از مشکلات می‌هراسند.

از سوی دیگر، اگر انسان به جای اهمیت دادن به خویش و بهره‌وری از قوه تعقلی که خدای مٔان در او به ودیعت نهاده است، فقط به دیگران بنگرد و رفتار و گفتار آنان را سر مشق زندگی و ملاک امور خویش قرار دهد، با اندیشه دیگران کار خویش را سامان می‌دهد؛ اعتماد و اعتقادش به آنان وابسته می‌گردد و این امر زمینه شکست جبران ناپذیر او را فراهم می‌آورد، از این رو به از خودبیگانگی فرهنگی گرفتار می‌شود.

### تقویت روحیه دشمن‌شناسی و عزت‌مندی ملی

یکی از شاخص‌های اصلی مقابله با جنگ نرم، تقویت دشمن‌شناسی است. یک افسر جبهه جنگ نرم، باید دشمن را در همه ابعاد و عرصه‌ها بشناسد و موقعیتش را درک کند. خدای دانا در آغاز آفرینش انسان، به او درس دشمن‌شناسی می‌دهد: (فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لِرِجَالِكَ فَلَا يَخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى) (طه/۱۱۷) گفتیم: ای آدم! این (ابلیس) دشمن تو و دشمن همسر توست، مبادا شما را از بهشت بیرون براند که در سختی (افتی).

در بند ششم از بیانیه گام دوم انقلاب بر این سه امر یعنی؛ عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن تأکید شده است. هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه، همه ناشی از روحیه دشمن‌شناسی دقیق انقلاب اسلامی است.

قرآن مجید همواره بر سرسختی و مقابله با دشمنان تأکید دارد: (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ) (فتح/۲۹) محمد، پیامبر خداست و یاران راستین وی، بر کافران سختگیر، میان خویش مهربانند. مراد از (وَالَّذِينَ مَعَهُ) مؤمنانی است که به که در عمل همراه پیامبرند، نه معیت مکانی و زمانی؛ یعنی موحدانی استوارگام‌اند. (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۱۵؛ طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۱۲، ص ۲۱۹). یاران راستین رسول خدا ﷺ دو صفت متضاد دارند: «شدت» و «رحمت». مؤمنان واقعی کسانی‌اند که با دشمنان دین سرسخت و بی‌رحمند؛ ولی میان خودشان مهرورز و دلسوزند، هرگاه مؤمنی، دیگری را می‌بیند، او را در آغوش می‌گیرد و با او مصافحه و معانقه می‌کند. (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۸۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۲۹۹).

قرآن کریم در جهت تقویت دشمن‌شناسی مؤمنان می‌فرماید: دشمن‌ترین دشمن مؤمنان، یهودیان و مشرکان هستند: (لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا) (مائده/۰۸۲). بر این اساس، زیربنای روحیه دشمن‌ستیزی، تقویت دشمن‌شناسی است. دشمنان در گرایش‌ها و رفتارهای خود، از نقاط ضعف برخوردارند و پیوسته می‌کوشند آن‌ها را از دید جهانیان بپوشانند. دشمن‌شناسی زمینه به چالش کشیدن دشمن را فراهم می‌آورد، از این رو برای مقابله با دشمن باید نقاط ضعف و قوت او را شناخت. به چالش کشیدن بت پرستان، از سوی حضرت ابراهیم علیه السلام اهمیت شناسائی نقاط ضعف دشمن و چگونگی مقابله با فرهنگ غرب و دشمنان را به ما می‌آموزد. (شعراء/۶۹-۷۶).

#### ۴. تقویت روحیه امید به آینده و فرهنگ انتظار

ادامه هر راهی با امید شدنی است. قرآن حکیم همواره جامعه اسلامی را به امیدواری به وعده‌های الهی فرامی‌خواند و وعده قطعی پیروزی می‌دهد: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) (توبه/۳۳). اوست که پیامبرش را با رهنمود و دین راستین فرستاد تا آن را بر همه دین‌ها برتری دهد؛ گرچه مشرکان نپسندند. برخی روایات تفسیری، این آیه را ناظر به زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۳۸).

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در جنگ احزاب، برای تقویت روحیه سپاهیان اسلام به آنان وعده یاری داد و به ایراد سخن پرداخت؛ ولی منافقان برای تضعیف روحیه مؤمنان، حضرت را به فریب دادن نیروها متهم کردند و گفتند: (ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا). (احزاب/۱۲).

سلمان فارسی رضی الله عنه نقل می‌کند: «من در ناحیه‌ای از حفر خندق به سنگ بزرگی برخوردم که کار را دشوار ساخت. رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و کلنگ را از من گرفت و سه بار به آن زد که هر بار برقی از زیر کلنگ جهید. از حضرت پرسیدم: ای رسول خدا! این برق چه بود؟ حضرت فرمود: خدا با برق نخستین، یمن و با برق دوم، شام و مغرب و با برق سوم، مشرق زمین را برای من فتح کرد.» (حمیری، بی تا، ج ۳، ص ۲۳۰).

بر این اساس، تقویت روحیه امید، می‌تواند بسیاری از سختی‌ها را آسان و ناگواری‌ها را گوارا و تلاش‌ها را برای رسیدن به یک هدف و آرمان مقدس، دوچندان سازد. امروز که دشمنان اسلام ناب، به رهبری استکبار جهانی و صهیونیسم بین الملل، به میدان آمده و انقلاب اسلامی را که پرچمدار اسلام ناب محمدی و عامل بیداری مسلمانان است، هدف هجوم قرار داده، تقویت روحیه امید به آینده اسلام و ترویج فرهنگ انتظار می‌تواند راهکار مهمی برای مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانگان باشد.

دمیدن روحیه امید و انتظار در کالبد جامعه، مانند نور خورشید، مایه حیات و شادابی، بویائی و تلاش می‌گردد. بر خلاف یأس و ناامیدی که سستی و ایستائی می‌آفریند، زیرا انسان

منتظر، به آنچه هست راضی و خشنود نیست؛ بلکه به شایسته‌ها و بایسته‌ها می‌اندیشد. قرآن مجید در این زمینه می‌فرماید: (وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ) (قصص ۵۱-۵۶) و برآنیم که بر آنان که در زمین ناتوان شمرده شده‌اند، نعمت بزرگ عطا کنیم و آنان را پیشواگردانیم و آنان را وارثان (روی زمین) کنیم و به آنان در این سرزمین توانائی بخشیم و با آنان به فرعون و هامان و سپاه آن دو، چیزی را نشان دهیم که از آن می‌هراسیدند.

این آیه، بشارتی برای همه آزادگان و خواستاران حکومت دادگر است. نمونه‌ای از تحقق این مشیت الهی، حکومت بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود و نمونه کامل‌ترش، حکومت پیامبر اعظم و یارانش پس از ظهور اسلام. (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۹). نمونه گسترده‌تر آن، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین به وسیله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه خواهد بود. (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۳۳).

### جمع بندی و نتیجه گیری

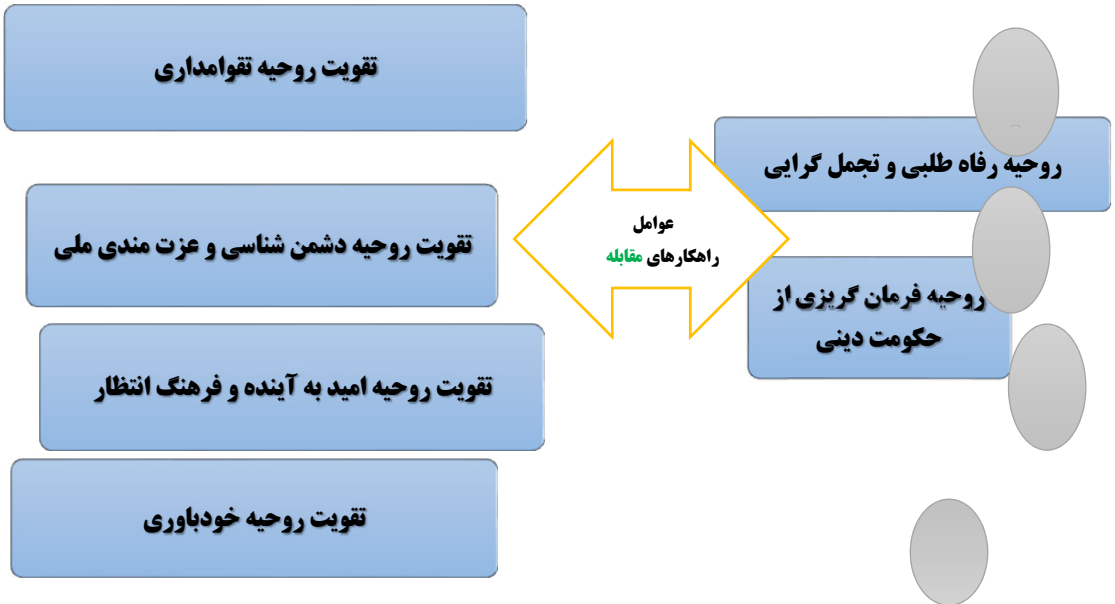
ایمان به مبدأ و معاد، تأثیر بسیار گسترده‌ای در رفتار آدمی دارد، از این رو زمینه مقابله و بازدارندگی از ناهنجاری‌ها و انحرافات را فراهم می‌آورد و مشوق بسیار مهمی برای رویکرد به ارزش‌ها و فرهنگ توحیدی به شمار می‌رود. در پی تحقیق از عوامل گرایشی بحران از خودبیگانگی فرهنگی جامعه و راهکارهای مقابله با آن به یافته‌ها زیر رسیدیم:

عامل اصلی از خودبیگانگی فرهنگی انقلاب اسلامی، رویکرد به جهان بینی الحادی و مادی گرایانه است که مبدأ جهان هستی را ماده می‌داند و بر این باور است که پس از مرگ، جهان دیگری نیست؛ یعنی نگرش مکاتب پوزیتیویستی و اگزیستانسیالیستی.

عوامل گرایشی از خودبیگانگی فرهنگی انقلاب اسلامی عبارتند از: روحیه رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی، روحیه اتکا و اعتماد به دشمن، روحیه فرمان‌گریزی از حاکمیت دینی.

راهکارهای رویارویی با آن‌ها بدین شرح است: تقویت روحیه تقوامداری و دشمن‌شناسی، تقویت روحیه خودباوری، تقویت روحیه امید به آینده و فرهنگ انتظار.

عوامل گرایشی از خود بیگانگی فرهنگی انقلاب اسلامی و راهکار های  
ستیز با فرهنگ بیگانه





## نمایه منابع

۱. قرآن کریم، مترجم موسوی گرمارودی، سید علی، تهران: انتشارات قدیانی، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ه.ش.
  ۲. صحیفه سجادیه، با ترجمه و شرح شعرانی، میرزا ابوالحسن، قم: انتشارات قائم آل محمد، ۹، چاپ ششم، ۱۳۸۶ ه.ش.
  ۳. نهج البلاغه، مترجم دشتی، محمد، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین ۷، چاپ سی و یکم، ۱۳۸۴ ه.ش.
- ## منابع فارسی
۱. آخوندی، مصطفی، و دیگران، جنگ نرم در قرآن و سنت، قم: پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق ۷ زمزم هدایت، چاپ اول، ۱۳۹۲.
  ۲. ارانی، تقی، پسیکولوژی، تهران: انتشارات آبان، چاپ دوم، ۱۳۵۷ ه.ش.
  ۳. آرت، هانا، انقلاب، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۴.
  ۴. آرون، ریمون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پیرهام، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ دوم ۱۳۵۴ ه.ش.
  ۵. آشوری، داریوش، تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ، تهران: نشر آگاه، بی تا.
  ۶. انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، ج ۱، تهران: نشر سخن، ۱۳۸۲.
  ۷. باتومور، تی.بی.، جامعه شناسی، ترجمه سید حسن منصور و سید حسن حسینی کلجاهی، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ سوم ۱۳۵۷.
  ۸. بندرریگی، محمد، المنجد، ج ۲، تهران: انتشارات ایران ۱۳۷۵.
  ۹. جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ یازدهم، ۱۳۵۸ ه.ش.
  ۱۰. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، جامعه در قرآن، ج ۱۷، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ ه.ش.

۱۱. —، تفسیر موضوعی قرآن کریم، حیات حقیقی انسان در قرآن، ج ۱۵، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ هـ. ش.
۱۲. حُر، خلیل، فرهنگ عربی به فارسی، ج ۱، ترجمه حمید طبیبیان، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۷.
۱۳. دریابندی، نجف، درد بی‌خویشتنی (بررسی مفهوم الیناسیون در فلسفه غرب)، تهران: نشر پرواز، چاپ اول، ۱۳۶۹ هـ. ش.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران ۱۳۲۸ هـ. ش.
۱۵. رجبی، محمود، انسان‌شناسی، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دهم، ۱۳۸۶ هـ. ش.
۱۶. رفیع‌پور، فرامرز، آناتومی جامعه یا سنه الله: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
۱۷. سبحانی، جعفر، منشور جاوید (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، قم: مؤسسه امام صادق ۷، چاپ اول، ۱۳۸۳ هـ. ش.
۱۸. سروش، عبدالکریم، قصه ارباب معرفت، تهران: موسسه فرهنگی صراط، چاپ هشتم، ۱۳۸۸ هـ. ش.
۱۹. عاملی، حشمت‌الله، مبانی علم سیاست، تهران، نشر ابن سینا، ۱۳۴۵ هـ. ش.
۲۰. قنادان، منصور و همکاران، جامعه‌شناسی واژگان کلیدی، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ اول ۱۳۷۵.
۲۱. کنیگ، ساموئل، جامعه‌شناسی، ترجمه: مشفق همدانی، تهران: امیر کبیر، چاپ سوم، ۱۳۴۶ هـ. ش.
۲۲. کوئن، بروس، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا، چاپ پنجم، ۱۳۸۵ هـ. ش.
۲۳. —، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی-رضا فاضل، تهران:

- انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۷۴هـ.ش.
۲۴. محسنی، منوچهر، مقدمات جامعه شناسی، تهران: انتشارات علامه طباطبایی، چاپ یازدهم ۱۳۷۳هـ.ش.
۲۵. مسترسن، پتریک، الحاد و از خود بیگانگی: بررسی خاستگاه‌های فلسفی الحاد معاصر، ترجمه سیدابراهیم موسوی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۹هـ.ش.
۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش محمد حسین اسکندری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱، چاپ ششم، ۱۳۸۷هـ.ش.
۲۷. —، پند جاوید (مشکات) ج ۱، نگارش علی زینتی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱، چاپ سوم، ۱۳۸۸هـ.ش.
۲۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۳، تهران: انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۷۴هـ.ش.
۲۹. —، یادداشت‌ها، ج ۴، تهران: انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۷۲هـ.ش.
۳۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۳هـ.ش.
۳۱. موریس دوورژه، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ اول ۱۳۵۸.
۳۲. هانتینگتون، ساموئل، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی تهران: نشر علم ۱۳۷۰.

### منابع عربی

۱. ابن العربی، محمدبن علی، الفتوحات المکیه فی معرفة الاسرار المالکیه و المکیه، بیروت: انتشارات دارالصادر، بی تا.
۲. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و

- الأحكام، قم: مؤسسة آل البيت: چاپ دوم، ١٣٨٥هـ. ق.
٣. ابن شعبه حرانى، حسن بن على، تحف العقول عن آل الرسول ٩، قم: جامعه مدرسين، چاپ دوم، ١٤٠٤هـ. ق. / ١٣٦٣هـ. ش.
٤. ابن فارس، ابو الحسين، احمد بن فارس بن زكريا، معجم مقائيس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، چاپ اول، ١٤٠٤هـ. ق.
٥. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدين، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، دار صادر، چاپ سوم، ١٤١٤هـ. ق.
٦. اصفهاني، حسين بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان: الدار الشامية، الطبعة الاولى ١٤١٢هـ. ق.
٧. بدوى، عبدالرحمن، موسوعة الفلسفية، بيروت: المؤسسة العربية للدراسات النشر، الطبعة الاولى، ١٩٨٤م، ٢ جلد.
٨. تميمي آمدى، عبد الواحد بن محمد، تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، قم: دفتر تبليغات اسلامى، چاپ اول، ١٣٦٦هـ. ش.
٩. ثعلبى نيشابورى، ابو اسحاق، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٢٢هـ. ق.
١٠. حسيني استرآبادى، سيد شرف الدين على، تأويل الآيات الظاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامى جامعهى مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول، ١٤٠٩هـ. ق.
١١. حميرى، عبدالملك بن هشام، سيرة ابن هشام، السيرة النبوية، بيروت: دارالمعرفة، بى تا.
١٢. صادقى تهرانى، محمد، البلاغ فى تفسير القرآن بالقرآن، قم: مؤلف، ١٤١٩هـ. ق.
١٣. —، الفرقان فى تفسير القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامى، ١٣٦٥هـ. ش.
١٤. الطباطبائى، محمد الحسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين، چاپ پنجم، ١٤١٧هـ. ق.

۱۵. الطبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، مؤسسه الهدی والنشر والتوزیع، ۱۴۱۷هـ.ق/۱۹۹۷م.
۱۶. طیب، سید عبد الحسین، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ش.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰هـ.ق.
۱۸. فیومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: مؤسسه دارالهجرة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۱۹. قشیری، عبد الکریم بن هوازن، لطایف الاشارات، تحقیق: ابراهیم بسیونی، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، چاپ: سوم بی تا.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دار الکتب، چاپ سوم، ۱۴۰۴هـ.ق.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷هـ.ق.
۲۲. لیشی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۶هـ.ش.

## عوامل فرهنگی و اخلاقی استکبارستیزی از منظر رهبر معظم

### انقلاب اسلامی عَلَيْهِ السَّلَام

جواد اسماعیل نیا<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

سمیه احمدی طیفکانی<sup>۲</sup>

فاطمه جاودان<sup>۳</sup>

#### چکیده

استکبارستیزی ایستادگی در برابر هرگونه رفتارهای مستکبرانه است که برخاسته از مخالفت‌های اسلام با هرگونه ستم‌پذیری است. اولین استکبارستیز خداوند است که مقرب‌ترین موجودات خود را به علت مستکبر بودن از خود طرد می‌کند. از آن جا که مقام معظم رهبری وظیفه‌ی هدایت و رهبری جامعه را عهده دار است و بصیرترین فرد نسبت به مسائل سیاسی، جهانی هستند به همین علت این مقاله از دیدگاه ایشان می‌باشد. در این

۱. دکتری وهابیت شناسی دانشگاه ادیان قم و سطح ۴ فقه و اصول، مدیر حوزه علمیه خواهران استان هرمزگان. s.ahmadi\_t@yahoo.com

۲. دانش آموخته سطح ۳ کلام اسلامی، مؤسسه آموزش عالی فاطمه معصومه ۱۱، معاون پژوهش حوزه علمیه خواهران هرمزگان. s.ahmadi\_t@yahoo.com

۳. طلبه سطح دو مدرسه علمیه الزهرا عَلَيْهَا السَّلَام، بندرعباس s.ahmadi\_t@yahoo.com

تحقیق به ارائه‌ی عوامل استکبارستیزی در عرصه فرهنگی و اخلاقی پرداخته شده است. ارائه‌ی این مطالب سبب می‌شود جامعه به ضرورت استکبارستیزی پی ببرد و به دلایل مبارزه با استکبار آشنا گردد. استکبارستیزی در عرصه‌ی فرهنگی با ترویج بی بند و باری، به انزوا کشاندن علم، ترویج تقلید گرایی... مردم را به ستیز و مقابله با خود برانگیخته است. مستکبران همچنین کارهای ضد اخلاقی همچون بدعهدی کردن، تهمت زدن، سوءظن ایجاد کردن و... هستند. این تحقیق از نوع توصیفی است و به روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلیدواژگان: استکبارستیزی، عوامل فرهنگی، عوامل اخلاقی، نهج البلاغه، بیانیه گام

دوم.

## مقدمه

استکبارستیزی به معنای نفی پذیرش هرگونه ظلم و ستم است. استکبارستیزی یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های انقلاب اسلامی و نزاع بین اسلام و کفر است که هرگز محدود به زمان خاصی نبوده و نیست. از آنجا که امام خامنه‌ای، رهبری فرزانه و دنیا شناس است که کشتی انقلاب را هدایت می‌کند و به مسائل مهم دنیا واقف است به همین دلیل این تحقیق از دیدگاه ایشان نوشته شده است. آحاد ملت مسلمان باید آگاه باشند و با بصیرت و بینش اسلامی حق را از ناحق تمییز داده و با تکیه بر قدرت نامحدود الهی در مقابل زورگویان جهان بایستند؛ در این میان رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای آمریکا رابزرگترین مصداق استکبار جهانی می‌دانند، از این رو مبارزه‌ی با این رژیم منحوس و ایستادگی در برابر زورگویی‌هایش، مصداق بارز مبارزه با ظلم و استبداد است.

قرآن کریم صف بندی میان دو جناح حق و باطل را در آیه‌ی ۷۶ سوره نساء آشکارا به تصویر می‌کشد: «الَّذِينَ آمَنُوا يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الظَّالِمِينَ فَقاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفاً»؛ آنان که ایمان آورده‌اند، در راه خدا می‌جنگند؛ و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت می‌جنگند. پس شما با یاران شیطان بجنگید که یقیناً نیرنگ و توطئه شیطان [در برابر اراده خدا و پایداری شما] سست و بی پایه است. رهبر انقلاب در مورد اهمیت استکبارستیزی می‌فرماید: امروز طاغوت اعظم در دنیا رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا است... در بسیاری از بخش‌های امت اسلامی ایمان به الله هست؛ اما کفر به طاغوت نیست. کفر به طاغوت لازم است. بدون کفر به طاغوت، تمسک به عروه‌ی وثقای الهی امکان پذیر نیست. در این تحقیق نیز بیشتر به جنایات آمریکا اشاره شده است.

کتابی تحت عنوان عوامل استکبارستیزی از دیدگاه امام خامنه‌ای یافت نشد. کتاب‌ها و مقالاتی با عنوان استکبارستیزی در قرآن، تبیین استکبارستیزی از منظر مقام معظم رهبر... پرداخته شده است. هدف در این تحقیق این است که با دیدگاه امام خامنه‌ای به



عواملی که ملت‌ها را به استکبارستیزی وا می‌دارد برشمارد و آن‌ها را تفصیل نماید. این تحقیق از نوع توصیفی و به روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

## ۱. عوامل استکبارستیزی در عرصه فرهنگی

عرصه‌ی فرهنگ، عرصه‌ی مهم و کلیدی است که استکبار برای ضربه زدن به ملت‌ها و نفوذ در آن کشورها در این عرصه اقدامات زیادی انجام داده است از جمله تلاش برای از بین بردن دین اسلام که از طریق اسلام‌هراسی، به راه‌انداختن اسلام‌التقاطی و اسلام‌آمریکایی، تهمت زدن به پیامبر و تحریر و انتشار کتاب آیات شیطانی انجام می‌گیرد. ترویج بی‌بند و باری که شامل ترویج برهنگی، ترویج لذت‌جویی و ترویج شهوت‌رانی است. تخریب کردن که شامل تخریب اعتقادات اعتقادات، تخریب جامعه‌ی روحانیت، تخریب جایگاه زن، تخریب بنیان خانواده است. به انزوا کشاندن علم که با پاشیدن بذری ایمانی در محیط‌های علمی و به تعطیلی کشاندن مدارس محقق می‌شود. تلاش برای زیر سلطه گرفتن فرهنگ ملت‌ها، تبلیغات دروغین که توجیه جنایات و دگرگون جلوه دادن حقایق مصادیقی از آن به شمار می‌آیند.

### ۱-۱. تلاش برای از بین بردن اسلام

یکی از کارهایی که مستکبران در زمینه‌ی فرهنگ انجام می‌دهند مبارزه با اسلام و از بین بردن آن است که موارد زیر مصادیقی از تلاش دشمنان برای رسیدن به این هدف است.

#### ۱-۱-۱. اسلام‌هراسی

پدیده‌ی هراس از اسلام از زمان ظهور دین اسلام سابقه داشته است. اگر چه امروزه گسترده‌تر شده است. مستکبرین از ترس اینکه با وجود اسلام منافعشان در معرض خطر باشد و اینکه جذب ملت‌ها به دین اسلام زیاد شود اسلام‌هراسی می‌کنند و اسلام را در دید همگان خراب می‌کنند. این مسئله مورد توجه رهبر بوده و می‌فرمایند: «سخن من با شما

درباره‌ی اسلام است و به طور خاص، درباره‌ی تصویر و چهره‌ای که از اسلام به شما ارائه می‌گردد از دو دهه پیش به این سو تلاش‌های زیادی صورت گرفته است تا این دین بزرگ، در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود. تحریک احساس رعب و نفرت و بهره‌گیری از آن، متأسفانه سابقه‌ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد» (پیام‌ها و نامه‌ها، پیام مهم رهبر انقلاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی، ۹۳/۱۱/۱، [https://farsi.khamenei.ir/message-  
content?id=28731](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=28731)).

در سوره‌ی توبه به کوشش مستمر بسیاری از عالمان اهل کتاب در بازداشتن مردم از اسلام آمده است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۳/۳۱۱): «و يُصَدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...» (توبه: ۳۴)؛ و (آنان را) از راه خدا بازمی‌دارند! یکی از کارهای فرهنگی استکبار، اسلام‌هراسی است برای اینکه مردم را از اسلام دور کنند، از هیچ‌گونه تبلیغاتی در این راه دریغ نمی‌کنند؛ بنابراین وظیفه‌ی ماست که در برابر مستکبرین ایستادگی کنیم.

## ۲-۱-۱. به راه‌انداختن اسلام التقاطی و اسلام‌آمریکایی

مستکبرین برای پیشبرد اهداف خود و ضربه زدن به اسلام از خود اسلام علیه اسلام استفاده می‌کنند، اسلام‌های تقلبی یعنی اسلام‌هایی که باب میل آن‌ها باشد درست می‌کنند و با تبلیغات مردم را فریب می‌دهند. رهبر انقلاب هم به خوبی به این مسئله اشاره فرموده‌اند: «به نام اسلام، دشمنان اسلام درپوشش اسلام با اسلام مقابله می‌کنند، همان تعبیری که امام بزرگوار ما فرمودند: اسلام‌آمریکایی، در مقابل اسلام ناب محمدی. اسلام‌آمریکایی اسلامی است که با طاغوت می‌سازد، با صهیونیسم می‌سازد، در خدمت هدف‌های آمریکا قرار می‌گیرد، ظاهر آن هم اسلام است، اسم آن هم اسلام است شاید بعضی از مراسم اسلامی را هم انجام می‌دهند؛... اما آنچه مسلم است؛ در جهت کلی قطعاً ۱۸۰ درجه در جهت مخالف اسلام حرکت می‌کنند» (بیانات در محفل انس با قرآن <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26828>، ۹۳/۴/۸).

به این مسئله در قرآن نیز اشاره شده است: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا...»

(بقره: ۲۰۵)؛ (نشانه آن، این است که) هنگامی که روی برمی گردانند (و از نزد تو خارج می شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می کنند. فساد معنوی منافقان به این است که چون اسلام ناب محمدی را مانع از تحقق خواسته های خویش می بینند چون به حکومت رسند، گام به گام و به تدریج به تحریف حقایق و معانی معارف و به ویژه تغییر احکام اقدام می کنند تا اسلامی ظاهر و میان تهی بماند و اسلامی که مرده و بی روح است و زمین هایی برای رویارویی با فاسدان و استعمارگران در آن نیست. پس از این جنایت عظیم فرهنگ های ابلسی و وارداتی جایگزین دین واقعی می نمایند (انصاریان، بی تا: ۶ / ۱۰۹). بنابراین یکی از راه های مبارزه با اسلام و از بین بردن این دین الهی که مستکبرین انجام می دهند به راه انداختن اسلام التقاطی و اسلام آمریکایی است؛ و این دلیلی برای اصرار بر استکبار ستیزی ما است.

### ۳-۱-۱. تهمت زدن به پیامبر ﷺ

دشمنان پیامبر چون با پیام پیامبر یعنی، پیام توحید، عدل و... و یا به طور کلی با اسلام مشکل داشتند سعی می کردند با تهمت زدن به پیامبر ﷺ، مردم را از جانب ایشان پراکنده کنند تا پیام ایشان که همان اسلام است مورد توجه مردم قرار نگیرد؛ و همچنین امام خامنه ای درباره این موضوع خاطر نشان کردند: «پیامبر را با انواع تهمت ها متهم می کردند. (بیانات رهبری در دیدار کاگزاران نظام، ۲۶ / ۸ / ۷۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2918>). بعد از چهل سالگی سیل دشمنی و کینه و تهمت و افتراء به پیامبر آغاز شد (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3424>، ۸۷ / ۱ / ۱).

خداوند در قرآن تهمت هایی را که دشمنان به پیامبر نسبت داده اند، آورده است: «كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ»؛ (ذاریات: ۵۲)؛ این گونه است که هیچ پیامبری قبل از اینها بسوی قومی فرستاده نشد مگر اینکه گفتند: او ساحر است یا دیوانه! همچنان (که تو را جادوگر و دیوانه خواندند) هیچ فرستاده ای قبل از پیامبر

(صلی الله علیه وآله) نیامد مگر اینکه گفتند: این جادوگر است یا دیوانه. (آموزگار، ۱۳۵۲: ۲ / ۴۶۱) و همچنین در سوره حجر آمده است: «وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ» (حجر/۶) وگفتند: «ای کسی که [ذکر] بر او نازل شده، مسلماً تو دیوانه‌ای! کفار گفتند ای آن کسی که قرآن بر او نازل شده به درستی که تو دیوانه‌ای که ما را از نقد به نسیه می‌خوانی. (کاشانی، ۱۳۷۳: ۳ / ۵۵). بنابراین یکی از کاهای فرهنگی دشمن در زمینه‌ی از بین بردن اسلام انجام می‌دهند، تهمت زدن به پیامبر می‌باشد تا مردم این تهمت‌ها را باور کنند و از اسلام دور شوند. پس ما نباید در برابر این تلاش دشمنان ساکت بنشینیم.

#### ۴-۱-۱. تحریر و انتشار کتاب آیات شیطانی

یکی از راه‌های مؤثر برای ضربه زدن به ادیان نوشتن کتاب‌هایی علیه آن ادیان و انتشار آن‌ها در میان جوامع بشریت است. امام خامنه‌ای در این خصوص می‌فرماید: «آن روزی که استکبار، ماجرای سلمان رشدی را علم کرد، برای این بود که شاید بتواند از راه آن موجود حقیر سیه روز و سیه رو و کتاب شیطانی او، به روحیه‌ی مسلمانان - لااقل در بخشی از دنیا - لطمه بزند. با دشنام و بدگویی در این کتاب، شاید بتوانند قدری مسلمانان را تضعیف کنند» (بیانات در دیدار جمعی از مردم خراسان <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2319>، ۶۹/۳/۱۵).

در کتاب نقد توطئه‌ی آیات شیطانی آمده است: سلمان رشدی می‌داند که عنوان آیات شیطانی مثل جریان سم در اعتقادات اسلامی و دنیای اسلامی باعث دغدغه و رکود و تسلیم می‌شود و باعث می‌شود که مسلمانان به محور اعتقادات و اتحاد خود دغدغه و تردید پیدا کنند. اگر قرآن و اسلام را از مسلمانان بگیرند برای آنان چه چیزی و کدام پناهگاه باقی خواهند ماند؟ (مهاجرانی، ۶۷: ۱۳۶۸-۶۶).

استکبار جهانی افسانه‌ی جعلی دشمنان سابق را به وسیله‌ی یکی از جیره خواران خود در قالب رمان «آیات شیطانی» عرضه کرده تا تقدس و حقانیت دین و استناد آن به حق

تعالی را زیر سؤال برده و آیات قرآن را القائنات شیطان بدانند و انسان ها را از آن رویگردان کند. (پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷ : ۶ / ۶۶). بنابراین یکی از روش‌های استکبار برای ضربه زدن به دین اسلام و از بین بردن آن، نوشتن کتاب‌هایی همچون کتاب آیات شیطانی بر علیه اسلام است و ما باید جلوی انتشار این کتاب‌ها را بگیریم.

## ۱-۲. ترویج تقلیدگرایی

یکی از کارهایی که مستکبران در عرصه‌ی فرهنگ انجام می‌دهند، ترویج تقلیدگرایی در بین مردم است. کشورهای مستکبر به ملت‌ها می‌گویند راه پیشرفت، اتکا و تقلید از غرب (یعنی ما) است و رهبر انقلاب در مورد تقلیدگرایی و غربزدگی می‌فرماید: «یک عده از غرب زده‌ها از صد سال پیش تبلیغ می‌کردند که اگر می‌خواهید کشورتان پیشرفته بشود و ایران جلو بیفتد، بایستی بروید و در ذیل غرب تعریف شوید. غرب زدگی همان تعبیر غربزدگی که مرحوم آل احمد مطرح کرد... این فکر غلطی بود... پنجاه سال کشور در زمان پهلوی در ذیل غرب زندگی کرد یک مدتی در آن اواسط رضا خان، در ذیل آلمان، بعد یک مدتی در ذیل آمریکا تا آخر؛ چه پیشرفتی برای کشور حاصل شد؟ (بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی ۹۶/۷/۲۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37949>). آن‌هایی که ما را از تفکرها دور کردند و ما را به کوچک‌ها قانع کردند... آن‌ها شخصیت‌ها را گرفتند و عقل را به چوب بستند و در نتیجه غربزدگی و شهوت پرستی پیش آمد» (صفایی حائری، ۱۳۸۵: ۱۲۵).

خداوند در سوره‌ی توبه در مورد تقلید و پیروی بی‌چون و چرای یهود از پیشوایان دینی خود آورده است: «اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَ رُحَبَاءَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...» (توبه ۳۱/ آنها) دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند...». (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۸/ ۳۴۱). بنابراین ترویج تقلیدگرایی و تبلیغ غربزدگی یکی از کارهای دشمنان است که در زمینه‌ی فرهنگی انجام می‌دهند و باید به همه ثابت کنیم که پیشرفت در غربزدگی و

تقلید از غرب نیست بلکه پیشرفت اصلی در اسلام است.

### ۱-۳. ترویج بی بند و باری

ترویج بی بند و باری از اهداف جنگ نرم و از مصادیق تهاجم فرهنگی است که مستکبران به دنبال ایجاد آن در جوامع از طریق راه‌های زیر است.

#### ۱-۳-۱. ترویج برهنگی

ترویج برهنگی، مهم‌ترین ابزار نفوذ فرهنگی در یک جامعه است. رهبری در این خصوص می‌فرماید: «موضوع برهنگی و بی‌عفتی به صورت گسترده ترویج می‌شود».. «در چهار، پنج، شش سال پیش یک مجله‌ی آمریکایی من دیدم که در یک رستوران کسانی که مشغول خدمت هستند، زنان جوانی هستند با این خصوصیات که عریانی یا در واقع نیمه عریانی یکی از این خصوصیات است؛ صاحب این رستوران به این افتخار می‌کند و در مجله عکس خود و عکس رستورانش و عکس آن دخترها را منتشر می‌کند، در یک چنین دنیایی که برهنگی انحرافی و غلط و مضر را ترویج می‌کنند». (امام خامنه‌ای، دیدار قهرمانان و ورزشکاران مسابقات آسیایی و پاراآسیایی با رهبر انقلاب ۹۳/۱۱/۱،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28730>

خداوند در سوره اعراف به این موضوع اشاره فرموده است: «یا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا...؛ ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبید، آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و لباسشان را از نشان بیرون ساخت تا عورتشان را به آن‌ها نشان دهد...». (اعراف / ۲۷). در این آیه، خداوند به فرزندان آدم هشدار می‌دهد که مبادا شیطان آنان را در دام نیرنگ خود گرفتار سازد همان گونه که قبلاً با پدر و مادرش نیرنگ کرد و باعث پدید شدن شرمگاه و نیز بیرون کردن این دو از بهشت گردید؛ (مغنیه، بی تا، ۳ / ۴۸۹) بنابراین یکی از مصادیق بی بند و باری، ترویج برهنگی می‌باشد که استکبار به وسیله آن ملت‌های استکبار ستیز را سرگرم می‌کند تا

از اهداف خود غافل شوند. پس باید جلوی ترویج برهنگی را در جوامع بشری گرفت.

### ۲-۳-۱. ترویج لذت جویی

لذت‌گرایی یا اصالت لذت یعنی هدف نهایی انسان در اعمال و رفتارش لذت بردن محض است؛ بنابراین به هر طریقی می‌خواهد بیش‌ترین لذت از دنیا را ببرد و وقتی لذت جویی هدف شود جهان رو به نابودی می‌رود. رهبری در این خصوص می‌فرماید: «آن کسانی که لذت جویی را یک امر مطلوب و یک ارزش می‌دانند. لذت «اصالة الذة» همان سوغات فرهنگ غربی است؛ هر چه موجب لذت بشود؛ خوب، یکی با اعتیاد لذت می‌برد، یکی با شهوات جنسی لذت می‌برد، یکی با کتک زدن این و آن لذت می‌برد هرچه مایه‌ی لذت کسی باشد، این را مباح می‌دانند این حرف‌ها را ترویج می‌کنند». (بیانات در حرم مطهر رضوی ۹۳/۱/۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25993>)

این مطلب نیز در قرآن آمده است: «وَيَوْمَ يَعْرُضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا...؛ آن روز که کافران را بر آتش عرضه می‌کنند (به آنها گفته می‌شود): از طیبیات و لذائذ در زندگی دنیا خود استفاده کردید و از آن بهره گرفتید...». (احقاف / ۲۰)

طبق آیه، لذت جویی گسترده از امکانات دنیایی، شیوه‌ی کافران است. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۲۴/۳۰۹)

بنابراین یکی از راه‌های تخریب فرهنگی یک کشور ترویج لذت جویی در آن کشور است که مصداقی از بی بند و باری محسوب می‌شود و استکبار این حربه را به کار برده است؛ پس نباید در مقابل آن بی تفاوت ماند و باید احساس وظیفه کرد.

### ۳-۱-۳. ترویج شهوت رانی

یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این است که مستکبران تلاش می‌کنند ملت‌ها را از پای بندی‌ها و اعتقادات خود منصرف کنند و به فساد و شهوت رانی مشغول کنند.

امام خامنه‌ای به این موضوع اشاره فرموده‌اند: «امروز منطق شهوت رانی در دنیای غرب «تمایل» است؛ می‌گوییم چرا هم جنس بازی را، هم جنس گرایی را ترویج می‌کنید؟ می‌گویند این یک تمایل بشری است؛ این منطقشان است همین‌ها که در عرصه‌ی شهوت رانی و عدم رعایت هیچ خط قرمزی در باب شهوات جنسی و شهوات گوناگون بشری ایستادگی و توقف نمی‌کنند. (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی جمع‌ی کارگزاران فرهنگی ۷۱/۵/۲۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29736>، ۹۴/۲/۲۶) این‌ها جوانان را در عالم، به فساد و شهوت رانی و میگساری و این چیزها مشغول کردند». (بیانات در دیدار جمع‌ی کارگزاران فرهنگی ۷۱/۵/۲۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2630>)

صاحب کتاب داستان پیامبران در این مورد می‌نویسد: پیش از بعثت شهوترانی و میگساری امری روزمره قلمداد می‌گشت تا آنجا که امروالقیس جریان عشق‌بازی مستهجن و شیطان گونه خود با دختر عمویش عنیزه را با گستاخی تمام و جزئیات کامل به نظم می‌کشد و به عنوان معلقه‌ای به دیوار کعبه آویخته می‌شود! (جزائری، بی تا: ۶۶۷)

حضرت زین العابدین علیه السلام در مورد دعوت شیطان به شهوت رانی می‌فرماید: «مردم بترسید از معصیت خدا. خداوند شما را در قرآن کریم از آن نهی نموده و برحذر باشید. مبادا مکر خدا خود را آسوده پندارید و ... در آن موقع که شیطان ملعون شما را دعوت به شهوت رانی زودگذر و لذت‌های فانی در این دنیا می‌کند». (مجلسی، بی تا: ۱۳۰/۵۷)

خداوند در قرآن کریم به دعوت شیطان به شهوت رانی فرموده است: «إِنَّ اللَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ؛ پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفراو) می‌افتند؛ و (در پرتویاد او، راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌گردند». (اعراف/۲۰۱). بنابراین یکی از راه‌های ترویج بی‌بندوباری، ترویج شهوت رانی در کشورهاست. مستکبرین برای این که فرهنگ یک جامعه را در مشت خود بگیرند و فرهنگ خود را به آن‌ها تحمیل نمایند، یکی از کارهایشان ترویج شهوت رانی



است و یکی از آثار شهوت رانی متزلزل کردن بنیاد خانواده و در نتیجه جامعه می باشد پس باید با آن‌ها مبارزه کرد.

#### ۱-۴. تخریب کردن

یکی از کارهایی که مستکبران در عرصه‌ی فرهنگ انجام می دهند، تخریب کردن است که شامل موارد زیر می شود:

##### ۱-۴-۱. تخریب اعتقادات و باورها

دشمن تمام توان خود را برای تخریب اعتقادات و باورها به کار گرفته است و از راه‌های زیر این کار را انجام می دهد.

#### یکم: مورد حمله قرار دادن اعتقادات مسلمانان

مستکبرین فهمیده‌اند که دلیل از خودگذشتگی و فداکاری‌ها، بر اساس باورهای مردم است، به همین علت اعتقادات ملت‌ها را مورد حمله قرار داده‌اند. رهبری به این موضوع مهم اشاره کرده‌اند: «امروز دارند به انواع مختلف و با وسایل گوناگون و جدیدی که آن روز وجود نداشت، اعتقادات را، باورها را مورد آماج قرار می دهند». (بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان ۱۲/۸/۹۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31309>)

صاحب تحف العقول از رسول خدا در مورد این مطلب روایت آورده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ای شمعون! راستش تو را دشمنانی است از جن و انس که به دنبال تو هستند و با تو می جنگند تا دین و اعتقادات را برابیند». (حرانی، بی تا: ۴۱). بنابراین یکی از کارهای فرهنگی دشمنان تخریب کردن اعتقادات مردم است و باید به آن توجه کرد.

#### دوم: ترویج تردید

دشمن برای ایجاد تردید در بین مردم شب و روز در تلاش است. امام خامنه‌ای در این

مورد می‌فرمایند: «از سالهای دهه‌ی شصت، دشمنان مقدسات دینی، بیانات اسلامی را مورد تردید و انکار قرار می‌دادند. هر کار شایسته‌ی با ارزشی که در سطح کشور انجام بگیرد این را در وسائل تبلیغات گوناگون مورد تردید قرار می‌دهند.» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۲۷/۷/۸۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10302>)

صاحب کتاب سلیم به تردید انداختن صلح حدیبیه توسط عمر را بیان می‌کند: در روز حدیبیه، هنگامی که پیمان صلح نوشته شد، عمر به رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) گفت: «آیا با دادن این امتیازها به مشرکان در دین خویش پستی روانداشته ایم؟» سپس در میان سپاه رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) راه افتاد و سپاهیان را در مورد پیمان صلح به تردید انداخت و تحریکشان می‌کرد و می‌گفت: آیا در دین خودپسندی روا داریم؟ (هلالی، بی تا: ۲۹۸). یکی از حربه‌های که دشمن برای تخریب اعتقادات مردم استفاده می‌کند ایجاد تردید در مردم است و ما باید با روشنگری در مردم از تردید جلوگیری کنیم.

### سوم: تزریق شبهه افکنی

دشمنان امروزه مرتباً شبهه افکنی می‌کنند یکی از موثرترین روش‌های جنگ نرم، شبهه افکنی است. حضرت خامنه‌ای در این خصوص می‌فرمایند: «یکی هم مسئله‌ی دین و بینات اسلامی و انقلاب اسلامی است. از توحید و نبوت و امامت و ولایت و این‌ها بگیرد تا احکام و حجاب و حدود شرعیه و بقیه چیزها؛ دائماً دارند شبهه پراکنی می‌کنند اینها روش دشمن است.» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲۵/۶/۸۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10141>) مراکز سلطه برای شبهه افکنی در اذهان ملت‌ها افکار دینی و اسلامی و به ویژه تفکرات شیعی را آماج حمله قرار می‌دهند.» (بیانات در دیدار علما و روحانیون همدان با رهبر انقلاب ۱۵/۴/۸۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3240>)

در کتاب توحید مفضل در مورد شبهه افکنی آمده است: «چون در این زمان مادیت بر مردم غالب شده و اسباب شهوت رانی زیاد گردیده و دیانت مانع از این دو است، لذا

اشخاصی مغرض تا می‌توانند القا شبهه می‌کنند و منکر وجود صانع که از آفتاب روشن‌تر است می‌شوند». (مفضل بن عمر، بی تا: ۱۳). بنابراین یکی از روش‌های تخریب افکار ملت‌ها، شبهه افکنی است که باید با آن مقابله کرد.

## ۲-۴-۱. تخریب جامعه‌ی روحانیت

به دلیل حضور پررنگ روحانیت در صفوف اول مبارزه با استکبار، روحانیت همواره مورد هجمه و تخریب جریان‌های معاند بوده است. دشمنان برای انداختن روحانیون از چشم مردم تلاش می‌کنند.

رهبری در مورد این مطلب می‌فرمایند: «امروز یکی از آماج‌های حملات دشمنان بلاشک روحانیت است. روحانیت را با کلیتش می‌خواهند از بین ببرند. امروز روشنگری دینی مهم‌ترین ذره‌ی است که جامعه‌ی اسلامی ما می‌تواند بر تن خودش بکند و در مقابل حملات دشمنان باشد؛ لذا با روحانیت و حضور فعال روحانی مخالفند. اگر روحانی مؤمن و فعال و کارآمد و هوشمند و هوشیاری باشد با او بیشتر مخالفند و او را بیشتر آماج حملات خودشان قرار می‌دهند». (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان کرمان ۸۴/۲/۱۱،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3279>

رژیم پهلوی در بدنام کردن روحانیت و جدا نمودن بخش‌هایی از مردم، به خصوص اقشار تحصیل کرده چون دانشگاه و دانشجویان از علما تا حدودی موفق شده است. اطاق اصلاحاتی چون مرتجع، عقب مانده، امل، مفت خور و امثال اینها، در این دوره شدت زیادی یافت و هجوم بی سابقه‌ای علیه روحانیت انجام گرفت. محمد رضا می‌خواست با هر ترفندی که شده مردم را از ریشه‌ی دینی خود قطع کند و برای این کار، بیش از هر چیزی، از ابزارهای فرهنگی، تبلیغی و هنری بهره گرفت. چاپ مقالات علیه روحانیت در مطبوعات، امری عادی بود. انتصاب مطالب کذب، دروغ و هجویات فراوان به چشم می‌خورد. (موسسه‌ی فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۹: ۱ / ۱۶۰-۱۵۹). یکی از کارهای فرهنگی دشمنان تخریب کردن جامعه‌ی روحانیت است که ما باید با همراهی و پشتیبانی از روحانیت جلوی

این حربۀ دشمن را بگیریم.

### ۳-۴-۱. تخریب جایگاه زن

دشمنان از راه‌های پیش رو به دنبال تخریب جایگاه زن در جوامع هستند.

#### یکم: مخالفت با حجاب زن

بدحجابی نقشی دشمنان برای تخریب جایگاه زن است. مستکبران و دشمنان اسلام همواره به دنبال گرفتن حجاب و پوشش از زنان مسلمان و مردم متدین هستند تا ارزش‌های دینی و انسانی را از میان مردم کم رنگ کنند. رهبری در این باره می‌فرماید: «در خیابان‌های کشورهای اروپایی و پایتخت‌های اروپایی - حالا نه پنجاه سال قبل - یک نفری که اندکی حجابش را مراعات کرده، مورد تهاجم جوان‌ها قرار می‌گیرد، جلوی چشم مردم می‌زنند زن محجبه را مجروح می‌کنند یا می‌کشند؛ کسی جرئت نمی‌کند بگوید چرا؟» (بیانات در حرم

مطهر رضوی ۱/۱/۹۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25993>)

در غرب با حجاب تدریجاً مخالفت می‌شود عنوانی که برای این مخالفت ذکر می‌کنند این است که می‌گویند حجاب نماد یک حرکت مذهبی است؛ ما نمی‌خواهیم در جوامع ما که جوامع لائیک هستند نمادهای مذهبی مطرح شوند. این دروغ است و بحث این است که سیاست راهبردی اساسی غرب بر عرضه شدن و هرزه شدن زن است و حجاب مخالف آن است. لذا با آن مخالفت می‌کنند». (بیانات در دیدار جمعی از بانوان نخبه ۱/۳/۹۰). در سوره‌ی اعراف به فساد قوم لوط اشاره شده است: «وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ؛ (به خاطر آورید) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا عمل بسیار زشتی را انجام می‌دهید که هیچیک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟!» (اعراف/۸۰)

در فرهنگ جاهلی قوم لوط، پاکدامنی گناه و فساد و فحشا کاری پسندیده و بی‌عیب است همچنان که در جاهلیت قبل از قیامت نیز فساد و فحشا پسندیده است به طوری که امروز در غرب و حتی بعضی از کشورهای به اصطلاح اسلامی می‌بینیم زنان و دختران جوان

را به جرم رعایت عفت، حیا و پاکدامنی از دانشگاه‌ها و مدارس و مجامع اخراج می‌کنند و فریادشان مانند قوم لوط بلند است که اخراجشان کنید، اینان قومی هستند که پاکی می‌ورزند. (پژوهشکده‌ی تحقیقات اسلامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷: ۲ / ۱۰۶). بنابراین جایگاه زن این است که از نگاه نامحرمان محفوظ بماند تا مورد اذیت واقع نشود ولی مستکبران در پی این هستند که حجاب را از زن بگیرند و زن را به یک کالای تبلیغاتی تبدیل کنند تا جایگاه و ارزش او کاسته شود و با این کار ملت‌های مسلمان را به مبارزه و ستیز با خود می‌کشانند.

### دوم: به راه‌انداختن مبانی غلط در مورد زن

یکی از راه‌های تخریب جایگاه زن، به راه‌انداختن مبانی غلط در مورد زن است مثل «مرد به عنوان طرف ذینفع و زن به عنوان طرف مورد انتفاع». مستکبرین در تلاشند با تجویز نسخه‌ی قلبی خود برای حل بحران زن در کشورهای مستقل جهان به ویژه جوامع اسلامی، اهداف پلید خود را دنبال کنند و با سیطره‌ی فرهنگی و گسترش فساد به منافع خود بپردازند. مقام معظم رهبری این مسئله را خاطر نشان کردند و فرمودند: «یک نامعادله‌ای را به تدریج به وجود آورده‌اند؛ یک طرف ذینفع، یک طرف مورد انتفاع؛ بشریت را این جور تقسیم کرده‌اند. طرف ذینفع مرد است، طرف مورد انتفاع زن است. این را به تدریج با شیوه‌های گوناگون با تبلیغات مختلف در طول ده‌ها سال در جوامع غربی در درجه‌ی اول و بعد در جوامع دیگر جا انداختند و اگر کسی خلاف این را بگوید علیه او جنجال می‌کنند». بیانات در دیدار جمعی از بانوان نخبه ۹۰/۳/۱، [https://farsi.khamenei.ir/speech-90/3/1-\(content?id=12518](https://farsi.khamenei.ir/speech-90/3/1-(content?id=12518)

خداوند در قرآن بهره‌کشی و استثمار زنان برده را نهی فرموده است: (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳ ق، ۱۵ / ۳۶۰) «وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِيَبْتِغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...» و کنیزان خود را که می‌خواهند پاک دامن باشند، برای به دست آوردن متاع ناچیز و زودگذر زندگی دنیا به زنا وادار نکنید...». (نور / ۳۳). بزرگ‌ترین ضربه و حق‌کشی در زمینه‌ی

مسئله‌ی زنان، این است که زن به عنوان طرف مورد انتفاع برای استفاده‌ی یک طرف ذی نفع مطرح شود که این یکی از راه‌های تخریب جایگاه زن است. مستکبران در این راه تلاش کردند و باید حرکتی در مقابل آن انجام شود.

### سوم: تحقیر زن

دنیای استکبار با روش‌های انحرافی و نادرست به دنبال تحقیر شخصیت و جایگاه زن است. امام خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «در ایران از حرمسراهای پادشاهان ساسانی مطالبی شنیده‌اید. حرمسرداری یعنی چه؟ حرمسرداری یعنی همان اهانت به زن. یک مرد چون قدرت دارد، به خودش حق می‌دهد که هزار نفر زن در حرمسرای خودش نگه دارد! اگر همه‌ی ملت آن پادشاه هم همان طور قدرت داشتند، هر کدام به قدر خودش هزار نفر، پانصد نفر زن نگه می‌داشتند. شما ببینید در اروپا و کشورهای غربی تا اندکی پیش زنان حقوق مالی مستقلی نداشتند. زن غربی حق نداشته از ثروتی که متعلق به خودش بوده آزادانه استفاده کند! در مقابل شوهر مالک دارایی خودش نبوده است؛ یعنی زنی که ازدواج می‌کرد ثروت و دارایی و ملکش متعلق به شوهرش بود؛ خودش حق نداشت نسبت به آن تصرفی بکند ... (بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۷۰/۱۰/۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2536>) بروید به جوامع آمریکایی نگاه کنید! خواهید دید که در آنجا زن تحقیر می‌شود. زن خانواده، از طرف شوهر تحقیر می‌شود، مادر خانواده از طرف فرزندان تحقیر می‌شود.» (بیانات در دیدار جمعی از پرستاران <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2729>، ۷۳/۷/۲۰)

در جوامع غیر غربی ظلم به زنان یک رفتار منفی بوده و هست، در حالی که در فرهنگ غرب بحث روی انسان بودن یا انسان نبودن او بوده است. ارسطو زن را نسخه‌ی دوم مرد می‌داند و با نهایت تأسف همین طرز فکر وارد متون مقدس شده و امروز واقعاً یک مسیحی متدین چنین می‌پندارد و عملاً با همین منظر به زن و دختر خود می‌نگرد. (طاهرزاده، ۱۳۸۷: ۲۳۲). یکی از راه‌های تخریب کردن جایگاه زن، تحقیر زنان است که دشمنان این

کار را انجام می‌دهند و باید جلوی اینها را گرفت.

#### ۴-۴-۱. تخریب بنیان خانواده

در دین اسلام خانواده به عنوان یک ارزش و محور اساسی تعریف شده و مهم‌ترین عامل تاثیرگذار در سرنوشت فرد و در نهایت جامعه خواهد بود. لذا تخریب بنیان خانواده و تغییر سبک زندگی اسلامی توسط دشمن در حال برنامه ریزی است. این مطلب مورد توجه رهبری بوده و می‌فرماید: «(استکبار) خانواده را بی‌ارزش جلوه می‌دهند و ازدواج را بی‌معنا وانمود می‌کنند. (بیانات در حرم مطهر رضوی ۱/۱/۹۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25993>) پدیده‌ی کودکان نامشروع. بالاترین آمار کودکان نامشروع هم در آمریکاست. پدیده‌ی زندگی‌های مشترکی که بدون ازدواج انجام می‌گیرد؛ یعنی در حقیقت ناپود کردن کانون خانواده. (بیانات در دیدار جمعی از بانوان نخبه ۱/۳/۹۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12518>) خانه داری زن را تحقیر می‌کنند، در حالی که خانه داری یعنی تربیت انسان. (امام خامنه‌ای، دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام با رهبر انقلاب ۲۹/۱۲/۹۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36053>) دنیای غرب این جرم بزرگ را دارد که هنر مادری و هنر تربیت فرزند را نادیده گرفته است.» (بیانات در دیدار جمعی از مداحان ۵/۵/۸۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3298>)

از آنجا که روح حاکم بر جنبش فمینیسم، رفع محدودیت‌های مبتنی بر جنسیت است، سبب گسسته شدن نظام خانواده شده است. روابط سرد و بی‌رومی را جایگزین مودت و صفا و صمیمیت می‌کند؛ به‌گونه‌ای که حتی در برخی جوامع، سلامت نسل بشر تهدید می‌شود و نقش‌های مقدسی هم چون باروری، زایش و پرورش فرزند به دیده‌ی تحقیر نگریسته می‌شود و نظریه‌هایی هم چون معاشقه‌ی آزاد، مادر میانجی، ازدواج سهامی ... مطرح می‌گردند. طرح این فرضیه‌ها، آسان‌ترین راه برای رهایی از اسارت ازدواج تلقی شده است. از نظر آنان تنها ثمره‌ی هم‌زیستی زن و مرد که بر مبنای آن، مسئولیتی متوجه طرفین

نمی‌شود، برآورده شدن نیازهای جنسی است. الگوی ازدواج زن و مرد تحقیر می‌شود ولی روش‌های زندگی مشترک زن با زن و یا مرد با مرد تحسین می‌شود؛ زیرا به اعتقاد فمینیست‌ها، شالوده‌ی خانواده بر پایه‌ی ظلم مرد پایه ریزی شده است. (فتاحی زاده، ۱۳۸۶: ۸۸-۸۷)

برخی از نظام‌ها و مکاتب موضوعه کوشش فراوانی دارند تا خانواده را در معرض نابودی و انحلال قرار دهند مثل نظام مارکسیستی، فراماسونری و ... (شریف قریشی، ۱۳۸۲: ۱۱). در قرآن خداوند زن و شوهر را به حفظ کانون خانواده را توصیه می‌کند: (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۱۲ / ۲۷۸). «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا...»؛ و اگر زنی، از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند...». (نساء / ۱۲۸). بنابراین تخریب بنیان خانواده یکی از برنامه‌های فرهنگی دشمنان است و باید در مقابل این ترفند دشمنان راه حل مناسبی اتخاذ کنیم که باعث تحکیم خانواده شود.

## ۱-۵. به انزوا کشاندن علم

به انزوا کشاندن علم یکی از کارهای فرهنگی مستکبران است برای اینکه از پیشرفت کشورها جلوگیری کند. این هدف از راه‌های زیر محقق می‌شود:

### ۱-۵-۱. ترویج بی‌ایمانی در محیط‌های علمی

استکبار برای اینکه جلوی پیشرفت سایر ملت‌ها را بگیرد سعی دارد جوامع علمی و نخبگان را از ایمان دور کند تا با این کار جلوی استکبارستیزی آن‌ها را بگیرد. حضرت خامنه‌ای در باره‌ی این مطلب می‌فرماید: «دشمنان این ملت در تلاشند که در محیط علم و روشنفکری و آگاهی و معرفت، بذریع‌ایمانی بپاشند و آن را ترویج کنند». (بیانات در دیدار فرزندان ممتاز شاهد و مدیران و معلمان نمونه مدارس شاهد با رهبر انقلاب ۱۳/۶/۷۰،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2486>

در مورد این موضوع در کتاب نور ملکوت قرآن آمده است: آتاتورک قرآن را از مدارس



برداشت، فقط در کلاس‌های پنجم و ششم آیاتی از قرآن را انتخاب نمود، به نام آیات منتخبه که مجموعش شاید از یک جزء هم کمتر بود تدریس می‌شد. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۷: ۴/۱۷۹). وقتی می‌بینیم مدارس را به قدیم و جدید، یعنی به مدارس طلاب علوم دینی و معارف اسلامی و به دانشگاه‌های با متد و سبک اروپائی نام می‌نهند و به آن‌ها قدیمی و به این‌ها جدیدی می‌گویند، با این عمل خود فاتحه‌ی علم و دانش و رسول و امام و فرشته و قرآن را خوانده‌اند؛ و در عوض مادیت و زرق و برق را ترویج کردند. (همان، ۲/۲۱۱). بنابراین یکی از راه‌های به انزوا کشاندن علم در کشورها، پاشیدن بذر بی‌ایمانی در محیط‌های علمی است و این دلیلی برای مبارزه‌ی با مستکبران است.

## ۲-۵-۱. به تعطیلی کشاندن مدارس

تعطیل کردن محیط‌های علمی موجب عقب افتادن از راه علم و پیشرفت‌های علمی است و استکبار با به کارگیری این حربه سعی دارد ملت‌ها در بی‌سوادی بمانند تا ملت‌ها وابسته به استکبار شوند. حضرت خامنه‌ای در این باره فرمودند: «به تعطیلی کشاندن مدارس، به تعطیلی کشاندن کلاس‌های دانشجویی. این‌ها نقشه‌های دشمن است.» (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4122>، ۸/۸/۸۷)

در کتاب نور ملکوت قرآن آمده است: استعمار برای درهم شکستن علم و تحقیق، دانشگاه‌ها را در برابر مدارس علمیه گشود، هم مدارس علمیه را بست و هم در دانشکده‌ها محصلین را به فرمول خوانی و جزوه نویسی از استادانی کم سواد، با هدف اخذ گواهینامه مشغول کرد تا ریشه‌ی تحقیق را براندازد. بالاخص دانشکده‌هائی همچون ادبیات و الهیات و فلسفه و دانش سرای عالی را به منظور و به علت خراب کردن حوزه‌ها تأسیس کرد. (حسینی طهرانی، همان، ۲۲/۳۰۹)

صاحب حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر در مورد تعطیل کردن مدارس ارامنه توسط روس‌ها می‌نویسد: در سنوات ۱۹۰۷-۱۸۹۲ موقعی که مگردیچ فرمیان (از اهل وان) خلیفه‌ی

بزرگ آرامنه بود. روس‌ها بسیاری از مدارس آرامنه را بستند و به تصرف موقوفات اشمیازین اقدام کردند. (بلاغی، ۱۳۸۶: ۷۵۸). بنابراین یکی از مصادیق به انزوا کشاندن علم که دشمن انجام می‌دهد تعطیل کردن مدارس در کشورهاست و ملت‌ها برای مقابله با استکبار باید مدارس خود را گسترش دهند.

### ۱-۶. تلاش برای رسیدن به سیطره‌ی فرهنگی

تهاجم فرهنگی یکی از برنامه‌های نفوذ استعمار غرب است که می‌خواهد فرهنگ خود را به عنوان فرهنگ غالب معرفی نماید و فرهنگ‌های دیگر را تحت الشعاع فرهنگ خود قرار دهد. هدف استکبار از سلطه‌ی فرهنگی وابسته کردن ملت‌ها به خود و از بین بردن فرهنگ، هویت، ارزش‌ها، اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم آن کشورهاست. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «قبل از انقلاب آمریکایی‌ها بر کشور ما سیطره‌ی فرهنگی داشتند. (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۸۵/۱/۱) امروز مهم‌ترین چیزی که در بلند مدت برای مراکز قدرت سیاسی دنیا مطرح است، سلطه‌ی فرهنگی است. به عنوان برنامه‌ی بلند مدت، چیزی که به مراکز سلطه جهانی، اقتدار حقیقی و تضمین شده می‌بخشد، سلطه‌ی فرهنگی است. واقعاً اگر نظام سلطه‌ی جهانی بر کشوری تسلط فرهنگی پیدا کند، خاطرش آسوده است. همان چیزی که او می‌خواهد، به طور خودکار و با اندک تلاشی انجام می‌گیرد.» (بیانات در دیدار اعضای هیئت علمی کنگره امام خمینی علیه السلام ۷۸/۱۱/۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2988>)

بدون تردید تسلط فرهنگی، پیش درآمد سلطه‌ی دائمی است. چنانکه ما در تاریخ کشورمان نمونه‌های آن را در تسلط سلجوقیان، مغولان و تیموریان مشاهده کرده‌ایم. این‌ها اگر چه در ابتدای هجوم وحشیانه خود با قدرت شمشیر بر اوضاع سرزمین ما مسلط شدند؛ اما پس از استقرار حکومت خود، تلاش می‌کردند که با استفاده از وزرای دانشمند و مشاوران دوراندیش، به هر نحو ممکن در فرهنگ مردم نفوذ کرده و آن‌ها را تا حد امکان به خویش متمایل سازند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۴۵). یکی از مهم‌ترین اهداف دشمنان از جنگ نرم،

سیطره‌ی فرهنگی بر کشورهاست پس باید نسبت به این شگرد دشمن هوشیار بود و در برابر آن‌ها به مقابله برخاست.

### ۱-۷. تبلیغات دروغین

یکی از کارهای فرهنگی مستکبران، تبلیغات دروغین است. امروزه تبلیغات تاثیرات زیادی بر اذهان ملت‌ها دارد و استکبار می‌خواهد با تبلیغات گسترده و دروغین همه را تحت کنترل خود در بیاورد. مقام معظم رهبری خاطر نشان کردند: «شما به تبلیغات دروغین رادیوهایی که به دست خود استکبار و صهیونیست‌ها امواج رادیویی پخش می‌کنند و دروغ به گوش مردم دنیا می‌رسانند توجه نکنید». (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۸۲/۱/۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3167>).

موارد زیر مصادیقی از دروغ‌های دشمنان است که با تبلیغات آنها را به ملت‌ها القا می‌کنند.

### ۱-۷-۱. توجیه جنایات

توجیه جنایات، اوج پستی و حقارت متجاوزان است. توجیه یعنی در مورد مطلبی، وجه درست و منطقی برای آن تحریر کنیم و به شکلی آن را از اشکالات وارده نجات دهیم که استکبار برای این که خود را در ذهن ملت‌ها خوب نشان بدهد جنایات خود را توجیه می‌کند. رهبری در این مورد می‌فرمایند: «نظام استکبار که قصد سلطه‌ی بر ملت‌ها را دارد، از این شیوه به طور متعارف و معمول در همه‌ی زندگی‌اش استفاده می‌کند. شیوه‌ی توجیه جنایات و پوشاندن لباس خدمت به جنایت. همین حمله‌ی به ژاپن، یعنی دو بمبی که در هیروشیما و ناکازاکی منفجر شد. آمریکایی‌ها می‌گویند این کار هزینه‌ی تمام کردن جنگ جهانی دوم بود؛ بنابراین ما خدمت کردیم که این بمب‌ها را انداختیم. این حرفی است که آمریکایی‌ها در تبلیغات رسمی می‌گویند». (گزیده بیانات، ۹۴/۸/۱۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31307>). آقای مکارم شیرازی در مورد

توجیه جنایات مستکبران می‌نویسد: «قدرت‌های بزرگ جهان در توجیه جنایات خود صریحاً می‌گویند: این جنایات مقتضی منافع ماست؛ اگر جنگ و خونریزی نباشد کارخانه‌های اسلحه سازی ما تعطیل می‌شود». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۱/۳۵۳)

خداوند در سوره‌ی طه توجیهات گوساله پرستان را می‌آورد: «قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا... فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ؛ گفتند: «ما به میل و اراده خود از وعده تو تخلف نکردیم» و سامری اینچنین القا کرد». (طه / ۸۷). گوساله پرستان در توجیه گوساله پرستی خود گفتند ما به اختیار خویش خلف وعده نکردیم بلکه قبطیان به ما گفتند همانند آنها وسایلی را که برای زینت و آرایش به همراه داشتیم درون آتش افکنیم ما نیز چنین کردیم و سامری از میان آتش گوساله‌ای بی‌جان را بیرون آورد که از خود بانگی داشت و به ما گفت که این معبود شما و موسی می‌باشد. (جزائری، بی تا: ۳۹۸). بنابراین یکی از دروغ‌های که مستکبران با تبلیغ در میان جوامع پخش می‌کند، توجیه جنایات خود است و ما باید در مقابل این رفتار بصیرت و بینش کافی داشته باشیم و فریب آن‌ها را نخوریم.

## ۲-۷-۱. دگرگون جلوه دادن حقایق

دشمن برای دگرگون جلوه دادن حقایق تبلیغات سوء می‌کنند تا مردم را گمراه کند. امام خامنه‌ای در این مورد می‌فرماید: «امروز در تبلیغات جهانی، همه‌ی تکیه بر روی این است که حقایق را در کشور شما، در نظام اسلامی شما دگرگون جلوه دهند؛ امکانات تبلیغاتیشان هم فراوان است، به طور دائم هم مشغولند». (بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۸/۸/۸۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10456>).

صاحب کمال الدین می‌نویسد: عامه‌ی خلاق را مذاهب و طریقه‌های مختلفی است: بعضی از ایشان گمراهی و کارهای باطل خود را در لباس حق به مردم می‌نمایند تا دین مردم را بر آنها مشتبه کنند. (ابن بابویه، بی تا: ۲/۴۸۱)

کتمان حق از سوی عالمان و تلاش آنان برای دگرگون جلوه دادن حق و باطل، مورد سرزنش خداوند است که در سوره‌ی آل عمران به این مطلب اشاره شده است. (هاشمی

رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۶۷/۲۱): «یا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؟ ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل (می‌زمیزید و) مشتبه می‌کنید (تا دیگران نفهمند و گمراه شوند) و حقیقت را پوشیده می‌دارید در حالی که می‌دانید؟!» (آل عمران / ۷۱). بنابراین یکی از کارهای که مستکبران در عرصه‌ی فرهنگ انجام می‌دهند، دگرگون جلوه دادن حقایق است که مصداقی از دروغ‌گویی است و آن را با تبلیغات گسترش می‌دهند و باید در مقابل این عمل آن‌ها ایستادگی کرد.

## ۲. عوامل استکبارستیزی در عرصه اخلاقی

یکی از دلایل مبارزه با استکبار، خصایص ناپسند و رذایل اخلاقی است که مستکبران دارای آن هستند. در این فصل به بخشی از این خصایص می‌پردازیم که شامل این موارد است. خصایص باطنی که شامل کبر و قساوت قلب است. خصایص رفتاری که شامل تقلب، لجاجت، ظلم، نفاق، ایجاد سوءظن، زیاده‌خواهی، ریاکاری، پرخاشگری، ایجاد فساد، باج‌گیری و بدعهدی است. خصایص کلامی از جمله بدگویی، دروغ‌گویی، تهمت زدن، دشنام دادن، توهین کردن و مسخره کردن از دیگر صفات ناپسند مستکبرین است.

### ۲-۱. خصایص باطنی

بخشی از رذایل اخلاقی، خصایص باطنی هستند که مستکبران دارای آن هستند. برخی از آن‌ها عبارتند از:

#### ۲-۱-۱. تکبر داشتن

شناخت خصوصیات استکبار که دشمن ملت‌هاست، ضروری است؛ چون در صورت شناخت این صفات، انسان بهتر می‌داند با چه کسی مبارزه و ستیز می‌کند. یکی از خصوصیات مستکبرین، تکبر و غرور آن‌هاست. امام خامنه‌ای در این مورد می‌فرماید: «دولت آمریکا مستکبر متکبر است». (گزیده

بیانات، پاسخ رهبر انقلاب به ده پرسش درباره مبارزه تاریخی ملت ایران با آمریکا ۹۱/۹/۱۶،  
 (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21721). مقام معظم رهبری مذاکره و  
 رابطه با آمریکا را به عنوان دشمنی مغرور مردود دانستند. (خبر، دیدار هزاران نفر از مردم قم با  
 رهبر انقلاب ۹۱/۱۰/۱۹، https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21890)

قرآن کریم اشاره‌ی مناسبی به این موضوع دارد: «إِنَّ الَّذِينَ يَجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ... إِنَّ  
 فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرًا...» (غافر / ۵۶). جمله‌ی «إِنَّ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرًا» عامل مجادله‌ی  
 ایشان را منحصر می‌کند در کبری که در سینه دارند. (طباطبایی، بی تا: ۱۷ / ۵۸)

امام علی علیه السلام در تعبیری تعصب‌های ناروا و کینه‌های جاهلیت را تشبیه به آتشی کرده  
 که در اعماق دل‌ها کمین می‌کند، ناگهان سر برمی‌آورد و همه وجود انسان را فرا می‌گیرد و از  
 آن به بیرون سرایت می‌کند و گاه قوم و قبیله‌ای را به آتش می‌کشد. «فَأُطْفِئُوا مَا كَمَنَ فِي  
 قُلُوبِكُمْ مِنَ نِيرَانِ الْعَصَبِيَّةِ وَ احْقَادِ الْجَاهِلِيَّةِ، فَإِنَّهَا تَلِكُ الْحَمِيَّةُ تَكُونُ فِي الْمُسْلِمِ مِنْ خَطَرَاتِ  
 الشَّيْطَانِ وَ نَخْوَاتِهِ، وَ نَزْغَاتِهِ، وَ نَفْثَاتِهِ؛ شراره‌های تعصب و کینه‌های جاهلیت را که در  
 دلهایتان پنهان شده خاموش سازید، زیرا این نخوت و تعصب ناروا را که در مسلمان پیدا  
 می‌شود از القائنات شیطان و نخوتها و فسادها و وسوسه‌های اوست»؛ امام علیه السلام این صفت  
 رذیله را از وساوس شیطان می‌شمرد که از برون به درون مسلمانان القا می‌گردد؛ یعنی  
 مسلمان واقعی از آن بیگانه است. (مکارم شیرازی: ۱۳۷۵: ۳۸۲/۷). بنابراین یکی از  
 عواملی که سبب می‌شود با استکبار مبارزه شود، صفت رذیله‌ی تکبر آن‌هاست که صفتی  
 باطنی است.

## ۲-۱-۲. قسی القلب بودن

سنگ دلی، سخت شدن دل به معنای عدم پذیرش حرف حق و اصرار بر راه و روش  
 باطل است که مستکبرین دچار این رذیله‌ی اخلاقی هستند و به دلیل داشتن این  
 خصوصیت دست به هر جنایتی از جمله قتل عام می‌زنند. امام خامنه‌ای در خصوص این  
 موضوع می‌فرماید: «تعلل و کوتاهی در نجات مجروحان نیمه جانی که جان شیفته و دل

مشتاق آنان در عید قربان با زبان ذاکر و ترنم آیات الهی همراه بود، نیز قطعی و مسلم است. مردان قسی القلب و جنایتکار سعودی آنان را با جان باختگان، در کانتینرهای در بسته محبوس ساختند و به جای درمان و کمک و یا حتی رساندن آب به لب تشنه‌ی آن‌ها، آنان را به شهادت رساندند». (پیام‌ها و نامه‌ها، پیام به مسلمانان جهان به مناسبت فرارسیدن موسم حج ۱۵/۶/۹۵، ۳۴۲۶۹، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=34269>)

صاحب الکوامل در این مورد می‌گوید: آورده‌اند که خدای متعال به شعیا وحی کرد تا در میان بنی اسرائیل قیام کند و با وحی خدا آنها را از بدعتها نهی نماید، او چنین کرد، اما آنها با او دشمنی کردند و قصد قتل او را نمودند. از چنگ ایشان گریخت و به جانب تنه‌ی درختی رفت و در آن پنهان شد، ولی شیطان گوشه‌ای از لباس او را کشید و از تنه‌ی درخت بیرون آورد و آن را به بنی اسرائیل نشان داد. آن قوم سنگدل هم اراه‌ی آوردند، شعیا را همراه درخت از وسط اراه کردند و او را به قتل رساندند. (جزائری، بی تا: ۵۵۵)

قرآن کریم به قسی القلب بودن قوم یهود اشاره می‌کند و می‌گوید آن‌ها در قساوت از سنگ هم سخت‌ترند. «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً...». (بقره / ۷۴). قساوت قلوب یهود که آیات الهی در ایمان و اعتقادات آن‌ها هیچ تأثیری نکرد. پس دل‌های آن‌ها در سختی و درشتی مانند سنگ است بلکه شدیدتر و سخت‌تر از سنگ. چون بعضی از سنگ‌ها از بلندی به پستی فرود می‌آید بعضی از سنگ‌ها روان می‌گردد و از آن‌ها جوی‌های بزرگ جاری می‌شود...؛ (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱ / ۱۷۶) بنابراین از جمله عواملی که سبب مبارزه با استکبار می‌شود قسی القلب بودن آن‌هاست که یک رفتار ناشایست باطنی است.

## ۲-۲. خصایص رفتاری

صفات منفی و ویژگی‌های رفتاری نامناسبی وجود دارد که مستکبران به دلیل داشتن این رذایل اخلاقی با ملت‌ها دشمنی می‌کنند. شامل این موارد می‌باشد:

## ۱-۲-۲. اهل تقلب بودن

تقلب یعنی در کاری به نفع خود و به ضرر دیگران تصرف کردن و به گونه‌ای نقض قانون و کلاهبرداری و فساد است که مستکبرین دارای این خصوصیت رفتاری هستند. حضرت خامنه‌ای در این مورد می‌فرماید: «بزرگ‌ترین جرائم استکبار جهانی این است که تقلب و باطل‌گرایی را در دنیا توسعه و رشد می‌دهد و ترویج می‌کند. (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۹/۹/۷۵، ۲۸۲۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2820>) اینکه می‌گویند «نمی‌گذاریم ایران سلاح هسته‌ای درست کند» یک تقلب در حرف زدن است. مگر بحث سر سلاح هسته‌ای است؟ در قضیه‌ی هسته‌ای ایران، بحث بر سر این است که شما می‌خواهید جلوی حق قطعی و مسلم ملت ایران را - که غنی‌سازی هسته‌ای و استفاده‌ی صلح‌آمیز از توان داخلی خود ملت ایران است - بگیرید». (بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۲۸/۱۱/۹۱، ۲۲۰۴۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22042>)

خداوند در سوره‌ی طه به تقلب‌کاری شیطان اشاره می‌کند: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى؛ و به یاد آور هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سرباز زد (و سجده نکرد)!» (طه / ۱۱۶). می‌فرماید: ما با آدم عهد کرده و او را توجه دادیم ولی او فراموش کرد؛ و ابلیس در اولین مرتبه این تقلب و خلاف رابه کار برد و پیش از او کسی را سابقه‌ی این عمل در ظاهر و باطن نبوده است. پس او به خاطر همین دروغی که راجع به همیشگی و خلود اظهار کرد، نتوانست بیرون برود. (مصباح الشریعه، بی تا: ۳۲۶). یکی از فسادهای اخلاقی دشمنان متقلب بودن آن‌هاست که یک رفتاری ناشایست است و دلیلی برای استکبارستیزی ماست.

## ۲-۲-۲. لجوج بودن

یکی از رفتارهای بارز مستکبران، لجاجت (حق‌ناپذیری) آن‌هاست که موجب مبارزه با آن‌ها می‌شود. امام خامنه‌ای در این مورد می‌فرماید: «از اول انقلاب تا حالا فهمیدیم که دشمن حقیقی، دشمن لدود (سرسخت و ستیزه‌جو) و لجوج و پی‌گیر عبارت است از



استکبار جهانی و صهیونیسم». (بیانات در دیدار مسئولان و دست اندر کاران حج

( <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30562>، ۹۴/۵/۳۱

خداوند در سوره مریم نیز به این موضوع اشاره کرده است: «... وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا...» و دشمنان سرسخت را انداز کنی...». (مریم / ۹۷ - ۹۶). پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «پرهیزگار علی علیه السلام و قوم ستیزه جو بنی امیه اند». (فتال نیشابوری، بی تا: ۱۸۱). در سوره اعراف هم به این موضوع اشاره شده است: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ». (اعراف / ۱۶۷). از آن جا که بنی اسرائیل یک قوم لجوج و خلافکار بودند و هم در زمان موسی و هم بعد از آن همواره خدا را نافرمانی می کردند. (جعفری، بی تا: ۴ / ۲۵۷). لجاجت یعنی پافشاری و اصرار کردن بر سخن یا کاری است که مستکبران دارای این خصوصیت رفتاری هستند.

### ۳-۲-۲. ظلم کردن

ظلم یکی از رذایل اخلاقی و مذموم است که مستکبران دارای این رذیله هستند و ما را به دشمنی با خود و می دارند. امام خامنه ای در مورد این مطلب می فرماید: «الان روزانه دارد به فلسطینی ها ظلم و ستم می شود. یک سال، دو سال، ده سال، بیست سال، هفتاد سال است که این ظلم ادامه دارد و آمریکایی ها هم پشت سرش بوده اند، الان هم هستند؛ خب این باید گفته شود. ظلم به یمنی ها! (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38872>، ۹۶/۱۱/۱۹ امروز ظالم ترین و بی رحم ترین مجموعه ی دنیا حکومت آمریکاست؛ از همه ظالم تر است». (خبر، دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش با فرمانده کل قوا ۹۶/۱۱/۱۹،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38872>

در قرآن به ظلم اصحاب رس اشاره شده است: «... وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا». (فرقان (۲۵) آیه ی ۳۷-۳۸). اصحاب رس، مردمانی ظالم و ستمگر و گرفتار عذاب الهی در قیامت هستند؛ (هاشمی رفسنجانی، فرهنگ قرآن، ج ۱۹، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳: ۱۹/۳۳۳) بنابراین یکی از صفات رفتاری ناپسند که مستکبران دارند، ظلم کردن به جوامع و

ملت هاست.

#### ۴-۲-۲. منافق بودن

منافقین دارای دو چهره هستند و حرف و عملشان یکی نیست. مستکبرین دارای این خصوصیت هستند و در عمل و رفتارهایشان نفاق به چشم می‌خورد؛ رهبر انقلاب در این مورد می‌فرماید: «منافق واقعی آمریکاست. نفاق واقعی، عملی است که اینها دارند انجام می‌دهند.....» (بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۰/۱/۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=11804>) حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه به جریان نفاق اشاره نمودند و بیان می‌کنند: «ما أقبح بالإنسان ظاهراً موافقاً و باطناً منافقاً؛ چه زشت است برای انسان که ظاهرش موافق، و درونش نفاق و دوگانگی باشد.» (ناظم‌زاده قمی، ۱۳۷۵: ۵۸۷) و «شکر المنافق لا يتجاوز لسانه؛ سپاسگزاری منافق از زبانش فراتر نمی‌رود.» (همان) «المنافق قوله جميل، و فعله الداء الدخيل؛ منافق، گفتارش زیباست و کردارش دردی است کاری.» (ناظم‌زاده قمی، ۱۳۷۵: ۵۸۶) منافقان طبق فرموده قرآن در پایین‌ترین درکات دوزخ قرار دارند «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيراً؛ (نساء/ ۱۴۵) کفار به وسیله‌ی منافقان در بین مؤمنان نفوذ کرده و ممالک اسلامی را تهدید می‌کنند. (قرشی، ۱۳۷۷: ۲/ ۴۷۶). بنابراین طبق فرموده رهبری مشخص می‌شود که مستکبرین از جمله آمریکا رفتارهای منافقانه‌ای دارند و حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه نیز معتقد است منافقان با فریب در جامعه ظاهر می‌شوند و حرف و عمل آنها یکی نیست. پس دوری نمودن و اعتماد نکردن به مستکبرین بر همه لازم است.

#### ۴-۲-۵. ایجاد سوءظن

مستکبرین برای ایجاد سوءظن در میان مسلمانان سرمایه‌گذاری‌های زیادی انجام داده‌اند و در تلاشند تا با ایجاد سوءظن در میان مسلمانان اختلاف ایجاد کند. رهبری در این مورد می‌فرماید: «دشمن می‌خواهد ما را دچار سوءظن به یکدیگر کند.» (بیانات در

دیدار خانواده شهید لاجوردی،

( <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37451>، ۷۷/۷/۱۴

در قرآن به ایجاد سوءظن که توسط مشرکین انجام می‌شود اشاره شده است: «الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ...» که به خدا گمان بد می‌برند...». ( فتح / ۶). خصوصیت مشرکین و مشرکات و منافقین و منافقات این است که به خدا سوءظن دارند. (طباطبایی، بی تا: ۱۸ / ۳۹۴). بنابراین یکی از رذایل اخلاقی که سبب می‌شود با استکبار مبارزه شود تلاش آن‌ها برای ایجاد سوءظن در میان مسلمان‌ها است و اتحاد و انسجام اسلامی تنها چیزی است که به وسیله آن می‌توان با دسیسه دشمن مبارزه کرد.

#### ۶-۲-۲. زیاده خواه بودن

زیاده‌خواهی از خصوصیات رفتاری عمده مستکبرین است و آن قدر حرص و طمع بر ملت‌ها می‌ورزند که عرصه زندگی را بر آن‌ها تنگ می‌کنند. رهبر انقلاب در این مورد می‌فرماید: «زیاده‌خواهی دشمنان این ملت، هیچ حد و پایانی ندارد». (خبر، دیدار رییس جمهوری روسیه با رهبر انقلاب ۸۶/۷/۲۴). خداوند در سوره بقره در مورد زیاده‌خواهی بنی‌اسرائیل آورده است: «یا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلٰی طَعَامٍ وَّاحِدٍ...؛ ای موسی هرگز حاضر نیستیم به یک نوع غذا اکتفا کنیم». (بقره / ۶۱). بنی‌اسرائیل به جای شکرگذاری از نعمت‌های «من و سلوی» به فکر زیاده‌خواهی و تنوع طلبی افتاده و از غذاهای زمینی خواستند. برای نمونه تعدادی از آنها مانند سبزی، خیار، پیاز و سیر را نام بردند. (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۲۶). بنابراین زیاده‌خواهی یکی از صفات رفتاری ناپسند استکبار است و باید در مقابل آن ایستاد.

#### ۷-۲-۲. ریاکار بودن

دشمنان وقتی از رویارویی با مردم عاجز شدند، به حيله ریاکاری دست می‌زنند. رهبر انقلاب در مورد ریاکاری می‌فرماید: آمریکا ریا کاری می‌کند». (بیانات در دیدار اقشار

مختلف مردم (۱۸/۶/۹۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30716>). در قرآن آمده است که: «الَّذِينَ هُمْ يَرَاؤُنَ؛ همان کسانی که ریا می‌کنند». (ماعون / ۶). همچنین در سوره بقره در مورد ریاکاران آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخشش‌های خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می‌کند...». (بقره / ۲۶۴). در آیه مثلی می‌زند برای کسانی که انفاق مال خود را با منت و آزار همراه می‌کنند و آن‌ها را به منافق و ریاکاری تشبیه می‌کند که مالش را به خاطر ستایش مردم می‌بخشد. (مغنیه، بی تا: ۱ / ۷۱). بنابراین یکی از رفتارهای ناشایست مستکبران ریاکاری آن‌هاست و باید نسبت به رفتار آن‌ها هوشیار بود.

### ۸-۲-۲. پرخاشگر بودن

مستکبران دارای شخصیتی پرخاشگر و تندخو هستند که دیگران از آزار و اذیت آن‌ها در امان نیستند. امام خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «آمریکا هر جای دنیا قدم می‌گذارد با پرخاشگری است. (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۱/۸/۷۳) دو عنصر «پرخاشگری» و «بی بندوباری» متاسفانه به مؤلفه‌های اصلی فرهنگ غربی تبدیل شده است». (گزیده بیانات، جدول، نامه رهبر انقلاب به عموم جوانان در کشورهای غربی ۸/۹/۹۴)

در صحیفه‌ی سجادیه نمونه‌ای از پرخاشگری هشام آمده است. زید بن علی بی‌الحسین بن علی بن ابی‌طالب، کنیه‌اش ابوالحسین بود نزد هشام بن عبدالملک رفت و هشام را به تقوی و ترس از خدا دعوت کرد. هشام گفت: تو این سخنان را از آن می‌گویی که آرزوی خلافت داری. آنگاه سخنی نابکارانه بر زبان آورد و به مادر زید که کنیز ام ولد بود اهانت کرد. زید پاسخی سخت داد. هشام به خشم آمد و زمان داد که او را آسوده نگذارند. (صحیفه سجادیه، بی تا: ۲۲). یکی از رفتارهای استکبار که موجب مبارزه ما با آن‌ها می‌شود پرخاشگری استکبار نسبت به دولت‌ها و ملت‌ها می‌باشد.

## ۹-۲-۲. ایجاد فساد

مستکبرین برای فاصله گرفتن ملت‌ها از اسلام و سوق دادن به سمت بی‌بندوباری در تلاش‌اند که در بین ملت‌ها فساد را ایجاد و گسترش دهند تا مانع از حرکت رو به جلوی آن‌ها به سمت پیشرفت و ... شود. رهبر انقلاب در این خصوص می‌فرماید: «در دوران رژیم فاسد و مفسد پهلوی، فساد را طبقات مرفه بی‌درد، سرمایه‌داران فاسد در جامعه رواج می‌دادند.»  
بیانات در دیدار معلمان و کارگزاران ۶۹/۲/۱۲، [https://farsi.khamenei.ir/speech-  
\(content?id=2304](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2304)

قرآن به فسادگری افراد اشاره می‌کند: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ...»؛ (نشانه آن، این است که) هنگامی که روی برمی‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند». (بقره / ۲۰۵). اخنس ثقفی نزد رسول خدا رفت و گفت آمده‌ام تا اسلام آورم و اطاعت شما کنم چون برگشت از آبادی‌های مدینه زراعت جمعی را سوزاند و چون والی گردد و سلطه پیدا کند، بشتابد در زمین برای آنکه فساد کند. (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱/۳۶۷). در سوره بقره در مورد فسادگری جالوت در زمین آمده است: (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۹/۴۳۸) «وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ...» و داوود، جالوت را کشت». (بقره / ۲۵۱). یکی از کارهای مستکبرین، ایجاد فساد در جوامع است و یکی از دغدغه‌های هر دولتی مخصوصاً دولت‌های دینی مبارزه با فساد است.

## ۱۰-۲-۲. باج‌گیر (رشوه‌خوار) بودن

یکی از رفتارهای مستکبران رشوه‌گرفتن و باج‌گرفتن از ملت‌هاست. این مسئله مورد توجه رهبری بوده و می‌فرماید: «آمریکایی‌ها با وجود آگاهی از نیازهای دارویی ملت ایران می‌خواستند با باج‌خواهی و زورگویی اورانیوم غنی شده‌ی ایران را به بهانه‌ی دادن اورانیوم ۲۰ درصد از کشور خارج کنند. (سخنرانی رهبر انقلاب در حرم مطهر رضوی ۹۱/۱/۱،  
[https://farsi.khamenei.ir/speech-  
content?id=19301](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19301)

در نهج البلاغه در مورد رشوه‌گرفتن عمروعاص آمده است: «عمروعاص با معاویه بیعت

نکرد مگر به شرط بخشیده شدن مصر به او و گرفتن رشوه‌اندک، برای دست برداشتن از دین». (شریف الرضی، بی تا: ۶۱). خداوند در سوره نساء می‌فرماید: « أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ ». (نساء / ۶۳-۶۰). بین مردی یهودی و یکی از منافقین اختلافی بود مرد یهودی پیشنهاد کرد برای داوری برویم پیش محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) زیرا می‌دانست که حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) رشوه نمی‌گیرد و در داوری ستم روا نمی‌دارد؛ اما مرد منافق گفت نه برویم پیش کعب بن اشرف چون می‌دانست کعب رشوه می‌گیرد پس منظور از طاغوت در آیه کعب بن اشرف است. امام باقر (علیه‌السلام) و امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «منظور از آیه هر کسی است که به داوری پیش او بروند و برخلاف واقع حکم کند»؛ (مجلسی، بی تا: ۱ / ۲۷) بنابراین یکی از رفتارهای ناپسند مستکبران رشوه گرفتن و باج گرفتن است که یکی از رذایل اخلاقی به حساب می‌آید.

### ۱۱-۲-۲. نقض عهد کردن

یکی از رفتارهای غیر انسانی مستکبرین، نقض عهد و پیمان است. زیرا مستکبرین مبالغاتی در دین و دیانت ندارند و دنبال فرصت‌های حيله زدن و کلاه گذاشتن می‌گردند. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «وَيَتَّبِعُ فُرْصَتَهَا مَنْ لَا حَرِيْجَةَ لَهُ فِي الدِّينِ؛ و کسی که در دین از هیچ گناهی باک ندارد فرصت را از دست نمی‌دهد و به هر مکر و حيله‌ای دست می‌زند». مصداق کامل این سخن حضرت، معاویه و عمروعاص هستند که از چنین فرصت‌هایی کمال استفاده را می‌کردند، و اگر فرصتی هم پیدا نمی‌شد به انحاء مختلف فرصت سازی می‌نمودند. (منتظری، ۲: ۱۳۸۳/۶۰۵)

رهبر انقلاب در مورد بدعهدی و نقض عهد می‌فرماید: اندکی بعد از مذاکرات بدعهدی کردند. (خبر، دیدار مسئولان نظام با رهبر انقلاب ۲/۴/۹۴،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30069>

سیاستمداران آمریکا در قضیه‌ی برجام بدعهدی کردند. (بیانات در اجتماع زائران و

مجاوران حرم مطهر رضوی ۹۵/۱/۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech->  
(content?id=32695)

در سوره انفال آیه‌ی ۵۶ به عهد شکنی یهودیان اشاره شده است: «الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ؛ همان کسانی که با آن‌ها پیمان بستی؛ سپس هر بار عهد و پیمان خود را می‌شکنند؛ و (از پیمان شکنی و خیانت)، پرهیز ندارند». در این جا مستقبل به ماضی عطف شده است؛ زیرا مقصود این است که آنها همواره عهد شکنی می‌کنند و این فعل ترک نخواهد شد. مشرکینی که با آنها پیمان بستی. مجاهد گوید: مقصود یهود بنی قریظه است که با پیامبر خدا پیمان بستند که به او زیان نرسانند و با دشمن او همکاری نکنند لکن در جنگ خندق به وسیله‌ی فرستادن اسلحه، دشمنان پیامبر را یاری کردند. یک بار نیز پس از پیمان شکنی، با پیامبر پیمان بستند و باز هم پیمان شکنی کردند و خداوند از آن‌ها انتقام گرفت. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۰/ ۲۶۴). صاحب بحارالانوار بدعهدی طلحه و زبیر را این گونه می‌آورد: «پس طلحه و زبیر به خواست خود بدون اجبار حرکت کردند و با علی (علیه‌السلام) بیعت نمودند و خلاف عهد کرده بیعت را شکستند و عایشه را تحریک نموده و او را به بصره بردند». (مجلسی، بی تا: ۵/ ۱۷۴). نقص عهد کردن موجب عدم اعتماد مجدد به اشخاص بد عهد است که مستکبرین مبتلا به این صفت هستند و ما را به مبارزه به آن‌ها می‌کشاند.

### ۲-۳. خصایص کلامی

صفات ناپسند کلامی مانند دروغ گفتن، تهمت زدن از رذایل اخلاقی دشمنان است که عبارتند از:

#### ۲-۳-۱. بدگویی

بدگویی یکی از خصایص دشمنان است که موجب تخریب ملتی یا شخصی در میان دیگر اشخاص یا ملت‌هاست. همچنین رهبر انقلاب در مورد بدگویی نسبت به جمهوری

اسلامی می‌فرمایند: «علیه اسلام و جمهوری اسلامی بدگوئی می‌کنند». (بیانات خطبه‌های نماز جمععی تهران ۲۰/۶/۸۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8033>).

ابن بابویه نمونه‌ای از بدگوئی‌های هارون نسبت به امام موسی کاظم (علیه‌السلام) را در کتاب عیون اخبار رضا آورده است: علی بن اسماعیل به بغداد آمد و یحیی بن خالد وضع موسی بن جعفر را از او تحقیق کرد و با اضافاتی که خود بر آن نمود همه را به هارون گزارش داد، آنگاه خود علی بن اسماعیل را به نزد هارون برد، هارون احوال عمویش (موسی بن جعفر) را پرسید و او زبان به سعایت و بدگوئی آن حضرت گشود (ابن بابویه، بی تا: ۱/۱۴۰)

یکی از صفات ناپسند کلامی مستکبران، بدگوئی آنان نسبت به ملت‌ها و دولت‌هاست که ما را به مبارزه با آنها فرا می‌خواند. کلام گهربار امام علی علیه‌السلام در همین زمینه است که می‌فرماید: «ان البغی و ازور یوتغان المرء فی دینه و نیاه؛ (دستی، ۵۶۰) همانا ستمگری و دروغ پردازی، انسان را در دین و دنیا رسوا می‌کند.» ایشان می‌فرمایند: «و ایم الله لابقرن الباطل حتی اخرج الحق من خاصرته؛ (نهج البلاغه دستی، خطبه ۱۹۲) به خدا سوگند، با باطل مبارزه می‌کنم تا حق از پهلوئی آن بیرون آید.»

## ۲-۳-۲. دروغ‌گویی

دروغ به معنای عدم مطابقت سخن و گفتار است و شخص دروغگو به دنبال سوء استفاده از باورهای مردمی است و مستکبرین دارای چنین رذیله اخلاقی هستند. دروغ از بدترین معایب و زشت‌ترین گناهان و منشاء بسیاری از مفاسد است. رهبر انقلاب در مورد دروغ‌گویی دشمنان می‌فرمایند: «من چقدر در طول مذاکرات گفتم این‌ها دروغ‌گویند». (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۲/۸/۹۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34815>)

ابی بصیر از امام باقر (علیه‌السلام) روایت کند که فرمود: «موسی قیام نکرد مگر آنکه پنجاه دروغگو در بنی اسرائیل ظاهر شدند و همه مدعی بودند که موسی بن عمرانند». (ابن بابویه، بی تا: ۱/۲۹۲)



بنابراین مستکبرین افرادی دروغگو هستند و دروغگویی‌های آن‌ها هر روز بیشتر می‌شود و این باعث می‌شود که ملت‌های آزادی خواه به مستکبرین اعتماد نکنند و با آن‌ها مبارزه کنند.

### ۳-۳-۲. تهمت زدن

یکی از عوامل اخلاقی که سبب می‌شود با استکبار مبارزه شود تهمت زدن به ملت‌ها می‌باشد. امام خامنه‌ای در این مورد می‌فرماید: «یکی از کارهای آمریکا شایعه سازی و تهمت زنی است. عیناً همان کاری کردند که در زمان امیر المؤمنین کردند؛ هر روز یک تهمت. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۸۲/۸/۲۳،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3204>)

دشمن تهمت می‌زند». (بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمته الله علیه)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3463>، ۸۷/۳/۱۴).

ربیعہ بن ناجد گوید: علی علیه السلام می‌گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله مرا فراخواند و گفت: یا علی تو نیز همانند عیسی هستی، یهودیان با او دشمنی کردند تا آنجا که به مادرش تهمت زدند و مسیحیان با او دوستی ورزیدند تا آنجا که او را منزلتی نهادند که نه از آن بود. (ثقفی، بی تا: ۲۱۳)

قرآن کریم در سوره احزاب اشاره مناسبی به این موضوع دارد: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا؛ و آنان که مردان و زنان با ایمان را به خاطر کاری که انجام نداده‌اند آزار می‌دهند؛ بار بهتان و گناه آشکاری را به دوش کشیده‌اند». (احزاب / ۵۸).

ظهور آیه درباره‌ی تهمت زدن و افترا بستن است؛ یعنی کاری را که نکرده‌اند به آنها نسبت بدهند و آزارشان کنند. (قرشی، ۸: ۱۳۷۷/۳۹۳). امام صادق در مورد تهمت زدن به پاک دامنان می‌فرماید: «عبد الرحمن بن کثیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: گناهان کبیره هفت تاست:... تهمت زدن به زنان پاک دامن، آن‌ها در منبرهایشان به فاطمه علیها السلام تهمت زدند (به اینکه ایشان در قضیه فدک دروغ می‌گویند)». (ابن بابویه، بی تا: ۲/۴۳-۴۲).

خطبه ۷۴ از سخنان امام علی علیه السلام هنگامی که شنید بنی امیه او را متهم نمودند که در کشتن عثمان شرکت داشته است: «... آیا سابقه‌ی من در اسلام نادانان را از زدن تهمت به من منع نمود؟ بنی امیه با اینکه یقین دارند نفاق و دو روئی در گفتار و کردار من راه ندارد، برای چه مرا متهم نموده می‌گویند: مباشر قتل عثمان بوده‌ام؛ و اگر در ظاهر اقدام نکرده‌ام در پنهانی مردم را به کشتن او و او را نموده‌ام، آیا نمی‌دانند که من در گفتار و کردار از کسی باک ندارم؟ اگر مایل به کشتن عثمان بودم آن را پنهان نکرده در ظاهر با کشتندگان او همراه می‌شدم». (شریف الرضی، بی تا: ۱۷۲ / ۲). کار تهمت‌زدن از ناحیه دشمن تنها در زمان ما نیست بلکه در گذشته به پیامبران و ائمه اطهار این روال وجود داشت. اکنون نیز دشمنان ما دست به تهمت علیه ملت ایران می‌زنند و این کار ما را به مبارزه علیه آن‌ها وادار می‌کند.

#### ۴-۳-۲. دشنام دادن

دشنام دادن از رذیله‌های زشت و ناپسندی است که موجب رنجش و عدم دوستی دیگران با شخص دشنام دهنده می‌شود. امام خامنه‌ای در این موضوع می‌فرماید: «دشمنان ما تلاش گسترده‌ای را از روزهای اول آغاز کردند و هر چه جلوتر رفتیم، این تلاش بیش‌تر شده است؛ از صدها بلکه هزاران ایستگاه تلویزیونی، رادیویی و اینترنتی استفاده کردند برای دشنام دادن به جمهوری اسلامی و به بانی بزرگ آن و به طرفداران آن». (بیانات در مراسم بیست و پنجمین سالگرد رحلت امام خمینی ۹۳/۳/۱۴،

( <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26615> )

در کتاب من لایحضره الفقیه نیز آمده است: «قریب یک قرن بلکه بیش از یک قرن دشنام به امیر المؤمنین (علیه السلام) را جماعتی بسیار از مردم عامی و مقدس مآب از مستحبات و امور مقربه به پروردگار می‌دانستند و عمل می‌کردند». (ابن بابویه، بی تا: ۲۹۹). در سوره توبه نیز آمده است: «يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا...»؛ به خدا سوگند می‌خورند که در غیاب پیامبر، سخنان نادرست نگفته‌اند...». ضحاک گوید منافقان همراه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جنگ تبوک رفتند و در خلوت بین خودشان پیغمبر صلی الله علیه و آله و صحابه را

دشنام می‌دادند و در دین زبان درازی می‌نمودند. ( واحدی نیشابوری، ۱۳۸۳). بنابراین یکی از صفات ناپسند کلامی مستکبران دشنام دادن به ملت‌ها و اشخاص است که باعث دشمنی و عداوت ملت‌ها با آن‌ها می‌شود.

### ۵-۳-۲. توهین کردن

اهانت به معنای سبک کردن شخص است. اهانت کردن رفتاری است که مستکبرین با آن می‌خواهند ملت‌ها را تحقیر و شخصیت‌ها آن‌ها را مخدوش کنند تا از چشم دیگر ملت‌ها بیفتند و اعتبار و ارزش خود را از دست بدهند. رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید: «عوامل مؤثر در سیاست‌های استکباری، لحنشان نسبت به ملت ایران، لحن بی ادبانه تر و توهین آمیزتر است». (بیانات در حرم مطهر رضوی ۹۳/۱/۱،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25993>

مشرکان پس از این که حضرت رسول ﷺ طواف می‌کرد و نماز می‌خواند. به عنوان استهزاء و معارضه با آن حضرت صغیر و کف می‌زدند برای ایذاء و توهین آن رسول ﷺ. چنانکه خداوند می‌فرماید: «وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً...»؛ نمازشان نزد خانه (خدا)، چیزی جز «سوت کشیدن» «کف زدن» نبود...»؛ (انفال / ۳۵) یعنی نبود نماز ایشان در نزد کعبه مگر صغیر و کف زدن. (حسینی جرجانی، بی تا: ۱ / ۱۸۲). امام صادق ع فرمود پدرم از پدرش از جدش رسول خدا ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرموده است: «پست‌ترین مردم کسی است که به مردم توهین کند». (محمد بن مکی، بی تا: ۴۹). بنابراین یکی از صفات ناپسند کلامی دشمنان توهین کردن به ملت‌هاست که ما را به مبارزه با خود تحریک می‌کند.

### ۶-۳-۲. مسخره کردن

یکی از مصادیق رفتارهای ناشایست کلامی مستکبران، تمسخر کردن است که برای تحقیر و تخریب دیگران استفاده می‌کنند. رهبر انقلاب در این مورد می‌فرماید: «آمریکا

همه‌ی جلوه‌های معنویت را به مسخره و استهزاء می‌گیرند». (بیانات در دیدار پاسداران  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2272>، ۶۸/۱۲/۱۰)

اسماعیل جعفری از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود: «هنگامی که نوح علیه السلام هسته‌ی درخت (نخل) را می‌کاشت قومش بر او گذر کردند و او را مسخره کردند و می‌گفتند: کارش کاشتن درخت شده و چون نخله‌ها کاملاً بلند شده و سرکشید آن‌ها را برید و سپس شروع به تراشیدن آن‌ها کرد، مردم به او گفتند: حالا دیگر نجار شده! پس آنها را به هم پیوست و کشتی ساخت، آن مردم بر او گذشتند و شروع به مسخره کردند و گفتند: حالا دیگر کشتیبان شده آن هم روی زمین خشک». (کلینی، بی تا: ۲ / ۱۰۷). بنابراین یکی از عوامل اخلاقی که سبب مبارزه و ستیز با مستکبرین می‌شود تمسخر کردن ملت‌ها توسط آن‌هاست.

### نتیجه‌گیری

استکبارستیزی به معنای مقابله با هر نوع اقدام‌های مستکبرانه است. حضرت آیت الله خامنه‌ای که سکان دار انقلاب اسلامی می‌باشد و بیش‌تر از هر کسی در انقلاب نسبت به مسائل جهانی آگاه است به همین دلیل این تحقیق از دیدگاه ایشان است. مقام معظم رهبری بر مقوله‌ی استکبارستیزی تأکید ویژه‌ای دارند و این امر را یکی از اهداف و مبانی بزرگ انقلاب، ارزیابی و به ملت ایران خطر استکبار را همواره گوشزد می‌کنند.

استکبارستیزی در گستره‌ی فرهنگی به سبب اعمالی است که مستکبران در این زمینه انجام می‌دهند. تلاش برای از بین بردن دین اسلام که از طریق اسلام‌هراسی، به راه‌انداختن اسلام التقاطی و اسلام آمریکایی، تهمت زدن به پیامبر و تحرییر و انتشار کتاب آیات شیطانی انجام می‌گیرد. در ترویج بی بند و باری که شامل ترویج برهنگی، ترویج لذت جویی و ترویج شهوت رانی آمده است. تخریب کردن که شامل تخریب اعتقادات، تخریب جامعه‌ی روحانیت، تخریب جایگاه زن و تخریب بنیان خانواده می‌باشد. به انزوا کشاندن علم که با پاشیدن بذر بی ایمانی در محیط‌های علمی و به تعطیلی کشاندن مدارس محقق می‌شود.

تلاش برای زیر سلطه گرفتن فرهنگ ملت‌ها با تبلیغات دروغین که توجیه جنایات و دگرگون جلوه دادن حقایق مصادیقی از آن به شمار می‌آیند. استکبارستیزی همچنین به سبب رذایل اخلاقی و صفات ناپسند استکبار است. آنان دارای خصایص باطنی کبر و قساوت قلب هستند. خصایص رفتاری آنان شامل تقلب، لجاجت، ظلم، نفاق، ایجاد سوءظن، زیاده خواهی، ریاکاری، پرخاشگری، ایجاد فساد، باج‌گیری و بدعهدی است. خصایص کلامی از جمله بدگوئی، دروغگوئی، تهمت زدن، دشنام دادن، توهین کردن و مسخره کردن از دیگر صفات ناپسند مستکبرین است. اگر ملت‌ها آگاهی، بصیرت و شناخت نسبت به جنایات مستکبران در همه‌ی عرصه‌ها داشته باشند به مبارزه‌ی با استکبار و در نتیجه شکست دادن آنان روی می‌آورند.

## فهرست منابع

\*قرآن کریم

\*نهج البلاغه

\*صحیفه سجادیه

۱. آموزگار، حبیب الله، میبیدی، احمد بن محمد، خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید، ج ۲، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۵۲ ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین، مترجم: منصور پهلوان، ج ۱، قم، دارالحدیث، بی تا.
۳. —، الخصال، ج ۲، مترجم: یعقوب، جعفری، قم، نسیم کوثر، بی تا.
۴. —، من لا یحضره فقیه، مترجم: علی اکبر غاری، تهران، صدوق، بی تا.
۵. —، ترجمه‌ی عیون اخبار رضا علیه السلام، ج ۱، تهران، صدوق، بی تا.
۶. —، کمال الدین، ج ۲، مترجم: محد باقر، کمره ای، تهران، اسلامیة، بی تا.
۷. —، ترجمه‌ی عیون اخبار رضا علیه السلام، ج ۲، مترجم: حمید رضا، مستفید، علی اکبر، غفاری، تهران، نشر صدوق، بی تا.
۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، مترجم: صادق، حسن زاده، قم، انتشارات آل علی علیه السلام، بی تا.
۹. ابن طاووس، علی بن موسی، آهی سوزان بر مزار شهیدان (ترجمه اللهوف)، مترجم: احمد، قهری زنجانی، تهران، جهان، بی تا.
۱۰. —، الملاحم و الفتن یا فتنه و آشوب‌های آخرالزمان، مترجم: محمد جواد، نجفی، تهران، اسلامیة، بی تا.
۱۱. امام ششم علیه السلام، منسوب به جعفر بن محمد، مصباح الشریعه، مترجم: حسن، علامه مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، بی تا.
۱۲. انصاریان، حسین، تفسیر حکیم، ج ۹، قم، دارالعرفان، بی تا.

۱۳. انوری، حسن، *فرهنگ بزرگ سخن*، ج ۵، تهران، سخن، ۱۳۸۱.
۱۴. انیس، ابراهیم، عبد الحلیم منتصر، عطیه الصوالحی، محمد خلف احمد، *فرهنگ المعجم الوسیط*، ج ۲، مترجم: محمد، بندر ریگی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۵. الهامی نیا، علی اصغر، *تبلیغ در قرآن*، قم، پژوهشکده اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، نوبت چاپ اول.
۱۶. برهانیان، عبدالحسین، *دشمن شناسی در قرآن*، تهران، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۸۳ ش.
۱۷. بستانی، فؤاد افرام، *فرهنگ ابجدی*، مترجم: رضا، مهیار، تهران، انتشارات اسلامی، بی تا.
۱۸. بلاغی، سید عبدالحجت، *حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر*، مقدمه، قم، انتشارات حکمت، ۱۳۸۶ ق.
۱۹. پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، *معارف قرآن*، ج ۶، تهران، اداره آموزش عقیدتی سیلسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۷ ش.
۲۰. تقوی دامغانی، سید رضا، *تأملات فرهنگی*، تهران، نشر نخیل، ۱۳۸۵.
۲۱. ثقفی تهرانی، محمد، *تفسیر روان جاوید*، ج ۲، تهران، انتشارات برهان، ۱۳۹۸ ق.
۲۲. ثقفی، ابراهیم، *الغارات*، مترجم، عبدالحمید آیتی، تهران، وزارت ارشاد، بی تا.
۲۳. جادمولی، محمد احمد، مصطفی، زمانی، *قصه های قرآنی (تاریخ انبیاء)*، قم، پژوهشکده اندیشه، ۱۳۸۰ ش.
۲۴. جزائری، نعمت الله بن عبدالله، *داستان پیامبران یا قصه های قرآن از آدم تا خاتم*، مترجم: یوسف عزیزی، تهران، انتشارات هادی، بی تا.
۲۵. *قصص الانبیاء (قصص قرآن - ترجمه قصص الانبیاء جزائری)*، مترجم: فاطمه، مشایخ، تهران، انتشارات فرحان.
۲۶. جعفری، یعقوب، *تفسیر کوثر*، ج ۴، قم، هجرت، بی تا.

۲۷. جمعی از نویسندگان، *ولایت در قرآن*، قم زمزم هدایت.
۲۸. حاجی یوسفی، امیر محمد، *تحلیل سیاسی*، قم، انتشارات پارسیان، ۱۳۸۰.
۲۹. حسینی جرجانی، سید امیر ابالفتح، *تفسیر شاهی و آیات الاحکام*، ج ۱، تهران، صدوق، بی تا.
۳۰. حسینی دشتی، مصطفی، *معارف و معاریف*، ج ۴، تهران، موسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۵.
۳۱. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، ج ۴، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۳۲. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، *تفسیر اثنا عشری*، ج ۱، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳ ش.
۳۳. حسینی طهرانی، محمدحسین، *نور ملکوت قرآن*، ج ۴، مشهد، نور ملکوت قرآن، ۱۴۲۷ ق.
۳۴. حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد، حکیمی، علی، *الحیاه*، ج ۳، مترجم: احمد، آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
۳۵. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، ج ۲، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۳۶. دیلمی، حسن بن محمد، *ارشاد القلوب*، ج ۲، مترجم: علی، سلگی نهاوندی، قم، ناصر، بی تا.
۳۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، ج ۲، مترجم: غلام رضا، خسروی، تهران، مرتضوی، بی تا.
۳۸. سروش، محمد، *استکبار و استضعاف در قرآن*، قم، پژوهشکده نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بی تا.
۳۹. شریف قریشی، باقر، *نظام خانواده در اسلام*، مترجم: لطیف، راشدی، تهران، شرکت



- چاپ و نشر بین الملل وابسته به موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۴۰. صدر، سید رضا، *تفسیر سوره‌ی حجرات*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ ش.
۴۱. صفایی حائری، علی، *روش برداشت از قرآن*، قم، لیله القدر، ۱۳۸۵ ش.
۴۲. طاهرزاده، اصغر، *زنان گونه که باید باشد*، اصفهان، لب المیزان، ۱۳۸۷.
۴۳. طباطبایی، سید محمدحسین، سید محمدباقر، موسوی همدانی، *ترجمه تفسیر المیزان*، ج ۱۹، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۴. طبرسی، فضل بن حسن، *ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۰، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
۴۵. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، ج ۱، تهران، چاپخانه‌ی سپهر، بی تا.
۴۶. فتاحی زاده، فتحیه، *زن در تاریخ و اندیشه‌ی اسلامی*، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۴۷. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، *روضه الواعظین*، مترجم: مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، بی تا.
۴۸. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، ج ۱، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۴۹. قرشی، سید علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، ج ۲، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش.
۵۰. —، *قاموس قرآن*، ج ۱، تهران، دارالکتب اسلامیة، ۱۳۵۲.
۵۱. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، *جلوه‌های اعجاز معصومین*، مترجم: غلام حسن، محرمی، قم، دفتر انتشارات اسلامی بی تا.
۵۲. کاشانی، فتح الله، *تفسیر خلاصه‌ی منهج الصادقین*، ج ۳، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۷۳ ق.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *گزیده کافی*، ج ۴، مترجم: محمدباقر، بهبودی، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، بی تا.

۵۴. محمد، *الروضه من الکافی*، مترجم: سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، تهران، انتشارات علمیه، اسلامی، بی تا.
۵۵. مجلسی، محمدباقر، *احتجاجات (ترجمه ج ۹ بحار الانوار)*، مترجم: موسی، خسروی، ج ۱، تهران، اسلامی، بی تا.
۵۶. بخش امامت (ترجمه ج ۲۳-۲۷ بحار الانوار)، ج ۵، تهران، اسلامی، بی تا.
۵۷. مواظ امامان علیهم السلام (ترجمه جلد ۵۷ بحار الانوار)، تهران، اسلامی، بی تا.
۵۸. محتشم دولتشاهی، طهماسب، *مبانی علم اقتصاد*، تهران، انتشارات خجسته، ۱۳۸۳.
۵۹. محمد بن مکی، شهید اول، *چهل حدیث*، ترجمه الاربعون للشهید لاول، قم، نهاوندی، بی تا.
۶۰. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، *دایره المعارف قرآن کریم*، ج ۶، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲ ش.
۶۱. مصباح یزدی، محمدتقی، *تهاجم فرهنگی*، تحقیق و نگارش: عبدالجواد، ابراهیمی، چاپ ششم، قم، انتشارات موسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۰.
۶۲. معروف، لوئیس، *فرهنگ المنجد*، مترجم: محمد، بندر ریگی، ج ۱، تهران، انتشارات ایران.
۶۳. معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، ج ۱، تهران، امیر ۱۳۶۲-۱۳۴۲.
۶۴. مغنیه، محمدجواد موسی دانش، *ترجمه تفسیر کاشف*، ج ۱، قم، موسسه بوستان کتاب، بی تا.
۶۵. مغنیه، محمدجواد، *ترجمه تفسیر کاشف*، ج ۳، قم، بوستان کتاب، بی تا.
۶۶. مفضل بن عمر، *توحید مفضل*، مترجم: محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی تا.
۶۷. مفید، محمد بن محمد، *الارشاد للمفید*، مترجم: سید هاشم، رسولی محلاتی،

تهران، اسلامیه، بی تا.

۶۸. مکارم شیرازی، ناصر، *آیات ولایت در قرآن*، قم، نسل جوان، ۱۳۸۶ ش.

۶۹. پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، دارالکتب الإسلامیه، تهران - ایران، ۱۳۷۵ ه. ش.

۷۰.

۷۱. سوگندهای پربار قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۶ ش.

۷۲. ناصر، *مثال های زیبای قرآن*، ج ۱، قم، نسل جوان، ۱۳۸۲ ش.

۷۳. موسسه‌ی فرهنگی قدر ولایت، *تهاجم به روحانیت و حوزه‌های علمیه در تاریخ*

*معاصر*، ج ۱، تهران، موسسه‌ی فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۹.

۷۴. موسوی خمینی، سید روح الله، *صحیفه امام*، ج ۱۲، بی جا، موسسه تنظیم و نشر

آثار امام خمینی، بی تا.

۷۵. مهاجرانی، سید عطاء الله، *نقد توطئه‌ی آیات شیطان*، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۸.

۷۶. منتظری، حسینعلی، *درسهایی از نهج البلاغه*، سرایی، تهران - ایران، ۱۳۸۳

ه. ش.

۷۷. واحدی نیشابوری، علی، *ترجمه اسباب نزول*، مترجم: علیرضا ذکاوتی، تهران،

نی، ۱۳۸۳ ش.

۷۸. هاشمی رفسنجانی، اکبر، *تفسیر راهنما*، ج ۱۳، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

۷۹. فرهنگ قرآن، ج ۳۲، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.

۸۰. هلالی، سلیم بن قیس، *تاریخ سیاسی صدر اسلام* / ترجمه کتاب سلیم، مترجم:

محمود رضا، افتخارزاده، تهران، انتشارات رسالت قلم، بی تا.

۸۱. ناظم زاده قمی، سید اصغر، *جلوه‌های حکمت*، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه

قم. مرکز انتشارات، قم - ایران، ۱۳۷۵ ه. ش.

## فصل دوم

---

بایسته‌های مسلمانان در مواجهه با غرب در گام دوم

---

## بررسی عوامل سیاسی، اقتصادی و نظامی استکبارستیزی در اندیشه مقام معظم رهبری عَلَيْهِ السَّلَامُ

زینب طیبی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) - عبدالمحمود جهانگیری<sup>۲</sup> - سمیه احمدی طیفکانی<sup>۳</sup>  
فاطمه جاودان<sup>۴</sup>

### چکیده

استکبارستیزی، ایستادگی در برابر هرگونه رفتارهای مستکبرانه است که برخاسته از مخالفت‌های اسلام با هرگونه ستم‌پذیری است. اولین استکبارستیز خداوند است که مقرب‌ترین موجودات خود را به علت مستکبر بودن از خود طرد می‌کند. از آن جا که مقام معظم رهبری وظیفه‌ی هدایت و رهبری جامعه را عهده دار است و بصیرترین فرد نسبت به مسائل سیاسی، جهانی هستند، در این تحقیق به ارائه‌ی عوامل استکبارستیزی در

۱. استاد یار علوم و قرآن حدیث دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. Ztayyebi62@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، معاون آموزش دانشکده علوم قرآنی بندر عباس، مدیر حوزه

علمیه خواهران استان هرمزگان hamraz32@gmail.com

۳. دانش آموخته سطح ۳ کلام اسلامی، مؤسسه آموزش عالی فاطمه معصومه، معاون پژوهش حوزه علمیه

خواهران هرمزگان. s.ahmadi\_t@yahoo.com

۴. طلبه سطح دو مدرسه علمیه الزهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ، بندرعباس. s.ahmadi\_t@yahoo.com

عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی از منظر معظم له پرداخته شده است. این بحث سبب می‌شود جامعه به ضرورت استکبارستیزی پی ببرد و به دلایل مبارزه با استکبار آشنا گردد. استکبارستیزی در عرصه‌ی سیاسی به دلایل دخالت سیاسی مستکبران، اختلاف افکنی، تخریب ملت‌ها است. دشمن با تحریم کردن، غارت کردن، تک محصولی کردن اقتصاد کشور، ملت‌ها را به مبارزه‌ی با خود در عرصه‌ی اقتصادی کشانده است و کارهای نظامی مانند: حمله کردن به کشورها، ایجاد ناامنی مردم را به ستیز و مقابله با خود برانگیخته است. این تحقیق از نوع توصیفی است و به روش کتابخانه‌ای به صورت توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

کلیدواژگان: استکبارستیزی، عامل سیاسی، عامل اقتصادی، عامل نظامی، مقام معظم

رهبری

## مقدمه

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی بر مقوله‌ی استکبارستیزی تأکید ویژه‌ای دارند و این امر را یکی از اهداف و مبانی بزرگ انقلاب ارزیابی و به ملت ایران خطر استکبار و وابستگی را همواره گوشزد می‌کنند. مقام معظم رهبری اسلام خواهی، استکبارستیزی - حفظ استقلال کشور - کرامت بخشی به انسان، دفاع از مظلوم و پیشرفت و اعتلای همه جانبه ایران را از اهداف اصلی انقلاب می‌دانند و با تأکید بر اتکای انقلاب اسلامی بر ایمان، اعتقادات، انگیزه‌ها و عواطف مردم می‌فرمایند: «این خط مستقیم، پس از ۳۲ سال همچنان بدون زاویه ادامه دارد و این حقیقت پرطراوت، معنای واقعی ثبات و استقرار انقلاب است...» (دیدار با دانشجویان نوزدهم مرداد ۱۳۹۰،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=16912>). مقام معظم رهبری مساله مهم را فراموش نکردن اهداف و شاخص‌های اصلی انقلاب اسلامی می‌دانند و در بیانات خود تأکید می‌کنند که استکبارستیزی، ایستادگی قاطع در مقابل حرکت کفر و نفاق در سطح جهان و مرزبندی شفاف با دشمنان انقلاب و دین، شاخص‌های اصلی هستند. معظم له درخصوص مرزبندی شفاف با دشمنان بیان می‌کنند: «اگر کسی مرزبندی شفاف با دشمنان انقلاب و دین نکند، قدر خود را کاهش داده است و اگر به آنها گرایش پیدا کند، از دایره نظام خارج می‌شود...» (دیدار با اعضای بسیجی هیات علمی دانشگاه‌ها دوم تیر ۱۳۸۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9640>). رهبر انقلاب اسلامی در تبیین شاخص‌های اصلی انقلاب اسلامی تأکید می‌کنند: «...عدالتخواهی، استقلال و آزادی به معنای حقیقی کلمه، استکبارستیزی و منفعل نشدن در مقابل دشمن، مردم‌گرایی، مستضعف‌نوازی و گرایش به طبقات محروم و پرهیز از اسراف و زندگی اشرافی‌گری جزو مبانی انقلاب اسلامی هستند که به هیچ وجه نباید تغییر کنند...» این اعتبار و اصالت این مبانی را به دلیل بر گرفته شدن آنها از متن قرآن و منطق اسلام دانستند و افزودند: «...دشمنان نظام اسلامی در طول ۳۰ سال گذشته همواره تلاش کرده‌اند تا مبانی انقلاب

اسلامی را زیر سوال ببرند و علت برخی مشکلات کشور را تأکید بر این اصول بدانند...»  
 (دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان، هفتم شهریور ۱۳۸۷،  
<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=3703>)

استکبارستیزی به معنای نفی پذیرش هرگونه ظلم و ستم است. استکبارستیزی، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های انقلاب اسلامی و نزاع بین اسلام و کفر است که هرگز محدود به زمان خاصی نبوده و نیست. بنابر فرمایشات مقام معظم رهبری، آحاد ملت مسلمان باید آگاه باشند و با بصیرت و بینش اسلامی حق را از ناحق تمییز داده و با تکیه بر قدرت نامحدود الهی در مقابل زورگویان جهان بایستند؛ در این میان رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای آمریکا را بزرگترین مصداق استکبار جهانی می‌داند، از این رو مبارزه‌ی با این رژیم منحوس و ایستادگی در برابر زورگویی‌هایش، مصداق بارز مبارزه با ظلم و استبداد است. رهبر انقلاب در مورد اهمیت استکبارستیزی می‌فرماید: امروز طاغوت اعظم در دنیا رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا است... در بسیاری از بخش‌های امت اسلامی ایمان به الله هست؛ اما کفر به طاغوت نیست. کفر به طاغوت لازم است. بدون کفر به طاغوت، تمسک به عروه‌ی وثقای الهی امکان‌پذیر نیست. در این تحقیق نیز بیشتر به جنایات آمریکا اشاره شده است.

قرآن کریم صف‌بندی میان دو جناح حق و باطل را در آیه‌ی ۷۶ سوره نساء آشکارا به تصویر می‌کشد: «الَّذِينَ آمَنُوا يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الظَّالِمِينَ فَقاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا؛ آنان که ایمان آورده‌اند، در راه خدا می‌جنگند؛ و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت می‌جنگند. پس شما با یاران شیطان بجنگید که یقیناً نیرنگ و توطئه شیطان [در برابر اراده خدا و پایداری شما] سست و بی پایه است».

در این زمینه کتابی مستقل یافت نشد. تنها آثاری با عنوان استکبارستیزی در قرآن، تبیین استکبارستیزی از منظر مقام معظم رهبری پرداخته شده است. هدف در این تحقیق



این است که با دیدگاه امام خامنه‌ای به عواملی سیاسی، اقتصادی و نظامی که ملت‌ها را به استکبارستیزی وا می‌دارد برشمارد و آن‌ها را تفصیل نماید. این تحقیق از نوع توصیفی و به روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

## ۱. عوامل استکبارستیزی در عرصه سیاسی

در این مجال به برخی از عواملی که مستکبران در عرصه‌ی سیاسی انجام می‌دهند، پرداخته می‌شود.

### ۱-۱. دخالت کردن

استکبار همواره سعی دارد در همه جا و همه چیز دخالت کند حتی مواردی که اصلاً به او ارتباطی ندارد. دخالت کردن شامل امور زیر می‌باشد:

#### ۱-۱-۱. اقدامات ضد انتخابات

یکی از دخالت‌های مستکبران در زمینه‌ی انتخابات، انجام اقداماتی معاندانه در زمینه‌ی انتخابات می‌باشد. حضور پرشور مردم در انتخابات نشانه‌ی اعتماد مردم به این نظام است. دشمن می‌خواهد با تردید ایجاد کردن در اصل انتخابات این اعتماد را خدشه دار کند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «ملت ایران! ۲۲ خرداد یک حماسه بود. این حماسه، تاریخی شد، جهانی شد. اگر چه بعضی از دشمنان ما در اطراف دنیا خواستند این پیروزی مطلق نظام را، به یک پیروزی مشکوک و قابل تردید تبدیل کنند. حتی بعضی خواستند این را به یک شکست ملی تبدیل کنند...؛ اما نتوانستند».

خداوند در سوره‌ی توبه وجود منافقان در جنگ را عامل تردید ایجاد کردن در بین مسلمانان می‌داند. وجود منافقان در جبهه و جنگ نه تنها نفعی عاید مسلمانان نمی‌کند، بلکه تنها سبب ایجاد اضطراب و تردید در بین صفوف مجاهدان می‌گردد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «وَحَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا وُضِعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمْ الْأُفْتَنَةَ...»

(توبه: ۴۷)؛ اگر آن‌ها همراه شما خارج می‌شدند، جز اضطراب و تردید، چیزی بر شما نمی‌افزودند... دلیل حضور منافقان در همه صحنه‌ها از جمله در میدان جنگ این بود که اسلام و معارف مترقی آن را مزاحم منافع شخصی و نامشروع خود پنداشته، به طور جدی از آن منزجر بودند. آن‌ها در واقع، دشمنان قسم خورده اسلام و مسلمانان بودند که اگر فرصتی پیدا می‌کردند، تمام مسلمانان را به نابودی می‌کشانند؛ پیداست که افرادی با این ویژگی‌ها اگر قدم به جبهه جنگ می‌گذاشتند، کاری جز ایجاد شک، ترس و اضطراب در میان سپاهیان اسلام انجام نمی‌دادند. (پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷: ۳ / ۲۸). بنابراین ایجاد کردن تردید در اصل انتخابات، یکی از دخالت‌های مستکبران در عرصه‌ی انتخابات است و باید در مقابل آن ایستادگی کرد.

## ۲-۱-۱. دخالت کردن در امور اعتقادی و دینی

یکی از مصادیق دخالت کردن، دخالت در امور اعتقادی است که شامل موارد زیر می‌شود:

### ۱-۲-۱-۱. تلاش برای تفکیک دین از سیاست

استعمارگران همیشه به این نتیجه رسیده‌اند که بزرگترین دشمن آنها، دین و آیین الهی است لذا همواره می‌کوشند تا دین وارد جامعه و عرصه‌ی سیاست نگردد و به همین دلیل نظریه‌ی جدایی دین از سیاست را در همه جا مطرح می‌کنند. این مساله مورد توجه رهبری قرار گرفته و می‌فرمایند:

«یک سنگر از سنگرهای دشمن، جدایی دین از سیاست بود، به همه باورانده بودند که دین باید در محیط زندگی و در نظام اجتماعی دخالت نکند؛ این را باورانده بودند. حالا آنهایی که با دین سروکار نداشتند که به جای خود، حتی متدینین و حتی بعضی از علمای دین باور نمی‌کردند که اسلام بتواند در مسائل سیاسی دخالت کند؛ این در حالی است که اصل تولد اسلام در اول، با رویکرد اسلامی بود. پیغمبر اولین کاری که در مدینه کرد،

حکومت تشکیل داد، اما این باور در ذهنها گنجانده بود و از این سنگر علیه نظام و علیه کشور و علیه مردم فعالیت می‌کردند، جمهوری اسلامی آمد و این سنگر را منهدم کرد» (بیانات رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۹۵/۱/۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32695>).

تبلیغ و قیحانه جدایی دین از سیاست توسط مستکبران و ایادی داخلی آنها، هم به منظور گوشه‌نشین کردن دین پر قدرت اسلام و هم به قصد زیر سلطه کشاندن کشورهای اسلامی است (الهامی نیا، بی‌تا، ۲۵۰). همچنین در کتاب ولایت در قرآن آمده است: استکبار مسالهی تفکیک دین از سیاست را مطرح کرد و آنچنان در این زمینه تبلیغ کردند که توده‌ی مردم باور کردند دین از سیاست جداست و یک روحانی هر چه از مسائل سیاسی برکنار باشد، روحانیت و معنویتش بیش‌تر و به وظیفه‌ی دینی خود بهتر عمل نموده است (جمعی از نویسندگان، ۱۹۶-۱۹۵).

بنابراین تلاش دشمنان برای جدایی دین از سیاست یکی از مصادیق دخالت استکبار در امور اعتقادی است. شعار جدایی دین از سیاست، حربه‌ی اساسی دشمنان اسلام در زمان گذشته و حال بوده است و با توسل به آن به اهداف خود می‌رسیدند. این مسأله ضربه‌ی زیادی به اسلام و مسلمانان وارد کرده پس باید نسبت به تلاش‌های آنها آگاه و با آنها مقابله کنیم.

## ۲-۱-۲-۱. عقب نشینی از مواضع

یکی از کارهای سیاسی دشمنان بر علیه ملت‌ها و یکی از مصادیق دخالت در امور اعتقادی، تلاش برای عقب‌نشینی ملت‌ها از مواضع خود است. رهبرانقلاب در این مورد می‌فرمایند: «خواستہ حقیقی آنها از جمهوری اسلامی، که بارها هم آن را تکرار کرده‌اند، این است که جمهوری اسلامی در قضیه‌ی فلسطین از مواضع خود عقب نشینی کند؛ یعنی اسرائیل را به رسمیت بشناسد» (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۷۶/۸/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9945>).

در قران مواردی از تلاش مخالفان پیامبران برای عقب نشینی از مواضعشان آمده است: «فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (الشعراء: ۱۸۷)؛ پس اگر راست می گویی پاره‌هایی از آسمان را بر ما فروریز. اقدام مردمی که به ناتوان جلوه دادن شعیب علیه السلام، با هدف وادار ساختن وی به عقب‌نشینی از مواضع تبلیغی خویش. امر در «فَأَسْقِطْ» به اصطلاح تعجیزی است؛ بنابراین مردم که اقتراح یاد شده (فروریختن قطعات آسمانی) را در شرایطی مطرح کردند که می‌پنداشتند، انجام آن امری غیرممکن است و شعیب علیه السلام از این کار ناتوان بوده و به ناچار دست از تبلیغاتش خواهد کشید (هاشمی رفسنجانی: ۱۳/۱۶۲).

در آیه‌ای دیگر آمده است: «وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا» (اسراء: ۷۳)؛ و نزدیک بود که تو را از آنچه به تو وحی کردیم، بلغزانند تا غیر آن را از روی افترا به ما نسبت دهی.... تلاش پیگیر مشرکان، برای به انعطاف کشاندن پیامبر صلی الله علیه و آله در بخشی از مواضع رسالتی خویش در این آیه آمده است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۰/۱۴۵). بنابراین تلاش برای عقب نشینی از مواضع از مصادیق دخالت مستکبران در امور اعتقادی به شمار می‌آید که باید با آن مقابله کرد.

### ۳-۱-۱. دخالت کردن در فعالیت‌های احزاب سیاسی

یکی از دخالت‌های مستکبران در عرصه‌ی سیاسی، دخالت کردن در فعالیت‌های احزاب سیاسی است که شامل موارد زیر است:

#### ۱-۳-۱-۱. متزلزل کردن عزم دولتمردان

برای اینکه کشوری، کشوری پیشرفته و حرکتی رو به جلو داشته باشد بایستی دولتمردان آن کشور با عزمی راسخ به دنبال کارها باشند دشمنان برای جلوگیری از پیشرفت این ملت‌ها، عزم دولتمردان را متزلزل می‌کنند؛ و این مسئله مورد توجه رهبری بوده و می‌فرمایند: «استکبار با ایجاد اختلاف و دلسردی و ناامیدی و خدای ناکرده با خریدن بعضیها، عزم دولتمردان را برای اقدامات اساسی و سازنده در کشور متزلزل کنند و نگذارند دولت ایران به

مطالبات حقیقی و به حق مردم رسیدگی کند» (بیانات در دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان ۱۳/۸/۸۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3152>).

در سوره‌ی آل عمران آیه‌ی ۷۲ آمده است: «وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ...»؛ دوازده نفر از دانشمندان یهود، تصمیم گرفتند برای ایجاد تزلزل و تردید در عقاید مسلمانان، صبحگاهان نزد حضرت محمد ﷺ آمده، اظهار ایمان کنند، ولی در آخر روز از اسلام برگرداند و بگویند: ما محمد و آیین او را دیدیم، ولی با آنچه در تورات و انجیل آمده، مطابقت ندارد. آن‌ها با این نقشه‌ی ماهرانه می‌خواستند به هم کیشان خود این طور وانمود کنند که اگر اسلام مکتب خوبی بود، اهل کتاب از آن دست بر نمی‌داشتند، با این کار هم در عقاید مسلمانان تردید به وجود آورند و هم سایر یهودیان را از مسلمان شدن باز دارند (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱/۵۴۰). بنابراین متزلزل کردن عزم دولتمردان یکی از مصادیق دخالت‌های مستکبران در کار احزاب سیاسی است و باید در مقابل آنها ایستادگی کرد.

## ۲-۳-۱-۱. نفوذ به درون احزاب مؤثر

یکی از مصادیق دخالت‌های مستکبران، نفوذ به درون احزاب مؤثر است برای متوقف کردن حرکت آنها یا برای تسلط بر آن احزاب. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «بزرگ‌ترین هدفشان پس از ناتوانی از مهار و سرکوب ملت‌ها، تلاش بر افاق فرمان انقلاب‌ها و نفوذ به درون احزاب مؤثر است» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۹۰/۱۱/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923>). در سوره‌ی آل عمران به نفوذ شیطان به درون برخی از مومنان احد اشاره شده که سبب ترک جهاد از سوی آنان شد. «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ...» (آل عمران: ۱۵۵)؛ قطعاً کسانی از شما روزی که [در نبرد احد] که دو گروه [مؤمن و مشرک] با هم رویاروی شدند، به دشمن پشت کردند، جز این نیست که شیطان آنان را به سبب برخی از گناهانی که مرتکب شده بودند لغزانید ...

در آیه‌ای دیگر آمده است: «لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَ لَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ

يُبْعَثُكُمْ الْفِتْنَةَ... (توبه: ۴۷-۴۵)؛ اگر آن‌ها همراه شما (به سوی میدان جهاد) خارج می‌شدند، جز اضطراب و تردید، چیزی بر شما نمی‌افزودند؛ و سرعت در بین شما به فتنه‌انگیزی (و ایجاد تفرقه و نفاق) می‌پرداختند... در این آیات به نفوذ نیروهای فتنه‌گر در نیروهای نظامی مسلمان، برای فتنه جویی و ایجاد تفرقه اشاره شده است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۵۵ / ۳۲). بنابراین نفوذ به درون احزاب، یکی دخالت‌های مستکبران در فعالیت‌های احزاب است و باید از نفوذ آنها جلوگیری کرد.

## ۲-۱. اختلاف افکنی

یکی از کارهای سیاسی مستکبران اختلاف افکنی است که شامل موارد زیر می‌باشد:

### ۱-۲-۱. اختلاف افکنی بین مذاهب

مستکبرین برای اینکه امت اسلام قدرت نگیرد و مسلمانان از دشمن اصلی خود غافل بمانند سیاستشان این است که در بین مسلمانان، در بین شیعه و سنی اختلاف بیندازند. این مسئله مورد توجه رهبری بوده است و می‌فرمایند: «امروز فریاد تفرقه از سوی دشمنان اسلام مطرح می‌شود، مسئله‌ی شیعه و سنی را امروز آمریکائی‌ها و انگلیسی‌ها مطرح می‌کنند؛ این برای ما ننگ است. تحلیلگران آمریکائی و انگلیسی و عربی، جزو مسائل مطرح می‌کنند، روی آن تأکید می‌کنند، این است که بیائیم اسلام سنی را از اسلام شیعی جدا کنیم و بین اینها درگیری به وجود بیاوریم دشمن می‌خواهد این کار را بکند! همیشه دشمنان دنیای اسلام سعی کرده‌اند از اختلافات مذهبی، قومی، جغرافیائی و منطقه‌ای حداکثر استفاده را بکنند. می‌خواهند ما را به همدیگر مشغول کنند تا از آن نقطه‌ی اصلی که ما باید متوجه به آن باشیم، منصرف کنند» (بیانات رهبری در دیدار جمعی از مردم مسئولان نظام، ۱۳/۱۲/۸۸، ۸۸/۱۲/۱۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8970>)

اختلاف افکنی بین مذاهب در قرآن نیز آمده است: «وَ الَّذِيْنَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيْقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِيْنَ...»؛ (گروهی دیگر از آنها) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای

زیان (به مسلمانان) و (تقویت) کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان...» (توبه: ۱۰۷). از خطرناکترین اهداف کسانی که مسجد ضرار را ساختند ایجاد تفرقه بین مسلمانان و اهل ایمان بود. وقتی بین دو گروه از مسلمانان تفرقه‌ای ایجاد شود، در برابر هم صف آرای می‌کنند و نیرویی که باید در نابودی دشمن مشترک به کار گیرند، صرف نابودی همدیگر می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۲۳۵/۱). بنابراین اختلاف افکنی در میان مذاهب اسلامی یکی از کارهای سیاسی دشمن است که برای جلوگیری از رشد اسلام و ایجاد دشمنی میان مسلمانان این کار را انجام می‌دهند و مسلمانان را به ستیز در مقابل خود وامی‌دارند.

## ۲-۲-۱. اختلاف افکنی میان ملت‌های مسلمان

از آنجا که وحدت ملت‌ها به ضرر استکبار است برای همین سعی می‌کنند این وحدت را بشکنند و در بین آنها اختلاف بیندازند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «سال‌های متمادی استعمار در میان کشورهای اسلامی کار کرد تا آنها را از هم جدا کند و یا در مقابل یکدیگر قرار دهد؛ فارس در مقابل عرب، هر دو در مقابل ترک، هر سه در مقابل ملت پاکستان و همه در مقابل ملت‌های دیگر مسلمان. استعمار قصد داشت با این کار، بین کشورها و دولت‌ها، مرزهای جغرافیایی و نژادی و ملی به وجود آورد» (بیانات در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم، ۶۸/۴/۱۲، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2123)).

قرآن در مورد اختلاف افکنی فرعون در میان مردم می‌فرماید: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ...» (قصص: ۴)؛ فرعون در زمین برتری جویی کرد و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود. فرعون از راه تفرقه افکنی در میان مردم، آنان را دسته دسته کرد تا یک دل یک جهت نشوند و نیروی دسته جمعی آنان ضعیف گشته، نتوانند در مقابل قدرت او مقاومت کنند. بنابراین یکی از کارهای سیاسی دشمنان اختلاف افکنی میان ملت‌هاست و ملت‌ها برای مبارزه‌ی با استکبار آماده می‌شوند.

### ۳-۱. سلطه‌گری

از لحاظ سیاسی، سلطه‌گری یعنی سرنوشت یک ملت را در دست گرفتن. همچنان که در دوران طاغوت، رژیم آمریکا بر کشور ما سلطه داشت (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۸۷/۱/۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3424>). یکی از کارهای سیاسی دشمنان تلاش برای به دست گرفتن سرنوشت ملت‌ها و رسیدن به روحیه‌ی سلطه طلبی است که برای رسیدن به این هدف از وابستگی ایجاد کردن، تحقیر کردن، استفاده می‌کند.

#### ۱-۳-۱. ایجاد وابستگی

امروز استکبار سعی می‌کند که فعل نمی‌توانم و وابستگی را در ملت‌ها ایجاد کند تا بتواند همه‌ی ملت‌ها را تحت سلطه‌ی خود در بیاورد. مصادیق ایجاد وابستگی عبارتند از:

##### ۱-۳-۱-۱. عزل و نصب کردن

مستکبرین برای اینکه کشورها را وابسته به خود کنند می‌خواهند کارهای مهم کشور با خواست آنها انجام بگیرد از جمله این کارها عزل و نصب‌های مهم و مؤثر در کشورهاست. امام خامنه‌ای در این خصوص می‌فرمایند:

«قبل از انقلاب، کشور از لحاظ سیاسی، وابسته بود؛ یعنی حکومت، چه خود محمد رضا، چه دستگاه‌های گوناگون، مطیع آمریکا بودند؛ منتظر اشاره‌ی آمریکا بودند؛ باز شواهد فراوان است. آدمی پا می‌شود از اینجا می‌رود آمریکا. دکتر امینی. برای اینکه آمریکائی‌ها را قانع کند که بشود نخست وزیر در ایران. آمد، شد نخست وزیر! بعد از یکی دو سال، شاه که با او مخالف بود، بلند شد رفت آمریکا؛ آمریکائی‌ها را قانع کرد که او را از نخست وزیری عزل کنند! این وضع مملکت ما بود. برای انتخاب نخست وزیر، شاه مملکت، رئیس کشور محتاج موافقت و رضایت آمریکا بود! در بسیاری از مسائل، شاه سفیر آمریکا و سفیر انگلیس را به کاخ خود دعوت می‌کرد تا تصمیمی که می‌خواهد بگیرد، با آنها در میان



بگذارد! اگر آنها مخالف بودند، تصمیم عملی نمی‌شد. وابستگی سیاسی یعنی این»  
(بیانات، خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۹/۱۱/۱۵، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10955)  
[content?id=10955](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10955))

در کتاب قصه‌های قرآنی عزل و نصب‌های عمر آمده است: نقل شده که عمر بن خطاب در زمان خلافت خود، خواست مجمع بن جاریه را از امامت عزل کند به او گفت: مگر تو امام مسجد ضرار نبودی؟ مجمع سوگند خورد که از نقشه‌ی آنان (ودیعه و همراهانش که قصد تفرقه بین مسلمین را داشتند) آگاه نبوده و تصور می‌کرد ایشان نیت خیر دارند، عمر او را تصدیق کرد و بر امامت مسجد ابقا نمود (جامولی، ۱۳۸۰: ۵۴۶). بنابراین یکی از مصادیق ایجاد وابستگی این است که عزل و نصب کردن‌های مهم با خواست استکبار انجام شود تا به سلطه طلبی آن‌ها در کشورها بینجامد.

## ۲-۱-۳-۱. تلاش برای عقب ماندگی مسلمانان

تلاش دیرینه دشمنان برای عقب نگه داشتن مسلمانان و عدم پیشرفت آنهاست. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «امروز یکی از شگردهای مهم دشمن، تزریق و القاء احساس عقب ماندگی و ناتوانی است» (بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3262>، ۸۳/۹/۱۱).

بر اثر سیاست‌های استعماری و استبدادی و سلطنت‌های موروثی خاندانی و حکومت‌های غاصب و جائر، در طول دو سه قرن، از قافله علم جهانی عقب ماندیم (بیانات در دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی دانش آموزانف ۸۶/۲/۱۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3381>).

صاحب کتاب ارشاد المفید به عقب ماندگی مسلمانان اشاره می‌کند: با روی کار آمدن مجدد بنی امیه هدف نژادپرستی عمر به شدت بیش‌تری تعقیب شد و از این‌جا شالوده‌ی انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان ریخته شد (مفید، بی‌تا: ۷). بنابراین تلاش دشمنان برای عقب ماندگی ملت‌ها باعث وابستگی مسلمانان به استکبار و در نتیجه

سلطه‌ی آن‌ها بر مردم می‌شود و باید با آنها مبارزه کرد.

### ۳-۱-۳-۱. نیازمند کردن ملت‌ها به خود

مستکبرین می‌خواهند تمام ملت‌ها تسلیم و نوکر آنها باشند تا بر همه‌ی آنها سلطه پیدا کنند و اگر ملت‌ها تسلیم استکبار نشوند با آنها دشمن می‌شوند. رهبر انقلاب بر این مسئله تأکید می‌کنند و می‌فرمایند:

«اگر این نفتی که امروز در اختیار ماست، در اختیار آمریکا و اروپا بود، ما برای هر بشکه‌اش باید در مقابل آنها سجده می‌کردیم تا یک بشکه نفت به ما بدهند؛ مگر می‌دادند؟! این‌ها می‌خواهند پانزده سال، بیست سال آینده ملت ایران برای نیاز صنعتی و کشاورزی خود و برای جریان حیات در کشور خود، محتاج آنها باشد؛ برود در خانه‌ی آنها. اهمیت انرژی هسته‌ای این است. آمریکا می‌گوید که شما این فناوری‌ای را که خودتان هم به دست آورده‌اید، این را بگذارید کنار، ما به شما سوخت هسته‌ای می‌دهیم؛ یعنی چه؟ یعنی شما نیروگاه بسازید، بعد برای سوخت این نیروگاه بیایید سراغ ما تا ما با هر شرایط و هر قیمتی که دلمان خواست، آن را به شما بدهیم» (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱/۱/۸۵، ۳۳۳۲). <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3332>.

صاحب الملاحم و الفتن به تلاش طماطم برای نیازمند کردن اهل بصره می‌گوید: حسن بن ابوالحسن گوید: «طماطم می‌آیند گردن شما را می‌زنند، غنیمت شما می‌خورند، شهرهای شما را وطن خود قرار می‌دهند، خوبان شما را نوکر و فرمان بر خود می‌گردانند، اشراف شما را ذلیل می‌نمایند» (ابن طاووس، بی‌تا: ۱۱۸). نیازمند کردن ملت‌ها یکی از اهداف سیاسی استکبار است تا به وسیله‌ی آن مردم را وابسته به خود کند پس باید با مستکبرین به مبارزه برخاست.

### ۴-۱-۳-۱. سعی در تضعیف حس استقلال‌خواهی

دشمنان با استقلال کشورها مخالفند برای اینکه واهمه دارند کشورها پیشرفته شوند و از

وابسته بودن به آنها بیرون بیایند. این مسئله مورد توجه رهبری بوده و می‌فرمایند:

«در دنیا به عنوان اتاق‌های فکر، به عنوان حرف‌های فیلسوفانه، این مطلب را پخش می‌کنند که یک کشوری اگر بخواهد در مجموعه‌ی کشورهای پیشرفته‌ی دنیا قرار بگیرد، چاره‌ای ندارد جز اینکه از میل استقلال‌خواهی فرو بکاهد، میل به استقلال را در خود کم کند؛ و الا با هم نمی‌سازد که یک کشوری بخواهد مستقل باشد، بخواهد صرفاً بر روری منافع خود تکیه کند و در عین حال جزو منظومه‌ی پیشرفت جهانی هم قرار بگیرد. خب این حرف، حرف کاملاً غلط و پرداخته‌ی کسانی است که با استقلال کشورها مخالفند» (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش ۹۲/۱۱/۱۹،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25260>.

کافران آرزومند ضعف و وابستگی امت اسلامی و نگران از قدرت و استقلال آنان هستند که این مطلب در قرآن آمده است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۱۷ / ۴۵۳). «كَزَّجِ أٰخْرَجِ شَطَاةٌ... لِيَغِيْظَ بِهِمُ الْكٰفِرًا...؛ همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته سپس به تقویت آن‌ها پرداخته تا محکم شود... تا کافران را به خشم آورد». (فتح: ۲۹). بنابراین یکی از اقدامات سیاسی استکبار برای رسیدن به سلطه طلبی سعی در تضعیف حس استقلال‌خواهی است که باید در مقابل آنها ایستاد و به دنبال استقلال بود.

### ۵-۱-۳-۱. تلاش برای حاکم شدن ترس از ابر قدرت‌ها

یکی از کارهایی که مستکبرین برای تسلط بر مردم و وابسته کردن آنها به خود انجام می‌دهند پروراندن ترس از خود (استکبار) در دل ملت‌هاست. امام خامنه‌ای در این خصوص می‌فرمایند:

«در کشور کاری کرده بودند که ترس از قدرت آمریکا بر همه‌ی دلها حاکم بود؛ قبلش هم ترس از انگلیس؛ هر حادثه‌ای در کشور اتفاق می‌افتاد می‌گفتند کار انگلیس‌ها است؛ یعنی انگلیس‌ها را قدرت مطلق می‌دانستند. این ترس مخصوص مردم نبود، خود سرمداران رژیم هم می‌ترسیدند از آمریکا» (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر

رضوی، ۹۵/۱/۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32695>.

ترس از اذیت و آزار فرعون و اشراف فرعون، مانع از ایمان آوردن بسیاری از بنی اسرائیل بوده که در قرآن به این مطلب اشاره شده استک «فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِمْ... (یونس: ۸۳)؛ هیچ کس به موسی ایمان نیاورد، مگر گروهی از فرزندان قوم او؛ (آن هم) با ترس از فرعون و اطرافیانش. در آیه‌ای دیگر آمده است: «الْأَقْطَعَنَّ أَيْدِيكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ... (اعراف: ۱۲۴)؛ سوگند می‌خورم که دستها و پاهای شما را بطور مخالف [= دست راست با پای چپ، یا دست چپ با پای راست] قطع می‌کنم؛ سپس همگی را به دار می‌آویزم! بنابراین مستکبرین به دنبال ایجاد ترس و وحشت در مردم نسبت به خود هستند تا با این کار مردم را وابسته‌ی به خود کنند و این یکی از عوامل سیاسی استکبارستیزی است.

#### ۱-۳-۱-۶. تزریق بی‌اعتمادی

کشور ما بر اثر پیشرفت‌های گوناگون به حدی از اعتماد به نفس رسیده است. دشمن به دنبال از بین بردن این اعتماد به نفس است. چرا که کشوری که در آن اعتماد به نفس نباشد همیشه منتظر کمک دیگران است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «یکی از سنگرهای دشمن برای تسلط بر کشور ما، عبارت بود از تزریق بی‌اعتمادی به خود، نداشتن اعتماد به نفس ملی؛ در مقابل چشمشان زرق و برق کشورهای غربی را مشاهده می‌کردند، پیشرفت‌های علمی و پیشرفت‌های فناوری ... و در کشور خودشان اینها نبود، عقب ماندگی بود؛ لذا احساس بی‌اعتمادی به خود می‌کردند. آن روز در دوران پهلوی، یکی از ارکان دولت گفت که ایرانی باید برود لو لهنگ بسازد! لولهنگ آفتابه‌ی گلی است، آن هم نه آفتابه‌ی از جنس فلز،... یک نفر دیگر از برجستگان آن دوران می‌گفت ایرانی اگر می‌خواهد پیش برود، باید از فرق سر تا نوک پا غربی و اروپایی شود؛ باید همه چیز خودش را شبیه آن‌ها کند» (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۹۵/۱/۱،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32695>.

یکی از راه‌های تسلط دشمن بر انسان‌ها گرفتن اعتماد نفس آن‌هاست. پس انسان‌ها برای مقابله با دشمنان باید اعتماد به نفس را در خود تقویت کنند. چنان‌که در سوره‌ی یوسف آمده است: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف: ۵۵)؛ (یوسف) گفت: «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده که نگهدارنده و آگاهم! وقتی در کاری مهارت دارید اعتماد به نفس داشته باشید و خود را عرضه کنید. چنان‌که حضرت یوسف مسئولیت خزانه‌داری سرزمین خود را بر عهده گرفت و در هفت سال اول گندم‌ها را جمع آوری و در هفت سال دوم که قحطی بود گندم‌ها را به تدریج و با دقت در بین مردم تقسیم کرد و با این کار کشور مصر را از بدبختی نجات داد (قرائتی، ۱۳۸۳: ۴/۲۳۲). برای پیشرفت نیاز است مردم به روحیه‌ی اعتماد به نفس مجهز شوند و به آنها اعتماد تزریق شود؛ اما تزریق بی اعتمادی مانع این پیشرفت و در نتیجه ایجاد وابستگی است که دشمن به دنبال این کار است.

### ۱-۷-۱-۳. به کرسی نشاندن کاپیتولاسیون

مستکبرین برای اینکه اگر در کشوری کارگزاران آنها جنایت کردند به راحتی بتوانند به کار خود ادامه دهند و کسی مانع کار آنها نشود قانون کاپیتولاسیون را در کشورها نشاندند. این موضوع مورد توجه رهبری بوده و می‌فرمایند:

«آمریکائی‌ها قانون کاپیتولاسیون را در ایران به کرسی نشاندند. معنای کاپیتولاسیون این است که آمریکایی‌ها یا افراد وابسته به هر قدرت بیگانه مسلطی در هر کشور دیگر، اگر جنایتی کردند، دستگاه قضایی آن کشور حق ندارد جنایت آنها را رسیدگی کند و بایستی قضاوت درباره آنها زیر نظر آمریکایی‌ها انجام شود! این یکی از قوانین ذلت بار برای همه‌ی ملت‌هایی بود که به آن تن دادند» (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2978>، ۷۸/۸/۱۲).

امام خمینی نیز در پیام به اعضای کنفرانس رسیدگی به جنایات امریکا فرموده است: «مستشاران امریکا در مقدرات کشور مظلوم ما دخالت‌های مستقیم داشتند. تحمیل

کاپیتولاسیون بر ملت مظلوم ما به وسیله‌ی شاه مخلوع سابق از بزرگ‌ترین جنایات آمریکا بود که با مخالفت روحانیون و ملت متدین مواجه گشت» (امام خمینی، بی‌تا: ۳۷۰/۱۲). بنابراین یکی از راه‌های ایجاد وابستگی به استکبار، به راه‌انداختن کاپیتولاسیون در کشورهاست.

## ۲-۳-۱. تحقیر کردن

یکی دیگر از راه‌های سلطه‌گری استکبار، تحقیر کردن ملت‌هاست که از راه‌های زیر محقق می‌شود.

### ۱-۳-۲-۱. ایجاد احساس حقارت در ملت‌ها

ایجاد احساس حقارت باعث پایین بردن قدر و منزلت فرد، عدم اعتماد به نفس و مورد تردید قرار گرفتن است که دشمنان آن را بر علیه ملت‌ها به کار می‌گیرند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«همیشه دشمنان ملت‌ها سعی کردند آن ملت‌ها را تحقیر کنند. مهم‌ترین تحقیر این است که احساس حقارت را در دل آنها به وجود بیاورند. یک ملت هنگامی که از برجستگی‌های خود، امتیازات خود، ارزش‌های خود غفلت کرد، خود را کوچک دید، حقیر دید، این ملت دیگر راه به جایی نخواهد برد؛ هر ناکسی بر چنین ملتی مسلط خواهد شد (بیانات دیدار قهرمانان و ورزشکاران مسابقات آسیایی و پاراآسیایی ۹۳/۱۱/۱)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28730>

ملت ایران را تحقیر می‌کردند؛ این تحقیر از همه چیز سنگین‌تر است. ملتی بنشینند و عده‌ایی از بیرون بیایند به او بگویند تو نمی‌توانی؛ برو کنار تا ما برایت درست کنیم؛ او را کنار بزنند و اجازه ندهند حتی از تجربه‌ی آنها استفاده کند؛ خودشان بیایند این منبع درونی را استخراج کنند؛ چیزی به او بدهند و لب خلاصه‌ی سود را هم خودشان ببرند. این کار در نفت می‌شده، در آهن می‌شده، در ساخت وسازهای گوناگون می‌شده، در سدسازی می‌شده، در سیلوسازی می‌شده، در بخش‌های علمی و دانشگاهی می‌شده است» (بیانات

در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان، ۸۴/۲/۱۹،

[.https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3290](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3290)

دشمنان ائمه نیز به دنبال تحقیر کردن این بزرگواران بوده‌اند مانند این موارد: دشمنان علی (علیه السلام) به قصد آنکه حضرتش را تحقیر نمایند، از وجود مقدسش به ابوتراب تعبیر می‌کردند به گمان آنکه در این نام، تحقیر و توهینی برای علی علیه السلام باشد و امام از این نام آزرده شود، در صورتی که امام این نام را بسیار دوست می‌داشت و همان کسی که وی را امیر المؤمنین لقب داده بود، کنیه‌ی ابوتراب را به حضرتش اعطا کرد. (صدر، ۱۳۷۹: ۲۸۷).

مأمون علمای علم کلام و دانشمندان عقاید مختلف را از کشورها برای بحث با امام رضا علیه السلام و مجاب کردن ایشان که موجب سرشکستگی امام در میان علما باشد و بدین وسیله نقص و کمبودش نزد مردم عامی آشکار شود و از قدرتش بکاهد؛ آنان را به بحث با آن حضرت دعوت کرد و هیچ کس از مخالفان از گروه‌های مختلف دینی؛ چه از یهود، چه از نصاری و چه از ستاره پرستان و برهمنیان هندویی و ملحدان و دهریان و صاحبان مذاهب مختلف اسلامی، در مباحثه با او تاب نیاوردند و بر همه‌ی آنها غالب شد (ابن بابویه، بی‌تا: ۵۸۵ / ۲).

در سوره‌ی مومنون به تحقیر حضرت صالح توسط قومش اشاره می‌شود: «وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ... ما هذا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ...؛ ولی اشرافیان (خودخواه) از قوم او که کافر بودند... گفتند: «این بشری است مثل شما؛ از آنچه می‌خورید می‌خورد...» (مومنون: ۳۳). بنابراین یکی از کارهای سیاسی مستکبرین برای سلطه بر ملت‌ها ایجاد احساس حقارت در دل ملت‌هاست که باید با آن مبارزه کرد.

## ۲-۲-۳-۱. اجازه گرفتن شاه کشور از سفیر آمریکا و انگلیس

دشمنان می‌خواهند مسئولین کشور ما همه‌ی کارهایشان را با اجازه‌ی آنها انجام بدهند. این یک نوع تحقیر کردن به ملت‌هاست. حضرت خامنه‌ای در این مورد می‌فرماید: «حرف سردمداران سیاست آمریکا با ملت ایران این است که قبل از انقلاب ما بر شما

سیطره‌ی سیاسی... داشتیم. رئیس کشور شما برای تصمیم‌های بین‌المللی اش از سفیر ما اجازه می‌گرفت. این واقعیتی است. در قضیه‌ی نفت، معاملات بین‌المللی، روابط گوناگون سیاسی دیپلماسی و حتی در نوع برخورد با مردم، شاه پهلوی ملعون برای اقدامات خود با سفیر آمریکا و سفیر انگلیس مذاکره می‌کرد. آنچه آن‌ها می‌خواستند و می‌پسندیدند، این‌ها اجرا می‌کردند. می‌گویند ما بر کشور شما این سلطه را داشتیم، انقلاب آمد و ما را بیرون کرد؛ این را به ما برگردانید تا ما دوباره بر کشور شما سلطه پیدا کنیم» (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۸۵/۱/۱،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3332>.

خداوند در قرآن در این باره می‌فرماید: «قَالَ فِرْعَوْنُ اَمْتُئْتُمْ بِهٖ قَبْلَ اَنْ اَدْنَ لَكُمْ اِنَّ هٰذَا لَمَكْرٌ... فرعون گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟! حتماً این نیرنگ و توطئه‌ای است...» (اعراف: ۱۲۳). سؤال توبیخی فرعون از ساحران خود، در مورد ایمان به موسی (علیه‌السلام) قبل از اجازه گرفتن از او که در این آیه آمده است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۱۶/۴۴۶). بنابراین اجازه گرفتن از استکبار برای انجام کارها نوعی تحقیر شدن و یکی از راه‌های تأمین روحیه‌ی سلطه‌طلبی آن‌هاست؛ و باید با آن مقابله شود.

### ۳-۲-۱. بی‌اعتنایی به آرا و خواست مردم

مستکبرین بی‌اعتنا به آراء و خواست مردم، تصمیم‌های برای آن مردم می‌گیرند که این، نوعی تحقیر کردن آن ملت است. امام خامنه‌ای در این مورد می‌فرماید: «عراق یک کشور سی میلیونی مستقل در یک منطقه‌ی حساس است؛ اما اینها بی‌اعتنا به آراء و خواست مردم آمده‌اند یک حاکم آمریکایی در عراق گذاشته‌اند» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۸۲/۸/۲۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3204>). هم رضا خان با کودتا سرکار آمده بود، هم محمدرضا با کودتا سر کار آمد. بر مردم تحمیل بودند و از آراء مردم، عقاید مردم، دلبستگی‌های مردم، فرهنگ مردم و درخواست و اراده‌ی آن‌ها هیچ نشانی نبود (گزیده‌ی بیانات، ۹۵/۱۱/۱۰، <https://farsi.khamenei.ir/message->



(content?id=35507).

قرآن کریم در مورد بی‌اعتنایی منافقان به دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله برای حضور در پیکار جنگ می‌فرماید: «قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبِعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ...» (آل عمران: ۱۶۷)؛ گفتند: اگر می‌دانستیم جنگی روی خواهد داد، از شما پیروی می‌کردیم. (اما می‌دانیم جنگی نمی‌شود). بی‌اعتنایی نسبت به چیزی یکی از مصادیق تحقیر کردن است که مستکبران بر علیه ملت‌ها این کار را انجام می‌دهند که آن‌ها را به استکبارستیزی وامی‌دارد.

## ۲. عوامل استکبارستیزی در عرصه اقتصادی

در این قسمت برخی از کارهای که استکبار در زمینه‌ی اقتصاد انجام می‌دهد پرداخته می‌شود که عبارتند از: تلاش برای تک محصولی کردن اقتصاد که یکی از دخالت‌های آنان در عرصه‌ی اقتصادی کشورهاست. آنان با غارت کردن، تحریم کردن، حمایت اقتصادی از دشمنان ملت‌ها، سیطره‌ی اقتصادی به دنبال ضربه زدن به ملت‌ها از راه اقتصاد هستند.

### ۲-۱. تک محصولی کردن اقتصاد کشور

تک محصولی بودن و تأکید بر صادرات نفتی مانع از رشد اقتصادی است. نفت جزء ذخایر تمام‌شدنی است. با کم شدن یا تمام شدن آن اقتصاد کشور فلج می‌شود. رهبری در این باره می‌فرماید:

«خدا لعنت کند کسانی را که از اول پیدا شدن چاه‌های نفت در این کشور. به خصوص آن وقتی که قیمت نفت مقداری گران شد. اساس و بنای کار را در این کشور بر روی درآمد نفت گذاشتند که بعد از انقلاب هم به خاطر گرفتاری‌های متعدد، همان وضع کم و بیش ادامه پیدا کرد. سالهاست که دولت‌های ما. هم این دولت فعلی و هم دولت‌های قبلی. درصدد بودند که وابستگی به نفت را کم کنند» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۷۷/۱۰/۴،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2922>

صاحب کتاب استضعاف و استکبار در قرآن می‌نویسد که یکی از راه‌های که

مستکبران استعمارگر در جهان امروز برای وابسته ساختن ملت‌ها سود می‌جویند، تک محصولی کردن اقتصاد کشورهای کوچک است (سروش، بی تا: ۱۱۸). یکی از دخالت‌های اقتصادی دشمنان، گماردن افرادی در کشورها برای اینکه اقتصاد کشور را متکی به یک چیز کنند و در نتیجه وابستگی ایجاد کنند؛ یعنی قیمت، امکان فروش، تحریم... آن چیز دست دشمنان باشد و ما باید خود را تک محصولی بودن و وابستگی نفتی خلاص کنیم. این کار به استقلال اقتصادی کشور کمک زیادی می‌کند.

## ۲-۲. غارت کردن

استکبار می‌خواهد با غارت کردن معادن، منابع و ثروت کشورها، اقتصاد ملی آن کشورها از هم بپاشد و و باعث فقر و عقب ماندگی آن کشورها و توسعه‌ی کشور خود باشند. این مسئله مورد توجه رهبری بوده و می‌فرماید: «از قرن شانزدهم و هفدهم میلادی اروپایی‌ها شروع کردند به شالوده ریزی یک تمدن جدید... به سمت غارت کردن ثروت ملت‌ها رفتند» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۹۴/۱۰/۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31770>).

انگلیس‌ها در زمان قاجاریه به ایران آمدند و با رجال خائن آن روز برای بردن نفت مملکت قراردادی شصت ساله بستند تا انگلیس بیاید و نفتی را که آن روز مثل آب خوردن به آن نیاز داشت، ببرد... اگر می‌خواستند به جای نفت در بشکه‌ها آب بریزند و ببرند، شاید برایشان گرانتر تمام می‌شد (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه ۷۳/۴/۱۱). اگر ملتی در داخل کشور خودش منابع طبیعی دارد، دولت‌های قلدر دنیا می‌خواهند از منابع طبیعی او بیشتر از خود آن ملت استفاده کنند. دو، سه کشور در در دنیا - در آفریقا و آمریکا لاتین هستند که تقریباً همه‌ی مس دنیا را آنها تأمین می‌کنند. دولت‌هایی که منابع مس مال آنهاست به خاطر این منابع مورد تعدی سیاسی دولت‌های بزرگ قرار گرفتند و عاقبت هم به خاطر مس از لحاظ مالی ورشکست شدند! این در حالی است که همان مس، از آن کشورها به کشورهای ثروتمند و قلدر دنیا صادر می‌شود و آن‌ها از این ماده‌ی مهم لازم، تقریباً به

صورت مفت و رایگان استفاده می‌کنند» (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۷۳/۱/۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2708>).

امام علی علیه السلام در خطبه‌ی شقشقیه در مورد غارت بنی امیه از بیت المال می‌فرماید: «شورایی که یکی به خاطر کینه‌اش به من رأی نداد... تا سومی به حکومت رسید... دودمان پدری او (بنی‌امیه) به همراهی او برخاستند، چون شتری که گیاه تازه‌ی بهار را با ولع می‌خورد به غارت بیت المال دست زدند» (شریف رضی، بی تا: ۹). در مورد غارت معاویه از شهرهای شیعه نشین در کتاب ارشاد القلوب آمده است: یک نفر از منطقه شهر انبار به دادخواهی و استمداد وارد شد و فریاد زد: «یا علی علیه السلام به شیعیان رحم کن، زیرا لشکر معاویه به ما حمله کرده و شهرها و ساکنان اطراف فرات را که بین «یصبت» و «انبار» واقع شده‌اند؛ غارت کرده است» (دیلمی، بی تا: ۲/۱۲۶). در کتاب کافی نیز آمده که ابو عبدالله صادق علیه السلام فرمود: «گوسفندان مسلمین در تپه‌های اطراف مدینه به چرا بودند که مشرکین عرب غارت آوردند. شبان فریاد کشید: غارتگران، غارتگران. رسول خدا فریاد او را شنید و در پی غارتگران رفت» (کلینی، بی تا: ۴/۲۲۸). درباره‌ی غارت خانه‌ی اولاد پیامبر توسط ظالمان آمده است که راوی گفت: مردم برای غارت خانه‌های اولاد پیغمبر حمله بردند حتی چادری که زن بر کمرش بسته بود کشیده و می‌بردند. (ابن طاووس، بی تا: ۱۳۱). بنابراین غارت کردن یکی از کارهای دشمنان ملت‌هاست که به وسیله‌ی آن به اقتصاد کشورها لطمه وارد می‌کنند و ملت‌ها را به استکبارستیزی وامی‌دارد.

### ۲-۳. تحریم کردن

مستکبران برای اینکه وضع اقتصادی کشور را نابسامان و بحرانی کنند و برای ایجاد بسترهای جدید برای اعتراضات اجتماعی، تحریم‌ها را بر ملت‌ها تحمیل می‌کنند. مسئله‌ی تحریم مورد توجه رهبری بوده و می‌فرمایند: «امروز سخن از تحریم می‌گویند؛ تحریم برای ما چیز تازه‌ای نیست. از سال اول پیروزی انقلاب، تحریم‌های یک جانبه از طرف آمریکا و کشورهای اروپایی شروع شد و در طول جنگ، این تحریم‌ها و محدودیت‌ها به اوج

خود رسیدن من یک وقتی گفته‌ام؛ ما می‌خواستیم از خارج کشور سیم خاردار تهیه کنیم. کشوری که این سیم خاردار باید از آنجا عبور کند. شوروی سابق. اجازه نمی‌داد که این کالا از داخل خاک او عبور کند، بیاید ایران! حالا کالا نه کالای نظامی است، نه سلاح تهاجمی است، سیم خاردار است؛ این قدر محدودیت علیه کشور ما به وجود آوردند. در همه‌ی زمینه‌های اقتصادی به دنبال ایجاد تحریم بودند؛ غرضشان هم این بود که ملت ایران را به زانو در بیاورند» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۹۰/۷/۲۰،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17659>.

در قرآن سوره‌ی منافقون به مسئله‌ی تحریم اشاره شده است: «هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلٰی مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَ لِلَّهِ... (منافقون: ۷)؛ آنها کسانی هستند که می‌گویند به افرادی که نزد رسول خدا هستند انفاق نکنید تا پراکنده شوند! کلمه‌ی «يَنْفَضُوا» مضارعی است که از مصدر «انقباض» گرفته شده است و انقباض به معنای متفرق شدن است و معنای آیه این است که منافقین همان کسانی هستند که می‌گویند مال خودتان را بر مؤمنین فقیر که همواره دور رسول الله را گرفته‌اند انفاق نکنید، چون آنها دور او را گرفته‌اند تا یاری‌اش کنند و اوامرش را اتخاذ و هدف‌هایش را به کرسی بنشانند، وقتی شما به آنها کمک نکردید از دور او متفرق می‌شوند و او دیگر نمی‌تواند بر ما حکومت کند (طباطبایی، بی تا: ۱۹/۴۷۵).

در مورد محاصره‌ی اقتصادی شعب ابی طالب آمده است که قریش جمع شدند و قطع نامه‌ای را امضا کردند و آن را در خانه‌ی کعبه گذاشتند و بعد به مادر ابوجهل دادند و طبق آن بنی هاشم را از مکه خارج کردند و به شعب ابی طالب رفتند و در آنجا سه سال ماندند. حضرت ابوطالب و خدیجه تمام اموال خود را در آنجا خرج کردند و فقط در ماه‌های حرام می‌توانستند آذوقه تهیه کنند و داد و ستد کنند (سعید بن هبه الله، بی تا: ۶۷). پیامبر و مسلمانان را با زن و فرزندانشان در دره‌ای سوزان و بی آب و علف به نام شعب ابی طالب، سه سال زندانی و محاصره کردند (شریف الرضی، بی تا: ۴۸۹). با توجه به مطالب ذکر شده، استکبار با محاصره‌ی اقتصادی کشورها به دنبال نابسمان کردن اقتصاد و جلوگیری از رشد

کشورهاست. پس باید به مبارزه با آنها برخاست.

#### ۴-۲. حمایت اقتصادی از دشمنان اسلام

مستکبران از دشمنان کشورهای مسلمان حمایت اقتصادی می‌کنند؛ زیرا آنها هدف مستکبران را که ضربه زدن به ملت‌ها و جلوگیری از رشد باشد را انجام می‌دهند. حضرت خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «اظهارات رئیس جمهور آمریکا در دو نامه به این جانب مبنی بر اینکه قصد براندازی نظام اسلامی را ندارد، خیلی زود با طرفداری از فتنه‌های داخلی و کمک مالی به معارضان جمهوری اسلامی، خلاف واقع از آب در آمد (نامه رهبر انقلاب به رئیس جمهور درباره الزامات اجرای برجام، ۹۴/۷/۲۹، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=31168>).

دولت آمریکا در واقع در جهت منافع صهیونیست‌ها حرکت می‌کند و از همه‌ی دنیا باج می‌گیرد و به رژیم صهیونیستی باج می‌دهد (حضور فرمانده کل قوا در مراسم دانش آموختگی دانشجویان ارتش در دانشگاه ستاری، ۹۲/۷/۱۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24132>).

ما از گذشته تا حال اطلاع داریم که پول برخی کتابهای سراسر دشنام و تهمت را که علیه شیعیان و اهل تسنن چاپ می‌شود یک مرکز وابسته به استکبار می‌دهد» (دیدار اقشار مختلف مردم با رهبر انقلاب، ۸۷/۹/۲۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=5025>).

صاحب تفسیر حکیم مطالبی را در مورد کمک مالی معاویه به خائنان امت اسلامی برای ضربه زدن به اسلام و شخصیت پیامبر را آورده است: هر انسان عاقل روایاتی که دست‌جا‌اعلان حدیث، خائنان به حقایق و ستمگران به اسلام و امت، با کمک مالی معاویه و دیگر حاکمان اموی و عباسی ساخته و در آن‌ها شکستن شخصیت پیامبر، ضربه زدن به اسلام و متوقف کردن مردم از حرکت به جانب فرهنگ کمال‌بخش الهی نشانه گرفته شده، بسیار بسیار متأسف، غصه‌دار می‌شود (انصاریان، بی تا: ۱۱۷/۹).

خداوند در قرآن درباره‌ی کسانی که به افرادی که به جنگ با پیامبر رفتند، کمک مالی کردند می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا (انفال: ۳۶-۳۷)؛ آنها که کافر شدند، اموالشان را برای بازداشتن (مردم) از راه خدا خرج می‌کنند. قمی علیه السلام فرمود که این آیات نازل شده درباره‌ی قریش وقتی که ضمیم بن عمرو خزاعی از طرف ابوسفیان مأمور شد که آنها را از بیرون آمدن پیغمبر صلی الله علیه و آله و اصحاب از مدینه به عنوان تعرض کاروانشان آگاه نماید و او با وضع مهیجی وارد مکه شد و ابلاغ نمود و صفوان بن امیه و سهیل بن عامر و سایر قریش هر کدام به قدر استطاعت خودشان کمک مالی در تهیه وسایل جنگ با پیغمبر صلی الله علیه و آله نمودند تا جلوگیری از رواج دین اسلام نمایند و این اموال در جنگ بدر صرف شد و حسرتش به دل آنها ماند (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۵۳۲/۲). بنابراین یکی از کارهای مستکبران، حمایت اقتصادی از ظالمان است که ملت‌ها را به استکبارستیزی وا می‌دارد.

## ۲-۵. تلاش برای رسیدن به سیطره‌ی اقتصادی

دشمن از راه جنگ اقتصادی به دنبال ضربه زدن به ملت‌ها و ایجاد فقر در جوامع است تا بتواند بر همه‌ی آن‌ها سلطه اقتصادی پیدا کند. امام خامنه‌ای در این خصوص می‌فرماید: «ایران یک روز پا انداز آمریکایی‌ها بود... سررشته‌ی امور اقتصادی دست خودشان بود (بیانات رهبری در دیار کاگزاران نظام، ۸۲/۵/۱۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3186>). تلاش‌های استعماری اروپا در دو قرن اخیر برای تسخیر منابع طبیعی و انسانی و تسلط بر مناطق ثروت خیز در آسیا و آفریقا تشریح کردند» (خبر دیدار فرماندهان و پرسنل نیروهای سه گانه ارتش با فرمانده کل قوا، ۷۳/۱/۲۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2709>).

صاحب کتاب الحیاه درباره‌ی سلطه‌ی اقتصادی می‌گوید: سلطه‌ی اقتصادی طغیانگر همان استکبار اقتصادی و مالی است که صورت‌های دیگر استکبار را در پی می‌آورد و سبب پیدا شدن استضعاف و فقر در اجتماع و شیوع آن می‌شود (حکیمی و همکاران، بی تا: ۳۶۳/۳). مستکبران برای سیطره‌ی یافتن بر اقتصاد کشورها در تلاشند و ملت‌ها باید جلوی

هدف آن‌ها را بگیرند.

### ۳. عوامل استکبارستیزی در عرصه نظامی

در این فصل برخی از کارهای نظامی مستکبران آورده شده که عبارتند از: بمباران کردن شهرها، ترورکردن افراد، شکنجه و زندانی کردن، ایجاد ناامنی از راه ایجاد کردن گروه‌های تروریستی، دخالت نظامی در کشورها، محاصره‌ی نظامی، کودتا کردن و غصب کردن سرزمین‌ها و منابع آن سرزمین‌ها و حمایت نظامی کردن از دشمنان ملت‌ها و تهدیدکردن ملت‌ها به حمله‌ی نظامی و هسته‌ای.

#### ۳-۱. بمباران کردن شهرها

بمباران کردن شهرها و کشورها، یکی از کارهای نظامی دشمنان ملت‌هاست برای اینکه ثابت کنند ابرقدرت در جهان هستند و همه‌ی جهان زیر تحت سیطره‌ی آن‌هاست. امام خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید: «بمباران اتمی دو شهر هیروشیما و ناکازاکی در زمان جنگ جهانی دوم به دستور رئیس جمهور وقت آمریکا علیه امپراطوری ژاپن انجام گرفت (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۹۳/۶/۱۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=27356>).

همین شهر تهران بارها مورد تهاجم موشک‌های دوربرد قرار گرفت که یک بار آن دو ماه طول کشید. دو ماه، شب و روز، نصف شب، صبح، به تهران موشک خورد. در هر شبانه روزی، ده، پانزده موشک به شهر تهران می‌خورد و مردم هم زندگی می‌کردند. شهرهایی مثل دزفول و دیگر شهرهای خوزستان و بسیاری از شهرها، شاید پنجاه نفر شصت نفر در طول چند سال به طور دائم زیر موشک باران دشمن بود (بیانات در دیدار جمعی از آزادگان، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8840>، ۶۹/۶/۲۶).

الآن روزانه یمن دارد بمباران می‌شود؛ مردم بمباران می‌شوند، محافل و مجالس بمباران می‌شود، بازار بمباران می‌شود، زیر ساخت‌های کشور بمباران می‌شود. به وسیله‌ی چه

کسی؟ به وسیله‌ی هم پیمان‌های آمریکا که مورد تایید آمریکایند. (سعودی‌ها)» (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۹۶/۱۱/۱۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38872>).

در تفسیر حکیم در مورد بمباران کردن شهرها آمده است: جزیره‌ی مرجانی بیکینی و اینوتوک در بین سال‌های ۱۹۴۶ و ۱۹۵۸ به وسیله‌ی بمب‌های اتمی آمریکا منفجر شد و از آتش سوزان ناشی از بمب‌ها همه جا سوخت (انصاریان، بی تا: ۱/۴۷۳). موسیولینی دیکتاتور ایتالیا هنگامی که نتایج بمباران کردن حبشه را با دست خود بازگو می‌کند می‌گوید: ماتپه‌ها را که از جنگل‌های سرسبز پوشانده شده بود به حریق کشاندیم ... بمب‌ها به مجرد اصابت با زمین منفجر شده دود سفید و شعله‌های عظیمی از آنها بلند می‌شد (همان، ۲/۴۵۴). بنابراین یکی از کارهای نظامی استکبار بمباران کردن کشورهاست و عاملی برای ستیز و مقابله با مستکبران است.

## ۲-۳. ترور کردن

یکی از کارهای خصمانه‌ی استکبار علیه ملت‌ها ترور شخص یا اشخاصی می‌باشد که فرد کشته شده دارای مقام یا شهرت یا علایق سیاسی است که با هدف کیفر یا اهداف سیاسی انجام می‌گیرد. حضرت خامنه‌ای در این مورد می‌فرماید: «پانصد و پنجاه دانشمند عراقی به وسیله‌ی اسرائیلی‌ها ترور شدند...» (بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8513>، ۸۸/۹/۲۲).

خداوند در سوره‌ی توبه در مورد ترور پیامبر توسط مخالفین می‌فرماید: «يَخْلُقُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَ لَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ... (توبه: ۷۴)؛ به خدا سوگند می‌خورند که (در غیاب پیامبر، سخنان نادرست) نگفته‌اند؛ در حالی که قطعاً سخنان کفرآمیز گفته‌اند. این آیات که یازده آیه است که بهم مربوط و متصلند غرض واحدی را افاده می‌کنند و آن عبارت است از نقل یکی از داستان‌های منافقین که می‌خواستند رسول خدا ﷺ را ترور کنند (طباطبایی، بی تا: ۴۶۴/۹).



صاحب کتاب قصص قرآن در مورد ترور امام حسین می گوید که یزید شرابخوار که وجود امام را سد محکمی در برابر تثبیت حکومت خود می دید، صد مرد مسلح را برای ترور امام حسین علیه السلام به مکه فرستاد، امام که از توطئه‌ی او آگاه شده بود، از اقامت در مکه منصرف گردید و تصمیم گرفت حج را نیمه تمام گذاشته و به سوی کوفه برود (جزائری، بی تا: ۷۵۴). یکی از کارهای نظامی مستکبرین ترور افراد است که باید مقابل آنها ایستاد و با آنها مبارزه کرد.

### ۳-۳. شکنجه و زندانی کردن

مستکبران با زندانی کردن و شکنجه دادن زندانیان می خواهند برآنان تأثیر بگذارند و خشونت مهم‌ترین ابزاری است که برای این تأثیرگذاری استفاده می کنند. رهبری در این خصوص می فرماید: «زندان گوانتانامو که مال آمریکایی هاست، هنوز زندانی دارد. الان ده یازده سال است در این زندان یک عده‌ای را که به اتهام از جاهای مختلف دنیا گرفتند و بردند آنجا، بدون محاکمه با شرایط بسیار سخت و همراه با شکنجه نگه داشتند! در عراق، زندان ابوغریب یکی از زندان‌های آمریکایی‌ها بود، سگ به جان زندانی می انداختند و او را شکنجه می کردند. (بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۹۲/۸/۲۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24552>).

استفاده از قساوت آمیزترین روش‌ها و وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها در زندان‌های مخوف، یکی از خصوصیت‌های رژیم پهلوی بود» (دیدار مردم قم با رهبر انقلاب ۹۳/۱۰/۱۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28598>). خداوند در سوره بروج جنایات گروه شکنجه گر را می آورد: این سوره (بروج) با بیان جنایات گروهی شکنجه گر آغاز می شود که گودالی عمیق حفر می کردند و آتشی عظیم در آن می افروختند (قرائتی، ۱۳۸۳: ۴۳۲/۱۰). خداوند در قرآن در مورد شکنجه گری‌های فرعون می فرماید: «وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ\* الَّذِينَ طَعَنُوا فِي الْبِلَادِ (حجر: ۹)؛ و فرعون‌ی که قدرتمند و شکنجه گر بود، همان اقوامی که در شهرها طغیان کردند». آیا ندیدی پروردگارت با فرعون‌ی که قدرتمند و شکنجه گر بود چه

کرد؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۷۷). یکی از جنایات نظامی مستکبران، زندانی و شکنجه دادن مردم بی‌گناه است و نباید در برابر آن‌ها بی‌تفاوت بود.

#### ۳-۴. ایجاد نا امنی

دشمنان برای ایجاد نا امنی در کشورها در تلاشند و به این منظور دست به اقداماتی می‌زنند که عبارتند از:

##### ۳-۴-۱. ایجاد گروه‌های تروریستی

یکی از کارهای مستکبران در زمینه‌ی ایجاد نا امنی، ایجاد گروه‌های تروریستی است. مستکبرین برای ایجاد ترس و وحشت و بدنام کردن اسلام، گروه‌های تروریستی را به وجود آوردند و باعث کشتار افراد بی‌گناه می‌شوند. گروه‌های تروریستی مصداق بالایی از خشونت ورزی است و به دنبال دامن زدن به اختلافات مذهبی هستند. این مسئله مورد توجه مقام معظم رهبری بوده و می‌فرمایند: «ایجاد نظام‌های خشن و قسی القلب مثل اسرائیل، کار اینهاست. (امریکا) (گزیده بیانات عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ۹۲/۲/۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22405>). بعد از بیست و هشتم مرداد، دستگاه جهانی ساواک را به وجود آوردند. این‌ها را غربی‌ها کردند، این‌ها را انگلیس‌ها کردند؛ بعد از انگلیس‌ها هم نوبت آمریکایی‌ها رسید (بیانات در دیدار رییس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۹۴/۱۲/۲۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32587>، ۹۴/۱۲/۲۰). بنا بر اعتراف رئیس جمهور فعلی آمریکا در تبلیغات انتخاباتی‌اش، عامل به وجود آوردن داعش بوده‌اند (دیدار شرکت کنندگان در کنفرانس اتحادیه بین‌المجالس سازمان همکاری اسلامی با رهبر انقلاب، ۹۶/۱۰/۲۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38725>).

در شرق کشور ما، طالبان توسط خود آمریکایی‌ها سازماندهی شده بودند. آن‌ها از لحاظ فکری، اعتقادات سلفی داشتند و با شیعه، ایران، انقلاب اسلامی و امام هم سخت

دشمن بودند (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۸۲/۱/۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3167>). استکبار جهانی از طریق به وجود آوردن وهابیت سعی کرده است در داخل جامعه‌ی اسلامی، مرکز امنی را برای خود ایجاد کند) (دیدار جمعی از روحانیون و ائمه جمعه و اساتید حوزه علمیه اهل سنت با رهبر انقلاب، ۶۸/۱۰/۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2237>). ایجاد مذاهب جعلی توسط استعمار در قرن اخیر به طور مثال فرقه‌ی وهابیت و بهائیت توسط دولت‌های انگلیس و روس ایجاد گردید تا ضمن ایجاد اختلاف در جامعه‌ی اسلامی و انحراف مذهبی، مردم مسلمان ایران را تضعیف کند (برهانیان، ۱۳۸۳: ۴۱). مکارم شیرازی در مورد ایجاد فرقه‌ی وهابیت می‌گوید: «ابن تیمیه، بنیان گذار فرقه‌ی وهابیت است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۱۹). بنابراین ایجاد گروه‌های تروریستی توسط مستکبران به امنیت کشورها ضرر می‌زند و باعث کشتار و اختلاف ملت‌ها می‌شود. در مقابل ظلم این‌ها نمی‌شود سکوت کرد.

## ۲-۴-۳. دخالت نظامی

مستکبران با دخالت نظامی در کشورها می‌خواهند اداره‌ی آن کشورها را به دست گیرند. به همین علت مستقیماً در کارهای نظامی آنها دخالت می‌کنند؛ مثلاً ارتش آن کشور را در دست می‌گیرند یا هرکس را بخواهند دستگیر می‌کنند و یا در تصمیم‌های نظامی آن کشور دخالت می‌کنند. امام خامنه‌ای در این مورد می‌فرماید: «تا حالا هم دخالت کرده‌اند! حتی دخالت نظامی کرده‌اند؛ سرباز وارد کردند، نیروی نظامی وارد کردند، در خاورمیانه این کار را کردند، در آمریکای لاتین این کار را کردند (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نظام آمریکا، ۷۰/۱۱/۱۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2578>). آمریکایی‌ها از طریق سفارت خود در بغداد و همچنین سرویس‌های جاسوسی خود و صهیونیست‌ها در عراق دخالت نظامی، سیاسی، امنیتی می‌کنند» (خبیر، دیدار آقای نوری مالکی نخست وزیر عراق با رهبر معظم انقلاب ۸۶/۵/۱۸،

( <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=1536> ).

در کتاب دایره المعارف قرآن به دخالت نظامی بنی عبدالدار در جنگ‌ها اشاره می‌شود: از نظر نظامی این خاندان (قبیله‌ی بنی عبدالدار) از لحاظ عده و عده جایگاه برجسته‌ای دارد؛ نصب لواء یعنی فرماندهی جنگ و حمل پرچم اصلی و بزرگ سپاه اقتضا می‌کرد که بنی عبدالدار در همه‌ی تصمیم‌های نظامی و جنگها حضور داشته باشند ... در آستانه‌ی ظهور اسلام به ویژه در منازعات و جنگ‌های قریش بر ضد رسول خدا ﷺ حضور چشمگیری داشتند (دایره المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲: ۶ / ۲۱۲). بنابراین یکی از کارهای نظامی مستکبران برای ایجاد نا امنی، دخالت نظامی در کشورهاست که باید به ستیز با آن‌ها برخاست.

### ۳-۴-۳. محاصره نظامی

محاصره به معنای بستن تمامی راه‌های ورود و خروج به یک مکانی یا شهری به قصد تسخیر آنجاست. اگر شخصی یا ملتی بر ضد خواسته‌های مستکبران عمل کنند مستکبران به دنبال محاصره‌ی نظامی آن‌ها می‌باشد. مثل محاصره‌ی نظامی منزل امام خمینی در نجف. حضرت خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «در سال ۵۷ خانه‌ی امام خمینی در نجف توسط رژیم صدام محاصره شد». (خاطرات آن روزها مسجد کرامت؛ مرکز مبارزه مشهد ۲۲/۱۱/۹۳، <https://farsi.khamenei.ir/memory-content?id=28874>). قرار گرفتن مسلمانان مدینه در محاصره‌ی دشمن از ناحیه‌ی بالا و پایین مدینه در قرآن آمده است. (هاشمی رفسنجانی، ۲۵ / ۴۵۹). «إِذْ جَاءُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ...» (به خاطر بیاورید) زمانی‌راکه آنها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما وارد شدند». (احزاب / ۱۰). بنابراین یکی از اقدامات مستکبران برای ایجاد نا امنی، محاصره‌ی نظامی است که موج اعتراض و نفرت نسبت به این امر توسط مردم بلند می‌شود.

### ۳-۴-۴. ایجاد کردن کودتا

کودتا سرنگونی ناگهانی و خشن دولت یا حکومت وقت توسط گروهی کوچک است. پیش نیاز اصلی یک کودتا کنترل تمام یا بخشی از نیروهای مسلح است. استکبار

کودتاهایی را در کشور به راه انداخت؛ مانند کودتای ۲۸ مرداد، کودتا نوژه و ... (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۷۶/۱۰/۲۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2869>). حضرت خامنه‌ای در این خصوص می‌فرمایند: «ضربات آمریکایی‌ها و کودتا درست کردن‌ها علیه جمهوری اسلامی مانند کودتا پایگاه شهید نوژه و... . کودتای ۲۸ مرداد را راه‌انداختند...» (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۹۴/۸/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31309>). در قرآن نیز به مسئله‌ی کودتا اشاره شده است: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا... (احزاب: ۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکرهایی (عظیم) به سراغ شما آمدند...». این آیه و شانزده آیه پس از آن به جنگ احزاب مربوط است که در سال پنجم هجری واقع شد. در این جنگ که یهودیان و مشرکان و منافقان قصد کودتا و تصرف مدینه را داشتند. مسلمانان با پیشنهاد سلمان فارسی و موافقت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اطراف مدینه را خندق کردند (قرآنی، ۱۳۸۳: ۳۳۵/۷). بنابراین یکی از مصادیق ایجاد نا امنی، به راه‌انداختن کودتا در کشورهاست تا نظام، دولت ... که در مقابل مستکبران تسلیم نمی‌شود با کودتا از سر راه خود بردارند.

### ۳-۴-۵. غصب کردن

مناطقى که از امتیازاتی برخوردار هستند مثل موقعیت جغرافیای ممتاز، معادن فراوان و ... مورد طمع مستکبرین واقع می‌شود که برای خود حق بهره بردن از آن مناطق را قائل‌اند و به غصب آن سرزمین‌ها می‌پردازند و برای همین مردمان آن مناطق را از سرزمین خود آواره می‌کنند و اگر مقاومت کردند دست به هر جنایتی می‌زنند این نوعی ایجاد نا امنی برای این کشورهاست. این مسئله مورد توجه رهبری بوده و می‌فرمایند: «آن روز یک عده افراد زورگو و متجاوز با پشتیبانی دولت انگلیس به منطقه‌ی فلسطین آمدند. اهالی آن منطقه را بیرون کردند و فرزندان و بازماندگان آن‌ها بیش از یک میلیون نفر هنوز هم در زیر چادرها و در شرایط اردوگاهی زندگی می‌کنند! زیر چادر، یا چیزی شبیه چادر، در کوخ‌ها زندگی می‌کنند!

مردم فلسطین، در خارج از فلسطین، با کوخ نشینی و اردوگاه نشینی زندگی می‌کنند. خانه‌های آن‌ها و وطن آنها در اختیار کسانی است که آر اروپا، از استرالیا، از آمریکا از آسیا و از آفریقا به آنجا رفته‌اند و یک ملت جعلی و دروغین به وجود آورده‌اند (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2791,75/1/4>).

اسرائیل کسانی هستند که غصب خانه، غصب سرزمین، غصب مزرعه، غصب تجارت به وسیله‌ی همین‌ها دارد انجام می‌گیرد» (بیانات خطبه‌های نماز جمعه تهران  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3813,87/6/29>).

تصرف و غصب اموال مردم از سوی یهود در قرآن نیز آمده است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۵۵۱/۳۳): «إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ...» (توبه: ۳۴)؛ بسیاری از دانشمندان و راهبان، اموال مردم را به باطل می‌خورند. در سوره‌ی بقره به غصب سرزمین‌های مؤمنان بنی‌اسرائیل به دست جالوتیان اشاره شده است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۴۰۳/۲۱): «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ جَاءُوا إِسْرَائِيلَ...» (بقره: ۲۵۰-۲۴۶)؛ آیا مشاهده نکرده‌ای جمعی از بنی اسرائیل. بنابراین یکی از کارهای نظامی مستکبران در زمینه‌ی ایجاد ناامنی، غصب کردن سرزمین‌ها و منابع ملت‌هاست و برای همین ملت‌ها با آن‌ها مبارزه می‌کنند.

## ۵. حمایت نظامی

گروه‌هایی که منافع و اهداف آنها در راستای منافع و اهداف استکبار است، استکبار هر نوع حمایت نظامی از این گروه‌ها می‌کند. امام خامنه‌ای در مورد این مطلب می‌فرماید: «در جنگ هشت ساله‌ی که در واقع همه‌ی نیروهای مسلط دنیای آن روز- چه شوروی آن روز چه آمریکای آن روز چه فرانسه‌ی آن روز چه بلوک شرق اروپائی آن روز- با هم همدست شده بودند و به رژیم بعثی نیرو و اطلاعات و سلاح تزریق می‌کردند (بیانات در دیدار داش آموزان و دانشجویان، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4122,87/8/8>).

آمریکایی‌ها دارند اطلاعات نظامی به سعودی‌ها می‌دهند، سلاح می‌دهند، امکانات می‌دهند...» (بیانات در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۹۴/۲/۱۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29639>).

کمک نظامی قریش به قبیله‌ی بنی‌بکر در قرآن آمده است. «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئاً...» (توبه: ۴)؛ مگر کسانی از مشرکان که با آن‌ها عهد بستید و چیزی از آن را در حق شما فرو گذار نکردند. نقض عهد غیر مستقیم نظیر کمک نظامی به کفار علیه مسلمین، همچنان که مشرکین مکه بنی‌بکر را علیه خزاعه کمک کردند. چون بنی‌بکر با قریش پیمان نظامی داشتند و خزاعه با رسول خدا ﷺ و چون رسول خدا ﷺ با بنی‌بکر جنگید قریش قبیله‌ی نامبرده را کمک نموده و با این عمل خود پیمان حدیبیه را که میان خود و رسول خدا بودند شکست خوردند. قریش قبیله‌ی بنی‌بکر را کمک نظامی از قبیل مرکب و اسلحه دادند (طباطبایی، بی‌تا: ۲۰۱/۹). یکی از کارهای نظامی مستکبران، حمایت نظامی از ظالمان و ستمگرانی همچون اسرائیل است؛ که ملت‌ها را به مبارزه علیه آن‌ها وامی‌دارد.

## ۶. تهدید به حمله‌ی نظامی و هسته‌ای

استکبار با تهدید نظامی ملت‌ها، سعی در ترساندن آن‌ها را دارد تا جلوی حرکت و پیشرفت ملت‌ها گرفته شود. امام خامنه‌ای می‌فرماید: «طرف مقابل با وقاحت تمام، ما را تهدید نظامی می‌کند! با وقاحت، مرتب تهدید نظامی می‌کند؛ چند وقتی بود ساکت بودند، باز چند روز قبل از این که یکی از آنها دهن باز کرد و راجع به گزینه‌های روی میز و گزینه‌ی نظامی بنا کرد حرف زد» (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران ۹۴/۱/۳۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29472>).

در آیه‌ی ۸۶ سوره‌ی اعراف آمده است: «وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجاً...»؛ و بر سر هر راه نشینید که (مردم با ایمان را) تهدید کنید و مؤمنان را از راه خدا بازدارید...». عادت مردم مدین این بود که در کمین کسانی که

قصد داشتند به نزد شعیب رفته و به او ایمان آورند، می‌نشستند و آن‌ها را تهدید به مرگ می‌کردند (جزائری، بی تا: ۳۳۶). بنابراین یکی از کارهای نظامی مستکبران، تهدید به حمله‌ی نظامی و هسته‌ای است.

### نتیجه‌گیری

استکبارستیزی به معنای مقابله با هر نوع اقدام‌های مستکبرانه است. حضرت آیت الله خامنه‌ای که سکان دار انقلاب اسلامی می‌باشد و بیش‌تر از هر کسی در انقلاب نسبت به مسائل جهانی آگاه است به همین دلیل این تحقیق از دیدگاه ایشان است. مقام معظم رهبری بر مقوله‌ی استکبارستیزی تأکید ویژه‌ای دارند و این امر را یکی از اهداف و مبانی بزرگ انقلاب، ارزیابی و به ملت ایران خطر استکبار را همواره گوشزد می‌کنند.

تحقیق حاضر به عوامل استکبارستیزی در عرصه‌ی سیاسی، اقتصادی و نظامی ازدیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته است. استکبار ستیزی در عرصه‌ی سیاسی به دلیل کارهایی است که استکبار در این عرصه انجام می‌دهد. این کارها عبارتند از: دخالت کردن که شامل دخالت کردن در انتخابات، دخالت کردن در امور اعتقادی و دینی و دخالت کردن در فعالیت‌های احزاب سیاسی است. سپس اختلاف افکنی که شامل اختلاف افکنی بین مذاهب و اختلاف افکنی بین ملت‌های مسلمان است. از دیگر کارهای آنان، تلاش برای رسیدن به سلطه‌گری سیاسی که از طریق ایجاد وابستگی و تحقیرکردن ملت‌ها حاصل می‌شود. استکبارستیزی در عرصه‌ی اقتصادی به علت اقداماتی است که مستکبران در این عرصه انجام می‌دهند؛ که شامل این موارد است: تلاش برای تک محصولی کردن اقتصاد کشور (یا همان اقتصاد کشور را متکی به یک چیز کردن) که یکی از دخالت‌های مستکبرین در اقتصاد کشورهاست. آنان با غارت کردن، تحریم کردن، حمایت اقتصادی از دشمنان اسلام، سیطره‌ی اقتصادی سعی بر تسلط بر دیگر کشورها دارند. ملت‌ها به دنبال استکبارستیزی در میدان نظامی هستند؛ زیرا به فعالیت‌هایی که استکبار در این میدان انجام می‌دهد معترضند. مستکبرین به بمباران کردن شهرها، ترورکردن افراد، شکنجه و



زندانی کردن، ایجاد ناامنی از راه ایجاد کردن گروه‌های تروریستی، دخالت نظامی در کشورها، محاصره‌ی نظامی، کودتا کردن و غصب کردن سرزمین‌ها و منابع آن سرزمین‌ها و حمایت نظامی کردن از دشمنان ملت‌ها و تهدید کردن ملت‌ها به حمله‌ی نظامی و هسته‌ای می‌پردازند.

### فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، چاپ سیزدهم، قم: مشهور، ۱۳۸۰ ش.
- \*صحیفه سجادیه
۱. آموزگار، حبیب الله، میبدی، احمد بن محمد، خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید، ج ۲، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۵۲ ش.
  ۲. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین، مترجم: منصور پهلوان، ج ۱، قم، دارالحدیث، بی تا.
  ۳. \_\_\_\_\_، الخصال، ج ۲، مترجم: یعقوب، جعفری، قم، نسیم کوثر، بی تا.
  ۴. \_\_\_\_\_، من لا یحضره فقیه، مترجم: علی اکبر غاری، تهران، صدوق، بی تا.
  ۵. \_\_\_\_\_، ترجمه‌ی عیون اخبار رضا علیه السلام، ج ۱، تهران، صدوق، بی تا.
  ۶. \_\_\_\_\_، کمال الدین، ج ۲، مترجم: محد باقر، کمره ای، تهران، اسلامی، بی تا.
  ۷. \_\_\_\_\_، ترجمه‌ی عیون اخبار رضا علیه السلام، ج ۲، مترجم: حمید رضا، مستفید، علی اکبر، غفاری، تهران، نشر صدوق، بی تا.
  ۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، مترجم: صادق، حسن زاده، قم انتشارات آل علی علیه السلام، بی تا.
  ۹. ابن طاووس، علی بن موسی، آهی سوزان بر مزار شهیدان (ترجمه اللهوف)، مترجم: احمد، قهری زنجانی، تهران، جهان، بی تا.
  ۱۰. \_\_\_\_\_، الملاحم و الفتن یا فتنه و آشوب‌های آخرالزمان، مترجم: محمد جواد، نجفی، تهران، اسلامی، بی تا.
  ۱۱. امام ششم علیه السلام، منسوب به جعفر بن محمد، مصباح الشریعه، مترجم: حسن، علامه مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، بی تا.

۱۲. انصاریان، حسین، تفسیر حکیم، ج ۹، قم، دارالعرفان، بی تا.
۱۳. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، تهران، سخن، ۱۳۸۱.
۱۴. انیس، ابراهیم، عبد الحلیم منتصر، عطیه الصوالحی، محمد خلف احمد، فرهنگ المعجم الوسیط، ج ۲، مترجم: محمد، بندر ریگی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۵. الهامی نیا، علی اصغر، تبلیغ در قرآن، قم، پژوهشکده اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، نوبت چاپ اول.
۱۶. برهانیان، عبدالحسین، دشمن شناسی در قرآن، تهران، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۸۳ ش.
۱۷. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، مترجم: رضا، مهیار، تهران، انتشارات اسلامی، بی تا.
۱۸. بلاغی، سید عبدالحجت، حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر، مقدمه، قم، انتشارات حکمت، ۱۳۸۶ ق.
۱۹. پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، معارف قرآن، ج ۶، تهران، اداره آموزش عقیدتی سیلسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۷ ش.
۲۰. تقوی دامغانی، سید رضا، تأملات فرهنگی، تهران، نشر نخیل، ۱۳۸۵.
۲۱. ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، ج ۲، تهران، انتشارات برهان، ۱۳۹۸ ق.
۲۲. ثقفی، ابراهیم، الغارات، مترجم، عبد الحمید آیتی، تهران، وزارت ارشاد، بی تا.
۲۳. جادمولی، محمد احمد، مصطفی، زمانی، قصه های قرآنی (تاریخ انبیاء)، قم، پژوهشکده اندیشه، ۱۳۸۰ ش.
۲۴. جزائری، نعمت الله بن عبدالله، داستان پیامبران یا قصه های قرآن از آدم تا خاتم، مترجم: یوسف عزیزی، تهران، انتشارات هادی، بی تا.
۲۵. ———، قصص الانبیاء (قصص قرآن - ترجمه قصص الانبیاء جزائری)، مترجم: فاطمه، مشایخ، تهران، انتشارات فرحان.

۲۶. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، ج ۴، قم، هجرت، بی تا.
۲۷. جمعی از نویسندگان، ولایت در قرآن، قم زمزم هدایت.
۲۸. حاجی یوسفی، امیر محمد، تحلیل سیاسی، قم، انتشارات پارسیان، ۱۳۸۰.
۲۹. حسینی جرجانی، سید امیر ابالفتح، تفسیر شاهی و آیات الاحکام، ج ۱، تهران، صدوق، بی تا.
۳۰. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، ج ۴، تهران، موسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۵.
۳۱. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۴، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۳۲. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، ج ۱، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳ ش.
۳۳. حسینی طهرانی، محمد حسین، نور ملکوت قرآن، ج ۴، مشهد، نور ملکوت قرآن، ۱۴۲۷ ق.
۳۴. حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد، حکیمی، علی، الحیاه، ج ۳، مترجم: احمد، آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
۳۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۲، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۳۶. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، ج ۲، مترجم: علی، سلگی نهاوندی، قم، ناصر، بی تا.
۳۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، مترجم: غلام رضا، خسروی، تهران، مرتضوی، بی تا.
۳۸. سروش، محمد، استکبار و استضعاف در قرآن، قم، پژوهشکده نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بی تا.

۳۹. شریف قریشی، باقر، *نظام خانواده در اسلام*، مترجم: لطیف، راشدی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۴۰. صدر، سید رضا، *تفسیر سوره‌ی حجرات*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹.
۴۱. صفایی حائری، علی، *روش برداشت از قرآن*، قم، لیله القدر، ۱۳۸۵.
۴۲. طاهرزاده، اصغر، *زنان گونه که باید باشد*، اصفهان، لب المیزان، ۱۳۸۷.
۴۳. طباطبایی، سید محمدحسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، ج ۱۹، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۴. طبرسی، فضل بن حسن، *ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۰، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
۴۵. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، ج ۱، تهران، چاپخانه‌ی سپهر، بی تا.
۴۶. فتاحی زاده، فتحیه، *زن در تاریخ و اندیشه‌ی اسلامی*، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۴۷. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، *روضه الواعظین*، مترجم: مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، بی تا.
۴۸. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، ج ۱، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۴۹. قرشی، سید علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، ج ۲، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش.
۵۰. ———، *قاموس قرآن*، ج ۱، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۵۲.
۵۱. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، *جلوه‌های اعجاز معصومین علیهم السلام*، مترجم: غلام حسن، محرمی، قم، دفتر انتشارات اسلامی بی تا.
۵۲. کاشانی، فتح الله، *تفسیر خلاصه‌ی منهج الصادقین*، ج ۳، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳ ق.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *گزیده کافی*، ج ۴، مترجم: محمدباقر، بهبودی، تهران،

- مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، بی تا.
۵۴. ———، *الروضه من الکافی*، مترجم: سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، تهران، انتشارات علمیه، اسلامی، بی تا.
۵۵. مجلسی، محمدباقر، *احتجاجات (ترجمه ج ۹ بحار الانوار)*، مترجم: موسی، خسروی، ج ۱، تهران، اسلامی، بی تا.
۵۶. ———، *بخش امامت (ترجمه ج ۲۳-۲۷ بحار الانوار)*، ج ۵، تهران، اسلامی، بی تا.
۵۷. ———، *مواعظ امامان علیهم السلام (ترجمه جلد ۵۷ بحار الانوار)*، تهران، اسلامی، بی تا.
۵۸. محتشم دولتشاهی، طهماسب، *مبانی علم اقتصاد*، تهران، انتشارات خجسته، ۱۳۸۳.
۵۹. محمد بن مکی، شهید اول، *چهل حدیث / ترجمه الاربعون للشهید الاول*، قم، نهاوندی، بی تا.
۶۰. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، *دایره المعارف قرآن کریم*، ج ۶، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲.
۶۱. مصباح یزدی، محمدتقی، *تهاجم فرهنگی*، تحقیق و نگارش: عبدالجواد، ابراهیمی، چاپ ششم، قم، انتشارات موسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۰.
۶۲. معروف، لوئیس، *فرهنگ المنجد*، مترجم: محمد، بندر ریگی، ج ۱، تهران، انتشارات ایران.
۶۳. معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، ج ۱، تهران، امیر ۱۳۶۲-۱۳۴۲.
۶۴. مغنیه، محمدجواد موسی دانش، *ترجمه تفسیر کاشف*، ج ۱، قم، موسسه بوستان کتاب، بی تا.
۶۵. مغنیه، محمدجواد، *ترجمه تفسیر کاشف*، ج ۳، قم، بوستان کتاب، بی تا.
۶۶. مفضل بن عمر، *توحید مفضل*، مترجم: محمد باقرین محمد تقی، مجلسی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی تا.

۶۷. مفید، محمد بن محمد، *الارشاد للمفید*، مترجم: سید هاشم، رسولی محلاتی، تهران، اسلامیه، بی تا.
۶۸. مکارم شیرازی، ناصر، *آیات ولایت در قرآن*، قم، نسل جوان، ۱۳۸۶ ش.
- a. —، *پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام*، دارالکتب الإسلامیة، تهران - ایران، ۱۳۷۵ ه.ش.
۶۹. —، *سوگندهای پربار قرآن*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۶ ش.
۷۰. —، *مثالهای زیبای قرآن*، ج ۱، قم، نسل جوان، ۱۳۸۲ ش.
۷۱. موسسه‌ی فرهنگی قدر ولایت، *تهاجم به روحانیت و حوزه‌های علمیه در تاریخ معاصر*، ج ۱، تهران، موسسه‌ی فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۹.
۷۲. موسوی خمینی، سید روح الله، *صحیفه امام*، ج ۱۲، بی جا، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا.
۷۳. مهاجرانی، سید عطاء الله، *نقد توطئه‌ی آیات شیطانی*، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۸.
۷۴. منتظری، حسینعلی، *درس‌هایی از نهج البلاغه*، سرایی، تهران - ایران، ۱۳۸۳ ه.ش.
۷۵. واحدی نیشابوری، علی، *ترجمه اسباب نزول*، مترجم: علیرضا ذکاوتی، تهران، نی، ۱۳۸۳ ش.
۷۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر، *تفسیر راهنما*، ج ۱۳، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۷۷. —، *فرهنگ قرآن*، ج ۳۲، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
۷۸. هلالی، سلیم بن قیس، *تاریخ سیاسی صدر اسلام*، ترجمه کتاب سلیم، مترجم: محمود رضا، افتخارزاده، تهران، انتشارات رسالت قلم، بی تا.
۷۹. ناظم زاده قمی، سید اصغر، *جلوه‌های حکمت*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه، ۱۳۷۵.

## استقامت و پایداری از منظر قرآن کریم و روایات با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

زینب طیبی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) - مرضیه شمس‌الدینی گورزانگی<sup>۲</sup> - هاجر زارعی<sup>۳</sup>

### چکیده

استقامت و پایداری در اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هدف از پژوهش حاضر بررسی استقامت و پایداری از منظر قرآن و روایت با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب است که به روش نقلی و وحیانی و به شیوه‌ای کتابخانه‌ای انجام شده است. استقامت خود به معنای در گرو داشتن اراده‌ای استوار در انجام کارهای مهم زندگی است که انواع آن عبارت‌اند: از استقامت در تنگ دستی، در راه دانش، در عمل در جهاد و در تهذیب نفس و از زمینه‌های تقویت استقامت تفکر اندیشه‌ها در هدف، شناسایی راه‌ها حرکت پیوسته بزرگ شمردن هدف کوچک دیدن موانع است. نمونه نقش‌آفرینی استقامت در زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام از جمله در زندگی حضرت علی علیه‌السلام، حضرت زینب علیها‌السلام، آسیه همسر فرعون، حضرت ایوب علیه‌السلام بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آثار استقامت شامل پاک شدن از گناهان کفاره آن

۱. استادیار دانشگاه فرهنگیان، ztayyebi62@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، marziyeshamsodini@gmail.com

۳. طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه حضرت خدیجه، علیها‌السلام، شهرستان سیریک s.ahmadi\_t@yahoo.com



به وسیله تحمل سختی زمینه ساز دریافت غفران و رحمت و او از صلوات خداوند معیت و همراهی خداوند سبحان کرامت نفس و سلامت جسمی و قلبی است.

کلیدواژگان: استقامت، پایداری، قرآن کریم، روایات، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی،

مقام معظم رهبری

## مقدمه

استقامت در تعالیم قرآن و روایات دینی جایگاه ویژه‌ای دارد. یکی از عوامل اصلی ناتوانی نومیدی و ضعف اراده در انسان معاصر، نداشتن استقامت و پایداری در کارهاست. لغزندگی راه و هوس گرایی نفس، خود تأکیدی بر ارزش استقامت است. از زمینه بسیاری از مشکلات در زمینه عدم خودباوری مسائل و اختلافات بر روابط سالم انسانی و انجام گناهان و ناهنجاری فردی و اجتماعی و ناتوانی در پایداری در مقابله با آن و نیز خودباختگی و تسلیم در برابر زور و تزویر حکومت‌های زور مدارانه و تسلط و تجزیه بیگانگان، در عدم شناخت، بی‌توجهی و غفلت انسان‌ها از موضوع استقامت است. موضوعی که از خلأ آن در انسان‌های معاصر به‌ویژه نسل جوان می‌تواند جامعه‌ای را به فساد و تباهی و اضمحلال بکشاند و از جهتی توجه به آنان در ابعاد مختلف زندگی، سرنوشت ملت‌ها رقم می‌زند و نویدبخش و فرداهای روشن برای افراد جامعه است.

اهمیت و ضرورت بدون استقامت سیر به سوی مقاصد مطلوب میسر نمی‌شود و امکان رسیدن به آنچه شایسته است فراهم نمی‌گردد، ازاین‌رو در سخنان امام علی علیه السلام بر استقامت به عنوان رکنی اساسی در رشد و تعالی و کمال یابی آدمی تأکید شده است. به‌طورکلی هر کسی که با نفس خویش سازگاری می‌کند همه معاصی و نافرمانی‌های به او هجوم می‌آورد. ضربه‌پذیر آدمی در زندگی عمدتاً از این‌جا ناشی است و محکم کردن این پایگاه، یعنی درون‌زا کردن استقامت بهترین زمینه را در جهت لغزش کمتر و استواری بیشتر در راه حق ایجاد می‌کند. سفارش‌های امام علی در این‌باره مفید است: «به نفس‌های خود رخصت مدهید که این رخصت‌ها شما را به سازش کاری با نفس می‌کشاند و در حق سازش کاری روا مدارید که دچار خسران می‌گردید». استقامت در همه وجوه زندگی راه‌گشا و موجب رشد و تعالی است بی‌گمان بدون چنین کمالی زندگی سامانی درست نمی‌یابد و امکان سیر به سوی مقاصد انسانی فراهم نمی‌شود.

رهبر انقلاب با تأکید بر اهمیت روحیه ایستادگی در مقابل باطل و استقامت در راه حق

افزودند: اگر این روحیه در یک کشور وجود نداشته باشد آن جامعه نابود خواهد شد یعنی شرف، عزت، استقلال و اتکاء به اراده خود را از دست خواهد داد و استبداد یا دخالت خارجی بر آن مسلط خواهد شد. درباره استقامت و پایداری پژوهشگران و محققان، در حوزه دین و انسان‌شناسی به آن نظر داشته و پیرامون آن مطالعاتی انجام داده‌اند از جمله مقاله «استقامت» اثر میثم شجاعی نگاهی گذرا به تقسیم‌بندی استقامت دارد و اشاره اجمالی به استقامت امام علی علیه السلام دارد که به نکات و مطالب بسیاری به همون استقامت در این مقاله خصوصاً از دیدگاه امام علی در نهج‌البلاغه خالیست. در تحقیق «استقامت و پایداری در دین» اثر آقایان سید عباس رضوی و غلامرضا قدمی کار بسیار خوبی در زمینه استقامت و صبر به گونه‌ای مترادف آمده است اما آنچه موجبات این اثر را با دیگر آنان آثار رقم می‌زند، پردازش موضوع استقامت با تکیه به آموزه‌های قرآن ناطق با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب است.

## ۱. مفهوم‌شناسی استقامت

ریشه لغوی استقامت از واژه قوم گرفته شده است که به معنی استمرار و پایداری و قرار داشتن در راه راست بی‌هیچ انحراف و کژی به سمت و سوئی و نیز راستی راست شدن و ایستادن است (شفیعی پور، ۱۳۹۲: ۱۹). استقامت دربرگیرنده معنی اعتدال ثبات و مداومت و استمرار است استقامت انسان یعنی سهیم بودن او در راه مستقیم. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پایان مراسم عزاداری اربعین سال ۱۳۹۶ در حسینیه‌ی امام‌خمينی با اشاره به لزوم استقامت در راه خدا فرمودند که در دو جای قرآن «استقم» دارد، استقامت کردن یعنی ثبات ورزیدن در این راه و تحت تأثیر عوامل گوناگون قرار نگرفتن. (۱۳۹۶/۸/۲۰):

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38154>)

## ۲. مصادیق استقامت و پایداری

صبر و ثبات قدم از مصادیق استقامت می‌باشند: صبر یعنی خودداری در تنگنا و

گرفتاری (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۴۷۴) و ثبات قدم یعنی استمرار و دوام چیزی می‌باشد (همان). ثبات قدم در قرآن برای اشاره به استواری و پایداری مؤمنان به کاررفته و این واژه رابطه نزدیکی با استقامت دارد (یزدانی‌نیا، ۱۳۹۴: ۵۹۴).

### ۳. تفاوت صبر و استقامت

صبر یعنی نگهداری نفس بنا بر آنچه مقتضای شرع و عقل است یا نگهداری نفس برای مصیبتی باشد آن را تنها صبر می‌نامند (مصطفوی تبریزی، ۱۴۱۶ق: ۲۷۳). در قرآن کریم صبر و حلم مقدمه پایداری است، به طوری که وقتی کسی از این دو صفت عاری باشد هرگز نمی‌تواند به استقامت و پایداری نائل شود. سپس صبر (شکیبایی) و استقامت (پایداری) است که صبر در برابر ناملایمات به کار می‌رود و استقامت پافشاری و پایداری در اصل دین و ارزش‌های دینی و عدم کژروی از راه حق به بیراهه است درحالی که صبر و شکیبایی در برابر سختی‌ها و اطاعت و دشواری‌های مصائب و عدم تمکین در برابر طغیان شهوات است

### ۴. انواع استقامت

بررسی انواع استقامت به شرح ذیل است.

#### ۴-۱. استقامت از تنگ‌دستی

این استقامت سه مرحله دارد:

مرحله اول: تسلیم رضای خدا بودن، ناشکری کردن و زبان اعتراض بر حضرت نگشودن است. هر مسلمانی می‌تواند به درجه‌ای برسد که در منتهای فقر و بدبختی، دلش از خدای خود خشنود باشد و بر نعمت‌های دیگر حضرت پروردگار سپاس‌گزار و به رحمتش امیدوار باشد.

مرحله دوم: انسان در اثر فقر دست از ایمان و عقیده خود بر ندارد بلکه بها ماه تنگ‌دستی

زندگی کند و از راه حق منحرف نشود .

مرحله سوم: نبرد با فقر است که باید با کوشش هر چه تمام‌تر، فقر را برطرف ساخت (یزدانی‌نیا، ۱۳۹۴: ۶).

رهبر معظم انقلاب در این باره فرموده‌اند فرمودند: یکی از نشانه‌های تکذیب دین این است که انسان در مقابل فقر فقیران و محرومان بی تفاوت باشد و احساس مسئولیت نکند. علاج فقر به شکل اصولی در هر جامعه‌ای، از راه استقرار عدالت اجتماعی و نظام عادلانه در محیط جامعه است، بنا بر این مبارزه با فقر یک «مبارزه‌ی همگانی» است (بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۵/۹/۸۱: [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3157)). آن حضرت درباره سختی‌ها نکاتی بیان فرموده که درس‌های فراوان دارد: (به خدا سوگند، اگر شب را تا بامداد بر بستری از خار سخت بیدار بحثا به سر برم و یا در غل‌وزنجیر بسته و کشیده شوم، برایم محبوب‌تر از این است که و رسولش را در روز قیامت در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم کرد و چیزی از اموال دنیا یا غصب کرده باشم چگونه به کسی ستم روا دارم آن هم بر جسمی که تار و پودش به سرعت به سوی کهنگی پیش می‌رود و مدت‌های مدید در خاک می‌ماند (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴).

## ۲-۴. استقامت در راه دانش

در راه تحصیل دانش خارهای بسیار رنج‌های فراوانی است و کسانی که در این راه قدم برمی‌دارند. به ناچار دچار آن خواهد شد، استقامت در این راه است که چنین موانعی، هرچند بزرگ مؤثر هم می‌باشند، محصل و دانشجو را از هدف خود باز می‌دارند (یزدانی‌نیا، ۱۳۹۴: ۶).

رهبر انقلاب معتقد است که دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم، باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم، ما از این مرحله بسیار عقبیم؛ ما از صفر شروع

کرده ایم. به پا خیزید و دشمن بدخواه و کینه توز را که از جهاد علمی شما به شدت بیمناک است ناکام بسازید (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

### ۳-۴. استقامت در عمل

استقامت هم در فصل (عمل) و هم در خلق باید باشد. در فعل آن است که ظاهر بر موافقت داری و باطن در مخالفت و در خلق آن است که اگر جفا شنوی و عذردهی و اگر اذی نمایند شکر کنی. خداوند در قرآن می‌فرماید « قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الایهکم الیه واحد فاستقیموا الیه و استغفروه وویل للمشرکین » (فصلت: ۶)؛ یعنی از راهش منحرف نشوید و با عبادات و اطاعات، به سویش روی آورید همان طور که گفته می‌شود «استقم الی منزلک» یعنی از راه منزلت به سوی دیگر روگردان مشو " فاستقیموا " به معنی مقابله با انکار و نبوت از سوی مشرکان است پس اگر راه رسیدن به استقامت این است که به راه کج نرود و از مسیر خود منحرف نشود و در عمل خود پایداری داشته باشد (آلوسی بغدادی، ۱۴۱۵ق: ۹۸۸).

رهبر معظم انقلاب اسلامی بیان می‌کنند که هنگامی که ملتی راهی آغاز می‌کنند رسیدن به نتایج، احتیاج دارد به استقامت در آن راه، به پیشرفت در آن راه، به متوقف نشدن میان راه و همچنین امور معنوی و فردی هم استقامت لازم دارد، بنابراین کلام، یک عنصر جدیدی است غیر از اصل شروع عمل (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۴۸۶).

### ۴-۴. استقامت در جهاد

در قرآن کریم آیاتی مربوط به استقامت در جهاد بیان شده است که به دو دسته آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. آیات دسته اول مربوط به پایداری بر جهاد با دشمنان (رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۱۴). در قرآن آمده است: «چه بسیار پیامبرانی مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند آن‌ها

هیچ‌گاه در برابر آنچه به آنان می‌رسید. سست و ناتوان نشدند و تن به تسلیم دادند و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد سخنانشان تنها بود این بود که پروردگارا گناهان ما را ببخش و هستند از تندروری در کارها چشم‌پوشی کن قدم‌های ما را استوار بدار و ما به این جمعیت کافران پیروز گردان» (آل عمران: ۱۴۷-۱۴۶).

تفسیر این آیات چنین است که به دنبال حوادث «احد» آیه فوق با یادآوری شجاعت ایمان و استقامت مجاهدان و یاران پیامبران گذشته، مسلمانان را به شجاعت و فداکاری و پایداری تشویق می‌کند و ضمناً آن دسته‌ای را که از میدان احد فرار کردند سرزنش می‌نماید. همچنین اشاره به این دارد که نیکوکاری بدون استقامت ممکن نیست، چرا که در برابر شخص نیکوکاری، هزاران مشکل وجود دارد که اگر فاقد استقامت باشد به زودی گاه خدا را خواهد ساخت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۶۰-۱۶۱). مجاهدان حقیقی سرچشمه شکست را در خودشان جستجو می‌کنند و به فکر جبران اشتباهات خویش هستند. آن کلمه شکست را بر زبان نمی‌آورند برعکس ما، امروز سعی می‌کنیم نکات ضعفی که سرچشمه ناکامی‌ها و شکست‌ها است نادیده بگیریم، همه آن‌ها را به عوامل خارجی و بیگانه مربوط بدانیم و در نتیجه به هیچ‌وجه به فکر جبران اشتباهات و برطرف ساختن نقاط ضعف خود نباشیم.

۲. دسته دوم آیات مربوط به مؤمنان پایدار در جهاد. خداوند می‌فرماید: «یستبشرون بنعمه من الله و فضل و ان الله لا یضیع اجر المومنین»، «الذین استجابوا لله و الرسول من بعد ما اصابهم الفرج للذین احسنوا منهم و اتقوا اجر عظیم» (آل عمران: ۱۷۲-۱۷۱)؛ و از نعمت خدا و فضل او (نسبت خودشان) نیز مسرورند، و (می‌بینید که) خداوند، پاداش مؤمنان را ضایع نمی‌کند؛ آن‌ها که دعوت خدا و پیامبر را، پس از آن‌همه جراحاتی که به ایشان رسید، اجابت کردند؛ برای کسانی که از آن‌ها، که نیکی کردند و تقوا پیش گرفتند پاداش بزرگی است.

تفسیر این آیات چنین است که بیانگر برکات فراوان زندگی برخی شهیدان است و شهیدان خوش حال اند به خاطر برادران مجاهد خود که در میدان جنگ شهید شده‌اند و به

آن‌ها ملحق شده‌اند؛ زیرا مقامات و پاداش‌های آن‌ها را در آن جهان بخوبی می‌بیند و از زیر مستبشر و شاد می‌شوند. بر آن‌ها که بعد از آن‌همه جراحاتی که در روز احد پیدا نموده‌اند، آماده شرکت در جنگ دیگری با دشمن شدند و برنامه نیکی و تقوا پیش گرفتند یعنی با نیت پاک و اخلاص کامل در میدان جنگ شرکت کردند پاداش بزرگی خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۲۴-۲۲۵).

رهبر معظم انقلاب اسلامی معتقد است که همه ملت ایران، همه مسئولین و همه بخش‌های مختلف باید ایستادگی امام را در مقابل توقعات دشمنان الگو قرار دهند. ملت‌های دیگر هم، اگر بخواهند به جایی برسند، راهش همین است. قضیه‌ی مسئولین اگر بخواهد حل بشود راهش همین استقامت و ایستادگی است. قضایای گوناگون دخالت‌های استکبار در منطقه ما، اگر بخواهد حل بشود، راهش همین است. متکی بودن جریان مقاومت به اسلام، ممکن بودن مقاومت که فقها در سایه ایمان به خدا و وعده پاداش الهی در صورت سازش نکردن با دشمن و جهاد در برابر دشمن، تا تأکید قرآن بر استقامت، اهمیت ثبات و ایستادگی در دین و حیات بخش بودن درس‌های قرآن در زمینه مقاومت از محورهای بیانات رهبر انقلاب مرتبط با شاخص «مقاومت و دین» است (بیانات در سالگرد رحلت امام، ۱۴/۳/۱۳۷۵: ۲۸۰۴). (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2804>).

### ۵. زمینه‌های ایجاد و تقویت استقامت

واضح و روشن است که به دست آوردن ملکات اخلاقی چون صبر و استقامت، از راه انجام مکرر آن‌ها امکان‌پذیر است، فرد زمانی می‌تواند آن‌ها را تکرار کند که فواید دنیوی و اخروی آن‌ها توجه داشته باشد. به دلیل آن که خداوند می‌داند بشر اگر به پیامدهای صبر توجه داشته باشد به سوی آن مشتاق می‌شود، و شوق و رغبت انسان را برمی‌انگیزد که اگر انسان مشتاق به چیزی باشد، استقامت می‌ورزد و سختی‌های رسیده به آن را تحمل می‌کند (انصاریان، ۱۳۹۱: ۱۸۴).

خداوند سبحان می‌فرماید: «ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما يعلم الله الذین جاهدوا



منکم و يعلم الصابرين» (آل عمران: ۱۴۲)؛ آیا پنداشته‌اید که وارد بهشت می‌شود، درحالی‌که هنوز خداوند کسانی از شما را در راه خدا جهاد کرده‌اند و شکیبایان را مشخص نکرده‌است؟! اکنون به بررسی ۵ مورد از زمینه‌های ایجاد استقامت در عرصه‌های مختلف زندگی می‌پردازیم

#### ۱-۵. تفکر و اندیشه در هدف

ابتدا انسان باید هدف را ارزش‌سنجی کند و به‌درستی و صحت آن مطمئن شود و آنگاه به تفکر فرو رود که آیا برای رسیدن به هدف تحمل این همه مشکلات و سختی‌ها را دارد.

#### ۲-۵. شناسایی راه‌ها

فرد باید راه‌های رسیدن به هدف را شناسایی کند تا با برنامه‌ریزی دقیق بهترین و کوتاه‌ترین راه را انتخاب کند و به سوی هدف پیش برود.

#### ۳-۵. حرکت پیوسته و محکم

پس از تصمیم‌گیری شناسایی راه باید به‌طور پیوسته اما محکم و استوار به سوی هدف گام برداشت البته بدون عجله چون در هر حرکت عجلولانه در راه چیزی جز پشیمانی به‌همراه ندارد.

#### ۴-۵. بزرگ شمردن هدف

زمانی که به ارزش و اهمیت هدف و رسیدن به آن دست یابیم باید آن را بزرگ بشماریم تا برای رسیدن به هدف هر سختی را تحمل کنیم (www.iran.ir).

#### ۵-۵. کوچک دیدن موانع

برای غلبه بر مشکلات باید سختی را کوچک شمرد و زمانی که این موضوع در ذهن انسان تقویت شود خودبه‌خود غلبه بر موانع در انسان آسان‌تر می‌شود و اراده انسان به گونه‌ای

قوی می‌شود که سختی‌ها و مشکلات را در راهش کوچک می‌بیند (همان).

### ۵-۶. زمینه‌های استقامت در نگاه مقام معظم رهبری

ایشان استقامت را در اهداف می‌دانند در روش‌ها و ابزار مفهوم مقاومت در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای به اهداف و مبانی اختصاص یافته است که دارای ارزشی الهی می‌باشند و دربرگیرنده ابزارها و روش‌ها که امکان بروز خطا و آسیب در آن وجود دارد، نمی‌باشد. چرا روش‌ها از قابلیت اصلاح و تکامل برخوردار هستند و از طریق آزمون و خطاها می‌توان به مدل بهینه‌تری دست پیدا کرد ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «اقتصاد، پیروزی و پیشرفت از طریق مقاومت، مداومت و استمرار در مسیر در کنار تدبیر است. کسانی هم که مقاومت می‌کنند باید از خطرات مقاومت نترسند چراکه ترس در مقاومت مانع پیروزی خواهد شد و این آفت اغلب ملت‌ها و جماعات است».

(بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۲۱/۷/۸۵: <https://farsi.khamenei.ir/speech>-ir

(content?id=۳۳۵۶)

ما در نظام جمهوری اسلامی اهداف و مبانی و ارزش‌های مان الهی است. به هیچ وجه عدول از مبانی و عدول از ارزش‌ها جایز نیست ما در زمینه اهداف می‌گوییم استقامت؛ باید جای (هدف) را با روش اشتباه نکنیم.

### ۶. نمونه نقش‌آفرینی و کارکردهای استقامت در ائمه اطهار علیهم‌السلام

در ادامه بحث به بررسی نمونه‌هایی از استقامت‌های پیامبران، اهل بیت علیهم‌السلام و بزرگان می‌پردازیم.

#### ۶-۱. استقامت حضرت علی علیه‌السلام

استقامت علی علیه‌السلام بر موازین حق و عدل پرچمی است بر فراز قله تاریخ، آن حضرت در استقامت، ضامن خویش هرگز سست و خسته نگردید و به هیچ‌وجه عقب‌نشینی نکرد

استقامت علی علیه السلام پایداری وی در عرصه‌های گوناگون بود. او میدان‌های فردی و اجتماعی سیاسی و حکومتی به راستی و درستی پایدار ایستاد و به هیچ قیمت به حق و عدل پشت نکرد آن حضرت در جای دیگر درباره استقامت خویش می‌فرماید: «اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمان‌هاست به من دهند تا خدا را نافرمانی نمایم و پوست جویی را از مورچه‌ای به ناروا برابم، چنین نخواهم کرد» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴).

علی علیه السلام در تمام مراحل زندگی و رفتار سیاسی و مدیریتی و حکومتی خود بر اساس راستی و استواری در حق عمل کرد و هرگز از راه و رسم مستقیم خود دور نشد و بر آن استقامت ورزید. پس از بدست گرفتن حکومت اصلاحاتی اساسی را آغازگر و قانون‌گرایی، شایسته‌سالاری، حقوق‌مداری و عدالت‌ورزی را مبنای اداره امور قرارداد. استقامت در همه وجوه زندگی اجتماعی راه‌گشا و موجب رشد و تعالی است و بی‌گمان بدون چنین کمالی زندگی سامان درست نمی‌یابد و امکان سیر به سوی مقاصد انسانی فراهم نمی‌شود (شجاعی، ۱۳۸۲: ۵).

## ۲-۶. استقامت ائمه اطهار علیهم السلام و حضرت علی علیه السلام از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی

استقامت در مسیر بارها در قرآن کریم ذکر شده است و در سیره نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و نیز به طور عملی قابل مشاهده است. رهبر انقلاب در این باره می‌گوید که خدای متعال در دوجای قرآن به پیغمبرش می‌فرماید: «فاستقم كما امرت» «استقم كما امرت» استقامت کن، استقامت یعنی ایستادگی کردن، ادامه دادن، راه را دنبال کردن، متوقف نشدن، این رمز کار است، باید پیش برویم (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی»، ۱۳۹۰/۱۱/۱۰: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18871>). و در جای دیگری بیان می‌کنند: «خود این ایستادگی کار دشوار است. این صراطی که مظهر آن را در روز قیامت برای ما تصویر کرده‌اند ... پیغمبر فقط مأمور نیست که خودش ایستادگی کند باید خلیل عظیم مؤمنان را هم در همین راه به ایستادگی وادار کند» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=-20592>).

عنوان « فاستقم كما امرت و من تاب و من تاب معك و لا تفعلوا » (هود: ۱۱۲). خطاب سخنی است که به خود پیغمبر است. این خطاب دل پیامبر را می‌لرزاند. این به خاطر همین است که تغییر جهت‌گیری‌ها و منحرف نشدن از راه اصلی - که هویت اصلی هر انقلابی به آن جهت‌گیری‌ها است و در واقع سیرت انقلاب‌ها همین جهت‌گیری‌های اصلی است - به کلی راه را عوض می‌کند و این انقلاب به هدف‌های خود نمی‌رسد.

رهبر انقلاب بر اساس چنین اعتقادی بیان می‌دارند که استقامت و ایستادگی جمهوری اسلامی مظهر عدالت‌خواهی امیرالمؤمنین علیه السلام نیز است. وظیفه ملت ایران و به خصوص مسئولان آن است که این الگو را هرچه بیشتر به نمونه اصلی خود نزدیک و شبیه سازند (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3395>، ۸۶/۵/۶).

### ۳-۶. استقامت حضرت زینب علیه السلام

از حضرت زینب علیه السلام به عنوان نمونه و اسوه استقامت نام می‌برند؛ ایشان سخت‌ترین، سنگین‌ترین، دردناک‌ترین و رنج‌آورترین حادثه تاریخ را دیده است. آن هفتاد و دو نفر که از دنیا بریده و شهید شدند و به خدا پیوستند، تمام سنگینی بار این حادثه روی دوش زینب کبری علیه السلام آمد، به انضمام این که از طرف برادر مأمور شد، هشتاد و چهار داغ‌دیده را از کربلا تا شام و از شام تا مدینه سرپرستی کند، این همه مصیبت‌ها را زینب علیه السلام تحمل کرد، و با مدیریت مدبرانه‌اش پیام شهدای کربلا را به گوش همگان رسانید. آن حضرت علیه السلام با این حادثه، برخوردی الهی کرد و از زمان وقوع این حادثه تا روز وفاتش، برای يك بار، به خاطر حادث کربلا نفسی که بوی گلایه و شکایت از خدا را بدهد، از دل نکشید؛ بلکه کنار حادثه تلخی به این وسعت، شاکر بود. چه کسی این تحمل را داشت کنار چنین حادثه‌ای بنده شاکر پروردگار باشد. ابن‌زیاد وقتی درباره‌اش به مسخره به زینب کبری علیه السلام گفت، رفتار خداوند را نسبت به اهل بیت چگونه دیدی؟ یعنی دیدی که خداوند ما را پیروز کرد و شما قطعه قطعه و متلاشی شدید. جواب داد: «وَمَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً». «جز رفتاری زیبا و نیک از

خداوند ندیدم، یعنی خداوند امامت را با شهادت در هم آمیخت و بالاترین زیبایی را درست کرد؛ چنان که با این آمیزش، برای ما چهره‌ای زیباتر از یوسف علیه السلام را به وجود آورد. در روز یازدهم با چه تحمل مثبتی و با چه صبر ملکوتی و عرشی آمد و دو دست مبارکش را زیر بدن قطعه قطعه شده ابا عبدالله علیه السلام برد و با يك دنیا ادب به سمت آسمان برگشت و به پروردگار گفت: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِيلَ الْقَرْبَانَ»: «خدایا! این اندک را به عنوان قربانی که اصلاً تناسبی با عظمت خدایی تو ندارد، از ما قبول کن. ما يك چیزی می‌گوییم و يك چیزی را می‌شنویم که اگر يك میلیونیم آن بر سر خودمان بیاید، آن وقت باید ببینیم چه کاره هستیم؟ در این موقعیت، عبادت و صبر در ایشان جمع شده بود. امام صادق علیه السلام این موقعیت را چنین توصیف می‌کند: عمه جان! عصر عاشورا تمام فرشتگان خدا از مقاومت، صبر و ایستادگی تو شگفت‌زده شدند. (انصاریان، ج ۱، ۱۳۸۸: ۲۱-۲۳)

#### ۴-۶. استقامت آسیه همسر فرعون

آسیه با عقل و درایت و بصیرت و بینش، برحق بودن موسی علیه السلام و فرهنگ پاکش را یافت و از جان و دل به موسی ایمان آورد و او را به عنوان دلسوزترین راهنمای زندگی خود انتخاب کرد و با صبر و استقامت و پایداری در راه حق و تحمل انواع شکنجه‌ها از دست ظالمان و به مقامات عالی انسانی و ملکوتی رسید (انصاریان، ۱۳۹۱: ۱۳۴). او با آراسته شدن به باورهای صحیح و روی آوردن به اعمال صالحه و زینت یافتن به اخلاق حسنه، آن‌هم در درباری که کفر و شرک و ظلم و ستم و ریا و تزویر بر آن حاکم بود، روی زن را در تاریخ بشریت سپید و به همجنسان خود آبرو داد و خویش را تا قیامت برای آنان، حجت خدا و دلیلی بسوی صراط مستقیم قرار داد و راه هرگونه عذری را بر اهل فساد و فسق و فجور بست. فرعون هنگامی که از ایمان آوردن او به موسی علیه السلام آگاه شد، وی را ابتدا به پرداخت ثروت فراوان و ساخت خانه گران همراه با وسایلی کم نظیر، تطمیع کرد. تا به این وسیله دست از حق بردارد و به انکار موسی علیه السلام برخیزد تا دیگران را به الگویی در ایمان به موسی علیه السلام قرار ندهد.

آسیه در پاسخ فرعون می‌گفت مرا به ثروت و زینت آلات و خانه تو نیازی نیست، آنچه را

خدای من و معبود و محبوب من با اعتمادی که به وعده‌هایش دارم- که از طریق موسی و تورات دو صادق و مصدق هستند در بهشت آخرت بر می‌دهند- از آنچه تو می‌خواهی برای من هزینه کنی بهتر است (همان، ۱۳۴). فرعون سپس او را به شکنجه‌های سخت و عذاب‌های شدید و بازپس گرفتن مقامات درباری تهدید کرد، او در پاسخ تهدیدات فرعون گفت: من از این امور باکی ندارم و برای حفظ دینم به تحمل همه شکنجه‌ها تن می‌دهم به بی‌تردید از خدا بر نمی‌گردم و به انکار موسی که نجات‌دهنده انسان در دنیا و آخرت بهترین دلسوز بندگان است بر نمی‌خیزم.

فرعون- آن متکبر مغرور یاغی- دستور داد تا پای و دست آن چهره ملکوتی را پیا پیخ‌های آهنین بر زمین بکوبد و در حال تشنگی و گرسنگی او را به شکنجه‌های سخت بیازارند و سنگی سنگین برویش بیاندازند تا همه استخوان‌هایش در هم بشکنند و سرانجام آسیه زیر شکنجه‌های فرعون جان به جان‌آفرین داد (همان، ۱۳۵). خداوند ارزش این زن را به‌عنوان الگویی کامل در استقامت در قرآن کریم آورده که می‌فرماید: «و ضرب الله مثلا للذین آمنوا امراه فرعون اذ قالت رب ابن لی عندک بیتا فی الجنه و نجنی من فرعون و عمله و نجنی من القوم الظالمین» (تحریم: ۱۱)؛ و خدا برای مؤمنان همسر فرعون را مثل زده‌است هنگامی که گفت: پروردگارا برای من نزد خودت در بهشت خانه‌ای بنا کن و مرا از فرعون و کردارش رهایی بخش و ما را از مردم ستمکار نجات ده.

رهبر انقلاب می‌فرمایند که ما سه دسته از مردم را ملاحظه می‌کنیم: یک دسته دارای ایمان نیرومند، صدیق. یک دسته آن کسانی که عمل می‌کنند. یک دسته هم آن مردمی که با چهره‌های نفاق‌آمیز با دلی مردم، با دلی که به راستی تصمیم و ایمان ندارد، در مسایل زندگی در جهاد مقدس، با مسایل آن روبرو می‌شوند. دو چیز دسته اول را با دوم جدا می‌کند. ایمان و عمل. ولی کسانی را هم داریم که از مشاغل بالا برخوردار بودند اما جزو صدیقین شده باشند؟ بله؛ زن فرعون. اگر از خدا پیرسی مؤمن چگونه است، مؤمن را در یک تابلوی روشنی و مشخص به تو معرفی می‌کند؛ او کیست؟ او زن فرعون است؛ شاهزاده خانم دستگاه مصر

ایمان او را به موسی نزدیک کرد. او نمونه کامل و الگویی برای ماست. او برای ایمان و کسب رضایت خداوند کارهایی چون خبر رساندن به حضرت موسی علیه السلام و نجات دادن یاران موسی، کمک مالی رساندن به بنی اسرائیل برنامه بدخواهان بنی اسرائیل را انجام می‌داده (بیانات در دانشگاه فردوسی مشهد، ۸/۸/۵۷: <https://farsi.khamenei.ir/speech?content=۴۶۷۳۵&id=->)

#### ۵-۶. استقامت حضرت ایوب علیه السلام

مشهورترین قهرمان صبر در تاریخ بشر که همه جا نامش با صبر همراه است، حضرت ایوب پیامبر علیه السلام است. شهرت صبر ایوب آن چنان است، که ضرب المثل شده است. (قرضاوی، ۱۳۷۸: ۱۹۷) یاد ایوب علیه السلام همواره قرین شکیبایی و بردباری است، زیرا وی اگر شکیباترین پیامبر نباشد، از جمله شکیباترین پیامبران است. چرا که وی درباره خانواده و جسم و مال خویش به سختی مورد آزمایش الهی قرار گرفت، اما از خود نمونه برتری از بندگی راستین الهی بر جای نهاد و همواره بر بلایا بردبار باقی ماند تا آنجا که در بردباری در برابر رنج و سختی ضرب المثل شد، چنانکه مردم همواره می‌گویند: «صبری همچون صبر ایوب». (بیومی، راستگو، ج ۳، ۱۳۸۳: ۱۸۵) سپس خدا پاداش صبر ایوب را داد، ثروت او بار دیگر بازگشت و فرزندان فراوانی بیش از اولاد اولش به او عنایت کرد، زیرا ایوب نمونه کاملی از يك بنده مؤمن و شاکر و صابر خداست. (مولی و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۹۶)

#### ۷. آثار استقامت

آثار استقامت در زندگی انسان به شرح ذیل است.

#### ۷-۱. پاک شدن از گناهان و كفاره آن به وسیله تحمل سختی‌ها

علاوه بر حسنات خداوند سختی‌هایی را که در زندگی دنیوی غیر عمد برای انسان پیش می‌آید كفاره گناهان فیلم می‌سازد و بدین وسیله هر بار بخشی از خطاهای او را مورد

مغفرت قرار می‌دهد مانند بیماری‌ها غم‌ها و سایر مشکلات زندگی (سادات، ۱۳۶۴: ۱۵۷). حضرت جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: خواست وقتی خداوند بخواهد خیری را به بنده‌ای عطا کند عقوبت او را در دنیا قرار می‌دهد (تا چیزی برای قیامت باقی نماند) و اگر برای بدی اراده کند، گناهان او را وامی‌گذارد تا در روز قیامت به حساب او رسیدگی کند. در خبر است که هر رنجی به مومن می‌رسد اگرچه خاری باشد که در پایش می‌رود، کفاره گناهان زیاد است. ولی نباید فراموش کرد سختی‌هایی که شخص به دست خود آن‌ها را فراهم می‌آورد مانند بیمار شدن در اثر عدم رعایت موازین بهداشتی یا سقف در اثر کار و تلاش نکردن و ..... از این قاعده مستثنی است.

با توجه به اصل فوق است که در تعالیم اسلامی، بلاهایی که برای مؤمنین پیش می‌آید- از هر قبیل که باشد- لطف خدا در حق آنان تلقی شده است تا آنجا که فرموده‌اند: «البلاء للولاء» (کلینی، ۱۳۸۲: ۱۰۹/۲)؛ بلایا و سختی‌ها برای بندگان خالص خداست. تاثیر سختی‌ها و بلاها در تصفیه روحی انسان و کاهش توجه انسان به خود، بسیار عمیق است. به همان اندازه که لذات و خوشی‌های دنیوی سبب تعلق دل به دنیا می‌شود، هر رنجی که انسان با ایمان از دنیا می‌کشد دل را از آن می‌گسلد و فارغ می‌سازد تحمل این‌گونه سختی‌ها که منشاء آن‌ها تقدیر الهی و درواقع لطف و عنایت اوست، سبب کاهش بار گناهان و موجب پاداش‌های اخروی و تسریع در تکامل روحی انسان است.

## ۲-۷. زمینه‌ساز دریافت غفران و رحمت و صلوات خداوند

باری تعالی می‌فرماید: «الا الذین صبروا و عملوا الصالحات اولئک لهم مغفره و اجر کبیر» (هود: ۱۱)؛ مگر کسانی که در [خوشی و آسیب‌ها] شکیبایی ورزیدند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، اینان اند که برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است. همچنین می‌فرماید: «اولئک علیهم صلوات من ربهم» (بقره: ۱۵۷)؛ این شکیبایان همان‌هایی هستند که برکات و رحمت پروردگار شامل حالشان می‌شود. کلمه «صلوات» از ماده «صلو» به معنی ورود در نعمت و رحمت است، خداوند متعال بر مؤمنانی که در مشکلات، صبر و استقامت



کرده‌اند و استقامت ورزیدند، خود درود و صلوات می‌فرستد و آن‌ها را غرق در رحمت خاص خود می‌کند.

در این باره رهبری اشاره‌ای به استقامت و صبر خانواده شهدا می‌کند:

«البته برای شماها چه پدر [خانواده‌های شهدا] چه پدر، چه مادر، چه همسر، چه برادر و خواهر - سخت است، [این] معلوم است، لکن خب این سختی ای است که در مقابلش چشم روشنی خدای متعال هست که به صابرین وعده فرموده که «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ» خدای متعال بر کسانی که صبر می‌کنند در این صائب درود می‌فرستند و صلوات می‌فرستد و رحمت می‌فرسد؛ این وعده ی الهی است، آیه ی قرآن است؛ ان شاء الله مشمول این الطاف الهی خواهید بود». (دیدار با خانواده شهدا مدافع حرم، ۲/۸/۹۷:

<https://farsi.khamenei.ir/news/content?id=۴۰۸۲۵>

### ۳-۷. وارد شدن در زمره کسانی که هدایت‌شان قطعی است

با آن که در قرآن، هدایت یافتن بسیاری از انسان‌ها تنها یک آرزو است هم چنان که خداوند در مورد بسیاری از انسان‌ها فرموده: «لعلهم یهتدون» (انبیاء: ۳۱)؛ ولی در مورد صابران، هدایت آنان قطعی تلقی شده است از این رو می‌فرماید: «اولئک هم المهتدون» (بقره: ۱۵۷). صاحب تفسیر انوار درخشان در ذیل این آیه شریفه چنین می‌نویسد: «و اولئک هم المهتدون»؛ دلالت بر حضردارد، یعنی تنها کسانی از افراد جامعه اسلامی مرتبه کامل هدایت یافته و به سعادت ابدی نائل گشته‌اند. که زندگی در این صحنه تنازع که نظام آن پیوسته به تحولات است و بشر هرگز از ناکامی‌ها برکنار نیست، در برابر تقدیر و فرمان پروردگار سر تسلیم فرود آورده و بدانند که سیرت افعال اختیاری و سجایای آنان زمینه‌ای است که زندگی جاوید را برای آنان آماده می‌کند. بیانات رهبری در این باره که فرموده اگر نصرت خدا بکنیم خدا قطعاً ما را نصرت خواهد کرد. و همچنین می‌فرماید:

اگر برای خدا پا در میدان گذاشتید و ایستادگی کردید، پیروزی قطعی است؛ «و لو قاتلکم الذین کفروا لولوا الأذبار ثم لا یجدون ولیاً و لا نصیراً. سَنَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِ وَ

لن تجد لسنة الله تبديلاً). این فقط مربوط به ماجرای جنگ صدر اسلام نیست که «و لو قاتلكم الذين كفروا لؤلوا الأديار»؛ (فتح: ۲۲-۲۳) سنت الله است. بله، آن وقتی که ما حرف حساب خودمان را بلد نباشیم، ندانیم، یا بلد نباشیم بگوئیم و طرح کنیم، یا پای آن حرف نایستیم، یا وسط راه با وسوسه‌های شیطنانی یا وسوسه‌های نفس یا تنبلی‌ها پا سست کنیم، مجاهدت به جایی نخواهد رسید؛ معلوم است. بحث بر سر آنجائی است که: «لینصرن الله من ینصره». دیگر از این تأکید، بالاتر نمیشود. اگر نصرت خدا بکنیم - نصرت خدا با فکر کردن، اندوختن اندیشه‌های ناب، مطرح کردن درست آن در عالم، پای آن ایستادن، تدبیر برای پیشبرد آن به کار بردن، در مقابل خطرات آن سینه سپر کردن - «لینصرن الله»؛ خدای متعال حتماً و قطعاً نصرت خواهد کرد. معنای «لینصرن» این است؛ یعنی خدا حتماً و قطعاً نصرت می‌کند. «و من اصدق من الله قیلاً»؛ از خدا راستگوتر کیست؟

ملت ایران اینها را در عمل تجربه هم کرده است. اگر شما ملت عزیز ما، شما جوانهای خوش روحیه و پرتوان و عازم، در این راهی که دارید میروید، ایستادگی کنید، شک نکنید که در زمان خود، در زمان متناسب، تمام آمال و آرزوها و داعیه‌ها و شعارهای ملت ایران نه فقط نسبت به خود این کشور، بلکه نسبت به دنیای اسلام و امت اسلامی و جامعه ی بشری تحقق پیدا خواهد کرد (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۹/۱۰/۹۱،  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21890>)

#### ۴-۷. معیت و همراهی خداوند سبحان

قرآن کریم می‌فرماید: «ان الله مع الصابرين» (انفال: ۴۶)؛ شکیبایی ورزید؛ زیرا خدا با شکیبایان است. در تفسیر و توضیح «معیت» در آیه ی شریفه، دونظر ارائه شده است، بعضی معتقدند: منظور این است که خداوند شکیبایان را یاری می‌رساند؛ درست به سان آن که به فردی گفته شود: «زامداری جامعه با توست پس در برخورد با مشکلات افراد ترسی به خود راه نده. برای برخی نیز عقیده دارند منظور این است که خدا به شکیبایان توفیق ارزانی می‌دارد و وسیله رشد و پیرویشان را فراهم می‌آورد و در نتیجه دوری جستن از گناه و انجام

دادن کارهای شایسته را برای آنان اسانمی کند. همچنان که خداوند سبحان می فرماید: و یزید الله الذین اهتدوا هدی» (مریم: ۷۶)؛ و آنان که هدایت یافته اند خدا هدایت شان می افزاید. روشن است که «مع» آیه شریفه، به مفهوم همراهی جسمی و اجتماع در یک مکان نیست؛ چراکه خداوند از ویژگی های ماده و جسم منزّه است.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می فرماید که «ان الله مع الصابرين»؛ این معیت غیر آن معیتی است که در آیه شریفه: «وهو معکم این ما کنتم»؛ (حدید: ۴)؛ او با شماست هر جا که باشید، آمده، برای این که معیت در این آیه شریفه معیت احاطه و قیومیت است، می خواهد بفرماید: خدا بر همه شما احاطه دارد و قوام ذاتی شما به او است، بر خلاف معیت در آیه مورد بحث که به معنای یاری کردن صابران است، می خواهد بفرماید: «الصبیر مفتاح الفرج» صبر کنید خرج خدایی و یاری اوست (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱/۵۱۸).

#### ۵-۷. کرامت نفس

انسان در اثر استقامت در هرکاری به مقصود نهایی آن خواهد رسید و همین امر باعث می شود که انسان در این راه هرگز احساس حقارت و خواری نکند (یزدانی نیا، ۱۳۹۴: ۴). امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: بر تو باد پیمودن راه استقامت که همانا آن استقامت و رزی موجب کرامت تو می شود (آمدی تمیمی، ۱۴۱۰: ق: ۹۳).

#### ۶-۷. سلامت جسمی و قلب

استقامت و پایداری در دین ضامن سلامتی آدمی در جسم و قلبش است و اما بیشتر گرفتاری ها و بیماری هایی که مردم دارند بی جهت پایدار نبودن آنان در دین است. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: «هر کسی طالب سلامتی است استقامت را بر خود ملزم کند» (همان، ص ۲۸۷).

## ۷-۷. آینده نیکو

انسان‌هایی که در دنیا در راه خدا استقامت داشته باشند، در هنگام مرگ فرشتگان به استقبال ایشان می‌آید و به آنان دلگرمی می‌دهد که از عذاب الهی ترسی نداشته باشند چون گناهانشان آمرزیده و عذاب از ایشان برداشته شده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره چنین فرمودند:

«من راجع به آینده هم یک جمله‌ای عرض بکنم. به نظر من برای تأمین آینده احتیاج داریم به صبر و ثبات؛ بایستی گاممان را محکم کنیم؛ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَ تَبِّتْ أَقْدَامَنَا» (سوره ال عمران آیه ۱۴۷) یکی از چیزهایی که در دعا خواسته شده، همین است که قدم‌هایمان ثابت باشد؛ صبر و ثبات قدم لازم است؛ که البته مردم هم خوشبختانه مردم صبوری هستند؛ ما این را تجربه کرده‌ایم، میدانیم که به خاطر ایمان مذهبی‌ای که دارند، به خاطر اعتمادی که به نظام و کشور و جمهوری اسلامی دارند، ثبات مردم انصافاً ثبات خوبی است؛ مسئولین هم باید با کار جهادی، صبر و ثبات خودشان را نشان بدهند؛ یعنی کار جهادی به نظر من بسیار لازم است؛ تردید، نگرانی، آیا میشود، آیا نمیشود، بکنیم، نکنیم، اینها خیلی مضر است؛ مسئولین به اینها باید توجه کنند» (بیانات به مناسبت عید

قربان، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46146:۹۹/۵/۱۰>

خدای سبحان در قرآن می‌فرماید: به یقین کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است سپس استقامت کردند فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که نترسید و غمگین نباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۵۹۱/۱۷).

## ۷-۸. فزونی برکات الهی

خدای سبحان در این باره چنین فرمود: «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه الا تخافوا و لا تحزنوا» (فصلت: ۳۰) و این که آن‌ها جنس جن و انس در راه ایمان استقامت ورزند با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم (فصلت: ۴). در این آیه بسیاری آب، مثالی

است که توسعه در رزق را می‌رساند؛ بدین معنا که اگر همه انسان‌ها در تسلیم خدا بودن (جن: ۱۶)، استقامت ورزند، از برکت و روزی فراوان بهره‌مند می‌شوند.

### نتیجه‌گیری

«استقامت» به معنای استمرار و پایداری و قرار داشتن در راه است و هیچ انحراف و کژی به سمت و سوی. استقامت مصادیقی دارد؛ از جمله صبر و ثبات قدم. صبر، خودداری در تنگنا و گرفتاری و ثبات قدم و استمرار و دوام چیزی است. انواع استقامت که شامل استقامت تنگ‌دستی که منظور از آن انسان در اثر فقر دست از ایمان و عقیده خود برندارد و استقامت در دانش که تحمل رنج‌هایی در راه تحصیل است. زمینه‌های استقامت در زندگی که شامل تفکر و اندیشه در هدف، شناسایی راه‌ها، حرکت پیوسته و محکم می‌باشد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید استقامت را در اهداف بدانید نه در روش‌ها و ابزارها و مفهوم مقاومت در منظومه اهداف و مبانی که ارزش الهی دارند اختصاص می‌دهد. ائمه اطهار علیهم‌السلام هم نمونه‌هایی از استقامت اند از جمله استقامت حضرت علی علیه‌السلام، حضرت زینب علیها‌السلام و آسیه همسر فرعون و حضرت ایوب علیه‌السلام، آثار آن عبارت‌اند، از پاک شدن از گناهان و کفاره آن به وسیله تحمل سختی‌ها زمینه‌ساز دریافت غفران و صلوات خداوند، وارد شدن در زمره کسانی که هدایت‌شان قطعی است. استقامت باعث پاک شدن از گناهان و کفاره آن به وسیله تحمل سختی‌ها که خداوند سبحان علاوه حسنات سختی‌ها را که در زندگی دنیوی و غیرعمد برای انسان پیش می‌آید کفاره گناهان او قرار می‌دهد و استقامت در جایی که زمینه‌ساز دریافت غفران و رحمت و صلوات خداوند است یعنی خداوند متعال بر مؤمنانی که در مشکلات صبر مقاومت کردند و استقامت ورزیدند خود درود و صلوات می‌فرستد و آن‌ها را غرق در رحمت خاص خود می‌کند.

## فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، چاپ سیزدهم، قم، مشهور، ۱۳۸۰ ش.
- ۱. آلوسی بغدادی، ابی الفضل شهاب‌الدین، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت لبنان، انتشارات دارالکتب العملی، ۱۴۱۵ ق.
- ۲. انصاریان، حسین، پوسته‌ای چهره‌های محبوب و منفور در قرآن کریم، قم، دارالعرفان، ۱۳۹۱.
- ۳. —، ۱۳۸۸، *نگاهی به مقام حضرت زینب (ع.ا.س)*، قم، انتشارات دارالعرفان.
- ۴. بیومی مهران، راستگو، محمد، ۱۳۸۳، *بررسی تاریخی قصص قرآن*، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- ۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد، *غرر الحکم و درر الکلم از سخنان کوتاه امیر المؤمنین*، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- ۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، قم، انتشارات دارالتفسیر، چاپ دوم، ۱۳۸۳ قمری.
- ۷. حسینی همدانی، سید محمدحسین، *انوار درخشان در دست تفسیر قرآن*، تهران، انتشارات لطفی، ۱۳۸۰.
- ۸. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانیه‌ای گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۱۹۷.
- ۹. خامنه‌ای، سیدعلی، *ره و رهروی رهبری قم*، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴.
- ۱۰. راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، *مفردات الفاظ قرآن کریم*، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
- ۱۱. سادات، محمدعلی، *اخلاق اسلامی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴.
- ۱۲. شفیعی پور، معصومه، *استقامت و وجوه نقش‌آفرینی در زندگی انسان با تکیه بر آموزه‌های قرآن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم حدیث قم، ۱۳۹۲.

۱۳. شجاعی، میثم، «استقامت»، *مجله معارف اسلامی*، ش ۵۴، ۱۳۸۲، ص ۵.
۱۴. شبیری، اعظم، *سیمای حضرت زینب (علیها السلام) در آئینه تاریخ*، قم، مرکز نشر هاجر، ۱۳۸۵.
۱۵. شاورانی، مسعود، «استقامت و پایداری در قرآن»، *دانشکده شهید باهنر کرمان*، سال دوم، ش ۳، ۱۳۸۹، ص ۵۹۴.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تهران، مؤسسه الوفا، ۱۳۸۲.
۱۸. قرضاوی، یوسف، *لسانی فشارکی*، ۱۳۷۸، *سیمای صابران در قرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۹. مولی، جاد، احمد، محمد، زمانی، مصطفی، ۱۳۸۰، *قصه‌های قرآنی (تاریخ انبیاء)*، قم، پژوهاک اندیشه.
۲۰. مصطفوی تبریزی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن کریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۶.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۶ ش.
۲۳. هاشمی رفسنجانی، اکبر، *فرهنگ قرآن*، بوستان کتاب، قم، ۱۱۸۶ ش.
۲۴. یزدانی نیا، ایمان، «مقاله استقامت و پایداری»، *پژوهشکده باقر العلوم*، ش ۲۴، ۱۳۹۴.
۲۵. khabaronline.ir
۲۶. Farsi.khamenei.ir
۲۷. shia.org-al-farsi
۲۸. www.mashregnews.ir
۲۹. www.iribnewse
۳۰. www.iran.ir
۳۱. jahannnews.com

---

## راهکار مقابله با جنگ نرم با تأکید بر بیانیه گام دوم

---

رقیه دورقی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) - محمدصادق فاضل<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با موضوع، راهکار مقابله با جنگ نرم با تأکید بر بیانیه گام دوم تنظیم شده است. جنگ نرم، جنگی است که در شرایط صلح بین دولت‌ها و قدرت‌ها، برای تحمیل اراده و تأمین منافع با غلبه بر طرف مقابل، بدون استفاده از قدرت نظامی و روش‌های خشونت آمیز به صورت نامحسوس برای کنترل افکار عمومی طراحی شده است. سؤال اصلی این پژوهش راهکارهای مقابله با جنگ نرم با تأکید بر بیانیه گام دوم است، این تحقیق به روش توصیفی، تحلیلی انجام می‌شود. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که با توجه به اهمیت و قدمت جنگ نرم و موفقیت دشمن در این جنگ، ابتدا مستلزم شناخت جبهه معارض، سپس شناخت و توسعه توان نیروهای جبهه خودی است، که این مسئله در توصیه‌های مقام عظمای ولایت علی‌الخصوص جهت تحقق تمدن نوین اسلامی در چله دوم انقلاب اسلامی در ابعاد علمی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همانند چراغ راهی است که ماهیت و ابعاد این نبرد را برای امت اسلامی روشن می‌سازد.

کلید واژگان: جنگ نرم، جامعه، بیانیه گام دوم، بصیرت، مقام معظم رهبری.

---

۱. طلبه سطح سه، حوزه علمیه خواران، قم، ۶۲tayebe@gmail.com

۲. استاد سطح عالی حوزه علمیه، قم، ایران، m\_60\_sfazel@yahoo.com



## مقدمه

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران که دستاورد میلیون‌ها انسان ارزشمند و خون هزاران شهید جاوید و امید میلیون‌ها مسلمان و مستضعفان جهان بود (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۴۷)؛ پا به میدان نهاد، چهارچوب هارا شکست، دین و دنیا را کنار هم مطرح کرد. طبیعی بود که سردمداران ستم و گمراهی واکنش نشان دهند. با توجه به اینکه استکبار جهانی با متحدانش بعد از به کارگیری روش‌های مختلف کودتا، حمله‌های نظامی، ترورهای کور و در نهایت تحریم‌های اقتصادی به این نتیجه رسیدند که به زانو درآوردن این ملت، جز از طریق روش‌های نرم و به ظاهر مسالمت‌آمیز امکان پذیر نخواهد بود، به همین منظور، اولویت استکبار در مواجهه‌ی با نظام اسلامی آن چیزی شد که امروز به آن جنگ نرم می‌گویند (پوفاضلی، ۱۳۹۱: ۱۰).

در این راستا هزاران کارشناس با تجربه در صدها سازمان و موسسه تحقیقاتی گرد هم آمدند و بر آن شدند تا به صورت تدریجی و طی برنامه زمان‌بندی شده فکر و روح این ملت را از وضعیت استکبارستیزی و مقاومت خارج کرده و روحیه سازش و تمکین در جمهوری اسلامی را جایگزین کنند. اینان برای بازیابی قدرت از دست رفته خود در این خطه جغرافیایی با استفاده از جنبه‌های فرهنگی، علمی و فنی خود برای تأثیر بر فکر و اندیشه با استفاده از ابزارهای ارتباطی و تکنیک‌های پیچیده روانشناسی و جامعه‌شناسی با تأکید بر نقاط قوت عناصر خود و نقاط ضعف عناصر جبهه مقابل، وارد عمل شدند (بصیری، ۱۳۹۱: ۲).

یکی از برنامه‌های دشمنان تأثیر گذاری بر دین و فرهنگ دینی بوده که ایشان از ابتدای دهه هفتاد، در ضرورت و اهمیت تهاجم فرهنگی، جنگ نرم تبیین‌های متعددی داشتند و در سه دهه اخیر، مهم‌ترین راهبرد دشمن علیه جمهوری اسلامی را، جنگ نرم معرفی کرده‌اند. از این روست که مقام معظم رهبری (علیه‌السلام) بر لزوم شناخت کامل دشمنان نظام اسلامی، برنامه‌ها و اهداف آنان برای مقابله با نظام و انقلاب همواره تأکید دارند. در بیانات متعددی آرایش

تهاجمی فرهنگی دشمن را علیه انقلاب بسیار خطرناک معرفی کرده و در اهمیت جنگ نرم، خطر آن را برابر با جنگ نظامی معرفی می‌کنند (دفتر نشر مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹). ایشان از تعابیری همچون تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی، ناتوی فرهنگی و در سالهای اخیر از واژه بسیار دقیق جنگ نرم استفاده نمودند.

در حالی که امروز بعد از گذشت ۴ دهه پس از انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی وضعیت فرهنگی کشور رضایت‌بخش نیست و به آن نقطه مطلوب نرسیده، مقام معظم رهبری به عنوان دیده بان انقلاب اسلامی درست در همان زمانیکه دشمن و به زعم خود دنبال سرنگونی نظام مقدس جمهوری اسلامی بود به مناسبت چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی بیانیه راهبردی گام دوم انقلاب را ارائه فرمودند که سند راه و چشم انداز آینده حرکت انقلاب است.

ایشان از تشریح دستاوردهای انقلاب و آنچه که تاکنون انجام شده است و نیز اشاره به گام‌هایی که باید برداشته شوند؛ در هفت عرصه توصیه می‌کنند که در واقع هفت پایه اصلی جامعه‌سازی و تمدن‌سازی اسلامی است همین هفت عرصه است که عبارت‌اند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی عزت ملی روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و سبک زندگی. لذا با توجه به نفوذ جنگ نرم در فرهنگ جامعه، بحث و بررسی درباره این مقوله به دلیل گستره تأثیر گذاری آن بسیار حائز اهمیت است.

### ۱. راهکارهای مقابله با جنگ نرم در بیانیه

آیت‌الله شب‌زنده‌دار در جلسه درس خارج فقه با اشاره به دیدار اخیرش با رهبر انقلاب روایتی از آنچه ایشان درباره «بیانیه گام دوم انقلاب» گفته بودند را نقل کرد: ایشان فرمودند: «من روی این بیانیه خیلی زحمت کشیدم و فرمودند، من بنای بر این ندارم که اگر چیزی نوشتم یا مطلبی می‌گویم از دیگران درخواست کنم که روی آن کار کنند ولی راجع به این می‌گویم این کار را نکنند...» (mashreghnews.ir, ۱۳۹۷/۱۱/۲۷).

بدیهی است منظور معظم له علاوه بر ایجاد امید در جوانان، حل مشکلات تنها با اتکا به توان داخلی و درون کشور، خنثی سازی تبلیغات سوء و جنگ روانی دشمن و به مثابه منشوری در راستای لزوم تحقق حیات طیبه اسلامی در سطح جامعه نیز باشد. هفت توصیه مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم به عنوان مهمترین راهکار در برابر توطئه های بی حد و حصر دشمنان در تمام ابعاد علمی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تربیتی یک جامعه است.

### ۱-۱. تولید علم

موارد تولید علم به شرح ذیل است.

#### ۱-۱-۱. گسترش آگاهی ودانایی

هدف از خلقت انسان، رسیدن به سوی کمال و سعادت است و دستیابی به سعادت تنها با عقل و علم میسر می شود. قرآن کریم در معرفی خود اینگونه بیان می کند: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (ابراهیم: ۱) این کتابی است که آن را بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکیها (نا آگاهی و نادانی) به سوی روشنایی باز بری .... و آیات متعدد دیگری که بر ارزش و اهمیت تحصیل علم پرداخته است. فراگیری علم در اسلام بسیار حائز اهمیت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: "طلب العلم فریضة علی کل مسلم؛ یعنی جست و جو و تحصیل علم بر هر مسلمانی واجب است. (کلینی: ۱، ۳۰) تأکید اسلام بر جهانی سازی علم، دانش و فناوری، علم آموزی و بیداری احساس های خفته همی انسان ها می پردازد (حکیمی، ۱۳۸۷: ۴۵) گسترش علم از عوامل مهم خیزش در تمدن اسلامی است. (جعفرنیا: ۱۳۹۳) رهبر فرزانه در بیانیه گام دوم اولین توصیه جهانی سازی اسلام را علم و پژوهش می دانند. ایشان در خطاب به جوانان اینگونه فرمودند:

دانش، آشکارترین وسیله ی عزّت و قدرت یك کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت

دویست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیانهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم (بیانیه گام دوم انقلاب <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

## ۲-۱-۱. جهاد علمی

جهاد به معنای تلاش توأم با رنج و زحمت می‌باشد. خداوند متعال در خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وجاهدکم به جهادا کبیرا» (فرقان: ۵۲) به وسیله‌ی قرآن با آنها (جهادکن) منظوراز جهاد در این آیه جهاد فکری و فرهنگی است، نه جهاد مسلحانه. (اسحاقی: ۲۹/۹۳) اما در جای دیگری می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹). «جَاهِدُوا فِينَا»، مراد هرگونه جهاد و تلاشی است که در راه خدا و برای رضایت او و به منظور خدمت به دین اسلام انجام پذیرد. رهبرفرزانه انقلاب اسلامی دربیانات خویش همواره بر جهاد علمی تأکید دارند و در بیانیه گام دوم به عنوان یک مطالبه‌ی عمومی از جوانان درخواست داشتند. از منظر ایشان امروز کشور نیازمند یک جهاد علمی است معظّم له در دیدارهای متعددی به اهمیت علم و پژوهش و لزوم جهاد علمی در سطح جامعه از سوی دانشگاه‌ها و مراکز علمی پژوهشی اینگونه خطاب کردند: می‌توان علم جهادی و جهاد علمی داشت. این همان کاری است که شماها به آن مشغولید (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۴/۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3236>). ایشان در ادامه بحث به اهمیت مدیریت علم به دست بندگان صالح اشاره می‌فرماید:

«حقیقت مطلب هم این است که علم و عقل ابزار دو جنبه‌ی است؛ می‌تواند در خدمت ارزشها قرار بگیرد، می‌تواند در خدمت حیوانیت و سبّعیّت قرار بگیرد. بستگی به این دارد که مدیریت علم با چه کسی است. اگر مدیریت علم به دست انسانهای دنیاطلب و

قدرت طلب و زراندوز و سلطه طلب بود، همین می شود که امروز شما در دنیا مشاهده می کنید؛ یعنی علم ابزاری برای استعمار، استثمار، تحقیر ملتها، اشغالگری و برای ترویج فحشاء، سکس و هروئین خواهد شد. اگر علم نبود، استعمار هم نبود. اروپایی ها به برکت علمشان توانستند در دنیا راه بیفتند و ملتها را زیر سلطه ی استعمار بگیرند و به اختلاف مناطق، صد، صدوپنجاه و دو بیست سال ملتها را عقب نگه دارند و آنها را از سرمایه های مادی خودشان محروم کنند؛ استعداد های انسانیشان را سرکوب کنند و کشتار به راه بیندازند. وقتی علم در مدیریت انسانهایی قرار گرفت که جز به جنبه های حیوانی زندگی نمی اندیشند، همین خواهد شد. اما اگر علم به وسیله ی بندگان صالح مدیریت شد، آن وقت خدمت می کند و زیان نمی رساند.

وقتی جهاد؛ یعنی تلاش هدفدار برای خدا، وجود داشت، بدون تردید موفقیت هم با آن همراه خواهد بود. ما راهی که به سمت مرزهای پیشرفته ی دانش در همه ی زمینه ها داریم، مسلم بدانید که جز با روحیه ی استقلال، روحیه ی توکل به خدا و روحیه ی کار برای ایمان طی نخواهد شد. باید این راه را سریع طی کنیم و راههای میانبر را پیدا کنیم و خودمان را برسانیم؛ مرزهای دانش را باز و مرزهای جدیدی را ایجاد کنیم؛ این کار ممکن است؛ زیرا این جا سرزمین علم خیز است و شماها نشان دادید که می شود» (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۴/۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3236>)

## ۲-۱. رشد اخلاقی و معنوی اجتماعی

اسلام تنها دینی است که با صراحت پایه و مبنای دعوت خود را بر اجتماع نهاده و در هیچ یک از شئون خود، امر اجتماعی را به اهمال واگذار نکرده است. انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است به طوری که خداوند متعال در این باره می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران/ ۲۰۰) در سایه ایمان به خدا مفاهیمی همچون اخلاص، ایثار، توکل دیگر تنها مفاهیم تو خالی نیستند. بلکه همه مقول های انسانی الفاظ پرمحتوا و پایه هستند و مبنای منطق دارند. ایمان به خدا نباشد اخلاق هیچ

پشتوانه‌ای ندارد. اسلام به عنوان یک آیین الهی جهانی و جاودانی که پس از آن دین و قاعده نخواهد آمد اعتقاد به خدا را از جنبه‌های مختلف بهترین ضمانت اجرای اخلاق می‌داند. (حسنی، ۱۳۸۹: ۳۱۱).

### ۱-۲-۱. معنویت

معنویت در جامعه اسلامی مبتنی بر دین و آموزه‌های دینی است بطوری که تعالیم اسلام شکل دهنده معنویت می‌باشند. معنویت همواره اخلاق گراست اما اخلاق گرایی معطوف به معنویت نیست. اگر معنویت در جامعه نهادینه شود، اخلاق مداری در میان لایه‌های مختلف اجتماعی رسوخ می‌یابد (ویسی، ۱۳۹۸). رهبر معظم انقلاب اسلامی در تعریف معنویت فرمودند: معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، [https://farsi.khamenei.ir/message-](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)

### ۱-۲-۲. اخلاق

اخلاق جمع واژه خُلُق و به ویژگی‌های نفس انسان گفته می‌شود (فتحعلی خانی ۱۳۸۹: ۱۵) مقام معظم رهبری در تعریف اخلاق فرمودند: اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، [https://farsi.khamenei.ir/message-](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)

اخلاق اسلامی همه امتیازات و ویژگی‌های یک نظام اخلاقی دینی را داراست. برای رشد جامعه در بعد اخلاقی تنها با پیاده کردن اخلاق اسلامی میتوان به یک جامعه ایده ال دست

پیدا کرد.

### ۳-۲-۱. لزوم تدوین برنامه قابل اجرا جهت توسعه معنویت جامعه

مقام معظم رهبری در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی فرمودند: دو آفت، هم دینداری را تهدید می‌کند و هم سیاست را. یکی از آفتهای دینداری این است که دینداری یک جامعه یا یک شخص، با انحراف یا بی‌مبالاتی یا تحجّر و جمود یا فراموش کردن نقش عقل یا التقاط و از این چیزها همراه شود. آفت دیگر دینداری این است که دین به زندگی شخصی محدود شود؛ عرصه وسیع زندگی جمعی انسانها و جامعه را فراموش یا درباره آن سکوت کند و از آن کناره بگیرد (بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۲/۱۲/۱۳۸۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3110>).

تمدن منهای معنویت برای بشر همانند خشکی برای ماهی که زندگی کردن در آن محال است (balagh.ir). یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی، در پی فراهم سازی زمینه رواج معنویت و اخلاق در جامعه می‌باشد. اما در این مسیر مشکلاتی در ابعاد علمی، تربیتی و حتی فرهنگی وجود دارد، اولین مشکل اجرایی، عدم وجود یک برنامه مدون و پرمحتوا از سوی مسولین حکومتی و همچنین عدم نظارت کافی از سوی مسولان ذی ربط می‌باشد. هنگامی که معلوم نیست که چه چیزی باید ارایه شود، ابهام در چگونگی نیز روی می‌دهد. فقدان سازوکاری روشن برای ارایه ی معنویت دینی به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد در سازمان‌های مربوطه کسی نمی‌داند که چه باید بکند. وقتی این وضعیت در کنار ضرورت اقدام و انجام کار قرار گیرد، کارهای بی محتوا، کلیشه‌ای و بد سلیقگی‌هایی پیش می‌آید؛ که چه بسا آثار منفی آن بیش از آثار مثبتش باشد. شاید به همین جهت است که مسولان دستگاه‌های اجرایی نیز شهامت شان را کنار گذاشته و شبیه مدیران محافظه کار، از دست زدن به اقدامات جدید و بدیع پرهیز می‌کنند و با پیشنهادات کارشناسی شده نیز با احتیاط و تردید روبه رومی‌شوند.

بنابراین، یکی از بزرگ ترین مشکلات اجرایی که فراروی توسعه ی معنویت اسلامی و

مواجهه ی مؤثر با معنویت‌های نوظهور قرار دارد، ابهام در محتوا و روش کار است. این ابهام گاهی به عدم اقدام و گاهی به خراب کاری‌هایی منجر می‌شود که جبرانشان دشوار خواهد بود (قطبی، ۹۶/۱۱/۲۶).

بدون شک، تمام لحظات ابعاد زندگی انسان، از دیدگاه اسلامی، معنوی و در راستای بندگی و دلدادگی به خداوند و عشق به اوست. پس با ایمان راسخ و هوشمندی و پشتکار و فعال کردن افراد و گروه‌های مختلف با استعدادها و ذایقه‌های متنوع باید در کشف این حقایق کوشید. انقلاب اسلامی به عنوان یک الگوی بزرگ و سرچشمه ی جاری و زلال معنوی در جهان است. صاحبان امر در این زمینه باید بر روی تمام ابعاد و اجزای زندگی انسان نگاهی معنوی بیندازند و این نگرش را به جهان صادر نمایند. دنیا تشنه ی معنویت است و اگر پاسخ درست و پاک و زلالی از سرچشمه نیابد؛ از مرداب‌ها و لجنزارها خواهد نوشید، و اگر نگاه معنوی اسلامی در جهان ظهور کند، بی تردید، یک انسان در ابعاد سیاسی و اجتماعی زندگی خود، همین منظر معنوی را خواهد گشود و آن گاه پایان ستم و استضعاف و بازگشت به آزادی و عزت و عدالت را خواهد خواست و بدین سان زمینه ی ظهور خورشید هدایت و ولایت فراهم خواهد شد (قطبی، ۹۶/۱۱/۲۶).

#### ۴-۲-۱. خودسازی زیربنای جامعه سازی

قرآن کریم تزکیه و تهذیب نفس را عامل رستگاری و راه وصول به سعادت معرفی کرده است و فساد اخلاق را منشأ رذالت‌ها و بدبختیها و مایه زیان می‌شناسد. در این موضوع به صراحت می‌فرماید: «فَدَأْفَلَحَ مَنْ رَزَّاهَا- وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس: ۹-۱۰)؛ به راستی رستگار شد، آن کس که نفس خود را تزکیه کرد. بی شک محروم و ناامید گشت هر کس که آن را به پلیدی آلود. از این آیه می‌توان استفاده کرد که نفس انسان قابلیت تزکیه و نیز آلودگی را دارد و این دو با انتخاب و اختیار انسان انجام می‌پذیرد. خودسازی و تهذیب نفس از جمله مسائلی است که در شریعت مبین اسلام بسیار به آن سفارش شده است و تحقق هدف آفرینش انسان و به کمال رسیدن او نیز جز از طریق خودسازی میسر نخواهد بود.



آیت الله حسینی همدانی در اهمیت طلاب جامعه سازمی فرماید: قرآن کتابی است جامع و کامل که برنامه تکاملی و سیر صعودی آدمی را به زیباترین وجه ترسیم و تبیین کرده است. این کتاب انسان ساز هم به موضوع خودسازی و هم جامعه پردازی و هم تمدن سازی پرداخته و زیرساخت‌ها و عوامل خودسازی که مقدمه جامعه و تمدن سازی است، نیز در قرآن مطرح شده است (shabestan.ir، ۱۳۹۹/۵/۶)

دین اسلام به عنوان کاملترین شریعت در حوزه حکمرانی، تنها فقط به نهاد حکومت توجه نمی‌شود، بلکه به نهاد مردم و امت نیز توجه می‌شود؛ یعنی یکی از عناصر اصلی حکمرانی، رهبری جامعه اسلامی است و عنصر دوم، امت اسلامی می‌باشد. مهم‌ترین وظیفه دولت اسلامی که تحت رهبری رهبر اسلامی جامعه سازی است. جامعه سازی نیز از طریق فردسازی صورت می‌گیرد و فردسازی نیز تنها از طریق تهذیب و تزکیه و آموزش معارف اتفاق می‌افتد (لکزایی، ۱۴۰۰/۳/۸). بنابراین با توجه به اهمیت خودسازی میتوان اینگونه بیان کرد که خود سازی از جامعه سازی قابل انفکاک نبوده و انسانی اهل نجات است که هم برای نجات خودش میکوشد هم برای نجات دیگران قدم برمیدارد.

## ۵-۲-۱. ترویج فرهنگ سالم در سطح جامعه

دشمنان انقلاب اسلامی به خوبی این مسئله را درک کرده‌اند که اگر ملتی از نظر فرهنگی اتکا به فرهنگ خود نداشته باشد، زمینه فروپاشی استقلال فکری آن جامعه و در نتیجه پذیرفتن همه نوع زمینه‌ای توسط مردم آن فراهم خواهد شد. دشمنان ما با پی بردن به اهمیت فرهنگ سالم در شکل‌گیری یک جامعه موفق و توسعه یافته همواره سعی دارند با هدف قرار دادن فرهنگ عمومی جامعه، باورها و اعتقادات مردم و اختلاف افکنی بین افراد جامعه از پیشرفت عمومی جامعه جلوگیری نمایند تا در سایه غفلت مردم یک کشور، بر سیطره خود بر ملت‌ها و کشورها ادامه داده و امنیت لازم را برای غارت منابع و ثروت‌های کشورهای مختلف به خصوص کشورهای اسلامی به دست بیاورند. در این مسئله باید مسئولین و مردم هوشیاری خود را حفظ نمایند و همانگونه که مقام معظم رهبری علیه السلام بارها

هشدار داده‌اند نسبت به هجوم‌های فرهنگی غرب حساسیت بیشتری به خرج داده و جلو نفوذ فرهنگ منحط غربی به جامعه اسلامی را بازکار فرهنگی سالم بگیرند. (صداقت وهمکاران، ۱۳۹۳: ۲۰۳-۲۱۰)

اولین نهادی که در بحث ترویج فرهنگ در سطح جامعه دخالت مستقیم دارد خانواده است. روش تربیت فرزندان و الگو دهی به فرزندان وظیفه سنگینی است که بر عهده هر خانواده‌ای نهاده شده است و نیازمند آگاهی، تلاش و درک خانواده‌ها می‌باشد. خانواده مسئول ایجاد فضایی سالم برای رشد روحی، فکری و عملی فرزندان است. این نهاد مقدس با شناسایی و شناساندن ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها به فرزندان، برای تربیت وقت صرف می‌کند تا بتواند به عنوان یک جامعه کوچک علاوه بر ترویج فرهنگ اسلامی در بین اعضا، رسالت خود را به نحو احسن در این راستا انجام دهد.

ترویج فرهنگ ناب اسلام محمدی در سطح جامعه و پرهیز از مظاهر فرهنگ منحط غربی، تضمین‌کننده سلامت معنوی و سعادت جاودانه جامعه بشری است؛ و این امر در ابتدا مستلزم تقویت بنیه فرهنگی جامعه از سوی سازمانها و نهادهای مربوطه و همچنین برخورد قاطع با دشمنان و عوامل آنان می‌باشد. (صداقت وهمکاران، ۱۳۹۳: ۲۲۲-۲۲۳)

#### ۶-۲-۱. مبارزه با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق

مکتب اسلام برخلاف مکتب‌های غیر توحیدی در تمام شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است (نشریه علمی پژوهشی فرهنگستان علوم، ۹۷)

مقام معظم رهبری در توصیه دوم می‌فرماید: «ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها

را به چشم خود می‌بینیم»

(بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>). عصر ارتباطات و تبلیغات گسترده با وجود آثار بسیار مثبت در روند بسیاری از امور، شرایط بهتری را نیز در جهت استعمار پنهان بیگانگان فراهم ساخته است. امروزه بیگانگان بواسطه ابزارهای پیشرفته به راحتی تا عمق خانواده‌ها نفوذ کرده و فرهنگ دینی و ملی ملت‌ها را تحت تاثیر قرار داده‌اند. (صداقت و همکاران: ۱۳۹۳، ۲۲۲)

ذات فناوری‌های رسانه‌ای جدید، شریر و مفسده‌انگیز نیست بلکه آن‌ها ابزارهایی هستند که می‌توانند در خدمت مقاصد الهی یا شیطانی گمارده شوند. بنابراین آنچه در جهان کنونی، در حال رخ دادن است، رسانه‌هایی که در اختیار قدرت‌های شیطانی و مادی قرار گرفته‌اند و در راستای فساد و تباهی و ضلالت حرکت می‌کنند و حیات معنوی و انسانی انسان‌ها را به خطر انداخته‌اند. امروز بر همه آشکار شده که این رسانه‌های نوپدید، به بزرگ‌ترین و فراگیرترین بستر برای جنگ نرم و تهاجم فرهنگی تبدیل شده‌اند و دشمن به سبب در اختیار داشتن همین رسانه‌ها، برنامه‌ها و مقاصد فرهنگی خود را دنبال می‌کند (جمشیدی: [khamenei.ir](http://khamenei.ir))

## ۷-۲-۱. وظیفه کارگزاران در عرصه عمل

مقام معظم رهبری در قسمت پایانی توصیه دوم فرمودند:، دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایف سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد البته به معنای رسمی مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیر حکومتی نیست در دوره پیش رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت جامع تنظیم و اجرا شود ان شاء الله» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

ارتقاء و رشد مکارم اخلاق جامعه با الهام گرفتن از برنامه‌های جامع قرآن و روایات در مکتب اسلام بسیار مهم و قابل بحث است. در اسلام مدیریت به خودی‌خود یک مظهر مادی

و منفصل از حاکمیت نیست. خداوند متعال اولین وظیفه کارگزاران را ارتقای رشد معنوی در قرآن به صورت شاخصه اصلی بیان می‌کند و می‌فرماید: «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱)؛ آنان که خدا را یاری می‌کنند آنهایی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و از هیچ کس جز خدا نمی‌ترسند چون می‌دانند که عاقبت کارها به دست خداست.

بنا به تفسیر ایه فوق، اگر قدرت و امکانات، در دست افراد صالح باشد، بهره‌برداری صحیح می‌کنند و اگر در اختیار ناهلان قرار گیرد سوء استفاده می‌کنند. بنابراین دنیا و قدرت، برای گروهی نعمت و برای گروهی وسیله‌ی بدبختی است و قرآن از هر دو نمونه یاد کرده است: اگر مؤمنان به قدرت برسند، به سراغ نماز و زکات و امر به معروف می‌روند ولی انسان‌های منحرف و ناهل، اگر قدرتمند شوند کارشان طغیان است، «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغِي» (علق: ۶) و در راه نابودی منابع اقتصادی و نسل بشر گام بر می‌دارند، «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» (بقره: ۲۰۵) و عاقبت، مردم را به دوزخ می‌کشانند. «أَتَمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (قصص: ۴۱). بنابراین آنچه که در این مسئله حائز اهمیت است، این است از مهمترین وظایف حاکمان مؤمن، ارتقای روحی و رشد امور معنوی جامعه و به دنبال آن رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ ...» (قرآنی، بی تا: ۵۲/۶)

بر اساس روایات، مردم از مسئولان خود الگو می‌پذیرند، بنابراین کسانی که تقوا نداشته و اخلاق مدار نیستند، نباید وارد عرصه سیاست شوند. پس اگر بخواهیم اخلاق دینی در جامعه رواج پیدا کند لازمه آن، این است که مسئولان و مدیران ما اخلاق‌های دینی را کاملاً رعایت کنند و اگر مسئولان به مسئله اخلاق توجه عمیق داشته باشند و رعایت اخلاق کنند بدون تعارف در جامعه اخلاق نیز حاکم می‌شود. بنابراین روش زندگی مسئولان در رشد و سلامت معنوی جامعه تاثیر بسزایی دارد (fars.iqna.ir: ۱۰ / ۳ / ۱۳۹۳).

یکی از وظایف مهم نهادهای متولی امور فرهنگی حکومت، تنظیم برنامه‌های جامع کوتاه مدت و بلند مدت از سوی آنان با توجه ویژه به همه ابعاد و عناصر زمان و فضای جامعه، جهت تربیت یک انسان کامل با اهداف تقویت خردورزی در افراد، گرایش به معنویت، پرورش مهرورزی و مودت نسبت به خداوند و مخلوقات، پرورش شرح صدر و صبر در مقابل سایر انسان‌ها و در نهایت بایستی منجر به خروج تدریجی آدمی از بند هوای نفس و پیروی از فرامین الهی کنند؛ تا اینکه آن هدف خلقت انسان که قرآن از آن به عنوان خلیفه الله یاد می‌کند در راستای زمینه سازی تمدن نوین اسلامی تحقق پیدا کند (ملکی، ۱۳۹۸/۴/۱).

### ۱-۳. اقتصاد

یکی از اهداف مهم اقتصاد اسلامی، استقلال اقتصادی می‌باشد؛ که در پی آن، جامعه بتواند نیازمندی‌های خود را در حد قابل قبولی از رفاه، تولید کند و در اداره امور اقتصادی نیازمند و متکی به دیگران نباشد. (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸: ۸۳). رهبر معظم انقلاب اسلامی با توجه به این مسئله چند سالی است نگاه اصیل انقلاب اسلامی در حوزه مسائل اقتصادی-اجتماعی را ذیل عنوان اقتصاد مقاومتی تعریف کرده و در راستای گفتمان سازی آن بسیار کوشیده‌اند. حجم فعالیت رهبر معظم انقلاب اسلامی و جلسات و سخنرانی‌ها و تبیین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تقریباً در موضوع دیگری سابقه نداشته است که این نشان از اهمیت حیاتی موضوع ایشان دارد.. (فدایی، ۱۳۹۵).

### ۱-۳ لزوم استقلال اقتصادی

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که می‌تواند ایران اسلامی را به معنای واقعی کلمه قوی کند اقتصاد است. گواه این ادعا تأکید و توجه مقام معظم رهبری به مباحث اقتصادی در نام‌گذاری سال‌های اخیر از سال ۱۳۷۲، ۱۳۷۳ و ۱۳۸۰ تا کنون است. معظم له از سال ۱۳۹۶ به صورت مستمر شعار سال را با تأکید بر مفاهیم اقتصادی، از قبیل اصلاح الگوی مصرف، همت و کار مضاعف، حماسه اقتصادی، اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی، جهاد

اقتصادی و نیز تصریح آشکار بر تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی با عزم ملی و مدیریت جهادی، جهش تولید و تولید، پشتیبانی و مانع زدایی تأکید داشته و دارند (www.tabnak.ir). از این تأکیدها برمی آید که یکی از دغدغه‌ها و دل مشغولی‌های ریشه‌دار ایشان مسئله اقتصاد است. در واقع محورهای یاد شده به اصل انقلاب اسلامی برمی‌گردد و از شعارهای اساسی این قیام بزرگ شیعی، بحث خودکفایی و استقلال در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. (اصفهانی: ۱۳۹۴)

مقام معظم رهبری در اهمیت استقلال اقتصادی می‌فرماید: «استقلال اقتصادی، از استقلال سیاسی مشکل‌تر و دیرپاب‌تر است. می‌بینید که به آسانی نمی‌شوند رشته‌های نفوذ و سلطه اقتصادی قدرت‌ها و دولت‌های بیگانه را قطع کرد. اگر کشوری بخواهد به سمت استقلال اقتصادی برود، احتیاج به نیروی انسانی کارآمد، منابع درآمدزا، امکانات فراوان فراوان دانش، تخصص، همکاری‌های علمی و فنی بین‌المللی و بسیار چیزهای دیگر دارد. کشور ما از ساعت اول، در جهت استقلال اقتصادی حرکت کرد. برای یک کشور استقلال اقتصادی یک ضرورت حیاتی است. وقتی رشته‌های اقتصادی کشور به بیگانگان وصل باشد، معنایش این است که رگ حیاتی و تغذیه این پیکر به جای دیگر وصل است پس اختیار در دست دیگری خواهد بود» (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۰/۱/۱۳۶۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2286>).

### ۲-۳. راهکارهای استقلال اقتصادی

اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادّیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در

سالهای اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد میتواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>). مقام معظم رهبری در طی سالهای اخیر درباره عوامل موثر، در رشد اقتصادی کشور فرمایشات متعددی بیان فرمودند که میتوان از آن به عنوان نقشه راه نام برد. در اینجا تنها به سیاست‌های کلی برنامه‌ی ششم توسعه در امور اقتصادی اشاره می‌کنیم و این نشان دهنده اهمیت ایشان در این مسئله می‌باشد.

۱- رشد اقتصادی شتابان و پایدار و اشتغال‌زا به گونه‌ای که با بسیج همه‌ی امکانات و ظرفیت‌های کشور، متوسط رشد ۸ درصد در طول برنامه محقق شود.

۲- بهبود مستمر فضای کسب و کار و تقویت ساختار رقابتی و رقابت‌پذیری بازارها.

۳- مشارکت و بهره‌گیری مناسب از ظرفیت نهادهای عمومی غیردولتی با ایفای نقش ملی و فراملی آنها در تحقق اقتصاد مقاومتی.

۴- توسعه پیوندهای اقتصادی و تجاری متقابل و شبکه‌ای کشور به ویژه با کشورهای منطقه‌ی آسیای جنوب غربی، تبدیل شدن به قطب تجاری و ترانزیتی و انعقاد پیمان‌های پولی دو و چندجانبه با کشورهای طرف تجارت در چارچوب بندهای ۱۰، ۱۱ و ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.

۵- گسترش و تعمیق نظام جامع تأمین مالی و ابزارهای آن (بازار پول، بازار سرمایه و بیمه‌ها) با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی و افزایش سهم مؤثر بازار سرمایه در جهت توسعه‌ی سرمایه‌گذاری و ثبات و پایداری و کاهش خطرپذیری فعالیت‌های تجاری و اقتصادی کشور با تأکید بر ارتقاء شفافیت و سلامت نظام مالی.

۶- تأمین مالی فعالیت‌های خرد و متوسط به وسیله‌ی نظام بانکی.

۷- ارتقاء کیفی و کمی نظام جامع صنعت بیمه و ابزارهای آن (بازارهای رقابتی، بیمه‌ی اتکایی و...) با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی به منظور توسعه‌ی

سرمایه‌گذاری و ثبات و پایداری و کاهش خطرپذیری فعالیت‌های تجاری و اقتصادی کشور.  
۸- جذب سرمایه‌ی ایرانیان خارج از کشور و سرمایه‌گذاران خارجی با ایجاد انگیزه و مشوق‌های لازم.

۹- اعمال نظارت کامل و فراگیر بانک مرکزی بر بازار و مؤسسات پولی، بانکی و اعتباری و ساماندهی مؤسسات و بازارهای غیرمتشکل پولی و مالی در جهت ارتقاء شفافیت و سلامت و کاهش نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات.

۱۰- تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، از منبع تأمین بودجه‌ی عمومی به «منابع و سرمایه‌های زاینده‌ی اقتصادی» و دائمی شدن اساسنامه‌ی صندوق توسعه‌ی ملی با تنفیذ اساسنامه‌ی موجود و واریز سالانه ۳۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و میعانات گازی و خالص صادرات گاز به صندوق توسعه‌ی ملی و افزایش حداقل ۲ واحد درصد سالیانه به آن.

۱-۱۰- استقلال مدیریت حساب‌ها از بانک مرکزی.

۲-۱۰- ارائه‌ی تسهیلات از منابع صندوق توسعه‌ی ملی به بخش‌های غیردولتی به صورت ارزی.

۳-۱۰- استقلال مصارف صندوق توسعه‌ی ملی از تکالیف بودجه‌ای و قوانین عادی.

۴-۱۰- سپرده‌گذاری ارزی حداکثر ۲۰ درصد از منابع ورودی صندوق، نزد بانک‌های عامل در قبال اخذ خط اعتباری ریالی از بانک‌های مذکور برای ارائه‌ی تسهیلات ریالی به بخش کشاورزی، صنایع کوچک و متوسط و تعاونی با معرفی صندوق توسعه‌ی ملی.

۱۱- تکمیل زنجیره‌ی ارزش صنعت نفت و گاز و کاهش شدت انرژی.

۱۲- حمایت از تأسیس شرکت‌های غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اکتشاف (نه مالکیت)، بهره‌برداری و توسعه‌ی میادین نفت و گاز کشور به ویژه میادین مشترک در چارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴.

۱۳- افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و نوین و گسترش نیروگاه‌های پراکنده و



کوچک مقیاس.

۱۴-تحقق کامل هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.

۱۵-واگذاری طرح‌های جمع‌آوری، مهار، کنترل و بهره‌برداری از گازهای همراه تولید در کلیه میادین نفت و تأسیسات صنعت نفت به مردم.

۱۶-افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره‌ی ارزش صنعت نفت و گاز و توسعه‌ی تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی).

۱۷-دانش بنیان نمودن صنایع بالادستی و پایین دستی نفت و گاز با تأسیس و تقویت شرکت‌های دانش بنیان برای طراحی، مهندسی، ساخت، نصب تجهیزات و انتقال فناوری به منظور افزایش خودکفایی.

۱۸-افزایش مستمر ضریب بازیافت و برداشت نهایی از مخازن و چاه‌های نفت و گاز.

۱۹-تقسیم کار و تعیین نقش ملی در مناطق، استان‌ها، نواحی و سواحل و جزایر کشور با رعایت الزامات آن در چارچوب سیاست‌های کلی مربوط، به منظور افزایش تولید ثروت ملی و حمایت دولت از سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته و روستایی.

۲۰-اتخاذ برنامه‌ها و اقدامات اجرایی جهت توسعه‌ی روستایی کشور برای تثبیت جمعیت و تشویق مهاجرت به مناطق روستایی و عشایری (کانون تولید و ارزش آفرینی) با برنامه‌ریزی و مدیریت بهینه در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی، تعیین سهم واقعی در توزیع منابع و ارتقاء شأن و منزلت اجتماعی، ایجاد فرصت‌های جدید اقتصادی و حمایت‌های ویژه از فعالیت‌های کارآفرینی و اشتغال‌زایی مزیت‌دار بومی و مقاوم‌سازی تأسیسات و زیرساخت‌ها و اماکن روستایی با تأکید بر بند ۹ سیاست‌های کلی کشاورزی.

۲۱-توسعه‌ی اقتصاد دریایی جنوب کشور در محور چابهار - خرمشهر با تأکید بر سواحل

مکران.

۲۲-برنامه‌ریزی برای دستیابی به ضریب جینی ۴۳/۰

- ۲۳- توسعه‌ی بازارهای دریایی و ایجاد مناطق مهم اقتصادی درزمینه‌های دارای مزیت.
- ۲۴- اولویت بخش ریلی در توسعه‌ی حمل‌ونقل و ایجاد مزیت رقابتی برای آن.
- ۲۵- توسعه‌ی حمل‌ونقل ریلی باری با اولویت تجهیز شبکه و پایانه‌های باری و اتصال شبکه به مراکز بزرگ اقتصادی، تجاری و صنعتی و مبادی ورودی و خروجی مهم کشور و شبکه‌های ریلی منطقه‌ای و جهانی به‌ویژه کریدور شمال - جنوب با هدف توسعه‌ی صادرات و ترانزیت بار.
- ۲۶- افزایش نرخ رشد ارزش افزوده‌ی بخش‌های صنعت، معدن و صنایع معدنی و افزایش صادرات محصولات آن با اجرای سیاست‌های کلی صنعت و معدن.
- ۲۷- دانش بنیان نمودن شیوه‌ی تولید و محصولات صنعتی و خدمات وابسته به آن، نشان‌سازی تجاری و تقویت حضور در بازارهای منطقه و جهان.
- ۲۸- اولویت دادن به حوزه‌های راهبردی صنعتی (از قبیل صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، حمل‌ونقل، مواد پیشرفته، ساختمان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، هوافضا، دریا، آب و کشاورزی) و افزایش ضریب نفوذ فناوری‌های پیشرفته در آنها.
- ۲۹- اولویت دادن به تأمین مواد مورد نیاز صنایع داخلی کشور با تأکید بر تکمیل ظرفیت زنجیره‌ی ارزش افزوده‌ی مواد معدنی و اجرای بند ۳ سیاست‌های کلی معدن.
- ۳۰- تدوین و اجرای سند جامع و نقشه‌ی راه تحول نظام استانداردهای کشور و مدیریت کیفیت.
- ۳۱- استقرار نظام جامع و کارآمد آمار و اطلاعات کشور.
- امور فناوری اطلاعات و ارتباطات
- ۳۲- کسب جایگاه برتر منطقه در توسعه‌ی دولت الکترونیک در بستر شبکه‌ی ملی اطلاعات.
- ۳۳- توسعه‌ی محتوا در فضای مجازی بر اساس نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور تا حداقل پنج برابر وضعیت کنونی و بومی‌سازی شبکه‌های اجتماعی.

۳۴- ایجاد، تکمیل و توسعه‌ی شبکه ملی اطلاعات و تأمین امنیت آن، تسلط بر دروازه‌های ورودی و خروجی فضای مجازی و پالایش هوشمند آن و ساماندهی، احراز هویت و تحول در شاخص ترافیکی شبکه به طوری که ۵۰ درصد آن داخلی باشد.

۳۵- بهره‌گیری از موقعیت ممتاز کشور با هدف تبدیل ایران به مرکز تبادلات پستی و ترافیکی ارتباطات و اطلاعات منطقه و گسترش حضور در بازارهای بین‌المللی.

۳۶- حضور مؤثر و هدفمند در تعاملات بین‌المللی فضای مجازی.

۳۷- افزایش سهم سرمایه‌گذاری زیرساختی در حوزه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات تا رسیدن به سطح کشورهای برتر منطقه.

۳۸- توسعه‌ی فناوری فضایی با طراحی، ساخت، آزمون، پرتاب و بهره‌برداری از سامانه‌های فضایی و حفظ و بهره‌برداری حداکثری از نقاط مداری کشور.

در ۳۸ مورد ذکر شده از سوی معظم له جهت رشد و توسعه اقتصادی به منابع انسانی و اقتصادهای نوپدید نگاه ویژه‌ای دارند؛ در نشستی با مسولین وقت فرمودند: نیازمند همت، شجاعت و اهتمام جدی و پیگیری در این زمینه هستیم (گزیده‌ای از بیانات در جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی، ۱۳۹۹/۹/۴، [https://farsi.khamenei.ir/speech-  
content?id=46866](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46866)).

#### ۴-۱. عدالت و مبارزه با فساد (برقراری عدالت اجتماعی)

چهارمین محور مورد تأکید مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم عدالت و مبارزه با فساد است. از منظر رهبر معظم انقلاب، برقراری عدالت اجتماعی یکی از اهداف مهم تمدن نوین اسلامی است و دیگر اهداف تمدنی نیز باید با عدالت همخوانی داشته باشند. به گونه‌ای که قدرت، سیاست، علم، اخلاق و پیشرفت با عدالت اجتماعی در هم تنیده است. ایشان یکی از برکات مهم انقلاب اسلامی را در این بیانیه "سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور" بر می‌شمرند. در عین حال اشاره می‌کنند که در شرایط فعلی، بین وضع موجود و وضع مطلوب عدالت در جمهوری اسلامی فاصله وجود دارد. معظم له از

عدالت، هم به عنوان دستاورد ۴۰ سال ابتدایی انقلاب یاد کرده‌اند و هم به عنوان عملکردی که در آینده باید آن را پیش گرفت؛ و لذا تأکید می‌کنند که در این خصوص نیاز به گفتمان سازی است (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (الحديد: ۲۵)؛ ما پیامبرانمان را با دلیل‌های روشن فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو، را نیز نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند...». تحقق و تأمین عدالت، به ویژه عدالت اجتماعی، به تلاش‌های گسترده، همگانی و مستمر نیازمند است.

عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شان و جایگاه است. این کلمه مقدس و در همه زمان‌ها و سرزمین‌هاست و به صورت کامل جز در حکومت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن فریضه‌ای بر عهده همه به ویژه حاکمان قدرتمند آن است (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>). عدالت، آرمانی دینی و الهی است و سابقه‌ای به قدمت عمر بشر دارد (حق پناه، ۱۳۸۰).

یکی از اهداف اساسی بعثت پیامبران تحقق عدالت بوده، بنابراین اجرای عدالت در جامعه بشری هدف اصلی است. (فرجی آرپناهی و همکاران، ۱۳۹۹).

یکی از پیام‌های جهانی انقلاب، تحقق عدالت و عدالت طلبی است. معظم له در اجتماع بزرگ مردم یزد فرمودند: «امروز بحران جنسی، بحران اقتصادی، بحران اخلاقی، بحران خانوادگی، گرفتاری‌هایی همان کشورهایی است که از لحاظ علمی چشم تاریخ را خیره کردند از پیشرفت‌های خودشان. بشر سعادت‌مندی‌اش به این نیست که دانش و پیشرفت کنند دانش ابزار سعادت است، سعادت بشر به آسایش فکر است، به آسایش روح است، به زندگی بی دغدغه است، به زندگی همراه با امنیت اخلاقی و معنوی و مادی است، به احساس عدالت

در جامعه است. این را غربی ندارد نه اینکه ندارد روز به روز هم از او دارد دورتر می‌شود. ما این را برای نشان دادن به دنیا به عنوان آرمان خود ترسیم کرده ایم؛ ما نکرده ایم خدا کرد. ملت ایران به اقتضای ایمان خود به این راه، دنبال این راه افتاد» (بیانات در دیدار مردم یزد، ۱۲/۱۰/۸۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3415>).

می‌توان عدالت اجتماعی را در سه حوزه حقوقی، اقتصادی و قضائی تعریف کرد. جهت تحقق عدالت اجتماعی در جامعه، شایسته سالاری در تمامی سطوح اجرائی، تقنینی و قضائی، ترویج معنویت و جلوگیری از زمینه‌های گناه در جامعه و نیز تأسیس نظام تعاون و تأمین رفاه اجتماعی، گسترش فرهنگ وقف و بهره‌برداری بهینه از آن، ایجاد تحول در نظام وقف، همچنین عملیاتی ساختن نظام مالیاتی اسلام و دریافت قانونمند مالیات‌های ثابت، راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی است. (موسوی، ۱۳۹۰)

## ۵-۱. استقلال و آزادی

خداوند متعال در قرآن به استقلال همه جانبه جامعه ایمانی و حاکمیت مؤمنان بر سرنوشت خود، که مورد تأکید خداوند است اشاره می‌فرماید: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء: ۱۴۱)؛ خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. از این آیه استفاده می‌شود که کافران نه تنها از نظر منطق بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد با ایمان، چیره نخواهند شد. یکی از خصوصیات انقلاب اسلامی داشتن استقلال در تمام ابعاد می‌باشد. استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه‌گر جهان است و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است و این هر دو از جمله ارزش‌های اسلامی انجام هر دو عطیه الهی به انسان‌ها این حجم توسل به مردم نیست حکومت‌ها موظف به تأمین این دو اند (بیانیه گام دوم انقلاب ۲۲/۱۱/۱۳۹۷،

انقلاب اسلامی دو موضوع استقلال و آزادی را در این کشور نهادینه کرد. در آن روزها، که، آزادی فکر، آزادی بیان و آزادی تصمیم‌گیری نبود؛ با آمدن انقلاب به عنوان یکی از ارزشهای اصلی نهادینه شد. هدف از انقلاب و برقراری آزادی و استقلال بحث تحقق جامعه اسلامی است، پس این جامعه بسوی پیشرفته معنوی باشد؛ و رمز برقراری چنین جامعه‌ای استقلال است و امید آن است که به برکت این استقلال راه ساخت یک کشور مستقل، پیشرفته، عادلانه و معنوی را طی کرده و مردم را به سوی تمدن نوینی اسلامی سوق داده، با جامعه‌ای که از استقلال فرهنگی، اقتصادی و سیاسی برخوردار است (جلال‌منش، ۱۳۹۸/۳/۱)

#### ۱-۵-۱. استقلال اقتصادی

خداوند متعال در سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید: «ولا تهنوا ولا تحزنوا وانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین» (آل عمران: ۱۳۹). با توجه به آیه یاد شده مؤمنین نسبت به دیگران برتری خواهند داشت از طرف دیگر می‌دانیم یکی از لوازم برتری بی‌نیازی اقتصادی از دولت‌های استکباری و خودکفایی مسلمانان است زیرا بدیهی است که احتیاج به دیگران همیشه ملازم با ذلت و اسارت است.

رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «استقلال اقتصادی، از استقلال سیاسی مشکل‌تر و دیرپای‌تر است. می‌بینید که به آسانی نمی‌شوند رشته‌های نفوذ و سلطه اقتصادی قدرت‌ها و دولت‌های بیگانه را قطع کرد. اگر کشوری بخواهد به سمت استقلال اقتصادی برود، احتیاج به نیروی انسانی کارآمد، منابع درآمدزا، امکانات فراوان فراوان دانش، تخصص، همکاری‌های علمی و فنی بین‌المللی و بسیار چیزهای دیگر دارد». کشور ما از ساعت اول در جهت استقلال اقتصادی حرکت کرد. برای یک کشور استقلال اقتصادی یک ضرورت حیاتی است وقتی اشتهای اقتصادی کشور به بیگانگان و از باشد معنایش این است که رگ حیاتی و تغذیه این پیکر به جای دیگر وصل است و اختیار در دست دیگری خواهد بود (خطبه‌های

نماز جمعه، ۱۳۶۹/۱/۱۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2286>

## ۲-۵-۱. استقلال سیاسی

استقلال همه جانبه وابستگی کشوریکی از مسائل مهمی که در طول تاریخ مردم ایران از آن رنج می بردند و برایشان خیلی دردآور بود. از دوران قاجار به خصوص از جنگهای ایران روسیه انگلیسی ها کم کم به ایران باز شد از همان زمان مردم از هر فرصتی استفاده می کردند تا زنجیره های وابستگی را قطع تا بتوانند به استقلال کامل برسند. (اسدی و همکاران، ۱۸۹). معظم له فرمودند: «کشورهایی که به استقلال می رسند قدم اول استقلال آنها همین است که نظام سیاسی خودشان را مستقل کنند؛ یعنی حکومت مستقل از نفوذ قدرت های بیگانه به وجود آورند» (خطبه های نماز جمعه، ۱۰/۱/۱۳۶۹، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2286)

## ۳-۵-۱. استقلال فرهنگی

در اهمیت استقلال فرهنگی مقام معظم رهبری فرمودند: «استقلال فرهنگی از همه استقلال ها مهم تر است جمهوری اسلامی، از اول نشان داد که زیر بار فرهنگ مبتذل و فاسد قبلی نخواهد رفت. این نکته را من عرض می کنم که سلطه ی واقعی قدرتها، سلطه فرهنگی است. یعنی اگر ملتی بتوانند فرهنگ و باورها و اعتقادات و رسوم و آداب و عادت عادات خود را، و در مرحله بالاتر زبان و خط خویش را در ملت دیگر نفوذ بدهند در آن ملت مسلط است و سلطه ی او یک سلطه ی حقیقی است؛ کاری که در دوره ای از این ۲۰۰ سال گذشته فرانسوی ها با کشورهای دیگر کردند، و در یک دوره دیگر انگلیسی ها کردند، و در این اواخر آمریکایی ها انجام دادند؛ یعنی زبان و خط و فرهنگ و روش های زندگی خودشان را به هر کشوری که توانستند، صادر کردند. اگر کشوری از لحاظ اقتصادی هم مستقل باشد و وابسته به قدرتها نباشد، اما چنانچه قدرت های بیگانه بتوانند فرهنگ خودشان را در این کشور نفوذ بدهند بر آن مسلطند» (خطبه های نماز جمعه، ۱۰/۱/۱۳۶۹، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2286)

## ۱-۶. عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی جغرافیایی

توصیه ششم معظم‌له به نسل جدید انقلاب اسلامی برای شکوهمندتر شدن انقلاب اسلامی در گام دوم، توجه به سیاست خارجی بر مبنای عزت ملی و مرزبندی با دشمن است. عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن، این هر سه، شاخه‌هایی از اصل (عزت، حکمت و مصلحت) در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه.

اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد میدانند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزشهای انقلاب و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲،

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) با هوشیاری نسبت به تبلیغات و جنگ روانی دشمن از یک سو و ترس و واهمه همراه با دگراندیشی برخی جناح‌های سیاسی در داخل کشور از سوی دیگر در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر این اصل تأکید داشته‌اند تا هم یادآوری‌ای باشد برای مسئولان فعلی کشور و هم توصیه‌ای پدران‌ه برای نسل جدید انقلاب اسلامی.



## ۱-۷. سبک زندگی

سبک زندگی، توصیه‌ی هفتم رهبر انقلاب در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب است، این توصیه تفاوت محسوسی با سایر توصیه‌ها داشت؛ برای آن شرحی مفصلی مانند بندهای قبل ارائه نشد و تنها به خطر و زیان‌های ناشی از ترویج سبک زندگی غربی و لزوم مقابله‌ی جهادی، همه‌جانبه و هوشمندانه با آن پرداختند. ایشان تشریح این توصیه را به دلیل اینکه «سخن لازم در این باره بسیار است»، به فرصت دیگری موکول کرده‌اند. از این رو، بنظر می‌رسد بحث و تبادل نظر درباره این آسیب‌شناسی، باید اولویت پیدا کند و شروع بحث‌های مفید در این باره، بهتر است با بررسی مباحث مربوط به سبک زندگی اسلامی ایرانی در اندیشه و بیانات رهبر انقلاب اسلامی باشد (طیاری نژاد، ۱۳۹۸/۱/۱).

یکی از ضرورت‌های اساسی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، تحقق سبک زندگی اسلامی است. یکی از مسائل مهم برای رسیدن به این امر توجه به مبادی و مبانی سبک زندگی اسلامی است. این امر خود مستلزم توجه جدی صاحب نظران، اندیشمندان مسلمان به موضوع سبک زندگی و راه‌های وقوع آن در فرد و اجتماع است. و است؛ زیرا سبک زندگی اسلامی تنها با تحقق این مبانی واقع شده و دوام پیدا خواهد کرد. (صائبی: ۱۳۹۹/۶/۱۳).

## نتیجه‌گیری

این بیانیه به صورت منظومه‌ای و جامع به صیورورت انقلاب اسلامی، در ابعاد محتوایی و شکلی که به جرأت می‌توان گفت هیچ موضوع و عنصر مهمی را جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی مغفول نگذاشته است. مقام عظمای ولایت با صادر کردن این بیانیه، به شکل جنگ روانی برهم زدند. معظم له در نقطه مقابل القای ناامیدی از سوی دشمن و عدم اهتمام به منابع انسانی، علی‌الخصوص جوانان، امید به آینده را برای جوانان ترسیم کردند که این خود نوع تاکتیک در جنگ نرم می‌باشد. در این برهه از زمان که جنگ فرهنگی و فکری است باید مبارزه‌ی ماهم به همان صورت شکل بگیرد، ایشان با همان شیوه‌ی کار فرهنگی که بارها از مردم و مسولین مطالبه داشتند در صحنه حاضر شدند. در مقابل جهت تقویت افکار سالم

در جامعه، امید به آینده درخشانتر ایران اسلامی، در مقابل دشمن عمل کردند. متن بیانیه نقشه راه حرکت جامعه در دهه‌های آینده را ترسیم می‌کند.

ابتدا نهادهای متولی امر فرهنگی موظفند، که بسترهایی را جهت آشنایی هرچه بیشتر اقشار مختلف با این نقشه راه در رادر سطوح مختلف آماده کنند. سپس بر عهده‌ی ماست، که این بیانیه را به عنوان یک متن راهبردی و راه‌گشا، در دستور کار خویش قرار داده و متناسب با هر یک از مطالبات و مقاصد نهفته در آن، برنامه‌ریزی کنیم. باید به فهم و درک عمیق آن همت گماریم و آنگاه از طریق تقسیم کار، ترجمه و تحقق عملیاتی بخش‌ها و پاره‌های مختلف آن را بر عهده گیریم رهبر انقلاب، به صراحت ما را مخاطب خویش خوانده و خواسته‌ها و توقعاتش را با ما در میان نهاده است. ما باید بی‌درنگ و دغدغه‌مندانه، احساس مسئولیت کنیم و نسبت خود را با مفاد و مضامین این بیانیه مشخص سازیم.

## فهرست منابع

### • قرآن کریم

۱. فرجی آرپناهی، زهرا، ابراهیمی فر، جلال و دیگران، «تحقق رویکرد عدالت اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم و روایات»، *نشریه علوم اسلامی انسانی*، تابستان ۱۳۹۹.
۲. اسحاقی، سید حسین، مومولفه‌های مدیریت جهادی، قم، نشر هاجر، ۱۳۹۳.
۳. اصفهانی، عبدالله، «ضرورت استقلال اقتصادی بر اساس آموزه‌های دینی»، شماره پیاپی ۳۹۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۴.
۴. الیوت، جفری. ام و رجینالد، رابرت، *فرهنگ اصطلاحات سیاسی و استراتژیک*، ترجمه میرحسین رئیس‌زاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۸.
۵. پژوهشکده تحقیقات اسلامی امام صادق علیه السلام، «پنجره‌ای بسوی تعمیق معنویت و افزایش بصیرت»، *سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی*، بهار ۱۳۹۳.
۶. حبیبی، سیده فاطمه، *اخلاق مدیر در قرآن*، modiryar.com، پاییز ۱۳۹۴.
۷. رجبی‌نیا، داوود، رضایی، مریم، پیشوایی، فریده، *جنگ نرم رسانه‌ای: (تهاجم بر ضد اسلام و ایران)*، تدوین مریم رضایی، فریده پیشوایی؛ زیر نظر داود رجبی‌نیا. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۲.
۸. سازمان بسیج اساتید کشور، *دولت جوان حزب‌اللهی*، تهران، بی‌تا.
۹. سجادی، عبدالقیوم، *چالش‌های فرهنگی جهانی شدن و انقلاب اسلامی*، دفتر نشر معارف، بهار ۱۳۸۵.
۱۰. شیروودی، مرتضی، «جنگ، انواع، انگیزه‌ها و جنگ تحمیلی»، شماره ۴۶، ۱۳۸۴.
۱۱. حسینی، سیده صدیقه، *اهداف فرهنگی در جنگ نرم رسانه‌ای (رسانه ملی و الگوها)*، قم: صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۲.
۱۲. خدا بخش نژاد، سلیم، *فرهنگ چیست*، بی‌تا.

۱۳. حکیمی، محمد، *جهانی سازی مهدوی و جهانی سازی غربی*، قم، دلیل ما، ۱۳۸۷.
۱۴. حق پناه، رضا، «عدالت اجتماعی در قرآن»، *اندیشه حوزه*، شماره ۳۰، ۱۳۸۰.
۱۵. پورفاضلی، سید امیر، دشمن شناسی (شناخت و روش های دشمن و راه های مقابله با آن) از دیدگاه حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی، بی جا، بی تا.
۱۶. فدایی، اسماعیل، «جنگ نرم در حوزه ی اقتصاد و راه مقابله با آن»، *نشریه فرهنگی سیاسی بازتاب*، دانشگاه آزاد واحد شهرکرد، ۱۳۹۵.
۱۷. تهران، انقلاب اسلامی (وابسته به مؤسسه ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)، ۱۳۹۱.
۱۸. جزایری، سید مسعود، *جنگ نرم از دیدگاه مقام معظم رهبری*، فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ شماره ۳۷ شماره ۱۶ زمستان ۱۳۹۰، صص ۷-۳۲.
۱۹. جعفرنیا، فاطمه، *جایگاه علم در اسلام و تاثیر آن در شکل گیری تمدن اسلامی*، کنگره ملی تفکر و پژوهش های دینی، ۱۳۹۳.
۲۰. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.
۲۱. مراد، سیف الله، خجسته، محمد، (در صحنه جنگ نرم اقتصادی دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران)، *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، سال شانزدهم، شماره ۶۰، پاییز ۱۳۹۲.
۲۲. راجی، سید محمد حسین، سید محمدرضا خاتمی، انتخابات: تکرار یا تغییر، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۹.
۲۳. عیوضی، محمدرحیم، «مفاهیم، ویژگی ها و اصول: زمانه ۱۳۸۶ شماره ۵۸».
۲۴. نخجوان، احمد، *جنگ، چاپخانه فردین و برادر*، تهران، ۱۳۱۷.
۲۵. مختارپورقهری، علیرضا، *معارف انقلاب*، انتشارات انقلاب اسلامی، زمستان

۱۳۸۹.

۲۶. مخزن موسوی، سید ابوالحسن، «راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی»، مجموعه مقالات نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت، پاییز ۱۳۹۰.

۲۷. مَهری، محمد جواد، گفتگوی افسران جوان با فرمانده پیرامون جنگ نرم (با تکیه بر هشدارهای ۲۰ ساله مقام معظم رهبری)، انتشارات مشرقین

۲۸. ویسی، محمود، «اخلاق، معنویت و ارزش»، همایش ملی جستارهای پژوهشی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب، گرگان، ۱۳۹۸.

29. [bookjihad.blog.ir](http://bookjihad.blog.ir)

30. [Khamenei.ir](http://Khamenei.ir)

31. [www.sid.ir](http://www.sid.ir)

32. [elmnet.ir](http://elmnet.ir)

33. [civilica](http://civilica)

34. [www.islamquest.net](http://www.islamquest.net)

35. [www.fars.news.ir](http://www.fars.news.ir)

36. [basij.msrt.ir](http://basij.msrt.ir)

37. [www.jsfc.ir](http://www.jsfc.ir)

38. [ensani.ir](http://ensani.ir)

39. [farhangi.mcls.gov.ir](http://farhangi.mcls.gov.ir)

40. [wiki.ahlolbait.com](http://wiki.ahlolbait.com)

41. [ir.oerp](http://ir.oerp)

42. [www.intjz.net](http://www.intjz.net)

43. [www.olgou.org](http://www.olgou.org)

44. [pasdareeslam.ir](http://pasdareeslam.ir)

45. [iqna.ir](http://iqna.ir)

46. [www.iribnews.ir](http://www.iribnews.ir)

---

## مبانی قرآنی مقاومت اسلامی در مقابل نظام سلطه با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری ظله

---

زینب درانی<sup>۱</sup>

### چکیده

مقاومت و پایداری از پدیده‌های بسیار مهم و ارزنده در زندگی انسان و سلاحی برنده در صحنه مبارزه و نبرد است و مقاومت اسلامی، پایداری و ایستادگی بر اساس انگیزه‌های اسلامی و دینی است. شناخت مبانی مقاومت، راه رسیدن به اهداف را بسی آسان کرده است و این مبانی قرآنی نقش مهمی در رسیدن به اهداف اسلامی در مقابل نظام سلطه دارد و باعث بروز موفقیت و رسیدن به هدف و غایت اساسی و اصلی انسان خواهد شد، پیروزی به افراد شجاع و دلیر اختصاص دارد که در هر شرایطی تسلیم موانع نمی‌شوند و همیشه با بصیرت و آگاهی راه مستقیم را پیش می‌گیرند. هدف این پژوهش، بررسی مبانی قرآنی مقاومت اسلامی در مقابل نظام سلطه با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری است. قرآن با بینشی دقیق تر به بررسی مفهوم و مبانی مقاومت اسلامی پرداخته است و مبانی مقاومت ورزی را در زمینه‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری بررسی کرده است. نوشته حاضر با روش

---

۱. طلبه سطح سه موسسه آموزش عالی حضرت معصومه س بندر عباس 58567985@gmail.com

توصیفی و تحلیلی با بررسی در منابع دینی به ویژه قرآن و کتب تفسیری و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای صورت گرفت. از جمله آن مبانی ایمان بصیرت، صبر و عزم آهنین و موافق با سنت‌های الهی و توکل به خدا و اعتماد به وعده‌های الهی است.

واژگان کلیدی: استقامت، صبر، بیانیه گام دوم، مقام معظم رهبری

## مقدمه

هر موجود زنده اعم از نبات، حیوان و انسان در طول حیات خود با چالش‌ها و مشکلاتی مواجه است که ضرورت تداوم زندگی ایجاب می‌کند راه حل‌ها و چاره‌هایی برای برون رفت از آن‌ها پیدا کند. در این راستا یک کنش و واکنش طبیعی و غریزی را همه موجودات به کار بسته‌اند و آن راه مقاومت است. مقاومت عبارت است از سازش ناپذیری با ظلم و آمادگی همه جانبه برای حفظ داشته‌های مادی و معنوی و به دست آوردن ارزش‌های مادی و معنوی، چه در وجه فردی و چه در وجه جمعی برای رسیدن به مقصدهای مادی و معنوی تعریف شده و در هویت دینی و فرهنگی و تمدنی یک جامعه با یک امت کبیر، وقتی چنین آمادگی در فرد یا جامعه به وجود آمد، دیگر آن فرد یا جامعه مقاومت یافته به آرامش مطلوب رسیده و هیچ عالم درونی و بیرونی نمی‌تواند آن فرد یا جامعه را به نابودی و از هم پاشی بکشانند. قرآن کریم مقاومت را واجب شرعی و ضروری بشر می‌داند که نبود آن در زمین منجر به فساد خواهد شد و خداوند متعال، یکتاپرستان پایدار بر توحید را بشارت به بهشتی می‌دهد که در روز واپسین استقامت ورزان در مسیر حق از نعمت‌های آن بهره مند خواهند شد.

در جهان اسلام در عصر کنونی به رغم پیشرفت‌های صنعتی-علمی که باید بشر در سایه این پیشرفت‌ها به جهان انسانی مطلوب دست می‌یافت، اما آدمی به سبب دست زدن به ستمگری و فساد و جنگ و کشتار، چنان که در قرآن به آن اشاره شده است روز به روز از ماهیت انسانی و الهی خود دور گشته و به دره نابودی و سیاهی خودش را نزدیک کرده است. در چنین عصری ضرورت پیدا کردن راه برون رفت از این سیاهی‌ها و تباهی‌ها و بازگشت به انسانیت از دغدغه‌های جدی آدمی است. انسان امروزی نه به مقتضیات فطری و عقلی توجهی می‌کند و نه به مقتضیات وحیانی؛ در مقابل این همه تجاوز و ستمگری راهی جز مقاومت حقیقی و توجه به مبانی و اصول آن وجود ندارد و اگر جلو متجاوزان، ایستادگی نشود همه ارزش‌های مادی و معنوی به تباهی کشیده خواهد شد. در این مقاله



الگوه‌های مقاومت در قرآن کریم مبانی اعتقادی، اخلاقی، و رفتاری را با تأکید بر بیانیه گام دوم مورد بررسی قرار داده ایم.

نوشته حاضر با روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای با بررسی متعددی در متون دینی به ویژه قرآن و کتب تفسیری گردآوری اطلاعات صورت گرفته است. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد تحقیقات علمی قابل توجهی در زمینه مبانی مقاومت اسلامی انجام نشده و محققان هر یک ابعاد خاصی را بررسی کرده‌اند. در مقاله عوامل و موانع استقامت و رزوی با رویکرد قرآنی عوامل و موانع استقامت و پایداری را مورد بررسی قرار داده شده است.

## ۱. مفهوم شناسی

مفهوم شناسی مهمترین لغات این نوشتار به شرح ذیل است.

### ۱-۱. مبانی

واژه مبنا در لغت به معنای اساس، شالوده، پایه و بنیاد است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲/۱۲۸۵). لغت شناسان این کلمه را با واژه‌های اصل، قاعده و ضابطه هم معنا دانسته‌اند؛ ولی به تدریج این کلمه بر پیش فرض‌های کلان و اصول موضوعه کلامی و فلسفی علوم و نیز دلایل اثبات یک نظریه اطلاق شده است (سعیدی روشن، ۱۳۸۹: ۱۰).

### ۱-۲. مقاومت اسلامی

واژه مقاومت مصدر باب «مفاعله» از ریشه «ق و م» به معنای قوت و نیرو (طریحی، ۱۳۷۵: ۶/۱۴۸) برخاستن، ایستادگی، استقامت و پایداری، مخالفت کردن، برابری کردن در جنگ (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۱۲/۴۹۹). مفسران و اندیشمندان اسلامی برای مقاومت تعریف‌هایی ارائه کرده‌اند، از جمله: پایداری در دین و حفظ مسیر حق در برابر کژی‌ها (ابن عاشور)، (۲۸۲: ۱۴۲۰) و اینکه انسان همواره بر طریق مستقیم که راه متوسط میان افراط و تفریط است، باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱/۸۴)

در قرآن کریم واژه مقاومت به کار نرفته است. آنچه در قرآن به کار رفته است. مشتقات واژه استقامت است.

مقاومت در اصطلاح به معنای این است که انسان یک راهی را انتخاب کند آن راه را راه حق می داند، راه درست می داند، و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند (بیانات رهبری در مراسم سی امین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۸/۳/۱۴، [https://farsi.khamenei.ir/speech-\(content?id=42758](https://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=42758)

اسلام از ریشه « س ل م » به معنای مصون بودن از آفات ظاهری و باطنی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۴۲۱). این مصون بودن گاهی باطنی است مانند عبارت قرآنی "قلب سلیم" که در آیه ۸۹ سوره شعراء آمده و گاهی ظاهری است مانند آیه ۶۹ سوره انبیاء که می فرماید: گفتیم ای آتش بر ابراهیم سرد شو. اسلام در اصطلاح پذیرش دینی الهی است که موجب مصون ماندن از آفات درونی و بیرونی است که با تسلیم شدن در برابر امری قاطع و با صلابت که موجب علو درجات انسان می شود به دست می آید (ملکیان اصفهانی، ۱۳۴۴: ۲۷/۲۵۵) مقاومت اسلامی به معنای مقاومت برآمده از آموزه های اسلامی است. مقاومت اسلامی می تواند قلمرو عام داشته باشد و هر گونه ایستادگی در برابر موانع بیرونی و درونی، از جمله مبارزه با شیطان و هوای نفس را دربر میگیرد ولی در ادبیات معاصر به معنای ایستادگی در برابر موانع و دشمنان بیرونی اسلام است، دشمنی که با جنگ نرم مانع از تحقق اهداف متعالی اسلام است. (علی خراسانی، ۱۳۹۹: ۱۷)

### ۱-۳. نظام سلطه

نظام در لغت به معنای قدرت و قوت، غلبه و اقتدار است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۱/۱۱۷۹). نظام سلطه در اصطلاح یعنی اینکه چند قدرت دست یافته به توانایی مادی و سلاح و پول و امثال این ها بخواهند بر دنیا حکومت کنند، مظهر نظام سلطه هم امروز آمریکا هست (بیانات رهبری در دیدار مردم آذربایجان:

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25363>، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸).

بنابراین، نظام سلطه به سیستم و مجموعه‌ای از دولت‌ها اطلاق می‌شود که با شیوه سلطه‌جویی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی بر دیگر کشورها، حقوق و منافع آن‌ها را نادیده گرفته و منافع خود را ترجیح می‌دهند. (جعفری، ۱۳۹۶: ۱۴۳).

## ۲. الگوهای مقاومت در قرآن

الگوهای مقاومت در قرآن به شرح ذیل هستند.

### ۲-۱. نوح

اولین الگو برای مقاومت اسلامی حضرت نوح علیه السلام است که ایشان از جمله پیامبرانی بودند که مدت طولانی به تبلیغ دین یکتاپرستی پرداختند. حضرت نوح با استقامت فوق العاده که زاییده‌ی ایمان است با جدیت فراوان به کار خود ادامه می‌داد، و بی‌اعتنا به گفته‌های بی‌اساس این کوردلان از خود راضی به سرعت پیش روی می‌کرد، ک روز به روز اسکلت کشتی آماده‌تر و مهیا‌تر می‌شد، فقط گاهی سربلند می‌کرد و این جمله کوتاه و پر معنا را به آن‌ها می‌گفت: اگر امروز ما را مسخره می‌کنید ما نیز شما را همین گونه در آینده نزدیک مسخره خواهیم کرد... (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۲/۳۴۲)

حضرت نوح سال‌های زیادی میان قوم سرکش خود مقاومت کرد و آن‌ها را به توحید فراخواند ولی جز گروه‌اندکی ایمان نیاوردند و اکثریت آنان او را آزرده‌اند و تکذیب کردند پس از اینکه نوح از قوم خود ناامید شد و دست به دعا برداشت و از خدا یاری خواست، پس عذاب الهی به صورت سیلابی بزرگ فرود آمد و کافران لجوج را به هلاکت رساند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۴۱: ۴۷/۱۴)

### ۲-۲. یعقوب

حضرت یعقوب که جد والای بنی اسرائیل است، آن زمان که در تنگنای شدیدی قرار

گرفته بود، از یک سو فرزند عزیزش یوسف علیه السلام را از دست داده، و از سوی دیگر قحطی شدید کنعان همه مردم از جمله خاندان او را تحت فشار قرار داده است، و به حکم اجباری فرزند دلبند دیگرش بنیامین را به دست برادران بد سابقه و نامهربان! سپرده، تا برای به دست آوردن آذوقه بار دیگر به سرزمین مصر بروند و از عزیز مصر کمک بطلبند. حضرت یعقوب علیه السلام با صبر و توکل بر خداوند توانست در برابر این سختی ها و فشارها مقاوم باشد و استقامت کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۲/۲۶۳)

### ۳-۲. سپاه طالوت

در قان کریم آمده است: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَبِّتْ أقدامنا وَ أَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۵۰)؛ و چون طالوت و اهل ایمان برای جنگ با جالوت و سپاهیانش ظاهر شدند، گفتند: پروردگارا بر ما صبر و شکیبایی فرو ریز، و گام هایمان را استوار ساز، و ما را بر گروه کافران پیروز گردان.

آیه مورد بحث از لحظاتی سخن می گوید که دو لشکر در مقابل هم قرار گرفتند لشکر نیرومند جالوت و لشکر ضعیف طالوت، درست است که نفرات طالوت در برابر لشکر جالوت اندک بودند و ساز و برگ جنگی قابل ملاحظه ای نیز در اختیار نداشتند، ولی چیزی که این عدم توازن را به نفع مظلومان بنی اسرائیل برام زد و سرانجام در برابر دشمن پیروز شدند، همان ایمان و توکل آن ها بر خدا و تکیه بر صبر و استقامت و تقاضای نصرت از پیشگاه حق بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۲/۲۶۶) به همین دلیل در آیه بعد می فرماید: فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ ... (بقره/۲۵۱)؛ آن ها به فرمان خدا سپاه جالوت را در هم شکستند و به هزیمت واداشتند ...

این آیه بیانگر نتیجه صبر و بردباری گروه اندک طالوت در برابر گروه کثیر جالوت است، که بالاخره در اثر استقامت و اعتماد به خدا و ایمان به وعده های الهی مبنی بر فتح آنان، با کمال شهامت می جنگیدند، و همین اعتقاد سبب شد که در مدت کوتاهی لشکریان جالوت متفرق شده و عقب نشینی کنند. (موسسه فرهنگی هنری جام ظهور، ۱۳۹۵: ۱۱۵) و

داوود به تنهایی جالوت آن پادشاه خونخوار و ستمگر را به هلاکت برساند و پروردگار به مناسبت این شایستگی و لیاقت، داوود را سلطنت و پادشاهی موهبت فرمود و او را به تدبیر امور یهود واقف و آگاه ساخت (مشکینی اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱/۲۷۳)

#### ۴-۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

زندگی پیامبران بزرگ مخصوصاً پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بیانگر مقاومت بی حد و حصر آنها در برابر حوادث سخت، طوفان‌های شدید و طاقت فرسا است، و با توجه به این که مسیر حق همیشه دارای این گونه مشکلات است رهروان راه حق باید از آن‌ها در مسیر الهام بگیرند. مسلمانان معمولاً از نقطه روشن تاریخ اسلام به روزهای تاریک پیشین می‌نگرند و این نگرش که از آینده به گذشته است واقعیت‌ها را طور دیگری مجسم می‌کند که باید خود را در آن روز تصور کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تک و تنها بود. هیچ نشانه‌ای از پیروزی در افق زندگی او به چشم نمی‌خورد دشمنان لجوج برای نابودی او کمر بسته بودند، و حتی خویشاوندان نزدیکش در صف اول این مبارزه قرار داشتند، پیوسته به میان قبایل عرب می‌رفتند و از آن‌ها دعوت می‌کردند، اما کسی به دعوت او پاسخ نمی‌گفت. سنگسارش می‌کردند آن چنان که از بدن مبارکش خون می‌ریخت، ولی دست از برنامه خود بر نمی‌داشت آن چنان او را در محاصره اجتماعی و اقتصادی و سیاسی قرار دادند، که تمام راه‌ها به روی او و پیروان اندکش بسته، بعضی از گرسنگی تلف شدند و بعضی را بیماری از پای در آورد. گاهی ساحرس خواندن، و گاهی دیوانه خطاب کردند. گاه خاکستر بر سرش ریختند و گاه کمر به قتل او بستند و خانه‌اش را محاصره کردند. اما با تمام این احوال هم چنان به صبر و شکیبایی و استقامت ادامه داد. (علی پور، ۱۳۹۳: ۶۵)

#### ۳. مبانی مقاومت در قرآن کریم

مبانی مقاومت در قرآن کریم به سه قسم اعتقادی، اخلاقی و رفتاری آمده است.

## ۳-۱. مبانی اعتقادی مقاومت

مبانی اعتقادی مقاومت به شرح ذیل است.

## ۳-۱-۱. ایمان به خدا

ایمان به خدا سرآمد باورهای دینی، ریشه همه معنویات، معیار و مبنای ارزش‌های انسانی و حلقه ارتباط با خداست. (زمانی محبوب، ۵) ایمان، به انسان روح ایثار و فداکاری، شجاعت و استقامت می‌بخشد، کسی از مرگ می‌ترسد که معتقد باشد چیزی جز زندگی این دنیا در کار نیست اما کسی که معتقد است زندگی حقیقی تنها در سرای دیگر است از مرگ نمی‌ترسد. این که می‌بینیم در جنگ صدر اسلام و جنگ‌های تحمیلی اخیر رزمندگان دلیر سپاه اسلام ایستادگی بی‌نظیر و شجاعت اعجاب‌انگیزی از خود نشان می‌دادند، و علی‌رغم برتری دشمن از نظر تجهیزات و تعداد نفرات بر آنها غالب می‌شدند همین است که ایمان به خدا از آنها انسانی دیگری می‌ساخت، انسانی که هرگز از مرگ نمی‌ترسد، و شهادت در راه خدا را افتخار خود می‌دید. (موسسه فرهنگی هنری جام طهور، ۱۳۹۵: ۶۲۴)

از این رو مقاومتی ماندگار و ثمربخش است که بر مبنایی ماندگار و جاوید ایمان به خدا بنا شده باشد، و مقاومتی که بر این مبنای ماندگار بنا شده باشد و با اعتقاد به انا لله و انا الیه راجعون صورت بگیرد، ماندگار و ثمربخش خواهد بود. در همین راستا قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (احقاف: ۱۳)؛ کسانی که گفتند پروردگار ما الله است نه ترسی بر آنهاست و نه غمی، آنها اصحاب بهشت اند و جاودانه در آن می‌مانند، این پاداش اعمالی است که انجام می‌داده‌اند.

اینکه نخست سخن از ایمان می‌گوید (قالوربنا الله) و بعد استقامت بر جاده صحیح را با (ثم) می‌آورد اشاره به این است که چنین عملی نتیجه ایمان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۱۷۵/۶). از این رو مقام معظم رهبری با توجه به آیه ۲۴ سوره ابراهیم پیاپی به این مبنا توجه داده و تصریح کرده است که مقاومت باید بر مبنای ایمان به خدا صورت پذیرد؛ از

جمله فرموده است: «مقاومت هم جز در سایه ایمان بالله... ممکن نیست ملت ایران [در سایه ایمان به خدا] مثل کوه ایستاد توانست خود را مستحکم و پایدار کند. امروز این شجره طیبه... روز به روز قوی تر [شده است]. ... و این نسخه حرکت مسلمین و پیشرفت مسلمین در دنیای اسلام است (بیانات رهبر در دیدار با ایثارگران و خانواده شهدا، ۱۳۷۶/۵/۲۹) درواقع درخت مقاومت باید در زمین توحید ریشه بدواند تا شاخه‌هایش پرورش یابد و ثمربخش شود.

### ۲-۱-۳. اعتقاد به امدادهای غیبی و نصرت الهی

رمزو راز اعتماد به وعده الهی این است که تحقق وعده الهی يك سنت تخلف ناپذیر الهی است، طبق این سنت، خداوند امکانات رشد و تعالی را برای همه انسان‌ها از هر نژاد و گروه فراهم می‌آورد (اسرا/ ۲۰)

اگر انسان‌ها راه صحیح بپیمایند و شرایط را برای دریافت فیض و امداد بیشتر مهیا کنند، خداوند، آنان را در راه رسیدن به اهدافشان با کمک‌های تازه خود یاری خواهد کرد (ابراهیم: ۷)

تحقق وعده‌های الهی همواره امید بخش است و مبنایی می‌شود برای استقامت بیشتر و ایستادگی مستمر در برابر دشمنان، انسان مومن با تحقق وعده‌های الهی از چنان روحیه‌ای برخوردار می‌شود که هیچ‌گاه باید و نومی‌دی را به خود راه نمی‌دهد. خداوند در قرآن سرنوشت شون کسانی را که در مقابل سلطه کفار تسلیم می‌شوند، به روشنی بیان می‌کند و بلافاصله وعده می‌دهد که نگهدارنده و یاری بخش کسانی خواهد بود که ایستادگی کنند و علیه دشمنان به پا خیزند (آل عمران: ۱۴۹-۱۵۰) به فرموده الهی اگر خدا شما را یاری دهد، محال است کسی بر شما غالب آید، این از سنت‌های الهی است (آل عمران: ۱۶۰).

### ۳-۱-۳. اعتقاد به امتحان الهی

یکی از عقاید مسلمانان وجود حتمی آزمایشات الهی در دنیا برای همه است

«...و نبلوكم بالشر و الخیر فتنه...» (انبیاء: ۳۵)؛ و ما شما را برای امتحان دچار خیر و شر می‌کنیم. خداوند در جای دیگر می‌فرماید: هیچ مصیبتی نمی‌رسد مگر به اذن خدا و کسی که به خدا ایمان آورد خدا دلش را هدایت می‌کند (تغابن: ۱۱). آگاهی و عقیده به این که ما مورد امتحان قرار می‌گیریم و این امتحان از جانب خداوند است، می‌تواند عامل ایجاد مقاومت در انسان برای روبرو شدن با آزمون‌های الهی شود (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۶/۱۰۲) بدون شک همه حوادث این عالم به اذن خداست، چرا که به مقتضای توحید افعالی در تمام عالم هستی چیزی بدون اراده حق تحقق نمی‌یابد. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۴/۱۹۷)

#### ۴-۱-۳. آخرت گرایی

اعتقاد به معاد بینش انسان را از تنگنای دنیا به جهان باقی پیوند می‌دهد و همت او را بلند می‌سازد تا بتواند به آنچه در آن وعده رستگاری داد دست یابد و در مقابل مشکلات و موانع و محروم شدن از لذت‌های دنیوی مقاومت کند (زاهدی تیروهمکاران، ۲۲۱)

#### ۲-۳. مبانی اخلاقی مقاومت

مبانی اخلاقی مقاومت به شرح ذیل است.

##### ۱-۲-۳. صبر

صبر قوی‌ترین یاور در مشکلات و محکم‌ترین رکن در برابر تغییر عزم و اراده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹/۹۶) در سوره‌ی آل عمران تأکید بیشتری بر این مطلب می‌بینیم: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰)؛ ای اهل ایمان! [در برابر حوادث] شکیبایی کنید، و دیگران را هم به شکیبایی وادارید، و با یکدیگر چه در حال آسایش چه در بلا و گرفتاری پیوند و ارتباط برقرار کنید و از خدا پروا نمایید تا رستگار شوید.

«اصبروا» دعوت به استقامت و صبر و ایستادگی در برابر حوادث است، که در حقیقت



ریشه-ی اصلی هرگونه پیروزی مادی و معنوی را تشکیل می-دهد و این همان چیزی است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در کلمات قصارش آن را چنین توصیف فرموده است: «وَ عَلَیْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرُّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا خَيْرَ فِی جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَ لَا [خَيْرٍ] فِی إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ - و بر شما باد به شکیبایی، چه اینکه شکیبایی نسبت به ایمان به منزله سر نسبت به بدن است، در بدنی که سر نیست، و در ایمانی که شکیبایی نباشد خیری نیست.» (نهج البلاغه، حکمت ۷۹). «صابروا» توصیه به صبر و استقامت در برابر صبر و استقامت دیگران است، بنا بر این قرآن نخست به افراد با ایمان دستور استقامت می-دهد (که هرگونه جهاد با نفس و مشکلات زندگی را شامل می-شود) و در مرحله-ی دوم دستور به استقامت در برابر دشمن می-دهد. همچنین از این دستور (صابروا) استفاده می-شود که هر قدر دشمن بر استقامت خود بیفزاید ما نیز باید بر پایداری و استقامت خود بیفزائیم (مسعودی: ۲۲).

رابطه صبر استقامت آن قدر قوی است که برخی، صبر و استقامت را مترادف می-دانند در حالی که بین این دو تفاوت وجود دارد. در بررسی کاربردهای استقامت و صبر در قرآن تفاوت این دو در این است که استقامت به معنای پافشاری و پایداری در اصل دین و ارزش‌های دینی و عدم انحراف از راه حق و بی-راهه‌های کفر و شرک و نفاق است که بیشتر بُعد فکری و عقیدتی در آن لحاظ شده است و صبر به معنای شکیبایی در برابر سختی‌های اطاعت و دشواری‌های مصائب و عدم تمکین در برابر طغیان شهوات است که بیشتر در مقام عمل متصور است. (خمینی، ۱۳۸۴: ۲۶۰). هرچه باشد صبر استقامت ملازم یکدیگر هستند انسان بدون صبر هم در جهات مثبت به جایی نمی-رسد و هم در برابر عوامل منفی قادر به ایستادگی نیست. به همین دلیل کلید اصلی و منشا استقامت و پیروزی صبر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۲۸۸/۲)

## ۲-۲-۳. عزم و اراده قوی

عزم و اراده قوی منشا پیدایش هر گونه حرکتی است، به طوری که تا اراده انسان به

چیزی تعلق نگیرد و سوی آن حرکت نکند چیزی تحقق پیدا نمی‌کند، از این رو عزم و اراده منشا و مبنای مقاومت اسلامی هست چنانچه همسر فرعون با اراده قوی توانست در محیط فاسد بر مشکلات و سختی‌ها فائق آید و رستگار شود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۴: ۸۲/۳) افراد سست اراده و کم حوصله بسیار زود از میدان حوادث می‌گریزند یا در برابر هم مشکلات زانو می‌زنند نه دنیا را بدون صبر و استقامت به انسان می‌دهند خونه آخرت را، به همین دلیل، اقوام و کشورهایی در جهان پیشرفت می‌کنند که اراده قوی تری بر استقامت در برابر ناملایمات داشته باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۵۱۶/۲)

### ۳-۲-۳. توکل

توکل از دیدگاه مفسران، تفویض امور به خداوند و تمسک به طاعت او و رضایت دادن به تدبیر او (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۸۷/۵) که مایه پایداری در برابر سختی‌هاست. داشتن عقیده‌ای راسخ در رسیدن به هدف و ایمان همراه با واگذاری امور به پروردگار و اعتماد به او از مبانی موثر در دست یابی به مقام استقامت از جمله جنگ با کافران است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۹: ۳/۲۰۵) یا سپردن امور به او همراه انقطاع از اسباب و علل ظاهری و اعتماد به او بعنوان سبب حقیقی و مرجع همه اسباب است (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۲۵/۱۸) انسان با توکل به ذات مقدس خداوند کم‌ترین واهمه‌ای از توطئه‌های دشمنان ندارد، هر چند قوی و نیرومند و سرسخت و لجوج باشد. این خود نشان می‌دهد که توکل بر خدا تا چه اندازه به انسان شجاعت و شهامت و پایداری و استقامت می‌بخشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۲/۲۶۰).

انسان هر چقدر تنها باشد اگر توکل بر خدا داشته باشد. مشکلی ندارد چرا که خداوند رب عرش عظیم و دارای قدرت بی‌نظیر است، قدرتی که قدرت‌های ناچیز بندگان در مقابل آن اثری ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۲/۲۶۶) البته توکل و اعتماد به خدا نباید به گونه‌ای معنا شود که با این سنت الهی منافات داشته باشد، بر این اساس از یک سو به کارگیری اسباب و وسایط برای رسیدن به نتیجه، خود نوعی از ایمان به خداوند است زیرا او بندگان

را به این مسیر هدایت فرموده است و از سوی دیگر نباید این اسباب را منشا اثر دانسته، نتیجه را به آنها مستند بدانیم بلکه مومن، خداوند را موثر واقعی می داند؛ ولی هیچ گاه از تلاش برای رسیدن به نتیجه دست ب نمی دارد (آقامیری، ۸).

### ۴-۲-۳. عدالت

عدالت از آن جهت از مبانی مقاومت محسوب می شود که برخی عدالت اجتماعی را در زندگی تجلی خدا و توحید اجتماعی می انند (مطهری، ۱۳۹۲: ۱۷۴/۲) زیرا با عدالت اجتماعی توحید الهی در جامعه مستقر شده و جامعه از روآوری به انواع افکار انحرافی بازداشته می شود و همین است که پیامبر ماموریت و رسالت خود را اقامه عدالت می داند و امرت لاعدل بینکم (شورا: ۱۵) بنابراین عدالت بعنوان وظیفه اجتماعی نیازمند نفس حکومت های غیر عادلانه و حذف فاصله طبقاتی و منافع محرومان از طریق مقاومت در مقابل زورگویی زورگویان حاصل می شود (یوسفی راد، ۱۳۹۹: ۱۷).

### ۳-۳. مبانی رفتاری مقاومت

مبانی رفتاری مقاومت به شرح ذیل است.

#### ۱-۳-۳. شب زنده داری

شب زنده داری، از عوامل مؤثر در ایجاد روحیه و پایداری در برابر مشکلات است چراکه شب زنده داری توانایی و ظرفیت بشری را برای دست یابی به استقامت و پایداری افزایش می دهد و شخص را توانا می کند تا در برابر مشکلات و سختی ها مقاومت داشته باشد (ملکیان اصفهانی، ۱۳۴۴: ۴/۴۶۱۱). قرآن کریم در سوره مزمل به رسولش خطاب می کند: یا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ (مزمل: ۱)؛ ای جامه به خود پیچیده. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می گوید: «برای دفع غم و اندوه خود جامه ای به خود پیچیده تا لحظه ای استراحت کند، در این هنگام خطاب شده که ای جامه به خود پیچیده بر خیز، نماز شب بخوان و در برابر آنچه به

تو می گویند صبر کن، همانطور که به عموم مسلمانان سفارش کرده برای مقاوم شدن در برابر ناملایمات از صبر و نماز کمک بخواهند، (استعینوا بالصبر و الصلوه) با این دستور به آن جناب فهمانده که باید خود را در مقابل اندوه‌های بزرگتر و مصائب تلخ به وسیله نماز و صبر مقاوم سازد، نه به وسیله پیچیدن جامه و خوابیدن. (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۲۰ / ۹۴)

یکی از اندیشمندان اسلامی در این رابطه می گوید: کمک گرفتن از خدا به وسیله صبر و نماز برای این است که در حقیقت یاوری به جز خدای سبحان نیست و در کارها، باید ارتباط خود را با خدا حفظ نمود و این، بهترین وسیله برای مقاومت و پیروزی است، نماز که توجه و پناه بردن به خدا است، روح ایمان و مقاومت را زنده می سازد، و به آدمی می فهماند که جایی تکیه دارد که انهدام پذیر نیست. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱ / ۴۵۳). حضرت امام علیه السلام در باب دستاورد شب زنده داری می گوید: «چیرگی روح بر قوای بدن و تقویت اراده که کم کم زحمت آن کم می شود و اطاعت بدن از نفس زیاد می شود، چنانچه می بینیم اهل آن بدون زحمت انجام می دهند» (خمینی، ۱۳۸۴: ۱۲۶)

### نتیجه‌گیری

مقاومت و پایداری اسلامی، بر مبانی استوار است. بدون توجه به این مبانی و تقویت و تقویت آن‌ها در جامعه اسلامی، پیروزی و موفقیت در برابر دشمنان به دست نخواهد آمد؛ مقاومتی که مبتنی بر ایمان، عمل به دستورات الهی برخاسته از بصیرت، صبر و عزم آهنین و موافق با سنت‌های الهی و با توکل به خدا و اعتماد به وعده‌های الهی باشد، منجر به پیروزی خواهد شد؛ هر چند دشمنان قوی باشند زیرا قدرت و ارده آن‌ها در برابر قدرت و اراده الهی چیزی نیست و خدا هلاکت ستمگران و مستکبران و نصرت مؤمنان را در صورتی که مقاومت آن‌ها متکی به ایمان و اخلاص باشد، وعده داده است. و در نهایت این اراده الهی است که به همه اراده‌ها پیشی می گیرد و فائق می شود.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ۱. ابن عاشورا، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت، موسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰.
- ۲. ابن منظور، محمد، لسان العرب، جلد ۱۲، بیروت، دارالاحیاء العربی، ۱۴۱۶.
- ۳. آقا میری، کریم، «نقش توحید در استقامت بر هدف در پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و یاران همراه در قرآن»، نشریه همایش ملی مقاومت اسلامی از نگاه قرآن، شماره ۱
- ۴. بیانات مقام معظم رهبری.
- ۵. جعفری، سیداصغر، «راهبردهای امت اسلامی برای مقابله با نظام سلطه از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۵۰، ۱۳۹۶.
- ۶. خراسانی، علی، «نقش توحید باوری در مقاومت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم»، مطالعات علوم قرآنی، شماره ۱، ۱۳۹۹.
- ۷. خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، چاپ سی و سوم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴.
- ۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد ۱۲-۲۷، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۳.
- ۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۶.
- ۱۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی، پرسش های قرآنی، جلد ۳، چاپ دوم، قم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۴.
- ۱۱. \_\_\_\_\_، تفسیر قرآن مهر، جلد ۱۴، قم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۴۱.
- ۱۲. زاهدی تیر، اصغر، محمد هادی، امیر ناجی، «بررسی مفهوم مقاومت با رویکرد اجتماعی در آیات قرآن»، فصلنامه مطالعات تفسیری، شماره ۱۰.
- ۱۳. زمانی محبوب، حبیب، «عوامل موفقیت امت های استقامت کننده»، پرتال جامع

علوم و معارف قرآن، بی تا.

۱۴. سعیدی روشن، محمدباقر، آسیب شناسی جریان های تفسیری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.

۱۵. طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان (مکارم شیرازی، ناصر)، جلد ۱۶-۹، قم، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ۱۳۶۷.

۱۶. \_\_\_\_\_، المیزان فی تفسیرالقران، جلد ۱۱، چاپ دوم، بیروت، موسسه العلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰.

۱۷. طریحی، فخر الدین، مجمع البیان، جلد ۵، تهران، انتشارات مرتضی، ۱۳۷۵.

۱۸. علی پور، لیلا، آثار فردی واجتماعی صبر و استقامت در آیات و روایات، مدرسه علمیه الزهراء علیها السلام خرم بید، ۱۳۹۳.

۱۹. مسعودی، عبدالهادی، روابط اجتماعی از نگاه قرآن، قم، نشر دارالحدیث

۲۰. مشکینی اردبیلی، علی، تفسیر روان، جلد ۱، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۲.

۲۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، جلد ۲، تهران، نشر صدرا، ۱۳۹۲.

۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، جلد ۲، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۷.

۲۳. \_\_\_\_\_، پیام قرآن، جلد ۶-۲۴، چاپ هفتم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.

۲۴. \_\_\_\_\_، تفسیر نمونه، جلد ۲-۲۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳.

۲۵. ملکیان اصفهانی، رسول، علم مفاهیم شناسی در قرآن، جلد ۲۷-۴، اصفهان،

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۴۴.

۲۶. موسسه فرهنگی هنری جام طهور، دایره المعارف طهور، نشر دیجیتال مرکز

تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۵.

۲۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، جلد ۳، تهران، پژوهشکده فرهنگ و

معارف قرآن، 1389.

۲۸. یوسفی راد، مرتضی، «دولت اسلامی و ضرورت مقاومت با تأکید بر آموزه های

قرآنی»، مطالعات علوم قرآنی، شماره چهارم، بی تا.

---

## اصول قرآنی حاکم بر روابط خارجی در فرمایشات مقام معظم رهبری با تکیه بر بیانیه گام دوم

---

علی سلحشور<sup>۱</sup> (نویسندهٔ مسئول) - مهوش پوررحمانی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از بارزترین نتایج انقلاب، تحول در عرصه سیاسی و روابط خارجی است. سیاست خارجی به معنای روش دولت‌ها در برخورد با مسائل خارجی برای تأمین منافع و حفظ موجودیت کشور است. مقام معظم رهبری به عنوان سران انقلاب - از سال ۶۸ تاکنون - به بیان باید‌ها و نبایدهای روابط خارجی و سیاست کلی نظام در این خصوص پرداخته‌اند و تصویر جامعی از یک نظام سیاسی مستقل ارائه داده‌اند. در بیانیهٔ گام دوم نیز خطوط کلی حرکت و اهداف و مقاصد را ترسیم نموده‌اند. پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ این سؤال است که مبانی قرآنی بیانات مقام معظم رهبری در خصوص روابط خارجی کدام‌اند؟ روش پژوهش، طبقه‌بندی بیانات مقام معظم رهبری، تطبیق و تحلیل محتوایی آیات قرآن کریم به روش کتابخانه‌ای است. در این نوشتار اصول روابط خارجی مانند مقابله با استعمار و

---

۱- استادیار دانشگاه کردستان - a.salahshoor@uok.ac.ir

۲- طلبه سطح ۳ رشته تفسیر و علوم قرآنی مؤسسه آموزش عالی الزهراء قروه  
poorrahmani86@gmail.com

استبداد، حمایت از مظلومان، هوشیاری در برابر نقشه‌های دشمنان و مقابله با آنان و حفظ استقلال در بیانات مقام معظم رهبری بررسی شده و مبانی قرآنی آن مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بیانات مقام معظم رهبری در تبیین چگونگی روابط خارجی منطبق و برآمده از آیات قرآن کریم است.

**کلیدواژگان:** قرآن کریم، بیانیه گام دوم، انقلاب، دشمن، سیاست خارجی، استقلال



## مقدمه

مقام معظم رهبری به عنوان ارائه‌دهنده نظریه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی اسلام ناب محمدی و هم در مقام تعیین سیاست‌های کلی نظام اسلامی و به عنوان احیاگر عملی قرآن و سنت نبوی، جایگاه خاصی در جهان معاصر دارد؛ چراکه اندیشه سیاسی و منش اخلاقی و اجتماعی معظم له و دیدگاه‌های اجتماعی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی ایشان در همه ابعاد نقشه راه مسلمانان بوده است. به همین دلیل شناخت دیدگاه‌های ایشان می‌تواند در روشن نمودن راه مستقیم یاری‌رسان باشد؛ ایشان به عنوان سکان‌دار انقلاب - از سال ۶۸ تاکنون - به بیان روابط خارجی و سیاست کلی نظام به صورت سلبی و ایجابی پرداخته‌اند و تصویر جامعی از یک نظام سیاسی انقلابی ارائه داده‌اند. بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری جوامع برای دستیابی به منافع خود در سطح بین‌الملل باید علاوه بر پایبندی به ارزش‌های اسلامی از استقلال خود دفاع کنند و خواستار عزتمندی جامعه باشند و در مرادوات خود بر اساس حکمت و مصلحت عمل کنند. همچنین در تعاملات خود با دولت‌های دیگر اصل را بر برابری و برادری قرار دهد و از محرومان دفاع کنند و در مقابل مستکبران و حکام مستبد ایستادگی کنند.

مقام معظم رهبری علاوه بر سال‌های طولانی زعامت امت اسلامی، در بیانیه گام دوم انقلاب که به عنوان یک سند ارزشمند و نقشه راه در اختیار مردم و مسوولان کشور قرار گرفته است نیز به اصول سیاست خارجی، حدود و چگونگی روابط بین‌الملل اشاراتی نموده‌اند.

پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ این سؤال است که مبانی قرآنی بیانات مقام معظم رهبری در خصوص اصول روابط خارجی کدام‌اند؟ روش پژوهش، طبقه‌بندی بیانات مقام معظم رهبری، تطبیق و تحلیل محتوایی آیات قرآن کریم با کمک منابع کتابخانه‌ای است.

درباره پیشینه تحقیق. مطابق بررسی نگارندگان. صرفاً کتاب‌هایی در خصوص سیاست خارجی از دیدگاه مقام معظم رهبری نوشته شده است مانند کتاب سیاست خارجی اثر امیر سیاه‌پوش که به مبانی، اهداف، اصول و الزامات سیاست خارجی در پنج

بخش پرداخته است و کتاب راهبردهای سیاست خارجی حاوی نکات مهم و برگزیده از بیانات مقام معظم رهبری در موضوع راهبردهای سیاست خارجی در جمع سفرا و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور در طول سال‌های مسئولیت ریاست جمهوری و همچنین دوران رهبری انقلاب اسلامی می‌باشد که توسط انتشارات اسلامی تدوین گردیده است.

مقام معظم رهبری به‌عنوان ارائه‌دهنده نظریه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی اسلام ناب محمدی و هم در مقام تعیین سیاست‌های کلی نظام اسلامی و به‌عنوان احیاگر عملی قرآن و سنت نبوی، جایگاه خاصی در جهان معاصر دارد؛ چراکه اندیشه سیاسی و منش اخلاقی و اجتماعی معظم له و دیدگاه‌های اجتماعی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی ایشان در همه ابعاد نقشه راه مسلمانان بوده است. به همین دلیل شناخت دیدگاه‌های ایشان می‌تواند در روشن نمودن راه مستقیم یاری‌رسان باشد؛ ایشان به‌عنوان سکان‌دار انقلاب -از سال ۶۸ تاکنون- به بیان روابط خارجی و سیاست کلی نظام به صورت سلبی و ایجابی پرداخته‌اند و تصویر جامعی از یک نظام سیاسی انقلابی ارائه داده‌اند. براساس رهنمودهای مقام معظم رهبری جوامع برای دستیابی به منافع خود در سطح بین‌الملل باید علاوه بر پایبندی به ارزش‌های اسلامی از استقلال خود دفاع کنند و خواستار عزتمندی جامعه باشند و در مراودات خود بر اساس حکمت و مصلحت عمل کنند. همچنین در تعاملات خود با دولت‌های دیگر اصل را بر برابری و برادری قرار دهد و از محرومان دفاع کنند و در مقابل مستکبران و حکام مستبد ایستادگی کنند.

مقام معظم رهبری علاوه بر سال‌های طولانی زعامت امت اسلامی، در بیانیه گام دوم انقلاب که به‌عنوان یک سند ارزشمند و نقشه راه در اختیار مردم و مسولان کشور قرار گرفته است نیز به اصول سیاست خارجی، حدود و چگونگی روابط بین‌الملل اشاراتی نموده‌اند.

پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ این سؤال است که مبانی قرآنی بیانات مقام معظم رهبری در خصوص اصول روابط خارجی کدام‌اند؟ روش پژوهش، طبقه‌بندی بیانات مقام

معظم رهبری، تطبیق و تحلیل محتوایی آیات قرآن کریم با کمک منابع کتابخانه‌ای است. درباره پیشینه تحقیق. مطابق بررسی نگارندگان. صرفاً کتاب‌هایی در خصوص سیاست خارجی از دیدگاه مقام معظم رهبری نوشته شده است مانند کتاب سیاست خارجی اثر امیر سیاه‌پوش که به مبانی، اهداف، اصول و الزامات سیاست خارجی در پنج بخش پرداخته است و کتاب راهبردهای سیاست خارجی حاوی نکات مهم و برگزیده از بیانات مقام معظم رهبری در موضوع راهبردهای سیاست خارجی در جمع سفر و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور در طول سال‌های مسئولیت ریاست جمهوری و همچنین دوران رهبری انقلاب اسلامی می‌باشد که توسط انتشارات اسلامی تدوین گردیده است.

در همه‌ی این پژوهش‌ها فقط به جمع‌آوری بیانات مقام معظم رهبری اکتفا گردیده است لذا امتیاز و تفاوت این پژوهش نسبت به کارهای دیگری که در این زمینه انجام گرفته است این است که صرف‌نظر از جمع‌آوری بیانات مقام معظم رهبری در خصوص سیاست خارجی، به ذکر و تحلیل مبانی قرآنی بیانات ایشان پرداخته است تا از این رهگذر ثابت نماید که مواضع و بیانات ایشان تبلور تعالیم قرآن کریم و برگرفته از آیات الهی است.

## مفهوم شناسی

### ۱- انقلاب

از نظر لغوی، انقلاب که معادل کلمه لاتین «Revolution» است، واژه‌ای عربی و مصدر باب انفعال است که از ریشه «قلب» گرفته شده است و به معنای زیر و رو و دگرگون کردن است (معلوف، ۱۳۸۵: ۱۶۳۷). راغب اصفهانی آن را در معنای دگرگون کردن و گردانیدن چیزی از حالی به حال دیگر دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۲/۵۳۱)

در اصطلاح واژه انقلاب در مطالعات گوناگون، از معنای اصطلاحی خاصی برخوردار است. از نظر فلسفی در معنای تبدیل صورتی به صورت دیگر یا همان کون و فساد است و از

نظر جامعه‌شناسی تغییری ریشه‌ای و عمیق در جامعه و ساخت‌های اجتماعی است که دارای سه ویژگی ارادی بودن، حرکت در مسیر تقدس و تعالی و نهایتاً دخالت داشتن عنصر نفی و انکار است. (محمدی، ۱۳۹۶: ۱۰). از نگاه سیاسی و تاریخی نیز به معنای تغییر نهاد سیاسی، نظام و سبب‌های حاکمیت است. مقام معظم رهبری در تعریف انقلاب می‌فرماید: «انقلاب یک تفسیر اسلامی و الهی است. ما انقلاب را یک تحوّل اخلاقی، فرهنگی و اعتقادی می‌دانیم که به دنبال آن‌ها تحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و آنگاه رشد همه‌جانبه‌ی ابعاد انسان‌ها می‌آید. همان‌طور که در آیه قرآن است «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ» (رعد (۱۳)، آیه ۱۱) هر وقت انسان‌ها خصلت‌های بد، ضعف‌ها، نقص‌ها و بی‌ایمانی‌ها را در خودشان تغییر دادند، اوضاع و احوال اجتماعی آن‌ها تحول پیدا خواهد کرد. هیچ چیز هم جلوگیری آن نخواهد بود. برای شروع این حرکت و تحول همگانی، انسان‌ها باید احساس تکلیف کنند.» (شفیعی، ۱۳۸۵: ۱۳/۷)

## ۲- دشمن

این کلمه مرکب است از «دش» به معنی بد و زشت؛ و «من» به معنی نفس و ذات؛ بنابراین به صورت مرکب می‌شود: زشت‌خوی و زشت‌ذات (حسینی دشتی، ۱۳۶۹: ۴۰۳/۵). این واژه در معنای مفرد و جمع به کار می‌رود و هم‌چنین به آن‌که عداوت می‌کند به شخص و کسی که ضرر می‌رساند نیز دشمن گویند؛ معادل‌های عربی این واژه عبارت‌اند از: العدو، الخصم. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۷۱/۳).

در اصطلاح دشمن به کسی گفته می‌شود که بدی و زیان کس دیگر را بخواهد و کینه از او در دل داشته باشد. (عمید، ۱۳۸۹: ۵۲۸)

از نظر مقام معظم رهبری هرکس که با حاکمیت نظام مستقل مردمی دینی مخالف است دشمن است. طمع و رزاق، غارت‌گران، سودجویان، زران‌دوزان، زورگویان، وابستگان، مایلین به فساد و کسانی که از حاکمیت فرهنگ دینی زیان شخصی می‌بینند، دشمن‌اند. البته در

رأس این‌ها دشمنان خارجی هستند که بیش از همه ضرر دیده‌اند. آمریکا بیش از همه از تشکیل حکومت اسلامی خسارت دید و هنوز هم می‌بیند - آن‌ها جلوتر از همه‌اند - صهیونیست‌ها همین‌طور، کمپانی‌های بزرگ جهانی همین‌طور، بی‌بندوبارهای گوناگون در بخش‌های مختلف همین‌طور، کیسه دوخته‌های برای ثروت ملی همین‌طور. همه‌ی این‌ها دشمن‌اند. (پوفاضلی، ۱۳۹۱: ۲۹)

### ۳- سیاست خارجی

سیاست خارجی و معنای مورد نظر در پژوهش حاضر، عبارت است از: خط‌مشی و روشی که دولت در برخورد با امور و مسائل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و منافع خود اتخاذ می‌کند. (منصوری، ۱۳۶۵: ۱۱)

در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، سیاست خارجی و دستگاه اداره‌کننده سیاست خارجی در حقیقت نیمی از نظام سیاسی است. نیمی به مسائل داخلی کشور رسیدگی می‌کند و نیمی رابطه و حدود و منافع کشور را در اقطار عالم دنبال می‌کند. هر چه هم که دنیا از ارتباطات بیشتری و نزدیک‌تری برخوردار بشود، این نقش اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۴۷) در حقیقت اصل سیاسی و زیربنای نظام ایران اصل نه شرقی - نه غربی است این بدین معناست که سیاست ما تابع هیچ رکنی - نه شرقی و نه غربی - نخواهد شد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۷)

### اصول قرآنی حاکم بر روابط خارجی با تکیه بر فرمایشات مقام معظم رهبری

در جهان امروز سیاست خارجی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به‌گونه‌ای که تأثیر مستقیمی بر تمام حوزه‌ها از جمله مسائل اقتصادی و فرهنگی کشورها دارد. توفیق در عرصه‌های سیاسی می‌تواند منجر به توفیق در عرصه‌ی اقتصادی و فرهنگی شود اما وابستگی، سستی و ضعف در این حیطة اثرات مخربی بر اقتصاد و فرهنگ کشورها دارد. بر این اساس مقام معظم رهبری به ترسیم خطوط کلی حرکت نظام در این خصوص

پرداخته‌اند و تصویر جامعی از یک نظام سیاسی انقلابی ارائه داده‌اند. در ادامه به بررسی برخی از این سیاست‌ها که در بیانیه گام دوم انقلاب به آن‌ها اشاره شده است و تطبیق آن‌ها با آیات قرآن می‌پردازیم.

### ۱- پایبندی به ارزش‌ها

قرآن کریم، مقید بودن به ارزش‌ها را از صفات و ویژگی‌های مؤمنان برشمرده است. مشی پایبندی به ارزش‌ها با توجه به جاودانه بودن اخلاق، همواره بایسته است. بر این اساس از ویژگی‌های ایجابی در روابط خارجی مسأله پایبندی و التزام به ارزش‌ها همواره مورد تأکید منابع دینی بوده و سیره پیامبر ﷺ نیز مؤید همین معنا است. مقام معظم رهبری پایبندی مردم به ارزش‌های اسلام و انقلاب را به‌عنوان یک اصل مهم در سیاست و روابط خارجی می‌داند و به آن توصیه می‌کنند. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب، جهت‌گیری‌های اسلامی را خط درست دیپلماسی می‌دانند و می‌فرمایند:

«اگر ما برای جامعه‌ی انقلابی و اسلامی، به دیپلماسی انقلابی و اسلامی قائل هستیم، باید در درجه‌ی اول جهت‌گیری اسلامی حفظ شود و گستاخی و شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرت‌های بزرگ و نیز حاکمیت عقل و منطق بر تصمیم‌گیری‌ها و حرکات، موردتوجه قرار بگیرد. این، خط درست دیپلماسی است.»

ایشان در دیدار با سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور می‌فرمایند:

«جمهوری اسلامی حرف نویی دارد؛ این حرف نوعبارت است از مردم و ارزش‌های الهی. این دوتا باید باهم توأم بشوند و حرکت‌ها و جوامع را شکل بدهند. این حرف ما است. ارزش‌های معنوی و ارزش‌های الهی، همراه بااراده‌ی مردم، نه تحمیل بر مردم. این حرف جدید جمهوری اسلامی است که از خود کلمه‌ی جمهوری اسلامی، هم برمی‌آید. ما، هم جمهوری هستیم، هم اسلامی هستیم. این را بایستی تبیین کرد؛ و شما برای این کار میدان دارید، می‌توانید حرکت کنید. درزمینه‌ی همین محورهایی که گفتند -دیپلماسی

عمومی، دیپلماسی سایبری- تلاش و فعالیت با این نگاه و با این هدف صورت گیرد؛ و بدانید که پیش می‌رود. این‌که ما تصور کنیم اگر ارزش‌های معنوی را ملاک قراردادیم، کار دیپلماسی به بن‌بست خواهد خورد، غلط است؛ به بن‌بست نمی‌خورد. می‌توان با حفظ همین ارزش‌ها، با پای فشاری بر همین ارزش‌ها، در عرصه‌ی دیپلماسی وارد شد، فعال شد، تلاش کرد، منطقی را حاکم کرد و طرف‌ها را رفته‌رفته و به تدریج به مواضع خود نزدیک کرد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۶۸) مقام معظم رهبری دست کشیدن از این اصول را جایز نمی‌دانند و می‌فرمایند:

«در برخی دوره‌ها، بعضی افراد در عرصه دیپلماسی و غیر دیپلماسی، تصور می‌کردند پایبندی به ارزش‌ها اجازه و امکان موفقیت نخواهد داد اما تجربه نشان داد که هر قدر پایبندی به اصول و آرمان‌ها بیشتر باشد هیبت و احترام جمهوری اسلامی در نظر طرف مقابل بیشتر خواهد شد.» (نوش‌آبادی، ۱۳۹۶: ۴۳)

مقام معظم رهبری در تبیین قرآنی این اصل می‌فرمایند:

در تعبیر قرآنی، این پایبندی به ارزش‌ها را استقامت نام نهاده‌اند: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِّن تَابٍ مَّعَكَ» (هود(۱۱)، آیه ۱۱۲)؛ «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت (۴۱)، آیه ۳۰). (بیانات در

سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام ۱۴/۳/۹۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech->

[content?id=33259](https://farsi.khamenei.ir/speech-)

استقامت در مفهوم قرآنی آن، اصطلاحی برای بیان پایداری در دین و مسیر حق در برابر کثرتی‌هاست. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۲۸۲/۱۱). علامه طبرسی استقامت را همان ادای مأموریت و رساندن آن و جلوگیری از منهیات می‌دانند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۷/۱۲) آیت‌الله مکارم شیرازی در تعریف این واژه آورده است: «استقاموا از ماده استقامت به معنی ملازم طریق مستقیم بودن و ثبات بر خط صحیح است و بعضی از ارباب لغت نیز آن را به معنی "اعتدال" تفسیر کرده‌اند. همچنین تفسیر نمونه جمع میان این دو معنی را بعید ندانسته

است. «(تفسیر نمونه، ۱۳۵۳: ۲۰/۲۶۹) رهبر انقلاب نیز استقامت درراه درست را راه خدا می‌داند و بیان می‌دارند: «خدای متعال وعده قطعی کرده است که: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَاتَخْزُنُوا» (فصلت (۴۱)، آیه ۳۰)؛ استقامت درراه درست نتیجه‌اش این است که خدای متعال اندوه و ترس را از یک انسان و یک جامعه سلب می‌کند و موفقیت را نصیب آن‌ها می‌کند. ما راهی که انتخاب کردیم، راه خداست. راه خدا فقط به معنای عبادت کردن و در کنج نشستن نیست. راه خدا یعنی به سعادت رساندن جامعه انسانی. ملت ما این راه را انتخاب کرد؛ یعنی راه عدالت را، انصاف، راه عبودیت. الهی راه برای انسان‌ها، راه برداری انسان‌ها با یکدیگر و راه اخلاق نیکو و پسندیده و فضیلت‌های انسانی و در این راه پافشاری هم کرده است. با سختی‌هایی که در این راه هست، مقابله کرده و از آن‌ها نهراسیده است. ان شاء الله میوه‌های شیرین و دل‌نشین این ایستادگی را خدای متعال به او خواهد چشاند.» (بیانات در دیدار مردم گرمسار، ۸۵/۸/۲۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3368>)

## ۲- حفظ استقلال

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم، ده مرتبه واژه‌ی استقلال را به کار برده‌اند. ایشان در این بیانیه شعارهای جهانی انقلاب اسلامی از جمله استقلال را هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده ندانسته و این شعارها را غیرقابل افول می‌دانند. چنانکه فرموده‌اند:

«برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پابندی به آن‌ها و کوشش برای تحقق آن‌ها.» (بیانیه گام



دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

استقلال نقطه مقابل وابستگی به بیگانگان و به معنای جدا بودن اقتدار و حاکمیت یک کشور از اقتدار کشورهای دیگر است. در بیانیه گام دوم نیز رهبر معظم انقلاب سه بار به موضوع وابستگی اشاره کرده در توصیه‌های رهبر انقلاب به جوانان در بیانیه گام دوم نیز به استقلال به عنوان یک سرفصل اساسی در کنار علم، عدالت و اخلاق، اشاره شده است:

«اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارت‌اند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی.»

از نظر مقام معظم رهبری استقلال سیاسی به معنای فریب نخوردن و بازی نکردن در زمین سیاسی دشمن و سلطه‌گران است. وی معتقد است ابزار دشمن در غلبه کردن بر کشورها گاه تهدید است و گاهی تطمیع و تملق؛ بدین معنا که گاه بازور و قدرت نظامی ملت‌ها را در راستای سیاست‌هایی که دارد همسو می‌کند و گاه با راه‌های به ظاهر مسالمت‌آمیزی چون دیپلماسی و مذاکره؛ بنابراین باید هوشیار بود که دشمن از هر راهی که وارد شد استقلال سیاسی کشور حفظ شود. (شاهبازپور، ۱۳۹۶: ۱۲۴/۳۶-۳۵)

ایشان درجایی دیگر در اهمیت استقلال سیاسی به این نکته اشاره دارند که استقلال سیاسی مقدمه‌ی دیگر وجوه استقلال از جمله استقلال اقتصادی و فرهنگی است. ایشان در این باره می‌فرمایند:

«کشورهایی که از لحاظ سیاسی وابسته هستند، قادر نخواهند بود و اصلاً انگیزه ندارند که آزادی و استقلال اقتصادی را به دست آورند.» (شاهبازپور، ۱۳۹۶: ۱۲۴/۳۶). قرآن کریم بر استقلال سیاسی مسلمانان تأکید می‌ورزد و ولی مسلمانان را خداوند می‌داند:

«إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»؛ (یوسف (۱۲)، آیه ۴۰) «حکم تنها از آن خداست؛ فرمان داده که غیر از او را نپرستید! این است آیین پابرجا؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند که دلالت دارد بر این که حکم تنها برای خدای سبحان

است و نباید کسی را با او شریک دانست.»

خداوند در این آیه مردم را از عبادت غیر خداوند نهی می‌کند و امر می‌کند که در برابر هیچ فرمان غیر الهی، کرنش نکنید. زیرا فرمان دادن تنها حق خداوند است. (قرآنی، ۱۳۸۸: ۴/۲۰۹) عدم پذیرفتن فرمان دیگران همان استقلالی است که به آن سفارش شده است.

قرآن کریم، در مواردی که حکم و حکومت را برای غیر خداوند هم جایز دانسته است، این جواز نسبت به کسانی است که از طرف خداوند مشروعیت دارند مانند این آیه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكُمْ صِيَامًا لَّيْذُوقَ وَبَالَ أَمْرِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ»؛ (المائدة، ۵)، آیه ۹۵) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید درحالی که محرمید شکار را مکشید و هر کس از شما عمداً آن را بکشد باید نظیر آن چه کشته است از چهارپایان کفاره‌ای بدهد که [نظیر بودن] آن را دو تن عادل از میان شما تصدیق کنند و به صورت قربانی به کعبه برسد یا به کفاره [آن] مستمندان را خوراک بدهد یا معادلش روزه بگیرد تا سزای زشت کاری خود را بپشد خداوند از آن چه در گذشته واقع شده عفو کرده است و [لی] هر کس تکرار کند خدا از او انتقام می‌گیرد و خداوند توانا و صاحب انتقام است.» در این جا منظور از «مثل» همانندی در شکل و اندازه حیوان است به این معنی که مثلاً اگر کسی حیوان وحشی بزرگی را همانند شتر مرغ صید کند، باید کفاره آن را شتر انتخاب کند و یا اگر آهو صید کند باید گوسفند که تقریباً به اندازه آن است قربانی نماید و از آن جا که ممکن است مسئله همانندی برای بعضی موردشک و تردید واقع شود، قرآن در این زمینه دستور داده است که «باید این موضوع زیر نظر دو نفر از افراد مطلع و عادل انجام پذیرد.»؛ «يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۷۹/۵). بنابراین در این آیه دو نفر عادل برای دادن حکم از سوی خدا مشروعیت دارند. آیه‌ای که درباره رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «فَاَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ»؛

(المائدہ (۵)، آیه ۴۸). در این آیه نیز خداوند پیامبر ﷺ را به عنوان داور معرفی می کند و به ایشان دستور می دهد که بر طبق آنچه بر او نازل شده است بین مردم داوری کند.

همچنین آیات دیگری که حکم را تنها از آن خدای سبحان می دانند و غیر او کسی را مستقل در آن نمی دانند و اگر هم کسی دارای چنین مقامی باشد، خدای سبحان بر او ارازی داشته و او در مرتبه دوم است و از همین جهت است که خدای تعالی خود را «أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ» و «خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» نامیده و فرموده: «أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ» (تین (۹۵)، آیه ۸) و نیز فرموده: «وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (یونس (۱۰)، آیه ۱۰۹) و لازمه اصالت و استقلال و اولویت همین است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶۶/۷)

از این رو قرآن کریم برای قطع ریشه ولایت های غیر الهی، هرگونه امری که زمینه ساز سرپرستی باطل باشد را باطل می داند و خواهان قطع رابطه با کسانی است که از این ولایت خارج اند و کلمه «لا اله الا الله» بیانگر همین مبنا و اصل انقلابی گری است؛ کافران نه تنها خواهان استقلال مسلمانان و اعتلا و پیشرفت آنان در هیچ زمینه ای نیستند، بلکه وقوع چنین امری آنان را غمگین و افسرده خواهد ساخت و به طور طبیعی واکنش عملی آنان را در پی داشته و آن ها را برای مکر و حيله بر ضد جوامع اسلامی جهت عقب نگه داشتن آنان بر خواهد انگيخت، از این رو قرآن برای خنثی سازی مکر و کینه کافران، مؤمنان را به صبر و تقوا و ایستادگی فرامی خواند و آنان را از دوستی با کافران بر حذر می دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳/۳۸۷)

این اصل با قاعده نفی سبیل نیز مطابقت دارد. طبق این قاعده، اراده ی تشریعی و تکوینی خداوند بر آن است که راه نفوذ و سلطه ی کافران بر مسلمانان در هر شکل و از هر راهی مسدود شود، زیرا علو و عزت مسلمانان با سلطه و نفوذ بیگانه منافات دارد. از قاعده ی نفی سبیل، نفی هرگونه سلطه ی بیگانه و کافر بر مسلمان و حکومت اسلامی قابل استیفا ده است. (عباس واعظی دهنوی، ۱۳۹۱: ۱۶۹-۱۴۱)

### ۳- مقابله و ایستادگی در برابر استکبار

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم سه بار به واژه استکبار و پنج بار به واژه مستکبر اشاره داشته و تقابل اسلام و استکبار را پدیده جدید عصر معاصر دانسته و فرمودند:

«پس آنگاه ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد.» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

مقام معظم رهبری در تعریف استکبار می‌فرمایند:

«معنای استکبار این است که دولت و قدرت و شخصی، با تکیه به زوری که دارد، راه را برای اعمال زور در هرجایی که بخواهد، بازبیند و به هرکسی و هر ملتی که اراده کرد، فشار و ضربت وارد کند و مال هر ملتی را که اراده کرد، از او بگیرد و در امور هر ملت و جمعیت و شخصی که مایل بود و اراده کرد، دخالت کند و خجالت هم نکشد.» (سیاه‌پوش، ۱۳۹۸: ۴۴۳)

ایشان به دلیل اصلی مبارزه با استکبار اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

«باید توجه کنید، اولین احساسی که یک ملت در مقابله با روح و خوی استکباری دارد، احساس دینی نیست؛ احساس غیرت ملی است؛ احساس هویت و احساس وجود است؛ چون استکبار وقتی وارد کشوری شد و بر آن کشور مسلط گردید، هویت ملی آن ملت را انکار می‌کند. منابع آن کشور را غارت می‌کند، در امور سیاسی آن کشور دخالت می‌کند؛ اما همه این‌ها فرع انکار هویت آن ملت است. استکبار، اول هم که وارد می‌شود، نمی‌گوید من می‌آیم تا هویت ملی شما مردم را انکار کنم؛ این‌طور که نمی‌آید؛ به بهانه‌های مختلف وارد می‌شود. وقتی وارد شد، آن چیزی را که هدف می‌گیرد، هویت ملی است؛ یعنی فرهنگ، اعتقادات، دین، اراده، استقلال، حکومت، اقتصاد و همه چیز را از آن ملت سلب می‌کند و در مشت خود می‌گیرد... . مقابله ملت ما با استکبار، ریشه دینی هم دارد. کلمه استکبار و مستکبر و در مقابلش استضعاف و مستضعف، در قرآن هست. وقتی ملت ما با این روحیه در مقابل

امریکا و دستگاه فاسدِ وابسته به امریکا ایستاد، یک پشتوانه عظیم از اعتقادات و ایمان دینی پشت سرش بود و همین هم توانست او را موفق کند و پیش ببرد. استکبار وارد هر کشوری می‌شود، سعی می‌کند آن کشور را تهی کند؛ یعنی تا هر جا بتواند، همه چیز آن کشور را به نفع خود مصادره می‌کند. (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان

را به نفع خود مصادره می‌کند. (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2978>، ۷۸/۸/۱۲،

ایشان درباره عدم تبعیت از دشمن و استکبار می‌فرمایند:

«مسئله ایستادگی و حساسیت در برابر استکبار یکی از اصول اساسی سیاست ایران علی‌الخصوص سیاست خارجی است. طبعاً وقتی این حساسیت وجود داشته باشد، تبعیت از دشمن هم نخواهد بود. در تعبیر قرآنی این عدم تبعیت، «جهاد کبیر» نامیده شده است. «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِ جِهَادًا كَبِيرًا» (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33172>، ۹۵/۳/۳

جهاد کبیر به معنی دوری از اطاعت کافر و خصمی است که در میدان مبارزه با او هستیم که در گفتار امام خامنه‌ای نیز تأکید بر این عدم تبعیت در میدان‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی صورت گرفته است. دایره این عدم تبعیت به قدری فراخ و گسترده است که حتی نسبت به نسخه‌های به‌ظاهر شفاف‌بخش سیاسی و اقتصادی دشمن هم باید با احتیاط برخورد کرد. خب، اطاعت از کافرین نکن، پس چه کار کن؟ «وَ اتَّبِعْ مَا يُوْحٰى اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللّٰهَ وَ لَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُؤْمِنِينَ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا\*» وَ اتَّبِعْ مَا يُوْحٰى اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا؛ از آن‌ها تبعیت نکن؛ تو برنامه داری؛ تو برنامه‌ی کارداری، برنامه‌ی زندگی داری؛ وحی الهی تو را تنها نگذاشته است؛ قرآن در اختیار تو است، اسلام در اختیار تو است، برنامه‌ی اسلام در اختیار تو است؛ این راه را برو. ببینید این‌ها همه آیات اول سوره‌ی احزاب است؛ پشت سرهم؛ اول «اتَّقِ اللّٰهَ وَ لَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ بعد «وَ اتَّبِعْ مَا يُوْحٰى

إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ»؛ پشت سر [آن]، جواب این سؤال است که خب، خطر وجود دارد، فشار می‌آورند؛ «وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا»؛ در مقابل همه‌ی این فشارها به خدا تکیه کن؛ به خدا تکیه کن. توکل معنایش این نیست که کار را رها کنی و بنشینید تا خدا بیاید عوض شما کار را انجام بدهد؛ این نیست؛ توکل این است که شما راه بیفتید، عرق بریزید، تلاش کنید، آن وقت یقین داشته باشید که خدای متعال شما را کمک خواهد کرد؛ امروز مسئله‌ی جمهوری اسلامی این است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۴۱: ۱۴/ ۲۹۷)

یکی از محورهای دعوت همه پیامبران الهی پرهیز از طاغوت است؛ قرآن در این باره می‌فرماید:

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»؛ (نحل ۱۶)، آیه ۳۶) «و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید] خدا را بپرستید و از طاغوت [= فریب‌گر] پرهیزید.»

همچنین کفر به طاغوت پیش‌نیاز ایمان به خدا است که در قرآن به آن اشاره شده و می‌فرماید: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ (البقره ۲)، آیه ۲۵۶) «کسی که به طاغوت [بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است.» در نگاه علامه طباطبایی این آیه با صراحت اعلام می‌دارد که شرط پیوستن به انقلاب توحیدی، کفر به طاغوت است و امکان ندارد که شخص و یا جامعه‌ای دل بسته به حکومت طاغوت باشد و یا حتی با طاغوت به مبارزه برنخیزد و در عین حال ادعای ایمان و مبارزه برای حاکمیت جبهه ایمان و اصلاح داشته باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/ ۵۲۶)

مؤید دیگری در همین موضوع، دستور مبارزه با طاغوت است که در این آیه به آن اشاره شده است. جایی که می‌فرماید:

«الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»؛ (نساء ۴)، آیه ۷۶) «کسانی که ایمان آورده‌اند در راه

خدا کارزار می‌کنند و کسانی که کافر شده‌اند در راه طاغوت می‌جنگند پس با یاران شیطان بجهنگید که نیرنگ شیطان [در نهایت] ضعیف است.»

تفسیر نمونه این آیه را به عنوان معیار تمایز مؤمن و غیر مؤمن دانسته و می‌نویسد: مشخص ساختن صفوف و اهداف مجاهدان، چنین می‌فرماید: «افراد باایمان در راه خدا و آن چه به سود بندگان خدا است پیکار می‌کنند، ولی افراد بی‌ایمان در راه طاغوت یعنی قدرت‌های ویرانگر؛ «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ». طاغوت و قدرت‌های طغیان‌گر و ظالم هرچند به ظاهر بزرگ و قوی جلوه کنند، اما از درون، زبون و ناتوان‌اند، از ظاهر مجهز و آراسته آن‌ها نهراسید، زیرا درون آن‌ها خالی است و نقشه‌های آن‌ها همانند قدرت‌هایشان سست و ضعیف است، چون متکی به نیروی لایزال الهی نیست. بلکه متکی به نیروهای شیطانی می‌باشد. «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» دلیل این ضعف و ناتوانی روشن است، زیرا از یک سو افراد باایمان در مسیر اهداف و حقایقی گام برمی‌دارند که با قانون آفرینش هماهنگ و هم‌صدا است و رنگ ابدی و جاودانی دارد آن‌ها در راه آزاد ساختن انسان‌ها و از بین بردن مظاهر ظلم و ستم پیکار می‌کنند، درحالی‌که طرفداران طاغوت در مسیر استعمار و استثمار بشر و شهوات زودگذری که اثر آن ویرانی اجتماع و برخلاف قانون آفرینش است تلاش و کوشش می‌نمایند و از سوی دیگر افراد باایمان به اتکای نیروهای معنوی آرامشی دارند که پیروزی آن‌ها را تضمین می‌کند و به آن‌ها قوت می‌بخشد درحالی‌که افراد بی‌ایمان تکیه‌گاه محکمی ندارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴:

(۱۱/۴)

#### ۴- تعامل با دولت‌ها

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب شعارهای این انقلاب مانند: آزادی، استقلال و برابری را شعارهای جهانی می‌دانند که به یک نسل و یک جامعه محدود نیست. ایشان معتقدند انقلاب با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است و این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی

عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری درباره جهانی بودن انقلاب و اعتقاد به برابری و حمایت از مظلومان جهان بررسی مسئله تعامل با دولت‌ها ضروری است.

#### ۴-۱- دولت‌های اسلامی

مسئله‌ی وحدت مسلمین یکی از اصلی‌ترین موضوعات در اندیشه‌ی سیاسی مقام معظم رهبری است. ایشان درباره اهمیت این مسئله می‌فرمایند:

«امروز مسلمانان به اخوت و برادری احتیاج دارند. امروز شعار «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»؛ (حجرات (۴۹)، آیه ۱۰) «در حقیقت مؤمنان باهم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید.» از همیشه جدی‌تر است. امروز این ضعف و ذلتی که مسلمانان کشورهای از دنیا دچار آن شده‌اند، ناشی از همین تفرقه و اختلاف است.» (رجبی، ۱۳۹۸: ۶۶).

آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» که در آیات فوق آمده، یکی از شعارهای اساسی و ریشه‌دار اسلامی است. روی این اصل مهم اسلامی مسلمانان از هر نژاد و هر قبیله و دارای هر زبان و هر سن و سال، با یکدیگر احساس عمیق برادری می‌کنند، هرچند یکی در شرق جهان زندگی کند و دیگری در غرب. در مراسم «حج» که مسلمین از همه نقاط جهان در آن کانون توحید جمع می‌شوند این علاقه و پیوند و همبستگی نزدیک کاملاً محسوس است و صحنه‌ای است از تحقق عینی این قانون مهم اسلامی. به تعبیر دیگر اسلام تمام مسلمان‌ها را به حکم یک خانواده می‌داند، و همه را خواهر و برادر یکدیگر خطاب کرده، نه تنها در لفظ و در شعار که در عمل و تعهدهای متقابل نیز همه خواهر و برادرند. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۴/ ۵۰۰)

مقام معظم رهبری مراد از وحدت میان مسلمانان را بیان می‌کنند و می‌فرمایند:



«وحدت اسلامی هم معنایش معلوم است. مقصود این نیست که مذاهب، در یک مذهب حل شوند. بعضی کسان برای این که اتحاد مسلمین را تحصیل نمایند، مذاهب را نفی می‌کنند. نفی مذاهب، مشکلی را حل نمی‌کند؛ اثبات مذاهب، مشکلات را حل می‌کند. همین مذاهبی که هستند، هرکدام در منطقه‌ی کار خودشان، امور معمولی خودشان را انجام دهند؛ اما روابطشان را با یکدیگر حسنه کنند... منظور ما از اتحاد، تفاهم است؛ دولت‌های اسلامی؛ همدلی آن‌ها با یکدیگر و تحت تأثیر اغراض دشمنان قرار نگرفتن. این منطقه‌ی حساس خلیج فارس، منطقه‌ی حساس خاورمیانه، کل منطقه‌ی اسلامی که منطقه‌ی بسیار حساسی در جغرافیای عالم و جغرافیای سیاسی عالم است باید با یکدیگر تفاهم کنند؛ باهم باشند و همدل باشند. (سیاه‌پوش، ۱۳۹۸: ۱۹۶)

از دیدگاه ایشان تلاش برای ایجاد وحدت و برادری باید جمعی باشد و با خواست یک کشور محقق نمی‌شود. ایشان در این باره می‌فرمایند:

«اقدام برای رسیدن به اتحاد باید جمعی باشد. قرآن می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ (آل عمران (۳)، آیه ۱۰۳) «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.» اعتصام به حبل الله برای هر مسلمان یک وظیفه است؛ اما قرآن برای این که ما را به اعتصام به حبل الله امر کند اکتفا نمی‌کند؛ بلکه به ما می‌گوید اعتصام را در هیات اجماع انجام دهید، جمیعاً همه باهم اعتصام کنید و این اتحاد یک واجب دیگر است.» (رجبی، ۱۳۹۸: ۶۷)

#### ۴-۲- دولت‌های غیر اسلامی

مقام معظم رهبری معتقدند حکومت اسلامی طرف دار انزوا نیست. طرف دار جدایی از ملت‌ها و دولت‌ها نیست. طرف دار کنار نشستن در مسائل بین‌الملل نیست. طرف دار حضور فعال و قاطع در زمینه‌ها و مسائل بین‌المللی است. (عارف خانی، ۱۳۸۷: ۱۲۶)

رابطه با دیگر کشورها به چه اروپایی و چه آسیایی و آفریقایی و چه کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی و چه غیر آن‌ها - تا آنجا که به تشخیص مسئولین، در جهت منافع و مصالح کشور

و ملت باشد، برای ما همیشه مطلوب، بلکه لازم بوده است و مسئولین دولتی موظف بوده و هستند، آن را هوشمندانه و پیگیر تأمین کنند؛ و آنان و همه‌ی ملت بدانند و می‌دانند که ایجاد این روابط و تحکیم آن، هیچ‌گونه خدشه‌ای به اصل «نه شرقی و نه غربی» وارد نمی‌سازد. (سیاه‌پوش، ۱۳۹۸: ۱۷۸)

بر اساس آنچه بیان شد مقام معظم رهبری درباره روابط با دولت‌های غیر اسلامی قائل به روابط صلح‌آمیز با دولت‌های غیر محارب و مقابله در برابر نفوذ و سلطه دولت‌های محارب و سلطه جو است.

یکی از اصول سیاسی که در قرآن به آن اشاره شده است صلح است. تا جایی که امکان داشته باشد برای رفع خصومت و اختلافات بین‌المللی باید از توسل به خشونت جلوگیری کرد. ایجاد صلح و تلاش برای مصالحه و حکمیت، شیوه‌ی انسان دوستانه‌ای است که قرآن آن را به جای رفتارهای خشونت‌آمیز در حل اختلافات بنیان نهاده است. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَعَثَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»؛ (حجرات (۴۹)، آیه ۹) «و اگر دو طایفه از مؤمنان باهم بجنگند، میان آن‌دورا اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد، با آن [طایفه‌ای] که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد. پس اگر بازگشت، میان آن‌ها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید، که خدا دادگران را دوست می‌دارد.»

بر اساس این آیه، اسلام جلوگیری از ظلم و ستم را هرچند به قیمت جنگ با ظالم تمام شود لازم شمرده و بهای اجرای عدالت را از خون مسلمانان نیز بالاتر دانسته است و این در صورتی است که مسئله از طرق مسالمت‌آمیز حل نشود. (مکارم شیرازی، ۱۶۷/۲۲)

## ۵- حمایت از مظلومان

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم، مقابله با زورگویان و پشتیبانی از

مستضعفان را از خصوصیات انقلاب اسلامی ایران در طول چهل سال گذشته دانسته و تداوم این موضوع را مورد تأکید قرار داده‌اند.

«این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است.» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

ایشان حضور ایران در کنار مظلومان جهان را نشانگر جوانمردی و مروت انقلابی نظام می‌داند و می‌فرماید:

«این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد.» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

ایشان همچنین می‌فرمایند:

«ما هر مقداری که بتوانیم از مظلوم حمایت می‌کنیم و هر مقداری که توانایی‌های ما و وسع ما باشد وظیفه‌ی ما است؛ اسلام به ما گفته است که «كُنْ لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» - این سفارش امیرالمؤمنین است - ما نمی‌گوییم «أَنْصُرُ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا» - این شعار جاهلی است؛ می‌گفتند اگر برادرت ظالم هم هست یا مظلوم است، باید از او دفاع کنی و حمایت کنی - قرآن این را نمی‌گوید؛ معرفت اسلامی این را منع می‌کند. نخیر؛ ظالم هرکسی بود باید با او مقابله کرد و جلوی ظلم او را گرفت؛ مظلوم هرکسی هست باید از او حمایت کرد.» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۹۴/۲/۲۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29736>)

بر اساس آموزه‌های قرآنی حمایت از مظلوم یکی از اصول سیاست خارجی است. خداوند در قرآن باحالتی از سرزنش و توبیخ نسبت به مسلمانان می‌فرماید:

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَوْلَاهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا»؛ (نساء، ۴)، آیه ۷۵) «و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند: «پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر، و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده، و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما.»

آیه درباره‌ی مسلمانانی است که زیر فشار و شکنجه‌ی مردم مکه قرار داشتند. و از کسانی که جهاد در راه آزادی آنان را رها کرده‌اند، نکوهش می‌کند. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۲/۱۰۸) علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

«آیه این معنا را می‌دهد که چرا در راه خدا و در راه نجات مستضعفین نمی‌جنگید و تحریکی دیگر است بر قتال، که با تعبیر استفهام انجام شده، استفهامی که به یاد شنونده می‌آورد که قتالشان قتال در راه خدا است و فراموش نکنند، که در چنین قتالی هدف زندگی سعیدشان تأمین می‌شود، چون در زندگی سعیده هیچ آرزو و هدفی جز رضوان خدا و هیچ سعادت‌ی پرمحتواتر از قرب به خدا نیست.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/۵۲۰)

مقام معظم رهبری با استناد به این آیه می‌فرمایند:

«این احساس مسئولیت است؛ یعنی شما برو جان خودت را به خطر بینداز و جانت را کف دستت بگیر در میدان‌های خطر، برای این‌که مستضعفان را نجات بدهی؛ معنای این، همان مسئولیت است.»

(بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، ۹۳/۹/۶،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28344>)

درجایی دیگر با استناد به آیات قرآن و در تبیین مبنای قرآنی حمایت از مظلومان می‌فرمایند: «ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللہ و المستضعفین»؛ یعنی «شما موظفید آزادی دیگران را هم تأمین کنید، ولو با قتال.»

(بیانات در چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21471>، ۱۳۹۱/۸/۲۳،

## ۶- عزت، حکمت و مصلحت

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب به اصل «عزت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق‌یافته یا در آستانه‌ی ظهورند. تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه. این‌ها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. سردمداران نظام سلطه نگران‌اند؛ پیشنهادهای آن‌ها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گرو غیرقابل‌اعتماد می‌داند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آن‌ها با دقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل‌حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت. (بیانیه گام دوم انقلاب <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

از نظر مقام معظم رهبری معنای عزت این است که جامعه و نظام اسلامی، در هیچ‌یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود. البته، ذلیل شدن غیر از ضعیف بودن است. ممکن است کسی ضعیف باشد، اما ذلیل نباشد. بین این دو تفاوت است. (بیانات در دیدار مسئولان،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2259>، ۶۸/۱۱/۹)

در منطق قرآن عزت واقعی متعلق به خدا و هر آن کس که در جبهه‌ی خدایی می‌باشد است. «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛ (منافقون (۶۳)، آیه ۸) «می‌گویند: اگر به مدینه برگردیم، قطعاً آن‌که عزتمندتر است آن زبون‌تر را از آن جا بیرون خواهد کرد. [ولی] عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است؛ لیکن این دورویان نمی‌دانند.»

برخی آیات قرآن کریم اتکای مسلمانان به کافران و دولت‌های غیر اسلامی را برای دست‌یابی به عزت و شوکت دنیوی را عملی منافقانه و مستوجب عذاب دانسته و یادآور شده‌اند که عزت همه از آن خدا و رسول و مؤمنان است، در آیه آمده است: «بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا، الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْبَتَعُونَ عِنْدَهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»؛ (نساء (۴)، آیه ۱۳۹) «به منافقان خبرده که عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت. همانان که غیر از مؤمنان، کافران را دوستان [خود] می‌گیرند. آیا سربلندی را نزد آنان می‌جویند؟ [این خیالی خام است]، چراکه عزت، همه از آن خداست.»

بر اساس مفاد آیه تمام عزت‌ها مخصوص خداست چرا که سرچشمه عزت همواره «علم» و «قدرت» است و اینها که قدرتشان ناچیز و علمشان نیز همانند قدرتشان ناچیز است، کاری از دستشان ساخته نیست که بتوانند منشأ عزتی باشند. این آیه به همه مسلمانان هشدار می‌دهد که عزت خود را در همه شئون زندگی اعم از شئون اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مانند آن در دوستی با دشمنان اسلام نجویند، بلکه تکیه گاه خود را ذات پاک خداوندی قرار دهند که سرچشمه همه عزت‌ها است زیرا دشمنان اسلام نه عزتی دارند که به کسی ببخشند و نه اگر می‌داشتند قابل اعتماد بودند و هر روز که منافع آنها اقتضاء کند فوراً صمیمی‌ترین متحدان خود را رها کرده و به سراغ کار خویش می‌روند آن چنان که گوئی هرگز با هم آشنائی نداشتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۴/ ۲۳۸)

مقام معظم رهبری در باب معنای حکمت و مفهوم مستفاد از آن می‌فرمایند:

«حکمت، یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. ارتباطات جهانی است، راه دارد. همه چیز باید سنجیده باشد. آدم نباید هرچه به دهانش آمد، بگوید. باید ملاحظه کنیم که آیا این سخن با موازین منطق و خرد منطبق است، یا منطبق نیست. اگر منطبق نیست، آن را کنترل کنیم. باید حکیمانه برخورد کنیم. فقط در حرف زدن نیست؛ در معاشرت‌ها و برخوردها هم باید حکیمانه برخورد کرد. البته حکمت، به معنای نگفتن نیست. بعضی میگویند حالا که حرف نسنجیده نباید زد، پس چرا باید حرف زد؟! گویی که هیچ کار سنجیده نمی‌شود کرد؟ نه اگر گفتیم ما باید حکیمانه کارکنیم، معنایش این نیست که پس کار نکنیم، تماس نگیریم، حرکت نکنیم، حرف نزنیم، مبادا غیر حکیمانه درآید؟» (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۴/۱۸،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2471>

اهتمام قرآن به لزوم بهره‌گیری از مستحکم‌ترین افکار و اندیشه‌ها برای بسط و گسترش تعالیم حق در آیه‌ی «اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل (۱۶)، آیه ۱۲۵) به زبان آوردن کلام نیکو در مواجهه با غیرمسلمانان در آیه «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (اسراء (۱۷)، آیه ۵۳) و حصر جواز مجادله به قید «أَلْحَسَنُ» در آیه «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ» (عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۶) همگی حاکی نقش بنیادین حکمت و عقلانیت در عرصه تعاملات اجتماعی که می‌تواند شاهدهی بر لزوم به کارگیری اصل حکمت در عرصه تعامل با سایر دولت‌ها موردتوجه قرار گیرد. (درگاهی، ۱۳۹۹: ۱۰۸/۲)

در حقیقت کار ویژه و اصلی این حکمت، کارآمدی‌اش در مواجهه و تعامل با دیگران است؛ گویا حکمت ظرفیت بالایی در دارنده خود ایجاد می‌کند یا مهارت‌های ارتباطی خاصی به او می‌بخشد تا بتواند به بهترین و مفیدترین وجه با دیگران، به خصوص غیر همفکران و مخالفان و دشمنان، تعامل کند. (علیخانی، ۱۳۹۸: ۱۴-۱۵/۲۴)

مقام معظم رهبری همچنین درباره مفهوم مصلحت نیز چنین فرموده‌اند:

«مراد، مصلحت شخص من و شما نیست که اگر ما این اقدام را کردیم، ممکن است برایمان گران تمام بشود؛ نه گران هم که تمام بشود، مگر ما که هستیم؟ اگر کاری به مصلحت کشور و به مصلحت انقلاب است، ولی مصلحت انقلاب و این مصلحت همه جانبه است: یعنی از رفتار شخصی ما - بخصوص شما- شروع می‌شود. شما که مأمور وزارت خارجه هستید. بخصوص سفرا که در خارج هستند و در درجه‌ی دوم کسانی که به خارج رفت و آمد دارند. کار و منش شما، با منش شخصی عضوی در یک وزارتخانه‌ی دیگر متفاوت است. شما رسول و پیام‌آورید. از شما حدس زده می‌شود که در خارج چه خبر است. اگر شما در سفارتخانه، مسلمان زندگی کنید و همسر و فرزندان و کارمندان شما روش مسلمانی داشته باشند، فرق می‌کند با این که یک هم‌سطح و هم‌رتبه‌ی شما در وزارتت دیگر از وزارتخانه‌های ما، منش اسلامی داشته باشد. این جا اثرش چشمگیرتر است. اگر هم خدای نکرده روش عملی شما اندکی اختلال داشت، ضررش بیشتر است. پس از این جا رفتار مصلحت‌آمیز را شروع کنید. من نمی‌خواهم از برادرانی که در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند، توقع زهد و پارسایی مطلق بکنم؛ لیکن می‌خواهم اجمالاً عرض بکنم که در ظواهر زندگی، یک مقدار رعایت امساک لازم است. اگر کسی درآمد هم دارد، امکان استفاده هم دارد، جلوی بعضی از استفاده‌ها را با میل خود و به ابتکار و با اراده‌ی شخصی بگیرد. این، خیلی فایده دارد. هم برای وضع کلی انقلاب فایده‌ی عمومی دارد و هم فایده‌ی شخصی دارد؛ یعنی به شما نورانیت می‌دهد. این کار، با کار بنده‌ای که امکان فلان استفاده برایم نیست، فرق می‌کند. (سیاه‌پوش، ۱۳۹۸: ۷۸)

مصلحت در لغت مخالف مفسده معنا شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۱۷/۳) عقل و فطرت سلیم مراعات مصلحت را ضروری می‌داند؛ بنا بر تلازم حکم عقل و شرع (ما حکم به العقل، حکم به الشرع) رعایت مصلحت عمومی جامعه واجب است. همچنین با پذیرش ابتدای آموزه‌های دینی بر مصالح و مفاسد واقعی، مراعات مصالح عمومی جامعه مستلزم صیانت از اسلام در پرتو عمل به دستورات دینی است. (درگاهی، ۱۳۹۹: ۱۱۱/۲)



## نتیجه‌گیری

سیاست خارجی در حقیقت نیمی از نظام سیاسی است. نیمی به مسائل داخلی کشور رسیدگی می‌کند و نیمی رابطه و حدود و منافع کشور را در اقطار عالم دنبال می‌کند. بر اساس تحلیل و تبیین‌های صورت گرفته از بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب ایشان ۶ اصل کلی برای سیاست خارجی در نظر گرفته‌اند.

مقام معظم رهبری معتقد است مهم‌ترین اصل در سیاست خارجی پایبندی به ارزش‌هاست. باید در عرصه سیاسی به ارزش‌های الهی و اسلامی پایبند بود. هرچه قدر میزان پایبندی به اصول بیشتر باشد هیبت و عظمت نظام نیز بیشتر می‌شود. خداوند برای این اصل از تعبیر استقامت استفاده کرده است. دیدگاه مقام معظم رهبری درباره‌ی مساله‌ی پایبندی به ارزش‌ها برگرفته از قرآن است.

دومین اصل در سیاست خارجی از دیدگاه مقام معظم رهبری اصل استقلال است. استقلال به معنای جلوگیری از نفوذ و سلطه‌ی بیگانگان می‌باشد. قرآن کریم در آیات مختلف ولایت را از آن خداوند می‌داند و در برخی موارد افرادی را به‌عنوان ولی معرفی می‌کند. بر اساس این آیات خداوند برای قطع ریشه ولایت‌های غیر الهی، هرگونه امری را که زمینه‌ساز سرپرستی باطل باشد باطل می‌داند و خواهان قطع رابطه با کسانی است که از این ولایت خارج‌اند. این همان استقلال سیاسی است که در کلام مقام معظم رهبری متبلور است.

این مقاله نشان می‌دهد که دیدگاه مقام معظم رهبری درباره‌ی مساله‌ی مبارزه با استبداد و استکبارمبتنی بر دریافت قرآنی است. از نظر ایشان استکبار به دنبال استضعاف و از بین بردن هویت ملی است. ایشان با استناد به آیات قرآن معتقدند خداوند ایستادگی و مقابله در برابر استکبار را جهاد نامیده است و به آن امر کرده است. بر اساس آیات قرآن پرهیز از طاغوت، محور دعوت همه‌ی انبیا بوده است و در برخی موارد آن را پیش‌نیاز ایمان می‌داند و در آیات زیادی مردم را به مبارزه با طاغوت امر کرده است.

قرآن کریم همه مسلمانان را برادر می‌داند و از آن‌ها می‌خواهد که وحدت داشته باشند و در تعامل با دیگر امت‌ها صلح کنند اما در عین حال مانع نفوذ کشورهای سلطه‌گر شوند و در برابر تجاوزات آن‌ها ایستادگی کند. مقام معظم رهبری نیز مخالف انزوای کشور در جوامع بین‌المللی هستند و به دنبال تعامل سازنده با دیگر کشورهای غیر محارب هستند اما معتقدند اگر کشوری به دنبال دشمنی و سلطه بود باید در برابر آن ایستادگی کرد.

در بسیاری از آیات قرآن حمایت از مظلومان به عنوان یک ضرورت در جوامع دینی بر شمرده شده است و در برخی آیات مسلمانان را به خاطر عدم حمایت از مظلومان سرزنش می‌کند. از دیدگاه مقام معظم رهبری نیز حمایت از مظلومان یک اصل مهم و ضروری در سیاست خارجی ما است. از نظر ایشان از سفارشات اسلام حمایت از مظلوم و مقابله با ظالم است و ما هر مقدار که در توان داشته باشیم باید از مظلوم دفاع کنیم.

از دیدگاه مقام معظم رهبری اصل عزت، حکمت و مصلحت سه زاویه‌ی یک مثلث در روابط خارجی هستند و تمام برنامه‌های سیاست خارجی در جهت حفظ عزت مسلمین با رعایت حکمت و مصلحت باشد. قرآن کریم نیز عزت را مخصوص خداوند و کسانی که در راه خدا هستند می‌داند و مؤمنان را از کسب عزت با تکیه بر کفار منع می‌کند و این عمل را مستوجب عذاب می‌داند البته در این عرصه باید بر اساس حکمت و مصلحت مسلمین عمل کرد. این اصل نیز با آیات قرآن تطابق دارد.

بر اساس آنچه بیان شد تمام شاخص‌های سیاست خارجی از دیدگاه مقام معظم رهبری با آیات قرآن تطبیق دارند و در هیچ‌یک از این شاخص‌ها از دستورات قرآن عدول نکرده‌اند.

## فهرست منابع

### \* قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمد الطاهر، ۱۴۲۰، التحرير والتنوير، بيروت، ج ۱۱، چ ۲، مؤسسه التاريخ العربی.
۲. پورفازلی، سید امیر، ۱۳۹۱، دشمن شناسی، چ ۱، انتشارات انقلاب اسلامی.
۳. حسینی خامنه‌ای، سید علی، نرم افزار حدیث ولایت.
۴. حسینی دشتی، سید مصطفی، ۱۳۶۹، معارف و معاریف، قم، ج ۵، چاپ ۱، انتشارات اسماعیلیان.
۵. درگاهی، مهدی، ۱۳۹۹، حکومت اسلامی، مبانی فقهی عزت، حکمت و مصلحت در تعاملات اجتماعی، شماره دوم.
۶. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، چ ۳، دانشگاه تهران.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۶۹، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: سید غلامرضا خسروی، تهران، ج ۲، چاپ ۱، انتشارات مرتضوی.
۸. رجبی، هادی، ۱۳۹۸، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره سوم.
۹. رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۴۱، تفسیر قرآن مهر، قم، ج ۱۴، چ ۲، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۰. سیاه‌پوش، امیر، ۱۳۹۸، سیاست خارجی انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، چ ۱.
۱۱. شاهبازپور، حسین، ۱۳۹۶، «شاخص‌های انقلابی‌گری از دیدگاه امام خمینی (قدس سره) و امام خامنه‌ای، شماره ۱۲۴.
۱۲. شفیعی، احمد، ۱۳۸۵، مجله حصون، شماره ۷.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، قم، ج ۳ و ۴ و ۷، چ ۲، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ج ۱۲، چاپ ۳، ناصر خسرو.
۱۵. عارف خانی، احمد، ۱۳۸۷، اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری، چ ۱، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۱۶. علیخانی، علی‌اکبر، ۱۳۹۸، سیاست متعالیه، سال ۷، شماره ۲۴، حکمت و حکمت سیاسی در قرآن و حدیث.
۱۷. عمید، حسن، ۱۳۸۹، فرهنگ فارسی عمید، تهران، چ ۱، انتشارات راه رشد.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، العین، بیروت، ج ۳، الاعلمی المطبوعات.
۱۹. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، درس‌هایی از قرآن، تهران، ج ۴، مرکز فرهنگی.
۲۰. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۹، موسوعة الامام علی علیه السلام، ج ۴، دارالحدیث.
۲۱. محمدی، منوچهر، ۱۳۹۶، انقلاب اسلامی، انتشارات سمت.
۲۲. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، ج ۳، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۳. معلوف، لویس، ۱۳۸۵، ترجمه النمجید، مترجم: احمد یاح، تهران، چاپ ۶، منفرد.
۲۴. معین، محمد، ۱۳۸۱، فرهنگ معین، تهران، ج ۲، چ ۲، کتاب راه نو.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۵۳، تفسیر نمونه، تهران، ج ۴ و ۲ و ۲، چ ۳، دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. منصوری، جواد، ۱۳۶۵، راهبردهای سیاست خارجی، چ ۳، مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
۲۷. نوش آبادی، حسین، ۱۳۹۶، دیپلماسی و نشه راه بین الملل، چ ۲، انتشارات مجد.
۲۸. واعظی دهنوی، عباس، ۱۳۹۱، مبانی سیاست خارجی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، ۱۴۷ جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال سوم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان.
۲۹. بیانیه گام دوم انقلاب
۳۰. سایت رهبری <http://farsi.khamenei.ir>

---

## تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های تمدن غرب و تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

---

مجتبی صبوری<sup>۱</sup>

### چکیده

تمدن‌ها همچون دیگر پدیده‌ها همواره‌ها دستخوش تحول و دگرگونی هستند، از سوی دیگر هر مکتب، ایدئولوژی، دین و اندیشه که علاوه بر ایده و نظر، توان عینیت‌سازی و عمل آن ایده را نیز داشته باشد مسیری تمدنی را پیموده است و ما امروز در دنیای معاصر با دو تمدن بزرگ غرب و تمدن نوین اسلامی مواجه هستیم که توانسته است ارزش‌های خود را بر بسیاری از ملت‌ها نمایان سازد. همین مسئله ضرورت پرداختن به این بحث را نشان می‌دهد؛ از این‌رو پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در صدد است به بررسی مؤلفه‌های تمدن غرب و تمدن نوین اسلامی با توجه به آراء مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای بپردازد.

بر مبنای یافته‌های پژوهش حاضر مهمترین مؤلفه‌های تمدن غرب سلطه طلبی؛ غارت‌گری و فقدان آرامش است. همچنین مقام معظم رهبری با طرح تمدن نوین اسلامی

---

۱. مدرس سطح عالی حوزه علمیه و استاد دانشگاه علامه طباطبایی "ره" Saboorymojtaba@yahoo.com

مؤلفه‌های تحقق آن را کرامت انسانی، علم و معرفت، عدالت گستری، عزت، ولایت، آزادی، استقامت و مقاومت، اصلاح طلبی، استقلال، اخلاق عمومی و رفاه اجتماعی دانسته است.

واژگان کلیدی: تمدن غرب، تمدن نوین اسلامی، مقام معظم رهبری، مؤلفه‌ها، کرامت انسانی

## مقدمه

در تحلیل جریان‌های فکری ایران معاصر در کنار دو جریان سنت گرا و تجدد گرا جریان دیگری نامبرده می‌شود که در نسبت سنجی میان دین و زندگی تمدن گرا و پیشرفت گرا بوده و بر این باور است که دین توان پاسخگویی به نیازهای زندگی هر عصری را دارد. به عبارت دقیق‌تر از منظر این جریان فکری، در مسیر توسعه و تکامل اجتماعی ابعاد مادی و معنوی زندگی انسان قابل تفکیک نیست، بلکه با نگاه منظومه‌ای به دین در پی استخراج پاسخگویی به نیازهای عصر و نسل بود. افزون بر این که تحقق مبانی و معارف اسلامی در جامعه مستلزم الگوسازی مبتنی بر دین و کارشناسی علمی است و روشن است که چنین نگاهی به نسبت میان دین و زندگی از یک سوی متمایز و متفاوت از نگاه فردگرایانه، گذشته‌نگری و شریعت‌گرا به دین است و از سوی دیگر با دل‌بستگی به تجدد و مدرنیته در قرن حاضر مغایر است، بلکه نشان از دیدگاهی دارد که می‌توان آن را اندیشه تمدن نوین اسلامی دانست. این جریان فکری که می‌توان خاستگاه آن را در حدود دهه‌های چهل و پنجاه دانست، با شخصیت‌هایی معرفی می‌شود که در واقع رهبران و عناصر اصلی انقلاب اسلامی ایران هستند. امام خمینی علیه السلام بنیانگذار انقلاب، آیت الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب، شهید بهشتی و شهید مطهری از جمله این شخصیت‌های علمی هستند. با این توصیف نگارنده معتقد است الگوسازی برای حرکت تکاملی جمهوری اسلامی ایران در گرو مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی در مقیاس تمدنی است و در این رهگذر شناخت و بازخوانی اندیشه‌های دیروز و امروز این جریان انقلابی بسیار ضروری و راهگشاست. در همین راستا اندیشه‌های تمدنی مقام معظم رهبری نقش پررنگی دارد.

## معنا شناسی

### الف) تمدن

بدون شک واژه تمدن عربی است؛ چرا که از ماده «م د ن» و «مدینه» در لغت به معنی

شهر گرفته شده است. برخی می‌گویند: «تمدن عبارت از همه فعالیت‌های ذهنی و هر آنچه در بیرون از ذهن در قالب فناوری‌های علمی، اختراعات، اکتشافات جدید، عمران، راه‌ها، شهرها، مساجد، قصرها و قلعه‌ها دیده می‌شود است؛ لذا تمدن فراتر از فرهنگ مدنیت را نیز در بر می‌گیرد.» (حنفی، ۱۳۷۹، ۲۹) بنا براین اساس تمدن اسلامی همه آثاری را که مسلمانان در زمینه‌های علوم نقلی مانند قرآن، حدیث، تفسیر، سیره و فقه و علوم عقلی مانند حساب، هندسه، نجوم و موسیقی و علوم نقلی عقلی مانند اصول دین، اصول فقه، فلسفه و عرفان تالیف کرده‌اند، شامل می‌شود. هنری لوکانس، تمدن را پدیده‌ای به هم تنیده شده می‌داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را در بر می‌گیرد. (لوکاس، بی تا، ۱/۱۶۷) ویل دورانت نیز تمدن را عبارت از نظامی اجتماعی می‌داند که در نتیجه آن خلاقیت فرهنگی امکان پذیر و جریان می‌یابد. وی در ادامه شهر را محل برخورد راه‌های تجاری دانسته و مدعی شده در شهر است که عده‌ای از مردم به فکر ایجاد مرکز علم و فلسفه ادبیات و هنر می‌افتند. (ویل دورانت، ۱۳۶۷، ۳/۱-۵)

از نظر مقام معظم رهبری تمدن اسلامی، یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1138>)

### ب) تفاوت‌های فرهنگ و تمدن

در مواردی بسیار در نظر اندیشمندان، فرهنگ و تمدن به یک معنا در نظر گرفته شده و صرفاً تفاوت‌هایی لفظی و لغوی برای آنها قائل شده‌اند و در اصطلاح نیز فرهنگ و تمدن را مترادف می‌دانند. تمدن نیز همانند فرهنگ در اصطلاح تعریف اصطلاحی واحدی ندارد و دارای ابهام است، به ویژه که در بسیاری موارد با فرهنگ یکی گرفته می‌شود و شاید به طور



کلی آنچه باعث دشواری و پیچیدگی تعریف آن می‌شود همین ارتباطاتش با فرهنگ است؛ چرا که مفهوم فرهنگ بسیار مبهم است و ابهام آن نیز به مفهوم و تعریف تمدن هم سرایت می‌کند. با وجود این هر دو واژه از مفاهیم پرکاربردند. با این حال با تامل در ویژگی‌ها، مولفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ و تمدن روشن است که این دو مقوله‌های یکسان نیستند و در چیستی، ابعاد و خصوصیات هر یک تفاوت‌هایی اساسی وجود دارد. تمدن بعد ساختاری ایده، نظر و عقیده است که به آن فرهنگ می‌گوییم. لذا تمدن نقش نهادینه کردن و قوانین بخشیدن به فرهنگ را دارد. به عبارتی آن را از حالت مکتون ایده و نظر خارج و آن را به عمارت، نظام و ساختار تبدیل می‌کند. از طرفی دلیلی پایایی ماندگاری فرهنگ تبدیل ایران به تمدن است؛ چراکه ماهیت فرهنگی که امری انتزاعی به طور مطابق نظری است، صرفاً فهرستی از انبوه‌اندیشه‌ها خواهد بود و نه ساختارهایی که تحقق و تجسم عینی آن اندیشه‌ها باشند.

سیر در تاریخ بشر نیز نشان می‌دهد که زندگی انسان بر دو رکن نظر (ایده) و عمل (فرم) ظهور، دوام و استوار می‌یابد؛ لذا محال به نظر می‌رسد حیات و زندگی بشری صرفاً اندیشه و نظر باشد یا صرفاً ساختار و عمل. در طول تاریخ نیز حیات انسان متشکل از نظرها و عمل و رفتار بوده است و این یعنی همان داشتن فرهنگ و تمدن انسان در طول تاریخ. از طرفی فرهنگ روح تمدن است و تمدن کالبد فرهنگ؛ از این رو تمدن بعد عینی و تجسمی فرهنگ است و علت ماندگاری و پایا ماندن فرهنگ را بایستی در تمدن جستجو کرد. در این خصوص مظاهر افعال در یک تمدن محصول استخراج آن افعال از نهاد یک ایده و تبدیل آن به قانون عینی در صحنه زندگی انسان است. بنابراین هر مکتب، ایدئولوژی، دین و اندیشه که علاوه بر ایده و نظر، توان عینیت‌سازی و عمل آن ایده را نیز داشته باشد مسیری تمدنی را پیموده است. لذا ضروری است فرهنگ‌ها از دایره ایده‌ها خارج گردند تا به مرتبه تمدن نائل آیند. یعنی اندیشه‌ها از حوزه پنهان نظری خویش خارج و به عرصه‌های عینی زندگی وارد گردند. پس در این صورت است که از یک فرهنگ، یک تمدن ظاهر

می‌شود.

### ج) مؤلفه‌های تمدن غرب از منظر مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری با نگاهی جامع ضمن برشمردن برخی از مؤلفه‌های تمدن غرب در بیانات متعدد ناکارآمدی آنها را بیان کرده است.

۱. سلطه طلبی؛ مقام معظم رهبری در سخنانی ویژگی سلطه طلبی تمدن غرب را ناشی از بینش مادی غرب می‌دانند. می‌فرمایند: «امروز تمدن این که امکانات نظامی را در اختیار مستکبران قرار داده مبتنی بر نگاه مادی به عالم آفرینش است. همین نگاه مادی است که دنیا را بدبخت کرده خود آنها را هم بدبخت کرده وقتی نگاه مادی بود سود پرستان بود دور از معنویت بود دور از اخلاق انسانی بود نتیجه این می‌شود که قدرت نظامی و قدرت سیاسی و قدرت اطلاعاتی در راه به زنجیر کشیدن ملت‌ها به کار می‌رود و تمدن غرب در این چرم چند قرن اخیر که به اوج رسیده هیچ هنری غیر از این نداشته است و شریعت را استثمار کردند ملت‌ها را به زنجیر کشیدند از علم شان استفاده کردند برای نابودی تمدن‌های ملت‌های دیگر و غلبه بر آنها بر فرهنگ آنها بر اقتصاد آنها» (بیانات رهبری در تاریخ ۳۱/۴/۱۳۹۱، ۲۰۴۸۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20482>)

۲. غارت‌گری؛ از جمله ویژگی‌های غرب، خصلت غارت‌گری است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «کشورهایی که با آمریکا ارتباط دارند کشورهای گوناگونی که در آسیا و آفریقا و سایر جاها هستند که بسته به قدرت خودشان اگر قدرت علمی بالایی داشتند اگر در آنها قدرت پیشرفت دانش و تکنولوژی و استقلال وجود داشته باشد به همان اندازه می‌توانند مقاومت کنند اگر در درون خودشان نتوانسته باشند یک بنای شامخ به وجود بیاورند آن قدرت استکباری آمریکا نه فقط با آن‌ها سود نمی‌رساند بلکه از آنها بهره می‌برد به آنها ضربه هم می‌زند آنها را به بازار فروش محصولات خود چه محصولات نظامی و چه محصولات بی ارزش دیگر بدل می‌کند منابع آنها را غارت می‌کند و در همه امور آنها هم دخالت می‌کند این هدف استکبار است». (بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان و دانش

آموزان به مناسبت سالروز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا ۸/۱۲ /  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2978>، ۱۳۷۸)

۳. کمبود آرامش؛ پیشرفت‌های صنعتی غرب اگرچه آسایش و رفاه را پدید آورده است؛ اما آرامش بشر را تامین نکرده است، بلکه اضطراب و فشار روحی بشر افزایش نیز پیدا کرده است. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «الان دنیای اروپا و آمریکا را نگاه کنید ببینید اینها چقدر دچار اضطرابند، چقدر ناآرامی دارند چقدر دنبال آرامش می‌گردند چقدر مصرف قرص‌های مسکن و خواب آور زیاد است چقدر جوان‌ها به کارهای بی‌قاعده دست می‌زنند موها را بلند می‌کنند لباس‌های تنگ میپوشند برای این است که از وضع جامعه ناراحتند عصبانی و خشمگین اند می‌خواهند خودشان را به آرامش برسانند آخرش هم با ناکامی می‌میرند». (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ۴۱)

#### د) تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

تمدن نوین اسلامی تعبیری است که در سخنان مقام معظم رهبری زیاد استفاده شده است. ایشان می‌فرمایند: «آرمان اصلی و واقعی و نهایی، ایجاد تمدن اسلامی است؛ اینها را از دست ندهید و اینها را مطالبه کنید و بخواهید روی آن فکر کنید... این چیزی است که جمهوری اسلامی هدف غایی قرار داده: رسیدن به تمدن اسلامی، منتها تمدن متناسب با این زمان، تمدن نوین اسلام». (خامنه‌ای،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44016>، ۱۳۹۸/۸/۲۴)

مقام معظم رهبری در بسیاری اظهاراتشان معنای تمدن را با دو مفهوم زیرساختی همراه ساخته‌اند؛ نخست ارتباط تمدن اسلامی با زندگی انسانی و دوم تو امانی تمدن اسلامی و امت اسلامی. علت طرح این دو مبحث تأکید بر این نکته است که مقام معظم رهبری مفهوم‌شناسی تمدن را که غالباً از جمله مباحث نظری است با عرصه عمل و عینیت‌های محیطی گره زده‌اند و این از مهمترین ویژگی‌های دیدگاه‌های تمدنی ایشان است. (بهمنی،

### پیش نیازها و الزامات اولیه شکوفایی تمدن نوین اسلامی

بی تردید تمدن اسلامی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است و در این آموزه‌ها، توصیه‌ها، سفارش‌ها و همه باید‌ها و نباید‌ها برای شکوفایی مظاهر و عملکرد آنها در تمدن اسلامی منسجم است. مواردی از قبیل هنجارهای فردی و اجتماعی، تعمیم ارزش‌های مشترک عینی و آرمان‌های مطلوب در سطوح داخلی و جهانی، تقویت معنویت‌گرایی و تکیه بر قدرت معنوی، پیوند دین و سیاست و همه شئون زندگی، گفتمان‌سازی و نظریه‌پردازی‌های اسلامی، نفی انگیزه‌های قومی و نژادی، پرهیز از دامن زدن به اختلافات مذهبی و فرقه‌ای، تبیین جهان‌شمولی اسلام، عدالت‌محوری، آموزش، همگرایی اعتدال‌محور و...؛ بنابراین برای نیل به تمدن نوین اسلامی می‌بایست بن‌مایه‌های اعتقادی و ارزشی و هنجاری و در نهایت رفتاری با تکیه بر تعالیم اسلامی رونق یافته و نهادینه شود.

برخی با ملحوظ کردن روابط اجتماعی-سیاسی، زمینه‌ها و الزامات اولیه تمدن اسلامی را مواردی از قبیل ذیل برشمرده‌اند:

۱. فضای آرام روانی در صحنه سیاسی و اجتماعی و پرهیز از تنش‌ها و چالش‌ها.
۲. عزم ملی و اراده جمعی که بتواند در اجزاء مختلف سیستم و تمامی سطوح فضای نوآوری را حاکم سازد.
۳. هماهنگی و همدلی صادقانه مسئولان، مدیران و نخبگان جامعه برای اینکه نوآوری مطلوب فضای جامعه را فرا بگیرد.
۴. نگاه فرا جناحی احزاب و تشکل‌ها به موضوع نوآوری و اجتناب از مصادره آن به نفع گروه جناح.
۵. شناسایی نقصان و کاستی‌ها در سیستم‌ها و روش‌ها که بتوان بن‌بست‌ها و کمبودها را در معرض دید عمومی قرار داده تا نسبت به رفع آن چاره‌جویی شود.
۶. تدبیر علمی و عقلی در ارائه نوآوری‌ها
۷. پرهیز از بلند پروازی‌ها جهت عملیاتی ساختن طرح‌ها

۸. تناسب نوآوری‌ها با ظرفیت‌ها و امکانات موجود
  ۹. نوآوری بر اساس مطالبات عمومی جامعه و به دور از افزایش نیازها و غیر واقعی نمودن آنها
  ۱۰. زودبازده و موثر بودن نوآوری در رفع مشکلات اجتماعی و معیشتی مردم عاری از هرگونه بزرگنمایی
  ۱۱. تکریم و تجلیل از افکار و طرح‌های نو
  ۱۲. اهتمام و همت جهت عملیاتی کردن فکرها و ایده‌های جدید
  ۱۳. مخاطب شناسی در نوآوری. (حسین زهی، عبدالستار، ۱۳۷۸)
- به باور مؤلف این موارد در سطح مناسبی قرار ندارد و نقطه آغاز و پایانی برای دستیابی به تمدن ارائه نمی‌دهد. به عبارتی برای ترسیم نقشه راه از یک نقطه آغازین تا منتهی مقصود و هدف غایی مسیر مشخص نمی‌کند. اما برخی دیگر با تقسیم‌بندی الزامات تمدن نوین اسلامی آن را به ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم کرده‌اند که تا حدودی ابعاد مادی و معنوی تمدن اسلامی را مشخص کرده است؛

### الزامات جنبه سخت‌افزاری (ابزاری)

#### الف) در بعد دانش

۱. وجود دانشگاه تمدن ساز
۲. نوآوری در عرصه علمی
۳. افزایش دانش سیاسی جهت تعاملات بین‌المللی
۴. رشد علمی، توجه به علم و تبدیل آن به یکی از گفتمان‌های اصلی جامعه و ایجاد فضای مساعد برای شکوفایی و تولید علم و فناوری بر مبنای آموزه‌های اسلامی
۵. عامل انسانی آگاه (تربیت نیروی انسانی و مدیران لایق)
۶. اجتهاد پویا: جاودانگی و جهانی بودن تعالیم اسلام

### ب) نگرش

۱. احساس هویت و خودباوری
۲. معرفی ویژگی ها و ظرفیت تمدن سازی اسلام با به کارگیری از تبلیغ و ابزارهای تبلیغ
۳. اعتبار بین المللی و مقابله با اسلام هراسی
۴. احساس امنیت (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، روانی و...)

### ج) در بعد توانش

۱. اقتدار (اجتماعی، سیاسی و نظامی)
۲. انضباط کاری

### الزامات جنبه نرم افزاری تمدن اسلامی

### الف) در بعد دانش

۱. تبیین مبانی نظری و فلسفی سبک و سلوک زندگی
۲. توحید گرایی
۳. نوآوری در عرصه فرهنگی
۴. عقلانیت اسلامی
۵. آگاهی از ارزش های ایرانی اسلامی
۶. فرهنگ سازی

### ب) در بعد نگرش

۱. اخلاق حرفه ای
۲. تقویت حس کرامت
۳. مدارا و سعه صدر
۴. صبر و تحمل در رسیدن به نتیجه مطلوب

۵. امر به معروف و نهی از منکر

۶. مسئولیت پذیری و اهتمام داشتن به امور

### ج) در بعد توانش

۱. عمل به قرآن و اجرای صحیح تعالیم مکتب اسلام

۲. پرهیز از تقلید

۳. ایجاد وحدت در جهان اسلام

۴. پیروی از رهبری واحد و پرهیز از اختلافات قومی مسلمین

۵. سبک زندگی

۷. استفاده از کارکردهای مساجد

تعالیم اسلام دو هدف اساسی را پیگیری می‌کند، هدف اول انسان سازی و هدف دوم تمدن سازی که آن هم فضای رشد و تعالی انسان کامل را تامین می‌کند. آیت الله جوادی آملی در همین رابطه می‌گوید: «مهمترین هدفی که حکومت اسلامی به همراه دارد دو چیز است؛ اول انسانها را به سوی خلیفه الله شدن راهنمایی و مقدمات سیر و سلوک آن را فراهم کردند، دوم کشور اسلامی را مدینه فاضله ساختن». (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ۱۰۰)

در هدف اول که انسان سازی و آماده کردن انسان برای پذیرش مقام خلیفه الهی در زمین، حفظ صبغه الهی و دینی در تمام مراحل زندگی از تولد تا مرگ، فرایندهای آن ناظر به انسان سازی و تمدن سازی است که می‌بایست خروجی آن انسان ها و جامعه الهی باشد. بنابراین بخش زیادی از تعالیم دینی زمینه ساز تمدن اسلامی است از طریق انسان سازی و انسان سازی نیز برای جامعه سازی. اما هدف دوم ساخت مدینه فاضله آرمان شهری با کشور اسلامی و تعابیری از این دست می‌باشد. بنابراین الزامات نرم افزاری تمدن ناظر به پیاده سازی و تحقق عینی تمدن اسلامی در جامعه و میان شهروندان آن است و این به این معنا است که باید تمام فرآیندها و ساز و کارهای لازم برای تحقق فرهنگ و تمدن اسلامی تبیین و با تکیه بر محتوای اسلامی طراحی و حلقه‌های لازم برای اجرای آن طرح بر اساس

محاسبات و مهندسی الهی تکمیل شوند. در این خصوص موارد زیر مورد تأکید است:

۱. توجه به علوم و معارف قرآنی به عنوان بن مایه تمدن اسلامی
۲. تلاش مجددانه با اعتقادی راسخ
۳. رعایت ارزش‌های اخلاقی در بعد علمی و عملی
۴. بومی‌سازی علمی و فرهنگی با پرهیز از تقلید و اقتباس صرف
۵. تدوین الگوی توسعه اسلامی نقشه راهبردی و کلان تربیت انسان متعالی متناسب با تمدن نوین اسلامی
۶. اصلاح سبک زندگی به عنوان بعد نرم افزاری تمدن نوین اسلامی. (ملکی حسن، ملکی یاسر، ۵۹۳-۶۱۶).

### الزامات معنوی و اخلاقی تمدن اسلامی

تمدن اسلامی الزاما بر معنویت و اخلاق نیز استوار است و پایه‌های آن بر عبادت خالصانه و اخلاق اسلامی مستحکم شده است. برخی محورهای توحیدگرایی و مصادیق آرمانی اخلاق اسلامی از این قرار است:

۱. نگرش توحیدی
۲. مقابله با عناصر معنوی کاذب
۳. تقویت حس کرامت نفس
۴. صداقت و پرهیز از دروغ و نفاق
۵. اصالت اخلاق و رفتار
۶. پرهیز از غرور و تکبر و خودستایی
۷. مدارا و سعه صدر
۸. مهرورزی و خوش رفتاری

حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌فرمایند: «اخلاق زیربنای تمدن اسلامی است. ایجاد عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه



خدا کارآمدی را مضاعف خواهد کرد. اخلاق نیکو به معنای پروراندن صفات نیکو و خلیات فاضل در دل و جان خود و انعکاس آنها در عمل خود است که اگر در جامعه‌ای باشد مایه سعادت است. در مقابل جامعه‌ای که در بین خود دچار حسد، بدخواهی، حيله گری، حرص به دنیا و بخل نسبت به مال دنیا و دچار کینه ورزی با یکدیگر باشند، حتی اگر قانون هم به طور دقیق عمل شود، سعادت در این جامعه نیست. اگر علم هم پیشرفت کند و تمدن ظاهری هم به منتهای شکوه برسد این جامعه، جامعه بشری مطلوب نیست. قانون فردی و اجتماعی اسلام در جای خود وسیله‌هایی برای سعادت بشر اند (در این تردیدی نیست)؛ اما اجرای درست همین قوانین هم احتیاج به اخلاق خوب دارد». (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۸۵/۱/۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3334>)

### حوزه‌های تمدن‌ساز

بدیهی است برای ایجاد تمدن نوین اسلامی فقدان برنامه، مسیر و نقشه راه مشخص، افقها، تصمیم‌گیران و مجریان و... کار را پیچیده می‌کند؛ اما مطالعه، تحقیق و پژوهش در این زمینه کارساز خواهد بود. یکی از مولفه‌هایی که در ساخت تمدن اسلامی می‌توان بدان پرداخت حوزه‌های فردی، اجتماعی، علمی و جهانی تمدن است. به عبارتی برای پیوند تمدن با جامعه می‌بایست بر چهار حوزه فوق تأکید ورزید؛ لذا با توجه به اهمیت این اقدام بزرگ در ایجاد تمدن نوین اسلامی برنامه‌هایی را در چهار حوزه پیشنهاد می‌شود:

حوزه اول: فردی

الف) تقویت توانایی‌های فردی

حوزه دوم: اجتماعی

الف) تحکیم بنیان خانواده

ب) تقویت بنیان‌های جامعه خود

ج) همراه کردن دیگران با خود

حوزه سوم: علمی

- الف) تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری  
 ب) استحکام بخشیدن به نظام اسلامی  
 ج) تقویت عزت نفس عمومی  
 حوزه چهارم: جهانی  
 الف) حضور موثر و فعال در جامعه جهانی  
 ب) تأکید بر محتوای عقلانی و خردمندانه دین  
 ج) استفاده از بهترین و کارآمدترین ابزارها برای رساندن پیام  
 د) مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ جهاد و شهادت و انتظار  
 ه) دعوت به حق و عدالت

### راهبردها و الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

راهبردها و الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری از این قرار است:

#### ۱. ایمان

در اندیشه مقام معظم رهبری در درجه اول، نیاز تمدن نوین اسلامی به ایمان مطرح است. ایشان معتقدند جدایی دیانت از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام که سیاست نیز یک بعد مهم آن است، ایمان نیاورند، وارد اسلام واقعی نمی‌شوند. معظم له بر این باورند که بدون ایمان، پیشرفت میسر نیست و کار به نحو صحیحی انجام نمی‌شود. اکنون آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم، فاشیسم یا توحید ناب باشد. بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد.

یک تمدن بزرگ، عمیق و ریشه دار اسلامی زمانی می‌تواند فکر و فرهنگ خود را در دنیا

گسترش دهد که با تکیه بر تعالیم اسلام در تحقق آن بر آمده و بر آن استقامت ورزد. البته دشمنان اسلام برای توقف این حرکت عظیم به دنبال کشاندن جامعه به بی‌ایمانی است که این امر یکی از توطئه‌هایی است که به فرموده مقام معظم رهبری با شدت و جدیت دنبال می‌شود؛

«کشاندن جامعه به بی‌ایمانی یکی از همان توطئه‌هایی است که دشمنان تمدن‌سازی اسلامی دنبال آن بودند و الان هم با شدت این را دارند دنبال می‌کنند. پس در درجه اول نیاز تمدن‌سازی اسلامی نوین به ایمان است. این ایمان را ما معتقدین به اسلام پیدا کرده‌ایم. ایمان ما ایمان به اسلام است. در اخلاقیات اسلام، در آداب زندگی اسلامی همه آنچه را که مورد نیاز ماست می‌توانیم پیدا کنیم باید آنها را محور بحث و تحقیق خودمان قرار دهیم. ما در فقه اسلامی و حقوق اسلامی زیاد کار کرده‌ایم، باید در اخلاق اسلامی و عملی اسلامی هم یک کار پر حجم و با کیفیت ای انجام دهیم». (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>

## ۲. عمل به تعالیم قرآن

در اسلام قرآن کریم در راس منابع دینی، بیان‌کننده و البته پاسخ‌دهنده به همه نیازهای آدمی قرار دارد. سرگذشت تمدن‌های پیشین و مطالعه تاریخ آنان به خوبی ضرورت عمل به تعالیم قرآن را برای ما آشکار خواهد نمود. بشر برای رسیدن به کمال نیازمند برنامه‌ای جامع و کامل است که بتواند با اعتماد بر آنها و تکیه بر آن در مسیر نیل به کمال حرکت کند. خداوند متعال می‌فرماید: «و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء و هدی و رحمه و بشری للمسلمین؛ و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است» (نحل: ۸۹) بر این اساس برای ساختن تمدن نوین اسلامی می‌بایست سبک زندگی اسلامی را با بهره‌گیری و عمل به مفاهیم قرآنی طرح ریزی نمود. به اعتقاد مقام معظم رهبری شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی» و نه ایران شیعی باشد. بدیهی است که اولین و عالی‌ترین

منبع مشترک بین همه فرق اسلامی، قرآن عظیم است. ایشان همچنین عامل اصلی دشمنی معاندان با ایران اسلامی را همین موضوع یعنی محوریت قوانین الهی برگرفته شده از قرآن می‌داند. (امام خامنه‌ای، بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17269>، ۱۳۹۰/۶/۲۶)

### ۳. اهتمام در به کارگیری عقلانیت اسلامی

از نظر مقام معظم رهبری عقلانیت، یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن. برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود. عقلانیت به معنای محافظه‌کاری، مسامحه و تساهل نیست. همچنین به اعتقاد ایشان یکی از مشکلات بزرگ مسلمانان، به کار نبستن عقل و خرد خدادادی است که سبب خسارت‌های مادی، معنوی، دنیوی و اخروی شده و تشکیل امت بزرگ واحد اسلامی را با اخلال مواجه کرده است. (امام خامنه‌ای، بیانات در سالروز عید مبعث،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7435>، ۱۳۸۸/۴/۲۹)

### ۴. پرهیز از سطحی‌نگری

### ۵. پرهیز از تقلید از غرب

### ۶. تولید فکر

در این زمینه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «تولید فکر اسلامی برای این راه ضروری و لازم است و اگر علمای دین سرصحنه نباشند دیگری نمی‌تواند این کار را انجام دهد... البته در آحاد مردم هم نقش آفرینی دینی هست؛ از راه امر به معروف و نهی از منکر، از راه آماده سازی خود برای اینکه در یک جایگاه نقش آفرین قرارگیرند». (خامنه‌ای، بیانات در

جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۴ / ۷ / ۱۳۷۹،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21451>)

## ۷. پرورش انسان

مقام معظم رهبری این وظیفه مهم را در درجه اول بر عهده علمای دین قرار می دهند و می فرمایند: «باید کسانی باشند که بتوانند روحیه ایمان را در انسان‌ها پرورش دهند، بدون شک مدیران جامعه جزء نقش آفرینان اند، سیاستمداران جزء نقش آفرینان اند، متفکران و روشنفکران جزء نقش آفرینان اند؛ اما نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می کنند، یک نقش یگانه است؛ نقش منحصر به فرد است، مدیران جامعه هم برای اینکه بتوانند درست نقش آفرینی کنند، به علمای دین احتیاج دارند...». (همان)

## مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

این مؤلفه‌ها عبارتند از:

۱. کرامت انسانی

۲. علم و معرفت

در اندیشه مقام معظم رهبری، مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم، چراغ راه تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان، فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی، مجاهده علمی است. علم از دیدگاه ایشان سلطه‌آور است و جامعه صاحب علم را قدرتمند می‌سازد. ایشان به میزان بسیاری تأکید می‌کنند که علم را باید فراگرفت و به تولید و صدور آن پرداخت و به مصرف آن نباید بسنده کرد. نکته بسیار مهم در دیدگاه ایشان درباره علم، شکستن مرزهای دانش به وسیله مسلمانان است. به اعتقاد ایشان، تحجر و جزم‌گرایی در خصوص یافته‌های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاداندیشی راه برون‌رفت از این آفت است. (امام خامنه‌ای، بیانات در

جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3053>، ۱۳۷۹/۱۲/۹)

### ۳. عدالت گستری

۴. عزت؛ مقام معظم رهبری نظر به اهمیت این مولفه فرموده‌اند: «اگر خرید کالاهای وارداتی از کشورهای غیر اسلامی و استفاده از آن‌ها باعث تقویت دولت‌های کافر و استعمارگر که دشمن اسلام و مسلمین هستند شود و یا قدرت مالی آنها را برای هجوم به سرزمین‌های اسلامی یا مسلمین در سراسر عالم، تقویت نماید واجب است که مسلمانان از خرید و به کارگیری و استفاده از آن اجتناب کنند». (اجوبه الاستفتاءات،

(<https://farsi.khamenei.ir/treatise-content?id=121>)

### ۵. ولایت

### ۶. آزادی

### ۷. استقامت و مقاومت

### ۸. اصلاح طلبی

۹. استقلال: به فرموده مقام معظم رهبری آگاهی از خاستگاه مدهایی که در غرب پیدا می‌شود و به سرزمین‌های دیگر منتقل می‌شود بسیار اهمیت دارد؛ چرا که بسیاری از این مدها در بردارنده پیامی منفی یا ترویج دهنده یک گروه غیر اخلاقی است. به طور کلی تقلید از مدهایی که شبیه شدن به دشمنان اسلام و ترویج فرهنگ آنها را به دنبال دارد حرام است». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۳/۳/۸،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2715>)

### ۱۰. اخلاق عمومی و رفاه اجتماعی

## نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت از منظر مقام معظم رهبری تمدن غرب اگرچه به لحاظ مادی پیشرفت‌هایی داشته باشد و آسایش مادی بشر را تامین کرده، اما نتوانسته

آرامش فکری و معنوی انسان‌ها را تامین کند و بر اضطراب روحی و روانی بشر افزوده است. درباره راهبردها و مؤلفه‌های تحقق تمدن نوین اسلامی هرچند اندیشمندان و مورخان اسلامی در تاریخ اسلام بیان کرده‌اند؛ اما مقام معظم رهبری به شیوه منسجم‌تری درباره آن‌ها سخن گفته‌اند. راهبردها و الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری عبارتند از ایمان، عمل به تعالیم قرآن، اهتمام در به کارگیری عقلانیت اسلامی، پرهیز از سطحی‌نگری، پرهیز از تقلید غرب، تولید فکر، پرورش انسان. مؤلفه‌های مدنظر مقام معظم رهبری در تحقق تمدن نوین اسلامی نیز عبارتند از کرامت انسانی، علم و معرفت، عدالت گستری، عزت، ولایت، آزادی، استقامت و مقاومت، اصلاح طلبی، استقلال، اخلاق عمومی و رفاه اجتماعی.

## منابع

۱. بهمنی، محمدرضا، تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای، فصلنامه علمی پژوهشی، نقد و نظر، سال نوزدهم، شماره ۲، ۱۳۹۳
۲. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ولایت فقاہت و عدالت، قم: اسراء، چاپ هفتم، ۱۳۸۰.
۳. حنفی، حسن، اندیشه و تمدن اسلامی و مباحثی پیرامون آنها. نامه‌ی علوم انسانی، ۱۳۷۹.
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای: [khamenei.ir](http://khamenei.ir)
۵. خامنه‌ای، سید علی، نکته‌های ناب، قم: دفتر نشر معارف، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
۶. لوکاس، هنری، تاریخ تمدن، عبدالحسین آذرنگ، تهران: توس، بی تا.
۷. ملکی حسن، ملکی یاسر، تعامل اخلاق معنویت و عقلانیت در تمدن نوین اسلامی، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۱۷.
۸. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۷.



---

## اصول اخلاقی نمایندگی مجلس در گام دوم انقلاب از منظر اسلام و غرب

---

محمد مهدی چگینی<sup>۱</sup>

### چکیده

نظام جمهوری اسلامی در گام دوم از حیات پربرکت خود باید به قله‌های رفیع در زمینه‌های گوناگون دست پیدا کند. یکی از مهم‌ترین ارکان حکومت که نقش تعیین‌کننده در دستیابی به اهداف گام دوم انقلاب ایفا می‌کند، مجلس شورای اسلامی است. مهم‌ترین وظیفه مجلس شورای اسلامی، قانون‌گذاری برای اجزای مختلف حکومت و مردم است که چگونگی آن نقش بی‌بدیلی در سعادت و یا شکست یک ملت ایفا می‌کند. نمایندگان مجلس مانند هر حرفه دیگری لازم است اصول اخلاقی را رعایت کنند و از انجام دادن امور غیراخلاقی خودداری کنند تا بتوانند در انجام دادن وظایف خود موفق ظاهر شوند. بخشی از اصول اخلاقی که نمایندگان مجلس باید به آن پایبند باشند، شامل حال سایر افراد نیز می‌شود و بخشی نیز باتوجه به ویژگی‌ها و اقتضائات نمایندگی مجلس، به صورت ویژه از یک نماینده مجلس انتظار می‌رود که به آنها پایبند باشد. در کشورهای مختلف با تهیه و تدوین

---

۱. فارغ التحصیل مقطع دکتری دانشگاه باقرالعلوم. [chegini.mahdi@gmail.com](mailto:chegini.mahdi@gmail.com)

کد اخلاقی نمایندگی مجلس، تلاش شده است تا نمایندگان مجلس را با استانداردهای اخلاقی خود آشنا سازند تا زمینه تقویت اخلاق در میان نمایندگان مجلس فراهم شود. در این تحقیق قصد داریم با استفاده از آیات قرآن کریم و همچنین بهره‌گیری از روایات اهل بیت سلام‌الله‌علیهم، به روش توصیفی تحلیلی، اصول و بایسته‌های اخلاقی نمایندگان در گام دوم انقلاب اسلامی را بررسی کنیم. از منظر برخی اندیشمندان، مهم‌ترین اصل برای نمایندگان مجلس این است که با رفتار خود، اعتماد عمومی به نهاد قانون‌گذاری را خدشه‌دار نکنند. تمامی اصول اخلاقی که به نمایندگان سفارش می‌شود، همگی در جهت محافظت از این مساله است؛ چرا که با از بین رفتن اعتماد عمومی به این نهاد، کارکرد آن نیز بشدت تضعیف می‌شود.

**کلیدواژگان:** نمایندگان مجلس، اخلاق قانون‌گذاری، قرآن، گام دوم

## مقدمه

نمایندگان مجلس مانند هر حرفه دیگری لازم است اصول اخلاقی را رعایت کنند و از انجام دادن امور غیر اخلاقی خودداری کنند تا بتوانند در انجام دادن وظایف خود موفق ظاهر شوند. بخشی از اصول اخلاقی که نمایندگان مجلس باید به آن پایبند باشند، شامل حال سایر افراد نیز می‌شود و بخشی نیز باتوجه به ویژگی‌ها و اقتضائات نمایندگی مجلس، به صورت ویژه از یک نماینده مجلس انتظار می‌رود که به آنها پایبند باشد. در کشورهای مختلف با تهیه و تدوین کد اخلاقی نمایندگی مجلس، تلاش شده است تا نمایندگان مجلس را با استانداردهای اخلاقی خود آشنا سازند تا زمینه تقویت اخلاق در میان نمایندگان مجلس فراهم شود.

## جایگاه کدهای اخلاقی در اخلاق حرفه‌ای

از جمله مهم‌ترین بخش‌های اخلاق حرفه‌ای در مشاغل گوناگون، کدهای اخلاقی است (بوسلیکی، ۱۳۹۱، ص. ۵۵) که در زبان فارسی با واژگانی چون آئین نامه اخلاقی، منشور اخلاقی، دستورالعمل اخلاقی، عهدنامه اخلاقی و سند اخلاقی از آن یاد شده است. البته به دلیل اینکه معادل‌های فارسی هیچ‌کدام به اندازه کافی مشیر به اصطلاح کد اخلاقی نیستند، در این رساله از واژه اصلی کد اخلاقی استفاده خواهد شد. تهیه و تدوین کدهای اخلاقی از جمله راهکارهای تقویت جایگاه اخلاق در میان حرفه‌ها و مشاغل گوناگون است که در دهه‌های اخیر رواج گسترده‌ای پیدا کرده است. به طور کلی دستورالعمل یا کد اخلاقی به مجموعه‌ای از راهنمایی‌های اخلاقی گفته می‌شود که اندیشمندان اخلاق حرفه‌ای و همچنین صاحبان و متولیان مشاغل گوناگون برای بسط جایگاه اخلاق در میان کارکنان و شاغلان یک حرفه خاص تهیه می‌کنند. به عبارت دیگر، کدهای اخلاقی سندهایی هستند که وظائف و ارزش‌های اخلاقی مقتضی را برای صاحبان مشاغل گوناگون بیان می‌کنند. تهیه و تدوین چنین سندی از مهم‌ترین بخش‌های اخلاق حرفه‌ای در مشاغل گوناگون به شمار می‌رود. (بوسلیکی، ۱۳۹۱، ص. ۵۲).

تاریخچه تهیه کدهای اخلاقی به دوران باستان بازمی‌گردد. به باور برخی، نخستین نمونه از کد اخلاق حرفه‌ای را باید در سوگندنامه بقراط برای پزشکان جست که اصولی را که هر پزشک باید به آن ملتزم باشد را برمی‌شمرد. همچنین در آثار دیگر فلاسفه غرب مانند افلاطون و ارسطو نیز ویژگی‌های اخلاقی یک حاکم خوب ذکر شده است. در جهان شرق نیز می‌توان به آثار کنفوسیوس اشاره کرده که ویژگی‌های اخلاقی حکومت‌رانی را ذکر کرده است. با این حال رواج تهیه کدهای اخلاقی برای مشاغل گوناگون را می‌توان در نیمه دوم قرن بیستم میلادی مشاهده کرد که به مرور شرکت‌های بزرگ اقدام به تدوین چنین کدهایی برای کارکنان خود کردند. (Vallentyne, 1989, ص. ۳۰۲)

به باور برخی اندیشمندان، مهم‌ترین محرک برای تدوین چنین کدهایی از سوی شرکت‌های بزرگ را می‌توان جهانی‌سازی عنوان کرد. توضیح اینکه با ظهور شرکت‌های بزرگ و چند ملیتی در نیمه دوم قرن گذشته، ابعاد فعالیت‌های اقتصادی گسترده‌تر و شیوه‌های تولید نیز پیچیده‌تر شد به طوری که بسیاری از شرکت‌های بزرگ برای کم کردن هزینه‌ها، خطوط تولید خود را به کشورهای فقیر و درحال توسعه مانند چین و برخی کشورها در آمریکای لاتین منتقل کردند تا با استفاده از نیروی کار ارزان در آن کشورها تولیدات خود را افزایش دهند. این مسأله به مرور موجب شد که شرکت‌ها با نادیده گرفتن حقوق کارگران و بی‌توجهی به محیط زیست در کشورهای مختلف، هر ساله سودآوری خود را افزایش دهند. ادامه این وضعیت سبب اعتراض گسترده فعالان کارگری و فعالان محیط زیست در آن کشورها شد و به مرور برخی از مصرف‌کنندگان نیز با پیوستن به این اعتراضات، تحریم محصولات برخی از این شرکت‌ها را در پیش گرفتند. در نهایت شرکت‌های بزرگ برای راضی نگه داشتن مصرف‌کنندگان خود اقدام به تهیه و تدوین اخلاق حرفه‌ای در مشاغل تابعه خود کردند تا با تقویت جایگاه اخلاق در محیط‌های کاری و افزایش رضایتمندی کارکنان و کارگران خود، زمینه را برای جلب رضایت مشتریان و مصرف‌کنندگان خود فراهم کرده باشند. (بکر، ۱۳۸۰، ص. ۱۳۰)

## کدهای اخلاقی برای نمایندگان مجلس در جهان

در اواخر قرن بیستم میلادی رضایت شهروندان از حاکمیت و نهادهای سیاسی به طرز چشمگیری در کشورهای دموکراسی توسعه یافته کاهش پیدا کرد. عوامل متعددی در بروز این مسأله نقش داشتند که مهم‌ترین آنها پاسخگو نبودن و مسئولیت‌پذیر نبودن سیاست‌مداران بود. در واقع درصد زیادی از مردم به این نتیجه رسیده بودند که سیاست‌مداران صرفاً به دنبال کسب و حفظ قدرت هستند و مشکلات و مسائل مردم اهمیت چندانی برای آنها ندارد. در این میان اخبار رسوایی‌هایی متعدد اقتصادی و اخلاقی از دیگر عواملی بود که به این تصور دامن می‌زد. چنانکه پیشتر اشاره شد، در نیمه دوم قرن بیستم شرکت‌های بزرگ به تدریج اقدام به تهیه و تدوین کدهای اخلاقی برای کارکنان خود کردند تا ضمن جلوگیری از برخی مشکلات، جایگاه اخلاق را در محیط شغلی بهبود بخشند و در نتیجه مشتریان بیشتری را نیز به دست آورند. در چنین فضایی بود که احزاب سیاسی در کشورهای غربی لزوم تهیه و تدوین چنین کدهایی را برای سیاست‌مداران گوشزد کردند و از آنجا که نهاد مجلس در دموکراسی‌های توسعه یافته نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند، کد اخلاقی نمایندگی مجلس از نخستین کدهای اخلاق حرفه‌ای سیاسی بود که در برخی کشورها معرفی شد. (Thompson, 1995, p. 55)

کد اخلاقی یا رفتاری نمایندگان مجلس پدیده نسبتاً نو ظهوری است که نخستین بار حدود سی سال قبل معرفی شد. کد اخلاقی نمایندگان مجلس سندی است که با قاعده‌گذاری روشن در مورد بایسته‌های اخلاقی نمایندگان مجلس، رفتار پسندیده و مورد انتظار از نمایندگان را از رفتار ناپسند جداسازی می‌کند. به عبارت دیگر، نمایندگان مجلس نیز همچون افراد شاغل در حرفه‌های دیگر، لازم است از یک سری اصول اخلاقی و رفتاری خاص تبعیت کنند تا در انجام بهتر وظائف خود موفق باشند.

## بایسته‌های اخلاق حرفه‌ای نمایندگان

آنچه تاکنون بیان شد، اشاره‌ای بود به کدهای اخلاق حرفه‌ای نمایندگی مجلس در دیگر

کشورها که باتوجه به شرایط و اقتضائات در آن کشورها تهیه و تدوین شده‌اند. باتوجه به تفاوت ماهوی نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام مردم‌سالار دینی با نظام‌های سیاسی سکولار که آموزه‌های دینی در آن نقشی ندارد، لازم است که کداخلاق نمایندگان مجلس در نظام جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن اقتضائات خاص یک حکومت مردم‌سالار دینی تهیه شود و در کنار بهره‌مندی از تجربیات کشورهای دیگر در زمینه اخلاق حرفه‌ای نمایندگی مجلس، آموزه‌های دینی نیز در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد تا در نهایت یک نظام اخلاقی جامع برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی تهیه و تدوین گردد. طبیعی است که تهیه کدهای اخلاقی تنها گام نخست در ترویج اخلاق میان نمایندگان مجلس است و لازم است که مسئولان مجلس شورای اسلامی با اتخاذ تدابیر لازم به نهادینه شدن اخلاق حرفه‌ای میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی کمک کنند. ( Trapnell, 2013, ص. ۱۱).

بنابراین در ادامه، تلاش می‌کنیم با در نظر گرفتن لوازم و اقتضائات نمایندگی مجلس در نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام مردم‌سالار دینی، بایسته‌ها و ناهنجاری‌های اخلاقی نمایندگان را مورد بحث و بررسی قرار دهیم و زمینه برای تهیه و تدوین کداخلاق نمایندگان مجلس متناسب با نظام جمهوری اسلامی را فراهم سازیم.

### امانت‌داری

امانت‌داری در فرهنگ لغت، دارای معانی مختلفی است: پاس‌داری، حفاظت، مواظبت، مراقبت، رازداری، نگه‌داری از جمله معانی امانت است و مفاهیمی چون: خیانت، دزدی و چپاول و بی‌مبالاتی در نگه‌داری اسرار، متضاد آن می‌باشد. (البته در اینجا امانت‌داری به معنای مواظبت در استفاده از بیت‌المال مدنظر است و مسأله رازداری و حفظ اسرار در قسمتی جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد). امانت‌داری و مراقبت در استفاده از بیت‌المال از مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی یک نماینده مجلس است که توجه به جایگاه فوق‌العاده یک نماینده در نظام سیاسی کشور و حجم بالای امکانات و اموالی که در اختیار

او قرار داده می‌شود، اهمیت وجود این ویژگی اخلاقی در نمایندگان را به خوبی نشان می‌دهد. اخذ رشوه با عناوین مختلف، استفاده از خودرو دولتی، دفتر و کارمندان در مصارف شخصی مانند انتخابات و مصرف بودجه‌های دولتی در امور شخصی از مهم‌ترین مصادیق خیانت در امانت توسط نمایندگان مجلس است.

امانت‌داری نمایندگان مجلس علاوه بر اینکه از جهت حفظ بیت‌المال اهمیت فراوانی دارد، بخاطر تاثیر مستقیمی که بر میزان اعتماد مردم به نهاد مجلس و به طور کلی حکومت دارد از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. همچنانکه در فصل گذشته اشاره شد، از مهم‌ترین کارکردهای وجود نهاد مجلس در حکومت‌ها، اطمینان بخشی به مردم در مورد عملکرد مسئولان کشور از طریق تعیین نماینده‌هایی با رأی مستقیم مردم در بالاترین جایگاه حکومت است. در حقیقت نهاد مجلس، چشمان تیزبین ملت در حکومت است که در صورت عملکرد صحیح، اعتماد مردم به حکومت افزایش پیدا می‌کند. روشن است که در چنین وضعیتی، هرگونه سوءاستفاده مالی نمایندگان مردم تا چه اندازه می‌تواند اعتماد مردم به مجلس و حکومت را تضعیف کند و مصداق ضرب‌المثل معروف «هرچه بگندد نمکش می‌زنند، وای به حالی که بگندد نمک» می‌شود.

در آموزه‌های اسلامی امانت‌داری از مهم‌ترین دستورات اخلاقی و دینی مسلمانان شمرده شده است به طوری که امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «رأس الاسلام الأمانة؛ رأس مسلمانی امانت‌داری است». امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «اتقوا الله وعلیکم بآداء الامانه الی من ائتمنکم»: از خدا بترسید و هرکس که شما را امین دانسته و امانتی به شما سپرده، امانتش را بازگردانید. همچنین در مورد امانت‌داری مسئولان حکومتی در روایات نیز تأکید زیادی شده است به طوری که امیرالمومنین علیه السلام خطاب به ابن عباس، حاکم بصره می‌نویسد: «و به خدا سوگند! اگر مرا اطلاع رسد که تو در فیء مسلمانان کم یا زیاد، خیانتی روا داشته‌ای، چنان با تو تند برخورد نمایم که ندار مانی و در اداره خانه بمانی و ذلیل و پریشان گردی...». بر اساس آموزه‌های اسلامی، هرکسی در هرپست و مقامی که باشد، امانت‌دار مردم

است و باید در حفظ امانت بکوشد؛ زیرا اموال، ناموس، حیثیت، شرف و بسیاری از مسائل حیاتی مردم نزد مسئولین حکومتی قرار داده شده است و او مسئول نگاه‌داری آنهاست. (صدوق، ۱۳۸۵، ص. ۵۲)

امانت‌داری برای نمایندگان مجلس علاوه بر اینکه شامل مراقبت نماینده در استفاده از اموال و امکانات دولتی می‌شود، معنای گسترده‌تری نیز پیدا می‌کند و آن هم امانت‌داری در استفاده از جایگاه نمایندگی است. جایگاه نمایندگی مجلس به دلیل نفوذ گسترده‌ای که در دستگاه‌های مختلف کشور دارد، براحتمی می‌تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد و متأسفانه موارد بسیاری از این نوع سوء استفاده در کشور ما و دیگر کشورها وجود دارد. از توصیه و معرفی نزدیکان و آشنایان به مقامات اجرایی برای استخدام تا حل و فصل مشکلات شخصی نماینده با استفاده از جایگاه نمایندگی از مواردی هستند که امانت‌داری یک نماینده را زیرسوال می‌برند. در همین زمینه نقل شده است که حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به یکی از فرماندارانش که ظاهراً از مقام سوء استفاده کرده بود، نوشت: «فقد بلغنی عنک امر، ان کنت فعلته فقد اسخطت ربک و عصیت امامک و اخزیت امانتک»: از تو به من خبری رسیده است؛ اگر چنان کرده باشی، پروردگار خود را به خشم آورده، و امام خود را نافرمانی کرده، و امانت خود را از دست داده‌ای. (رضی، ۱۳۹۰، ص. ۵۰۰)

سوء استفاده از جایگاه نمایندگی مصادیق بی‌شماری می‌تواند داشته باشد و شامل هرگونه بهره‌بری از جایگاه نمایندگی مجلس در غیر از امور دولتی و وظائف نمایندگی می‌شود. برای مثال، در صورتی که فرزند یک نماینده به دلیل انجام تخلفاتی در بازداشت پلیس به سر می‌برد و نماینده بخواهد با استفاده از جایگاه خود پلیس را در آزاد کردن فرزندش تحت فشار قرار دهد از جایگاه خود سوء استفاده کرده است. در مثالی دیگر، اگر همسایگان نماینده مجلس از او بخواهند که شکایت نامه‌ای در مورد رفتارهای آزاردهنده یکی از ساکنان ساختمان که در نیمه شب میهمانی‌های پرسروصدا برگزار می‌کند تنظیم کند، آیا او می‌تواند از سربرگ نمایندگی مجلس برای پیگیری خواسته مشروع همسایگان



خود استفاده کند؟ در اینجا او از جایگاه نمایندگی بهره شخصی نبرده است و برای حل مشکلی از مشکلات مردم از آن استفاده کرده است؛ با اینحال پیگیری این امور جزو وظائف نماینده به شمار نمی‌رود و در واقع در اینجا دیگران قصد استفاده از جایگاه نمایندگی مجلس برای پیشبرد مقاصد خود را دارند. اگرچه در مثال مزبور، پیگیری خواسته همسایگان ممکن است هیچ تبعات منفی در بر نداشته باشد اما به طور کلی بهتر است که نماینده در استفاده از جایگاه نمایندگی به جز مواردی که در حیطه وظائف و اختیارات اوست احتیاط کند چرا که درخواست‌های دیگران معمولاً دارای زوایای متعددی هستند و تشخیص قطعی در مورد اینکه پیگیری آنها تبعات منفی در بر دارد یا نه معمولاً امر دشواری است.

#### مشورت

از دیگر بایسته‌های اخلاقی نمایندگان، مشورت کردن با افراد ذی صلاح در امور مختلف است. اگرچه مشورت کردن برای تمام افراد مفید است و آنان را در انتخاب‌های خود یاری می‌کند، اما باتوجه به جایگاه نمایندگی مجلس، مشورت کردن نه تنها یک فضیلت اخلاقی بلکه یک وظیفه برای آنان به شمار می‌رود.

در آموزه‌های دینی مشورت کردن از ویژگی‌های مومنین به شمار می‌رود. قرآن کریم در سوره شورا ویژگی‌های مومنون را اینگونه می‌شمرد: «الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ». روایات فراوانی نیز به اهمیت مشورت کردن اختصاص دارد که از جمله آنها کلام امام حسن مجتبی علیه السلام است که می‌فرماید: «هر گروهی که مشورت کند، به راه رشد و هدایت رهنمون شده است.» هدایت شدن، یعنی حرکت کردن در راه راست و بی‌گمان، خرد جمعی در مقایسه با خرد فردی، درست‌ترین و بهترین‌ها را انتخاب می‌کند و به رشد نزدیک‌تر است. اگرچه مشورت کردن به طور مطلق به تمام افراد توصیه شده است اما در آموزه‌های اسلامی تأکید زیادی بر لزوم مشورت کردن مسئولان حکومتی شده است چنانچه حضرت امیرالمومنین علیه السلام مالک‌اشتر را به همنشینی و مذاکره با علما و حکیمان امر می‌کند: «... و اکثر مدارس العلماء و مناقشه الحكماء فی تثبیت ما

صلح علیه امر بلادک، و اقامه ما استقام به الناس قبلک»: (رضی، ۱۳۹۰، ص. ۵۰۰) با دانشمندان و حکیمان، زیاد به بحث و مذاکره نشین، تا مصالح کشور را تثبیت کنی و اصول پایداری یک ملت را قوام بخشی. بی تردید یکی از مسایل مهم مذاکره با فرهیختگان و دانشوران، بهره‌گیری از افکار و تجربیات آنان در زمینه مسائل حکومتی است و بهره‌گیری از افکار صاحبان فکر و اندیشه موجب هدایت و رشد و بی‌نیازی از انظار دیگران موجب هلاکت و خطر جدی خواهد بود چنانچه امام علی علیه السلام فرمود: «من استبد برایه هلك و من شاور الرجال شاركها فی عقولها».

در میان کارگزاران و مسئولان مختلف حکومتی، به نظر می‌رسد که کمتر مسئولیتی به اندازه نماینده مجلس محتاج به مشاوره باشد. بر خلاف بیشتر مسئولیت‌های حکومتی که فرد در یک حوزه خاص مسئولیت دارد، نماینده مجلس در مورد تمام امور کشور قانون‌گذاری می‌کند و بر عملکرد تمامی مسئولین اجرایی نیز نظارت دارد. در واقع، در هر طرح و لایحه قانونی در مورد مسائل گوناگون این نماینده مجلس است که به نمایندگی از مردم باید رأی خود را اعلام کند و رأی تک‌تک نمایندگان می‌تواند سرنوشت آن طرح و در نهایت کشور را رقم زند. روشن است که نماینده مجلس هراندازه نیز که در مسائل متعددی تخصص داشته باشد باز هم علم و اطلاعات کافی در امور مختلف کشور از مسائل سیاسی، امنیتی و نظامی تا مسائل اقتصادی، علمی و فرهنگی کشور را ندارد.

#### حفظ اسرار و اطلاعات محرمانه

اگرچه جلسات صحن مجلس و کمیسیون‌های تخصصی معمولاً به صورت علنی برگزار می‌شود، اما به اقتضای شرایط موجود در کشور برخی اوقات جلسات مجلس به صورت غیرعلنی برگزار می‌شود و از نمایندگان مجلس خواسته می‌شود که مفاد این جلسات در رسانه‌ها منتشر نشود. همچنین نمایندگان مجلس به واسطه اقتضائات حرفه خود لازم است از بسیاری اطلاعات محرمانه و اسرار کشور مطلع باشند تا بهتر بتوانند تصمیم‌گیری کنند. (Charles Sampford, Noel Preston, 2003, p. 33). به عنوان مثال، نمایندگان مجلس

برای اینکه در مورد میزان لازم برای بودجه امنیتی دفاعی کشور تصمیم‌گیری کنند، لازم است که از تهدیدات امنیتی کشور اطلاع کافی داشته باشند و یا اگر آنها به دنبال اصلاح مشکلات اقتصادی کشور هستند، لازم است اسرار کشور در زمینه میزان دقیق دارایی و بدهی‌های کشور را بدانند. بنابراین اطلاع از اسرار کشور جزو اقتضائات نمایندگی و حفظ این اسرار و رازداری از مهم‌ترین بایسته‌های حرفه نمایندگی مجلس به شمار می‌رود.

با تمام تأکیداتی که در این باره به نمایندگان مجلس می‌شود، متأسفانه حجم زیادی از اطلاعات محرمانه و مفاد جلسات غیرعلنی در رسانه‌های کشور منتشر می‌شود و لازم به ذکر است که علت انتشار این اطلاعات، ناآگاهی نمایندگان از محرمانه بودن این اطلاعات نیست. به طور معمول، قبل از برگزاری جلسات غیرعلنی و ارائه اطلاعات محرمانه به نمایندگان، لزوم محرمانه ماندن آن اطلاعات به نمایندگان گوشزد می‌شود و نمایندگان نیز معمولاً با عواقب قضائی و کیفی انتشار اطلاعات محرمانه آگاه هستند با اینحال بسیاری از اطلاعات محرمانه که به نمایندگان ارائه می‌شود در نهایت در فضای رسانه‌ای کشور منتشر می‌شود. در حقیقت برخی نمایندگان از ترس عواقب احتمالی انتشار اطلاعات محرمانه، آنها را در اختیار افراد و رسانه‌ها قرار می‌دهند و آنها نیز بدون اشاره به منبع نشر اطلاعات، آنها را منتشر می‌کنند. در گفتگو با حجت‌الاسلام شجاعی از نمایندگان فعلی مجلس و نایب رئیس کمیته نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس، در مورد انگیزه انتشار اطلاعات محرمانه کشور توسط برخی نمایندگان مجلس پرسیدیم. به گفته ایشان: «از مهم‌ترین انگیزه‌های نمایندگان از انتشار اطلاعات محرمانه می‌توان به تخریب رقبای سیاسی، فشار برای تصویب و یا عدم تصویب طرح مدنظر و یا بدست آوردن نفوذ و جایگاه در فضای رسانه‌ای کشور اشاره کرد. در واقع برخی نمایندگان در ازای ارائه اطلاعات محرمانه به رسانه‌ها، از آنها می‌خواهند که در تهیه اخبار و گزارش‌ها به صورت ویژه اخبار آنها را پوشش دهند.»

متأسفانه این توافق نانوشته میان برخی نمایندگان و رسانه‌ها به قدری شیوع دارد که عملاً منجر به انتشار اکثر اطلاعات محرمانه‌ای می‌شود که به نمایندگان ارائه می‌گردد و به

همین دلیل نیز مسئولان اجرایی همواره نگران در اختیار قرار دادن اطلاعات محرمانه به نمایندگان مجلس هستند؛ به طوری که وزارت خارجه اعلام کرد به دلیل انتشار مکرر اطلاعات محرمانه‌ای که در اختیار نمایندگان قرار داده بود، دیگر اطلاعات محرمانه‌ای را در اختیار نمایندگان مردم قرار نخواهد داد.

### جدیت و پشتکار

اگرچه لازمه موفقیت در هر حرفه و شغلی داشتن جدیت و پشتکار است، مسئولیت‌های حکومتی و به خصوص نمایندگی مجلس بیشتر اقتضای چنین ویژگی‌ای را دارد. افرادی که به نمایندگی مجلس انتخاب می‌شوند، از طرف مردم یک منطقه و شهر انتخاب می‌شوند و تمام کسانی که در انتخابات شرکت می‌کنند انتظاراتی از نمایندگان خود دارند. روشن است که برآورده کردن تمامی این انتظارات امر ممکن نیست اما تلاش بی‌اندازه و در حد امکان نماینده مجلس کمترین پاسخ به رأی و انتظارات مردم است. (Charles Sampford, Noel Preston, 2003, p. 33) مسأله دیگری که داشتن پشتکار و جدیت را برای نمایندگان الزامی می‌کند، محدود بودن دوره نمایندگی است. برخلاف بیشتر مشاغل و حرفه‌ها که چنین محدودیتی برای آنها تعریف نشده است، نمایندگی مجلس در همه کشورها محدود به سنوات خاصی است و در کشور ما نیز دوره نمایندگی مجلس ۴ سال معین شده است. همچنین برخلاف بیشتر مشاغل که نوعی نظارت بر عملکرد افراد وجود دارد، هیچ‌گونه نظارتی بر نحوه عملکرد و کارکرد نمایندگان صورت نمی‌پذیرد و این نماینده است که باید برنامه کاری خود را تنظیم کند. باتوجه به این مسائل، استفاده از تک تک لحظات نمایندگی در راستای خدمت به مردم و جدیت و کوشش نماینده مجلس از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است به گونه‌ای که نه تنها خود نماینده باید دارای روحیه جدیت و تلاش کافی باشد، بلکه کارکنان او نیز باید دارای چنین روحیه‌ای باشند تا نماینده را در انجام وظائف خود یاری کنند. همچنانکه امیرالمومنین علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: «در کارهای خود بر افراد سست و تنبل تکیه مکن»

اگرچه روحیه جدیت و پشتکار تا اندازه زیادی از صفات فردی محسوب می‌شود و طی سالها در شخصیت افراد شکل می‌گیرد با این حال می‌توان با تدابیری، پشتکار و جدیت نمایندگان از انجام وظائف خود را تقویت کرد. برای نمونه در بسیاری از کشورهای جهان هرگونه اشتغال همزمان برای نمایندگان مجلس ممنوع اعلام شده است تا آنها با تمرکز و وقت بیشتری وظیفه خود را انجام دهند. همچنین در مورد حضور فعال در جلسات صحن عمومی مجلس و جلسات تخصصی کمیسیون‌ها نیز قوانین محکمی در کشورهای دیگر وجود دارد که سرپیچی از آنها هزینه سنگینی برای نماینده در پی دارد و در عمل منجر به حضور فعال و پشتکار بیشتر نمایندگان می‌شود. برای نمونه در پارلمان ملی فرانسه هر یک غیبت در کمیسیون‌های تخصصی موجب کاهش ۲۵ درصد حقوق ماهیانه نماینده می‌شود و در مجلس سنای این کشور، هر سه جلسه غیبت به اخراج نماینده از کمیسیون مربوطه و کاهش ۵۰ درصدی حقوق وی می‌انجامد. در نمونه‌ای دیگر در مجلس سنای آمریکا، این امکان به رهبران سنا داده شده است که افرادی را که در جلسات مهم رأی‌گیری غایب هستند، با استفاده از اهرم زور و توسط افراد نظامی به مجلس سنا آورده شوند و هزینه آن نیز از حقوق آن سناتور پرداخته شود.

متأسفانه بر اساس قوانین جمهوری اسلامی ایران، داشتن شغل همزمان برای نمایندگان مجلس ممنوع نیست و به همین دلیل بسیاری از نمایندگان در طول دوره نمایندگی خود به شغل‌های دیگری مانند تدریس و طبابت و عضویت در هیئات مدیره شرکت‌ها و... ادامه می‌دهند. در مورد حضور در جلسات مجلس نیز طبق ماده ۸۶ آئین نامه داخلی مجلس، در صورت اینکه نماینده به صورت غیرموجه در جلسات صحن یا کمیسیون شرکت نکند صرفاً حقوق آن جلسه از درآمد وی کاسته می‌شود و تنها در صورت داشتن صد ساعت متوالی و یا ۲۵۰ ساعت غیرمتوالی غیبت در جلسات مجلس در یک سال وی مستعفی شناخته می‌شود. در نتیجه چنین وضعیتی، برخی نمایندگان حضور فعالی در جلسات عمومی و کمیسیون‌های تخصصی مجلس ندارند و در روزهای متعددی نیز از حضور در ساختمان

مجلس غائب هستند. نتایج بررسی عملکرد نمایندگان در سال ۱۳۹۷ نشان از آن دارد که یک چهارم نمایندگان در جلسات بررسی طرح‌ها و لوایح در صحن علنی غیبت داشته‌اند و از ۲۹۰ نماینده کنونی، به صورت میانگین ۱۸۰ نفر در رأی‌گیری طرح‌های مختلف شرکت کرده‌اند. نکته قابل توجه در این گزارش این نکته است که به طور میانگین، ۳۵ نماینده نیز با آنکه در صحن علنی حضور داشته‌اند اما ترجیح داده‌اند که در رأی‌گیری مشارکتی نداشته باشند؛ این درحالی است که این نمایندگان می‌توانسته‌اند طبق شیوه‌نامه‌های کنونی ضمن شرکت در رأی‌گیری به طرح مزبور رأی ممتنع دهند اما ظاهراً انگیزه کافی برای شرکت در رأی‌گیری نداشته‌اند. در همین دوره زمانی ۷۲ نماینده در زمان رأی‌گیری در مورد برخی مسائل مهم کشوری نیز غایب بوده‌اند. اگرچه مجلس شورای اسلامی تلاش کرده است که با تصویب آئین‌نامه‌هایی افرادی که غیبت غیرموجه دارند را جریمه مالی کنند، با این حال به نظر می‌رسد که مادامی که خود نماینده بر اهمیت حرفه خود آگاه نباشد و در انجام امورات آن جدیت و کوشش کافی نداشته باشد چنین جریمه‌هایی اثر اندکی خواهند گذاشت.

### عمل به وعده‌های انتخاباتی

از جمله مسائلی که نمایندگان مجلس باید به آن توجه داشته باشند، وعده‌های انتخاباتی است که در هنگام انتخابات به مردم داده‌اند و با تکیه بر همان وعده‌ها در انتخابات به پیروزی دست پیدا کرده‌اند. (Charles Sampford, Noel Preston, 2003, p. 33) در حقیقت تبلیغات انتخاباتی از مهم‌ترین مراحل انتخابات است که در آن شهروندان با کاندیدای مورد نظر آشنا می‌شوند و پس از ارزیابی عملکرد و سابقه وی، برنامه‌ها و وعده‌های انتخاباتی او را مورد بررسی قرار می‌دهند و باتوجه به این دو مسأله، کاندیدای مدنظر خود را از میان دیگر کاندیداها انتخاب می‌کنند. برخلاف کارنامه گذشته یک کاندیدا که صحت و سقم آن قابل ارزیابی است، وعده‌های انتخاباتی کاندیداها از امکان‌سنجی ارزیابی کمتری برخوردار است و این همان ابزاری است که برخی می‌توانند با

سوءاستفاده از آن و با بیان وعده‌های غیرواقعی و حتی خیالی که در برخی مواقع سنخیتی با اختیارات یک نماینده مجلس ندارد از رقبیان انتخاباتی خود پیشی گیرند و رقیبی را که از روی صداقت و درستی چنین وعده‌هایی را مطرح نساخته است در انتخابات شکست دهند. بنابراین نماینده مجلس پس از پیروزی در انتخابات با تعدادی از وعده‌های انتخاباتی مواجه است که آنها را مطرح ساخته و با تکیه بر آنها رأی مردم را به دست آورده است. برخی از این وعده‌ها همچنانکه اشاره شد در حیطه اختیارات یک نماینده به شمار نمی‌رود و او از ابتدا نمی‌بایست چنین وعده‌هایی را مطرح می‌کرده اما برخی از این وعده‌ها جزو اختیارات یک نماینده محسوب می‌شود و یک نماینده مجلس می‌تواند در صورت اراده و تلاش کافی آنها را محقق سازد. سوالی که در اینجا وجود دارد این است که آیا نماینده مجلس از جهت اخلاقی موظف به انجام وعده‌های انتخاباتی خود است؟ برای پاسخ به این سوال لازم است ابتدا ابعاد مختلف مسأله روشن شود.

به طور کلی عمل به وعده‌های انتخاباتی یکی از مصادیق وفای به عهد به شمار می‌رود که جزو فضائل و بایسته‌های اخلاقی به شمار می‌رود. در مورد لزوم وفای به عهد و عمل به وعده‌های داده شده در آموزه‌های اسلامی تأکید فراوانی به عمل آمده است به طوری که قرآن کریم از جمله ویژگی‌های نیکوکاران را وفای به عهد می‌شمرد: «وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا»: و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفاداراند. در روایات نیز تعبیری مانند «لا دین لِمَ لا عَهْدَ لَهُ» (کسی که به عهدش عمل نکند دین ندارد) وارد شده است و برخی از فقها مانند صاحب جواهر نقض عهد را در زمره گناهان کبیره به میان آورده‌اند. بنابراین در نظر اولیه انجام وعده‌های انتخاباتی را باید در زمره وظائف اخلاقی یک نماینده قرار داد. آنچه سبب می‌شود تا برخی وعده‌های انتخاباتی را از قبیل دیگر وعده‌ها ندانند و در نتیجه عمل به آن را لزوماً یک وظیفه اخلاقی تلقی نکنند دو دلیل است: نخست اینکه بسیاری از این وعده‌ها اساساً از اختیار یک نماینده مجلس خارج است. کاندیداهای نمایندگی مجلس معمولاً با علم به اینکه به عنوان یک نماینده در مجلس، قدرت قانون‌گذاری پایینی دارند بازهم وعده

تصویب برخی قوانین را به رأی دهندگان می‌دهند و بسیاری نیز به همین واسطه به آنها رأی می‌دهند. کاندیدای نمایندگی مجلس که وعده حذف دوره سربازی وظیفه را می‌دهد و یا وعده تغییر در قوانین ازدواج را می‌دهد از این قبیل است. در روایات نیز از وعده دادن چیزی که در اختیار و کنترل انسان نیست نهی شده است، امام صادق در این زمینه می‌فرماید: «لَا تَعِدَنَّ اخَاكَ وَعَدًّا لَيْسَ فِي يَدِكَ وَفَاؤُهُ؛ هرگز به برادرت وعده‌ای نده که انجام آن به دست تو نیست».

دلیل بعدی نیز این است که بسیاری از این وعده‌ها، به مثابه وعده دادن اموال و دارائی دیگران است. به بیانی دیگر، جمعیتی را تصور کنید که در مقابل یک اتومبیل گران و بسیار زیبا گردهم آمده‌اند و در حال تماشای آن هستند. در این حین فردی از راه می‌رسد و به آنها وعده می‌دهد که آن اتومبیل زیبا را به آنها هدیه دهد. روشن است که این فرد از ابتدا نمی‌بایست چنین وعده‌ای را به آنها می‌داد اما حال که او این وعده را داده، نباید به استناد به آن وعده و با اصرار بر آن، آن اتومبیل را بدون اجازه مالکش به آنها دهد. در واقع، بسیاری از وعده‌های انتخاباتی این‌گونه‌اند که کاندیداها صرفاً بخاطر جلب توجه مردم به سوی خود وعده‌ای را به آنها می‌دهند و بسیاری از این وعده‌ها، جزو اولویت‌های یک شهر و منطقه نیستند و مصرف کردن بودجه عمومی که متعلق به همه افراد است برای چنین طرح‌هایی هیچ توجیه منطقی ندارد. در حقیقت اصرار به عمل به وعده انتخاباتی در بسیاری از موارد، اسراف و حیف و میل کردن بیت‌المال به شمار می‌رود که باید از آن اجتناب شود و لازم است که در هزینه کرد اموال عمومی صرفاً به منافع و مصالح عمومی توجه شود.

در حقیقت وفای به عهد و برآورده کردن وعده‌های انتخاباتی هراندازه نیز که اهمیت داشته باشد، نسبت به منافع عمومی و مراقبت، نگهداری و استفاده صحیح از بیت‌المال از اهمیت کمتری برخوردار است و به همین دلیل لازم است که کاندیداها مجلس قبل از اعلام هر وعده‌ای، در مورد ابعاد مختلف آن تحقیقات کافی به عمل آورند تا در صورت پیروزی در انتخابات دچار چنین محذوریت‌هایی نشوند.



## شجاعت و قاطعیت

از دیگر بایسته‌های اخلاقی نمایندگان برای انجام وظائف خود شجاعت و قاطعیت است. اهمیت این ویژگی اخلاقی برای نمایندگان از آن رو است که در بسیاری از رأی‌گیری‌های طرح‌های مهم افرادی مخالف و موافق تصویب آن طرح وجود دارند که برای رسیدن به اهداف خود از هیچ تلاشی فروگذار نیستند. تخریب شخصیت نماینده، تخریب اعضای خانواده نماینده و حتی تهدیدهای فیزیکی و جانی علیه او و نزدیکانش از شایع‌ترین مسائلی است که نماینده در دوره خود با آنها مواجه می‌شود. یک نماینده قبل از کاندیداتوری برای نمایندگی مجلس باید به خوبی آگاه باشد که در صورت انجام صحیح وظائف خود، چنین مسائلی پیش روی او قرار دارد و برای نمونه اگر تهدید نزدیکانش نقطه ضعف اوست از چنین اقدامی خودداری کند. در همین زمینه عبدالرضا هاشم‌زایی نماینده پیشین مجلس می‌گوید: «تنها در مورد تصویب یک طرح جنجالی بیش از ۲۰۰ پیام تهدیدآمیز برای من ارسال شد که حدود ۵۰ تا از آنها فحش و ناسزای ناموسی بود و بقیه آن تهدید خودم و اعضای خانواده‌ام بود و اینکه در صورت رأی مثبت به طرح مزبور، آنها من و اعضای خانواده‌ام را به قتل خواهند رساند.» ممکن است در نگاه اولیه چنین تهدیدهای غیرواقعی به نظر آید اما برای یک نماینده مجلس که محل سکونت و اعضای خانواده‌اش در محله و شهر خود شناخته شده هستند، چنین تهدیدهای نگران‌کننده است.

عامل دیگری که ویژگی شجاعت را در نمایندگان مجلس با اهمیت می‌کند، فشارهای مختلف از ناحیه‌های گوناگون است که معمولاً به نماینده وارد می‌شود. به طور معمول یک نماینده مجلس در صورتی که بخواهد به وظائف خود به درستی عمل کند، مجبور به افشای فساد و ناکارآمدی برخی از مسئولان اجرایی خواهد شد و روشن است که مسئولان اجرایی در مقابل هرگونه اعتبارزدایی از خود مقاومت شدیدی خواهند کرد. همچنین مقاومت در برابر خواسته مسئولان محلی، مسئولان حزبی و برخی درخواست‌های مردم که نماینده آنها را در راستای مصالح عمومی نمی‌داند نیاز به میزان زیادی شجاعت دارد. نماینده مجلس باید به

قدری شجاعت داشته باشد که وقتی به درستی تصمیم خود ایمان پیدا کرد، دیگر تبعات احتمالی آن او را منصرف نکند حتی اگر شکست در انتخابات از جمله این تبعات باشد. بنابراین مسأله شجاعت برای نمایندگان مجلس از مسائلی است که هرروز به آن نیاز پیدا می‌کنند و نماینده‌ای که این ویژگی اخلاقی را نداشته باشد، کارکرد صحیح خود را از دست خواهد داد و ناگزیر به طی کردن دوره نمایندگی خود به صورت خنثی و کم‌اثر خواهد بود.

در آموزه‌های اسلامی نیز از جمله صفات لازم برای رهبران جامعه شجاعت ذکر شده است. اگر رهبران جامعه در مقابل مشکلات، سرزنشها و جو حاکم در جامعه‌شان تسلیم شده و احساس ترس کنند، هیچگاه در ایفای وظائف خود موفق نخواهند شد. در قرآن خطاب به رسول اکرم ﷺ آمده است: «فاستقم كما امرت و من تاب معك ... ؛ پس همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند].» اگر رسول خدا ﷺ تحت تاثیر افکار، تهمت‌ها و برخی از عوامل عصر خود قرار می‌گرفت به اهداف بلند خود دست نمی‌یافت. رسول گرامی اسلام با استعانت از کمکهای خداوند و با بهره‌گیری از عنصر قاطعیت و شجاعت در جزیره العرب همانند خورشید درخشیده و به تبلیغ احکام الهی و رسالت پرداخت. چنانکه علی ؑ در این خصوص فرمود: «خداوند پیامبر را به عنوان دعوت‌گری به سوی حق و شاهدهی بر حرکت خلق رسالت داد. پس آن حضرت به دور از هر گونه کندی و کوتاهی رسالت‌های پروردگارش را تبلیغ نمود، و بدون هیچ سستی و بهانه‌جویی با دشمنان خدا به جهاد برخاست». علی ؑ که خود تربیت‌یافته مکتب رسول خدا ﷺ است، با تاسی به آن حضرت در همه زمینه‌ها مخصوصاً در شیوه حکومت، از دو عامل قاطعیت و شجاعت خوب بهره گرفته و هیچگاه در برابر کژاندیشی، انحراف سیاسی و مشکلات تسلیم نشد؛ چنانکه حضرت در خصوص قاطعیت خود فرمود: «به جان خود سوگند، که در پیکار و سرکوبی آنها که با حق ستیز کنند و درماندن گمراهی‌همچنان پای بفشارند، کم‌ترین نرمش و سازش نخواهم داشت.»

در دیدگاه امام علی ؑ زمامدار و دولت‌مردان اسلامی نیز باید قاطع و شجاع باشند تا

بتوانند وظایف خویش را خوب انجام داده و به اهداف بلند خود دست یابند. از این رو است که علی علیه السلام فرمود «سزاوار نیست که حاکم اسلامی بخیل، جاهل و ترسو باشد». (الحدید، ۱۳۸۴، ص. ۹۷) علی علیه السلام در هنگام بیان ویژگیهای مالک‌اشتر به قاطعیت و شجاعت او اشاره نموده خطاب به مردم مصر فرمود: «من بنده‌ای از بندگان خدا را به سوی شما گسیل داشته‌ام که در لحظه‌های حساس و سرنوشت‌ساز، خواب‌را به چشمانش راهی نیست و در هنگامه خطر در رویارویی و نبرد با دشمنان خداتردید نمی‌کند...». همچنین علی علیه السلام به مالک‌اشتر دستور می‌دهد که کسی را به‌عنوان کارگزاران خود برگزیند که قاطع و شجاع باشد: «ثُمَّ الصَّقِيُّ بَدَوِي الْمُرُوءَاتِ وَالْأَحْسَابِ... ثُمَّ أَهْلُ النَّجْدَةِ وَالشَّجَاعَةِ، وَالسَّخَاءِ وَالسَّمَاخَةِ؛ افرادی را برگزین که دلاور، سلحشور، بخشنده و بلندنظر باشد». بر این اساس است که امام علی علیه السلام محمد بن بکر را به خاطر قاطعیت او ستایش کرد. (رضی، ۱۳۹۰، ص. ۵۰۰)

نگرش امام علی علیه السلام در خصوص ضرورت قاطعیت کارگزاران ریشه در معارف بلند قرآن دارد. در قرآن سفارش شده است که مومنان در مقابل دشمنان احساس ترس نکرده و در برابر ملامت سرزنش‌کنندگان تسلیم نشوند: «فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ شما مسلمانان از آنان بیم و اندیشه مکنید و از من بترسید اگر اهل ایمانید»، «يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ؛ در راه خدا جهاد کنند و از نکوهش و ملامت احدی باک ندارند». روشن است که کارگزاران نظام اسلامی نیز مخاطبان این آیات هستند و یکی از علل موفقیت مصلحان و کارگزاران جوامع قاطعیت و شجاعت آنان بوده است. امام خمینی رحمته الله علیه که خود تربیت‌یافته مکتب امام علی علیه السلام بود، شیوه رهبری و زمامداری حضرت را مورد توجه خود قرار داد. امام راحل در عصری قیام خود را آغاز کرد که خیلی از نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران قیام او را افسانه می‌پنداشتند و حتی برخی از دوستان امام، نیز حرکت سیاسی او را تئوری غیر عملی تصور می‌کردند. امام به بهره‌گیری از دو عامل قاطعیت و شجاعت و با استعانت از خداوند، قیام خود را آغاز نموده و از هیچ کس جز خدا نهراسید.

قاطعیت کارگزاران بدان معنا نیست که آنان در شیوه حکومت و تدوین

سیاست‌های کشورهای کشور عجولانه تصمیم گرفته و فعالیت کنند. علی علیه السلام به والیان خود دستور می‌دهد که باید تمام فعالیت‌های آنان بر اساس خردورزی، خردمندی و تفکر بوده و فعالیت‌های خود را قبل از فرارسیدن زمان آن انجام ندهند. حضرت خطاب به مالک فرمود: «وَإِيَّاكَ وَالْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا أَوْ التَّسْفُطَ فِيهَا عِنْدَ امْكَانِهَا أَوْ اللَّجَاجَةَ فِيهَا إِذَا تَنَكَّرَتْ أَوْ الْوَهْنَ عَنْهَا إِذَا اسْتَوْضَحَتْ فَضَعَّ كُلُّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ وَ أَوْقَعَ كُلُّ أَمْرٍ مَوْقِعَهُ؛ امالی شیخ صدوق، ص ۲۴۵ در کارها پیش از وقت آن شتاب مکن، و در صورت امکان سست مگیر، و در چیزی که مبهم است لجاجت مکن و هنگامی که چیزی واضح است، ضعف نشان مده، و هر چیزی را در جای خود بگذار و هر کاری را به موقع اقدام نما.» همچنین حضرت خطاب به قثم بن عباس والی مکه فرمود: «با دوراندیشی و قدرت با مسائل برخورد کن عقل و خیرخواهی را بکار گیر.» روشن است که قاطعیت و شجاعت کارگزاران با بهره‌گیری آنان از تجربه‌ها و افکار صاحبان فکر و اندیشه نیز منافات ندارد.

در فرهنگ امام علی علیه السلام قاطعیت توأم با نرمش نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در نهج البلاغه می‌خوانیم: «وَإِخْلِطِ الشَّدَّةَ بِضَعْفِ مِنَ اللَّيْنِ، وَارْفُقْ مَا كَانَ الرَّفْقُ أَرْفَقَ، وَاعْتَزِمِ بِالشَّدَّةِ؛ و سختی و قاطعیت را با نرمش و انعطاف درهم بیامیز، تا جایی که نرمش کارساز است نرمش کن و در مواردی که جز سختگیری و قاطعیت کارساز نیست، مصمم و با قدرت دست‌بکار شو.» امام صادق علیه السلام نجاشی استاندار اهواز را به نرمش توأم با قاطعیت سفارش نموده فرمود: «و الرفق بالرعيه و التاني و حسن المعاشره مع لين في غير ضعف و شده في غير عنف.» (صدوق، ۱۳۸۵، ص ۵۲).

### قانونمداری

احترام و التزام به قوانین هرکشوری از جمله ویژگی‌های شهروندان وظیفه‌سنج به شمار می‌رود و در مقابل نافرمانی و قانون‌شکنی از نشانه‌های بی‌اخلاقی شمرده می‌شود. به باور برخی، قانونمداری یکی از مولفه‌های اصلی اخلاق حرفه‌ای به شمار می‌رود که در تمام مشاغل و حرفه‌ها جاری است. با اینحال قانونمداری در مورد نمایندگان مجلس از اهمیت

بیشتری برخوردار است چراکه قانون شکنی توسط آنها نوعی توهین به مردم نیز به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، مردم افرادی را از میان خود انتخاب می‌کنند تا برای جامعه قانون‌گذاری کنند و اگر قانونگذاران خود به قوانین پایبند نباشند، علاوه بر دهن کجی به مردم، موجب از بین رفتن اعتبار قوانین نیز می‌شود. بنابراین یکی از مهم‌ترین بایسته‌های اخلاق حرفه‌ای یک نماینده مجلس، پایبندی کامل و بی قید و شرط به قوانین و مقررات کشور است.

### توجه به منافع ملی

اگرچه نمایندگان مجلس از طرف منطقه و یا شهر خاصی به جایگاه نمایندگی مجلس دست پیدا می‌کنند، اما در تصمیمات و آراء خود باید همواره منافع ملی را در نظر داشته باشند. به عبارت دیگر، پیگیری و دنبال کردن منافع محلی توسط نمایندگان تا زمانی باید انجام شود که در راستای منافع ملی باشد و اگر منافع محلی در راستای منافع ملی قرار نداشت، نمایندگان باید منافع ملی را در اولویت قرار دهند. همین مسأله در مورد برنامه‌ها و طرح‌های حزبی نیز صادق است و یک نماینده زمانی می‌تواند در مسیر برنامه‌های حزبی حرکت کند که آنها را در راستای مصالح عمومی بداند وگرنه صرف درخواست حزب، مجوزی برای تغییر نظر و انجام خواسته‌های آنها نخواهد بود.

توجه به منافع ملی به قدری اهمیت دارد که به عنوان یکی از شش اصل مهم در کد اخلاق حرفه‌ای پارلمان فرانسه ذکر شده است. در آموزه‌های اسلامی نیز از مسئولان حکومتی خواسته شده است که در تصمیم‌گیری‌های خود ملاک را در مصلحت عموم قرار دهند و تصمیمی را اتخاذ کنند که منفعت آن بخش بزرگتری از جامعه را در برمی‌گیرد. برای نمونه امیرالمومنین علیه السلام در سخنان خود خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «باید محبوب‌ترین کارها نزد تو آن باشد که به حق نزدیک‌تر و عدل در آن گسترده‌تر است و خشنودی رعیت در آن بیش‌تر تأمین می‌شود؛ زیرا ناخشنودی عامه مردم، خشنودی نزدیکان را بی‌اثر می‌کند و خشم نزدیکان و خاصه، با رضایت مردم، پوشیده می‌شود. باید تمام توجه به عموم مردم

باشد؛ و بر اموری تکیه کن که منفعت آن عمومی تر و خوش سرانجام تر است.»

### صداقت

یکی از مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی برای نمایندگان مجلس صداقت و راستگویی است و با همین تناسب، دروغ‌گویی را می‌توان از آسیب‌های مهم اخلاقی میان نمایندگان مطرح ساخت به طوری که حجت‌الاسلام شجاعی نایب رئیس هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، دروغ‌گویی را شایع‌ترین آسیب اخلاقی میان نمایندگان مجلس عنوان کرد.

راستگویی به عنوان یک فضیلت عام اخلاقی به شمار می‌رود که همه مردم جهان پسندیده بودن آن را تصدیق می‌کنند و در آموزه‌های اسلامی نیز جایگاه ممتازی دارد که نشان‌دهنده اهمیت فراوان آن است. در روایتی از امیرالمومنین علیه السلام نقل شده است که «صدق، درستی هر چیزی است و دروغ تباهی هر چیزی است». (رضی، ۱۳۹۰، ص. ۵۰۰) با اینحال این فضیلت اخلاقی برای نمایندگان از اهمیت خاصی برخوردار است و شاید کمتر آسیب اخلاقی مانند دروغ بتواند تأثیر منفی بر عملکرد یک نماینده بگذارد. در واقع یکی از مهم‌ترین کارکردهای نهاد مجلس (به عنوان تنها رکن اساسی حکومت که تمام اعضای آن توسط مردم انتخاب می‌شود)، افزایش اعتماد عمومی به حکومت از طریق حضور مستقیم نمایندگان مردم در بالاترین سطح از نظام سیاسی است؛ در چنین شرایطی نمایندگان مجلس وظیفه دارند که تمام تلاش خود را برای افزایش سطح اعتماد عمومی به حکومت بکار گیرند و روشن است که دروغ از مهم‌ترین عوامل از بین رفتن اعتماد مردم نسبت به مقامات مسئول است. روشن است که صداقت به معنای بیان تمام حقائق نیست و نمایندگان موظف به حفظ و عدم افشای اطلاعات محرمانه هستند.

آنچه از صداقت برای نمایندگان مجلس مدنظر است این است که نمایندگان در سخنرانی‌ها، یادداشت‌ها و گزارشاتی که به رسانه‌ها و مردم می‌دهند از بیان مطالب غیرواقعی خودداری کنند و تنها مطالبی را بیان کنند که از صحت آن اطمینان دارند.

باتوجه به اهمیت نمایندگی مجلس و تاثیر زیاد سخنان و مواضع یک قانونگذار، لازم است که نماینده نه تنها از روی عمد مطالب خلاف واقع بر زبان جاری نکند بلکه قبل از بیان هر مطلبی ابتدا از صحت تک تک گزاره‌های موجود در سخنان خود اطمینان حاصل کند. این مسأله که در اصطلاح از آن به «فکت چک کردن» یاد می‌شود در کشورهای مختلف از اهمیت زیادی برخوردار است و معمولاً رسانه‌های عمومی مسئولان دولتی را که مطالب اشتباه، بی‌پایه و غلط را بیان می‌کنند مورد حملات رسانه‌ای قرار می‌دهند. بنابراین صداقت برای نمایندگان مجلس نه تنها شامل راستگویی و دروغ‌نگفتن عمدی می‌شود بلکه بیان اطلاعات و آمارهای صحیح و درست و عدم ارائه اطلاعات بی‌پایه نیز در آن جای می‌گیرد.

### نتیجه‌گیری

در گام دوم انقلاب اسلامی ایران، تمامی مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران باید در انجام وظائف خود و همچنین رعایت اخلاق حرفه‌ای سرآمد باشند. این مساله اهمیت بحث از اخلاق حرفه‌ای و بایسته‌های اخلاقی نمایندگان را نشان می‌دهد. اخلاق حرفه‌ای نمایندگی مجلس به بررسی چالش‌های اخلاقی محتمل و بایسته‌های اخلاقی قانونگذاران می‌پردازد و از شاخه‌های اخلاق حرفه‌ای محسوب می‌شود. در حرفه نمایندگی مانند هر حرفه دیگری، اصول و بایسته‌های اخلاقی خاصی وجود دارد که بیش از اصول دیگر لازم است مورد توجه قرار گیرد. از منظر برخی اندیشمندان، مهم‌ترین اصل برای نمایندگان مجلس این است که با رفتار خود، اعتماد عمومی به نهاد قانون‌گذاری را خدشه‌دار نکنند. تمامی اصول اخلاقی که به نمایندگان سفارش می‌شود، همگی در جهت محافظت از این مساله است؛ چرا که با از بین رفتن اعتماد عمومی به این نهاد، کارکرد آن نیز بشدت تضعیف می‌شود. کد اخلاقی نمایندگی مجلس تلاش می‌کند با روشن کردن بایسته‌ها و ناهنجاری‌های اخلاق حرفه‌ای نمایندگی مجلس، به تقویت جایگاه اخلاق در نهاد قانون‌گذاری کمک کند.





## فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، ۱۳۸۴
۴. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، قم، ۱۳۸۹
۵. صدوق، ابن باویه، من لایحضره الفقیه، قم، ۱۳۸۵
۶. جمعی از نویسندگان، اخلاق کاربردی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم ۱۳۷۷
۷. زینالو، مهدی، «بررسی عوامل بروز تعارض منافع در نمایندگان مجلس شورای اسلامی»، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، ۱۳۹۸
۸. بهرامی، محسن، «تحلیل مفهومی تعارضات اخلاقی»، اخلاق و تاریخ پزشکی، ۱۳۹۱
۹. بوسلیکی، حسن، «تعارض اخلاقی و دانش اصول فقه»، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱
۱۰. لارنس، بکر، فلسفه اخلاق، جمعی از مترجمان، موسسه امام خمینی ۱۳۸۰
۱۱. زینالو، مهدی، «کارآمدی مجلس، انتظاری نابجا با وجود تعارض منافع نمایندگان»، اندیشکده حکمرانی شریف، ۱۳۹۷
۱۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، ۱۳۸۴.
۱۳. جمعی از نویسندگان، «روش‌های نظارت بر رفتار حرفه‌ای نمایندگان پارلمان» مجلس و راهبرد، ۱۳۹۲
۱۴. جمعی از نویسندگان، «ارزیابی راه‌حل‌های اندیشمندان اسلامی در مواجهه با تراحم تکالیف اخلاقی»، فصلنامه آینه معرفت، ۱۳۹۳
۱۵. جمعی از نویسندگان، «دسته بندی و مفهوم شناسی تعارض منافع»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶

۱۶. شاهدی، مظفر، سایت موسسه مطالعات تاریخ معاصر، ۱۳۹۹،  
/http://www.iichs.ir
۱۷. یادداشت سردبیر، سایت در صحن، ۱۳۹۴، www.darsahn.org.
۱۸. محمدجواد نوروزی، جایگاه حزب در اسلام، فصلنامه معرفت، موسسه امام خمینی، ۱۳۸۴.
۱۹. جمعی از نویسندگان، سایت اندیشکده حکمرانی شریف، ۱۳۹۹،  
./http://gptt.ir/home
۲۰. http://www.sobhemellatnews.ir/fa . رادفر، سعید، سایت صبح ملت، ۱۳۹۹، ۲۰.
۲۱. Chadwick, Ruth, Encyclopedia of Applied Ethics, Academic Press, 2012.
۲۲. Bruce, Willa. "Codes of Ethics and Codes of Conduct" Public Integrity Annual (Council of State Governments), 1999.
۲۳. E. Trapnell, Stephanie. Conflict of interest restriction and disclosure. World Bank. 2013.
۲۴. Benda, S. LEGISLATIVE ETHICS: A Comparative Analysis. Legislative Research Series, 22. 1999.
۲۵. Chadwick, R. F.. Encyclopedia of Applied Ethics. California: Academic Press. 2009.
۲۶. Chadwick, R. Professional ethics. Retrieved from Routledge encyclopedia of philosophy: 2009.
۲۷. Demmke, C. Regulating Conflicts of Interest for Holders of Public Office in the European Union. EU publications. 2008.
۲۸. Thompson, D. F. Ethics in Congress. New York: Brookings Institution Press. 1995.
۲۹. Vallentyne, P. Two types of moral dilemmas. Erkenntnis, 1989.
۳۰. Whaley, J. LEGISLATIVE ETHICS. National Democratic, 1999.

۳۱. Yüksel, C. An International Comparison of Legislative Ethics. *Annales de la Faculte*, 2006.

۳۲. Armstrong, W. S, "Ethical Dilemmas" (Stanford Encyclopedia of Philosophy), Stanford Encyclopedia of Philosophy, from <http://plato.stanford.edu/entries/consequentialism>

۳۳. Retrieved from New York Times: <https://www.nytimes.com/2019/12/18/us/politics/how-democrats-voted-on-impeaching-trump.html>, 2020

۳۴. Retrieved from agora: <https://agora-parl.org/resources/aoe/transparency-in-parliament>, 2020

۳۵. Andrew Jackson's Veto Message. Retrieved from The American Yawp Reader: <https://www.americanyawp.com/reader/democracy-in-america/andrew-jacksons-veto-message-against-re-chartering-the-bank-of-the-united-states-1832/#:~:text=United%20States%2C%201832-,Andrew%20Jackson's%20Veto%20Message%20Against%20Re%2Dchartering%20the,of%20t>, 2020

۳۶. Brenton, D. S. Representative roles and responsibilities. Retrieved from Parliament of Australia: [https://www.aph.gov.au/About\\_Parliament/Parliamentary\\_Departments/Parliamentary\\_Library/pubs/APF/monographs/What\\_lies\\_beneath/RepresentativeRoles](https://www.aph.gov.au/About_Parliament/Parliamentary_Departments/Parliamentary_Library/pubs/APF/monographs/What_lies_beneath/RepresentativeRoles), 2020

۳۷. wikipedia. Retrieved from <https://en.wikipedia.org/wiki/Parliament>, 2020

۳۸. Chadwick, R. Professional ethics. Retrieved from Routledge encyclopedia of philosophy: <https://www.rep.routledge.com/articles/thematic/professional-ethics/v-1>

۳۹. Maurice Duverger, Party Systems, Britannica, available at: <https://www.britannica.com/topic/political-party>, 2020.

---

## تدوین انقلاب اسلامی به عنوان الگویی مستقل برای سایر کشورها برپایه بیانیه گام دوم انقلاب

---

علی اکبرپور آلمه جوقی<sup>۱</sup> - محمدرضا صالحی وثیق<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول)

### چکیده

پژوهش حاضر باهدف ارائه الگویی برای نهادینه‌سازی انقلاب اسلامی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب ارائه شد. فرضیه پژوهش این می‌باشد که ایران با پیشرفت در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، توانسته است الگوی خوبی برای سایر کشورها در زمینه نهادسازی و مستقل بودن ارائه دهد، اما این الگو با محدودیت‌هایی همراه است. در این راستا، الگوی نظری مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب و توجه به آیات و روایات، با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها بیانگر آن است که انقلاب اسلامی، الگوی دولتی مستقل را به جهانیان ارائه داده که می‌تواند الگویی مناسب برای سایر کشورهای انقلابی باشد، البته این الگوبرداری با موانع و محدودیت‌هایی در داخل و خارج از کشور روبه‌رو بوده است. بدین ترتیب، با گذر از این نقاط ضعف و تأکید بیشتر بر نقاط قوت و ویژگی‌های مثبت انقلاب اسلامی برپایه بیانیه گام دوم انقلاب،

---

۱. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه پیام نور فوجان Akbarpourali1370@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه تهران mo.rezasalehi@ut.ac.ir

سعی شد، طرحی ارائه گردد تا ضمن تعمیق راهبردی آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، به تقویت نقاط قوت فعلی و پوشش نقاط ضعف پرداخته شود.

کلیدواژگان: انقلاب اسلامی، الگویی مستقل، آیت الله خامنه‌ای، بیانیه گام دوم.

## ۱. مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ یکی از مهم‌ترین حوادث سیاسی قرن بیستم می‌باشد. ویژگی این انقلاب، ماهیت اسلامی و کیفیت ویژه رهبری آن است. انقلاب با پشت سر گذاشتن «نظم سلطنتی»، زمینه را برای شکل‌گیری نظم جدیدی تعریف کرد که «نظم مردمی»<sup>۱</sup> تعریف شده است. تقریباً دو دهه پس از ظهور انقلاب، الگوی «مردی سالاری دینی» معرفی شد. مطرح شدن این الگو ناشی از ضروریات نظری است که هم در داخل و هم در خارج احساس می‌شد. این انقلاب ارزش‌های دینی و اسلامی را احیا نمود و توانمندی اسلام را در ایجاد یک حکومت مستقل و ارزش محور به جهانیان اثبات نمود.

با پیروزی انقلاب اسلامی، توهم شکست‌ناپذیر بودن غرب از بین رفت و در طی حیات جمهوری اسلامی چهره واقعی غرب آشکار شد. اکنون جمهوری اسلامی ایران، کشوری قدرتمند در خاورمیانه می‌باشد و روابط پیچیده آن با بسیاری از کشورهای منطقه و مستقل جهان، موضوع بسیاری از بحث‌ها بوده است. ایران، یک جمهوری شیعه انقلابی و یکی از بازیگران اصلی در منطقه خلیج فارس است که برای تضمین امنیت خود و پیشی گرفتن از رقبای خود، تلاش کرده تا ابتدا با رهبری امام خمینی علیه السلام و اکنون آیت‌الله خامنه‌ای به قدرتی مستقل در منطقه خاورمیانه تبدیل گردد (روبین،<sup>۲</sup> ۲۰۱۴: ۳۵).

امام خمینی علیه السلام (۱۹۸۹: ۲۲)، انقلاب اسلامی را، آغاز یک پروژه الهام بخشیدن و امکان احیای اسلام‌گرایان در سراسر جهان اسلام دانسته است. بسیاری از ارزش‌هایی که امام خمینی علیه السلام از آن حمایت کرد، در سراسر جهان اسلام طنین‌انداز شد. با این حال، آنچه این مدل را متفاوت از سایر جنبش‌های اسلام‌گرا مانند اخوان المسلمین، حزب التحریر و جماعت اسلامی می‌نمود، این بود که مدل انقلاب اسلامی در حال گسترش یک اسلامی سازی از بالا به پایین بوده است. اکنون پس از چهار دهه از بروز انقلاب، سخنان امام

---

1. Popular order

2. Rubin

خمینی علیه السلام همچنان طنین‌انداز است و تأثیرات انقلاب اسلامی در منطقه و فراتر از آن احساس می‌شود. علی‌رغم اقتصاد نابسامان و اختلال در عملکرد داخلی به‌ویژه در حوزه مبارزه با فساد، رژیم ایران همچنان منابع خود را به سمت رهبری و معرفی خود به‌عنوان دولتی مستقل در سراسر منطقه و جهان هدایت می‌کند. این کشور نه‌تنها در درگیری‌های منطقه، مانند سوریه، یمن و لبنان، جایی که حزب‌الله چهره این کشور را تغییر داده است، بلکه تا دورترین نقاط (بلغارستان و آرژانتین و...) نیز، نقش خود را ایفا نموده است (اعرابی، ۲۰۱۹: ۱۱-۱۲).

در همین ارتباط، آیت‌الله خامنه‌ای الگو شدن ایران در ذهن ملت‌ها را موجب خشم و ناامیدی بیشتر سلطه‌گران دانسته‌اند و بیان کرده‌اند: «ملت ایران در چهل سال اخیر به جهانیان ثابت کرده است که می‌توان از ابرقدرت‌ها نترسید، در مقابل آن‌ها ایستادگی کرد و باوجود تحریم‌ها و فشارها، به رشد و پیشرفت روزافزون نیز دست‌یافت» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدارِ نخبگان و استعدادهای برتر علمی، ۱۳۹۶/۰۷/۲۶). بنابراین، تدوین الگویی که مسیر راه را مشخص نماید و الگویی با مبانی نظری قوی برای سایر کشورها باشد، با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب احساس می‌گردد. بر همین اساس، ابتدا باید زمینه اجرایی شدن الگوهای اسلامی و بومی در کشور فراهم گردد و از طرفی شرایطی فراهم شود که الگویی برای سایر کشورها باشد. با توجه به اهمیت بحث الگوسازی، تدوین انقلاب اسلامی به‌عنوان الگوی مستقل برای سایر کشورها مبتنی بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب در کانون توجه این مقاله بوده است.

آنچه مقاله حاضر را از مطالعات مشابه متمایز می‌کند این است که با روش توصیفی-تحلیلی، رویکردی قابل‌اتکا را درخصوص نهادسازی و الگوبرداری از انقلاب اسلامی برای سایر کشورها فراهم می‌نماید. نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند محدودیت‌های داخلی و خارجی برای شکل‌گیری الگوی انقلاب اسلامی را مشخص نماید و برای سایر کشورهای مستقل و انقلابی، الگوی مناسبی را ارائه دهد. بنابراین مسئله اصلی، ارائه الگوی راهبردی

مدون در خصوص نهادسازی و الگوبرداری از انقلاب اسلامی برای سایر کشورها با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است.

## ۲. چارچوب نظری پژوهش

یکی از مهم‌ترین ابعاد شکل‌گیری پژوهش‌ها، بعد تحلیلی آن‌ها است. برای رسیدن به تصمیمات موفق و عقلانی باید به ارتباط ظریف میان نظریه و عمل دقت نمود و بتوان، تجویزاتی سیاست‌گذارانه و عمل‌گرایانه استخراج نمود. ایران، کشوری بزرگ با وسعت و جمعیت پراکنده است که با وجود وضعیت خاص جغرافیایی، دارای مهاجرت گسترده، ناامنی در مناطق مرزی (باقری‌لنکرانی و همکاران، ۲۰۱۳: ۴۳) و مشکلات داخلی و خارجی، الگویی ارائه داده که در چهل سال گذشته، در تعارض با دین، ارزش‌ها و اصول آن قرار نگرفته است. حتی در شرایطی که مشکلاتی از بیرون و یا از داخل بروز کرده است؛ اصل مردم‌سالاری در کنار وحدت و همبستگی ملی و قومی در نظام متجلی گردیده است. تاریخ سیاسی بسیاری از کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که در این جوامع کمتر به موضوع تمدن‌سازی و ایجاد ساختارهای حقوقی-سیاسی مستقل در قالب‌های جدید و متناسب با نیازهای آینده جامعه اسلامی اندیشیده شده است و به جای آنکه الگوی مطلوبی از پیشرفت و به تبع آن نظام مطلوب حکومت متناسب با نیازهای بومی و شرایط فرهنگی این جوامع طراحی گردد، به تدریج حرکتی به سوی اقتباس از الگوی اروپایی شکل گرفته است.

این الگوبرداری‌ها که منجر به وابستگی‌های سیاسی جوامع اسلامی گردید، از سوی اندیشمندان اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین علل عقب‌ماندگی و اضمحلال جوامع اسلامی و ساختار حکومتی آنان مطرح بوده است. همین موضوع، زمینه تغییرات متعدد سیاسی-اجتماعی و به‌ویژه ایجاد جنبش‌های سیاسی باهدف بازگشت به هویت اسلامی را فراهم کرد و اندیشمندان مسلمان را به عرصه‌های نوینی از نظریات دولت اسلامی سوق داد. آثار عینی این حرکت را می‌توان به شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران اشاره نمود که بر نظریه و آرمان بزرگ امت اسلامی بنانهاده شد (هاشمی، ۱۳۹۸: ۲۳). جمهوری اسلامی توانست رفتارها و



الگوهای سیاسی جدیدی را برای نخستین بار در جهان پایه‌گذاری کند که در عین رعایت اصول دموکراسی و تأیید تعیین سرنوشت مردم به دست خود آنان، از اصول و معیارهای دینی هم عدول نکنند.

جمهوری اسلامی تلاش نموده تا با اتکا به مبانی اسلام، الگویی را تدوین نماید که در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی-فرهنگی بتواند حرفی برای گفتن داشته باشد و به سایر کشورها نیز تسری دهد. این در حالی است که به فرموده آیت‌الله خامنه‌ای، الگوهای رایج غربی، از لحاظ مبانی، غلط و بر پایه‌ی اومانیسم و اصول غیر الهی هستند و از لحاظ آثار و نتایج نیز نتوانسته‌اند وعده‌هایی را که در خصوص ارزش‌هایی نظیر «آزادی» و «عدالت» داده بودند، محقق کنند (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای شورای عالی «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، ۱۳۹۵/۰۲/۰۶، <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=32895>). جمهوری اسلامی، بعد از انقلاب اسلامی تلاش کرده تا در میدان‌های مختلف الگو باشد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم فارغ‌التحصیلی جمعی از پرسنل نیروی انتظامی، ۱۳۷۹/۰۷/۱۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3029>). تأکید بر اصول و اهداف انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب نیز مدنظر بوده است و تلاش در جهت رسیدن به اقتصادی پایدار و مستقل، بهبود علم و آموزش و سبک زندگی اسلامی، استقلال و آزادی، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد، ارتقاء بینش سیاسی آحاد مردم را از پایه‌های پیشرفت و الگوسازی برای سایر کشورها دانسته است. بر همین پایه می‌توان گفت که نظام جمهوری اسلامی می‌تواند با توجه به گام اول انقلاب اسلامی، بر پایه ایمان، علم و عدل، الگوی مستقل اسلام را برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی را در داخل کشور و سایر ملل مستقل و آزادی‌خواه تدوین نماید.

جمهوری اسلامی بر مبنای این الگو، شعارها و جهت‌گیری‌های خود را بنانهاده است. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این نکته کلیدی و مهم که اقتصاد کشور به هیچ‌وجه نباید به

تحولات خارجی پیوند بخورد؛ خاطرنشان کرده‌اند: «باید بر ظرفیت‌ها و امکانات داخلی تمرکز کرد و مسائل اقتصادی کشور نباید موکول به تحولات خارجی شوند (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت هفته دولت درباره الگوی مستقل اسلام برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی، ۱۳۹۹/۰۶/۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46303>).

تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بر عناصری همچون مستقل بودن، نشان‌دهنده نگاه عمیق و راهبردی ایشان به ظرفیت‌های کلان اقتصادی و ثروت‌های درونی کشور است که باید در گام دوم انقلاب درباره آن‌ها کار جدی و کارشناسانه صورت گیرد. از این‌روست که باید سخنان آیت‌الله خامنه‌ای را، الگویی از نظام‌سازی موفق بر مبنای ارزش‌های اخلاقی، دینی و اجتماعی و در عین حال با اقتدار و مستقل از هر جهت دانست. آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «الگوی مستقل اسلام برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی باید بر سه پایه «ایمان، علم و عدل» استوار باشد، البته ما در هر سه عرصه عقیبیم، اما شعارها و جهت‌گیری‌ها بر این اساس بوده و الگوهای انسانی آن نیز شهدایی مانند بهشتی، مطهری، باهنر، رجایی و سلیمانی می‌باشند (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت هفته دولت درباره الگوی مستقل اسلام برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی، ۱۳۹۹/۰۶/۲، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46303)

تعامل «ایمان، علم، عقل و عمل»، ضامن اجرای شریعت می‌باشند. توجه به نقش ایمان و علم در آیات و روایات بسیاری تأکید شده است. از متون دینی (آیات و روایات) به دست می‌آید که نه تنها هیچ‌گونه تضادی میان ایمان و تعقل نیست، بلکه آن دو، لازم و مکمل یکدیگر بوده و هرگاه باهم جمع شوند، مایه کمال فرد و جامعه خواهند شد. یکی از نکات مهم که امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه، بر آن تأکید کرده و پیروان خویش را به آثار مخرب آن توجه داده‌اند مسأله تفکیک آگاهی و ایمان، یا جدایی علم و دین است (نهج البلاغه، نامه ۲۱۸). در قرآن آیاتی می‌بینیم که روشن‌گر رابطه «علم» و «ایمان» و پیوند مستحکم این دو است، به عنوان نمونه می‌توان به آیه ۵۴ سوره حج: «وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ

رَبِّكَ فَيَوْمُنَا بِهِ فَتُخْبِتُ لَهُ قُلُوبُهُمْ»؛ (هدف این است که آن‌ها که دارای علم‌اند بدانند این قرآن حقی است از سوی پروردگارت، و به آن ایمان بیاورند و دل‌هایشان در برابر آن خاضع گردد) و همچنین آیه ۷ سوره آل عمران «وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»؛ (راسخان در علم گویند: ما به همه آیات الهی ایمان آورده‌ایم، همه از سوی پروردگار ما است و تنها صاحبان عقل متذکر می‌شوند)، اشاره نمود.

گام دوم انقلاب، جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی است. جهاد منحصر به دین اسلام نیست، بلکه جهاد و مبارزه با ستمگران، طاغوتیان و دنیاپرستان در رأس برنامه همه پیامبران بوده است. در سوره‌های بسیاری از قرآن، از جمله بقره، آل عمران، نساء، مائده، انفال، توبه، نحل، حج، نمل، احزاب، شوری، محمد، فتح، حدید، حشر، ممتحنه و صف، آیات بسیاری در رابطه با جهاد نازل شده است. در سوره بقره، آیه ۲۱۸ می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ (کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آن‌ها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است). امیرالمؤمنین علیه السلام در خصوص جهاد فرموده‌اند: «اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ أَلْسِنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ (از خدا بترسید و با مال و جان و زبان خود در راه خدا مجاهدت نمائید) (نهج البلاغه، نامه ۴۷). پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز می‌فرمایند: «إِنَّ صَبْرَ الْمُسْلِمِ فِي بَعْضِ مَوَاطِنِ الْجِهَادِ يَوْمًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَهُ مِنْ عِبَادَةِ أَرْبَعِينَ سَنَةً»؛ (یک روز استقامت و پایداری مسلمان در اماکن جهان، برای او از چهل سال عبادت بهتر و والاتر است) (نوری طبرسی، ۱۳۶۹، ج ۱۱: ۲۱).

در گام دوم انقلاب، روی سخن به‌ویژه با جوانان است که سال‌های نخستین انقلاب را تجربه نکرده‌اند، ولی در طول این ۴۰ سال از آرمان‌ها و مطالبات انقلاب مطلع بوده‌اند. گام دوم به دنبال رسیدن به تمدن نوین اسلامی بر اساس ارزش‌های اسلامی است. در مسیر تمدن‌سازی، چالش‌ها و محدودیت‌های مختلفی در داخل و خارج وجود دارد، به‌ویژه برای تمدن‌سازی اسلامی ایران که با اهداف بلند خود به دنبال سیطره بر استکبار جهانی چه از

نوع شرقی که در گذشته بوده و چه از نوع غربی که در حال حاضر با آن روبرو هستیم. انقلاب اسلامی ایران با تمام این چالش‌ها و وسوسه‌های داخلی و خارجی بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است. بنابراین در مواجهه با حوادث نباید دچار ترس و دلهره شد، چنان که در آیه ۶۲ سوره یونس نیز به آن تأکید شده است: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ (آگاه باشید که دوستان خدا هرگز هیچ ترسی (از حوادث آینده) و هیچ حسرت و اندوهی (از وقایع گذشته) در دل آن‌ها نیست).

گام دوم انقلاب بعد از گذشت ۴۰ سال خیلی مهم‌تر از گام اول است، چراکه در این گام فراتر از سال‌های قبلی، الگوسازی انجام شده و به‌مانند یک انسان که متولد می‌شود در دوران نوجوانی و جوانی انقلاب به سر می‌بریم که به دنبال رسیدن به بلوغ کامل از نظر فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دینی است. بر اساس بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی مانند یک پدیده‌ای زنده همواره منعطف بوده و آماده تصحیح خطاهای خویش است و این ویژگی‌ها با عدول نکردن از ارزش‌های انقلاب، منافاتی ندارد. انقلاب اسلامی پایبند به اصول و مرزبندی خود با دشمنان است و البته در برابر موقعیت‌های نو، مقتضیات و نیازهای جدید متحجر نبوده و واکنش مثبت نشان داده است. نکته‌ای که برای انقلاب اسلامی از ابتدای آن مهم بوده، جلوگیری از افراط و تفریط‌ها می‌باشد، و همیشه عقلانی و متعادل در مسیر خود حرکت کرده است و این به معنای منفعل و مردود بودن نیست، چراکه با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. در ادامه الگوی نظری پژوهش با توجه به بیانیه گام دوم ارائه شده است:



### شکل ۱: الگوی نظری پژوهش

#### ۳. عوامل مؤثر بر الگوسازی انقلاب اسلامی ایران

بدون تردید، عواملی بر الگوسازی انقلاب اسلامی برای سایر کشورها می‌توانند تأثیرگذار باشند و می‌توان با توجه به آن‌ها و از طریق ارتقا سایر مؤلفه‌ها به تدوین الگویی برای ادامه مسیر انقلاب و الگوسازی برای سایر کشورها اقدام نمود. اولین عاملی که بر الگوسازی انقلاب اسلامی مؤثر بوده، مشروعیت دینی و سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه به عنوان نظریه پرداز و روشنگر این انقلاب است. ایشان تنها اندیشمندی هستند که به عنوان نظریه پرداز وارد عمل شدند و با روشنگری‌های خود مردم ایران را بیدار کردند. ایشان عمل را با اندیشه پیوند زدند که نقش رهبری ایشان از عوامل مهم پیشرفت انقلاب اسلامی ایران بود که با رهبری ملت خود یک انقلاب را به سرانجام رساندند (محمدی، ۱۳۹۶: ۴۵). می‌توان گفت که از قرن پانزدهم شخصیتی را نمی‌بینیم که افکار و عملکردش به اندازه امام خمینی رحمته الله علیه در جهان

تأثیرگذار بوده باشد. راهبردهای ایشان حتی در جهان لیبرالیسم و کمونیسم هم مؤثر بوده است.

دومین عامل، درک متقابل مردم و رهبری است. زندگی ساده و عاری از تجمل امام خمینی رحمته الله علیه ایشان را شایسته رهبری بر همه مسلمانان می‌کردند. معیشت و وضع زیست ایشان در هنگام رهبری هیچ تفاوتی با زمان طلبگی ایشان نداشت. این شیوه زندگی تجلی روشن، عمل به آرمان‌هایی بود که امام مردم جهان را به آن دعوت می‌کرد (صابری، ۱۳۹۷: ۹). هنگامی که پیدایش و پایانی انقلاب اسلامی مرهون روش‌های فرهنگی و بیدارگرایانه امام خمینی رحمته الله علیه است، صدور و القای آن در دیگر نقاط جهان نیز به جز از این روش ممکن نخواهد بود. همان‌گونه که ملت ایران با بیدارگری و آگاهی از بی‌عدالتی و معنویت ستیزی رهایی یافت، دیگر ملل جهان نیز با بیداری و آگاهی به سوی دستاوردهای انقلاب اسلامی رهنمون می‌گردند.

سومین عامل، جهانی بودن هدف انقلاب و ناکارآمد بودن الگوهای غرب است. هدف انقلاب اسلامی تنها نجات اسلام و امت اسلامی نبوده، بلکه این نهضت هدفی جهانی داشته و در فکر نجات همه ملت‌ها و تمدن‌ها است. پیام امام خمینی رحمته الله علیه به گورباچف<sup>۱</sup> و پاپ گویای این امر است. این ارتباط و دلسوزی، انقلاب اسلامی ایران را با همه جهان مرتبط کرد. انقلاب اسلامی ایران علاوه بر این‌که اهداف جهانی داشت، جهانی بودن الگوهای غربی را نیز رد می‌کرد و برخلاف بسیاری از متفکران مسلمان توانایی الگوهای غربی برای هدایت و نجات انسان را زیر سؤال می‌برد (پارسانیا، ۱۳۸۹: ۳۷۶).

مؤلفه دیگر، استقلال در سیاست خارجی می‌باشد. از آنجایی که پیروی از سیاست مستقل، با منافع غرب و به‌ویژه آمریکا همخوانی ندارد، لذا ایران همواره با فشارهایی از طرف قدرت‌های بزرگ مواجه بوده است. جمهوری اسلامی ایران همواره در دوران معاصر قربانی روابط قدرت‌های بزرگ با یکدیگر از یک سو و سیاست مستقل خود از سوی دیگر بوده است.

1. Gorbachev

در بیانیه گام دوم انقلاب نیز استقلال در عرصه سیاست خارجی به‌عنوان یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی در این عرصه یادشده است. در این بیانیه آمده است «استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>). تلاش ایران در عرصه سیاست خارجی بر آن بوده که این ارزش‌ها صرفاً در مقام نظر باقی نمانده و به عرصه عمل نیز درآید. تلاش در جهت استقلال ملی و عدم وابستگی به کافران در آیات و روایات نیز تأکید شده است. چراکه وابستگی به کافران و پذیرش سرپرستی آنان موجب ذلت و عذاب الهی و پذیرفتن ولایت و سرپرستی خداوند و گسستن از ولایت غیر او سبب عزت فرد و جامعه می‌شود. در این خصوص می‌توان به آیات ۱۳۸-۱۴۰ سوره نساء اشاره نمود که چنین بیان شده است: «بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَسْتَعْتَبُوا عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»؛ (قرآن برای تأمین عزت و سربلندی مسلمانان و برتری آنان بر کافران و حفظ و صیانت این موقعیت، مؤمنان را موظف می‌کند تا از هر کاری که موجب سلطه و سیطره کافران گشته و مسلمانان را به وابستگی می‌کشاند دوری کنند).

عامل دیگری که می‌تواند به الگوسازی انقلاب اسلامی کمک نماید، بسط اندیشه و تفکر انقلاب اسلامی است که امروز مورد بحث محافل شده است و این پیشرفتی که جمهوری اسلامی ایران با وجود فشارها و تهدیدها به دست آورده است، برای تمامی اندیشمندان جای تأمل دارد و به نماد مهمی برای آزادی‌خواهان تبدیل شده است، به همین دلیل مردم کشورهای منطقه به مقابله با ظلم و معنویت‌گرایی پیدا کرده‌اند. روز قدس که توسط امام خمینی رحمته‌الله تعیین شده، خود نشان‌دهنده اصل صدور انقلاب به کشورهای جهان است و ما از این نوع علائم و نشانه‌ها در سراسر جهان می‌توانیم ببینیم. با توجه به این عوامل می‌توان گفت که انقلاب اسلامی ایران از بهترین و مهم‌ترین الگوهای حکومتی سالم است و می‌تواند با رفع مشکلات و چالش‌های در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... الگویی

مستقل برای سایر کشورها و برای جهانیان فراهم نمود.

#### ۴. تأثیرات انقلاب اسلامی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی

انقلاب اسلامی ایران، نمونه موفق و کارآمد انقلاب در سال‌های معاصر است که با رهبری مقتدرانه و هوشیارانه امام خمینی علیه السلام محقق شد. هم‌اکنون انقلاب مردم جهان متأثر از شیوه‌ها و شعارهای انقلاب اسلامی ایران است. مسلمانان پس از انقلاب اسلامی ایران هویتی تازه یافتند و عزت و شخصیت اسلامی در آنان شکوفا گشت. از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی این است که در بین تعیین‌کننده‌ترین انقلاب‌های جهان قرار دارد. ماروین زونیس<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) یکی از نویسندگانی است که در کتاب *خشم مقدس*<sup>۲</sup> از انقلاب ایران به عنوان یکی از سه انقلاب بزرگ تاریخ یاد می‌کند و رابین رایت<sup>۳</sup> (۲۰۰۰)، نویسنده و روزنامه‌نگار جنجالی آمریکایی آن را آخرین انقلاب بزرگ عصر مدرن می‌نامد. در ادامه تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی انقلاب اسلامی بر سایر کشورها با توجه به نظریات مختلف ارائه شده است:

#### الف) تأثیرات انقلاب اسلامی در سطح منطقه‌ای

پیروزی انقلاب، الگویی برای کشورهای اسلامی ایجاد کرد تا بر اساس آن برای رسیدن به اهداف‌شان گام بردارند. ماهیت ضداستکباری و ضداستبدادی انقلاب برای ملت‌های ستم‌دیده منطقه جذابیت داشت و تداوم آن در قالب جمهوری اسلامی و ایستادگی در برابر قدرت‌های بیگانه بر این جذابیت می‌افزود (محمدی، ۱۳۹۹: ۲۲). رابینهارد شولز<sup>۴</sup> (۲۰۰۰: ۲۲۶)

1. Marvin Zonis

2. Sacred Rage

3. Wright

4. Reinhard Schulze



در کتاب خود با عنوان **تاریخ مدرن جهان اسلام**<sup>۱</sup>، ضمن توصیف نقش ایران و انقلاب اسلامی در جهان اسلام، به اهمیت آن در شکل‌گیری تاریخ مدرن جهان اسلام می‌پردازد. وی در بخشی از کتاب خود، ایران را به‌عنوان مهم‌ترین کاندیدای نقش هژمونی در جهان اسلام توصیف کرده و از آن به‌عنوان مهم‌ترین رقیب عربستان در جهان اسلام یاد می‌کند. او تصدیق می‌کند که انقلاب اسلامی آغازی نمادین برای دوره جدیدی از اعتمادبه‌نفس در جهان اسلام تلقی می‌شود. احیای اسلام و ظهور اسلام انقلابی به‌عنوان یک عامل مهم و تعیین‌کننده در معادلات سیاسی و اجتماعی جهان اسلام به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران قلمداد می‌شود (موتالب<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰: ۸۷۷).

به گفته دانشمندانی مانند محمد ابوبکر<sup>۳</sup> (۱۹۸۱)، تجربه انقلاب اسلامی ایران چهره جدید و محبوب اسلامی را به دروازه کشورهای مسلمان شرق آسیا از جمله مالزی آورد. با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران در شرق آسیا و به‌ویژه مالزی، هرگز محدود به محبوبیت توده‌ها نشد، بلکه باعث شد بسیاری از احزاب سیاسی با الگوبرداری از انقلاب اسلامی به‌عنوان مکانیزم و سلاحی برای جلب رأی برای خود، اسلام را معرفی کرده و به اسلام متوسل شوند. حسین مطلب (۱۹۹۰: ۸۸۴)، استاد علوم سیاسی دانشگاه ملی سنگاپور، با اشاره به میزان و روند تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌ها و جریان‌های سیاسی و اجتماعی آسیای شرقی، به‌طور خاص نمونه‌هایی از مالزی را ذکر کرده و تأیید می‌کند که درست پس از انقلاب اسلامی در ایران، جنبش‌هایی مانند جنبش جوانان اسلامی مالزی<sup>۴</sup> و همچنین حزب اسلامی مالزی<sup>۵</sup>، با الهام از الگوی انقلاب اسلامی ایران، خواستار توسل به قرآن و

---

1. Modern History of the Islamic World

2. Mutalib

3. Mohammad Abu Bakr

4. ABIM

5. Islamic Party of Malaysia

سنت و نقش آن‌ها به عنوان منابع قانونی برای تدوین قوانین شدند.

بیداری اسلامی را می‌توان از جمله مواردی در نظر گرفت که بی‌تأثیر از اصول انقلاب اسلامی ایران نبوده است. بیداری اسلامی خواست ملت‌های مسلمان برای بازگشت به زندگی و فرهنگ اسلامی است. بازگشت به مبانی و اصول اسلامی و فراتر رفتن دین از یک آیین اخلاقی و ورود آن به عرصه مدیریت اجتماع و سیاست و حاکمیت دین بر تمام شئون زندگی است (یزدان‌پناه، ۱۳۹۰: ۱۹). جنبش‌های بیداری اسلامی از نظر آیت‌الله خامنه‌ای این‌گونه تعریف شده است: «این حرکت، حرکت ملت‌هاست؛ حرکت امت اسلامی است؛ حرکت با شعار اسلام است؛ حرکت به سمت اهداف اسلامی است؛ نشان‌دهنده بیداری عمومی ملت‌هاست و طبق وعده الهی، این حرکت قطعاً و یقیناً به پیروزی خواهد رسید» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در حرم مطهر رضوی،

https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=11804، ۱۳۹۰/۰۱/۰۱). این مطالب

نشان از تأثیرگذاری اصول انقلاب اسلامی به عنوان الگو در سطح منطقه‌ای می‌باشد که موجبات تأثیرگذاری بر سایر کشورها را فراهم نموده است.

### ب) تأثیرات انقلاب اسلامی در سطح بین‌المللی

علاوه بر تأثیرات منطقه‌ای انقلاب اسلامی بر خاورمیانه و جهان اسلام، وقوع انقلاب اسلامی منجر به سرنگونی محمدرضا پهلوی و فروپاشی یکی از متحدان غرب، به‌ویژه ایالات متحده شده بود. آمریکا، امواج گسترده‌ای را در مقیاس جهانی در سیستم بین‌المللی ایجاد کرد. از دست دادن یک متحد استراتژیک در منطقه به‌نوعی توازن قدرت بین دو ابرقدرت را به نفع مسکو بر هم زده بود و ناتوانی آمریکا در حمایت مؤثر از شاه در مقابله با انقلابیون یک خجالت‌جویی برای واشنگتن قلمداد شد. گروگان‌گرفتن دیپلمات‌های آمریکایی که از نظر ایرانیان جاسوس بودند، برای دومین بار در کمتر از یک سال، آمریکایی‌ها را به شدت تحقیر و موقعیت آن را به عنوان ابرقدرت در سیستم بین‌المللی

به چالش کشید (هالیدی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹: ۱۹). هدف حملات جمهوری اسلامی، ایالات متحده و نقش آن در سیستم بین‌المللی و به‌ویژه در منطقه خاورمیانه بوده است. این استراتژی کلی انقلاب را می‌توان در حملات زیر به‌وضوح یافت: «مهم‌ترین و دردناک‌ترین مسئله‌ای که ملت‌های اسلامی و غیر اسلامی تحت سلطه با آن روبرو هستند، مسئله آمریکا است. دولت آمریکا از هیچ تلاشی برای بلعیدن بیشتر منابع مادی کشورهای تحت سلطه دریغ نمی‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۸۴).

تدا اسکاچوپول<sup>۲</sup> یکی از نظریه‌پردازانی است که به تأثیرات انقلاب اسلامی ایران و مقایسه آن با سایر انقلاب‌ها پرداخته است. بعداً، سایر متفکران دانشگاهی با تجزیه و تحلیل و نقد عقاید و اندیشه‌های وی، ابعاد جدیدی به مطالعات وی افزودند. احمد اقبال، صریحاً در توضیح و تأیید نظریه اسکاچوپول در مقایسه انقلاب اسلامی ایران و انقلاب فرانسه اظهار می‌دارد همان‌طور که انقلاب فرانسه نقطه عطف و آغاز دوره جدیدی در اروپا است، انقلاب ایران در ایجاد و راه‌اندازی دوره جدیدی در جنوب و غرب آسیا و به‌طورکلی، در جهان سوم همین بازی را انجام داده است (اسکاچوپول، ۱۹۸۳: ۲۹۳).

وقتی صحبت از تأثیرات انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل می‌شود، با دیدگاه‌های مختلف و متنوعی در رابطه با چگونگی و میزان بروز این تأثیرات مواجه می‌شویم، اما علی‌رغم همه این اختلافات، این اصل که انقلاب اسلامی باوجود همه فشارها و تهدیدها و حملات پنهانی و آشکار علیه آن، نه‌تنها می‌تواند زنده بماند و ادامه یابد، بلکه تأثیر آن بر تنظیمات منطقه‌ای و بین‌المللی را نیز افزایش دهد، به نظر می‌رسد واقعیتی است که مخرج مشترک و حداقل سطح همه تحلیل‌ها است. انقلاب ایران یک فاجعه بزرگ برای جهان سرمایه‌دار و بسیاری از نویسندگان و متفکران چپ در سراسر جهان، بود. بر اساس چنین دیدگاهی، انقلاب ایران نمونه‌ای از قیام مردمی جهان سوم برای مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی

---

1. Haliday

2. Theda Skocpol

است که هدف آن ایجاد نظامی مبتنی بر عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت و کاملاً مغایر با اصول جهان سرمایه‌داری است (فالک<sup>۱</sup>، ۱۹۷۹: ۵). انقلاب اسلامی دارای یک ویژگی و تفاوت عمده در مقایسه با سایر ایدئولوژی‌های انقلابی در غرب است که برخلاف ایدئولوژی‌هایی مانند نازیسم و کمونیسم، نه تنها انرژی و توان بالقوه خود را صرف مبارزه با پدیده دین نکرد، بلکه از تمام پتانسیل‌های دین بهره برد (خانی، ۱۳۹۸: ۱۵).

### ۵. موفقیت‌ها و محدودیت‌های الگوسازی انقلاب اسلامی

فرایند تدوین الگوسازی از انقلاب اسلامی برای سایر ملل و کشورها با محدودیت‌ها و موفقیت‌هایی همراه بوده است که با توجه به این موفقیت‌ها و محدودیت‌ها و مراجعه به بیانیه گام دوم انقلاب، می‌توان الگویی را تدوین نمود که هم موجب گردد تا مسیر انقلاب هم در داخل کشور پر قدرت‌تر و استحکام‌تر باشد و زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... به صورت مستقل‌تر از سایر کشورها باشد و هم این‌که بتوان، این زمینه‌ها را به سایر کشورها نیز صادر نمود. چراکه تجارب الگوی انقلاب اسلامی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است و در آن به توانایی‌ها و استعدادها در داخل کشور توجه شده است.

### الف) موفقیت‌های الگوسازی انقلاب اسلامی

با وجود کارشکنی‌های جبهه استکبار علیه راهبردهای جمهوری اسلامی، می‌توان گفت که سیاست الگوسازی در لبنان، عراق، سوریه و یمن نسبتاً موفق بوده است. چنانچه امروزه نفوذ ایران در این کشورها، بیش از سال‌های قبل از انقلاب است و برخی سیاستمداران این کشورها، به الگوبرداری از راهبردهای ایران می‌پردازند. شکل‌گیری حزب‌الله در لبنان و تعمیق رویکرد مقاومت در برابر صهیونیسم در جامعه متنوع این کشور از جمله در جریان جنگ ۲۰۰۶؛ شکل‌گیری گروه‌های مقاومت در عراق و اخراج آمریکا از این کشور در سال ۲۰۱۱ و سپس شکل‌گیری حشدشعبی در راستای مبارزه با داعش؛ تلاش دولت سوریه بر

مقابله با تروریسم تکفیری و ایادی آمریکا در جریان جنگ داخلی این کشور و اراده انصارالله یمن بر مقابله با هرگونه اشغال‌گری تحت شدیدترین محاصره انسانی، از نمونه‌های الگوبرداری از آرمان استقلال‌طلبی و استکبارستیزی انقلاب ایران است. علاوه بر نزدیکی جغرافیایی، ازجمله دلایل این توفیق را می‌توان تجانس فرهنگی و به‌ویژه مذهبی میان اکثریت مردم ایران با جوامع مذکور دانست که عمدتاً به مذهب تشیع و درباره هیئت حاکمه سوریه به مذهب علوی گرایش دارند. هم‌چنین خطر مشترک صهیونیسم به‌خصوص در تجربه تاریخی مردمان سوریه و لبنان، از دیگر عواملی است که این الگوبرداری را تسهیل کرده است (محمدی، ۱۳۹۹: ۲۲).

الگوسازی ایران در برخی از ابعاد ملموس‌تر است. ازجمله بازگشت به خویشتن یا هویت اسلامی ازجمله تأثیرات در بُعد فرهنگی است. در جریان تحولات بیداری اسلامی، ایران سعی کرد الگوی اسلام‌گرایی را در کشورهای مصر و تونس ترویج کند. اگرچه ایران به دنبال استقرار نظام‌هایی مانند جمهوری اسلامی در کشورهای هدف به دلیل تفاوت‌های مذهبی نبوده، ولی با تأکید بر اشتراکات، زمینه‌های بیشتر همگرایی را به وجود آورده است. (ساسانیان، ۱۳۹۵: ۲). سیاست خارجی از دیگر ابعاد موفقیت الگوسازی ایران است. ایستادگی ایران در برابر ابرقدرت‌ها و کشورهای استعماری و حمایت از آزادی قدس شریف از چنگال صهیونیسم، مدنظر مردم و برخی از رهبران کشورهای غرب آسیا قرار داشته است. ایران توانسته این ایده‌ها را در منطقه تقویت کند. چنانچه امروزه برخی ملت‌های منطقه در برابر زیاده‌خواهی و زورگویی‌های جبهه استکبار ایستادگی می‌کنند و نسبت به تجربه اشغالگری‌های رژیم صهیونیستی نگرشی کاملاً منفی دارند (رایت، ۱۳۹۸: ۶).

### ب) محدودیت‌های الگوسازی انقلاب اسلامی

ایران در زمینه الگوسازی در ابعاد مختلفی توانسته به موفقیت‌هایی دست پیدا کند، ولی محدودیت‌ها و موانع داخلی و خارجی نیز وجود داشته است. ازجمله موانعی که از بیرون بر انقلاب اسلامی تأثیرگذار بوده، می‌توان به دشمنی آمریکا اشاره کرد. موانع آمریکا

برای الگوسازی ایران در دو حوزه سلبی و ایجابی دنبال شده است. در حوزه سلبی آمریکا سعی در تخریب الگوی ایران داشته است. بر این اساس، آمریکا انقلاب ایران را انقلابی ربه‌ده شده خوانده و خواهان آن شده است که مردم کشورهای عرب از جمله مصر و تونس از آن درس عبرت بگیرند. در حوزه ایجابی، آمریکا به دنبال معرفی یک الگوی دیگر، عمدتاً ترکیه برای کشورهایی منطقه بوده، تا جانشین الگوی ایران نماید (ساسانیان و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۷: ۸۱-۱۰۲).

از دیگر موارد در سطح خارجی می‌توان به تحریم‌های بین‌المللی اشاره نمود که موجبات تضعیف اقتصاد که یکی از پایه‌های اصلی فرایند الگوسازی می‌باشد، را فراهم نموده است. علاوه بر این، می‌توان به تلاش متحدان منطقه‌ای آمریکا در ایجاد گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق برای مقابله بانفوذ ایران اشاره کرد. مانع دیگری که در سطح بین‌المللی به نظر می‌آید، عدم جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور می‌باشد. در بُعد رسانه‌ای تلاش شده تا ضمن تشدید عملیات روانی معطوف به دوگانه‌های شیعه / سنت و یا عجم / عرب، روابط ایران با جوامع منطقه خدشه‌دار شود. تلاش رسانه‌های دشمن در ارائه چهره‌ای مخدوش از ایران، مانع از الگوسازی و موفقیت آن می‌گردد.

در سطح داخلی نیز محدودیت‌های وجود دارد که موجب شده تا فرایند شکل‌گیری انقلاب اسلامی به‌طور کامل صورت نگیرد. از جمله این محدودیت‌ها، می‌توان به جریان‌های اشاره نمود که برون‌رفت از وضعیت کنونی ایران را در سرتاپا غربی شدن می‌دانند. درست است که باید از الگوهای غربی استفاده نمود، اما این جریان شرایط فرهنگی و اجتماعی داخل ایران را که بر پایه آموزه‌های اسلامی شکل گرفته است، در نظر نمی‌گیرد. محدودیت دیگر، وجود فساد گسترده، آن‌هم به صورت شبکه خویشاوندی در لایه‌های مختلف دیوان‌سالاری کشور است که بر فرایند الگوسازی تأثیرگذار است. وجود فساد گسترده به معنای ضعف سیستم قضایی نیز می‌باشد. بنابراین محدودیت دیگر، ضعف سیستم‌های نظارتی به‌ویژه دستگاه قضایی در رسیدگی و برخورد با پرونده‌های کلان اقتصادی از یک سو

و محروم کردن کشور از نهادهای مدنی و رسانه‌های آزاد به‌عنوان ناظران حقیقی از سوی دیگر می‌باشد. هرچند که با گذر از سال‌های اولیه انقلاب، عملکرد سیستم قضایی در جهت مبارزه با فساد و اجرای عدالت بهبود یافته است.

محدودیت چهارم، پیر بودن سیستم تصمیم‌گیری در سطح کلان کشور است. این امر سبب محافظه‌کاری و عدم خطرپذیری تصمیم‌گیران شده، هرچند که وجود افراد باتجربه بر پایداری نظام کمک نموده است. بنابراین پیر بودن سیستم تصمیم‌گیری به معنای حذف این افراد نیست، بلکه باید با اجازه دادن به ورود افراد جوان، از تجربه افراد پیر و باتجربه به‌صورت همزمان برای مدیریت درست استفاده نمود. این در حالی است که وضعیت دایره قدرت در ایران به شکل قیفی برعکس می‌باشد که سبب شده به‌راحتی کسی وارد حوزه قدرت نشود، حتی گاهی مشاهده شده که افراد شاخص و تأثیرگذار هم از این دایره به‌راحتی بیرون انداخته می‌شوند.

محدودیت دیگر را می‌توان، فراهم نکردن شرایط و تن ندادن به خواسته‌های رایج نخبگان علمی کشور و برچسب زدن انگ‌های مختلف (از جاسوس گرفته تا ...) دانست که سبب خروج آن‌ها از کشور شده و درنهایت زمینه‌های علم و آموزش را با موانع روبه‌رو ساخته است. این در حالی است که می‌توان از این نخبگان برای پیشرفت کشور استفاده نمود و نگاه حداقلی و حداکثری را در این خصوص از بین برد. مطرح کردن این محدودیت‌ها، برای این است که با توجه به بیانیه دوم انقلاب، ضعف‌ها و چالش‌های موجود در سطح کشور را بهتر تشخیص دهیم و بر همین پایه، الگوی موفق را ترسیم نماییم که مدلی جهانی باشد و بتواند علاوه بر داخل کشور، برای سایر کشورهای جهان نیز الگو باشد.

## ۶. تدوین الگوی مستقل با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب

الگوسازی یکی از مهم‌ترین راهبردهای جمهوری اسلامی است که بر اساس آن، ایران باید در سیاست خارجی و شیوه حکومتی به‌عنوان یک الگو برای دیگر کشورها به‌ویژه کشورهای اسلامی مطرح شود (دهقانی‌فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۲۳-۱۵۰). البته تدوین

الگوی مستقل برای سایر کشورها به معنای دخالت در دیگر جوامع و نظام‌ها نیست، بلکه ارائه یک الگوی موفق در عرصه‌های مختلف در سطح منطقه و جهان است، هرچند که این الگو را باید بادید واقع‌بینانه مشاهده نمود. الگوی اسلامی برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی به‌طور خلاصه یک الگویی مرکب از ایمان، علم و عدل است. الگو این است که انسان، این را در شعارها، در اظهارها، در جهت‌گیری‌ها، در حرکت‌هایی که در این ۴۱ سال صورت گرفته، در شخصیت‌سازی‌هایی که وجود داشته، مشاهده کند (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت، ۱۳۹۹/۰۶/۰۲). انقلاب اسلامی با ارائه الگویی عینی و عملی از یک نظام سیاسی و اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های الهی و انسانی، بسیاری از مدعیان دروغین اندیشه و فرهنگ را به چالش فراخواند و شیفتگان فضیلت و پارسایی را نوید آزادی و رهایی داد و استکبار جهانی را به چالش کشید (موسوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰۵).

استقلال، مستقل بودن از سایر کشورها و ارائه دادن الگویی مطلوب از اصول بیانیه گام دوم انقلاب که در آن استقلال‌نظر و عمل در عرصه سیاست خارجی مدنظر بوده، نباید به معنای زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود و نباید در تقابل با اخلاق، قانون، ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود (مریجی، ۱۳۹۸: ۸۹). «در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و پاسداری از انقلاب، عظمت و مقابله با دولت‌های متکبر و مستکبر، از خصوصیات شناخته‌شده جوانان ایران به‌شمار می‌رفته است. قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آن‌ها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر جمهوری اسلامی، اعتراف به ناتوانی کرده‌اند» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲،

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

در گام دوم، روی سخن با جوانان است، چراکه در ۴۰ سال گذشته، اتفاقات را تجربه نکرده‌اند، و نباید اسیر دشمنان انقلاب و رهبران آن فکر، عقیده و آگاهی شوند، چون



تمدن سازی به دنبال خود دشمن ساز هم است و به هر قیمتی دنبال تحریف و دروغ پردازی درباره گذشته ایران می باشند و اجازه تمدن سازی اسلامی را جلوی تمدن غربی ندهند. چه در زمان گذشته و چه در زمان حاضر از جمله صحنه جنگ نرم، پیچیده و ترکیبی امروز و مبارزه فکری که دشمنان قسم خورده انقلاب ایجاد کرده اند، هر جا که جوانان ما ابتکار عمل به خرج دادند و در صحنه حضور مؤثر داشتند، کارآمدی خود را در عمل به اثبات رساندند و اهلیت و توانمندی خود را نشان دادند (امینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۴). هرچند که مخاطب اصلی بیانیه گام دوم انقلاب، جوانان و عموم مردم می باشند، اما مستند به صریح اصل قانون اساسی، دستگاه های حاکمیتی نیز از مخاطبان اصلی این بیانیه می باشند (غفاری و نیکونهاد، ۱۳۹۹: ۵۰۴).

ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن بدون سرمشق شکل گرفته و در گام دوم انقلاب اسلامی، این ترکیب قابلیت الگو شدن برای ملت های مستقل دیگر را دارد. در این چهل سال گذشته، نقاط ضعف مدیریتی و ساختاری متفاوتی بوده است، کارشکنی هایی در داخل و سنگ اندازی هایی از بیرون که دشمنان داخلی و خارجی انقلاب می باشند، دائماً به دنبال متوقف کردن انقلاب اسلامی اند، ولی با وجود نقاط ضعفی که در داخل و خارج وجود داشته، انقلاب اسلامی از مسیر خود دور نشده و اصول انقلاب را همیشه حفظ کرده است. این امر نشان دهنده آن است که عنصر جهان بینی اسلامی و ارزش های برخاسته از آن در نهضت انقلابی ایران و تداوم آن و همچنین در ساخت آینده انقلاب و هدف غایی آن یعنی ایجاد تمدن نوین اسلامی، نقش اساسی دارد (غفاری و نیکونهاد، ۱۳۹۹: ۴۹۵).

در این مسیر، تقابل اسلام با استکبار شکل گرفته و کشورها به دنبال رهایی از استکبار و رژیم های زورگو می باشند و انقلاب اسلامی برای آن ها الگو و چراغی برای پیدا کردن مسیرشان است. البته به خاطر همین خاصیت استکبارستیزی، رژیم های زورگو، انقلاب اسلامی را دشمن خود تلقی کرده اند و به دنبال از بین بردن اهداف و آرمان های انقلاب

می‌باشند، ولی بازهم با همه مشکلات طاقت‌فرسا جمهوری اسلامی گام‌های بلند و استوارتری برای حرکت به جلو برداشته است. در گام نخست اگر ما به مردمی کردن و عنصر اراده ملی رسیدیم و ما می‌توانیم را از زبان مردم شنیدیم و عمل کردند، در گام دوم این اهداف و اصول می‌تواند به صورت دقیق‌تر و با برنامه‌تر پیش‌گرفته شود. مقابله با استکبارگری آمریکا و فعالیت در منطقه فقط در قالب ساختار حکومت و انقلاب اسلامی نیست، نگاهی است که به دل جامعه ایران رسوخ کرده و روزه‌روز برجسته‌تر می‌شود. در قالب استکبارستیزی با توجه به قرآن و روایات، هر فرد مسلمان و هر دولت اسلامی بر اساس منطق و آموزه‌های دینی، موظف به مقابله با ظلم و استکبار جهانی است. به‌عنوان نمونه آیه ۴۱ سوره نساء می‌فرماید: «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا»؛ (پس چگونه است (حال آنان) آن‌گاه که از هر طایفه‌ای گواهی آریم و تو را بر این امت به گواهی خواهیم؟). امیرالمومنین عليه السلام یکی از دلایل پذیرفتن خلافت را مقابله با ظالمان عنوان نموده، فرمودند: «اما و الذی فلق الحبه و برا النسمه لولا حضور الحاضر و قیام الحجه بوجود الناصر وما اخذ الله على العلماء ان لا يقاروا على كظه ظالم و لاسغب مظلوم لالقيت حبلها على غاربها ولسقيت آخرها بكاس اولها»؛ (سوگند به کسی که دانه را شکافت و جانداران را آفریده است اگر انبوه آن جماعت نمی‌بود یا گرد آمدن یاران حجت را بر من تمام نمی‌کرد و خدا از عالمان پیمان نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمکاران و گرسنگی ستم‌کشان خاموشی نگزینند، افسارحکومت را بر گردنش می‌افکنم و رهایش می‌کردم و در پایان با آن همان می‌کردم که در آغاز کرده بودم) (نهج‌البلاغه، نامه ۳).

در گام نخست، با ثبات و امنیت، حفاظت از مرزها شکل گرفت و پیشرفت در عرصه علم، فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی، عمرانی، اقتصادی و فناوری حاصل گردید. خط انقلاب اسلامی خط توقف نیست و مسیر پیشرفت برای انقلاب اسلامی تا بی‌نهایت باز است. برای رسیدن به تمدن اسلامی، استفاده از دانش پژوهش و درعین حال معنویت و اخلاق در دل این دانش لازم و ملزوم همدیگرند. معنویت و اخلاق باید جهت‌دهنده همه

حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی باشد (مقیمی، ۱۳۹۷: ۱۲). انقلاب اسلامی به‌دنبال شکوفایی دانش بشری در جهت پیشرفت در زمینه‌های مختلف فناوری، پزشکی، صنایع، دفاعی، مهندسی، مونتاژ و غیره است. عوامل تکنولوژی و نوآوری، زمانی می‌توانند موجبات تغییر را فراهم نمایند که بیشتر افراد جامعه در خلق تکنولوژی و پدیده‌های نوظهور، نقش داشته و آن را بپذیرند (مریجی، ۱۳۹۸: ۸۴). علمی که در جمهوری اسلامی شروع شده یک آغاز است، آغازی در ابتدای مسیر و پیش‌برنده آن باید جوانان باشند تا بر قله عزت و سربلندی تمدن اسلامی قرار گیرند.

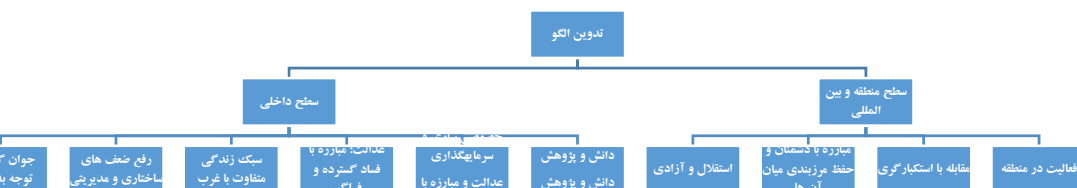
شکل‌گیری عدالت در تقسیم امکانات عمومی، حرکت بزرگ انقلاب اسلامی در جهت برابری و مبارزه با بی‌عدالتی در سال‌های بعد از انقلاب بوده است. در گام دوم، فراگیری عدالت و شکل‌گیری حکومت مبتنی بر علوی بودن نیازمند جهاد جوانان و نگاه آن‌ها بر عدالت و متعلق به خود بودن انقلاب اسلامی است که این تفکر اگر غالب باشد نگاه جوانان دلسوزانه، و جهاد و فعالیت آن‌ها روشنگرانه و هدفمند می‌شود. این هدفمندی از معنویت و اخلاق می‌باشد که به‌مانند بذری در جامعه پخش شده است. از آنجاکه جمهوری اسلامی، نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبانی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، در این رهنامه بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از نیاز دیگر نظام‌ها به این مقوله نگریسته می‌شود و اجرای سیاست‌های عدالت‌گرایانه از طریق جوانان مومن، انقلاب، دانا و کاردان امکان‌پذیر است (مقیمی، ۱۳۹۷: ۱۳). عدالت از نشانه‌های خردمندی است که در آیات و روایات نیز موردتوجه قرار گرفته است. امیرالمومنین علیه‌السلام فرموده‌اند: «من علامات العقل، العمل بسنة العدل»؛ (کار کردن به آیین عدل، از نشانه‌های عقل است) (حکیمی و همکاران، ۱۳۹۵، ج ۶: ۵۰۱). در آیه ۲۵ سوره حدید چنین بیان شده است: «لِيَقْوَمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ (ما [هم] راه پیغمبران را می‌رویم دیگر، ما راه اسلام و راه پیغمبران را داریم می‌رویم). در کنار همه موانع، مشکلات و کمبودها، رویش‌های انقلاب اسلامی خیلی بیشتر از ریزش‌های آن بوده و باوجود دشمنان، همچنان افرادی وجود دارند که استوار در راه انقلاب

قدم برمی‌دارند. باید توجه کرد افرادی در این کشور بوده‌اند که از اهداف، اصول و آرمان‌های انقلاب تخطی کرده‌اند. این فساد از دل این افراد بیرون می‌آید، اما امید به آینده همچنان زنده است و رسیدن به جایگاه علمی، اقتصادی و سیاسی با اتکا به معنویت و اخلاق بر مبنای دین و الگو بودن برای دولت‌های آزادی‌خواه و مستقل، هدف بزرگ انقلاب اسلامی است.

اقتصادی که جمهوری اسلامی بناکرده، از قالب اقتصاد دولتی و وابستگی به خارج رهاشده است، ولی همچنان وابستگی به نفت و عدم خصوصی‌سازی دغدغه مهمی می‌باشد که باید برای آن راه‌حل عملی پیدا کرد. در پاسخ به این مشکلات می‌بایست برنامه‌ای برای بازیابی اقتصاد صورت گیرد که در آن اقدامات لازم در مقابله با این بحران‌ها در کوتاه‌مدت مشخص گردد، همچنین برنامه‌های بلندمدت برای تقویت اقتصاد مانند سرمایه‌گذاری‌های هوشمند برای ساخت ظرفیت اقتصادی کشور به منظور ارتقاء کارایی و ایجاد نوآوری باشد تا بتوان در آینده به یک اقتصاد رقابتی دست یافت (روشندل و همکاران، ۱۳۹۸: ۲). اقتصاد با عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی مواجه است که برای رفع این عیوب و هدایت مسیر به سمت درست باید جوانان دست‌به‌کار بشوند. تمدنی که انقلاب اسلامی به دنبال شکل دادن آن است سبک زندگی متفاوت با غرب دارد، از عدالت و آزادی گسترده و فراگیر در همه زمینه‌ها برخوردار است. در این زمینه، انجام پژوهش‌ها و تحقیقات کاربردی در شرکت‌های دانش‌بنیان توسط استادان و فارغ‌التحصیلان جوان و برقرار ارتباط بین پژوهشگران، اندیشمندان و استادان در راستای ابتکارات اقتصادی توصیه می‌گردد (امینی و پناهی، ۱۳۹۸: ۵۳).

برای تدوین الگوی مناسب برای مرحله دوم انقلاب، می‌توان به راهکارهای زیر اشاره نمود. گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی با کشورهای منطقه تا با تقویت همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه و نمایش سودمندی رابطه با ایران، برداشت و ذهنیت مردم منطقه را نسبت به ایران تغییر داد و ذهنیت واقع‌گرایانه‌تری ارائه کرد. برای عمق‌بخشی الگوسازی در غرب

آسیا، لازم است از دستاوردها و تجربیات پیشین استفاده شود و راهبردی بر اساس ارزش‌ها و فرهنگ بومی هر یک از کشورهای هدف طراحی شود که بتواند به بهترین صورت به الگوسازی از انقلاب اسلامی در منطقه بپردازد. علاوه بر نزدیکی جغرافیایی، ازجمله دلایل این توفیق را می‌توان تجانس فرهنگی و به‌ویژه مذهبی میان اکثریت مردم ایران با جوامع مذکور دانست که عمدتاً به مذهب تشیع گرایش دارند. در ادامه با توجه به مباحث صورت گرفته و همچنین توجه به بیانیه گام دوم انقلاب، مدلی تدوین شده است که می‌توان با گذر از محدودیت‌ها و ضعف‌های موجود در داخل و خارج از کشور، زمینه الگو شدن انقلاب اسلامی در گام دوم انقلاب را فراهم آورد:



## شکل ۲: الگوی تدوین شده برای گام دوم انقلاب

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف تدوین انقلاب اسلامی به‌عنوان الگویی مستقل برای سایر کشورها برپایه بیانیه گام دوم انقلاب انجام گرفت. ویژگی انقلاب اسلامی که در بیانیه گام دوم بر آن تأکید شده از صفر شروع کردن و نداشتن الگوی قبلی و راه طی شده بود. انقلاب اسلامی، گامی در جهت مردمی کردن حکومت برداشت و درعین حال به واقعیت‌های جامعه و ارزش‌های دینی حاکم بر آن توجه کرد. در طول سال‌های بعد از انقلاب، دشمنی‌های زیادی از بیرون و از درون شکل گرفته، چراکه جریان انقلاب یک جریان استکبارستیز بوده و این ویژگی موجب شده تا کشوری مثل آمریکا به مقابله با انقلاب اسلامی و اصول آن پردازد، و شدیدترین تحریم‌ها را بر علیه ایران به کار گیرد. بااین وجود، انقلاب اسلامی توانسته است تأثیرات عمیق و قابل توجهی را در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای برجای بگذارد. از درون هم جریان خط تحریف به این دشمنی دامن می‌زنند و ظرفیت‌های انقلاب اسلامی را نادیده می‌انگارند، ولی انقلاب اسلامی با تمام دشمنی‌ها از بیرون و ضعف‌ها از درون در مبانی خود پافشاری کرده و به‌عنوان الگویی برای تغییر نظام‌های سیاسی تبدیل شده است. الگوی جدید انقلاب اسلامی نه تنها از ایدئولوژی مارکسیستی و لیبرال دموکراسی متفاوت است، بلکه مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و یک جریان نوین می‌باشد. این الگوی جدید که جمع بین جمهوریت و اسلام است، دین را وارد جریان زندگی اجتماعی انسان کرده است. انقلاب اسلامی با گذر از حکومت پهلوی، گام اول خود را برای نشان دادن این الگو برداشت. در طی چهل سال اول انقلاب نقاط ضعف و قوت فراوان را از سر گذرانید که شامل جریان سرتاپا غربی شدن، وجود فساد گسترده و ضعف سیستم قضایی، پیر بودن سیستم تصمیم‌گیری در سطح کلان کشور و عدم توجه به جوان‌گرایی، فراهم نکردن خواسته‌های نخبگان علمی کشور و نگاه حداقلی و حداکثری در مسائل مختلف بود، ولی هیچ موقع از اصول و مبانی خود عقب‌نشینی نکرده است.

جمهوری اسلامی باوجود گذشت بیش از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی، همچنان به‌مانند یک پدیده زنده جریان دارد. یعنی توقفگاه نیست که این انقلاب متوقف شده باشد، بلکه با علم جدید و عقلانیت مبتنی بر اسلام حرکت می‌نماید. انقلاب اسلامی با گذر از این محدودیت‌ها و نقاط ضعف و با تأکید بر نقاط قوت و ویژگی‌های مثبت که در بیانیه گام دوم بیان شده، و شامل فعالیت در منطقه، مقابله با استکبارگری، مبارزه با دشمنان، آزادی و مستقل بودن از سایر کشورها، استفاده از دانش و پژوهش، خصوصی سازی و سرمایه‌گذاری، عدالت و مبارزه با فساد گسترده، سبک زندگی متفاوت با غرب، رفع ضعف‌های ساختاری و مدیریتی، جوان‌گرایی و توجه به عناصر ایمان است، می‌تواند الگویی در اختیار کشورهای مستقل و آزاد باشد. این پژوهش تلاش کرد تا برپایه بیانیه گام دوم انقلاب، الگویی مستقل تدوین کند که علاوه بر تقویت نقاط قوت کنونی، نقاط ضعف را پوشش دهد.

## منابع

۱. امینی، داود؛ پناهی، حمید (۱۳۹۸). «تحلیل بر بیانیه گام دوم انقلاب در حوزه بهره‌برداری از جغرافیای طبیعی در توسعه اقتصادی کشور»، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، سال ۷، شماره ۲۶، زمستان، صفحات ۲۷-۵۶.
۲. امینی، زین‌العابدین؛ ردایی، هادی؛ ساده، احسان (۱۳۹۸). «تبیین نظریه مسئولیت اجتماعی جوانان در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تأکید بر حکمرانی خوب»، فصلنامه مدیریت کسب‌وکار، دوره ۲۰، شماره ۴۳، پاییز، صفحات ۱۳۳-۱۵۷.
۳. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت هفته دولت درباره الگوی مستقل اسلام برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی، ۱۳۹۹/۰۶/۲.
۴. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت، ۱۳۹۹/۰۶/۰۲.
۵. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۰۱/۰۱.
۶. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای شورای عالی «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» با رهبر انقلاب، ۱۳۹۵/۰۲/۰۶.
۷. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی، ۱۳۹۶/۰۷/۲۶.
۸. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم فارغ‌التحصیلی جمعی از پرسنل نیروی انتظامی، ۱۳۷۹/۰۷/۱۸.
۹. پارسانیا، حمید (۱۳۸۹). حدیث پیمان‌ه، قم، چاپ اول، انتشارات معارف.
۱۰. حکیمی، محمد؛ حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، علی (۱۳۹۵). ترجمه الحیاه، تهران، جلد ششم، چاپ هشتم، انتشارات دلیل ما.
۱۱. خانی، محمدحسین (۱۳۹۸). «ابعاد و تأثیرات جهانی انقلاب اسلامی ایران»، دوفصلنامه‌اندیشه سیاسی اسلام، سال ۶، شماره ۲، پاییز، صفحات ۱-۲۲.
۱۲. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه نور، تهران، چاپ اول، سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد.
۱۳. دهقانی‌فیروزآبادی، سید جلال؛ رادفر، فیروزه (۱۳۸۸). «الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم»، مجله دانش سیاسی، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان، صفحات ۱۲۳-۱۵۰.
۱۴. رایت، مری‌آن (۱۳۹۸). «هراس آمریکا نسبت به الگوپردازی کشورهای منطقه از ایران»، پایگاه



- خبری تحلیلی اقتصاد مقاومتی، ۶ مرداد، قابل بازیابی در لینک زیر: <https://moqavemati.net/95612>.
۱۵. روش‌نندل، مهدی؛ آبیاتی، علیرضا؛ همراه کمال‌آبادی، یاسر؛ گل‌محمدی، حجت‌اله (۱۳۹۸). «بررسی مدل‌های نوین مدیریت استراتژیک در تحقق اهداف اقتصادی سند ۱۴۰۴ با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب»، سومین کنفرانس بین‌المللی تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران، <https://civilica.com/doc/949160>.
۱۶. ساسانیان، سعید (۱۳۹۵). «نزاع بر سر الگو: روایتی از تلاش آمریکا برای الگوسازی در بیداری اسلامی»، خبرگزاری فارس، ۲۲، ۹، قابل بازیابی در لینک زیر: <https://www.farsnews.ir/news/139509210016368C>.
۱۷. ساسانیان، سعید؛ دهقانی‌فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۷). «الگوسازی در جوامع دستخوش تغییر: بررسی رقابت ایران و آمریکا برای الگوسازی در انقلاب مصر»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۵، تابستان، شماره ۵۳، تابستان، صفحات ۸۱-۱۰۲.
۱۸. صابری، محمد مهدی (۱۳۹۷). «بررسی نقش الگویی انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی»، گفت‌وگو اندیشه، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان، صفحات ۴-۲۰.
۱۹. غفاری، زاهد؛ نیکونهاد، ایوب (۱۳۹۹). «تحلیل آینده‌نگارانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، دوفصلنامه علمی دانش سیاسی، سال ۱۶، شماره ۲، پاییز و زمستان، صفحات ۴۸۷-۵۱۲.
۲۰. قرآن کریم (۱۳۸۰). ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، تهران، چاپ چهارم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲۱. محمدی، مصطفی (۱۳۹۹). «الگوسازی در راهبرد منطقه‌ای ایران؛ توفیق‌ها و محدودیت‌ها»، اندیشکده راهبردی نبیین، ۲۲ مهر، شناسه خبر: ۳۹۰۳۴، قابل دسترسی در <http://tabyincenter.ir/39034>.
۲۲. محمدی، منوچهر (۱۳۹۶). انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها و پیامدها، قم، چاپ شانزدهم، نشر معارف.
۲۳. مریجی، شمس‌الله (۱۳۹۸). «مبانی و عوامل تحقق تغییرات اجتماعی در بیانیه گام دوم انقلاب»، فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۲۲، شماره ۸۷، پاییز، صفحات ۷۹-۹۶.
۲۴. مقیمی، سید محمد (۱۳۹۷). «سخن سردبیر بیانیه گام دوم انقلاب: رهنامه پیشرفت ایرانی-اسلامی»، مدیریت اسلامی، دوره ۲۶، شماره ۳، پاییز، صفحات ۵-۱۴.

۲۵. موسوی، سیدمحمد؛ موسوی، سیدمحمدرضا؛ توتی، حسینعلی (۱۳۹۲). «نقش انقلاب اسلامی در هویت بخشی به جوانان ایرانی»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال ۲، شماره ۶، پاییز، صفحات ۱۹۵-۲۲۴.
۲۶. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۳۶۹). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، تهران، جلد یازدهم، چاپ اول، انتشارات آل البيت علیه السلام.
۲۷. نهج البلاغه (۱۳۹۱). ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران، چاپ سی و یکم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۸. هاشمی، مهرداد (۱۳۹۸). «گام دوم؛ ایران الگوی نظام سازی بر مبنای ارزش دینی و دموکراتیک»، اداره کل خبر و تفسیر برون مرزی ایران پرس، قابل دسترس در <https://farsi.iranpress.com/iran-i180514>.
۲۹. یزدان پناه، مهدی (۱۳۹۰). *مجموعه مقالات با موضوع بیداری اسلامی*، تهران، چاپ اول، دفتر مطالعات اجتماعی وزارت علوم.
۳۰. Aarabi, Kasra (2019). The Fundamentals of Iran's Islamic Revolution, Report Posted on: 11th February, <https://institute.global/policy/fundamentals-irans-islamic-revolution>
51. Abubakar, Mohammad (1981). "Islamic Revivalism and the Political Process in Malaysia", *Asian Survey*, vol 21, No 10, page 1040-1059.
۳۱. Bagheri Lankarani, Kamran & Alavian, Seyed Moyed & Peymani, Payam (2013). Health in the Islamic Republic of Iran, challenges and progresses, *Med J Islam Repub Iran*, Feb, 27(1): page 42-49. <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC3592943/>
۳۲. Falk, Richard (1979). "Iran's Home- Grown Revolution", *The Nation*, vol. 228 No .5.
۳۳. Haliday, Fred (1989). "The Revolution's First Decade", *Middle East Report*, No 156, page 19-21.
۳۴. Khomeini, Ayatollah Ruhollah (1989). speech to the people during the Imposed War, Tehran, Iran, 22 March 1989, <http://www.irna.ir/fa/News/81494977>
۳۵. Mutalib, Hussein (1990). "Islamic Revivalism in ASEAN States: Political Implication", *Asian Survey*, vol 30, No 9, page 877- 891.
۳۶. Rubin, Lawrence (2015). *Islam in the Balance*. Stanford: Stanford University Press.
۳۷. Wright, Robin (2000). *The Last Great Revolution: Turmoil and Transformation in Iran*, New York: Knopf.
۳۸. Zonis, Marvin (1996). quoted in Wright Robin, *Sacred Rage, The Crusade of Modern Islam*, New York: Linden Press.

---

## جایگاه گفتمان استکبارستیزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: (مطالعه موردی: بیانیه گام دوم انقلاب)

---

حسین فرزانه پور<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) - احسان مزدخواه<sup>۲</sup> - ریحانه نورمحمدی<sup>۳</sup>

### چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، گفتمان برآمده از انقلاب و آرمان‌های امام خمینی علیه السلام به عنوان الگوی عملی حکومت‌مندی، در عرصه‌های متفاوت مدنظر قرار گرفت. در این تحول گفتمانی از پهلوی به جمهوری اسلامی مبانی، آموزه‌ها و ایدئولوژی دچار تغییر و تحول شدند. درگفتمان انقلاب عنصر دین و آموزه‌های ناب مذهبی، مانند: مقاومت، سلطه‌ستیزی، استقلال‌طلبی، عدالت‌خواهی و به تعبیری دیگر استکبارستیزی به عنوان دال متعالی گفتمان برآمده از انقلاب اسلامی مفصل‌بندی شد. با وجود اینکه مفهوم استکبار تا قبل از انقلاب و درگفتمان پهلویسم جایگاهی نداشت، بعد از پیروزی انقلاب با

---

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند، استان خراسان جنوبی. [hfarzanepour@birjand.ac.ir](mailto:hfarzanepour@birjand.ac.ir)

۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی دانشگاه بیرجند، استان خراسان جنوبی. [ehsanmozdkhah@yahoo.com](mailto:ehsanmozdkhah@yahoo.com)

۳. دانشجوی کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی دانشگاه بیرجند، استان خراسان جنوبی. [reyhan.normohammadi@gmali.com](mailto:reyhan.normohammadi@gmali.com)

توجه به مبانی هویتی اسلامی، استکبارستیزی وجه غالب گفتمان انقلاب شد. به طوری که این عنصر به عرصه سیاست خارجی راه پیدا کرد و موجب شکل‌گیری یک گفتمان جدید برآمده از مبانی هویتی-اسلامی شد. در طول سالیان پس از پیروزی، مبارزه با استکبار و استکبارستیزی درآرا و افکار رهبران انقلاب به‌عنوان عامل محرک در جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوران پس‌پس‌پهلوی، بود. به طوری که این امر همچنان بعد از ۴ دهه یکی از ارکان مهم بیانیه گام دوم رهبر انقلاب قرار گرفت. نوشتار حاضر درصدد است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به این سوال پاسخ دهد که گفتمان مبارزه با استکبار مطابق با مبانی اسلامی آن و بیانیه گام دوم انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چه جایگاهی دارد و چه هدفی را دنبال می‌کند؟ یافته‌های تحقیق دلالت بر آن دارد که: اتحاد و انسجام داخلی، توجه به فرهنگ اسلامی، توانمندی اقتصادی، تقویت توان نظامی و استفاده از نیروهای جوان در مدیریت کشور میتواند سبب تقویت تفکر استکبارستیزی در عرصه‌های سیاسی داخلی و خارجی گردد. در نتیجه می‌توان با آگاه ساختن مستضعفین جهان آنها را در برابر استکبار جهانی تقویت نمود که این امر جز تنها بادرستورکار قرار گرفتن مبارزه با استکبار در سیاست خارجی کشور امکان‌پذیر نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: گفتمان انقلاب، استکبارستیزی، بیانیه گام دوم، سیاست خارجی

## مقدمه

انقلاب اسلامی ایران از مهم‌ترین وقایع قرن بیستم به‌شمار می‌رود. این انقلاب به دلیل ماهیت اسلامی، جهان‌شمولی و نگاه جهانی خود، نقشی مهم در جهان کنونی برای خود ترسیم نموده و اصول سیاست خارجی ایران به عنوان شاخصه‌ای از اسلامی بودن آن، سبب منشاء تغییرات و تحولات منطقه‌ای و جهانی توسط انقلاب اسلامی شده است که این تحولات در به چالش کشیدن ساختار سیاسی و کارکرد نظام بین‌الملل، تردید در اقتدار بلوک غرب در منطقه و بی‌اعتباری نظام دو قطبی حاکم بر جهان، موثر بوده است. وقوع انقلاب ایران همزمان با جنگ سرد بین دو بلوک شرق به رهبری شوروی و بلوک غرب به رهبری آمریکا به وقوع پیوست. قبل از انقلاب در راستای استراتژی مهار شوروی، ایران به عضویت پیمان سنتو درآمده بود. اما بعد از شکست آمریکا در جنگ ویتنام و مخالفت افکار عمومی این کشور، نیکسون در استراتژی دو ستونی که ستون نظامی ایران و ستون مالی عربستان را شامل می‌شد، ایران را ژاندارم خود در منطقه کرد. اما وقوع انقلاب راهبرده‌ای منطقه‌ای این دو بلوک قدرت را دستخوش تغییر کرد. با وقوع انقلاب اسلامی در کشوری که تا قبل از آن به عنوان ژاندارم منطقه شناخته می‌شد، یک خلاء قدرت به وجود آمد. همچنین خروج ایران از پیمان سنتو پس از انقلاب اسلامی که در نتیجه، از بین رفتن این پیمان و ایجاد فاصله میان پیمان‌های ناتو و سیتو را به دنبال داشت.

اما از آنجایی که نظام پهلوی در ابتدای تاسیس خود، به‌وسیله یک کودتا به روی کار آمد و در ادامه نیز در دوره پهلوی دوم در سال ۱۳۳۲ توسط آمریکا و انگلیس این نظام را با کودتایی دیگر نجات دادند، در نتیجه می‌توان گفت نظام پهلوی، از لحاظ سیاست خارجی و داخلی حکومتی وابسته بود. همان‌طور که بیان شد انقلاب اسلامی، سبب تغییر در فرآیند وابستگی و دست‌نشانده‌گی نظام سیاسی ایران به غرب در سیاست‌های استقلال طلبانه در سطح داخلی و خارجی شد. همچنین مبانی دینی انقلاب اسلامی که برخاسته از اندیشه‌های شیعی امام خمینی بود، کارگزاران انقلاب اسلامی را به اتخاذ سیاست‌های

استقلال طلبانه در عرصه سیاست خارجی دعوت می نمود. موضع انقلاب اسلامی در قبال استکبارستیزی و مبارزه با امپریالیسم به گونه ای بود که صراحتاً این ایده در فصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گنجانده شده است. با بررسی گفتمان های حاکم بر ایران در دوره پهلوی و انقلاب اسلامی، ما شاهد رشد تفکر اسلامی و بسط آن در تمام اجزای نظام هستیم. به گونه ای که در بیانات رهبران انقلاب اسلامی، تأکید بر مفاهیم اسلامی و همچنین مبارزه با استکبار که در دین اسلام به قاعده نفی سبیل مشهور است، این مواضع به وضوح نمایان است. بیانیه گام دوم انقلاب که تصویری از گذشته و آینده انقلاب اسلامی را نشان می دهد، در سال ۱۳۹۷ به تبیین دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی پرداخته و آرمان های انقلاب را بیان نموده است. مهم ترین بحث در این بیانیه، مبارزه با استکبار در همه جوانب زندگی سیاسی و اجتماعی جوانان و راهبردی برای فردای ایران می باشد. همان طور که بیان شد از اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی در سیاست خارجی اهمیت موضوع استکبار ستیزی بود به طوری بعد از سپری شدن ۴ دهه از انقلاب اسلامی، با دقت نظر و تحلیل مفهوم استکبار ستیزی به عنوان یکی از ارکان مهم بیانیه گام دوم رهبر انقلاب، میتوان مسیر آینده جمهوری اسلامی ایران را ترسیم نمود. این مقاله تلاش می کند با روش تحلیلی - توصیفی به تحلیل گفتمان انقلاب ایران و با بهره گیری از مفاهیم استکبارستیزی در قرآن و احادیث به تبیین این موضوع در بیانیه گام دوم انقلاب پردازد.

### مفهوم شناسی

استکبارستیزی: استکبار از دیدگاه فرهنگ سیاسی اسلام، وجود نوعی سلطه گری، سلطه جویی، استعمار و بهره کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسط اقلیت محدودی زورگو و نفع طلب بر خیل عظیم توده های محروم می باشد. این عمل، می تواند داخلی باشد؛ به همان طریق که یک عده دیکتاتور و زورگو بر ملت های محروم تحت سلطه خود حاکمیت داشته، آنها را تحت فشار و ظلم قرار دهند و همچنین می تواند بین المللی باشد؛ بدین معنی که دولت و یاکشوری، سایر ملت ها را استثمار و به استضعاف بکشاند که نمونه بارز آن اعمال

سیاست‌های استعمارگونه و امپریالیستی قدرت‌های بزرگ شرق و غرب در جهان می‌باشد (قاضی زاده ۱۳۷۷: ۶۰۹). همچنین استکبار به معنای عدم پذیرش حق از روی تکبر و عناد نیز معنا شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲۶/۵).

از نظر مقام معظم رهبری، مبارزه با استکبار در انقلاب اسلامی و در میان ملت ما یک حرکت معقول و منطقی و دارای پشتوانه علمی و یک حرکت خردمندانه بود، و از نظر ایشان برخلاف آنچه بعضی می‌خواهند و انمود بکنند که این یک حرکت شعاری است، احساساتی است، متکی به منطق و عقلانیت نیست، بعکس، حرکت ملت ایران یک حرکت متکی به عقلانیت است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۲ آبان ۹۴، بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31309>

رهبرانقلاب اسلامی در تبیین شاخص‌های اصلی انقلاب اسلامی تأکید کردند: «...عدالتخواهی، استقلال و آزادی به معنای حقیقی کلمه، استکبارستیزی و منفعل نشدن در مقابل دشمن، مردم‌گرایی، مستضعف‌نوازی و گرایش به طبقات محروم و پرهیز از اسراف و زندگی اشرافی‌گری جزو مبانی انقلاب اسلامی هستند که به هیچ‌وجه نباید تغییر کنند...» (آیت‌الله خامنه‌ای، دیدار اعضای مجلس خبرگان با رهبر انقلاب، ۷ شهریور ۱۳۸۷، <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=3703>).

مقام معظم رهبری تأکید کردند: «...استکبارستیزی، ایستادگی قاطع در مقابل حرکت کفر و نفاق در سطح جهان و مرزبندی شفاف با دشمنان انقلاب و دین، شاخص‌های اصلی هستند. ایشان در خصوص مرزبندی شفاف با دشمنان بیان داشتند: اگر کسی مرزبندی شفاف با دشمنان انقلاب و دین نکند، قدر خود را کاهش داده است و اگر به آنها گرایش پیدا کند، از دایره نظام خارج می‌شود...» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲ تیر ۱۳۸۹، بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه‌ها، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9640>). بنابراین استکبارستیزی را به عنوان مرزی میان ایستادگی در برابر کفر و دشمنان انقلاب قلمداد می‌کنند.

سیاست خارجی: از نظر لغوی، جهتی را که یک دولت در روابط خارجی خود برمیگزیند و در آن از خود تحرک نشان می‌دهد و نیز شیوه نگرش دولت را نسبت به جامعه بین‌المللی سیاست خارجی می‌گویند (محمدی ۱۳۶۶: ۲۳).

### پیشینه پژوهش

محسن رضائی جعفری، علیرضا آقا حسینی، علی علی حسینی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان گفتمان انقلاب اسلامی ایران والزامات اشاعه ارزش‌های آن در عصر جهانی شدن بر اساس نظریه لاکلا و موفه، به مفصل بندی مفاهیم و فرآیندهای هویت‌یابی اشاعه ارزش‌های گفتمان انقلاب اسلامی پرداخته است. فرضیه نویسندگان این است که گفتمان انقلاب اسلامی با دال مرکزی اسلام شیعی توانسته به رقابت با گفتمان‌های اسلام سلفی و اخوانی پرداخته و گفتمان لیبرال دموکراسی را به غیرهویت بخش خود تبدیل نماید و اسلام شیعی با ظرفیت خود میتواند در عصر جهانی عنصری هژمونیک گردد.

آیت‌الله عباسعلی عمیدزنجانی و محمد مهدی توکلی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان مبانی دینی اصول سیاسی خارجی جمهوری اسلامی ایران، به بررسی سیاست خارجی ایران بر مبنای اصول اسلامی و آموزه‌های قرآنی پرداخته است. نویسندگان تلاش کردند با استناد به آیات قرآن اصول سیاست خارجی ایران (حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، نفی سلطه پذیری، نفی سلطه جویی، حمایت از مسلمانان و احیای اندیشه امت اسلامی، حمایت از مستضعفان و پناهندگان و روابط صلح‌آمیز با دولت‌های غیرمحراب) را تحلیل نموده که این موارد همگی ریشه در مقیاس استکبارستیزی ماهیت انقلاب اسلامی ایران داشته و نویسندگان به خوبی با استناد به قرآن، این اصول قانون اساسی را تبیین و تحلیل نموده‌اند.

سید جعفر طباطبایی و حسین جلالی نوبری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان علل و حوزه‌های استکبارستیزی در گفتمان انقلاب اسلامی، به علل دشمنی استکبار با انقلاب اسلامی و جایگاه استکبارستیزی در گفتمان انقلاب را مورد بررسی قرار داده است. فرضیه این مقاله این



است که چون انقلاب ملت ایران از شعارهای اساسی اسلام به خصوص توحید و عدالت نشأت گرفته است لذا مخالف استکبار و ظلم بوده و همواره با ظالمان و زورگویان مخالفت نظری و عملی خواهد داشت. نویسندگان این مقاله نیز با توجه به آیات و روایت بسیار، رسالت ذاتی گفتمان انقلاب را مقاومت و ستیز بی‌امان در برابر جبهه استکبارمی‌داند و ایران را ام‌القری جهان اسلام، و رهبرانقلاب را به عنوان رهبری امت اسلام معرفی می‌نماید. این پژوهش‌ها همگی به حوزه استکبارستیزی، گفتمان انقلاب اسلامی و اصول سیاست خارجی ایران تکیه داشته‌اند اما هیچ‌یک به طور ویژه به تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب نپرداخته‌اند. این نوشتار تلاش می‌کند تا با استفاده از نظریه تحلیل گفتمان نظریه ارنستو لاکلاو و شانتال موفه که از مزایای بسیاری برای تحلیل پدیده‌های سیاسی برخوردار است استفاده نموده و با تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی به تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی پردازد.

### چارچوب تئوریک:

گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معانی هستند که در آن نشانه‌ها با توجه به تمایزی که بایکدیگر دارند هویت و معنا می‌یابند. لاکلاو و موفه معتقدند هر عمل پدیده‌ای برای معنادار شدن و قابل فهم شدن باید در درون نظام گفتمانی قرارگیرد. در مجموع گفتمان جهان اجتماعی را معنا می‌بخشد و بر می‌سازد (خالق پناه، حبیبی، ۱۳۹۳: ۳۰۸).

گفتمان یک منظومه معنایی است که واژه‌ها و نشانه‌های آن در کنار هم و در پیوند با یکدیگر مجموعه‌ای معنادار را می‌آفرینند. نظریه گفتمان اساساً در زبان شناسی متولد شد. با استفاده از زبان شناسی سوسور، گفتمان به مجموع‌های از نشانه‌های مفصل‌بندی شده اطلاق می‌گردد و وی زبان را نظامی از اصطلاحات مرتبط بدون ارجاع به زمان در نظر گرفت (دوسوسور، ۱۳۷۰: ۲۷). در اندیشه سوسور پیوند نشانه و معنای اختیاری و ثمره توافق و قرارداد است و هیچ‌گونه ارتباط ذاتی بین نشانه و معنای آن وجود ندارد، در اینجا هم نشانه‌ها و مفهوم‌ها دال‌های شناور هستند که گفتمان‌ها می‌کوشند به آنها معنا دهند.

هرنشانه در درون یک گفتمان به گونه‌ای خاص معنا می‌شود و به یک تثبیت معنایی موقت، دست می‌یابد. در این نظریه برای نشان دادن موقتی بودن معنای نشانه‌ها در درون یک گفتمان، از واژه لحظه یا وقته استفاده می‌کنند. یک لحظه نشانه‌ای که معنای آن به طور موقت تثبیت شده ولی همواره در معرض شناور شدن را داشته و امکان جذب و معنا بخشی آن از سوی گفتمان‌های دیگر وجود دارد. نشانه‌های گفتمانی بیشتر در اطراف یک دال مرکزی سازماندهی می‌شوند (حسینی‌زاده، ۲۰۱۳: ۸۶). از نظر گفتمانی، شکل‌گیری معنا همانند فرآیندی اجتماعی شامل عمل تثبیت معناست. سلطه یک گفتمان مبتنی بر انسجام معنایی دال‌های دیگر حول دال مرکزی است. اگر گفتمانی موفق شود با تکیه بر دال مرکزی خود، مدلول‌های مورد نظرش را به دال‌های گفتمانی نزدیک کند، آن گفتمان هژمونیک می‌شود. اگر گفتمان رقیب بتواند به کمک ساز و کارهای گوناگون این نظام معنایی را شالوده شکنی و ساختار معنایی متناسب با ذهنیت جمعی مردم بازشناسی کند آن‌گاه هژمونی جدیدی ایجاد کرده است. بنابراین موفقیت گروه‌های سیاسی به توانایی آنها برای تولید معنا بستگی دارد (Laclau, Mouffe, 1985: 109).

### نظریه گفتمان لاکلاو و موفه

نظریه گفتمان لاکلاو و موفه در واقع بسط نظریه گفتمان فوکو در حوزه فلسفه سیاسی - اجتماعی است. لاکلاو و موفه گفتمان را مجموعه‌ای معنی‌دار از علائم و نشانه‌های زبان شناختی و فرازبان شناختی تعریف می‌کنند. در نزد آنان گفتمان صرفاً ترکیبی از گفتار و نوشتار نیست بلکه این دو، خود اجزای درونی کلیت گفتمانی فرض می‌شوند و گفتمان هم دربرگیرنده بعدمادی وهم مزین به بعد نظری است (تاجیک، ۲۰۱۳: ۲۱). از نظر آنها گفتمان مجموعه‌های اصطلاحاتی هستند که به شیوه معنادار به هم مرتبط شده‌اند (Laclau, Mouffe, 1985: 193).

گفتمان در نگاه لاکلاو و موفه نظام معنایی‌ای بزرگتر از زبان است و هر گفتمان، بخش‌هایی از حوزه اجتماع را در سیطره خودگرفته و به واسطه در اختیار گرفتن ذهن سوژه‌ها،

به گفتارها و رفتارهای فردی و اجتماعی آن‌ها شکل می‌دهد. گفتمان از نظر لاکلاو و موفه مجموعه‌هایی از نشانه‌هاست (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۸۲-۱۵۶). در نظر آنها، هر عمل پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد، فعالیت‌های و پدیده‌ها وقتی قابل فهم می‌شوند که در قالب گفتمانی خاص قرار می‌گیرند. هر معنایی را تنها با توجه به عملی کلی که در حال وقوع است و هر عملی را با توجه به گفتمان خاصی که آن عمل در آن قرار دارد باید شناخت (لاکلاو، ۱۳۷۹: ۲۶).

### شاخص‌های نظریه لاکلاو و موفه

۱- دال مرکزی: دو مفهوم دال و مدلول در نظریه لاکلاو و موفه نقش کلیدی دارند و دالها، اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی و یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معنایی خاصی دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌نماید، مدلول نامیده می‌شود. مدلول، نشانه‌ای است که ما با دیدن آن، دال مورد نظر برایمان معنا می‌شود (بهرام پور، ۱۳۷۹: ۱۳۶). دال مرکز دالی است که سایر دال‌ها در اطراف آن جمع می‌شوند و نقطه ثقل همه دال‌ها و انسجام بخش آنها است و اهمیت دال مرکزی از اینجا ناشی می‌شود که لاکلاو و موفه، ظهور یک گفتمان را از طریق تثبیت نسبی معنا حول گره‌گاه‌های خاص می‌دانند (Laclau, Mouffe, 1985: 112).

۲- خصومت، غیریت: لاکلاو مفهوم بیرون سازنده را برای توضیح ویژگی‌های غیریت به کار می‌برد. خصومت در نظریه لاکلاو و موفه به امکانی و موقتی بودن گفتمان‌ها اشاره دارد. اگر خصومت همواره وجود یک گفتمان را تهدید می‌کند و آن را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد، پس همه گفتمان‌ها خصلتی امکانی و موقتی دارند و هیچگاه تثبیت نمی‌شوند. از سوی دیگر، این تضاد همیشه خصلتی ویرانگر ندارد و می‌تواند سازنده هم باشد (Laclau, 1990: 28). غیر از یک سو مانع شکل‌گیری کامل و یا تثبیت گفتمان می‌شود و آن را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد و از سوی دیگر، در شکل‌گیری آن نقش بنیادین بازی می‌کند. بنابراین، خصومت از یک سو مانع عینیت و تثبیت گفتمان و هویت می‌شود و از

سوی دیگر سازنده هویت و عامل انسجام گفتمانی است (عضدانلو، ۱۳۷۵: ۲۴).

۳- مفصل بندی: بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه مفصل بندی عبارت است از تلفیقی از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه می یابند (یورگنسن، فیلیپس، ۱۳۸۹: ۵۶).

۴- هژمونی: از نظر لاکلا و موفه هژمونی در سراسر جامعه وجود دارد و با آن در هم تنیده است. از نظر آنها اگر افکار عمومی معنایی را برای یک دال هرچند موقت بپذیرند، در آن صورت آن دال هژمونیک می شود. هژمونیک شدن دال ها دیگر به معنای هژمونیک شدن کل نظام معنایی و نهایتاً گفتمان و هویت آن می شود. به عبارت دیگر اگر یک گفتمان، نظام معنایی مطلوب خویش را در ذهنیت جمعی اجتماع، تثبیت کند و رضایت عمومی را جلب نماید این گفتمان هژمونیک می شود (Laclau, Mouffe, 1985: 44).

۵- قدرت: قدرت وسیله است که گفتمان توسط آن غیر را طرد کرده و خود را تثبیت می کند. قدرت از نظر لاکلا و موفه عبارت است از: قدرت تعریف کردن و تحمیل این تعریف در برابر هر آنچه آن رانفی می نماید (نش، ۱۳۸۰: ۴۹). گفتمان ها می کوشند به وسیله اعمال قدرت بر یکدیگر پیروز شوند و از آنجا که پیروزی هیچ یک از پیش تعیین شده نیست، نقش اساسی قدرت در بقا یا نابودی گفتمان ها بیش از پیش مشخص می شود. فرکلاف برای توضیح این مطلب از قدرت پشت گفتمان استفاده کرده است (Fairclough, 2001: 53). با توجه به تعاریف بالا می توان گفتمان ایران را به دوره قبل از انقلاب و بعد از انقلاب بازتعریف نمود. در هر گفتمان برخی عناصر نقش پررنگ تری داشته و بر طبق الگوی لاکلا و موفه می توان به تبیین این عناصر پرداخت. اگرچه در هر دوره ای، عناصر گفتمانی اهمیت متفاوتی داشته اما این الگو برای مقایسه غیریت، دال ها، قدرت و هژمونی در گفتمان انقلاب و پیش از انقلاب قابل بررسی بوده که در ادامه نوشتار به بررسی این موارد به طور مبسوط می پردازیم.

## گفتمان انقلاب اسلامی و مفصل بندی مفاهیم

گفتمان انقلاب اسلامی ایران با پشتوانه امام خمینی رحمته الله علیه و روحانیت به عنوان یکی از قدرتمندترین گفتمان ها مطرح شده در دوران معاصر است. در این گفتمان نشانه‌ها و مفاهیمی چون مردم سالاری دینی، حقوق بشر اسلامی، فقه، اجتهاد، امت‌گرایی در برابر ملی‌گرایی، دفاع از محرومان و مستضعفان برجسته شده و نمودهای گفتمانی آن را شکل داده‌اند. اصول انقلاب اسلامی ایران عبارتند از: اصل خدامحوری، اصل حق تعیین سرنوشت انسان ها، اصل در هم‌تنیدگی دیانت و سیاست، اصل ظلم‌ستیزی، اصل عدالت‌خواهی، اصل معنویت‌خواهی، اصل عقل‌گرایی (عقلانیت)، اصل عام‌بودن مخاطبان که در چارچوب گفتمانی انقلاب ایران صورت بندی شده است (جهانیان، شفازاده، ۱۳۹۲: ۱۱۳). انقلاب اسلامی ایران اندیشه نوین اسلام سیاسی فقهاتی را مبتنی بر اندیشه‌های امام خمینی ارائه کرد. اسلام سیاسی بر ولایت فقیه، فقه و روحانیت به عنوان مفسران اصلی شریعت تأکید دارد (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۲۲۵). نطفه اسلام سیاسی در دهه ۱۳۲۰ بسته شد و اسلام سیاسی به عنوان یک اندیشه در دهه ۱۳۴۰ متولد گردید. اسلام سیاسی قرائتی است که اسلام را متکفل امور اجتماعی و سیاسی و تشکیل حکومت می‌داند. اسلام سیاسی را در عام‌ترین شکل آن، می‌توان به احیا یا تجدید حیات مذهبی در زندگی خصوصی و عمومی تعریف کرد (Esposito, 2000: 31). هدف اسلام سیاسی بازسازی جامعه ایرانی بر اساس احکام فقهی اسلامی است و هرگونه تقلید از غرب را نکوهش می‌کند. با این حال اسلام فقهاتی از مفهوما و نهادهای مدرنی چون مردم، جمهوریت، دموکراسی، قانون، آزادی، برابری و حتی حقوق بشر استفاده می‌کند و می‌کوشد تا به آنها در چهارچوب گفتمانی خویش معنا دهد (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۲۳۰). به طور کلی در گفتمان انقلاب اسلامی، مفاهیم و دال‌ها بر حول اسلام سیاسی مفصل بندی شده است. به بیانی دیگر مفاهیم مهمی مانند: عدالت، حکومت مطلوب، آزادی، مشروعیت، حقوق بشر و... بر طبق اسلام سیاسی مفصل بندی گردیده است.

### - حکومت مطلوب؛ حاکمیت الهی:

از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت جهانی اسلام، حاکمیت الهی است در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه اجرای احکام اسلام به حکومت اسلامی نیاز دارد و اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت و برای دستگاه اجرا و اداره و مبارزه در راه آن جزئی از اعتقاد به ولایت به شمار می‌آید. بنابراین نه تنها اسلام دینی سیاسی است و برای حکومت و قانون برنامه دارد. بلکه مبارزه برای تشکیل حکومت اسلامی نیز واجب بوده و وظیفه دینی مسلمانان است (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۱۹). به نظر ایشان، اسلام بنیان‌گذار حکومتی است که در آن نه شیوه استبداد حاکم است که آرا و تمایلات نفسانی یک تن را بر سراسر جامعه تحمیل کند و نه شیوه مشروطه و جمهوری که متکی بر قوانینی باشد که گروهی از افراد جامعه برای تمامی افراد آن وضع کنند. بلکه حکومت اسلامی، نظامی است ملهم و منبعت از وحی الهی است که در تمام زمینه‌ها از قانون الهی مدد می‌گیرد و هیچ یک از زمامداران و سرپرستان امور جامعه را حق استبداد رای نیست. به عبارت دیگر، حکومت مطلوب از منظر اندیشه قرآنی حکومتی می‌باشد که سعادت دنیوی و اخروی شهروندان و جامعه را فراهم آورد و به عنوان یک سیستم در رهنمودسازی دولت - ملت به تعالی پیشران موثر باشد همانطور که در قرآن کریم هم ذکر شده است « وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ » (سوره سبأ، آیه ۳) که می‌گوید حکومت الهی، حکومتی است که بر محوریت دستورات الهی در امتداد حاکمیت خداوند متعال قرار گرفته است و در صدد پیاده سازی دستورات توحیدی در جامعه برای پیشرفت، سعادت و کمال می‌باشد. همچنین در سوره مبارکه مائده آیات ۴۴ تا ۴۹ نشان دهنده صراحت اجرای دستورات خداوند در اجتماع توسط یک رهبری الهی است. سپس خداوند در آیه ۶۴ سوره مبارکه انفال می‌فرماید: « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ » که این آیه نشان دهنده این است که ارکان حکومت اسلامی را خدا و مردم معرفی می‌کند و مبنای یک نظام اسلامی رهبری الهی و حاکمیت الهی

می باشد.

امام خمینی معتقد است که وظیفه فقیه فتوا در حوزه دین است و بنابراین فقیهان به جای ولایت در تبیین دین ولایت در افتاء دارند. از نظرایشان در عصر غیبت، حکومت تعطیل نمی شود و تشکیل حکومت در عصر غیبت واجب است چون بسیاری از امور شرعی اجتماعی، سیاسی، قضایی و نظامی وجود دارد که انجامش در عصر غیبت واجب است و بدون حکومت امکان پذیر نیست (اکبری، ۱۳۸۷: ۵۴).

#### -عدالت:

عدالت خواهی به عنوان یکی دیگر از ارزشهای موجود و معیارهای ثابت در فقه سیاسی شیعه، تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است. از نظر شهید مطهری عدل در معنای سیاسی - اجتماعی در مقابل ظلم قرار می گیرد. بر این اساس عدل عبارت است از رعایت حقوق افراد و اعطا کردن به هر ذیحق، حق او را (مطهری، ۱۳۷۵: ۸۰/۱). عدالت در زمینه های مختلفی چون عدالت سیاسی قابل تعریف است که منظور از آن اینست که امور، به نحو شایسته اداره شود تا مردم در یک فضای عادلانه به زندگی خود ادامه دهند. شهید مطهری مشارکت سیاسی را متعلق به همه مردم می داند و احاد جامعه، حق مشارکت در همه امور سیاسی خویش را خواهند داشت. در مشارکت همگانی نباید تبعیضی میان مردم ایجاد شود. همه احساس کنند به حقوق خود رسیده اند و نیز از آنجا که مردم از رشد و آگاهی سیاسی برخوردارند، ضروری است در همه امور نظارت کنند (میراحمدی، شیری، ۱۳۸۸: ۸۳). بنابراین حکومتی که منتخب مردم است، مسئول و قابل مؤاخذه بوده به همین دلیل امام خمینی رحمته الله علیه یکی از شاخص های عدالت سیاسی را مشارکت برابر می داند. به عبارت دیگر، ارزش عدالت در سطح اجتماعی - سیاسی از منظر قرآن کریم به حدی است که به عنوان اصلی محوری و بدل ناپذیر است که خداوند به اجرای آن فرمان می دهد به طور مثال خداوند در سوره مبارکه نحل می فرماید: « ان الله يامر بالعدل والاحسن » (نحل، آیه ۹۰). در تفسیر چنین

آیاتی می‌توان این گونه برداشته کرد که در جوامع بشری بحث عدالت در ابعاد گوناگون آن است؛ طرح مباحث عدالت در یک جامعه حکایت از آن دارد حیات سیاسی و عقلانی جامعه به منظور پویایی باید در حوزه‌های گوناگون عدالت پیشه عمل نماید و به عنوان یک ایده‌آل در امت‌سازی و ملت‌سازی الهی پیش قدم باشد که وظیفه این اقدام همواره متوجه حکومت می‌باشد.

در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» (نساء آیه ۵۸)، خداوند در این آیه کلید سعادت و خوشبختی جامعه را قرار گرفتن افراد لایق و عادل در جایگاه‌های رهبری حکومتی است. چنانکه حضور افراد نالایق و ظالم خود سرمنشا نابسامانی‌های اجتماعی می‌گردد. همچنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَانُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده، آیه ۸)، خداوند در این آیه متذکر می‌شود که مبدا کینه و دشمنی شمارا منحرف سازد. برای هر کاری باید خلوص نیت داشت و اگر قیام برای خدا باشد کینه‌ها در اجرای عدالت بی‌اثر می‌گردد. در نتیجه حکومت اسلامی عدالتی مستمر و مطلوب را دارد.

#### - دموکراسی، مردم‌سالاری و جمهوری:

در اسلام دموکراسی وجود دارد با این تذکره که در این رابطه، میان بینش اسلامی و بینش غربی تفاوت است (مطهری، ۱۳۵۸: ۹۹). جمهوریت در نظام اسلامی از نظر شهید مطهری مسئله «مربوط است به شکل حکومت، که مستلزم نوعی دموکراسی است. یعنی اینکه مردم حق دارند سرنوشت خود را خودشان در دست بگیرند» (همان: ۸۱). در واقع، از مردم‌سالاری درگفتمان انقلاب اسلامی ایران با عنوان مردم‌سالاری دینی یاد می‌شود که اصطلاح تازه‌ای درگفتمان سیاسی دنیاست و برخلاف واژه‌هایی چون جمهوری اسلامی، پارلمان اسلامی و... که همگی ترکیب‌هایی از یک مفهوم به علاوه یک قید اسلامی هستند، دربسترمانی



سیاسی اسلام و متأثر از آموزه‌های نبوی و علوی روییده و برآن است تا ضمن پاسداشت حقوق مردم در حوزه سیاست و اداره امور جامعه و پرهیز از الگوهای حکومتی استبدادی، رعایت اصول و مبانی ارزشی را نشان دهد (فیاضی، ۱۳۸۰: ۴۳). خداوند در آیه ۲۵ سوره حدید می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» عدالت را در سایه قانون و رهبری الهی دانسته و فلسفه ایجاد نبوت، ایجاد عدالت است و همچنین مسئولیت بر مردم است که برای عمل و اجرا بپاخیزند. بنابراین آیه مردم باید حکومت و تشکیلات داشته باشند تا بتوانند در مقابل طغیانگران ایستادگی کنند. خداوند برای برقراری عدالت قوانینی وضع نموده و آنها را به وسیله پیامبران و کتاب‌های آسمانی بیان نموده تا در جامعه عدالت بپاگردد. این امر تنها با کمک مردم و حضور همه امت اسلامی در حکومت ممکن پذیر می‌باشد. به طور خلاصه مردم‌سالاری دینی، برالگویی از حکومت که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردم استوار بوده ناظر است و حاکم نقش خود تنها در چارچوب قوانین الهی، حق‌مداری ایفا می‌کند.

### -آزادی:

گفتمان انقلاب اسلامی ایران در عین تلقی کردن آزادی به عنوان یک ارزش بزرگ انسانی، به هیچ وجه آن را فوق همه ارزشها، قرار نمی‌دهد. در این اندیشه معیار آزادی، مصالح مادی و معنوی افراد و اجتماع است؛ یعنی همان طور که نمی‌توان آزادی اجتماعی و منافع مادی اجتماع را به خطر انداخت، به معنویت اجتماع نیز نمی‌توان لطمه زد (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶: ۱۸). در واقع، آزادی یک ارزش اساسی در مجموعه ارزشهای انسانی است، اما همه ارزشهای بشری را شامل نمی‌شود و تحت لوای آزادی نمی‌توان کرامت و حرمت انسانهای دیگر را زیر پا گذاشت. خداوند در آیه ۳ سوره انسان می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكَرًا وَ إِنَّمَا كَفُورًا» بر این اساس آزادی بر مبنای اختیار به تمام انسان‌ها داده شده است و هرانتخابی سرانجام خود را دارد در نتیجه انسان به ذات فردی آزاد و با قوه اختیار است که راه هدایت برای

او مشخص شده و خود مختار است قدم برچه راهی گذارد و چه سرانجام و عقوبتی داشته باشد. در آیه ای دیگر «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجْلُ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيَحْرِمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف، آیه ۱۵۷) به صراحت یکی از اهداف بعثت پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را تحقق آزادی تلقی کرده است و از دوش آنان قید و بندهایی که بر آنها بوده است را بر می دارد. از نظر قرآن با نبود آزادی دعوت به دین داری عبت و بیهوده است.

#### - استکبارستیزی و دفاع از محرومان و مستضعفان:

مستضعف به عنوان یکی ازواژه های قرآنی، در اندیشه انقلابی امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ نیز جایگاه ویژه ای دارد. رویارویی مستکبران در برابر مستضعفان، تقابل عدل و ظلم، و صف آرایی محرومان و چپاولگران، در کلام و پیام ایشان موج میزد. به طوری که دفاع از مستضعفان و مقابله با استکبار از مفاهیم اساسی گفتمان انقلاب اسلامی ایران قرار گرفت. این مفهوم از عناصر مهم و نقش آفرین در اسلام شیعی است، در واقع گفتمان انقلاب اسلامی ایران ظلم ستیز است و در مقابل، از محروم و مستضعف دفاع می کند. در قرآن کریم استکبارستیزی و راه مبارزه با چنین پدیده ای، وجود رهبری شایسته و جمع شدن یاران و افراد جامعه حول محور چنین کانونی به عنوان قطب پیشران حرکت، دوش شرط اساسی برای استکبارستیزی موجود می باشد که قرآن می فرماید: « وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا » (نساء، آیه ۷۵) همانطور که از این آیه برمی آید، نخستین تقاضای مستضعفان گرفتار در چنگال دشمن، برای نجات خویش این است که یآوری از سوی خداوند برایشان مقدر فرماید. پس برای نجات از چنگال ظالمان، پیش از هر چیز، وجود یک رهبر لایق برای مبارزه با استکبار و اساساً استکبارستیزی لازم و ضروری است. از

دیگر شروط استکبارستیزی اتحاد و انسجام اجتماعی-سیاسی می باشد؛ به این معنا که کاهش بسترهای تفرقه و افزایش حوزه های وحدت محور گام موثر برای استکبارستیزی است چنان که در سوره مبارکه حجرات آیه ۱۰ بیان می کند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات، آیه ۱۰) تفسیر این آیه بدین معناست که اسلام وحدت را به عنوان اصل مشترک توحید و نفی طاغوت می داند و جز پیشران های استکبارستیزی است.

امام خمینی رحمته الله علیه، در این رابطه می فرماید: «اسلام برای مستضعفین آمده است و اول نظرش به آنهاست» (امام خمینی، ۶۸/۱۳۷۲)؛ «تمام ادیان آسمانی ازین توده ها برخاسته است و باکمک مستضعفین بر مستکبرین حمله برده است. مستضعفین در همه طول تاریخ به کمک انبیا برخاسته اند و مستکبرین را به جای خود نشانده اند... مستضعفین بر تمام ادیان حق دارند» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۲۶/۶، ۵۸/۲/۱۸۹). بنابراین استکبارستیزی به عنوان یکی از ارزشهای شیعی، به عنصری مهم در فرهنگ سیاسی شیعه و گفتمان انقلاب اسلامی ایران تبدیل شد. مسئله دیگری که ضرورت مبارزه با استکبار را پرنگ می سازد ایجاد و تقویت سازی روحیه و توحید ناب (الهی) است؛ بدین معنا که انسان توحیدی جامعه الهی می بایست تکیه گاه خود را خداوند بداند. قرآن کریم در این خصوص اشاره می کند که: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ» (انعام، آیات ۴۰ و ۴۱) تفسیر این آیات مبارکه نشان می دهد که همواره یکی از اصول سیاست خارجی دولت اسلامی مانند: ج.ا.ایران اصل استکبارستیزی و مبارزه دائمی با استکبار خواهد بود که به درستی در قانون اساسی به منظور هدایت دستگاه دیپلماسی گنجانده شده است.

### غیریت و خصومت:

در نظریه گفتمان با اثبات نفی مواجه هستیم، یعنی هرگفتمان، درعین اثبات خود موارد دیگری را نفی می کند؛ به عبارت دیگر در نظریه گفتمان لا کلاو و موفه، گفتمان ها هویت ساز

هستند و در تلاش برای اثبات هویت خود در صدد نفی غیر یا دیگری خودش بر می‌آید و این‌گونه است که غربیت سازی می‌شود. به عبارت دیگر هویت چیزی نیست جز آن چه که هر آدمی به وسیله آن، خویش را از دیگری باز می‌شناسد و کیستی و چیستی خود را در پرتو آن تعریف می‌کند، و این شناخت از خود و دیگری، جز در پرتویک فرآیندامکان پذیر نیست (تاجیک، ۱۳۸۴: ۱۲). از جمله مواردیکه درگفتمان انقلاب اسلامی به عنوان غیر مطرح می‌شود، باستان‌گرایی افراطی و سکولاریسم و اندیشه لیبرال دموکراسی غربی است که به آن اشاره می‌گردد.

۱- سکولاریسم و باستان‌گرایی: گفتمان انقلاب اسلامی در غربیت‌سازی با سکولاریسم و اندیشه باستان‌گرایی افراطی (شوونیسم) پهلوی در ایران شکل گرفت. باستان‌گرایی افراطی پهلوی با تکیه بر استبداد ایرانی و در ضدیت با نهادها و شعائر مذهبی از گفتمان سنتی ایرانی متمایز می‌گشت و سکولاریسم نیز عملاً به ضدیت با دین و نهادهای دینی و جدایی دین و دولت گرایش داشته که نتیجه آن اسلام‌خواهی نیروهای مذهبی بود. گفتمان انقلاب اسلامی با نگاهی غیریتی به هر دو گفتمان، در صدد بازگرداندن دین به عرصه عمومی و در نتیجه ساختن هویت اسلامی در عرصه سیاسی است (حلبی، ۱۳۷۱: ۳۸). پیروان گفتمان باستان‌گرایی با طرفداری از سلطنت مطلقه، عقیده داشتند که پادشاهی باید در جامعه ایران برقرار باشد و چون شاه خلیفه خدا در زمین محسوب می‌شود، باید این جایگاه در بین افراد سلطنت به صورت موروثی منتقل بشود. رکن اساسی گفتمان انقلاب اسلامی، در برابر آن تشکیل حکومتی بر اساس اسلام و حضور مردم در سیاست بود (کشاورز، ۱۳۷۴: ۶). در نتیجه گفتمان غیر در برابر گفتمان باستان‌گرایی و سکولاریسم، حکومت الهی بود.

۲- لیبرال دموکراسی: درگفتمان انقلاب اسلامی، پذیرش جوامع، نه به صورت اجبار و تحمیل بلکه بر مبنای اقتناع و خواست‌های معقول و فطری بشر مورد توجه قرار گرفته است. دستورالعمل‌های این گفتمان ماهیت فرازمانی و فرامکانی دارد و از ابتدا به گونه‌ای تنظیم و تدوین شده که خواست فطری و معقول بشر را در چارچوب فکری و فرهنگی متفاوت و متنوعی

مورد توجه قراردادده است. درگفتمان لیبرال دموکراسی آن چه حاکمیت واقعی دارد، سرمایه داران و منافع آنهاست نه حاکمیت عدالت اجتماعی و تلاش برای تأمین زندگی محرومان (شیرودی، ۱۳۸۳: ۱۴۹). در واقع، از اصول لیبرال دموکراسی، کسب منفعت است، یعنی در هر جاکه منفعت ایجاد کند میتوان دست به هر کاری زد، در مقابل، گفتمان انقلاب اسلامی ظلم ستیز است. استکبارستیزی به عنوان غیر در برابر این گفتمان ظاهر می شود. این گفتمان غیر به عنوان یکی از ارزش های شیعی، یک عنصر و بازیگر مهم در فرهنگ سیاسی شیعه قلمداد می شود.

### هژمونیک شدن گفتمان انقلاب اسلامی (قدرت گفتمان انقلاب)

امام خمینی علیه السلام به عنوان رهبر گفتمان انقلاب اسلامی، در فرآیند هژمونیک شدن و استمرار آن، نقش مهم و اساسی ایفا نمودند. علاوه بر آن، اسلام سیاسی به عنوان شاخصه اصلی و دال مرکزی گفتمان انقلاب از نفوذ اجتماعی و ابزاری قدرت بیشتری نسبت به رقیبان خود برخوردار بود. اسلام سیاسی فقاهتی شیعه به دلیل دسترسی به شبکه بزرگ روحانیت و مخاطبان گسترده آن و برخورداری از استقلال مالی و کانون هایی چون مساجد و حسینیه ها امکان بسیاری در جذب و سازماندهی توده ها و قشرهای گوناگون مردم داشت و از سوی دیگر زبان این گفتمان همه فهم، عامیانه و تهی از اصطلاحات تخصصی و پیچیدگی های نظری دیگر گفتمان ها بود. این امر دسترسی به آن را برای توده ها بسیار آسان می کرد (محمدی، ۱۳۶۵: ۱۰). در بررسی موفقیت اسلام سیاسی فقاهتی، می توان به توانمندی اسلام سیاسی در بازسازی و تطبیق با باورهای شیعی، که اصل بنیادین جامعه ایران به شمار می آید نیز اشاره کرد (عنایت، ۱۳۶۲: ۳۲۰). این گفتمان با بهره مندی از رهبری امام و با جذب طبقات مختلف مردم، الگویی از جامعه آرمانی - اسلامی را بازنمایی ساخت. در این الگو دال هایی مانند رفاه، آزادی، حقوق بشر، دموکراسی و معنویت در یک زنجیره هم ارزی در کنار جمهوری اسلامی قرار گرفت.

## گفتمان ایران قبل از انقلاب اسلامی

غیریت: گفتمان پهلویسم در پی ایجاد نوعی غیریت و شباهت در سالهای ابتدایی دهه ۴۰ به وجود آمده بود. شباهت را در بخش‌هایی از گفتمان غربی و غیریت را در درجه اول با گفتمان اسلامی و چپ‌گرا و سپس با گفتمان مشروطه و دموکراسی جستجو می‌کرد (حسینی زاده، شفیعی اردستانی، ۱۳۹۶: ۲۵). گفتمان پهلوی یک گفتمان شباهت بود بین مای ایرانی و دیگری بیگانه و سعی در برجسته سازی این شباهت داشت (ادیب زاده، ۱۳۸۷: ۲۰). در گفتمان پهلویسم، اسلام به عنوان پدیده‌ای تحمیلی و عناصر گفتمان آن به عنوان عناصری ویرانگر، غیرطبیعی، خطرناک و تهدیدزا بودند که ضرورت استراتژی نظارت و کنترل مستمر را ایجاد می‌کردند (تاجیک، ۱۳۷۷: ۸۳-۱۰۶). گفتمان چپ نیز مورد سرکوب هردوی آنها- پهلوی و اسلامی- قرار می‌گرفت. دیدگاه‌های چپ مبنی بر اینکه روحانیت نوعی کاست طبقاتی است که حرکت انقلابی آنها، به دلیل تهدید منافع صنفی و طبقاتی آنهاست (جزنی، ۱۳۵۸: ۱۰۰)؛ آنها را به غیر هر دو گفتمان پهلوی و اسلامی تبدیل کرده بود. چنین رفتارهایی سبب شده بود تا گفتمان‌هایی غیریت ساز در برابر گفتمان پهلوی سر برآورد و هر کدام به طور جداگانه در تقابل با آن قرار گیرند.

### دال مرکزی و مفاهیم:

همان‌گونه که بیان شد تنها گفتمان نزدیک به پهلوی، گفتمان لیبرال دموکرات بود که گروه‌هایی مانند جبهه ملی و طبقات جدید و تحصیل کردگان، نمایندگی آن را بر عهده داشتند. اما این طبقات نیز اگرچه برخی دارای منافع اقتصادی مناسب از این وضعیت بودند ولی در بعد ایدئولوژیک و سیاسی به تدریج در مقابل در برابر گفتمان پهلوی قرار گرفتند. اما گفتمان پهلوی ظرفیتی برای همکاری با سایر گفتمان‌ها نداشت و حتی گاه مدعی برتری بر تمامی مکاتب و گفتمان‌های بشری چون سوسیالیسم، دموکراسی و لیبرالیسم می‌شد (هنرمند، ۱۳۴۶: ۴۹). این امر سبب انزوای گفتمانی پهلوی و عضویت اجباری در حزب رستاخیز گردید.

هویت: انحلال حزب رستاخیز در پاییز ۵۷ نشانه کامل بی قراری گفتمان حاکم بود. حضور دموکراسی، که از سالهای ۵۶ به بعد از طرف امام و متأثر از فضای گفتمانی آن عصر طرح شد به عنوان دال مرکزی مورد اجماع قرار گرفت؛ چراکه منش استبدادی گفتمان پهلوی، این گفتمان را به گفتمانی برای نفی دیگران تبدیل کرده بود؛ حال آن که دموکراسی راهی برای نفی دیگری نبود، بلکه سبب سازگفتمانی می شد که حداقل امکان حضور را برای همگان در فضایی ساده شده و استعاری مهیا می کرد. در واقع از آنجایی که قدرت پیش شرط هویت و عینیت است؛ پس بدون قدرت، هویت و متعاقبا جامعه‌ای وجود نخواهد داشت (Howarth, norval, Stavrakakis, 2000: 171). جامعه ایرانی نیز به سبب استبداد حاکم، فاقد هویت و در واقع دچار سرگردانی بود و صرفا در تلاش برای کسب قدرت و متعاقب آن هویت برای حضور بود. دموکراسی در این شرایط همچون ابزاری برای ابراز هویت در نظر گرفته می شد (حسینی زاده، اردستانی، ۱۳۹۶: ۲۷). با بررسی گفتمان‌های انقلاب و پهلوی در می‌یابیم، گفتمان انقلاب با شاخصه مهم اسلام سیاسی در برابر گفتمان پهلوی، توانست هژمون شده و در سال‌های پسا انقلاب، با تکیه بر دال‌ها و عناصر گفتمانی خود، سیاست خارجی و داخلی خود را تبیین نماید.

### اصول سیاست خارجی ایران

با توجه به مطالب فوق، از آنجایی که سیاست خارجی هر دولت در برقراری رابطه با دیگر دولتها، با منافع ملت آن دولت و ارزش‌های حاکم بر جامعه مرتبط است، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز بر حفظ اصولی چون استقلال و تمامیت ارضی و نفی سلطه‌پذیری، استکبارستیزی، حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان و احیای اندیشه امت اسلامی استوار است. همچنین اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که در قانون اساسی ذکر شده‌اند، همگی ریشه در تعالیم قرآنی و روایی و متون فقهی دارد (عمیدزنجانی، توکلی، ۱۳۹۱: ۲۱۸). بنابراین مذهب شیعه توانسته در ابعاد سیاسی اجتماعی، اقتصادی در همه ادوار حکومت‌ها جایگاهی محکم پیدا کرده و در دوره‌های

مختلف به عنوان گفتمانی هویت ساز، سبب روشنگری در آحاد و طبقات جامعه گردد. امروز نیز، هنگامی که از جمهوری اسلامی صحبت می‌کنیم، در وهله نخست این صفت اسلامی است که قاعدتاً تعیین کننده مجموعه هنجارها و ارزشهایی است که، بیش از همه یا شاید به شکل مشخص‌تری، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌توان گفت که هویت اسلامی جمهوری اسلامی است که تعیین کننده منافع و اهداف سیاست خارجی و تعیین کننده چگونگی هدایت سیاست خارجی است (مشیرزاده، ۲۰۱۳: ۲۱). که نقش باورهای مذهب تشیع به عنوان مذهب اکثریت جامعه ایرانی را در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب و همچنین سیاست خارجی ایران را می‌توان تبیین نمود.

بنابراین، با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، هنجارهای ناشی از فرهنگ اسلامی مبتنی بر آموزه‌های مکتب شیعه به عنوان یکی از مهمترین منابع شکل دهنده هویت جمهوری اسلامی ایران، برای این نظام به صورت یک ایدئولوژی سیاسی درآمد و علاوه بر تکوین هویتی خاص بر آن، یک نظام اخلاقی و ارزشی خاص را نیز برای قضاوت و داوری در خصوص سیاست‌ها، اقدامات و رفتارهای این کشور و سایر کشورها ایجاد تعیین می‌کند (Mirbagheri, 2004: 558).

در قانون اساسی ایران، جمهوری اسلامی نه تنها ملزم است که تمامیت ارضی خود را پاس بدارد و در عرصه روابط بین الملل به عنوان کشوری مستقل ظاهر شود بلکه ملزم به خودداری از هر نوع عملکردی که به نوعی منجر به سلطه اجانب بر شئون سیاسی، اقتصادی، فرهنگ و... ایران می‌گردد، است و سیاست عدم تعهد در برابر سلطه‌گری را در پیش گیرد (عمیدزنجانی، توکلی، ۲۰۱۹: ۲۱۹).

با بررسی آیات و روایات در می‌یابیم که لزوم تأمین حفظ استقلال و تمامیت ارضی وطن اسلامی که فقها از آن به دارالاسلام تعبیر کرده‌اند، به وفور به چشم می‌خورد. در آیه ۶ سوره انفال «يَجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ»



خداوند مسلمانان را به کسب قدرت نظامی به عنوان راهکاری جهت حفظ استقلال و تمامیت ارضی و جمعیتی فرا میخواند. همچنین در آیه ۱۱۸ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» گوشزد می‌کند که دشمنان خود را بهتر بشناسیم و هشیار باشیم زیرا آنان دره‌ای در توطئه و فتنه علیه شما کوتاهی نمی‌کنند و در آیه ۲۸ «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيَحْذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» سوره آل عمران، پذیرش ولایت کفار از سوی مومنان را ممنوع کرده و ایمان را شرط اصلی مدیریت و سرپرستی میداند و هشدار میدهد که مبدا به خاطر کامیابی و رفاه چند روز دنیا سلطه کفار را بپذیرد، در آیه ۱ سوره ممتحنه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»، جامعه مسلمانان را از سلطه پذیری کافران و حتی نزدیکی و دوستی با آنان برحذر می‌دارد که مبدا این دوستی زمینه ساز به چالش کشیدن تمامیت فکری و فرهنگی جامعه اسلامی شود و بر مسلمانان سلطه یابند (عمید زنجانی، توکلی، ۱۳۹۱: ۲۲۱-۲۲۰).

در اصل ۱۵۲ قانون اساسی با تأکید بر نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، استکبارستیزی را از ارکان مهم سیاست خارجی ایران برشمرده است. که این اصل برگرفته از احکام اسلامی است. اسلام اگرچه مسلمانان را به جمع آوری تسلیحات نظامی و تربیت نیروی نظامی ترغیب می‌کند و سلطه و سبیل کافران را برآنان مردود می‌انگارد اما سلطه جویی و استکبار را نیز بر نمی‌تابد. همان گونه در آیات ۱۳ سوره حجرات «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»، آیه ۲۳ سوره نحل «لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

المُشْتَكِبِينَ»، و آیه ۸۳ سوره قصص «تِلْكَ الدَّارُ الْأَخْرَجُ نَجَعُهَا لِلَّذِينَ لَا يَرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فِسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»، مسلمین از تکاثر طلبی و زیاده‌خواهی و استکبار منع شده‌اند. آیه ۹۰ سوره نسا بیان می‌دارد: «فَإِنْ اعْتَزَلْتُمْ فَلِمَ يَفَاتِلُوكُمْ وَالْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا» به صراحت به نفی سلطه جویی در اسلام اشاره می‌کند. یکی از نتایج عملی این اصل این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه ساخت جنگ افزارها باید در جهت نیل به اهداف تدافعی، و نه تهاجمی باشد (عمید زنجانی، توکلی، ۱۳۹۱: ۲۲۱).

### منابع استکبارستیزی در قرآن

در بررسی اصطلاح «استکبار» و «مستکبرین» در فرهنگ اسلامی ناگزیریم نخست این مفاهیم را مورد کنکاش قرار دهیم.

الف) استکبار: استکبار از مصدر باب استفعال است و آن را به معنی کبروتکبر و به معنای تعظم و بزرگی هم در نظر گرفته‌اند (قرشی، ۱۳۹۷: ۲ / ۸۰۲). علامه طباطبایی تصریح می‌کنند که استکبار همیشه نارواست و قید به غیر حق در آیه «فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ» (فصلت، ۱۵) توضیحی است، نه آن که استکبار به حق نیز وجود داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۱۷ / ۳۷۶). قرآن کریم شیطان را پیشوای مهم مستکبران می‌داند و علت آن را هم در عدم پذیرش حق از جانب شیطان معرفی می‌کند. قرآن کریم همواره در موارد متعددی جریان جهان را به دو جبهه حق و باطل تقسیم می‌نماید که هر یک دارای ویژگی‌های منحصر به خود است. درگیری حق و باطل نیز همواره در طول تاریخ برقرار بوده است و ادامه هم پیدا خواهد کرد. خداوند در قرآن کریم هدف از ارسال انبیاء و کتب آسمانی را خارج کردن بشر از جبهه‌ی باطل و گرویدن به جبهه حق می‌داند: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم، ۱). بنابر تصریح قرآنی جریان حق و باطل در مقابل هم قرار دارند و مومنین موظف می‌باشند

جریان باطل را رد نمایند و ازان تبری جویند: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (نحل، ۳۶). در این آیه شریفه از قرآن حاکمیت غیرخداوند تعبیر به طاغوت شده است پس از طاغوت می‌تواند نوعی دیگری از استکبار باشد که سعی در ظلم و تعدی مظلوم در ابعاد فردی و حاکمیتی آن می‌باشد. بنابراین یکی از اصول قرآنی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبارزه با طاغوت و استکبار می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی، روحی، ۱۳۹۷: ۶۰).

آیات دیگری با توجه به مضمون و تفسیرهای آن وجود دارند که به نفی سلطه بیگانه، مبارزه با استکبار و طاغوت اشاره دارند از جمله: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حجرات، ۱۵). در این آیه جهاد و مبارزه مومن در مقابل جبهه باطل و به نوعی استکبار و طاغوت می‌باشد. در سوره مبارکه نساء آیه ۶۰ خداوند مومنانی که درصدد اقامه دعوا نزد مستکبرین و طواغیت هستند را مورد مذمت قرار می‌دهد: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا».

### گفتمان استکبارستیزی در بیانیه گام دوم انقلاب

مقام معظم رهبری در ابتدای بیانیه گام دوم، گوشه‌ای از تاریخ انقلاب اسلامی را ذکر نموده و برخی از دستاوردهای مهم آن بر می‌شمارند. برخی از مفاهیم و دستاوردهای مهم مورد تأکید معظم له در این بیانیه عبارتند از:

افزایش معنویت و اخلاق در جامعه، به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و خدمت رسانی، ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی، ارتقای بینش سیاسی آحاد مردم و سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور و ایستادگی روز افزون در برابر قلدران و مستکبران جهان که هریک از آنها در تحقق دولت اسلامی نقشی حیاتی دارند (بیانیه گام دوم

انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673> علاوه بر

موارد

فوق‌الذکر، مولفه‌هایی همچون مردم‌سالاری دینی، اسلام‌سیاسی، باور به جامعیت و جهان‌شمولی اسلام، وحدت جهان اسلام، مرزبندی هویتی با دشمنان، مردمی بودن، مستضعف‌نوازی و استکبار‌سنیزی و جست و جوی عزت در سایه‌ی اسلام، ارجحله اصول تجدید‌ناپذیر انقلاب اسلامی به شمار می‌رود (مرویان حسینی، ۱۳۹۷: ۶).

### استکبارستیزی و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

استکبارستیزی یکی از شاخصه‌های مهم سیاست خارجی دولت اسلامی و به تبع آن جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی می‌باشد. همان‌طور که بیان شد از اصول مهم قرآنی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران موضوع استکبارستیزی و مبارزه با مستکبرین می‌باشد.

استکبارستیزی به عنوان اصل مهم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بعد از فروپاشی گفتمان پهلوی و حاکم شدن گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه روابط خارجی به عنوان یک مولفه‌ی هدایت‌کننده مطرح شده است. اساساً مفهوم استکبارستیزی تا قبل از انقلاب اسلامی ایران در دستگاه گفتمانی سیاست خارجی ایران جایگاهی نداشت اما بعد از انقلاب اسلامی این مفهوم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی با توجه به این که شعار انقلاب استقلال و آزادی بود به عنوان یک اصل اساسی در نظر گرفته شد، اصلی که ریشه در ارزش‌ها دینی و باورهای مذهبی رهبران انقلاب اسلامی داشت.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی سه بار به واژه استکبار و پنج بار به واژه مستکبر اشاره داشته‌اند و در بند یازده بیانیه گام دوم، اساساً وقوع انقلاب اسلامی ایران را و سپس سقوط شوروی را موجب ظهور پدیده‌ای جدید با عنوان تقابل اسلام و استکبار غرب به رهبری آمریکا می‌دانند، پدیده‌ای که اساساً موجب تغییر مسیر جهان و نظام بین‌الملل خواهد شد. در بخشی از این بیانیه آمده است: «با سقوط شوروی و پدید آمدن قطب‌های

جدید از قدرت در جهان تقابل دوگانه وجدیدی از اسلام و استکبار وجه غالب در نظام بین‌الملل خواهد شد.....» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>). مطابق این نظریه‌ی ملت‌های ستم دیده و زیر یوغ استعمار خواهان استقلال، آزادی خواهی خواهند بود و به واسطه این رویکردها مبارزه با استعمار قدرت‌های بزرگ و استکباری مانند ایالات متحده آمریکا امری لازم و ضروری بوده است. پدیده‌ی انقلاب اسلامی ایران با توجه به آرمان‌ها و شعارهای استقلال خواهی و ضد استکباری به عنوان الگویی در جهت مبارزه با استکبار و استعمار برای دیگر ملل جهان شد. و به همین دلیل بود که مبارزه با پدیده‌ی استکبار و استکبارستیزی بعد از انقلاب اسلامی ایران وجه غالب دیگر گفتمان‌های ملت‌های ستم دیده شد و به یک سیاست راهبردی وجهت‌دهنده مبدل گشت. رهبران انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، به مبارزه و مقابله با سلطان جائر اشاره داشته و خاطر نشان می‌کنند که سلطان فقط به معنی پادشاه و فرمانروا نیست؛ سلطان یعنی قدرت؛ امروز سلطان، جبهه‌کفر و استکبار است، جبهه‌ای که در آن صهیونیسم‌ها و آمریکاییان حضور دارند. ایشان در این سخنرانی بیان می‌دارند که جبهه صهیونیسم و آمریکا همان جبهه و خط مقدم مبارزه با استکبار است و ایشان آمریکا را مصداق استکبار و سلطان جائر می‌دانند و مبارزه و مقابله با این جبهه را لازم و ضروری می‌دانند. در نگاه گفتمانی رهبر معظم انقلاب جهان پسا شوروی دو قطبی می‌باشد که در یک طرف اسلام با محوریت انقلاب اسلامی می‌باشد و در سوی دیگر آن استکبار با محوریت آمریکا و رژیم اشغال‌گر قدس قرار دارد. به باور رهبر انقلاب سیاست خارجی استکبارستیز منبث از سیاست‌های داخلی می‌باشد که نمود پیدا می‌کند.

ایشان در بند ۲۰ بیانیه گام دوم به مشارکت فراگیر و شمول‌گرای مردمی در مقابل استکبار و اثرگذاری آن در سیاست خارجی اشاره می‌کنند. رهبر انقلاب اسلامی با نگرشی آینده پژوهانه در بیانیه گام دوم مولفه‌هایی برای کارآمدی سیاست خارجی استکبارستیز بیان

می‌دارند که به شرح زیر می‌باشد: (۱) افزایش اقتدار، (۲) خروج و اخراج آمریکا از منطقه غرب آسیا و (۳) حمایت ایران از محور مقاومت از جمله مولفه‌های مهم در افزایش قدرت سیاست خارجی استکبارستیز جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. به باور رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، ویژگی‌هایی چون: اتحاد و انسجام داخلی، توانمندسازی اقتصاد، توجه به فرهنگ دینی و اسلامی، اهمیت یافتن ارزش‌های انقلاب اسلامی، تقویت قدرت بازاریابی در بُعد دفاعی و هسته‌ای و همچنین استفاده از ظرفیت تفکری و ظرفیت نیروی انسانی جوان انقلابی در مدیریت‌ها می‌تواند جبهه مقابله با استکبار در هم در داخل و هم در عرصه سیاست خارجی تقویت نماید (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) ایشان همواره در این بیانیه از مقاومت ضد استکباری در برابر دشمنان در عرصه‌های داخلی و خارجی استفاده می‌کنند. در بخشی دیگری از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تمدن‌سازی نوین اسلامی از دیگر وجوه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با استکبار و استعمار نوین می‌باشد. ایشان بیان می‌کند بدون تمدن‌سازی نوین اسلامی ظرفیت‌سازی لازم برای مقابله با استکبار جهانی فراهم نمی‌آید به همین دلیل تمدن نوین اسلامی را پیش‌شرط لازم برای مقابله با استکبار بین‌المللی می‌باشد. اساساً دست‌اندرکاران دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشور با الهام از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مبارزه با استکبار جهانی را در اصول و مولفه‌های راهبردی خود وارد نمایند و با آگاه‌سازی ملت‌های ستم‌دیده در مقابل اقدامات استکبار گرایانه قدرت‌های بزرگی چون آمریکا ایستادگی نمایند. به طور کلی استکبارستیزی یکی از موضوعات محوری بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است که از ملزومات تحقق تمدن نوین اسلامی می‌باشد. تمدن‌سازی که اساساً بدون مبارزه و مقابله با استکبار که در غالب چهره‌های جدید مانند: وهابیت در غرب آسیا، نظامی‌گری‌های کشورهای منطقه مانند عربستان سعودی، سربرآوردن گروه‌های افراطی و نئونازیسم و یا جریان‌های راست افراطی در اروپا، بازتولید شده‌اند نمی‌تواند ایجاد شود. پس لازمه تمدن‌سازی نوین اسلامی مبارزه برسر حق و حقیقت می‌باشد که

باید صورت پذیرد. توجه به تقویت چندجانبه‌گرایی و حرکت در مسیر ایجاد یک هسته مقاومت منطقه‌ای و بین‌المللی برای مقابله با استکبار از دیگر نکات مهم در بیانیه گام دوم انقلاب برای عرصه سیاست خارجی کشور می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران با عطف به این بیانیه باید با خودباوری و شناخت دقیق از واقعیت‌های بین‌المللی و برنامه‌ریزی‌های هوشمندانه علیه مبارزه با استکبار جهانی قدم بردارد و تمام تلاش خود را برای گسترش حوزه نفوذ استراتژیک و شبکه‌سازی قدرت انجام دهد تا زمینه تحقق سیاست خارجی ضد استکباری فراهم آید.

### نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ با گفتمان غالب اسلام سیاسی در برابرگفتمان سکولاریزاسیون پهلوی به پیروزی رسید. پیروزی انقلاب اسلامی با بستر دینی سبب ورود دین به عرصه سیاسی-اجتماعی و یا به تعبیر هابرماس وارد گفتمان عرصه عمومی-خارجی گردید. چنانکه در برابر پاسخ‌گویی به سوالات و موضوعات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی؛ اسلام سیاسی فقاهتی؛ به عنوان دال مرکزی گفتمان انقلاب در تمامی شئون زندگی آحاد جامعه و همچنین کارگزاران انقلاب راهبرد و مشی سیاست‌گذاری-تصمیم‌سازی وارد شد. همان‌طورکه بیان شد گفتمان پهلوی با دال‌های چون سکولاریسم، باستان‌گرایی افراطی و همچنین دیدگاه لیبرالیسی، در پی صورت بندی قدرت استبدادی و هژمونی خود بود. اما با حضور عنصر غیر و دیگری چون اسلام سیاسی، این مولفه توانست به عنوان دال مرکزی و هویت انقلاب اسلامی در برابرگفتمان پهلوی قرار بگیرد و در برابر آن به هژمونی برسد. با پیروزی انقلاب اسلامی وغالب شدن گفتمان حاکم بر آن، مفاهیمی چون استکبار ستیزی، حکومت اسلامی، عدالت، آزادی و مردم سالاری دینی در قالب این گفتمان صورت بندی شد. این نوشتار با تحلیل این دوگفتمان، و بررسی مفهوم استکبار ستیزی در افکار و اندیشه‌های رهبران انقلاب اسلامی با تکیه بر آیات و روایات، سیاست خارجی ایران را تبیین و تفسیر نمود. در دهه چهارم انقلاب، مقام معظم رهبری باتبیین راهبردی انقلاب اسلامی

و همچنین در جهت راهکاری برای ایران فردا، بیانیه گام دوم انقلاب را برای مردم جامعه ترسیم نمودند. از آنجایی که مفهوم استکبار ستیزی در آیات و روایات متعددی برای جامعه مسلمان ذکر شده و همچنین در قانون اساسی ایران بر اساس قوانین فقهی شیعه، استکبار ستیزی را به عنوان اصلی مهم در سیاست خارجی ایران گنجانده شده است، بیانیه گام دوم انقلاب، تمدن سازی نوین اسلامی را پیش شرطی برای مقابله با استکبار جهانی می داند. چنانکه مشارکت عمومی مردم در برابر استکبار و تاثیر آن در سیاست خارجی به وضوح نمایان است. همان طور که بیان شد این بیانیه در راستای راهبردی برای فردای ایران تنظیم شده است، بنابراین اتحاد و انسجام داخلی، توجه به فرهنگ اسلامی، توانمندی اقتصادی، تقویت توان نظامی و استفاده از نیروهای جوان در مدیریت کشور میتواند سبب تقویت تفکر استکبار ستیزی در عرصه های سیاسی داخلی و خارجی گردد. به طور کلی میتوان با تاثیر از بیانیه گام دوم، اقدامات عملی را در سیاست خارجی ایران به کار بست. چنانکه در قرآن به صراحت به تقابل با مستکبرون فی سبیل اشاره شده است، در نتیجه می توان با آگاه ساختن مستضعفین جهان آنها را در برابر استکبار جهانی تقویت نمود که این امر جز تنها بادرستورکار قرار گرفتن مبارزه با استکبار در سیاست خارجی کشور امکان پذیر نمی باشد. بیانیه گام دوم تلاشی برای آگاه ساختن جوانان انقلابی و نقشه راهی برای فردای ایران با خود باروی و تیزبینی دستگاه سیاست خارجی ایران در جهت مبارزه با استکبار جهانی می باشد.



## منابع و مأخذ:

### قرآن کریم

۱. آیت الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹)، دیدار با اعضای بسیجی هیات علمی دانشگاه‌ها دوم تیر ۱۳۸۹.
۲. آیت الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۹)، دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و سفرای جمهوری اسلامی ایران با رهبر انقلاب.
۳. آیت الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۷)، دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان هفتم شهریور ۱۳۸۷.
۴. آیت الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴)، دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۲ آبان ۹۴.
۵. آیت الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب.
۵. ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان‌العرب، بیروت: دارصادر.
۶. ادیب‌زاده، مجید (۱۳۸۷)، گفتمان، زبان و سیاست خارجه، چاپ اول، تهران: نشر اختران.
۷. اکبری، کمال (۱۳۸۷)، سیرت‌طور فقه سیاسی شیعه، تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
۸. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد ششم، (بهمن تا فروردین ۱۳۵۸).
۹. امام خمینی، روح‌الله علیه‌السلام (۱۳۷۲)، کلمات قصار، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۱۰. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۵۸)، ولایت فقیه، تهران: کاوه.
۱۱. بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۷۹)، «درآمدی بر تحلیل گفتمان»، در مجموعه مقالات و تحلیل گفتمانی، به اهتمام محمدرضا تاجیک، انتشارات فرهنگ گفتمان.
۱۲. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷)، «قدرت و امنیت در عصر پارادایم»، مجله گفتمان،

شماره ۱، صفحات ۴۲-۲۷.

۱۳. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، «جهانی شدن هویت»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳، صفحات ۱۶۲-۱۴۰.

۱۴. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴)، «انسان مدرن و معنای هویت»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۲۱، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.

۱۵. جزنی، بیژن (۱۳۵۸)، تاریخ سی ساله ایران، تهران: مازیار.

۱۶. جهانیان، رمضان؛ شفازاده، احمد (۱۳۹۲)، «انقلاب اسلامی و جهانی شدن»، نشریه علمی-پژوهشی راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۷، تابستان ۱۳۹۲، صفحات: ۱۱۶-۵۹.

۱۷. حسینی بهشتی، محمدعلی (۱۳۸۶)، آزادی، هرج و مرج، زورمداری، تهران: بقعه.

۱۸. حسینی زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم: مؤسسه انتشارات دانشگاه مفید.

۱۹. حسینی زاده، سیدمحمدعلی؛ شفیعی اردستانی، رضا (۱۳۹۶)، «تحلیل دوره‌های زمانی گفتمان انقلاب اسلامی با تکیه بر رهبری امام خمینی (عج)»، پژوهشنامه متین، سال نوزدهم، شماره ۷۷، زمستان ۱۳۹۶، صفحات ۴۳-۲۱.

۲۰. حلبی، اصغر (۱۳۷۱)، تاریخ نهضت‌های دینی معاصر، تهران: نشر بهبهان.

۲۱. خالق‌پناه، کمال؛ حبیبی، فواد (۱۳۹۳) «نظریه‌گفتمان به مثابه روش‌شناسی مطالعات فرهنگی»، مقاله چاپ شده در کتاب درآمدی بر روش‌شناسی مطالعات فرهنگی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۲۲. دهقانی، فیروزآبادی؛ روحی، مهدی (۱۳۹۷)، «نسبت استکبارستیزی با صلح و مذاکره در منابع سیاست خارجی ج.ا.ا»، اندیشه سیاسی در اسلام، بهار ۱۳۹۷ شماره ۱۵.

۲۳. دوسوسور، فردینان (۱۳۷۰)، «مبانی ساخت‌گرایی در زبان‌شناسی»: دز: ساخت‌گرایی، پسا‌ساخت‌گرایی و مطالعات ادبی، نوشته فرزانه سجودی، تهران: هرمس.

۲۴. شیروودی، مرتضی (۱۳۸۳)، «لیبرال دموکراسی در بوته نقد»، فصلنامه حصون،

- شماره ۲، زمستان ۱۳۸۳، صفحات: ۱۶۲-۱۳۲
۲۵. طباطبایی، سید محمد (۱۳۸۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۷، الجماعه المدرسین بقم المشرفه: موسسه النشر الاسلامی
۲۶. عضدانلو، حمید (۱۳۷۵)، «درآمدی برگفتمان یا گفتمانی درباره گفتمان»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره های ۱۰۴-۱۰۳
۲۷. عمیدزنجانی، عباسعلی؛ توکلی، محمد مهدی (۱۳۹۱)، «مبانی دینی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۱، صفحات ۲۳۲-۲۱۷
۲۸. عنایت، حمید (۱۳۶۲)، اندیشه سیاسی اسلام معاصر، تهران: خوارزمی.
۲۹. فیاضی، سید علی (۱۳۸۰)، «مردم سالاری دینی، گفتمان آیت الله خامنه‌ای»، کتاب نقد، شماره ۲۰ و ۲۱، پاییز و زمستان
۳۰. قاضی زاده، کاظم (۱۳۷۷)، اندیشه های فقهی-سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
۳۱. قرشی، جمال (۱۳۹۷)، الصّراح من الصّحاح؛ فرهنگ واژگان تازی به فارسی جلد دوم، مصحح: محمد حسین حیدریان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۳۲. کشاورز، عباس (۱۳۷۴)، «انقلاب اسلامی ایران؛ ایدئولوژی شیعه بازتفسیر آن»، روزنامه ایران، سال دوم، شماره ۳۲۸.
۳۳. لاکلا، ارنستو (۱۳۷۹)، «واسازی، ملی گرایی، هژمونی»، ترجمه جواد علی صدوقی، در: محمدرضا تاجیک (گردآورنده)، گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران: فرهنگ گفتمان.
۳۴. محمدی، منوچهر (۱۳۶۶)، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: امیرکبیر.
۳۵. محمدی، منوچهر (۱۳۶۵)، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران: امیرکبیر.
۳۶. مرویان حسینی، سید محمود (۱۳۹۷)، «نگاهی به کلیدواژه های مهم در بیانیه گام دوم

- انقلاب»، مجله علمی ترویجی مشکوه، زمستان ۱۳۹۷، صفحات ۷-۵
۳۷. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه انگاری»، دز: نسرين مصفا، نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۳۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، مجموعه آثار، ج ۱، تهران: انتشارات صدرا.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدرا.
۴۰. میراحمدی، منصور؛ شیری، اکرم (۱۳۸۸)، «عدالت سیاسی در گفتمان اسلام سیاسی
۴۱. فقاهتی»، نشریه علوم سیاسی، سال ۱۲، شماره ۴ (پیاپی ۴۸).
۴۲. نش، کیت (۱۳۸۰)، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: کویر.
۴۳. هنرمند، منوچهر (۱۳۴۶)، فلسفه پهلویسم، تهران: انتشارات علمی.
۴۴. هوارث، دیوید (۱۳۷۷)، «نظریه گفتمان»، فصلنامه علوم سیاسی، ترجمه سید علی اصغر سلطانی، شماره ۲.
۴۵. یورگنسن، ماریان، لوییز فیلیپس (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
۴۶. Esposito, John L. (2000), Political Islam: in IQF.56
۴۷. Fairclough, Norman (2001). **Language & power**, London: Longman.
۴۸. Howarth, D & Noarval, A & Stavrakakis, G (2000). **Discourse theory and political analysis**, Manchester: university press.
۴۹. Laclau E (1990). *New Reflections on the Revolution of Our Time*, London: Verso
۵۰. Laclau E, and C, Mouffe (1985). *Hegemony and Socialist Strategy Towards a Radical Democratic*, London: Verso.
۵۱. Mirbagheri, F. 2004. "shiiism and Iran's foreign policy". *The Muslim world*,. Vol 94.No 3.

---

## غرب شناسی در برابر شرق شناسی با تأکید بر بیانات رهبری

---

باقر ریاحی مهر<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) - مسعود شم آبادی<sup>۲</sup> - عبدالمطلب اسکندری<sup>۳</sup>

### چکیده

حرکت‌های اسلام ستیزی با انگیزه‌ها و اشکال مختلف در جهان غرب رو به گسترش می‌باشد. این جریان از رسانه‌ها و ابزار موثر بر افکار عمومی به صورت ماهرانه‌ای استفاده می‌کنند و در ساختن تصور توده‌های مردم و حتی نخبگان جوامع نقش موثری دارند. پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و با رویکرد انتقادی به مسئله غرب شناسی در برابر شرق شناسی می‌پردازد. به نظر نگارنده شکل دهی دشمن برای تثبیت هویت خودی، این بار به ضرر مسلمانان رقم می‌خورد. اقداماتی که به نام اسلام صورت می‌گیرد، بیشترین بهره را به این جریان ضد اسلامی می‌رساند. همچنین جریان‌های مقاومت و مقابله با اشغالگری نیز، در روایت جریان‌های اسلام ستیز به عنوان تروریسم، خشونت و تحجر معرفی می‌گردد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که : واقعیت احیای هویت جهان اسلام پس از دهه‌های متمادی انفعال و قدرت روزافزون مسلمانان در سرتاسر جهان و به ویژه مناطق استراتژیک

---

۱. استاد یار جامعه المصطفی العالمیه [dr.riahi@chmail.ir](mailto:dr.riahi@chmail.ir)

۲. دانش پژوه رشته دکتری رشته قرآن و مستشرقان جامعه المصطفی العالمیه [modafe\\_68@yahoo.com](mailto:modafe_68@yahoo.com)

۳. دانش‌آموخته ارشد حقوق خصوصی [Eskandari1933@gmail.com](mailto:Eskandari1933@gmail.com)

جهان و همچنین توسعه گسترده حضور و نقش مسلمانان در جوامع غربی، به انگیزه‌ها و همچنین دلایل جریان‌های اسلام ستیز افزوده است. بر این اساس و با توجه به روند رو به گسترش قدرت، حضور و نقش مسلمانان و زخم خوردن جریان‌های ضد اسلامی صهیونیستی و سلطه گران و حاکمان بر ابزار شکل دهنده افکار عمومی در جوامع غربی، به نظر می‌رسد تا آینده قابل پیش بینی کماکان شاهد حضور و توسعه جریان‌های اسلام ستیز به سرکردگی دانشمندان و شرق شناسان به ویژه در کشورهای غربی خواهیم بود.

واژگان کلیدی: غرب شناسی، شرق شناسی، استشراق، مقام معظم رهبری، اسلام

ستیزی

در باب چپستی غرب دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد و چه بسا این دیدگاه‌ها مغایرتی هم با یکدیگر نداشته باشند، بلکه هر کدام، غرب را از یک جهت یا منظر تعریف کرده باشند. غرب یعنی یک کلِ فراجغرافیایی که از اجزا پراکنده موجود در جهان خصوصاً اروپا و آمریکای شمالی تشکیل شده است. در واقع، غرب روحی است که به هر کالبدی دمیده شود، آن را غربی و جزئی از همان کلی می‌کند، چه در اروپا باشد و چه آمریکا یا آسیا.

این روح، زاییده چه اتمسفر و تفکری است؟ در پاسخ باید گفت که این روح، مولود فضای مابعد رنسانس و زاییده اومانیزم است که با وجود فروعات فراوانی که در قالب دهها «ایسم» مختلف دارد، اصول اساسی آن روشن و ثابت است. به بیان دیگر، اگر این اصول روشن و ثابت را از غرب بگیرد، دیگر غرب وجود عینی نخواهد داشت و مرزهای میان غرب و شرق یا غرب و اسلام از بین خواهد رفت. این اصول که باید روابط میان آنها را طولی دانست، عبارت است از: اومانیزم به مثابه اصل الاصول، مدرنیسم به منزله اکسیژن و هوای تنفسی در غرب که هیچ کجای غرب از آن خالی نیست، نظام سرمایه داری به عنوان قوه محرکه غرب و لیبرالیسم به مثابه دستگاه اجتماعی مسلط بر غرب.

### مفهوم و رویکردهای جاری در غرب شناسی

غرب شناسی به معنای شناخت فرهنگ ساری و جاری غرب است که از آغاز حیات فرهنگی سیاسی غرب تا کنون در ارتباط با مجموعه‌های متشکلی از انسان‌ها، با مواضع ویژه جغرافیایی، با مقاطع برجسته تاریخی و با دوره‌های خاصی از سیاست و حاکمیت همواره در تحول و دگرگونی بوده است. هدف از مطالعات غرب شناسی بازشناسی محورها، اصول و مبانی اندیشه غرب است.

### اهمیت و ضرورت غرب شناسی

در باب ضرورت و اهمیت غرب شناسی سخنها فراوان است ما به جهت طولانی نشدن

این مقاله در باب ضرورت و اهمیت غرب شناسی به دو الی سه مورد از سخنان رهبری پیرامون غرب شناسی اشاره خواهیم کرد.

رهبر انقلاب درسرخنانی که در جمع مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی پیرامون مهمترین وظیفه امت اسلامی داشتند به نکته مهمی اشاره نمودند که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم:

امروز، وظیفه‌ی امت اسلامی تنها این نیست که به یادبود ولادت پیغمبر یا بعثت پیغمبر جشن برپا کند؛ این کار کوچک و کمی است نسبت به آنچه وظیفه‌ی او است. دنیای اسلام امروز وظیفه دارد مثل خود اسلام و مثل خود پیغمبر، روحی در این دنیا بدمد، فضای جدیدی ایجاد کند، راه تازه‌ای را باز کند. ما به این پدیده‌ای که در انتظار آن هستیم می‌گوییم «تمدن نوین اسلامی». ما باید دنبال تمدن نوین اسلامی باشیم برای بشریت؛ این تفاوت اساسی دارد با آنچه قدرتها درباره‌ی بشریت فکر می‌کنند و عمل می‌کنند؛ این به معنای تصرّف سرزمین‌ها نیست؛ این به معنای تجاوز به حقوق ملت‌ها نیست؛ این به معنای تحمیل اخلاق و فرهنگ خود بر دیگر ملت‌ها نیست؛ این به معنای عرضه کردن هدیه‌ی الهی به ملت‌ها است، تا ملت‌ها با اختیار خود، با انتخاب خود، با تشخیص خود راه درست را انتخاب کنند. راهی که امروز قدرتهای جهان ملت‌ها را به آن راه کشانده‌اند، راه غلط و راه گمراهی است. این وظیفه‌ی امروز ما است.

یک روزی مردم اروپا با استفاده از دانش مسلمین و فلسفه‌ی مسلمین توانستند از این دانش و فلسفه استفاده کنند و یک تمدنی را برای خودشان شالوده‌ریزی کنند. این تمدن البته تمدن مادی بود. از قرن شانزدهم و هفدهم میلادی اروپایی‌ها شروع کردند به شالوده‌ریزی یک تمدن جدید، و چون مادی بود از ابزارهای گوناگون بی‌محابا استفاده کردند؛ [از طرفی] به سمت استعمار رفتند، به سمت مغلوب کردن ملت‌ها رفتند، به سمت غارت کردن ثروت ملت‌ها رفتند؛ از یک طرف هم خودشان را در درون تقویت کردند با علم و با فناوری و با تجربه، و این تمدن را بر عالم بشریت حاکم کردند. این کاری بوده است که



اروپایی‌ها در طول چهار پنج قرن انجام دادند. این تمدنی که آنها به دنیا عرضه کردند، جلوه‌های زیبایی از فتاوری و سرعت و سهولت و ابزارهای زندگی را در اختیار مردم گذاشت اما خوشبختی انسانها را تأمین نکرد، عدالت را برقرار نکرد؛ بعکس، بر فرق عدالت کوبید، ملت‌هایی را اسیر کرد، ملت‌هایی را فقیر کرد، ملت‌هایی را تحقیر کرد؛ در درون خود هم دچار تضادها شد، از لحاظ اخلاقی فاسد شدند، از لحاظ معنوی پوک و پوچ شدند. امروز خود غربی‌ها به این معنا گواهی می‌دهند. یک سیاستمدار برجسته‌ی غربی به من گفت دنیای ما دنیای پوچ و پوکی است و این را حس می‌کنیم. راست می‌گوید؛ این تمدن ظاهر پُرزرق‌وبرقی داشت اما باطن خطرناکی برای بشریت داشت. امروز تضادهای تمدن غربی خود را دارد نشان می‌دهد؛ در آمریکا یک جور، در اروپا یک جور، در مناطق تحت سلطه‌ی اینها در سراسر دنیا هم یک جور.

امروز نوبت ما است، امروز نوبت اسلام است. وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ؛ امروز نوبت مسلمین است که با همّت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده‌ریزی کنند. همچنان که اروپایی‌ها آن روز از دانش مسلمین استفاده کردند، از تجربه‌ی مسلمین استفاده کردند، از فلسفه‌ی مسلمین استفاده کردند، ما [هم] امروز از دانش جهان استفاده می‌کنیم، از ابزارهای موجود جهانی استفاده می‌کنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، منتها با روح اسلامی و با روح معنویت. این وظیفه‌ی امروز ما است (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۴/۱۰/۰۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-08/10/1394> (content?id=31770))

## ۱- مفهوم شناسی استشراق

شرق‌شناسی یا خاورشناسی که در عربی از آن به استشراق یاد می‌شود، معادل واژه‌ی «orientalism» است. این واژه برای نخستین بار در سال ۱۷۹۹ م، به زبان فرانسه و در سال ۱۸۳۸ م، به فرهنگ علمی فرانسه وارد شد. (رضوان ۱۴۱۳ق، ص ۳۳)

## معنای لغوی

واژه «(orientalism)»، مرگب از «Oriental» به معنای کشورهای شرق دور و «(ism)» به معنای مطالعه و شناخت، روی هم رفته مطالعات و شناخت زبان، هنر، دیگر امور کشورهای شرقی است. (فرهنگ آکسفورد (oxford)، ص ۸۷۳).

گرچه واژه «Orient» و «(east)» هر دو به معنی «شرق» است، «(east)» غالباً به معنی جهت شرقی هر چیز به کار می رود و گاهی ممکن است به معنای «مشرق زمین» استعمال شود و کلمه «Orient» غالباً به معنای سرزمین‌های واقع شده در شرق دریای مدیترانه و اروپا است. (منبر البعلبکی، المورد، فرهنگ آریانپور، ماده الاستشراق). شاید به همین جهت شرق شناسی و مستشرق از کلمه دوم اقتباس شده و اصطلاح «orientalism» و «orientalist» رواج یافته است.

البته در ترجمه «orientalism» به «شرق شناسی» اندکی مسامحه وجود دارد، زیرا پسوند «al» دلالت بر شناخت اشیایی است که «متعلق به شرق» است نه شناخت خود «سرزمین مشرق». مگر آن که مفهوم واژه «شرق» را اعم از سرزمین و همه متعلقات آن پنداشته شود. (زمانی، ۱۳۸۸، ص ۲۷) بنابراین استشراق به معنای شرق شناسی و خاورشناسی، شناخت و مطالعه پیرامون آن (زقزوق، ۱۴۰۴، ص ۱۸) است که مفاهیم دیگری هم دارد و در محدوده لغت توقف نیافته است.

## معنای اصطلاحی

در مفهوم اصطلاحی خاورشناسی؛ اقوال متعددی آمده است؛ از جمله: «خاورشناسی عبارت است از: مطالعه ی غربی ها درباره ی باورها، تاریخ، آداب و دیگر امور شرق» (رضوان، ۱۴۱۳، ص ۲۳) همچنین، ادوارد سعید، نظریه پرداز مشهور ادبی و فعال سیاسی فلسطینی- آمریکایی، در کتاب «شرق شناسی» درباره واژگان «مستشرق» و «استشراق» می نویسد:

«مستشرق یعنی هر کسی که درباره شرق می آموزد، می نویسد و یا تحقیق می کند و این

امر درباره‌ی هر فرد، چه انسان شناس، جامعه شناس، زبان شناس یا تاریخ دان باشد، در جنبه‌های خاص یا کلی آن استعمال می‌شود و آن چه که او انجام می‌دهد، شرق شناسی است» (said, 1979: 2). و استشراق در معنای خاص به پژوهش‌های دینی برای تأمین منافع آن‌ها گفته می‌شود. (عبدالمنعم، فواد،، ۱۴۲۱، ص ۱۷) و آن جریان فکری که در پژوهش‌های مختلف پیرامون شرق اسلام ظهور یافته و نتایج فکری نزاع شرق و غرب را بازگو می‌کند. (رضوان، ۱۴۱۳ق، ص ۱۹۶ و ۱۹۹). برخی از نویسندگان مسلمان نام مستشرق را به هر «اسلام شناس غیر مسلمان اعم از غربی و شرقی» گذارده‌اند. (عبدالمنعم فواد، ص ۱۷، غراب،، سال دوم، ش ۶، سال ۸۰، ص ۳۵)

خاورشناس دیگر این واژه را چنین معرفی می‌کند: «خاورشناسی یک جهت‌گیری علمی از شرق ارائه نموده‌اند» (رودنسون، ۱۹۹۶، ص ۳۱).

استشراقی که مورد نقد و نظر عالمان اسلامی است حوزه خاصی از تلاش‌های استشراقی را مدنظر قرار داده که عبارت است از: «اسلام شناسی پیرامون وحی، و حیانیات قرآن، ماهیت و مصدر وحی، جایگاه وجود شناختی و حاملان آن توسط غیر مسلمانان» می‌باشد لفظ استشراق بر طلب معرفت و مطالعه لغات و آداب و رسوم شرقی اطلاق می‌شود و لفظ مستشرق بر پژوهنده لغات و فنون و تمدن شرق گفته می‌شود. (سعد الموصفی، ۱۴۱۵ق، ۱، ص ۹)

آن چه به عنوان نقطه اشتراک قابل دستیابی است از «شناخت شرق و مطالعه پیرامون آن، توسط غیر شرقیان» و نقطه افتراق عبارت از «انگیزه مستشرقان در مطالعات شرق شناسی» است.

به نظر نگارنده «مستشرق» به کسی گفته می‌شود که درصدد شناخت لغات، فرهنگ، اعتقادات آداب و رسوم مشرق زمین است، خواه مکتب او غربی باشد و یا غیر غربی و خواه این که افرادی که در مشرق زمین زندگی می‌کنند، عرب باشند و یا غیر عرب و خواه این که مربوط به خاور دور باشد و یا خاور نزدیک، و این اوصاف هیچ دخلی در ماهیت استشراق

ندارد؛ البته مسلم است که این کار با اهداف و اغراض خاصی صورت می پذیرد. (زمانی، ۱۳۸۸، ص ۴۹)

### منشأ پیدایش استشراق

پیرامون مبدأ و منشأ پیدایش خاورشناسی نظرات گوناگونی مطرح است که اجمالاً به دوره‌های آن اشاره می‌شود:

عده‌ای بر این باورند که شرق شناسی غربیان از قرن ششم قبل از میلاد آغاز شده است؛ در دوره کنعانیان که یونانیان و ایرانیان ارتباط تجاری و سپس فرهنگی خود را آغاز کرده‌اند (سالم، عبدالعزیز ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۲۸)، یونانیان از آن دوره اقدام به «شناخت شرق» نمودند تا رقیب خویش را شناخته و راه‌های مقابله و دفاع و تهاجم را بیابند.

برخی از پژوهشگران همانند حسین هیکل آغاز خاورشناسی را به قرن اول هجری و جنگ‌های موته و تبوک بر می‌گردانند (الشرقاوی، ۱، ص ۲۶)

گروهی معتقدند که پس از فتح آندلس و دیگر فتوحات مسلمانان در اروپا از قرن ششم تا دهم میلادی غرب و مسیحیت به وحشت افتاد و برای چاره‌اندیشی به شرق شناسی و اسلام شناسی روی آورد. (دسوقی، محمد، ط ۱، ۱۹۹۵ م، صص ۱۷ و ۲۰ و عقیقی، ج ۱، ص ۱۱۰)

عده‌ای هم می‌گویند که غرب از قرن چهاردهم میلادی به بعد، پس از جنگ‌های صلیبی، تصمیم گرفت به جای جنگ نظامی به شناسایی فرهنگ مشرق زمین بپردازد، تا بر اساس دستاوردهای پژوهشی، راه‌های واقع بینانه‌تری را برای تعامل با شرق داشته باشد. (زقزوق، ۱، ص ۱۹)

باور عمومی کارشناسان در این حوزه این است که بهره‌گیری جدی از این شیوه در فضای غرب به اوایل قرن نوزدهم برمی‌گردد. (همان) زیرا از این زمان به بعد، برخی از خاورشناسان و قرآن پژوهان غربی، با طرح بحثی تحت عنوان «منابع و مصادر قرآن» کوشیدند تا به دیگران چنین القاء کنند که پیامبر اکرم بخش قابل توجهی از قرآن را از منابع مختلف همچون تورات، تلمود و انجیل، فرهنگ و آداب مردم مکه، آئین صابثان و اشعار

جاهلی اخذ کرده است یا برآنند که آن حضرت با تأثیرپذیری از شرایط اجتماعی، فرهنگی و مذهبی عصر خود، شخصاً پدیدآورنده متن قرآن بوده است. (علی الصغیر، ۱۴۲۰ ق، صص ۳۳-۳۴).

به نظر می‌رسد در این مورد نمی‌توان روی دوره و منشأ خاصی تأکید کرد و سایر دوره‌ها و عوامل را در بست رد کرد، چه بسا هر یک از این ادوار و عوامل به جای خود در ایجاد و شکل‌گیری پدیده خاورشناسی در ممالک اسلامی سهمی داشته باشد و خالی از تأثیر نباشد. آنچه که در اینجا حائز اهمیت است این است که باید به این پدیده و عوامل شکل‌گیری و اهداف آن با نگرشی دقیق و موشکافانه مواجه شد و نسبت به آثار و پیامدهای آن به قضاوت نشست.

## ۲- غرب شناسی در برابر شرق شناسی

حسن حنفی اندیشمند معاصر مصری کتابی دارد تحت عنوان "علم الاستغراب". وی نخستین نفر در جهان اسلام است که به صورت علمی طرح علم غرب شناسی یا علم الاستغراب را ارائه کرده است. چندین قرن است که غربی‌ها اقدام به شرق شناسی یا علم الاستشراق کرده‌اند، لذا اگر ما هم اکنون اقدام به غرب شناسی کنیم، فاصله چند قرنی میان شرق شناسی و غربی شناسی وجود خواهد داشت، در ایران زنده یاد استاد عبدالهادی حائری مورخ تاریخ معاصر در کتابش تحت عنوان "اندیشمندان ایرانی در مواجهه با دو رویه تمدن بورژوازی غرب"<sup>۱</sup>، این نظریه را مطرح کرد که تمدن غرب؛ دارای دو رویه است: یکی

---

۱. استاد فقید دکتر عبدالهادی حائری در پژوهش حاضر بر این اعتقاد است که پس از عصر روشنگری اروپا، به ویژه از سال‌های آغازین سده نوزدهم، جهان با تمدن بورژوازی غرب که دارای دو رویه نیرومند و پر تکاپو بود، به شیوه‌ای گریزناپذیر رویاروی گردید. این دو رویه عبارت بودند از: رویه دانش و کارشناسی، ۲ رویه معماری. در این اثر، پژوهنده چگونگی رویارویی ایران با دو رویه یادشده را بررسی کرده بدین منظور نحوه برخورد دستگاه‌های حاکم بر ایران را با دانش و کارشناسی نوین، همچنین با استعمار غرب به اختصار بررسی کرده، سپس به تفصیل برخوردهای اندیشه‌گران و اصلاح‌گران ایرانی را با دو رویه تمدن

دانش و کارشناسی و دیگری رویه استعماری. اندیشه و سخنان حائری از این جهت مهم و حائز اهمیت است که دارای راهکار عملی برای مواجهه با غرب است. در واقع استاد حائری غرب شناس بود و نتیجه علم خود را در قالب این کتاب کرده است.

ما طی چند قرن اخیر رویه استعماری تمدن غربی را لمس کرده ایم و برای مبارزه با آن برخی اقدامات را انجام داده ایم که تا کنون نتیجه قابل قبولی در بر نداشته است. ما به دلیل اعمال غربی ها در مواجهه با شرقی ها؛ از آنها تنفر پیدا کرده و خواستار نابودی ایشان شده ایم و این آرزو در شعارهای ما تبلور یافته است.

استاد حائری برای نخستین بار توجه همگان را به این نکته جلب کرد که غرب، علاوه بر رویه استعماری، دارای رویه دانش و کارشناسی هم هست و اتفاقاً اگر آنها فاقد این ویژگی بودند، در بخش نخست هم موفق نمی شدند. اکثر دستاوردهای تمدنی موجود، حاصل تلاش غربی هاست که البته شرقی ها بر این باورند که غرب محصول مسلمانان و یا شرقی ها را درو کرده است. نظریه ای که باید به دقت بررسی و ابعاد آن شناخته شود. اگر این نظریه درست باشد به معنای آن است که علم شرق شناسی آنها کارآمد بوده و معنای دیگر هم این

---

بورژوازی غرب ارزیابی می کند. نویسنده در بخش نخست کتاب نگاهی گذرا بر دو رویه تمدن بورژوازی غرب دارد. مباحث اصلی بخش دوم کتاب عبارت اند از: «نگاهی به شیوه رویارویی ایرانیان با تمدن غرب تا پایان روزگار صفویان»؛ «ایران و دو رویه تمدن غرب در سده دوازدهم / هیجدهم»؛ «نخستین درگیری های ایران با سیاست های استعماری بورژوازی اروپا»؛ «دانش و کارشناسی نوین از دیدگاه اندیشه گران ایران در آغازین سال های اوج دو رویه تمدن بورژوازی غرب»؛ «مشروعیت حکومت فتحعلی شاه قاجار از دیدگاه اندیشه گران و رهبران مذهبی شیعه»؛ «دراز دستی روسیه تزاری از دیدگاه اندیشه گران ایران»؛ «استعمار انگلیس و فرانسه از دیدگاه اندیشه گران ایران»؛ «همگامی و همنوایی تنگاتنگ مسیحیگری با برنامه های استعماری غرب و نخستین واکنش های ضد استعماری اندیشه گران ایران»؛ «هنری مارتین کارگزار مذهبی استعمار انگلیس در ایران و واکنش اندیشه گران در برابر او». بخش ضمیمه کتاب شامل کتاب شناسی های فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسه، فهرست نام ها و واژه ها و فهرست راهنما و مقدمه انگلیسی کتاب است.

است که ما چون فاقد علم غرب شناسی هستیم، در مواجهه با آنان راه از چاه نمی شناسیم و بیهوده طی طریق می کنیم.

بعضی کشورهای شرقی در آسیا بعد از جنگ جهانی دوم و برخی دیرتر به این نتیجه رسیدند که برای زندگی بهتر، باید به فناوری نوین مسلط شوند و به هر طریق ممکن در این راه کوشیدند، ژاپن، کره جنوبی و سنگاپور از این دسته هستند، چین، مالزی، ترکیه و هند در ردیف دوم قرار دارند. تضاد اینها با غرب کمتر از ما نیست و غرب بلاهای بسیاری بر سر ایشان آورده است. داستانی را نقل می کنند که نمی دانم صحت دارد و یا خیر؟ اما آموزنده است. می گویند مربی ژاپنی در هنگام درس، پاره خطی رسم کرد و از شاگردانش خواست که آن را کوچک کنند، هر کدام تلاش ناموفقی کردند و عاقبت درمانده شدند و مربی اقدام ایشان را نپسندید. سرانجام از مربی پاسخ صحیح را درخواست کردند و ایشان پاره خط بزرگتری در کنار پاره خط نخستین کشید و گفت: "ببینید که خط نخستین کوتاه شد!" شاگردان دریافتند که راه نخست مشکل را حل نمی کند و آنان باید با تلاش بیشتر و در مسیر درست، حریف را شکست دهند. راه مبارزه با غرب نابودی آن نیست، بلکه باید به میزانی تلاش کرد تا از آنها جلو بیفتیم. ما باید فکر کنیم و بهترین گزینه را برگزینیم. برخی کشورها با جذب مغزهایی که از کشورشان فرار کردند و ایجاد شرایط مناسب برای ایشان، در این مسیر گام برداشتند. اکنون در برخی از کشورهای منطقه فقط علوم انسانی آن کشورها به زبان خودشان تدریس می شود و دانشجویان را وامی دارند تا دروس دانشگاهی را به زبان انگلیسی فراگیرند و از منابع دست اول برای یادگیری استفاده کنند و بدین وسیله فناوری را بومی سازند. کشورهای دیگری با استفاده از اینترنت و دنیای مجازی بی وقفه در حال کپی و جمع آوری فناوری پیشرفته غربی هستند.

### ۳- مهمترین دلیل مخالفت با تمدن غربی از نگاه مقام معظم رهبری

رهبر انقلاب آیت الله خامنه ای در سخنانی به مهمترین دلیل مخالفت اسلام با تمدن

غرب اشاره کردند و فرمودند:

در آتش سوزاندن انسانها توسط روحانیت قبل از رنسانس اروپا؛ زمینه‌ساز بی‌اخلاقی امروز تمدن غربی اینکه گفته می‌شود اسلام‌گرایان روشن‌فکر و روشن‌بین با تمدن غربی مخالفند، خود معاندان غربی نعل واژگونه می‌زنند؛ وانمود می‌کنند این‌ها با علم و پیشرفت مخالفند؛ در حالی که مخالفت مؤمن به اسلام با تمدن غربی به خاطر پیشرفت علمی و مبارزه‌ی با خرافات و علمی کردن همه‌ی روابط اجتماعی نیست؛ به خاطر خلأ معنویت و فضیلت در این مجموعه‌ی دنیایی است. البته این سرنوشت غرب بود که به این ورطه دچار شود. روحانیتی که غرب قبل از رنسانس اروپا به آن دچار بود- آن کج‌فکری‌ها، آن واپسگرایی‌ها، آن تعصبهای عنادآمیز و بکلی دور از عقل و منطق- واکنش‌اش همین‌ها هم بود. وقتی با علم و پیشرفت مخالفت می‌کردند و انسانها را به جرایم موهوم، زنده زنده در آتش می‌سوزاندند- این مربوط به همین دو سه قرن پیش اروپاست؛ مال خیلی قدیم نیست- وقتی خرافات زشت بر همه‌ی شئون فکری و معنوی اروپا و کلیسای آن‌روز حاکم بود، نتیجه‌اش می‌شود همین چیزی که در اروپا پیش آمد و اروپا را در این سرایشب انداخت. شما جوانها آن‌روز را خواهید دید که این دنیای متمدن غربی از نبود معنویت، دچار هلاکت و نابودی خواهد شد؛ از اوج توانایی‌ها و اقتداری که امروز از آن برخوردار است، به حضيض ذلت و ناتوانی خواهد افتاد. نتایج فعل و انفعالات تاریخی، سریع و زودرس نیست. روزی این نتایج دیده خواهد شد که دیگر علاج‌پذیر نیست؛ و آن‌روز برای تمدن غربی فراخواهد رسید؛ هشدارش را هم همین امروز خود روشن‌بینان غربی دارند می‌دهند. این حرفی نیست که من طلبه اینجا بنشینم و از دور بگویم؛ نه، این حرف و فهم خود آن‌هاست؛ ما هم البته همین را می‌فهمیم. این به خاطر چه بود؟ این‌ها در علم مشکلی نداشتند. از طریق این علم، ثروت بی‌اندازه هم کشف کردند و به‌دست آوردند؛ از ثروتهای زیرزمینی و منابع خدادادی هم حد اکثر استفاده را کردند؛ به فضا هم رفتند؛ به اعماق اجسام هم پی‌بردند؛ در پیشرفت علمی کار زیادی کردند و از این علم هم برای به‌دست آوردن ثروت و قدرت و سیاست و همه چیز، حداکثر استفاده‌های مشروع و نامشروع را کردند؛ با همین علم استعمار کردند؛



کشتارهای گوناگون جهانی کردند؛ میلیونها انسان را اروپایی‌ها در قرن اخیر و در جنگهای مختلف و حوادث گوناگون کشتند؛ بنابراین این‌ها در علم مشکلی نداشتند؛ اما علم بدون هدایت و فضیلت و معنویت و انسانیت، و علم ناظر فقط به دنیا و غمض عین از آخرت، نتیجه‌اش همین است. اول، جلوه‌ی به زندگی می‌بخشد و قدرت و ثروت و زیبایی می‌دهد- «للباطل جولة»- اما آخر قضیه این است؛ و این ادامه پیدا خواهد کرد. شما بدانید وحشیگری اخلاقی جوامع مرفعی و متمدنی که از معنویت بویی نبرده‌اند، روز به روز بیشتر خواهد شد و همین وحشیگری، لغزشگاه بزرگ تمدن غربی امروز است و آن‌ها را سرنگون خواهد کرد (بیانات در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی ۲۲/۰۳/۱۳۸۳، ۱۱۳۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1138>)

اینها نمونه‌های از بیانات رهبر انقلاب پیرامون غرب و چالشهای که نظام غربی در همه زمینه‌ای فکری و عملی به آن دچار شده است می‌باشد. در این عصر مهمترین وظیفه‌ای که به عهده‌ی قشر علمی و دانشگاهی و حوزوی می‌باشد به نقد و چالش کشیدن مبانی غرب است تا بتوانید سستی و تزلزل این تمدن منحت را به جهانیان نشان داد. جامعه علمی اسلام باید از حالت دفاعی خود خارج شده و به صورت هجومی به نقد غرب بپردازد. کاری که در این دهه‌های اخیر در جهان اسلام کمتر شاهد آن بوده ایم چرا که در ابتدا برای خیلی‌ها این باور پیش آمده بود که تمدن غرب به موفقیت رسیده است و کسی جرات نقد آنرا نداشت اما اکنون که به همگان ثابت شده است که این تمدن دیگر پاسخ‌گویی روحی و فکری جامعه کنونی نیست و به آخر خط خود رسیده است نیاز به نقد جدی از طرف جامعه علمی دارد. هرچند غرب شناسی هنوز به دلایلی به یک رشته علمی معتبر و رسمی تبدیل نشده است، اما به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، کم‌کم جدی شده و حتی امروز زمینه لازم برای تبدیل آن به یک رشته علمی مهم و جذاب در ایران و جهان اسلام که رقیب جدی غرب محسوب می‌شوند، به وجود آمده است.

شاید سوال شود چرا غرب شناسی تا الآن مانند شرق شناسی در جهان علم رسمیت پیدا

نکرده است. در پاسخ باید که اولاً طی سده اخیر، این غرب بوده که معتبر و غیر معتبر و به تبع آن رسمی و غیر رسمی بودن علوم و رشته‌های زیر مجموع آن را تعیین می کرده است. ثانیاً اگر شرق شناسی تا این حدّ برای غربی‌ها مهم شد و دهها کرسی علمی به آن اختصاص یافت، دلیل اصلی اش این بود که غرب مسیحی از پیش از شکل‌گیری جنگ‌های صلیبی و به ویژه در خلال آن، به این جمع بندی رسید که برای دست یابی به قدرت و جبران عقب ماندگی‌های گسترده از تمدن اسلامی، بیش از هر چیز به شناخت شرق و به طور خاص عالم اسلامی محتاج است و باید از عجایب و پیشرفت‌های رشک برانگیز موجود در شرق رمزگشایی کند.

در عصر مدرنیته نیز این انگیزه با تقویت جریان استعمار و ظهور جریان نواستعماری قوت یافت و غربی‌ها نه با هدف شناخت شرق پر عظمت، بلکه شرق شناسی را با هدف شناخت قوی‌تر شرق و دنیای اسلام برای استعمار بهتر و گسترده‌تر شرق جدی گرفتند. تبیین ابعاد عمیقی از این موضوع را باید در کتاب ارزشمند «شرق شناسی» نوشته ادوارد سعید در سال ۱۹۷۸ جستجو کرد. ادوارد سعید یکی از بنیان‌گذاران نظریه پسااستعماری شناخته می‌شود و کتاب شرق شناسی از آثار برجسته اوست.

لذا شاهد بودیم که در نقطه مقابل، غرب شناسی در شرق و عالم اسلام هیچگاه ظهور و بروز عینی نیافت، چراکه نه تزریق خودباختگی در برابر تمدن غرب، اجازه غرب شناسی با هدف زمینه سازی برای رقابت با غرب و احیا تمدن اسلامی می‌داد و نه در شرق انگیزه‌ها و شرایط استعمار و استعمارگری وجود داشت.

از طرف دیگر، نباید فراموش کرد که غرب خصوصاً طی سده اخیر تمایلی به درک عمیق غرب در کشورهای اسلامی نداشته است. به بیان دیگر، از منظر غربی‌ها، هر قدر که مواجهه شرق و عالم اسلامی با غرب، ظاهری تر و سطحی‌تر باشد، فرصت بیداری در شرق و دنیای اسلام ایجاد نخواهد شد و جریان نواستعماری با مانع کم‌تری روبروست. با این ملاحظه، نه شرق و عالم اسلام در مسیر غرب شناسی حرکت کرده و نه غربی‌ها به هموار شدن این مسیر

تمایلی نشان داده‌اند.

### مهمترین وجه غرب‌شناسی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و برگشتن خودباوری به بخش‌های مهمی از عالم اسلام و همچنین احیای تفکر بازگشت تمدن اسلامی، تدریجاً تفکر غرب‌شناسی با هدف شناخت عمیق هجمه‌های غرب علیه اسلام و درک نقاط ضعف و قوت آن و همچنین رقابت با غرب با رویکرد تمدنی را ایجاد کرد و رشد داد. غرب‌شناسی انتقادی نقطه مقابل غرب‌شناسی ظاهری، سطحی و تقلیدی است. نباید فراموش کنیم که خودباختگی‌ها در عالم اسلامی موجب شد که هرگونه ترقی مساوی با غربی شدن بشود؛ به همین دلیل در یک دوره نسبتاً طولانی، شاهد تقلید بی چون و چرا و ذلیلانه از ظواهر غربی هستیم که امثال میرزا ملکم خان‌ها در ایران، از آن به غربی شدن از فرق سر تا ناخن پا تعبیر کردند.

شاید بعضی‌ها از فرایند کشف و انتقال ظواهر تمدن غربی به عالم اسلامی نیز نوعی غرب‌شناسی تعبیر کنند، اما روشن است که وقتی امروز از غرب‌شناسی با وصف انتقادی سخن به میان می‌آید، بحث بر سر تقلید از غرب نیست، بلکه بحث بر سر به شکست کشاندن پروژه غربی استحاله عالم اسلامی و فراتر از آن، رقابت تمدنی اسلام با غرب است. بر اساس آنچه عرض کردم، معتقدم اولاً، غرب‌شناسی یک دانش منفعل نیست، بلکه با رویکرد تمدنی، ابعاد تهاجمی به خود گرفته است و ثانیاً، ظهور غرب‌شناسی انتقادی بیش از هر چیز مولود انقلاب اسلامی است؛ یعنی این انقلاب اسلامی است که موضع عالم اسلامی را در برابر غرب تا حد زیادی تغییر داده و خواهد داد.

در باب غرب‌شناسی و برخورد علمی و نقد و به چالش کشیدن مبانی تمدن غرب باید به چند نکته توجه اساسی داشته باشیم والا جریان غرب‌شناسی در حد یک جریان خیلی ضعیف و ناکارآمد جلوه خواهد کرد و مشکلات جامعه اسلامی را نیز بیشتر خواهد نمود.

یکم: لازمه غرب‌شناسی، عمق‌نگری و پرهیز از ملاحظات ظاهری و سطحی است. ملاحظات سطحی و ظاهری دو وجه دارد: وجه اول مبهورت قدرت مادی غرب شدن و

ناتوانی در مشاهده باطن غرب است و وجه دوم، تمرکز بر روی عیوب ظاهری غرب و ندیدن مسائل اصلی و جدی که گاه با اغراق گری هم توأم می‌شود. از طرف دیگر، نباید غرب شناسی با شعارزدگی و سیاست زدگی آمیخته شود و به جای پیگیری در دانشگاه و حوزه، نُقل مجالس عوامانه شود.

دوم. نباید در غرب شناسی منفعل بود و صرفاً با رویکرد دفاعی به غرب شناسی پرداخت. رویکردی که ما در اکثر محیط‌های علمی شاهد آن هستیم البته اینک به صورت دفاعی در برابر تهاجم علمی غرب به مقابله برخاسته ایم کاملاً درست می‌باشد اما کافی نمی‌باشد. صحیح این است که غرب شناسی برآمده از یک رویکرد فعال و مبتکرانه باشد که می‌شود از آن به رویکرد تمدن ساز تعبیر کنیم.

سوم. در غرب شناسی، روش فلسفی می‌تواند با روش علمی و تجربی آمیخته شود، یعنی هم نگاه کلی به جزئی و هم نگاه جزئی به کلی مبتنی بر تجربه می‌تواند کارساز باشد و زمینه رسیدن به غرب شناسی واقع بینانه تر را مهیا کند.

چهارم. سنت‌های الهی که در فلسفه الهی تاریخ بحث می‌شود می‌تواند در بستر تاریخی غرب جستجو و بر اساس آن، قوانینی درباره وضع کنونی و آینده غرب وضع شود. امروز وقتی از فروپاشی حتمی تمدن غرب صحبت می‌کنیم، عمدتاً به قوانین برآمده از سنت‌های الهی تکیه داریم. ما باید بتوانیم این سنت‌ها را کاملاً علمی و خلاقانه به جامعه غربی معرفی کنیم تا مسیر درست فهم از عالم را پیدا کند.

### نتیجه گیری

حرکت‌های اسلام ستیزی با انگیزه‌ها و اشکال مختلف در جهان غرب رو به گسترش می‌باشد. این جریان از رسانه‌ها و ابزار موثر بر افکار عمومی به صورت ماهرانه‌ای استفاده می‌کنند و در ساختن تصور توده‌های مردم و حتی نخبگان جوامع نقش موثری دارند. شکل دهی دشمن برای تثبیت هویت خودی، این بار به ضرر مسلمانان رقم می‌خورد. اقداماتی که به نام اسلام صورت می‌گیرد، بیشترین بهره را به این جریان ضد اسلامی می‌رساند.

همچنین جریان‌های مقاومت و مقابله با اشغالگری نیز، در روایت جریان‌های اسلام ستیز به عنوان تروریسم، خشونت و تحجر معرفی می‌گردد. از سوی دیگر واقعیت احیای هویت جهان اسلام پس از دهه‌های متمادی انفعال و قدرت روزافزون مسلمانان در سرتاسر جهان و به ویژه مناطق استراتژیک جهان و همچنین توسعه گسترده حضور و نقش مسلمانان در جوامع غربی، به انگیزه‌ها و همچنین دلایل جریان‌های اسلام ستیز افزوده است. بر این اساس و با توجه به روند رو به گسترش قدرت، حضور و نقش مسلمانان و زخم خوردن جریان‌های ضد اسلامی صهیونیستی و سلطه گران و حاکمان بر ابزار شکل دهنده افکار عمومی در جوامع غربی، به نظر می‌رسد تا آینده قابل پیش بینی کماکان شاهد حضور و توسعه جریان‌های اسلام ستیز به سرکردگی دانشمندان و شرق شناسان به ویژه در کشورهای غربی خواهیم بود.

تلاش برای خارج سازی نمایندگی اسلام و مسلمانان از دست جریان‌های افراطی و انحرافی و ارائه چهره صحیح اسلامی می‌تواند یکی از اصلی ترین تلاش‌ها برای مقابله با جریان‌اتی باشد که توسط و یا به نام جریان‌های افراطی در هر دو طرف پیگیری می‌گردد. مسلمانان در درون جریان احیای هویت و قدرت گیری مجدد هستند و می‌کوشند عظمت و مجد خود را احیا کنند. این احیای هویت در بسیاری از موارد به شکل مقاومت در برابر اشغالگری نمود پیدا کرده است، ولی اقدام انحرافی توسل به اقدامات خشن ضد اسلامی علیه هم دینان و سایر افراد بیگانه می‌تواند در این فرایند، اخلاقی جدی وارد سازد. جریان‌های افراطی می‌کوشند بر این امواج قدرت مند احیای هویت و قدرت مسلمانان حاکم شوند و آنها را از راه اصلی خود منحرف سازند. مسلمانان سراسر جهان با اشغالگری و اقدامات اشغالگران به شدت مخالف هستند و از جریان‌های مقاومت پشتیبانی می‌کنند. گروه‌های انحرافی می‌کوشند از این احساسات سوء استفاده کنند و این امواج ضد اشغالگری را منحرف ساخته، به خشونت بکشانند و سمت این خشونت کور را متوجه مسلمانان سازند. تحولات عراق، فلسطین و لبنان و بخش‌های دیگر مشخص می‌سازد که

حرکت هایی که به نام ناسیونالیسم و یا حتی به نام اسلام توسط افراطیونی چون سلفیون صورت می پذیرد و امواج ضد اشغالگران را متوجه انتقام از سایر مسلمانان می سازد اقدامات مشکوکی است که ضمن ایجاد رخنه در صفوف خودی، ابزار و بهانه لازم را برای جریان های اسلام ستیز فراهم می سازد. این جریان انحرافی که می کوشد بر جریان احیای هویت اسلامی حاکم شود یکی از خطرات جدی است که جریان بیداری اسلامی را تهدید می کند.

### سخن پایانی

این مقاله را با بخشی از سخنان آیت الله جوادی آملی، مفسر قرآن و از مراجع عظام تقلید پایان می بریم؛ وی در یکی از همایش هایی که با موضوع «قرآن کریم و مسائل جهان معاصر» سخنرانی کرده بود گفت:

پیامبر ﷺ در آیه ۳۰ سوره فرقان این ندا را دادند «یا رب ان قومی اتخذوا هذا القران مهجورا» در حالی که این آیه شریفه به مساله مهجوریتی اشاره دارد که پیامبر از آن سخن می گوید. مهجورا یعنی متروکا و محجور از ریشه حجر به معنای هذیان است. اینکه گفته شد «ان الرجل لیحجر» یعنی این مرد هذیان می گوید. آنکه در دانمارک حرف زند و قرآن را مهجور و یا محجور کرده است هذیان می گوید. آنان یک جنگ همه جانبه را بر علیه قرآن و اسلام آغاز کرده اند ما هم باید در دو جبهه بجنگیم هم باید با هجر و متروک شدن قرآن و هم با حجر و هذیان گویی علیه آن بجنگیم چون از دو جبهه دشمن حمله می کند و ما از این ۲ جبهه آسیب می بینیم آمادگی در این دو جبهه ضروری است. هتک پیامبر ﷺ مساوی با هتک قرآن است. کسی که قرآن و پیامبر را ۲ حقیقت جدا از هم می بیند احوال است. آن ۲ جز یک حقیقت بیش نیستند. همین یک حقیقت است که به صورت قرآن و به صورت انسان یعنی پیامبر ﷺ جلوه می کند.

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. عبدالمنعم، فواد، من افتراءات المستشرقين على الاصول العقديّة في الاسلام، مكتبة العبيطان، رياض، ۱۴۲۱، ص ۱۷.
۳. رضوان، عمرين ابراهيم، آراء المستشرقين حول القرآن الكريم و تفسيره، الرياض: دار الطيبه، ۱۴۱۳ق، ص ۱۹۶ و ۱۹۹.
۴. عبدالمنعم فواد، من افتراءات المستشرقين على الاصول العقديه، ص ۱۷، غراب، احمد عبدالحميد، دكتور ابراهيم نملة، فصلنامه كتاب های اسلامي، سال دوم، ش ۶، سال ۸۰، ص ۳۵ (دكتور عبدالمنعم فواد، استاد دانشگاه الازهر و دانشگاه امام محمد بن سعود رياض)
۵. رودنسون، ماكسيم، الاسلام و عقيدة و سياسة، تعريب اسعد صقر، بيروت، عطيه، ۱۹۹۶، ص ۳۱.
۶. سعد الموصفي، المستشرقون و السنه، بيروت: موسسه الريان، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۹.
۷. زمانى، محمدحسن، آشنایى با استشراق و اسلام شناسی غربيان، جامعة المصطفى العالمية، دفتر برنامه ريزی و فناورى آموزشی، قم، جامعة المصطفى العالميه، ۱۳۸۸، ص ۴۹.
۸. سالم، عبدالعزيز، تاريخ عرب قبل از اسلام، ترجمه: باقر صدری نيا، تهران، انتشارات علمى و فرهنگى، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۲۸.
۹. الشراقوى، محمد عبدالله، الاستشراق فى الفكر الاسلامى المعاصر، ص ۲۶.
۱۰. دسوقى، محمد، الفكر الاستشراقى، تاريخچه و تقويمه دار الوفاء منوره، ط ۱، ۱۹۹۵ م، صص ۱۷ و ۲۰ و عقيقى، نجيب، المستشرقون، ج ۱، ص ۱۱۰.
۱۱. زقزوق، محمود، الاستشراق و الخليفه الفكرية، ص ۱۹.
۱۲. رضوان، عمرين ابراهيم، آراء المستشرقين حول القرآن الكريم و تفسيره، الرياض: دار

- الطیبه، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳.
۱۳. فرهنگ آکسفورد (oxford)، ص ۸۷۳.
۱۴. منبر البعلبکی، المورد، آریانپور، فرهنگ آریانپور، (ماده الاستشراق).
۱۵. زمانی، محمدحسن، آشنایی با استشراق و اسلام شناسی غربیان، جامعه المصطفی العالمیه، دفتر برنامه ریزی و فناوری آموزشی، قم، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۸، ص ۲۷.
۱۶. زفروق، محمد حمدی، الاستشراق و الخلیفة الفکرية للصراع الحضاری، قاهره، دارالعارف، ۱۴۰۴ق، ص ۱۸.
۱۷. رضوان، عمرین ابراهیم، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، الرياض: دار الطیبه، ۱۴۱۳ق، ص ۲۳.
۱۸. بیانات در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت الله مجتهدی ۱۳۸۳/۰۳/۲۲



---

## مواجهه دین مدارانه با تمدن غرب از منظر رهبری عَلَيْهِ السَّلَام با تأکید بر

### بیانیه گام دوم

---

یدالله حاجی زاده<sup>۱</sup>

#### چکیده

چگونگی مواجهه با فرهنگ و تمدن غربی، در گام دوم چهل ساله انقلاب اسلامی ایران، از اهمیت بسیاری برخوردار است. این نوع مواجهه، تنها در صورتی که عقلانی و با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی باشد، بی‌شک موفقیت جامعه اسلامی را در پی خواهد داشت و ما را به سمت تمدن نوین اسلامی رهنمون خواهد شد. سوالی که در این جا مطرح است این است که از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای، جمهوری اسلامی در گام دوم چهل ساله خویش، چگونه می‌بایست با تمدن غربی مواجه شود؟ واکاوی این موضوع با عنایت به بیانات رهبری - به خصوص آنچه در بیانیه گام دوم آمده - با بهره‌گیری از شیوه توصیفی و تحلیلی، نشان می‌دهد تمدن غرب هرچند جنبه‌های مثبت تمدنی هم دارد، اما بدان جهت که مادی، منحرف، جنایت‌کار، سلطه‌طلب، مهاجم و از جهت اخلاقی فاسد است، نمی‌تواند الگوی جامعه ما در راه پیشرفت باشد. ما باید در مواجهه با این تمدن - با الهام از آموزه‌های

---

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، y.hajizadeh@isca.ac.ir

دینی- مادّیت را در کنار معنویت، علم را همراه با اخلاق، زندگی را با دوری از فساد، و قدرت مادی را همراه با معنویت داشته باشیم.

واژگان کلیدی: گام دوم انقلاب، آموزه‌های دینی، مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم، تمدن غرب، مواجهه.

## مقدمه

در اینکه نوع مواجهه ما با فرهنگ و تمدن غرب چگونه باید باشد، دیدگاه‌های مختلفی از سوی افراد مختلف اعم از اندیشمندان و غیراندیشمندان مطرح شده و می‌شود. برخی از غرب‌زدگان امثال سید حسن تقی‌زاده و فتحعلی آخوندزاده بر این گمانه بودند که می‌بایست به منظور دستیابی به پیشرفت و تمدن، به همه مظاهر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فن‌آورانه غرب تن دهیم (خواجه سروی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴۳). در مقابل، برخی-همانند فردید- از ستیز کامل با غرب سخن گفته‌اند و معتقدند ما به هیچ عنوان نباید از مظاهر فرهنگ و تمدن غربی استفاده کنیم و با آنان تعامل داشته باشیم بنابراین تقابل و ستیز با غرب را پیشنهاد داده‌اند (دیباچ، ۱۳۸۶: ۱۲۰؛ حسنی فر و افروغ، ۱۳۸۹: ۱۲۹). برخی نیز به جهت انتقادهای جدی‌ای که به فرهنگ غربی دارند، معتقدند هر چند ما باید از داشته‌های تمدنی غرب استفاده کنیم و از جهت مادی پیشرفت کنیم اما در عین حال باید سخت مواظب باشیم که فرهنگ غربی- به جهت کاستی‌ها و انحرافاتش که دارد- ما را تحت تاثیر خویش قرار ندهد. افرادی چون سید جمال الدین اسدآبادی، امام خمینی علیه السلام (خمینی، ۱۳۶۸: ۲۷۶/۶)، اقبال لاهوری (اقبال لاهوری، ۱۳۹۷: ۲۰۴) جلال آل احمد، (آل احمد، ۱۳۹۶: ۲۷-۲۸) شهید مطهری (مطهری، ۱۳۷۲: ۵۶/۲۴) و دکتر شریعتی (شریعتی، ۱۳۷۷، ۱۲۲) در این طیف جای دارند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز از اندیشمندانی است که در طیف اخیر جای دارد. ایشان فرهنگ و تمدن غرب را مجموعه‌ای از زیبایی‌ها و زشتی‌ها (بیانات رهبری در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2927>) و دارای نقاط مثبت و منفی (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2717>، ۱۳۷۳/۳/۱۴) می‌داند. رهبری ضمن اشاره برخی از خوبی‌های تمدن غرب از جمله توجه جدی‌اش به مقوله علم، از جمله کسانی است که به این تمدن انتقادهای جدی دارد. واکاوی نقطه نظرات و دیدگاه‌های

ایشان در خصوص نوع مواجهه با تمدن غرب- به خصوص در بیانیه گام دوم- نشان می‌دهد ایشان، به عنوان یک عالم دینی و به عنوان شخصیتی صاحب نظر، آگاه، باتجربه و متعادل، با تاثیر از آموزه‌های دینی، راهبردی را در مواجهه با فرهنگ و تمدن غربی ارائه می‌کند که کاملاً منطبق با آموزه‌های دین است.

در برخی از آیات قرآن بر این امر تأکید شده است و به این نکته اشاره شده که دشمنی قوم و گروهی نباید سبب شود، ما به طور کلی از محور عدالت خارج شویم (مائده، ۸) به تعبیری نوع رابطه و تنفیری که احیاناً نسبت به غریبان وجود دارد، نباید سبب نادیده گرفتن امتیازات درخور آنان شود. به تعبیر شهید مطهری رحمته‌الله علیه «از اخفا و عدم اعتراف به فضیلت دشمن، برای ما فضیلتی درست نمی‌شود. بر عکس (ذکر فضیلت آنها) موجب عبرت و غیرت مسلمانان می‌شود» (مطهری، ۱۳۸۸: ۳۲).

شناخت نوع نگاه رهبر معظم انقلاب- به عنوان شخصیتی فرهیخته و صاحب نظر و از شاگردان مکتب اسلام- به تمدن غرب می‌تواند راهنمای بسیار خوبی در جهت نوع مواجهه با فرهنگ و تمدن غربی باشد.

پیش از این مقاله‌ای با عنوان «بررسی گفتمانی امکان گفت و گوی تمدن اسلامی و تمدن غرب مبتنی بر دو نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی» توسط سید علیرضا عالمی در فصلنامه پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی به چاپ رسیده (عالمی، ۱۳۸۶/۴۹-۶۸) که نویسنده عمدتاً بر امکان یا عدم امکان تعامل با غرب از منظر رهبری سخن گفته و به نقش آموزه‌های دینی در رویکرد رهبری در مواجهه با غرب التفات نداشته است. علاوه بر این، زمان نگارش مقاله نیز پیش از انتشار بیانیه گام دوم است، بنابراین طبیعتاً در این مقاله به بیانات رهبری در بیانیه گام دوم پرداخته نشده است.

## مفهوم شناسی

### فرهنگ

واژه فرهنگ در زبان فارسی از دو واژه «فر»+ «هنگ» تشکیل شده است. فر به معنی جلو و پیش و هنگ یا تنگ به معنای کشیدن است. بنابراین فرهنگ در لغت به معنای اعتلا بخشیدن و تعالی دادن می باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۲۷/۳۰). این واژه در زبان فارسی به معنای ادب، عقل و خرد، آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت، دانش، معرفت، عقل، بزرگی، حکمت، هنر، ارزش‌های جامعه، راه و رسم، هم آمده است (معین، ۱۳۸۷: ۲/۲۵۳۸). در زبان انگلیسی Culture به معنای فرهنگ است. واژه Culture که نخستین بار در قرن ۱۱ میلادی در اروپا به کار رفت، دو معنا داشت: ۱- مراسم دینی ۲- کشت و زرع. از قرن ۱۶ میلادی این واژه در بعد معنوی‌اش یعنی توسعه انسانی، پرورش انسانی نیز به کار رفت (کاشفی، ۱۳۸۴/۱۸). درباره تعریف اصطلاحی فرهنگ باید گفت این واژه به دلیل پیچیدگی خاصی که در اثر کاربردهای گوناگونش پیدا شده و به دلیل برداشت‌های متفاوتی که از آن هست، تعریف مورد اتفاقی ندارد (رک: پژوهنده، ۱۳۷۴: ۶۵-۹۴)؛ به گونه‌ای که حتی برخی از تعریف ناپذیری آن سخن گفته‌اند. عموماً نویسندگان، فرهنگ را مجموعه مظاهر معنوی و غیر مادی حیات انسانی دانسته‌اند. یکی از نویسندگان در تعریف این واژه می‌نویسد: «فرهنگ مجموعه‌ای از سنت‌ها، باورها، آداب و رسوم، اخلاق فردی یا خانوادگی اقوامی است که پایبندی ایشان بدین مفاهیم، اسباب تمایز آنها از دیگر اقوام و قبایل، شده است» (ولایتی، ۱۳۸۴: ۱/۳۲). در این نوشتار مقصود از فرهنگ مجموعه‌ای است از جنبه‌های معنوی زندگی بشری است که شامل ارزش‌ها، ایده‌ها، اندیشه‌ها، عقاید (باورها)، آداب و رسوم، آیین‌ها، سنت‌ها، اخلاقیات و عاداتی است که در میان مردم یک جامعه وجود دارد و ممکن است از نسلی به نسل دیگر منتقل شود.

## تمدن

تمدن از باب تفعل، از نظر لغوی به معنای شهرنشین شدن، شهرنشینی، تخلق به اخلاق اهل شهر، اقامت در شهر و معادل واژه شهرآیینی است (دهخدا، ۱۳۴۳: ۱۵/ ۹۴۲؛ معین، ۱۳۶۴: ۳/ ۱۱۳۹). معادل انگلیسی این کلمه Civilization و معادل عربی آن «الحضاره» نیز به معنای شهری شدن و اقامت در شهر است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲/ ۱۰۳). درباره تعریف اصطلاحی تمدن نیز- همانند فرهنگ- به جهت پیچیدگی‌هایی که دارد و برداشت‌های متفاوتی که از آن شده، اتفاق نظری وجود ندارد. از منظر ویل دورانت تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظم اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. چهار رکن و عنصر اساسی تمدن از نظر وی عبارتند از: پیش بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر (ویل دورانت، ۱۳۶۵: ۳/ ۱). هنری لوکاس ضمن اذعان به این امر که ارائه تعریفی دقیق از تمدن دشوار است، از یکی بودن مفهوم فرهنگ و تمدن سخن گفته است. (لوکاس، ۱۳۸۲: ۲۰/ ۱).

برخی از اندیشمندان نیز تمدن را به گونه‌ای عام تعریف کرده‌اند. به عنوان نمونه دکتر شریعتی تمدن را «مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی در جامعه انسانی» دانسته و در توضیح این تعریف می‌نویسد: وقتی می‌گوییم ساخته‌های انسانی، مقصود آن چیزی است که در طبیعت در حالت عادی وجود ندارد و انسان آن را می‌سازد... مقصود از اندوخته عبارت است از: انباری از تجربه‌ها، داده‌ها و دانش‌ها و قراردادهای اختراع‌های گذشته یا دیگران که به جامعه به میراث می‌رسد (شریعتی، ۱۳۸۶: ۵/ ۱). مالک بن نبی؛ اندیشمند الجزایری و فوکوتساوا یوکیچی؛ دانشمند ژاپنی نیز تمدن را دارای دو وجه مادی و معنوی دانسته‌اند (سحمرانی، ۱۳۶۹: ۱۹۸. یوکیچی، ۱۳۶۳: ۱۱). بنابراین بر اساس برخی از تعاریفی که از تمدن شده، این اصطلاح، مفهوم عامی است که شامل فرهنگ نیز می‌شود و رویکرد تمدنی رویکرد عامی است که فرهنگ را نیز در بر دارد.

از منظر رهبری نیز تمدن مفهوم عامی است که شامل فرهنگ نیز می‌شود. ایشان معتقد است تمدن از دو بخش ابزاری و بخش متنی و اصلی (حقیقی) تشکیل شده است. بخش ابزاری عبارت است: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. بخش دوم که بخش متنی، اصلی و حقیقی تمدن نوین از منظر ایشان است، همان سبک زندگی است که رفتارها را نیز در بر می‌گیرد. (بیانات رهبری در دیدار جوانان خراسان شمالی

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>، ۱۳۹۱/۷/۲۳

بنابراین ایشان تمدن را مفهوم عامی می‌داند که هم شامل نمادهای عینی دستاوردهای بشری می‌شود و هم مفاهیم معنوی را در بر دارد؛ البته با این پیش فرض که دومی از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است.

### ارزیابی فرهنگ و تمدن غربی

تردیدی نیست که فرهنگ و تمدنی غربی، هم از جنبه‌های خوب و انسانی برخوردار است و هم جنبه‌های منفی و نادرست دارد. به تعبیری دیگر این تمدن هم از امتیازاتی برخوردار است که شایسته جلب است و هم کاستی‌هایی دارد که بایسته طرد است.

### امتیازات فرهنگ و تمدن غربی

یکی از جنبه‌های مثبت تمدن غربی، توجهی است که به خصوص در قرون اخیر به مقوله علم داشته است. این جنبه از تمدن غرب به عنوان یک امتیاز و یک نکته مثبت در کلمات مقام معظم رهبری نیز به آن اشاره شده است. در بیانیه گام دوم انقلاب، رهبری ضمن اشاره به ضرورت توجه به علم و پژوهش، بر این نکته تأکید دارد که «دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست‌ساله فراهم کند» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message->

content?id=41673) در این جا رهبری ضمن اشاره به توانمندی ای که از قبل علم به دست می‌آید، غربِ برخوردار از پیشرفت را، مدیون توجه جدی به مقوله علم دانسته است. رهبری در جای دیگری ضمن اشاره به توجه غرب به علم، در این زمینه می‌فرماید: «... از طریق این علم، ثروت بی‌اندازه هم کشف کردند و به دست آوردند؛ از ثروت‌های زیرزمینی و منابع خدادادی هم حداکثر استفاده را کردند؛ به فضا هم رفتند؛ به اعماق اجسام هم پی بردند...» (بیانات رهبری در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی

.(https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1138، ۱۳۸۳/۳/۲۲

این تعبیر نشان می‌دهد از منظر رهبری، آنچه پیشرفت‌های مادی را برای غرب در ادوار اخیرش فراهم ساخته و آنان را در عرصه‌های مختلف توانمند و قدرتمند ساخته، علم و آگاهی است.

دیگر امتیاز تمدن غربی، توجه به مقوله کار و سخت‌کوشی در مسیر کسب موفقیت است. علی‌رغم سفارشات جدی‌ای که اسلام به کار و تلاش و سخت‌کوشی داشته و از بیکاری و بیکارگی و تنبلی و سربار دیگران بودن نهی کرده (کلینی، ۱۳۶۲: ۱۲/۴)، در ادوار اخیر این عامل تمدن‌ساز، عمدتاً در غرب مشاهده شده است. آیت‌الله خامنه‌ای ضمن اشاره به روحیه سخت‌کوشی و عشق به کار در میان غربیان می‌گوید: «همه دانشمندان معروف غربی که در این چهارصد سال اخیر توانسته‌اند کارهای بزرگی بکنند، با چنین روحیه‌ای توانسته‌اند کارهای بزرگی بکنند، با چنین روحیه‌ای توانسته‌اند به این پیشرفت‌های علمی نائل شوند یعنی با روحیه عشق به کاری که می‌خواهند انجام دهند» (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه، ۱۳۷۳/۶/۲۹، https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2726).

بنابراین از منظر رهبری آنچه موجبات پیشرفت در غرب را فراهم ساخته و جنبه مثبت و امتیاز تمدن غربی به حساب می‌آید و می‌تواند برای ما نیز درس‌آموز باشد، همان سخت‌کوشی و تلاش در جهت اهداف مورد نظر است.

از دیگر امتیازات تمدن غرب به نظم و انضباط در کارها و پیروی از قانون، توجه به سواد



آموزی و حساسیت درباره بهداشت و پاکیزگی عمومی، روحیه آزادی خواهی و خردگرایی (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2726>، ۱۳۷۳/۶/۲۹

خطرپذیری و شجاعت می توان اشاره کرد.

### کاستی های فرهنگ و تمدن غربی

در مواجهه با فرهنگ و تمدن غرب، مهم تر از امتیازاتی که دارند- و طبیعتاً توجه به آنها می تواند موجبات پیشرفت هر چه بهتر و سریع تر تمدن اسلامی را موجب شود- توجه به انحرافات و کاستی هایی است که این تمدن دارد. این کاستی ها حتی در مواردی سبب شده به طور کلی تمدن غربی زیر سوال رفته و ارزش و اعتبارش به شدت کاهش یابد. به گونه ای که حتی برخی از محققان از فروپاشی تمدن غرب و مرگ تمدن غربی سخن گفته اند (رینگر، ۱۳۶۵؛ بوکانن، ۱۳۸۲) از منظر رهبری نیز فرهنگ و تمدن غرب به عنوان یک فرهنگ مهاجم، در مجموع دارای معایب و کاستی هایی است که آموزه های دینی ما به ما اجازه تقلید از آن را- که جز خسارت برای تقلیدکنندگانش به بار نیاورده- نمی دهد. «ما برای ساختن این بخش [اصلی و اساسی] از تمدن نوین اسلامی [که همان سبک زندگی است]، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت ها تحمیل کنند... تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده» (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>). رهبری در این جا با تعابیری هشدارگونه، مسلمانان را از تقلید از غرب پرهیز داده و بر این باور است غربی ها به دنبال تحمیل فرهنگ فاجعه بار خویش به سایر ملت ها هستند. بنابراین ما باید در تعامل با غرب به کاستی های انحطاط آفرین فرهنگ و تمدن غربی توجه داشته باشیم.

## تمدنی صرفاً مادی

در آموزه‌های دینی هرچند توجه به مادیات و جنبه‌های ظاهری زندگی به طور کلی نفی نشده است، (قصص، ۷۷). اما صرف توجه به مادیات و غفلت از جنبه‌های معنوی، نوعی انحراف به شمار رفته است. تمدن غرب علی‌رغم همه پیشرفت‌هایش، یک تمدن صرفاً مادی و به تعبیری دین‌ستیز و انسان‌محور و غیر معتقد به باورهای وحیانی است.

در بیانیه گام دوم انقلاب، در یک مورد، رهبری، شرق و غرب را مادی توصیف کرده و بیان می‌کند انقلاب اسلامی در زمانی ظهور کرد که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>). تعبیر «مادی» در این جا به نوعی تعریضی است بر انحراف تمدن غرب و شرق که هر دو صرفاً مادی هستند و به جنبه‌های معنوی توجه ندارند.

در تمدن مادی، خدا و دین مورد توجه نیستند، همه چیز بر محور انسان (عقلانیت انسان) و خواسته‌های انسانی و کمالات ظاهری و منافع مادی دور می‌زند. به تعبیری تمدن غربی کمالات ظاهری و منافع مادی را کمالات حقیقی انسان انگاشته و از معنویات گسسته و به سمت مبارزه با مذهب و نهادهای دینی پیش رفته است.

در تمدن مادی غرب، به جهت افراط کاری‌های اربابان کلیسا در قرون وسطی، از قرن نوزدهم میلادی و پس از انقلاب صنعتی، مذهب به عنوان نیرویی ارتجاعی، ضد علمی و ضد دموکراتیک محکوم و کنار گذاشته شد و ماتریالیسم و سکولاریسم، نشان واقعی تمدن غرب شد و این امر به گونه‌ای پیش رفت که یکی از اندیشمندان غربی این ادعا را مطرح کرد که خدا مرده است. وی همچنین این باور را مطرح ساخت که «برادری و برابری و پاسداشت حقوق زنان و رنجبران، مایه فقر و انحطاط است و اینها نه تنها ارزش نیست، بلکه باید نابود شوند و باید اندیشه خدا و آخرت کنار گذاشته شود و مهربانی و مهرورزی و نرم دلی از فرهنگ بشری حذف شود که مهربانی به دیگران از ناتوانی بر می‌خیزد و فروتنی از فرومایگی» (مطهری، ۱۳۷۲: ۳/۵۲۴)؛ طبیعی است که با حاکمیت چنین گمانه‌هایی، رحم

و مروت و انسان دوستی و مهربانی در میان انسان‌ها کم‌رنگ می‌شود و خشونت و نامهربانی مخصوصاً با طبقه فرودست، جای آن را می‌گیرد. شاید به همین جهت است که کشورهای پیشرفته غربی نتوانستند و یا نخواستند، فقر و تبعیض و بی‌عدالتی موجود در جوامع خویش را برطرف کنند.

مدرنیته‌ای که در سده‌های اخیر و بعد از انقلاب صنعتی در غرب حاکم شد، بین قلمرو علم و دین تضاد و فاصله‌انداخت، دین امری شخصی قلمداد شد و منحصر شد به روزهای یکشنبه آن هم در کلیسا و اجازه نیافت که در امور زندگی انسان دخالت کند.

بدون شک رواج این تفکر انحرافی در غرب - که تا حدودی عکس‌العملی نادرست در برابر افراط‌گری‌های نادرست‌تر اربابان کلیسا بوده (جعفری، ۱۳۹۰: ۲۱) - در مواردی سبب کنار گذاشتن آموزه‌های واقعی همه ادیان (حتی اسلام که به شدت از علم و دانش و عدالت و نوع دوستی و مهربانی به دیگران حمایت کرده است) شده است. این امر در اروپا سبب پیدایش نیهیلیسم (پوچ‌گرایی) و امانیسم (انسان محوری) شده و در برهه‌ای که احتمالاً متأثر از تبلیغات برخی از اندیشمندان اروپایی بوده (جهانگیری، ۱۳۸۵: ۱۶۶) سبب رواج موج دین‌گریزی و گرایش به سمت مادیات و ارضاء نیازهای مادی در اروپا و در سایر نقاط جهان شد.

طبیعی است که اگر خواسته‌های مادی و حیوانی انسان و یا به تعبیری اگر «امانیسم» اصیل شد و خدا کنار گذاشته شد، انسان برای رسیدن به آن خواسته‌ها ممکن است هر اقدامی را انجام دهد. جنگ افروزی، استعمار، آدم‌کشی، خون‌ریزی، بمب اتم، سلاح‌های شیمیایی و کشتار جمعی و... که در تجربه تاریخی غرب در سده‌های اخیر رخ نموده، همگی شاهدی بر این نوع نگاه است. در قرآن کریم نیز احساس بی‌نیازی از خداوند، عاملی در جهت طغیان و سرکشی انسان معرفی شده است (علق/۷ و ۶).

طبیعتاً چنین نگاهی که عمدتاً از معنویت و اخلاق خالی است، نمی‌تواند موجبات سعادت و رستگاری بشر را فراهم سازد. توجه به همین امور است که سبب شده حضرت

آیت الله خامنه‌ای تمدن غربی را تمدن علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت معرفی کند (بیانات رهبری در جمع اساتید، فضلاء و طلاب حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹/۷/۱۴). ایشان می‌گوید: «علت اینکه دانش پیشرفته فوق مدرن تمدن و دنیای غرب قادر نیست بشریت را نجات بدهد همین است که با انسانیت همراه نیست هر جایی که دانش باشد اما وجدان و معنویت و اخلاق و عاطفه و احساسات بشری در آن جا غایب باشد، بشر از آن دانش سودی نخواهد برد. دانش بدون معنویت و اخلاق، بمب اتم می‌شود به جان بی‌گناهان می‌افتد، اسلحه می‌شود غیر نظامیان را در لبنان و فلسطین اشغالی و دیگر مناطق عالم هدف قرار می‌دهد» (بیانات رهبری در دیدار با پرستاران و جانبازان به مناسبت روز پرستار،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2852>، ۱۳۷۶/۶/۱۹).

در این کلمات، رهبری اشاره دارد به دلیل حاکمیت نگاه مادی بر تمدن غربی - که اخلاق، عاطفه و احساسات بشری و معنویت را در نظر ندارد - علوم غرب و پیشرفت‌های مادی آنها نتوانسته بشر را به سمت سعادت و رفاه سوق دهد. علم و آگاهی‌های آنان بعضاً در اختیار کسانی قرار گرفته که با ساخت سلاح‌های کشتار جمعی، دیگران را به خاک و خون می‌کشند. از منظر رهبری توجه به دنیا و بی‌توجهی به معنویت، لغزشگاه اساسی و بزرگ تمدن امروزی غرب است (بیانات در دیدار طلاب مدرسه علیمه آیت الله مجتهدی،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1138>، ۱۳۸۳/۳/۲۲)

«این تمدن دچار انحطاط و در حال زوال است «عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ» لب‌گودال است این جوری است (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۸/۳/۱) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42633>).

بنابراین از منظر ایشان فرهنگ و تمدن غربی مادی، منحط و انحطاط‌آفرین است و نباید ما را تحت تاثیر قرار دهد.

## آلودگی و فساد اخلاقی

آنچه از آموزه‌های دینی برداشت می‌شود این است که فساد و بی‌بندوباری یکی از مهم‌ترین عوامل انحطاط و سقوط جوامع است. (رک: اسراء، ۱۶). نگاهی به واقعیت‌های موجود در جوامع به اصطلاح متمدن غربی نشان می‌دهد یکی از واقعیت‌های تاریخی در آنجا آلودگی و فساد است که خودنمایی می‌کند. در غرب از آزادی انسان سخن گفته شده اما این آزادی با آن آزادی ای که دین بر آن تأکید دارد (آزادی معنوی) متفاوت است. این آزادی که ثمره تفکرات امثال فروید (عصب شناس اتریشی، پدر علم روانکاوی و مخالف سرکوب میل جنسی. رک: مطهری، ۱۳: ۱۳۷۲/۴۳۵)، ماکیاولی (اندیشمند ایتالیایی و باورمند به عدم لزوم رعایت معیارهای اخلاقی توسط حاکمان) (رک: ماکیاولی، ۱۱۳: ۱۳۷۵) و دیگران است، بشر را در ارضاء خواسته‌های شهوانی و نفسانی اش رها می‌بیند (درباره این نوع از آزادی و مفاسد و چالش‌های آن رک: ج. ۱، ۱۳۴۰: ۳۹-۴۵).

مقام معظم رهبری همواره از فرهنگ غربی انتقاد کرده و آن فرهنگی فاسد و منحط معرفی کرده است. در یک مورد ایشان می‌فرماید: برگشت به سمت فرهنگ فاسد و منحط غربی، در جامعه‌ی انقلابی و اسلامی ما محال و ممنوع است. (بیانات رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم و جمعی از پرستاران و مددکاران،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2230>، ۱۳۶۸/۹/۱۵)

این تعبیر کاملاً نشان می‌دهد که از منظر رهبری، فرهنگی که در غرب حاکم است، فرهنگی فاسد و انحطاط آفرین است و ما که پیش از انقلاب این فرهنگ را در کشور خویش تجربه کرده‌ایم، هرگز نباید دوباره به این فرهنگ منحط بازگردیم. در جای دیگری نیز ایشان ضمن اشاره به برخی از کاستی‌های تمدن غرب، از انحطاط اخلاقی و لجنزار اخلاق جنسی در غرب سخن گفته است (بیانات در دیدار استادان دانشگاهها، ۱۳۹۲/۵/۱۵،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23451>)

اما در اینکه چرا این فرهنگ، از منظر رهبری فرهنگی منحط و فاسد است باید گفت از

منظر ایشان یکی از خصوصیات فرهنگی حاکم بر غرب، عادی جلوه دادن گناه است. ایشان در یک مورد ضمن بیان این مطلب می‌فرماید: «فرهنگ غربی... گناه‌های جنسی را عادی می‌کند... این گناه بزرگ همجنس‌بازی شده یک ارزش! به فلان سیاست‌مدار اعتراض می‌کنند که چرا او با همجنس‌بازی مخالف است، یا با همجنس‌بازها مخالف است! ببینید انحطاط اخلاقی به کجا می‌رسد. این، فرهنگ غربی است. (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252,۱۳۹۱/۷/۲۳>

در این جا رهبری به منظور نشان دادن آلودگی و فساد در تمدن غربی، به طور خاص به عادی‌انگاری برخی از گناهان از جمله همجنس‌بازی که در آموزه‌های اسلامی به شدت از آن نهی شده است (اعراف، ۸۰-۸۴) پرداخته است.

جنبه دیگری که ماهیت فسادگونه فرهنگ و تمدن غربی را نشان می‌دهد نوع نگاهی است که آنها به «زنان» دارند. در بیانات رهبری آمده است: «در فرهنگ غربی زن به عنوان يك کالا، به عنوان يك وسیله‌ی تمتع مرد در جامعه عرضه شده است (بیانات رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20388,۱۳۹۱/۴/۲۱>

بی‌شک حاکمیت این نگاه سخیف، موجب گسترش فساد و بی‌بندوباری در جامعه غربی شده است.

رهبری در جای دیگری ضمن اشاره به وجود آزادی‌های جنسی در غرب، آن را مخالف آموزه‌های دینی بر شمرده است. «[غربی‌ها] افتخار می‌کنند به بی‌عفتی و برهنگی، افتخار می‌کنند به عدم رعایت اخلاق جنسی؛ یعنی همانی که در روایات ما هست که معروف می‌شود منکر، منکر می‌شود معروف؛ این الان در دنیای غرب تحقق پیدا کرده» (بیانات در

دیدار قهرمانان و ورزشکاران [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28730)۱۳۹۳/۱۱/۱-۱۳۹۳/۱۱/۱ (content?id=28730). در این جا رهبری با عنایت به آموزه‌های دینی که بیان می‌کنند در

برخی از موارد ممکن است در جامعه جای منکرات و معروف جابجا شود (کلینی، ۱۳۶۲: ۵۹/۵؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۰۳/۵) یکی از کاستی‌های تمدن غرب را در همین جابجایی عنوان کرده و از افتخار غربی‌ها به این جابجایی انحطاط آفرین سخن گفته است.

مقام معظم رهبری ضمن اشاره به وجود نقاط مثبت و منفی در فرهنگ و تمدن غربی، در موارد متعددی به این واقعیت پرداخته است که دولت‌های غربی درصددند فرهنگ فساد و اباحه‌گری خویش را به جوامع مسلمان تحمیل کنند. در یک مورد ایشان می‌فرماید: «دولت‌های غربی، سردمداران نظام‌های استکباری و به خصوص آمریکا اصرار دارند با انواع و اقسام طرق، فساد و بی بندباری را که جزو خصوصیات فرهنگ غربی است را به ملت‌های مسلمان و کشورهای اسلامی تزریق و تحمیل کنند» (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۴/۳/۱۳۷۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2717>) و در جای دیگری در سخنی روشنگرانه و هشدارگونه می‌فرماید: فرهنگ غربی سعی می‌کند، جوانان مؤمن را از پای بندی‌های متعصبانه به ایمان - که همان چیزی است که يك تمدن را نگه می‌دارد - منصرف کنند؛ مانند همان کاری که در قرن‌های گذشته در اندلس کردند؛ جوان‌ها را ریختند در عالم فساد، شهوت‌رانی و می‌گساری (بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی، ۲۱/۵/۱۳۷۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2630>).

در این بیانات، رهبری ضمن اشاره به توطئه‌های غرب در جهت تحمیل فرهنگ فاسد خویش به ملت‌های مسلمان، این فرهنگ را فرهنگ آمیخته با فساد و اباحه‌گری خوانده است و بیان می‌کند که هر زمان آنان این فرهنگ را به مسلمانان تحمیل کردند، جز خسارت، برای مسلمانان چیزی به ارمغان نیاوردند. اشاره رهبری به شکست مسلمانان در اندلس، هشدار جدی و برخاسته از تجربه تلخ تاریخی است که می‌تواند ماهیت فرهنگ غربی را به خوبی به نمایش بگذارد و نوع مواجهه دقیق و هوشیارانه با آن - که برخاسته از آموزه‌های دینی است - را مشخص کند.

بنابراین بدون شک فرهنگ آلودگی و فساد به عنوان فرهنگی نهادینه شده در غرب،

می‌تواند برای جوامع اسلامی بسیار خطرناک و انحطاط‌آفرین باشد. این فرهنگ منحط - از منظر رهبری - قبل از انقلاب نیز به ایران زیان رسانده است. در بخشی از بیانیه گام دوم ضمن اشاره به رشد معنویت و اخلاق پس از پیروزی انقلاب اسلامی آمده است: «دست تطاول تبلیغاتِ مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن (معنویت و اخلاق) ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به خصوص جوانان کشانده بود»

(بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، [https://farsi.khamenei.ir/message-](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)  
(content?id=41673)

در جای دیگری از بیانیه گام دوم، ضمن اشاره به سقوط اخلاقی روز افزون غرب، از تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجن‌زارهای فساد و موفقیت آنان - که اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده‌ی عالم منزوی کرده - سخن به میان آمده است  
(بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، [https://farsi.khamenei.ir/message-](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)  
(content?id=41673)

رهبری در نامه خویش به جوانان در اروپا و آمریکای شمالی نیز، سیاستمداران و دولتمردان غربی را آگاهانه به جدایی مسیر سیاست‌های خویش از مسیر صداقت و راستی سخن گفته است (رک: [www.leader.ir/fa/content/12784](http://www.leader.ir/fa/content/12784)). بنابراین از منظر رهبری آلودگی و فساد اخلاقی‌ای که در جوامع غربی وجود دارد یکی از مهم‌ترین نواقصی است که فرهنگ و تمدن غربی با آن مواجه است و تا زمانی که این آلودگی و فساد - که بر خلاف آموزه‌های دینی است - بر تمدن غربی حاکم باشد، نمی‌توان آن را تمدنی مطلوب و آرمانی تصور کنیم.

### علم بدون پشتوانه اخلاق

در غرب، «اخلاق» عمدتاً اخلاق انتفاعی و مادی‌گرایانه است و به همین جهت از چندان پشتوانه قوی برخوردار نیست. برخی از اندیشمندان و نظریه پردازان غرب، رعایت



برخی از امور اخلاقی را از آن جهت ضروری می‌دانند که ممکن است این عدم رعایت به ضرر خود آنان تمام شود. راسل می‌گوید: «من گاو همسایه را نمی‌دزدم؛ زیرا می‌دانم که اگر من گاو او را بدزدم، آن همسایه، و یا دیگری گاو مرا می‌دزدد!» او می‌گوید: «آدم فکر می‌کند و می‌بیند که اگر بخواهد با دیگری بداخلاقی کند، او هم بداخلاقی می‌کند...» (مطهری، ۱۳۷۲: ۵۸۹/۲۲) طبیعی است که چنین اخلاقی از پشتوانه قوی برخوردار نیست. به محض این که قدرت یکی، از دیگری برتر شد، این ضمانت برداشته می‌شود. توماس هابز نیز معتقد است: «میزان اخلاق و بنیادش بر سود و زیان است و نیک و بد، امور نسبی هستند... آنچه نفع شخصی و لذت فردی در آن است، همان نیک است» (فروغی، ۱۳۸۹: ۹۹-۱۰۰) بنابراین نظریات اخلاقی‌ای که توسط برخی از بزرگترین اندیشمندان غربی در ادوار اخیر مطرح شده، چندان پشتوانه قوی برای اخلاق مطرح نکرده‌اند. طبیعتاً همین نظریات در غرب و جوامع به اصطلاح متمدن غربی نفوذ یافته و زندگی فردی و اجتماعی بر اساس همین نظریات سامان یافته است.

بر این اساس می‌توان گفت در غرب هرچند علم و دانش به نحو شگفت‌آوری رشد یافته و در حال ترقی است اما چون با پشتوانه‌های معنوی و اخلاقی محکمی همراه نیست، نمی‌تواند سعادت بخش باشد. چرا که علم و آگاهی - به عنوان یکی از مهم‌ترین لوازم رشد و پیشرفت جوامع انسانی - در صورتی موجبات اعتلا و پیشرفت را در جوامع فراهم می‌کند که با پشتوانه درستی از هدف و فلسفه زندگی همراه باشد (رک: مطهری، ۱۳۷۲: ۳ / ۳۰). در غیر این صورت علم ابزاری می‌شود در خدمت زورمندان و صاحبان قدرت که جهت تثبیت و گسترش قدرت خویش از آن بهره‌گیرند.

یکی از کاستی‌های تمدن غرب از منظر رهبری همین مقوله سوء استفاده از علم است. در بیانیه گام دوم انقلاب، ایشان ضمن اشاره به ضرورت توجه به علم و پژوهش، به عنوان آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت بر این نکته تأکید دارد که «دنایای غرب توانست ... با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع

عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>). در این جا رهبری بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی در غرب را ضعیف و کم ارزش معرفی کرده است. امری که سبب می‌شود، علم و آگاهی نیز کارکرد اصلی خویش را از دست بدهد. رهبری در جای دیگری ضمن اشاره به توجه غرب به علم، از استفاده‌های مشروع و نامشروع آنان از علوم خویش سخن گفته است و اشاره دارد جهان غرب از «علم» هرچند در جهت پیشرفت و تمدن بهره برد، اما از علم خویش سوء استفاده زیادی نیز کرد. ایشان می‌گوید: «غربی‌ها... با همین علم استعمار کردند؛ کشتارهای گوناگون جهانی کردند؛ میلیون‌ها انسان را اروپایی‌ها در قرن اخیر و در جنگ‌های مختلف و حوادث گوناگون کشتند؛ بنابراین این‌ها در علم مشکلی نداشتند؛ اما علم بدون هدایت و فضیلت و معنویت و انسانیت، و علم ناظر فقط به دنیا و غمض عین از آخرت، نتیجه‌اش همین است (بیانات در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت الله مجتهدی ۱۳۸۳/۳/۲۲، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1138)

از منظر رهبری علم بدون پشتوانه معنویت و اخلاق بر وحشی‌گری غرب افزوده و آنان به خصوص آمریکا را تبدیل به کشوری جنایتکار کرده است. در بیانیه گام دوم، رهبری در دو مورد از آمریکا-که سمبل علم و صنعت و پیشرفت در جهان به حساب می‌آید- به عنوان کشوری جنایت‌کار یاد کرده است (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>). در نامه رهبری به جوانان اروپایی و آمریکایی نیز آمده است: «محققین و مورّخین شما از خونریزی‌هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان و یا به اسم ملیت و قومیت در جنگ‌های اول و دوم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکنندگی می‌کنند» ([www.leader.ir/fa/content/12784](http://www.leader.ir/fa/content/12784)). بنابراین در یک جمع‌بندی می‌توان گفت هرچند غربیان از جهت علم و فناوری به پیشرفت‌های فوق‌العاده‌ای دست یافتند اما همین علم چون پشتوانه اخلاقی درستی

نداشت، در مواردی در راه‌های نامشروعی چون استعمار سایر کشورها، کشتارهای جمعی، جنگ، ساخت سلاح‌های نامتعارف و بسیار مخرب به کار گرفته شد.

### فرهنگ مهاجم، سلطه طلب و مخرب

از منظر رهبری از دیگر خصوصیات منفی فرهنگ و تمدن غربی، تهاجمی بودن، سلطه‌طلبی و نابودکنندگی آن است. تهاجم غرب در برخی از موارد سبب نابودی برخی از فرهنگ‌های بومی شده است. «فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده ی فرهنگ‌هاست. هرجا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند...». رهبری در ادامه به طور خاص از تهاجم فرهنگ غربی به ایران سخن گفته است. ایشان می‌فرماید: «در ایران نیز در دوران پهلوی، غربی‌ها با استفاده از عوامل و نفوذی‌ها و وابستگان خویش فرهنگ خودشان را بر ما تحمیل کردند... فرهنگ غربی، فرهنگ مهاجم است؛ هرجا وارد شود، هویت‌زدائی می‌کند؛ هویت ملت‌ها را از بین می‌برد. فرهنگ غربی، ذهن‌ها را، فکرها را مادی می‌کند، مادی پرورش می‌دهد؛ هدف زندگی می‌شود پول و ثروت؛ آرمان‌های بلند، آرمان‌های معنوی و تعالی روحی از ذهن‌ها زدوده می‌شود. خصوصیت فرهنگ غربی این است (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۲۳/۰۷/۱۳۹۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>). این تعابیر نشان دهنده این است که تهاجم و ویران‌گری تمدن غرب تنها به خط و زبان و تاریخ سایر ملت‌ها نیست، بلکه آنان به افکار و باورهای آنان نیز حمله کرده و جنبه‌های معنوی را به جنبه‌های مادی تبدیل می‌کنند و تلاش می‌کنند هویت اصلی دیگر ملت‌ها را از بین برده و فرهنگ منحط خویش را جایگزین آن کنند.

از سوی دیگر تمدن غرب، با نفوذ بر سایر کشورها تمدنی سلطه طلب به شمار می‌رود. سلطه سیاسی و اقتصادی غرب در قرون اخیر-که ناشی از تفکر تصرف جهان و سلطه بر سایر کشورها پدید آمد- آنان را به سلطه طلبی در زمینه فرهنگ نیز کشاند. آنان به این باور رسیدند که فرهنگشان از سایر فرهنگ‌ها بهتر و ارزشمندتر است به همین جهت تلاش

کردند-همان‌گونه که اشاره شد- این فرهنگ را به سایر کشورها خصوصاً کشورهای که استعمار کرده بودند و یا بر آنان نفوذ داشتند تحمیل کنند. آیت الله خامنه‌ای ضمن اشاره به سلطه طلبی فرهنگی به عنوان یک عیب در فرهنگ غربی به عنوان یک نمونه و شاهد، به «کروات» به عنوان یک پدیده غربی مثال می‌زند و اشاره دارد غربی‌ها تلاش دارند این فرهنگ را به دیگران نیز تحمیل کنند. ایشان می‌گویند: از منظر غربی‌ها چنانچه شما کروات نزدیک، یک آدم بی‌ادب محسوب می‌شوید! ... اگر کت و شلوار پوشیدید، باید پایپون و کروات را بزنید؛ و الا در فلان مجلس رسمی راه ندارید؛ یک آدم بی‌ادب و غیرمنضبط و بی‌نزاکت تلقی می‌شوید! این، آن تحمیل فرهنگ غربی است» (بیانات رهبری در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان، ۱۳۷۷/۱۱/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2927>).

بنابراین از منظر رهبری فرهنگ غرب، فرهنگی مهاجم و سلطه طلب است و غربی به منظور سلطه بر سایر ملت‌ها و کشورها تلاش می‌کنند فرهنگ خویش را فرهنگی متعالی و برتر از سایر فرهنگ‌ها معرفی کنند، بنابراین فرهنگ دیگران را با تحمیل فرهنگ منحط خویش تخریب می‌کنند.

### نوع مواجهه با فرهنگ و تمدن غربی

در ادامه این پژوهش باید به این سوال مهم پاسخ داد که با خصوصیات و ویژگی‌هایی که تمدن غربی دارد و به آنها اشاره شد- از منظر مقام معظم رهبری- نوع مواجهه ما با فرهنگ‌ها و تمدن‌های بیگانه و به طور خاص فرهنگ و تمدن غربی چگونه باید باشد، آیا ما می‌توانیم با آنان ارتباط داشته باشیم؟ قبل از بیان این امر خلاصه‌وار باید گفت در آموزه‌های دینی ارتباط با غیرمسلمانان نه تنها نفی نشده بلکه در برخی از موارد، مورد سفارش نیز هست.

قرآن کریم در آیات متعددی بر اهمیت علم و حکمت تأکید کرده (علق ۱-۵؛ زمر، ۹؛ مجادله ۱۱، آل عمران ۱۸) و به پیروان خویش توصیه می‌کند سخنان دیگران را بشنوند و بهترین آنها را برگزینند (زمر/۱۷-۱۸). در احادیث نیز به این نکته توجه داده شده است که

علم و حکمت را هر کجا (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۱۷) و در دست هر کس پیدا کردید، آن را فرا گیرید (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۵۰۲). این فراگیری چه بسا از منافقان یا مشرکان باشد (نهج البلاغه، حکمت ۴۸۱ / ۷۹؛ برقی، ۱۳۷۴: ۱ / ۲۳۰). وجود این احادیث، مسلمانان را به رواداری و ارتباط با غیر مسلمانان به خصوص در دریافت علوم و فناوری‌های آنان فرا می‌خوانده است. (رک: مطهری، ۱۳۸۵: ۳۸۸) مقام معظم رهبری بر اساس همین آموزه‌ها معتقد است: نوع نگاه ما به تمدن غرب و فرهنگ غربی نباید تماماً منفی باشد چرا که فرهنگ و تمدن غربی یک سری جنبه‌های خوب دارد و یک سری جنبه‌های منفی و بد، ما باید نقاط منفی تمدن غرب را طرد کنیم و نقاط مثبت آنها را بگیریم. ایشان همچنین اشاره دارد: «نفی غرب به هیچ وجه به معنی نفی تکنولوژی و علم و پیشرفت و تجربه‌های غرب نیست» (بیانات رهبری در دیدار با جمعی از جوانان، ۱۳۷۸/۱۱/۱۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2927>). ایشان در جای دیگری و با طول و تفصیل بیشتری بر همین ایده تأکید کرده است: «فرهنگ غرب، مجموعه‌یی از زیبایی‌ها و زشتی‌هاست. هیچ کس نمی‌تواند بگوید فرهنگ غرب یکسره زشت است؛ نه، مثل هر فرهنگ دیگری، حتماً زیبایی‌هایی هم دارد. هیچ کس با هیچ فرهنگ بیگانه‌یی این‌گونه برخورد نمی‌کند که بگوید که ما در خانه‌مان را صددرصد روی این فرهنگ ببندیم؛ نه، فرهنگ غرب، مثل فرهنگ شرق، مثل فرهنگ هر جای دیگر دنیا، یک فرهنگ است که مجموعه‌یی از خوبی‌ها و بدی‌هاست؛ و یک ملت عاقل و یک مجموعه‌ی خردمند، آن خوبی‌ها را می‌گیرد، به فرهنگ خودش اضافه می‌کند، فرهنگ خودش را غنی می‌کند و آن بدی‌ها را رد می‌کند... این اصل کلی است.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از جوانان ۱۳۷۸/۱۱/۱۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2927>) این عبارات کاملاً گویای نوع نگاه رهبری در مواجهه با فرهنگ و تمدن غرب است. در حقیقت ایشان با الهام از آموزه‌های اسلامی که همواره به اخذ علوم و معارف حتی از کافران و بی‌دینان سفارش کرده، ایده مذکور را مطرح کرده است. مطلبی که موید گفتار فوق است

این است که رهبری اولاً: بر این باور است گذشته پر افتخاری که مسلمانان دارند به جهت الهام‌گیری از آموزه‌های اسلامی است. ایشان خطاب به جوانان غربی از آنان می‌خواهد بررسی کنند و ببینند «اسلام، چگونه و بر مبنای چه ارزش‌هایی طیّ قرون متمادی، بزرگترین تمدن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکران را تربیت کرد؟ (www.leader.ir/fa/content/12784). ثانیاً: رهبری در مورد دیگری ابتدا مطلبی را مطرح می‌کند که نشان می‌دهد زیر بنای فکری ایشان در کسب موفقیت و پیشرفت، توجه جدی به آموزه‌های دینی است، ایشان می‌فرماید: «ما معارفی در قرآن داریم، مفاهیمی در قرآن داریم که این مفاهیم حقیقتاً سازنده‌ی زندگی مقتدرانه و عزتمندانه‌ی امت اسلامی است» سپس در ادامه این ایده را مطرح می‌کند که در مواجهه با فرهنگ و تمدن غربی نه جنگ و درگیری لازم است و نه عدم ارتباط و عدم تبادل معلومات، ارتباط باید وجود داشته باشد اما ما باید با حفظ هویت دینی و ایمانی استقلال خویش را در برابر غرب حفظ کرده و به پیش ببریم. ایشان سپس ضمن اشاره به آیه «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ» (بقره: ۲۵۶) و بیان این مطلب که عالم وجود به دو منطقه نفوذ طاغوت و الله تقسیم شده است و ما باید به الله ایمان آوریم، می‌فرماید: «این به معنای این نیست که ما دائم بایستی با هر کسی که در هویت کفر است بجنگیم؛ این معنایش مقاتله نیست؛ این معنایش عدم ارتباط هم نیست؛ این معنایش [عدم] تبادل معلومات هم نیست؛ این معنایش استقلال هویت ایمانی و مرزبندی هویت ایمانی است تا [انسان] بتواند در مقابل هویت طاغوت و هویت کفر، خودش را حفظ کند، نگه دارد، تکمیل کند، رو به پیشرفت حرکت کند (بیانات رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۶/۲/۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36331>). این تفسیر از آیه مذکور، ضمن اینکه نشان می‌دهد، رهبری بر این باور است که ما باید با غرب تعامل داشته باشیم و نمی‌توانیم به طور کلی ارتباط خویش را با تمدن غربی قطع کنیم، نشان از این است که پایه‌های اندیشه‌های رهبری مبتنی بر آموزه‌های دینی است. بنابراین از منظر

ایشان، مواجهه ما با فرهنگ غربی نباید سبب شود، ما هویت دینی و اسلامی خویش را از دست بدهیم.

در بخش دیگری از بیانیه این مطلب بیان شده که «جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست...» این تعبیر نشان می‌دهد سیاست جمهوری اسلامی، سیاستی متحجرانه و مخالف با تمدن نیست و اصولاً عدم بهره‌گیری از مظاهر مادی تمدن، خود نوعی تحجر و پسرفت به حساب می‌آید.

بنابراین از منظر رهبری لازم پیشرفت و لازمه زندگی در دنیای امروز داشتن ارتباط با بیگانگان و به طور خاص تمدن غربی است. اما در اینکه نوع این ارتباط و مواجهه چگونه باید باشد، در ادامه این نوشتار- با توجه به جنبه‌های خاصی که فرهنگ و تمدن غرب دارد- نوع مواجهه نیز آمده است.

#### حفظ دین در کنار دنیا (معنویت در کنار مادیات)

در بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری ضمن اشاره به جنبه مادی تمدن غرب و اشاره به این نکته که انقلاب اسلامی چارچوب‌های مادی جهان آن روز را به هم ریخت، بیان می‌کند که «این انقلاب، دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) این تعبیر نشان می‌دهد ایشان ضمن اشاره به کاستی تمدن غرب که صرفاً به جنبه‌های مادی توجه کرده، معتقد است این مسیر، مسیری نادرست به شمار می‌رود. «مسیری که ما از همان ابتدا در برابر غرب گشودیم، یعنی توجه به دو جنبه مادی و معنوی در کنار هم، مسیری درست است و ما در گام دوم انقلاب نیز همین مسیر را «با حفظ و پایبندی به شعارهای خود می‌بایست ادامه دهیم و به پیش رویم» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>). پیشتر اشاره شد که در دین اسلام نیز توجه به هر دو جنبه مادی و معنوی، از پیروان این دین خواسته شده است.

رهبری ضمن خرده‌گیری بر تمدن غرب به جهت بی‌توجهی به مقوله معنویت از ابتداء تمدن بر معنویت سخن گفته (بیانات رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۱/۵/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20729>) و از منافات نداشتن تدین و تمدن گفته است. «تدین و تمدن، چرا باید با هم منافاتی داشته باشند؟ تمدن، یعنی زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت‌های زندگی، و تدین یعنی جهت درست در زندگی داشتن - جهت عدل، انصاف، صفا، صداقت و رو به طرف خدا- اینها با هم چه منافاتی دارند؟! انسان می‌تواند با این جهت‌گیری، آن‌طور زندگی کند؛ کمالین که خیلی از دانشمندان و متفکرین ما متدین بودند...» (گفت و شنود صمیمانه رهبر انقلاب با جمعی از جوانان و نوجوانان ۱۳۷۶/۱۱/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2873>).

دقت در این سخنان نشان می‌دهد رهبری به جهت ایمان و اعتقاد به اسلام و آموزه‌های تمدن ساز این دین، برخلاف فرهنگ و تمدن غربی که معنویت را از مادیت جدا کرده، بر توجه جدی به مقوله معنویت تأکید کرده است.

### مبارزه با فساد و ایجاد صلاح

از منظر رهبری، فرهنگ غربی، در بسیاری از موارد فرهنگی منحط است و ما نباید تحت تاثیر رفتارهای نادرست غربیان قرار گیریم. در یک مورد ایشان به ادب اسلامی و تلاشی که غرب در جهت تخریب این فرهنگ متعالی دارد پرداخته است و هشدار می‌دهد که ما باید مواظب باشیم، تحت تاثیر این فرهنگ نادرست غربی قرار نگیریم. ایشان می‌گوید: فرنگی‌ها در برخوردهای معمولی‌شان خیلی مقید به ادب نیستند؛ ما ایرانی‌ها از قدیم معروف بودیم به اینکه در گفتارهایمان، در مخاطباتمان ملاحظه‌ی ادب را می‌کنیم؛ احترام طرف مقابل را حفظ می‌کنیم. اینها می‌خواهند این را عوض کنند و متأسفانه یک جاهایی هم موفق شده‌اند. فرض کنید شما با یکی مخالفت کنید، می‌خواهید راجع به او حرف بزنید؛ دوجور می‌شود حرف زد: یک جور می‌شود هتاکانه و بی‌باکانه و بی‌ادبانه حرف زد؛



یک جور هم می‌شود مؤدب حرف زد. شما ببینید در قرآن کریم در بسیاری از موارد وقتی صحبت از فاسقین است، صحبت از کافرین است، صحبت از بدهای اشرار عالم است، می‌فرماید: «وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» نمی‌گویند همه‌ی آنها، بالاخره یک اقلی هستند بین همین‌ها که اینها تعقل دارند (بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31847>) دقت در این بیانات نشان می‌دهد از منظر رهبری فرهنگ غربی در صورتی که با فرهنگ اسلامی همخوان نباشد، نباید مورد پذیرش ما قرار گیرد. یک نمونه اش اینکه آموزه‌های اسلامی به ما یاد داده‌اند که در برخورد با دیگران می‌بایست ادب را رعایت کرد.

بخشی از فرهنگ غربی، همان‌گونه که بیان شد، فرهنگی فاسد است و از منظر رهبری «فساد اخلاقی توده چرکین کشورها و نظام‌هاست که اگر در بدنه‌ی حکومت‌ها عارض شود، زلزله‌ای ویران‌گر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنهاست» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) به منظور مقابله با این چالش جدی، رهبری بارها به خصوص در بیانیه گام دوم، از اهمیت معنویت و اخلاق سخن گفته است. رهبری ضمن اشاره به فساد و بی‌اخلاقی در غرب، به منظور مقابله با فرهنگ غربی می‌نویسد: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمندان، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند

(بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message->

[content?id=41673](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673))

این بیانات نشان می‌دهد از منظر رهبری، غرب به جهت غلبه فسادهای اخلاقی در بدنه حکومت‌هایشان و رواج آن در بین توده‌های مردمشان، در مسیر انحطاط و سقوط گام بر می‌داد و ما می‌بایست در مواجهه با فرهنگ و تمدن غربی، با الهام از آموزه‌های اسلام که همواره بر اخلاق و فضیلت‌های اخلاقی تأکید دارند (بقره، ۸۳، ۲۴۵، نساء ۵۸، آل عمران ۱۰۴، توبه ۱۱۹) حرکت کنیم تا به سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت دست یابیم.

در بخش دیگری از بیانیه گام دوم، از تهاجم فرهنگی روز افزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و حتی خردسالان سخن به میان آمده و خواستار مقابله با آن شده است (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) مبارزه با فساد و سبک زندگی غربی از سر فصل‌های اساسی توصیه‌های در بیانیه گام دوم است، ایشان در این بیانیه ضمن ایراد به سبک زندگی غربی به عنوان یکی از عوامل سلطه غرب بر سیاست و اقتصاد کشورهای اسلامی (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) اصلاح سبک زندگی را از سرفصل‌هایی اساسی توصیه‌های خویش به جوانان برشمرده است و درباره سبک زندگی می‌فرماید: «سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌ها است.»

این بیانات نشان می‌دهد آنچه موجبات نگرانی رهبری را در این زمینه فراهم ساخته، تلاشی است که غرب در جهت ترویج سبک زندگی غربی در ایران در پیش گرفته است و می‌طلبد که این تلاش‌ها رصد شده و با الهام از آموزه‌های دینی، راهکارهای موثر و پایدار جهت مقابله با آنها ارائه شده و به عنوان فرهنگ عمومی درآید.

### کاربست علم همراه با اخلاق

از منظر رهبری علم پایه تمدن است اما شرط کافی برای یک مدنیت درست

نیست (بیانات در دیدار استادان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3175>) در تمدن مادی غرب- همان گونه که اشاره شد- به جهت غلبه تفکر مادی گرایانه و منفعت طلبانه بر آن، خشونت و نامهربانی، جای مهربانی و نرم دلی را گرفته است. رحم و مروت و انسان دوستی و مهربانی کم رنگ شده است. امری که طبیعتاً به نوبه خود سبب انجام جنایت های بی سابقه علیه بشریت شده استعلم بدون معنویت فاقد هر گونه ارزشی است چرا که علم بدون معنویت همان چیزی می شود که تمدن غربی با آن مواجه است. تمدنی با که روش های پیچیده علمی توانست موفقیت های بزرگی به دست آورد اما به لحاظ معنویت دچار عظیم ترین خسارت ها شد. تأکید بر کاربست اخلاق و معنویت به همراه علم، به جهت قدرتی است که از قبل علم به دست می آید. طبیعی است که این قدرت اگر همراه با اخلاق نباشد، در حقیقت همانند تیغی است که در دست یک زنگی مست قرار گرفته است و هر زمان ممکن است با کمک آن جنایتی صورت گیرد. رهبری می فرماید مثال گویای سوء استفاده از علم استفاده غیرانسانی ایالات متحده آمریکا از فناوری بالای هسته ای در قتل عام مردم بیگناه هیروشیما و ناکازاکی است. در آموزه های اسلامی همواره ضمن تأکید بر علم، بر معنویت و اخلاق و مهربانی با دیگران تأکید شده است (نهج البلاغه (صبحی الصالح)، نامه ۵۳ / ۴۲۷). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ابلاغ رسالت خویش، مأمور به نرم دلی و مهربانی با دیگران شده است و خداوند در قرآن کریم همین امر را سبب گرایش مردم به اسلام خوانده است (آل عمران، ۱۵۹).

در بیانیه گام دوم توجه به مقوله علم و دانش از سرفصل های اساسی توصیه های رهبری است. ایشان معتقد است ما نباید تحت تاثیر تمدن غربی که علم بدون اخلاق را در دستور کار خویش داشته اند، قرار بگیریم بلکه باید با الهام از آموزه های دینی، که همواره بر علم و رعایت انسانیت و اخلاق تأکید کرده، علم اخلاق مدار را سرلوحه کار خویش قرار دهیم. در بخشی از بیانیه گام دوم آمده است: «ما به سوء استفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد،

توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم

(بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، [https://farsi.khamenei.ir/message-](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)  
(content?id=41673

ایشان در یکی از دیدارهای خویش ضمن اشاره به برخی از خصوصیات تمدن غرب از جمله گرفتار شدن در لجنزار اخلاق جنسی می‌فرماید «...ما این را به هیچ وجه نمی‌پسندیم ما دنبال الگوی مطلوب و آرمانی خودمان هستیم که یک الگوی اسلامی و ایرانی است از هدایت اسلام سرچشمه می‌گیرد و از سنت‌های ایرانی بهره می‌برد

(بیانات در دیدار اساتید دانشگاهها، ۱۳۹۲/۵/۱۵، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23451)  
(content?id=23451

این تعابیر نشان می‌دهد از منظر رهبری نوع مواجهه ما با تمدن غربی نباید مواجهه‌ای منفعلانه باشد. ما باید الگوی خویش را در مسیر دست‌یابی به تمدن از آموزه‌های مترقی اسلامی دریافت کنیم.

یکی دیگر از بیانات رهبری که موید لزوم کاربست علم همراه با اخلاق است چنین است: «در ایجاد تمدن اسلامی ملت باید اسلام و تعالیم پیامبر ﷺ را اجرا کنند. تعالیمی که جهت ساختن تمدن نوین اسلامی است و با اصول غرب برای بشریت متفاوت است و تمدن نوین به معنای اعمال زور و تصرف سرزمین‌ها و تحمیل اخلاق بر ملت‌ها نیست بلکه به معنای نشان دادن اخلاق و رفتار و اصول صحیح زندگی است تا با انتخاب درست، مسیر را بیپیمایند (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۱۰/۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23451>).

این تعابیر نشان می‌دهد که مسیر ما در جهت دست‌یابی به تمدن اسلامی مسیری اسلامی و اخلاق‌مدرانه است و با مسیر تمدن غربی متفاوت است.

رهبری در مورد دیگری از خلا معنویت در غرب سخن گفته و به منظور رفع توهم

«مخالفت بدون دلیل با تمدن غربی»، در یک مورد می فرماید: مخالفت مؤمن به اسلام با تمدن غربی به خاطر پیشرفت علمی و مبارزه‌ی با خرافات و علمی کردن همه‌ی روابط اجتماعی نیست؛ به خاطر خلأ معنویت و فضیلت در این مجموعه‌ی دنیایی است (بیانات در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۳/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1138>). در این جا رهبری، ضمن بیان انحراف غرب در جهت بهره برداری از دانش، اشاره دارد ما مسلمانان - به جهت ایمان و اعتقاد به اسلام و آموزه‌های اسلامی - با غرب بدان جهت مخالفیم که بر خلاف آموزه‌های دینی، به معنویت و اخلاق پایبند نیست.

### مخالفت با سلطه غرب

اسلام هرگونه سلطه بیگانگان بر مسلمانان و جامعه اسلامی رد کرده و قابل پذیرش نمی‌داند (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۵). به همین جهت در آیین اسلام هر نوع داد و ستدی که موجب سلطه بیگانگان بر مسلمان شود، اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، ناروا است و فقها از این مطلب تحت عنوان «قاعده نفی سبیل» یاد می‌کنند (رحمانی، ۱۳۸۲).

### نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از رهبران فرزانه و حکیم و با حمایت و پشتیبانی مردم مسلمان، وارد چهل سال دوم انقلاب خویش شده و گام دوم خویش را در جهت دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی آغاز کرده است. یکی از مهم‌ترین مسائل این نظام، چگونگی مواجهه با تمدن غربی است. رهبری انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان شخصیتی اندیشمند، با تجربه و آگاه، به خصوص در بیانیه گام دوم انقلاب که در حقیقت منشوری در جهت دست‌یابی آسان‌تر به تمدن نوین اسلامی است، مسیر صحیح را به ملت مسلمان ایران نشان داده است. ایشان با توجه به واقعیت و ماهیت تمدن غرب که - علی‌رغم برخورداری از برخی از جنبه‌های مثبت - تمدنی صرفاً مادی، آلوده و فاسد، تمدن علم

بی‌توجه به اخلاق و معنویت و تمدنی مهاجم، ویرانگر و سلطه طلب است، از حفظ دین در کنار دنیا، مبارزه با فساد، کاربست علم همراه با اخلاق و معنویت و مخالفت با سلطه غرب سخن گفته است. تأمل در بیانات ایشان نشان‌گر این است که رهبری با الهام از آموزه‌های تمدن ساز دین اسلام که در قرآن کریم و روایات پیشوایان دینی آمده‌اند، این راهبرد را پیش روی ملت ایران نهاده، تا با بهره‌گیری از این آموزه‌ها به اوج قله‌های پیشرفت و تعالی و یا همان تمدن نوین اسلامی دست یابد.

## منابع

### قرآن کریم

- نهج البلاغه (صبحی صالح)، قم: موسسه دار الهجره، بی تا.
۱. آل احمد، جلال، ۱۳۹۶، غرب زدگی، تهران، فرهنگ روز.
  ۲. ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین.
  ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، چاپ سوم، دار صادر.
  ۴. اقبال لاهوری، محمد، ۱۳۹۷، احیای فکر دینی، ترجمه احمد آرام، تهران، شرکت سهامی انتشار.
  ۵. برقی، احمد بن محمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۴، محاسن، قم، دار الکتب الاسلامیه.
  ۶. بیانات رهبری در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳.
  ۷. بیانات رهبری در جمع اساتید، فضلاء و طلاب حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹/۷/۱۴.
  ۸. بیانات رهبری در جمع دانشجویان، ۱۳۷۳/۶/۲۹.
  ۹. بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۳/۳/۱۴.
  ۱۰. بیانات رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۲۲/۵/۱۳۹۱.
  ۱۱. بیانات رهبری در دیدار اساتید دانشگاهها، ۱۳۹۲/۵/۱۵.
  ۱۲. بیانات رهبری در دیدار استادان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲.
  ۱۳. بیانات رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم و جمعی از پرستاران و مددکاران، ۱۳۶۸/۹/۱۵.
  ۱۴. بیانات رهبری در دیدار با پرستاران و جانبازان به مناسبت روز پرستار، ۱۳۷۶/۶/۱۹.
  ۱۵. بیانات رهبری در دیدار جمعی از نخبگان، ۱۳۷۳/۶/۲۹.
  ۱۶. بیانات رهبری در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
  ۱۷. بیانات رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی،

۱۳۹۱/۴/۲۱

۱۸. بیانات در دیدار شرکت کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۶/۲/۷.
۱۹. بیانات رهبری در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۳/۲۲.
۲۰. بیانات رهبری در دیدار قهرمانان و ورزشکاران ۱۳۹۳/۱۱/۱.
۲۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۱۰/۸.
۲۲. بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷، تهران، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه.
۲۳. بوکانن، پاتریک جوزف، ۱۳۸۲، مرگ غرب، بی‌جا، غرب شناسی.
۲۴. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش.
۲۵. پژوهنده، محمد حسین، ۱۳۷۴، «مفهوم فرهنگ از دیدگاه متفکران»، مجله اندیشه حوزه، شماره ۲.
۲۶. ج. ۱، ماهیت واقعی تمدن غرب، ۱۳۴۰، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال سوم، شماره ۵.
۲۷. جعفری، اسمر، ۱۳۹۰، تمدن اسلام و غرب، نشریه آموزش معارف اسلامی، دوره ۳۳، شماره ۴.
۲۸. جهانگیری، محسن، ۱۳۸۵، احوال و آثار و آراء فرانسیس بیکن، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۹. حسنی فر، عبدالرحمن و عماد افروغ، ۱۳۸۹، بررسی نقدهای سید احمد فرید بر لیبرلیسم و غرب، پژوهش‌های فلسفی کلامی، شماره ۴۵.
۳۰. خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۶۸، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۳۱. خواجه سروی، غلامرضا و دیگران، ۱۳۹۵، تپ شناسی نحوه مواجهه روشنفکران و نخبگان ایرانی با تمدن غرب، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره نهم، شماره ۲.



۳۲. سحمرانی، اسعد، ۱۳۶۹، مالک بن نبی اندیشمند مصلح، ترجمه صادق آئینه وند، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۳. رینگر، رابرت، ۱۳۶۵، فروپاشی تمدن غرب، ترجمه احمد تقی پور، تهران، رسام.
۳۴. شریعتی، علی، ۱۳۷۷، ویژگی‌های قرون جدید، تهران، چاپخش.
۳۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران.
۳۶. دیباج، سید موسی، ۱۳۸۶، آراء و عقاید سید احمد فرید، تهران، علم.
۳۷. رحمانی، محمد، ۱۳۸۲، قاعده نفی سبیل از منظر فریقین، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۶.
۳۸. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، دارالتراث.
۳۹. عالمی، سید علیرضا، ۱۳۹۶، بررسی گفتمانی امکان گفت و گوی تمدن اسلامی و تمدن غرب مبتنی بر دو نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی، پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی، سال اول، شماره ۲.
۴۰. کاشفی، محمدرضا، ۱۳۸۴، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲، کافی، تهران، اسلامیه.
۴۲. گفت و شنود صمیمانه رهبر انقلاب با جمعی از جوانان و نوجوانان ۱۳۷۶/۱۱/۱۴.
۴۳. لوکاس، هنری، ۱۳۸۲، تاریخ تمدن از کهن‌ترین روزگار تا سده ما، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: سخن.
۴۴. ماکیاولی، نیکولو، شهریار، ۱۳۷۵، ترجمه داریوش آشوری، تهران، نشر مرکز.
۴۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، تهران، صدرا.
۴۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، سی و دوم، صدرا.
۴۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، مجموعه آثار، تهران، صدرا.

۴۸. معین، محمد، ۱۳۸۷، فرهنگ فارسی، تهران، زرین.
۴۹. ولایتی، علی اکبر، ۱۳۸۴، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، وزارت امور خارجه مرکز چاپ و انتشارات.
۵۰. ویل دورانت، تاریخ تمدن، (مشرق زمین گاهواره تمدن)، ۱۳۶۵، ترجمه احمد آرام، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۵۱. یوکیچی، فوکوتساوا، ۱۳۶۳، نظریه تمدن، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، گیو.
۵۲. فروغی، محمد علی، ۱۳۸۹، سیر حکمت در اروپا، تهران، شرکت نشر کتاب هرمس.

. [www.leader.ir/fa/content/1278453](http://www.leader.ir/fa/content/1278453)

۵۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای: [khamenei.ir](http://khamenei.ir)

## دلایل اسلام هراسی غربیان و راهکارمقابله با آن از منظر مقام

معظم رهبری ظله

باقر ریاحی مهر<sup>۱</sup>

مجتبی صبوری<sup>۲</sup>

مسعودشم آبادی<sup>۳</sup>

### چکیده

«اسلام هراسی» یکی از راهبردی ترین دغدغه‌های جهان غرب و دنیای مسیحیت است. ظهور انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام و پی آمدهای فکری و سیاسی آن در جهان معاصر، شوق مطالعه و پژوهش درباره اسلام و تشیع را به شدت افزایش داد. فروپاشی رقیب قدرتمند غرب، یعنی اتحاد جماهیر شوروی در ادامه آن و رشد حرکت‌های اسلامی متأثر از اندیشه انقلاب اسلامی، عطف توجه بیشتر غرب به خاورمیانه اسلامی و بازخوانی مجدد تاریخ اسلام، خصوصاً روابط تاریخی اسلام و مسیحیت را ضروری تر نمود و نمایش چهره‌ای هولناک از مسلمانان و «دیگر بودگی» آنان از نظر مسیحیان، «اسلام هراسی» را روز به روز شدت بخشید. با

۱. استادیار جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول) dr.riahi@chmail.ir

۲. مدرس سطح عالی حوزه و استاد دانشگاه علامه طباطبایی saboorymojtaba@yahoo.com

۳. دانش پژوه رشته ی دکتری قرآن و مستشرقان جامعه المصطفی العالمیه modaf\_68@yahoo.com

این حال نمی‌توان انکار کرد که «اسلام هراسی» در یک بستر طولانی تاریخی شکل گرفته و پرورش یافته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی با رویکرد انتقادی به تبیین و بررسی این مسئله می‌پردازد. مسأله اساسی تحقیق حاضر آن است که به مهمترین دلایل اسلام هراسی پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که راهکارهای مقابله با اسلام هراسی غربیان از نگاه مقام معظم رهبری عبارتند از تبیین اسلام نام محمدی بر مبنای ترکیب معنویت، عقلانیت و عدالت، پیوند دین و سیاست، شخصیت و خط امام... می‌باشد.

واژگان کلیدی: اسلام هراسی، غرب، اسلام ناب محمدی، مقام معظم رهبری، عقلانیت

## مقدمه

دین مبین اسلام از آغاز طلوع خود تا کنون در مقابل جهان زمانه و معاندین، فراز و فرودهای بسیاری را طی نموده و با منطق الهی و معارف و حیانی خود که در ضمن قرآن کریم تجلی یافته همواره موجبات سرافکندگی و شرمساری را برای مخالفین خود به ارمغان آورده است. قرآن کریم به عنوان اصلی‌ترین معجزه خاتم الانبیاء علیهم السلام در طول ۱۴ قرن متمادی، در مواجهه با مخالفین خود سرافراز و استوار بوده و خم بر ابروی دشمنان اسلام آورده است. این دشمنی‌ها با ضعف در پاسخگویی به تحدی قرآن آشکارتر گشت و آنان را به ایجاد شبهات و انجام تحریف‌های معنوی گوناگون واداشت. قرون اخیر نیز از این قاعده مستثنا نبوده و مخالفین این دین الهی سعی در پراکنده نمودن شبهاتی در مورد معارف اسلامی و قرآنی نموده‌اند که دانشمندان غربی را می‌توان پرچمدار این مقابله و نزاع دانست.

با توجه به فرهنگ غنی اسلامی و پیشرفت علمی مسلمانان، غرب از این دستاوردها تأثیر پذیرفت و در قرون وسطی اقدام به شناخت جوامع شرقی و مخصوصاً اسلامی نمود. سال‌های پس از رنسانس را می‌توان دوره رشد مطالعات استشرافی و اسلام‌شناسی توسط دانشمندان غربی نامید چرا که در این دوره مستشرقان به چاپ گسترده تر کتب اسلامی و تنظیم آنها پرداختند. با نگاهی کوتاه به دوره‌های استشراق در طول تاریخ می‌توان مطالعات و فعالیت‌های آنان را در راستای سه هدف تبشیری، استعماری و علمی تقسیم نمود. دوره استشراق تبشیری و استعماری عمدتاً به عصر استعمار کهن بر میگردد که در آنها جوامع مستعمر به وسیله‌ی میسیونرهای مذهبی و یا جاسوسان استعماری سعی در شناخت فرهنگ و ارزش‌های اصلی جامعه‌ی هدف داشته تا از طریق آن بتوانند اهداف استعماری خود را هر چه بهتر اجرا نمایند. اما در مقابل استشراق علمی با نگاهی به دور پیش داوری به بررسی آثار ملت‌های شرقی و مخصوصاً آثار اسلامی و از جمله قرآن کریم پرداختند. از رهگذر مطالعات مستشرقان در حوزه‌های مختلف آثاری به وجود آمد که محور سایر مطالعات اسلام‌شناسی قرارگرفت و حتی سبب پدید آمدن علمی جدید در میان علوم

اسلامی شد. مهمترین فعالیت مستشرقان در عالم اسلام، مطالعات گسترده بر روی قرآن کریم و سنت می باشد که صدها کتاب و مقاله حاصل این فعالیت ها بوده است. آنها با مطالعه بر روی قرآن کریم به القاء شبهاتی در حوزه های مختلفی همچون: علوم قرآن، تاریخ قرآن، معارف قرآن، تاریخ تفسیر و حدیث روی آوردند که آنها را در قالب های دانشنامه ها و دایرة المعارف های بزرگی همچون دائرة المعارف اسلام چاپ و منتشر نمودند.

البته باید گفت که اسلام شناسان منصفی نیز در این میان گهگاه از میان مطالعات خود به حقانیت قرآن و اسلام شهادت داده و حتی به دین اسلام گرویده اند. مطالعات گسترده خاورشناسان در مورد اسلام با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی شدت یافت و حوزه های گوناگون دیگری همچون تشیع، امامان شیعه، فرقه های شیعه، فقه شیعه، روایات تفسیری شیعه، انقلاب اسلامی در ایران و رهبران آن را به حوزه های اصلی مورد نظر خود افزودند. آنچه واضح است این است که جریان استشراق با تلاش روزافزون در جهت شناخت منابع اسلامی و کوشش جهت نفی حجیت این منافع و ایجاد تردید در آنها سعی در اضمحلال اسلام عزیز به وسیله شبهه پراکنی دارد. لذا بایسته است که علمای علوم قرآن، حدیث، تفسیر و غیره که دل در گرو اسلام عزیز دارند با تلاشی جهاد گونه در راستای پاسخگویی و نقد و بررسی فعالیت های آنان بر آمده و با شناخت صحیح از نقاط مثبت و منفی مطالعات آنها، تقابل مثبتی را در این عرصه رقم بزنند.

### واژه شناسی «اسلام هراسی»

اسلام هراسی، از واژه های جدیدی است که بستر پیدایش آن به اواخر سال ۱۹۸۰ م. برمی گردد، ولی به مفهوم رایج آن، پس از وقایع ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده امریکا، به رابطه اسلام و غرب مربوط می شود. [اسلام هراسی] در عمل دارای سابقه طولانی و عقبه ای هزار ساله است و در مقاطع گوناگون در جنگ ها، داد و ستدهای تجاری و سیاسی، روابط انسانی و مناسبات شخصی و مباحث علمی ظهور و بروز داشته است. (درخشه، ۱۳۸۸،

«واژه اسلام هراسی [مركب] از دو کلمه Islam+ phobia و حرف O میانه که از ادات وصل است، بر ایجاد و پدید آمدن نوعی ترس ساختگی و توهمی از اسلام دلالت می‌کند. پسوند phobia در انگلیسی به معنای القای اغراق آمیز یک هراس و ترس غیر منطقی در مواجهه با هر پدیده‌ای است». (مرشدی زاد، ۱۳۸۸، ص ۱۴)

اشاعه یک تصویر خلاف واقع، منفی و غیر اصولی از اسلام به منظور ترویج حس توأم با تنفر و تعصب آمیز نسبت به اسلام و جوامع اسلامی، مخرج مشترک تعاریفی است که از اسلام هراسی ارایه شده است. بنابراین، برانگیختن حس تنفر نسبت به مسلمانان و تهدید جلوه دادن اسلام، دو عنصر اساسی در اسلام هراسی به شمار می‌رود. به همین دلیل، در جهان غرب که مسلمانان در اقلیت به سر می‌برند، اسلام هراسی، پی آمدهای تلخ و سنگینی برای جامعه مسلمین داشته است. حمله به مساجد، نگرستن به مسلمانان به عنوان اجانب و غریبه، تبعیض در واگذاری مشاغل و مقام‌های مطلوب، زیر نظر داشتن و تحت مراقبت قرار دادن محله‌های مسلمان نشین به طور ویژه، نمونه‌هایی از این پی آمدهاست. (مجیدی، ۱۳۸۸، ص ۲) مؤسسه «رانیمدتراست» در تعریف این واژه چنین گفته است: «اسلام هراسی عبارت است از ترس و اکراهی بی اساس در برابر مسلمانان که باعث دفع آنها و تبعیض علیه آنها می‌شود». استفن شوارتز، نویسنده امریکایی در مقاله «اسلام هراسانی که نیستند» می‌گوید: اسلام هراسی، محکوم سازی کلیت اسلام و تاریخ مسلمانان به عنوان امری افراطی؛ انکار اکثریت میانه روی مسلمان و در نظر گرفتن اسلام به عنوان مشکلی برای جهان است». (اسلام هراسی، ۱۳۹۰، ص ۳۳)

بنابراین، اسلام هراسی، پدیده‌ای است که بخشی از محافل تصمیم گیری سیاسی - فرهنگی در غرب آن را به طور سازمان یافته برای مقابله با اسلام طراحی کرده‌اند و با استفاده از ابزار رسانه در اشکال گوناگون و در سطوح مختلف اعمال می‌شود.

### اسلام هراسی جلوه ی بارز شرق شناسی

ادوارد سعید معتقد است که شرق شناسی شبیه یهودی ستیزی است. وی اعتقاد دارد

شرق‌شناسی شاخه اسلامی یهودی ستیزی است؛ به گونه‌ای که بسیاری از شرق‌شناسان پیامبر اسلام را به انتشار قرآن جعلی متهم می‌کنند. آنها اصالت اسلام را از بین برده و آن را نسخه‌ای منحط از فرهنگ مسیحی معرفی می‌کنند. برنارد لوئیس در این رابطه مدعی می‌شود که اسلام یک پدیده وحشتناک عمومی است که به صورت مشترک یهودیان و مسیحیان را هدف قرار داده است.

ادوارد سعید معتقد است که ترس از اسلام (اسلام‌هراسی) در غرب و بویژه آمریکا به دوره جنگ اکتبر ۱۹۷۳ بین مصر و اسرائیل باز می‌گردد، یعنی زمانی که عربستان سعودی تهدید به قطع صادرات نفت کرد و به این ترتیب قیمت سوخت در این کشورها بالا رفت. به این گونه بود که مسلمان عرب به عنوان انسانی خشن معرفی شد و شرق‌شناسان به جامعه اروپایی گفتند که عرب‌ها خون‌ریز هستند و خشونت و فریب در ذات آنها نهفته است.

یکی از همین مستشرقین ادعا کرد که نقطه اشتراک تمام اهالی خاورمیانه نفرت و دشمنی با یهودیان است. البته برخی می‌گویند که پدیده اسلام‌هراسی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و در پی جستجوی غرب از دشمنی جایگزین شدت گرفت، به گونه‌ای که در آن زمان رسانه‌های غربی و اروپایی دیدگاه‌های پژوهشگرانی نظیر فرانسیس فوکویاما نظریه‌پرداز سابق نو محافظه‌کاران و شاگرد آلان بلوم و لیو اشتراوس مؤسس دیدگاه‌های نو محافظه‌کاران در آمریکا را ترویج دادند.

فوکویاما در کتاب پایان تاریخ خود مدعی شد که اسلام رقیب ایدئولوژیک لیبرال دموکراسی غرب پس از فروپاشی جماهیر شوروی خواهد بود. ساموئل هانتینگتون نیز در کتاب برخورد تمدن‌ها این دیدگاه را تکرار کند، دیدگاهی که مبتنی بر نظرات شرق‌شناسان بوده و مفاد آن این بود که درگیری ایدئولوژیک بین مارکسیسم و لیبرالیسم به پایان رسیده و درگیری آینده بین تمدن‌ها از جمله تمدن اسلامی خواهد برد. این فضا زمینه سیاسی برای روی کار آمدن راست‌گرایان افراطی یعنی نو محافظه‌کاران در تأثیرگذارترین پست‌ها را باعث شد و به همین نسبت در روند مناسبات آمریکا با جهان اسلام تأثیرگذار بود. حوادث ۱۱



سپتامبر نیز در این زمینه به بهانه‌ای برای اشغال و تخریب دو کشور اسلامی یعنی افغانستان و عراق تبدیل شد. صهیونیست‌ها، از ترس غربی‌ها از اسلام استفاده کرده و سعی در تقویت این رویکرد داشتند تا بتوانند خود را در مبارزه با اسلام به عنوان متحد غرب نشان دهند.

پدیده اسلام‌هراسی پس از حوادث ۱۱ سپتامبر که سازمان القاعده به رهبری اسامه بن لادن مسئولیت آن را برعهده گرفت، به اوج خود رسید. صهیونیست‌ها از این حادثه استفاده کردند تا نظریه خود مبنی بر حمایت اسرائیل از ارزش‌های دموکراتیک آمریکا و حضور در میدان مبارزه مشترک با تروریسم اسلامی را ترویج کنند. آنها در این چارچوب یاسر عرفات رئیس تشکیلات خودگردان را با بن لادن مقایسه کردند، آنها تلاش کردند رویکردهای تروریستی را به مبارزه ملت فلسطین بر ضد اشغالگری مرتبط ساخته و مشروعیت مقاومت را زیر سؤال ببرند.

در همین رابطه باراک اوباما رئیس‌جمهور کنونی آمریکا نیز در سخنرانی خود در سال ۲۰۰۹ در آپیک گفت که آمریکا و اسرائیل ارزش‌های مشترکی داشته و در روند جنگ بر ضد تروریسم شریک هستند. این موضوع را عوفیر جندلمن سخن‌گوی نخست وزیر رژیم صهیونیستی نیز در رابطه با ماهیت مناسبات آمریکا و اسرائیل تکرار کرد.

نخست وزیر رژیم صهیونیستی با در پیش گرفتن این رویکرد در پی حمله تروریستی به پاریس در سال ۲۰۱۵ خطاب به سفیر فرانسه گفت: ما پایدار هستیم و سکوت نمی‌کنیم. با اینکه وحشی‌ها قربانیانی را در میان ما ایجاد کردند، ما به ارزش‌ها و صداقت و آزادی خود افتخار می‌کنیم. هنگامی که جریان‌های متعدد مشکل خود را تشخیص دهند هیچ چاره‌ای جز اتحاد برای از بین بردن این حیوانات باقی نمی‌ماند. این حیوانات نامی‌دانند و آن نام اسلام افراط‌گرا است.

اطلاعات موجود نشان می‌دهد که پدیده اسلام‌هراسی در آمریکا به دست مجموعی از صهیونیست‌ها اداره می‌شود. این چیزی است که پول فندلی در کتاب خود به آن اشاره می‌کند. همچنین برخی پژوهشگران آمریکایی در گزارشی که در سال ۲۰۱۱ منتشر کردند، نیز

به این نتیجه رسیدند

ناتان لین مؤلف کتاب "صنعت اسلام‌هراسی" معتقد است که پدیده اسلام‌هراسی، صنعتی کامل است که سود مادی و معنوی به دنبال داشته و صاحبان آن را برای رسیدن به قدرت بر روی جنازه انسان‌های بی‌گناه کمک می‌کند. لین این موضوع را از لحاظ تاریخی مورد بررسی قرار داد و ثابت می‌کند که ایجاد وحشت در میان مردم آمریکا موضوع تازه‌ای نیست و تاریخی طولانی دارد، تلاش‌هایی که در این رابطه انجام می‌شود، مبتنی بر واقعیت‌ها نبوده، بلکه برای اهداف مشخصی دنبال شده است. از همین رو مشاهده می‌شود که روند اسلام‌هراسی در سال ۲۰۱۲ در آمریکا بسیار پرتلاش از قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر است. این اقدامات تصادفی نیست بلکه در نتیجه یک رویکرد سازماندهی شده اتفاق افتاده است. صنعت اسلام‌هراسی در غرب تنها منحصر به لابی صهیونیستی نیست، بلکه به تجارتي سودمند تبدیل شده که بیشتر نویسندگان و روزنامه‌نگاران و سیاست‌مداران آن را به عنوان ابزاری برای سوددهی و کسب منافع سیاسی دنبال می‌کنند.

در آلمان آنجلا مرکل پس از اجازه دادن به چند هزار مهاجر سوری با تظاهرات اعتراض‌آمیز راست‌گرایان تحت شعار "جلوگیری از اسلامی سازی کشور" مواجه شد.

در فرانسه میشل ولباک در کتاب خود با عنوان "تسلیم" پیش بینی کرد که بعد از انتخاب رئیس جمهوری از حزب اسلامی، فرانسه در سال ۲۰۲۲ به کشور اسلامی تبدیل شود. دونالد ترامپ نامزد جمهوری ریاست جمهوری آمریکا از حادثه کشته شدن ۱۴ آمریکایی به دست یک زوج مسلمان سوءاستفاده کرده و خواستار ممنوعیت ورود مسلمانان به آمریکا می‌شود. این شواهد تنها نمونه‌هایی از رفتارها در زمینه پدیده اسلام‌هراسی در غرب است که البته از عملکرد برخی گروه‌های افراط‌گرایی اسلامی تغذیه می‌کند.

عبدالله محمد معتقد است که مکتب شرق‌شناسی مدرن مبتنی بر سه محور اصلی

است که عبارتند از:

«تهدید مسلمانان متعصب»، «حتمی بودن پیروزی غرب‌گرایان» و «حق اسرائیل». در

تشریح این مکتب می‌بینیم که بیشتر وابستگان به آن از یهودیان و صهیونیست‌ها یا هواداران آنها هستند و مفهوم خطر در دیدگاه آنها خطر نسبت به اسلام گرایان است. از شرق‌شناسان معاصر مطالب بسیار اندکی نظیر کتاب‌های مایکل کوک و جاکلین الشابی منتشر شده است، تعداد مطالعات مربوط به شرق‌شناسی در مؤسسات علمی و کرسی‌های دانشگاهی و مجلات ویژه دچار کاهش شدید شده است، همچنین تمامی کنفرانس‌های مربوط به شرق‌شناسی نیز متوقف شده و سطح یادگیری زبان عربی کاهش پیدا کرده است.

### اسلام هراسی غربیان از منظر قرآن

اسلام هراسی و اسلام ستیزی غربیان سبقه‌ای به اندازه کل تاریخ اسلام دارد. از زمانی که پرچم اسلام توسط پیامبر اکرم ص در مکه برافراشته شد این دشمنی‌ها که بیشتر توسط یهودیان بود بر علیه پیامبر ص شروع شده. به دنبال بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و هجرت ایشان به مدینه احبار و علمای یهود که با شوق دیدار پیامبر آخرالزمان به مدینه آمده بودند، وقتی دیدند که پیامبر آخرالزمان از قوم و قبیله آنان نیست دست به توطئه علیه او و دینش زدند. قرآن کریم در آیات متعددی به این مهم اشاره کرده است.

یکی از مهمترین آیات قرآن که به این مهم اشاره دارد این آیه می‌باشد: (لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قَتِيلِينَ وَرُهبَاناً وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ) (مائده، ۵، ۸۲)<sup>۱</sup> در این آیه بدترین دشمن مسلمانان یهودیان معرفی شده‌اند با بیان اینکه مراد از این یهودیان متعصبان و تندروها و رهبران آنان است که علم جنگ و مخالفت با اسلام را بر دوش داشتند و دارند

---

۱. مسلماً سرسخت‌ترین مردم را در دشمنی با کسانی که ایمان آورده‌اند، یهود و مشرکان خواهی یافت و نزدیکترین آنها را در دوستی با مؤمنان کسانی می‌یابی که گفتند: ما نصاریم. این بدان سبب است که گروهی از آنان کشیشان و راهبان اند و آنها تکبر و بزرگ منشی نمی‌ورزند.

البته این دشمنی مختص آن زمان پیامبر ص نبوده و با حوادث کنونی که در جهان در حال وقوع است، نیز بر اساس روایتی از امام باقر علیه السلام که آیات قرآن مانند خورشید و ماه تا قیامت جریان دارند قابل تطبیق است. دشمنان اسلام و قرآن از راهها و طرق مختلف با اسلام به مخالفت برمیخواستند که در قرآن به آنها اشاره شده است به عنوان نمونه به تعدادی از آیات و دلایل این دشمنی ها اشاره می‌کنیم:

### کتمان حق

در برخی از آیات نشان میدهد که کافران اهل کتاب در گفتگو یا مناظره با مسلمانان و به رغم آگاهی و اذعان به حقانیت اموری چون بعثت پیامبر اسلام و تغییر قبله (طبری مج ۲، ج ۲، ص ۳۷؛ طوسی، ج ۲، ص ۲۱) آن را پنهان می‌ساختند و از قبول حقانیت قرآن کریم و دعوت پیامبر ص سر باز میزدند: **وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ**. (بقره، ۲، ۱۴۶).

### تلاش برای منحرف ساختن مسلمانان

گروهی از اهل کتاب چنان در آتش حسادت هدایت یابی مسلمانان و نعمت های خداداد آنان می‌سوختند که از هیچ کوششی برای تضعیف عقیده و ایمان آنان و بازگشت از اسلام فروگذار نمی‌کردند: **وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ**. (آل عمران، ۳، ۶۹) از این رو خداوند مؤمنان را از پیروی آنها برحذر داشته تا مبدا آنان را از اسلام جدا ساخته، به کفر بازگردانند: **إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ آوَتْوَالْكِتَابَ يُرِدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَفْرِينَ**. (سوره آل

۱. و البته گروهی از آنان حق را دانسته کتمان می‌کنند.

۲. گروهی از اهل کتاب آرزو می‌کنند که شما مسلمانان را گمراه سازند در حالی که جز خودشان کسی را به گمراهی نمی‌افکنند و این را درک نمی‌کنند.

۳. ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از گروهی از کسانی که به آنان کتاب آسمانی داده شده است پیروی کنید، شما را پس از آن که ایمان آورده اید به کفر باز می‌گردانند.

عمران 3، 100) (طوسی، ج ۲، ص ۵۴۱)؛

تلاش آنان برای گمراه کردن مسلمانان به درجه ای رسید که در توطئه ای خطرناک تصمیم گرفتند صبحگاهان با اظهار اسلام به صف مسلمانان بپیوندند؛ اما شبانگاهان ارتداد خود را اعلام کنند. (طوسی، ج ۲، ص ۴۹۹؛ طبرسی، ج ۱، ص ۱۸۲) تا مسلمانان بپندارند که آنان با اسلام مخالفتی ندارند؛ اما چون پس از تحقیق، بطلان آن را فهمیدند از آن دست کشیده اند. این توطئه چنان خطرناک بود که می توانست تهدیدی جدی برای نو مسلمانان سست ایمان باشد؛ اما قرآن خطر آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله گوشزد کرد و مانع این توطئه شد: «وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ءَامِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا ءَاخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ<sup>۱</sup>». (سوره آل عمران ۳، ۷۲)

### ایجاد تفرقه میان مسلمانان

اهل کتاب به ویژه یهود همواره در پی انتقام از مسلمانان بودند و یکی از راههای انتقام ایجاد تفرقه میان آنان بوده است و چون اهل کتاب از دیرباز در مدینه و پیرامون آن سکونت داشتند و از اختلافات دیرینه میان اوس و خزرج و ریشه این منازعات باخبر بودند با استفاده از هر فرصت مناسبی این منازعات را به یاد آنان انداخته، آتش فتنه را شعله ور می ساختند. شماری از مفسران، (طبری، مج ۳، ج ۴، ص ۳۳۰-۳۳۲؛ قرطبی، ج ۴، ص ۱۰۰) آیات ۹۹ - ۱۰۰ سوره آل عمران 3/، را اشاره به این تفرقه افکنی از سوی یهود دانسته اند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُصَدَّوْنَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَن ءَامَنَ تَبِعُونَهَا عَوَجًا<sup>۲</sup>». (آل عمران، ۳، ۹۹)

---

۱. و گروهی از اهل کتاب ( عالمان یهود ) به همکیشان خود گفتند: آنچه را که بامدادان بر مسلمانان فرو فرستاده شد و قبله شما را تأیید کرد، تصدیق کنید، و آنچه را که در پایان روز نازل شد و قبله دیگری برای آنان تعیین نمود، انکار کنید، شاید از آن بازگردند.

۲. بگو: ای اهل کتاب، چرا کسانی را که ایمان آورده اند، از راه خدا باز می دارید و کج آن را می طلبید با این که حقیقت را می دانید و بر آن گواهیید؟ و خدا از آنچه می کنید بی خبر نیست.

گاهی نیز کار اختلاف برانگیزی چنان مؤثر می‌افتاد که دو طرف دست به سلاح می‌بردند. در این گونه موارد آتش فتنه با تماس های مکرر پیامبر ﷺ با اوس و خزرج و پند و نصیحت آنها خاموش می‌شد (طبری، مج ۳، ج ۴، ص ۳۳۰-۳۳۱؛ قرطبی، ج ۴، ص ۱۰۰).

### فشار اقتصادی

یکی از راههای دشمنی دشمنان اسلام فشار اقتصادی بود که هم اکنون هم در دنیا شاهد این گونه فشارها از طرف کشورهای غربی در راس آنها آمریکا بر کشورهای اسلامی هستیم. در صدر اسلام نیز یهود با عدم پرداخت دیون خود به مسلمانان در صدد فشار اقتصادی به آنان برآمدند. این اقدام زمانی صورت گرفت که وضعیت مالی مسلمانان در مدینه بسیار دشوار بود و آنان از پرداخت پول مسلمانان در ازای خرید کالا به این دلیل که این معامله در دوران جاهلیت و پیش از اسلام انجام گرفته، سرباز زدند.

به گفته برخی مفسران آیه ۷۵ سوره آل عمران ۳ به این نکته اشاره دارد (طبری ج ۲، ص ۵۰۴؛ الصحيح من السیره، ج ۶، ص ۳۲) همچنین هنگامی که پیامبر ﷺ ابوبکر را برای دریافت کمک مالی نزد رهبر قبیله بنی قینقاع فرستاد، آنان به طعنه گفتند که خدای شما دست نیاز به سوی ما گشوده و او تهیدست و ما توانگریم .. (طبری، مج ۳، ج ۴، ص ۲۶۱-۲۵۸) (سوره آل عمران، ۳، ۱۸۱)

### آزار پیامبر ﷺ و مسلمانان

برخی آیات نشان می‌دهد که افرادی از اهل کتاب همانند مشرکان با شیوه‌های گوناگون، از جمله با سخنان خود، مسلمانان را اذیت می‌کردند: *وَلْتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا*. (سوره آل عمران، ۳، ۱۸۶) برخی آیه را در شأن کعب بن اشرف شاعر از یهودیان مدینه نازل دانسته‌اند که در اشعار خویش به تحریک مشرکان و هجو

۱. و حتماً از کسانی که پیش از شما کتاب آسمانی به آنان داده شده است (یهود و نصارا) و نیز از کسانی که به شرک روی آورده‌اند، سخنان آزاردهنده بسیار خواهید شنید،

پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان پرداخته و نام و زیبایی های زنان مسلمان را موضوع غزلهای عاشقانه خود قرار می داد (طبرسی، ج ۲، ص ۹۰۳)

### تحریف و کتمان بشارت بعثت پیامبر اسلام

بر اساس برخی آیات، اهل کتاب بر پایه بشارت های آمده در تورات و انجیل، خیلی دقیق و روشن، پیامبر اسلام را می شناخته اند (سوره بقره ۲/، ۱۴۶؛ سوره آل عمران ۳/، ۲۰) اما به رغم این بشارت ها، دست به تحریف و کتمان آنها زده، از تصدیق حقانیت قرآن و پیامبر اسلام خودداری می کردند.

تغییر کلماتی همچون «فارقلیطاً» که معادل کلمه «احمد» صلی الله علیه و آله است به «پارکلی طوس» نمونه ای از این تحریف ها است، (قمی، ج ۲، ص ۴۶۸؛ معرفت، ص ۱۴۸۱۲۱) از این رو، قرآن اهل کتاب را بدان جهت که در کتاب های آسمانی دست برده و آن را به صورت ناقص ارائه داده اند سرزنش می کند: تَجْعَلُونَهُ قَرَأِطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفَوْنَ كَثِيرًا (سوره انعام، ۶، ۹۱) و چون تحریف و تصرف آنها در کتاب خدا، موجب شد بخش های فراوانی از کتاب الهی از بین برود آنان را از کسانی می شمارد که تنها از بخشی از کتاب آسمانی بهره برده اند: «الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ» (طباطبایی، ج ۳، ص ۱۲۴، ۳۰۸، ۳۳۰، ج ۳، ص ۱۲۴، ۳۰۸، ۳۳۰). (نساء، ۴، ۵۱)

به صورت کلی شاید بشود گفت از مهمترین علل و عوامل دشمنی و اسلام ستیزی غربیان و در راس آنها یهودیان به عواملی از قبیل: دنیاپرستی، مال دوستی، جاه طلبی عالمان یهود، لجاجت و نژادپرستی و خود را قوم برتر دانستن می باشد. یکی دیگر از دلایل مهم دشمنی به عدم اعتقاد و بارو به مسئله مهم معاد می باشد. در سوره مبارکه جمعه به صراحت از آنان خواسته اگر صداقت دارند و حق با آنان است تمنای مرگ کنند اما خود آیه

۱. شما آن را در کاغذهایی می نویسید و بخشی از آن را آشکار می کنید و بسیاری را پنهان می دارید.

۲. آیا به کسانی که بهره ای از کتاب آسمانی یافته اند (یهودیان) ننگریسته ای

تصریح دارد که آنان جرئت چنین کاری ندارند زیرا صداقت ندارند.

در مجموع دشمنی مستمر یهود با اسلام و شدت عداوت آنان موضوعی محوری است که در قرآن به صورت روشن و واضح تصریح شده است، لذا ایستادگی در مقابل ترفندها و جنایات آنان و اتحاد مسلمین در برخورد با کسانی که امروز به جنایت علیه مسلمانان دست زده‌اند وظیفه همه مسلمانان است.

### دوره‌های اسلام هراسی در عصر حاضر

پدیده اسلام هراسی در یک نظر در زمان معاصر به چهار دوره تقسیم می‌شود:

دوره اول: این مرحله از اواخر دهه ۸۰ م. آغاز شد. انقلاب اسلامی ایران در سال‌های نخست پیروزی سبب ایجاد خودآگاهی دینی در میان مسلمانان و بازیابی هویت اسلامی در دنیا شد که گفتمان بیداری اسلامی را تقویت کرد و به تدریج، به گفتمان مسلط جهان اسلام تبدیل شد. انتشار کتاب آیات شیطانی و اهانت به مقدسات اسلامی را می‌توان در این جهت ارزیابی کرد، به طوری که جهان غرب در برابر اعتراض‌های گسترده مسلمانان به این کتاب، نه تنها انتشار آن را ممنوع نکرد، بلکه بارها از کتاب و نویسنده آن تجلیل کرد. (نک: سراج، ۱۳۸۹، ص ۲)

دوره دوم: از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۸۹ م. آغاز می‌شود. یکی از راهبردهای سیاست خارجه ایالات متحده امریکا، وجود یک دشمن واقعی یا فرضی است که بر همین اساس، سیاست مداران غربی طرح اسلام هراسی را با هدف پر کردن خلأ بیگانه هراسی، جایگزین کمونیسم هراسی کردند.

ریچارد نیکسون، رئیس جمهوری پیشین امریکا، در کتاب فرصت را دریابیم که در سال ۱۹۹۱ م. چاپ شد، رهنمودهای مهمی به سردمداران کاخ سفید کرد. وی در مقدمه کتاب به این نکته اشاره دارد که با پایان یافتن جنگ سرد، وضعیت جهان، نه تنها ساده‌تر نشده، بلکه پیچیده‌تر گشته و نقش ایالات متحده امریکا، بیشتر از پیش شده است.

وی در بررسی جریان‌های فکری غالب در کشورهای اسلامی که شامل بنیادگرایی،



رادیکالیسم و تجدد است، جریان بنیادگرایی اسلامی را چنین توصیف می‌کند:

این گروه را نفرت شدید از غرب و تصمیم به اعاده برتری تمدن اسلامی، از راه زنده کردن گذشته آن، به حرکت در می‌آورد. قصد آنان، حاکم کردن

شریعت است؛ یعنی مجموعه قوانینی که پایه در قرآن دارد؛ قرآنی که دین و دنیا را از هم جدا نمی‌داند. اینان اگرچه گذشته را راهنمای آینده می‌دانند، انقلابی‌اند و محافظه کار نیستند؛ می‌خواهند پیش از ساختن دنیای نو، دنیای کهن را نابود سازند (نیکسون، مترجم و سفی نژاد، ۱، ص ۲۱).

نظریه «برخورد تمدن» های ساموئل هانتینگتون در همین زمینه در سال ۱۹۹۳ م. مطرح شد. این نظریه به جهان پس از فروپاشی بلوک شرق توجه دارد و از شکل‌گیری تمدن‌ها بحث می‌کند و روابط و منازعات بین المللی را در عرصه فرهنگی و تمدنی می‌داند. هانتینگتون از میان تمدن‌های نام برده شده، بیش از همه بر تمدن اسلامی تأکید می‌کند و معتقد است که جهان غرب باید به گونه‌ای آن را مهار کند. (همان، ص ۵)

القای اینکه اسلام، دین خشونت طلب، مروج عصبیت، بنیادگرا، مخالف علم و پیشرفت و مولد اندیشه تروریسم است، بخش‌هایی از اسلام هراسی و اسلام ستیزی در این مرحله را شامل می‌شود.

دوره سوم: سومین موج اسلام هراسی پس از ۱۱ سپتامبر و انفجارهای نیویورک و واشینگتن عملیاتی شد. در این مرحله، رسانه‌های استکبار جهانی تلاش کردند بنیان روابط جهان اسلام و غرب را دگرگون سازند و شکاف تمدنی بین اسلام و غرب را القا کنند.

متهم کردن مسلمانان به دست داشتن در حادثه ۱۱ سپتامبر، این احساس را در دولت‌های غربی به ویژه امریکا به وجود آورد که با آزادی عمل بیشتر می‌توانند حملات تبلیغاتی و حتی نظامی را بر ضد مسلمانان به راه‌اندازند.

جورج بوش، رئیس جمهوری امریکا، مبارزه با تروریسم را جنگ صلیبی خواند و موضوع اهانت به مقدسات مسلمانان در دستور کار سردمداران غربی قرار گرفت. حتی بعضی از

آنها، مقابله با اسلام را «جنگ جهانی چهارم» دانستند. امریکا هم در این موقعیت به افغانستان و عراق حمله کرد و هم زمان حملات رسانه‌ای به مسلمانان افزایش یافت. در سال‌های اخیر، انتشار کاریکاتورهای اهانت آمیز بر ضد پیامبر اکرم ۹ در روزنامه‌های دانمارکی و تقدیر مرکل، صدر اعظم آلمان، از کاریکاتوربست یاد شده و سخنرانی پاپ، حرکت‌های خاینانه گروه‌های تروریستی مثل القاعده در اروپا، فکر مردم آنجا را در فرآیندی رسانه‌ای به سمت اسلام‌هراسی سوق داد. در این مرحله، رسانه‌های وابسته به صهیونیسم و نظام سلطه، جریان اسلام‌هراسی را چنان سامان دهی کردند که مسلمانان به شدت تحقیر شدند. (استیفن، ۱۳۸۵، ص ۳)

دوره چهارم: «در پی ناکامی امریکا در عراق و شکست «طرح خاورمیانه بزرگ» که در واقع، شکست رویکرد سخت افزاری در راهبردهای اسلام‌هراسی و اسلام ستیزی بود و همچنین پیروزی گفتمان اصول‌گرایی در ایران در چند سال اخیر، موج دوم بیداری اسلامی در منطقه پدیدار شد.

این موج دوم که با پیروزی اسلام‌گرایان و به قدرت رسیدن آنان در برخی کشورهای اسلامی به ویژه پیروزی حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه با رژیم صهیونیستی همراه بود، نظام سلطه را وادار کرد تا موج چهارم اسلام‌هراسی و اسلام ستیزی را طراحی و اجرا [کند]». (سراج، ۱۳۸۹، ص ۵)

### اسلام‌هراسی از نگاه مقام معظم رهبری

رهبر انقلاب اسلامی در کالبدشکافی پدیده‌ی اسلام‌هراسی آن را «ترجمه‌ی هراس و سراسیمگی قدرتها در مقابل اسلام» معرفی کرده و قدرت یافتن روزه‌روز انقلاب اسلامی و نظام اسلامی برآمده‌ی از آن را علت اساسی شکل‌گیری و دامن زدن به این مسئله معرفی می‌کنند:

اسلام‌هراسی در واقع ترجمه‌ی هراس و سراسیمگی قدرتها در مقابل اسلام است؛ واقع قضیه این است. یعنی شما اینجا زحمت کشیدید، ملت ایران تلاش کردند، زحمت کشیدند،

مجاهدت کردند، نظام اسلامی را سرکار آوردند و این نظام اسلامی را تثبیت کردند، پایه‌اش را محکم کردند، آن را در مقابل حوادث گوناگون مصونیت و ایمنی دادند و روزه‌روز قوی کردند؛ این، قلدرهای دنیا را میترساند. اسلام‌هراسی‌ای که امروز وجود دارد، در واقع انعکاس و بازتاب دغدغه‌ی آنها است، سراسیمگی آنها است؛ نشان می‌دهد که شما پیش رفتید؛ نشان می‌دهد که اسلام توانسته است حرکت خود را به‌طور موفق‌تاً این‌جا پیش ببرد. (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲۱/۱۲/۱۳۹۳: [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29151)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای قبلاً نیز «حرکت عظیم اسلامی» در جهان اسلام را عامل ترس دشمن و تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی به اسلام معرفی کرده بودند:

امروز دنیای اسلام با تهاجم سیاسی و فرهنگی و تبلیغاتی همه‌جانبه‌ی دشمنان اسلام مواجه است. این نکته را باید در همه‌ی جهان اسلام، همه‌ی آحاد مردم، بخصوص نخبگان، بخصوص روشنفکران، علمای دین، افراد برجسته‌ی سیاسی غفلت نکنند. امروز تهاجم علیه اسلام و مقدسات مسلمانان همه‌جانبه است و این نه به خاطر این است که دشمن قوی شده است، به خاطر این است که دشمن در مقابل حرکت عظیم اسلامی احساس ضعف می‌کند (خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۰/۰۷/۱۳۸۷:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3902>

درک و تفسیر ما از واقعیت‌های جهان پیرامون تأثیر مستقیمی بر نوع و چگونگی کنش‌ها و واکنش‌هایمان دارد و این موضوع در نحوه‌ی برخورد رهبر انقلاب با جریان اسلام‌هراسی و امواج متأخر آن در جهان غرب نمود دارد. چنانچه اسلام‌هراسی را ناشی از ترس و ضعف دشمن در مقابل جریان پیشرونده‌ی اسلامی بدانیم نوعی از واکنش و طراحی در برابر آن خواهیم داشت که در یک کلام می‌توان این واکنش را از منظر آیت‌الله خامنه‌ای «مواجهه‌ی فعال و روبه‌جلو» دانست:

به نظر من در برابر پدیده‌ی اسلام‌هراسی مطلقاً نباید منفعل شد؛ بله، اسلام‌هراسی وجود دارد؛

عده‌ای دارند مردم را، جوامع را، جوانان را، اذهان را از اسلام میترسانند؛ اینها چه کسانی هستند؟ درست که مسئله را میشکافیم و در مسئله دقت می‌کنیم، می‌بینیم که اینها همان اقلیت قلدر و زیاده‌خواهی هستند که از حاکمیت اسلام میترسند. (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۱۲/۲۱: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29151>).

ارسال نامه به جوانان غربی و دعوت از آنان برای تفکر پیرامون پدیده‌ی اسلام‌هراسی و زنده کردن حس حقیقت‌جویی در آنان از چنین منطقی برمی‌خیزد.

ایشان در درجای دیگر در رابطه با اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی غربیان می‌فرمایند:

امروز یکی از کارهای اساسی و مهمی که در شرکتهای هنری معروف دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد عبارت است از ترساندن مردم از اسلام. چرا؟ اگر اسلام منافع جهان‌خواران را تهدید نکرده بود، در مقابل آن، این واکنشها نشان داده نمیشد. اینکه می‌بینید گروه‌هایی را به نام اسلام و به نام حکومت اسلامی میسازند، میتراشند، مسلح می‌کنند، پشتیبانی می‌کنند، به جان انسانها می‌اندازند و کشورها را به وسیله‌ی آنها ناامن می‌کنند، این نشان‌دهنده‌ی نفوذ پیام اسلام است. از اسلام حقیقی میترسند، از اسلام ناب میترسند؛ اسلامی که نسل پیش از شما در میدانهای نبرد، در میدانهای سیاست، در میدانهای انقلاب آن را سر‌دست گرفت و به دنیا نشان داد. و همین‌طور که این جوانهای عزیز اشاره کردند و نشان دادند، امروز شما وارثان آن شهدای بزرگ و آن مردان عظیم‌القدر هستید. پیام اسلام برای انسانیت، پیام آسایش، عزت، سربلندی و پیام زندگی همراه با امن و امان است؛ این را دشمنان نمی‌خواهند در دنیا شناخته بشود و ملتها با آن آشنا بشوند» (بیانات در هشتمین مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش ۱۳۹۳/۸/۲۶:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28199>

## دلایل گسترش اسلام‌ستیزی

### اشاره

عوامل متعدد و متنوعی در گسترش اسلام‌ستیزی در غرب تاثیر داشته‌اند. بررسی این عوامل به شناخت هر چه بیشتر دلایل و اشکال اسلام‌ستیزی کمک خواهد کرد. این دلایل گرچه در موارد زیادی به یکدیگر مرتبط هستند ولی می‌توان آنها را در پنج دسته تقسیم‌بندی کرد:

### دلیل اول: دلایل و زمینه‌های تاریخی

از لحاظ تاریخی، توسعه و گسترش اسلام و تشکیل جوامع و حکومت‌های اسلامی در بسیاری از مناطق آنها را رویاروی جهان غرب و حکومت‌های مسیحی قرار داد. مسلمانان ۸۰۰ سال اندلس را تحت کنترل خود داشتند. در جنگ‌های صلیبی جوامع مسیحی در یک جهاد مذهبی سراسری در جنگی که نزدیک به دو قرن طول کشید با مسلمانان جنگیدند. «فتوحات اسلامی، مرزها و آفاق اسلام را در طول قرن‌ها در هم نوردید و حوادث ناشی از آن، مانند درهم شکستن کاروان‌های نظامی روم و انهدام مراکزشان زیر گام‌های سربازان مسلمان، نخستین تجربه‌های دردناکی بود که غرب در رابطه اش با جهان اسلام، با آن رویارو می‌شد. این مسئله موجب تثبیت نگاه تردیدآمیز، بلکه عداوت جویانه غرب نسبت به اسلام و مسلمانان شده است. فتح اندلس در سال ۹۱ هجری و جنگ لایوتیه (بلاط الشهدا) در سال ۱۱۴ هجری، ترس تاریخی را در دل غربی‌ها ایجاد کرد». (امینی، ۱۳۸۵، ص ۱)

در قرون ۱۵ و ۱۷ مسلمانان از روسیه تا قلب اروپای شرقی پیش رفتند و این مناطق را تحت استیلای خود درآوردند. در قرون ۱۶ تا ۲۰ امپراطوری عثمانی ضمن تسخیر بیزانس که مرکز دینی مسیحیت شرقی محسوب می‌شد جوامع مسیحی متعددی را به کنترل خود درآورد و همسایه جوامع مسیحی اروپای مرکزی شدند. مجموعه این وقایع تاریخی زمینه بهره برداری را برای جریان‌های ضد اسلامی فراهم آورده است. اندیشه حاکم بر جنگ صلیبی،

همواره اسلام (و مسلمانان) را دشمن خود معرفی کرده است. اندیشه جنگ مقدس با اسلام همواره در این رویکرد وجود داشته است. در برخی از این جوامع گروه‌هایی مبنای هویت خود و ریشه‌های روایت خود از هویت ملی را در مقابل مسلمانان قرار داده‌اند و اسطوره‌ها و قهرمانان ملی و فرهنگی خود را از رهبران و کشته شدگان در مقابل مسلمانان قرار داده‌اند.

### دلیل دوم: جهل نسبت به اسلام

در غرب، اطلاعاتی سطحی نسبت به اسلام وجود دارد که از منابعی نامطمئن و بدون احاطه علمی به اسلام گرفته شده است. موارد درسی دانشگاهی در غرب، هنوز هم اطلاعات غلط و گمراه کننده‌ای از اسلام در خود دارد که در مکتب شرق شناسی ریشه دارد. فندلی از اندیشمندان غربی معتقد است که جهل عموم غربیان نسبت به اسلام دارای عواملی متعدد است که از آن جمله به نقش لابی یهودی در ترسیم تصویری زشت از مسلمانان و تصویر کردن اسرائیل به عنوان دولتی ضعیف اشاره دارد که از سوی عرب‌ها و مسلمانان تهدید شده است (امینی، ۱۳۸۵، ص ۲).

وی، دلایل بعدی جهل نسبت به اسلام را اکتفا کردن به سخن گفتن از اخلاق مسیحی و یهودی به عنوان اخلاق جهانی مقبول و شایسته پیروی در جامعه غربی معرفی می‌کند. همچنین متصف کردن اسلام به تروریسم، تعصب، تحقیر زن، تسامح نداشتن نسبت به غیر مسلمانان، رد دموکراسی، ترس غربی‌ها از خطر رو به فزونی اسلام‌گرایی، بیم آنان از جنگ احتمالی اسلام و غرب در آینده و تعارض منافع و اختلاف خاستگاه‌های ارزشی با غرب می‌داند.

### دلیل سوم: تصویرهای پیش ساخته منفی از مسلمانان

سینمای جهانی و رسانه‌های تبلیغاتی مغرض که آشکارا زیر سیطره صهیونیسم قرار دارند، در تثبیت این تصویرها و بزرگ‌نمایی و تعمیق و جلوه دادن آنها به عنوان حقایقی روشن و مناقشه ناپذیر، نقش ویژه‌ای دارند. از طرفی، برخی مسلمانان نیز با رفتارهای

منحرف و عقب مانده خود در سفر به پایتخت‌های جهان، نقش قابل توجهی در تصدیق و ترویج این تصویرهای موهن دارند و نمونه‌ای بسیار زشت از شخصیت انسان مسلمان و به تبع آن، اسلام عرضه می‌دارند (حسن خانی، ۱۳۸۹، ص ۱) ..

### دلیل چهارم: دلایل و مسائل جمعیتی مسلمانان

عامل مهم دیگر که به عنوان دلیلی برای گسترش اسلام ستیزی در جوامع غربی مطرح می‌شود رشد فزاینده جمعیت مسلمانان در جوامع غربی است. مهاجرت مسلمانان به این جوامع و تشکیل جوامعی متمایز در داخل جوامع غربی و همچنین گرایش غیر مسلمانان در جوامع غربی به اسلام و رشد جمعیت بیشتر مسلمانان به نسبت سایر سکنه این جوامع باعث ایجاد و توسعه جوامع مسلمانان در جوامع غربی شده است. در حال حاضر حدود ۱۵ میلیون مسلمان در اروپا زندگی می‌کنند که بر اساس برآورد ۳۰ سال آینده این رقم می‌تواند به ۵۰ میلیون نفر برسد. در یک گزارش میزان زاد و ولد مهاجران مسلمان فرانسه سه برابر فرانسوی تباران ذکر شده است. در اکثر جوامع غربی مسلمانان به بزرگترین اقلیت مذهبی تبدیل شده که جمعیت رو به افزایش دارند و نسبت قابل توجهی از جمعیت را به خود اختصاص می‌دهند و به تدریج به قوه مقننه و حتی مجریه این کشورها راه می‌یابند، ظهور و قدرت یابی این اقلیت رو به رشد با عکس العمل در گروه‌های اکثریت روبرو می‌گردد. جدول زیر روند رو به رشد حضور مسلمانان در قاره اروپا را نشان می‌دهد.

### دلیل پنجم: نقش آفرینی گروه‌های یهودی و صهیونیسم

صهیونیست‌ها نقش اصلی را در ایجاد اسلام هراسی در جهان دارند آنها چون از ارزش‌ها، مردم‌سالاری و قدرت دین اسلام می‌ترسند، با نسبت دادن ادعاهای بی‌اساسی نظیر تروریسم و بنیادگرایی به اسلام تلاش می‌کنند مانع گسترش این دین آسمانی در سراسر جهان شوند. در دیدگاه آخرالزمانی برخورد تمدن‌ها که شبکه جهانی صهیونیستی ضد مسلمانان، درصدد برانگیختن آن است، بر کشتن مسلمانان به این دلیل می‌شود که ترحم

برانگیز نشینند و می‌توان به آنها آسیب زد.

نتایج تحقیقات و بررسی‌های انجام شده از سوی مرکز پیشرفت امریکا نشان می‌دهد که یک گروه کوچک از بنیادهای مرتبط با صهیونیسم، پشت پرده ستاد ده ساله ترویج هراس از اسلام و مسلمانان قرار دارد که از آن با عنوان اسلام‌هراسی یاد می‌شود. یک تحقیق ۱۳۰ صفحه‌ای با عنوان ریشه‌های شبکه اسلام‌هراسی در امریکا نشان می‌دهد که هفت بنیاد در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹، بودجه‌ای بیش از ۴۲ میلیون دلار را برای افراد و سازمان‌های مهم فراهم کرده‌اند تا آنها به ترویج اسلام‌هراسی بپردازند (حسن خانی، ۱۳۹۰، ۱۵۶).

این بنیادها دربرگیرنده افرادی است که همواره در جناح راست امریکا با روحیه طرفداری از صهیونیست‌ها شناخته شده بودند و همچنین شامل هفت بنیاد خانوادگی یهودی می‌شود که از جناح راست و شهرک نشینان صهیونیستی حمایت می‌کنند. آنها با بودجه‌های بسیاری که جمع آنها به بیش از ۴۲ میلیون دلار می‌رسد، با ترویج فعالیت‌های مختلفی چون توزیع فیلم، وبلاگ نویسی، حمایت از سازمان‌های صهیونیستی و گروه‌های طرفدار رژیم صهیونیستی و تولید ویدیوهای ضد اسلام به ترویج اسلام‌هراسی در امریکا کمک کرده‌اند. (نک: اسلام‌هراسی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۶)

### دلیل ششم: عوامل سیاسی غرب

علاوه بر مسائل تاریخی باید به عامل سیاسی کلان جهان غرب و به ویژه آمریکا نیز توجه کرد. غرب و آمریکا در طول سالیان پس از جنگ جهانی دوم، همواره سیاست‌های خود را به عنوان مقابله با کمونیسم و شیطان سرخ توجیه می‌کردند و سامان می‌بخشیدند. فروپاشی شوروی خطر تهدیدی را که محور سیاست‌ها و توجیه‌کننده رفتار و انجام بخش‌های جوامع غربی بود از بین برد و این مساله می‌توانست مشکلات جدیدی در این جوامع ایجاد کند. یافتن تهدیدی که توجیه‌کننده رفتار سردمداران جوامعی چون آمریکا باشد یکی از دغدغه‌های طیف مداخله‌گر و تهاجمی بود. خطراتی چون چین و روسیه گرچه به تناوب در دهه ۹۰ مطرح می‌شدند ولی قابلیت و شرایط لازم را فراهم نمی‌کرد.



واقعه ۱۱ سپتامبر با طرح خطر تروریسم اسلامی به سرعت این خلأ را پر کرد و جوامع غربی حول محور مقابله با این خطر فزاینده جدید منسجم شدند. بنابراین خطر اسلام و مسلمانان به عنوان اصلی‌ترین خطر برای امنیت، فرهنگ و تمدن غربی مطرح شد و توسط رسانه‌ها و مجامع تولیدکننده فرهنگ و رفتار جوامع غربی مورد بهره‌برداری قرار گرفت و به صورت دشمن خطرناک جایگزین خطر کمونیسم و شیطان شوروی شد.

صهیونیست‌ها یکی از اصلی‌ترین طرف‌های ذی‌نفع در این فرایند بودند. آنها توانستند امواج ضد یهودی و یهودستیز موجود در جوامع غربی را به جریانات اسلام‌ستیز تبدیل کنند و خود در حاشیه امن قرار بگیرند. همچنین رژیم صهیونیستی از این فضا به بهترین وجه در سرکوب وحشیانه فلسطینی‌ها بهره‌گرفت و با دمیدن در کوره اسلام‌ستیزی، اقدامات غیر انسانی خود را، در جوامع غربی موجه نشان داد.

### دلیل هفتم: بیداری اسلامی و احیای هویت مسلمانان

عامل دیگری که در این چارچوب قابل توجه است فرایند احیای هویت در جوامع اسلامی است، جوامع اسلامی پس از آن که در طول دهه‌های قرون پیشین در حالتی انفعالی قرار داشتند و بر اثر شکست‌های پی‌در پی مرحله به مرحله در حال عقب‌نشینی بودند و این تفسیر در جوامع اسلامی غالب شده بود که در فرایند جهانی شدن باید از مبانی و مظاهر هویت خودی دست برداشت، از دهه‌های پایانی قرن بیستم به تدریج به مبانی هویتی خود برگشتند و چاره موفقیت را احیای هویت اسلامی یافتند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران از اولین جلوه‌های این فرایند در جهان اسلام بوده امروزه خیزش هویتی در سرتاسر جهان اسلام جلوه‌های متعددی پیدا کرده و کاملاً مشخص و ملموس است. این خیزش هویتی، باعث شده مسلمانان در برابر ظلم، سرکوب و تحقیر تاریخی ایستادگی کنند. مقاومت در برابر اشغال و تجاوزگری در فلسطین، عراق و سایر جوامع اسلامی نمود گسترده‌ای پیدا کرده است. تعریف خود بر مبنای هویت خودی و مقاومت در برابر تحمیل ارزش‌ها و منافع بیگانگان و پیدا کردن روحیه و چهره فعال در دفاع از منافع و هویت خودی بازتاب

گسترده‌ای در سایر جوامع و به ویژه جوامع غربی پیدا کرده است. هراس از این احساس مقاومت و ظلم ستیزی در سردمداران جوامع توسعه طلب باعث می‌شود که آنها روحیه ستیزش و مقابله با اسلام و مسلمانان را در جوامع خود ایجاد کرده و توسعه دهند. همچنین تعریف يك جمعیت بر مبنای هویت خودی می‌تواند باعث عکس العمل در گروه‌های متقابل شود و آنها نیز هویت خود را در مقابله و برخورد با گروه نخست قرار دهند. این وهم به تدریج در اروپا گسترده می‌شود که اروپا به دو ملت تقسیم شده است:

۱- اروپاییان سکولار، ثروتمند، مس و ضعیف و در حال کاستی.

۲- مسلمانان مذهبی، جوان، فقیر، قدرتمند و رو به رشد.

بر اساس این اندیشه مردم اروپا در حال افول هستند و در يك هراسی فزاینده به سر می‌برند و دچار يك نومیدی دموگرافیک شده‌اند. این ایده خود نوعی هراس از مسلمانان و قدرت رو به رشد آنها تولید می‌نماید. این دیدگاه، مسلمانان را در حال جنگ با غرب تصویر می‌کند. بر این اساس جنگ با اسلام و مسلمانان در سه جبهه متمرکز است:

۱- جبهه مرکزی (خاورمیانه).

۲- جبهه شرقی (جنوب شرق آسیا: افغانستان، پاکستان و اندونزی)

۳- جبهه غربی (اروپا و آمریکا): این جنگ با مهاجران مسلمان در کشورهای غربی

متمرکز است.

صحنه‌های مقاومت در کشورهای چوون فلسطین و عراق بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های اشغالگری و حق مسلمانان در دفاع از سرزمین خود به عنوان جنایت مسلمانان در افکار عمومی جهان تبلیغ می‌شود. آمریکا نیز در ابتدای سند استراتژی امنیت ملی که در سال ۲۰۰۶ توسط کاخ سفید و شورای امنیت ملی آمریکا به عنوان رسمی ترین سند امنیتی این کشور منتشر شد بیان می‌کند «آمریکا امروز در جنگ است، جنگ با يك ایدئولوژی تحریف شده، (اسلام)».

## دلیل هشتم: انگیزه‌های استعماری

استعمار اروپاییان بر جهان سابقه طولانی دارد و به سده‌های ۱۲ و ۱۳ م باز می‌گردد که پس از کشف سرزمین فرادریاها و دست اندازی اروپاییان پدیدار شد. پیشگامان آن پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها بودند. مهم‌ترین انگیزه‌های استعمار عبارت‌اند از: انگیزه اقتصادی، انگیزه دینی (تبلیغ دین مسیحیت در سرزمین‌های دور دست) و پس از افزایش یافتن توان مالی و اقتصادی انگیزه باز پس‌گیری بیت المقدس از دست مسلمانان (توکلی، استعمار، استعمارگری، استعمارزدایی، ۱۳۸۵: ۲۱۱۹). سده هفدهم دوران رشد سیاست استعماری دولت‌های اروپایی بود که برای توسعه مستعمره‌های خود کارشان به جنگ با یک‌دیگر نیز کشیده شد. مانند جنگ هلند با پرتغال و جنگ انگلستان با فرانسه (همان، ۲۶). در قرن هفدهم میلادی اروپایی‌ها برای گرداندن مستعمره‌های خود، کمپانی‌ها را سامان دادند که چند تن ماجراجو، دریانورد، بازرگانانی که در مستعمره منافع مشترکی داشتند گردهم آمده یک کمپانی یا شرکت تشکیل دادند. اساسنامه کارگردانی آن را پارلمان کشور استعمارگر تصویب می‌کرد. مهم‌ترین این کمپانی‌ها عبارت بودند از: کمپانی هند شرقی بریتانیا در سال ۱۶۰۰ م، کمپانی هند شرقی فرانسه در سال ۱۶۶۴ م و کمپانی هند شرقی هلند در سال ۱۶۰۲ م (همان، ۲۸۲۷).

در قرن نوزدهم میلادی به علت افزایش جمعیت و انقلاب صنعتی فرانسه، کشورهای صنعتی به فکر گسترش فرمان‌روایی و رخنه‌گری بیشتر در دیگر کشورها به ویژه خاورمیانه و آفریقا افتادند. این نوع استعمار از سال ۱۸۶۰ م پرشتاب‌تر شد و امپراتوری‌های پهناور از آن سر برآوردند. این امپراتوری‌ها تا نیمه قرن بیستم (پس از جنگ جهانی دوم) صعود داشتند. اما پس از جنگ جهانی دوم به عوامل مختلف هم‌چون ظهور تفکر ناسیونالیسم (ملیت‌گرایی) این نوع استعمار به تحلیل رفت. در این میان بریتانیای کبیر و فرانسه بزرگترین امپراتوری‌های استعمارگر داشتند. بریتانیا در هر پنج قاره زمین‌سی و پنج میلیون کیلومتر مربع مستعمره داشت. فرانسه دوازده میلیون کیلومتر مربع در آفریقا و شبه جزیره هند و چین

داشت. پس از آن‌ها هلند، بلژیک، آلمان و ایتالیا قرار داشتند. در این دوران دویست میلیون اروپایی بر هفتصد میلیون تن در سراسر جهان سروری می‌کردند (همان). البته با وجود پایان یافتن استعمار فیزیکی اروپا مرحله دیگری از استعمار که استعمار فکری نام دارد تا هنوز هم ادامه دارد.

مهم‌ترین راهکار و ابزاری که استعمارگر هم در پیروزی استعمار و هم در استمرار آن به مدت یک و نیم قرن، از آن بهره کافی برد، از بین بردن قداست قرآن کریم و وارونه جلوه دادن حقایق اسلامی است و این راهکار تا امروز هم به شکل‌های مختلف توسط غربیان ادامه دارد. چون مهم‌ترین چیزی که به عنوان مانع پیروزی در نگاه اروپاییان جلوه می‌کرد دین اسلام و در رأس آن کتاب مقدس مسلمانان بود. چون پدیده استعمار گرچه یک پدیده جدید است و در صدر اسلام پدیده‌ای به این نام و اوصاف وجود نداشت. اما مبارزه با این پدیده در کادر کلی اصول اسلامی وجود داشته است (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

در این زمینه بیانات راهبران دولت‌های استعاری غرب به خوبی نشان می‌دهند که آنان چرا از اسلام و قرآن هراس داشتند. کلاستون نخست وزیر انگلیس و وزیر مستعمرات آن قرآن کریم را به دست می‌گیرد و می‌گوید «تا این کتاب در دست مسلمانان است نمی‌توان بر آنان مسلط شد» (جهانبخشی، ۱۳۸۷: ۲۸). هم‌چنین ویلیام گیفورد می‌گوید «هر وقت قرآن و شهر مکه از کشورهای عربی و اسلامی جدا شد آن وقت ما می‌توانیم مسلمین را در حالی ببینیم که متدرجا راه تمدن ما را می‌پیمایند و مطیع و فرمانبردار ما می‌باشند» (همان).

دولت‌های استعمارگر غربی تصمیم گرفتند با کمک مستشرقان مهم‌ترین مانع در استعمار پذیری مسلمانان که عبارت از کتاب مقدس آنان است (صواف، ۱۳۴۶: ۱۱۴) را برطرف کنند. لذا مستشرقان مزدور تحقیقات و پژوهش‌های به ظاهر علمی درباره اسلام و قرآن را آغاز کردند.

### دلیل نهم: گسترش خشونت و تحجر به نام اسلام

اقدامات خشونت باری نظیر بمب گذاری‌ها، قتل‌ها و جنایت‌ها که به نام اسلام در

اقصی نقاط جهان صورت می گیرد و موجب نفرت و کینه از مسلمانان می گردد نیز عوامل توسعه اسلام هراسی و اسلام ستیزی محسوب می شود و مورد بهره برداری جریان های فرصت طلب قرار می گیرد. بهره برداری تبلیغاتی از جنایاتی که در مناطقی همانند افغانستان و عراق توسط گروه های انحرافی و مشکوک صورت می گیرد، بزرگ کردن و طرح چنین صحنه های مسممز کننده به یک برنامه دائمی تبدیل شده و این صحنه های آزاردهنده به طور مداوم در رسانه های بین المللی به عنوان معرفی اسلام و مسلمانان مطرح می شود. همچنین این رسانه ها می کوشند از مسلمانان چهره های خشن ترسیم کنند که به کشتار سایرین دست می زنند و از دیدن مرگ غیر مسلمانان خوشحال می شوند.

### راهکار مقابله با اسلام هراسی غربیان از نگاه رهبری

رهبر انقلاب «مطرح کردن اسلام ناب در سطح دنیا» را راهکار اصلی مقابله با این جریان می داند:

در نظام جمهوری اسلامی، کار بزرگ و مهم این است که ما همه - هر کسی در هر نقطه ای قرار دارد که توانی در این زمینه دارد- باید تلاشمان این باشد که اسلام ناب را مطرح کنیم. (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲۱/۱۲/۱۳۹۳:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29151>

تأکید بر ترویج اسلام ناب برای مقابله با توطئه های دشمن در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی سابقه ای طولانی داشته و ایشان در بُرهه های مختلف جنبه های گوناگون این موضوع را تبیین کرده و از این مهم به «امانت الهی» تعبیر نمودند:

«اسلام ناب که امام بزرگوار بر روی آن این همه تأکید می کردند، برای این است که ما این متاع را که متاع ذهن مردم و متاع مغزها و متاع دلهاست خالص، بدون غلّ و غش، بدون تقلّب و بدون کم و زیادهایی که دستهای خائن و گنهکار یا غافل و جاهل به وجود آورده اند، به مخاطبان برسانیم. این بزرگترین امانت الهی است.» (بیانات در دیدار جمعی از

روحانیون ۲۳/۰۹/۱۳۷۷: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2921>

به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی و اقدام مناسب در راستای ترویج و گسترش «گفتمان اسلام ناب» در سطح دنیا برای مقابله‌ی فعالانه با اسلام‌هراسی پیش از هرچیز مستلزم شناخت صحیح از «مفاهیم اصلی این تفکر» است. لذا تبیین مهم‌ترین مفاهیم مطرح شده ذیل گفتمان اسلام ناب بر اساس بیانات آیت‌الله خامنه‌ای اهمیتی مضاعف می‌یابد.

مقام معظم رهبری در نامه‌ای که در سال ۹۳ خطاب به جوانان اروپایی نگاشتند و بازتاب زیادی هم در بین جوانان و رسانه‌ی جمعی دنیا داشت به این مهم اشاره می‌کند:

«خواستهای دوم من این است که در واکنش به سیل پیشداوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین به دست آورید. منطق سلیم اقتضاء می‌کند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن می‌گریزانند و می‌ترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد. من اصرار نمی‌کنم که برداشت من یا هر تلقی دیگری از اسلام را بپذیرید بلکه می‌گویم اجازه ندهید این واقعیت پویا و اثرگذار در دنیای امروز، با اغراض و اهداف آلوده به شما شناسانده شود. اجازه ندهید ریاکارانه، تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. اسلام را از طریق منابع اصیل و مآخذ دست اول آن بشناسید. با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آشنا شوید. من در اینجا مایلم بپرسم آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه کرده‌اید؟ آیا تعالیم پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و آموزه‌های انسانی و اخلاقی او را مطالعه کرده‌اید؟ آیا تاکنون به جز رسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که همین اسلام، چگونه و بر مبنای چه ارزشهایی طی قرون متمادی، بزرگترین تمدن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکران را تربیت کرد؟»

(پیام مهم رهبر انقلاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی، ۱۳۹۳/۱۱/۱،

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=28731>

### مفاهیم اصلی گفتمان اسلام ناب

با مطالعه‌ی بیانات رهبری در بحث اسلام ناب می‌توان این نکته را دریافت که از نظر

ایشان نقطه‌ی تمایز «اسلام ناب محمدی» «صلی الله علیه وآله وسلم» و «اسلام آمریکایی» در توجه به «جنبه‌های سیاسی و اجتماعی اسلام» بارز می‌شود و در اینجاست که با مفهوم «اسلام انقلابی» تفاوت و تمایز بین اسلام ناب و اسلام آمریکایی واضح‌تر می‌گردد. در واقع اسلام انقلابی، «دال مرکزی» گفتمان اسلام ناب بوده و می‌توان سایر مفاهیم مطرح‌شده در این گفتمان را ذیل این مفهوم صورتبندی کرد. برخی از مهم‌ترین این مفاهیم بدین شرح‌اند:

### پیوند دین و سیاست

تأکید بر «درهم‌تنیدگی و پیوند مستحکم دین و سیاست» از شاخص‌های اصلی این گفتمان بوده و در نقطه‌ی مقابل جدایی دین از سیاست و تقلیل دینداری به مناسبات شخصی و فردی به‌عنوان شاخص مهم گفتمان اسلام آمریکایی قرار دارد:

«فکر اسلام ناب، فکر همیشگی امام بزرگوار ما بود؛ مخصوص دوران جمهوری اسلامی نبود؛ منتها تحقق اسلام ناب، جز با حاکمیت اسلام و تشکیل نظام اسلامی امکان‌پذیر نبود. اگر نظام سیاسی کشور بر پایه‌ی شریعت اسلامی و تفکر اسلامی نباشد، امکان ندارد که اسلام بتواند با ستمگران عالم، با زورگویان عالم، با زورگویان یک جامعه، مبارزه‌ی واقعی و حقیقی بکند. لذا امام حراست و صیانت از جمهوری اسلامی را اوجب واجبات می‌دانست.»

(خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی رحمته الله علیه ۱۳۸۹/۰۳/۱۴):

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9524>

### ۲. عزت اسلامی و نفی سلطه

از دیگر مفاهیم مهم در این گفتمان «عزت اسلامی و نفی سلطه‌ی بیگانگان» است. اعتقاد به قاعده‌ی نفی سبیل و لوازم آن در این بُعد از گفتمان اسلام ناب تجلی می‌یابد:

«امام بزرگوار ما تقابل ایجاد کردند و فرمودند: «اسلام آمریکایی» و «اسلام ناب محمدی». اسلام ناب و خالص، اسلام توحید و وحدت بین امت اسلامی، اسلام «و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً»، اسلام «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه»، اسلامی که می‌گوید:

«و لو أنّ اهل القرى آمنوا و اتّقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الأرض». برگشت به این اسلام، تنها علاج و نسخه‌ی درمان امت اسلامی است». (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۰۲/۲۹: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3178>)

رویکرد فعالانه در مواجهه با اسلام‌هراسی مستلزم چه فعالیتی است؟ رهبر انقلاب «مطرح کردن اسلام ناب در سطح دنیا» را راهکار اصلی مقابله با این جریان می‌داند: «در نظام جمهوری اسلامی، کار بزرگ و مهم این است که ما همه - هر کسی در هر نقطه‌ای قرار دارد که توانی در این زمینه دارد- باید تلاشمان این باشد که اسلام ناب را مطرح کنیم».

### ۳. ظلم‌ستیزی و حمایت از مظلوم

«درگیری با ظلم در سطح جهانی» و «حمایت همیشگی از مظلومان و مستضعفان عالم» یکی دیگر از مفاهیم اصلی مطرح در این گفتمان است که در سیاست‌ها و اقدامات عملی جمهوری اسلامی نیز نمود یافته است. تأکید بر آموزه‌ی «كُونَا لِلظَّالِمِ حَصْمًا و لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا». (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۲/۰۶/۱۴: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23810>)

در بیانات رهبری به عنوان یکی از مبانی این جهت‌گیری از همین منظر قابل فهم است: «اولین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام، مسئله‌ی اسلام ناب محمدی است؛ یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالتخواه، اسلام مجاهد، اسلام طرف‌دار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنج‌دیدگان و مستضعفان. در مقابل این اسلام، امام اصطلاح «اسلام آمریکائی» را در فرهنگ سیاسی ما وارد کرد. اسلام آمریکائی یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده‌خواهی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل دست‌اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک به زورگویان، اسلام کمک به اقویا، اسلامی که با همه‌ی این‌ها می‌سازد. این اسلام را امام نام‌گذاری کرد: اسلام آمریکائی.

(خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی رحمته‌الله علیه ۱۳۸۹/۰۳/۱۴:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9524>)



#### ۴. ترکیب عقلانیت، معنویت و عدالت

از جمله نقاط تمایز اسلام ناب از اسلام آمریکایی ترکیب منظومه وار و منطقی آن است. چنانکه «فرد» و «جامعه» هرکدام جایگاه خود را داشته و «عقلانیت»، «معنویت» و «عدالت» در کنار یکدیگر معنا یافته و از ترکیب منطقی آن این گفتمان و جهت‌گیری کلان شکل می‌یابد:

(امام اسلام ناب فرمودند، در مقابل اسلام آمریکائی... در این نگاه به اسلام و درک و فهم از اسلام، فرد و جامعه باهم ملاحظه می‌شوند، معنویت و عدالت باهم ملاحظه می‌شوند، شریعت و عقلانیت با یکدیگر ملاحظه می‌شوند، عاطفه و قاطعیت در کنار هم دیده می‌شوند؛ این‌ها همه باید باشد. قاطعیت در جای خود، عواطف در جای خود، شریعت در جای خود، عقلانیت- که آن هم خارج از شریعت البته نیست- در جای خود؛ همه در کنار هم بایستی مورد استفاده قرار بگیرند. (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۰۷/۰۲: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8094>)

بر اساس این مبناست که اسلام ناب از آفت‌های «تجبر» و «التقاط» به عنوان عناصر پررنگ اسلام آمریکایی دور می‌شود:

«اسلام نابی که امام مطرح کرد، یعنی ضد اسلام متحجر و خرافی و همچنین ضد اسلام رنگ باخته در مقابل مکاتب بیگانه و التقاطی». (بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمته الله علیه ۱۳۸۲/۰۳/۱۴: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3180>)

#### ۵. شخصیت و خط امام خمینی رحمته الله علیه

از نگاه رهبر انقلاب اسلامی شخصیت و خط امام خمینی رحمه الله تجسم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است و از این منظر توجه به این موضوع در تبیین گفتمان اسلام ناب مهم جلوه می‌کند:

«حیات و شخصیت خمینی کبیر، تجسم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و تبلور انقلاب اسلامی بوده و او خود و سخنش و انگشت اشاره‌اش، خضر راه این حرکت الهی و روشنگر نقاط مبهم و برطرف‌کننده‌ی همه‌ی تردیدها بوده و همچنان خواهد بود.

(پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمته الله علیه ۱۳۶۹/۰۳/۱۰):

(<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2316>)

### نتیجه‌گیری

بر اساس بیانات رهبری باید در مقابل پدیده‌ی اسلام‌هراسی رویکرد فعالانه داشت و بر اساس اصلی‌ترین مفاهیم برآمده از گفتمان اسلام ناب محمدی صلی الله علیه وآله وسلم به ترویج و تبیین این فکر و گفتمان در سطح افکار عمومی دنیا پردازیم. در این صورت است که این تهدید به فرصتی برای رشد و گسترش روزافزون اسلام در سطح دنیا و شکست بیش از پیش توطئه‌های مستکبرین تبدیل خواهد شد: «اگر به مردم معمولی دنیا یک تلنگری زده شود، یک توجهی به آنها داده شود، اینها ناگهان به فکر می‌افتند که علت اینکه این قدر اسلام در این مطبوعات صهیونیستی، در این شبکه‌های تلویزیونی وابسته‌ی به محافل قدرتمند و دارای زر و زور مورد تهاجم قرار می‌گیرد چیست؟ این خود زمینه‌ی یک پرسش است و این پرسش به نظر ما برکاتی دارد و میتواند این تهدید را تبدیل به فرصت کند.» (بیانات در دیدار اعضای مجلس

خبرگان رهبری ۲۱/۱۲/۱۳۹۳: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29151>)

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. احسان آذر کمند و سید محمدرضا خوشرو، اسلام هراسی و راه کارهای رسانه‌ای مواجهه با آن، آئینه‌اندیشه، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، بهار ۱۳۹۰، شماره ۱۷.
۳. استیفن، امرسون، «اسلام و رسانه‌های غربی»، ترجمه: نشریه سیاحت غرب، فصل نامه علمی - ترویجی وسایل ارتباط جمعی، تهران، معاونت امور مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پاییز ۱۳۸۸.
۴. امینی، صادق، «تحلیل پدیده اسلام هراسی»، آئینه‌اندیشه، قم، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بهار ۱۳۹۰، شماره ۱۷.
۵. حسن خانی، محمد، اسلام هراسی در رسانه‌های غربی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۹.
۶. درخشه، جلال، «رسانه‌ها و اسلام هراسی»، فصل نامه علمی - ترویجی وسایل ارتباط جمعی، تهران، ۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، (۱۳۸۳: ۱۱۱).
۸. جهانبخشی، نگرشی تاریخی به رویارویی غرب با اسلام، ۱۳۸۷: ۲۸
۹. محمد محمودصوف، مترجم جواد هشترودی، نقشه‌های استعمار در مبارزه با اسلام، انتشارات فراهانی، (۱۳۴۶)
۱۰. ریچارد میل‌هاوس نیکسون، مترجم: حسین وسفی‌نژاد، فرصت را دریابیم وظیفه آمریکا در جهانی با یک ابرقدرت، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۱
۱۱. طبری، محمد بن جریر بن یزید، جامع البیان فی التفسیر القرآن، تفسیر طبری، انتشارات دارالمعرفه، بیروت، لبنان، ۱۴۱۲ق،
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسماعیلیان، تهران، دارالکتب الاسلامیه: ۱۳۷۵ ق

۱۳. محمد بن حسن، طوسی، التیبان فی تفسیر القرآن، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، بی تا
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷
۱۵. معرفت، محمد هادی، صیانت القرآن من التحریف، قم، مؤسسه التمهید، ۱۴۲۸ ق
۱۶. قمی مشهدی، میرزا محمد، کنزالدقائق، انتشارات دار الغدیر، قم، ۱۳۶۶
۱۷. پیام مهم رهبر انقلاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی ۱/۱۱/۱۳۹۳
۱۸. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲۱/۱۲/۱۳۹۳
۱۹. خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۰/۰۷/۱۳۸۷
۲۰. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲۱/۱۲/۱۳۹۳
۲۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲۱/۱۲/۱۳۹۳
۲۲. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۲۳/۰۹/۱۳۷۷
۲۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی علیه السلام ۱۴/۰۳/۱۳۸۹
۲۴. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۲۹/۰۲/۱۳۸۲
۲۵. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۴/۰۶/۱۳۹۲
۲۶. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی علیه السلام ۱۴/۰۳/۱۳۸۹
۲۷. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۰۲/۰۷/۱۳۸۸
۲۸. بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام ۱۴/۰۳/۱۳۸۲
۲۹. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام ۱۰/۰۳/۱۳۶۹
۳۰. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲۱/۱۲/۱۳۹۳
۳۱. بیانات در هشتمین مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش

## رشد نگاه انتقادی نسبت به مستشرقان بعد از انقلاب اسلامی (پژوهش موردی رویکرد و خدمات دکتر رضایی اصفهانی)

عباس کریمی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) - باقر ریاحی مهر<sup>۲</sup>

### چکیده

بازخوانی و نقد مطالعات شرق شناسی بویژه اسلام شناسی و قرآن پژوهی غربیان بعد از انقلاب اسلامی ایران به جایگاه خاصی دست یافته است، چنانکه با تأسیس رشته‌ها، کنفرانس‌ها، کرسی‌ها و نشست‌های استشرافی دیدگاه‌های خاورشناسان به چالش کشیده شده است، یکی از اندیشمندان قرآنی که سهم بسزایی در این امر دارند استاد رضایی اصفهانی مفسر و مترجم قرآن می‌باشند که اخیراً به عنوان چهره قرآنی کشور مورد تقدیر قرار گرفتند، ایشان نه تنها به ایجاد مجله‌ای در نقد قرآن پژوهی مستشرقان، تأسیس رشته دکتری قرآن و مستشرقان، برگزاری کنگره بین‌المللی قرآن و مستشرقان و همچنین برگزاری نشست‌ها و تدریس پیرامون قرآن پژوهی مستشرقان پرداخته‌اند که در آثار و مقالات خویش مشکلات بنیادین اسلام پژوهی مستشرقان را بیان و نقدهای اساسی بر آنها ارائه داشته‌اند که در این پژوهش سعی شده است نقدهای محتوایی و روشی ایشان بر مستشرقان تا حد امکان بررسی

۱. دانشجوی دکتری رشته قرآن و مستشرقان جامعه المصطفی العالمية abbaskarimioreint@gmail.com

۲. استادیار گروه مطالعات تطبیقی قرآن جامعه المصطفی العالمية dr.riahi@chmail.ir

شوند؛ که از منظر استاد رضایی اصفهانی آنها نه تنها تصویر حقیقی از اسلام راستین ارائه نداده‌اند که علیرغم تلاش‌های قابل تقدیر، شکاف‌های معرفتی عمیقی را باعث شده‌اند که عمدتاً ناشی از تسری نگاه عهدینی و همسان‌انگاری متنی و بشری بودن قرآن است و ضرورتاً تبیین و تحلیل و حتی تفاسیر آیات و گزاره‌های اسلامی در چهارچوب سنت یهودی-مسیحی صورت گرفته است که شبهاتی چون "اقتباس قرآن" برآمده از چنین نگاهی است که عمده دیدگاه‌های تنزیلی دیگر نیز از همین امر انتزاع می‌شود.

کلید واژگان: قرآن، استاد رضایی اصفهانی، استشراق، گام دوم انقلاب اسلامی

## مقدمه

با گذشت قریب به نیم قرن از انقلاب اسلامی ایران، ثمرات و ارزش‌های داخلی و بین‌المللی آن ظهور و نمود بیشتری پیدا کرده است، استقرار نوع جدیدی از حکومت دینی که علاوه بر استقلال، آزادی و خودباوری، نوع حقیقی مردم سالاری را پاس نگاه داشته و تفکر اومانیستی و ماتریالیستی حاکم بر جهان را کنار زده و نظام حکومتی بی بدیل غیر از لیبرال دموکراسی یا سوسیال دموکراسی معرفی نموده است با اینکه نظام "لیبرال دموکراسی" هیچ وقت "دوران طلایی" نداشته و همواره با بحران‌های مختلف درگیر بوده است، اما انقلاب اسلامی، نه تنها تعالی و ارزشمندی انسان را نشان داده است، بلکه موجب سر بر آوردن یک نوع وحدت‌گرایی در جهان اسلام که از شرق تا آفریقا و آمریکا و به طور چشمگیری در اروپا سواحل دریای مدیترانه هر تصمیم سیاسی را تحت تاثیر خویش قرار داده است.

در کنار انقلاب‌های بزرگ فرانسه، روسیه و چین، انقلاب اسلامی با ارزش‌های معنوی، تحولات کم سابقه جهانی را در پی داشته است، و جهان اسلام که می‌رفت به فراموشی تاریخی و انهداده شود به یکباره در مرکز کانون توجه گفتمان‌های غالب قرار گرفت و مسیر تازه‌ای را گشود و جهان معنویت را هدف غایی در نظر گرفت و در نظر فوکو جز باورهای دینی؛ هیچ عامل دیگری قدرت بسیج این چنین توده‌ها را نداشت. و این باور و عقائد دینی اسلامی بود که افق روشن و متمایزی را در چشم انداز بشریت پیش روی نهاد.

علاوه بر تاثیر انقلاب اسلامی بر ساحت‌های بین‌المللی (طاهری، ۲۴۸، ۱۳۸۷) تاثیر انقلاب را می‌توان همچنین در پروراندن شخصیت‌های بزرگ سیاسی-اجتماعی، مذهبی - دینی، علمی - معرفتی به وضوح مشاهده نمود، (رکابیان، ۵۵، ۱۳۹۷) رهبران دینی بسیاری از سید نصرالله در لبنان تا شیخ زکزاکی در آفریقا و بسیاری از اندیشمندان بزرگ اسلامی که در سرتاسر عالم در حال تدریس، تعلیم و ترویج معارف الهی و سنت نبوی، کرسی‌های نظری را گسترانیده و سنت اسلامی را نشر می‌دهند.

در داخل کشور اسلامی ایران نیز شخصیت‌های علمی ارزشمندی پرورش یافته‌اند که با

تألیف آثار، تأسیس نهادها و رشته‌های علمی متفاوتی، عرصه جدیدی را پدید آورند که بی‌تردید، ثمرات آن در آینده‌ای نزدیک شکوفا و مسیرهای تازه‌ای را تعریف و بنیان خواهند نهاد. چه در حوزه علوم انسانی و چه در حوزه علوم تجربی کارهای ارزشمندی صورت گرفته است، (مرادی مقدم، ۱۳۹۴، ش ۱) این عالمان برجسته که در پی بنا نهادن تمدن نوین اسلامی هستند. (نصر، ۱۹۳۹) از فلسفه، کلام، اصول و فقه گرفته تا جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصاد، کیهان‌شناسی و.... دارای آثار تاثیرگذاری می‌باشند که مجال ذکر آنها در این مقال نمی‌گنجد اما قطعاً می‌توانند چشم انداز روشنی از تمدن نوین چنان که در بیان رهبری بیان شده است ارائه نمایند. (کاظمی، ۱، ۱۳۹۷)، در حوزه معارف ناب اسلامی و در حیطه تفسیر و علوم قرآنی و موضوعات پیرامونی آنها نیز دستاوردهای انقلاب بسیار خاص و کم نظیر بوده است، چرا که تفاسیر قرآنی مختلف و به صورت تخصصی و دارای غنای علمی و عمق فلسفی، بعد از انقلاب به نگارش در آمده است و حتی رشته‌های خاص قرآنی جدیدی بنیان نهاده شده است که همه آنها از دستاوردهای انقلاب و ثمرات زحمات عالمان برجسته شیعی است.

یکی از عالمان و مفسران برجسته معاصری که دارای استنادی بالایی در موضوعات تفسیر و علوم قرآنی، پس از انقلاب است و قریب ده هزار و چه بسا بیشتر مقالات و کتاب‌های مختلف به آثار ایشان رفرنس یا ارجاع داده شده است، (سایت نورمگز) جناب استاد محمدعلی رضایی اصفهانی است، ایشان اکنون استاد تمام دانشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی العالمیه می‌باشد و صاحب کرسی تفسیر و درس خارج آن و دارای نظریات جدیدی در حوزه قران و علوم و مطالعات بینا رشته‌ای قرآن می‌باشند .

تیرماه "۱۴۰۰" جناب استاد رضایی اصفهانی به عنوان چهره قرآنی کشور مورد تقدیر قرار گرفتند و این بهانه‌ای شد تا به پاس نکوداشت ایشان و تلاش‌های کم نظیر استاد، بنده به عنوان شاگرد استشراف پژوه ایشان، خوانشی بر دیدگاه‌های استاد پیرامون قرآن پژوهشی خاورشناسان داشته تا شاید بتوان بخش کوچک و ناچیزی از فعالیت‌های علمی و



دیدگاه‌های این استاد عالیقدر را منعکس نمود. بی تردید ایشان از اندیشمندان قرآنی معاصر و تراز اولی است که در آینده نه تنها دستاوردی عظیم از زحماتشان، هویدا خواهد شد بلکه آثار ایشان، جزء آثار بنیادین مطالعات قرآنی تلقی خواهد گردید و نظرات ایشان قابل اغماض نخواهد بود.

و از طرفی این پژوهش، تمهیدی است تا مفسران، اندیشمندان و قرآن پژوهان معاصری چون ایشان، نه تنها در داخل بلکه در سطوح بین المللی مورد توجه قرار گرفته و نقدهای آنها بر قرآن پژوهی مستشرقان انعکاس بیشتری داشته باشد. در اینجا به صورت مختصر به برخی از خدمات ایشان راجع به مستشرقان و همچنین مقالات چاپ شده استاد در نشریه قرآن پژوهی خاورشناسان اشاره و سپس وارد موضوع این تحقیق خواهد شد:

خدمات استشراف پژوهی دکتر رضایی اصفهانی:

- برگزاری کنگره بین المللی قرآن و مستشرقان

- تأسیس رشته قرآن و مستشرقان با دوگرایش (۱- معارف قرآن ۲- قرآن و اهل بیت ع)

- تأسیس انجمن علمی قرآن و مستشرقان

- تأسیس مجله علمی قرآن پژوهی خاورشناسان

- برگزاری نشست‌های انتقادی قرآن پژوهی مستشرقان

- گسترش رشته یا واحدهای قرآن پژوهی خاورشناسان به دانشگاه‌های کشور

مقالات دکتر رضایی اصفهانی پیرامون مستشرقان در نشریه قرآن پژوهی خاورشناسان؛

۱- بررسی دائرة المعارف قرآن لایدن (محمدعلی رضایی اصفهانی)

(دوره و شماره: دوره ۱، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، شماره اول، زمستان ۱۳۸۵)

۲- طرح مستندسازی متن قرآن و چاپ انتقادی آن (محمدعلی رضایی اصفهانی)

(دوره و شماره: دوره ۲، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۶، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۶)

۳- نگرش‌های انتقادی معاصر و قرآن (محمدعلی رضایی اصفهانی)

دوره و شماره: دوره ۲، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۶ (شماره سوم / زمستان ۱۳۸۶)

- ۴- فاطمه (محمدعلی رضایی اصفهانی)  
 (دوره و شماره: دوره ۳، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۷، صفحه ۹-۱۹۰، شماره چهارم  
 / بهار و تابستان ۱۳۸۷)
- ۵- مبانی نظری مستشرقان در مورد تناقضات قرآن (محمد علی رضایی اصفهانی؛  
 محمد الله حلیم اف)  
 (دوره ۴، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صفحه 105-136)
- ۶- معرفی و بررسی دایرةالمعارف قرآن، الیور لیمن (محمدعلی رضایی  
 اصفهانی، سیدمهدی اعتصامی)  
 (دوره و شماره: دوره ۴، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صفحه ۹-۲۴۵، سال چهارم،  
 شماره ۷، پاییز و زمستان ۸۸)
- ۷- بررسی دیدگاه خاورشناسان درباره تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ یهودی و  
 مسیحی (محمدعلی رضایی اصفهانی)  
 (دوره و شماره: دوره ۵، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صفحه ۹-۲۱۷، سال پنجم،  
 شماره ۸، بهار و تابستان ۸۹)
- ۸- پیش فرض‌های مستشرقان در رابطه با تعارض قرآن و علم (محمد علی رضایی  
 اصفهانی؛ علی اکبر فراهی بخشایش)  
 دوره و شماره: دوره ۷، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صفحه ۹-۱۵۷ (پاییز و  
 زمستان ۱۳۹۱ ش)
- ۹- بررسی مقاله «ترجمه قرآن» از دایرةالمعارف قرآن الیور لیمن (محمد علی رضایی  
 اصفهانی؛ رقیه بیرامی)  
 (دوره و شماره: دوره ۸، شماره ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صفحه ۹-۱۸۱، سال هشتم،  
 شماره ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۲ ش)
- ۱۰- سازگاری قرآن و علوم طبیعی از منظر مستشرقان (محمدعلی رضایی اصفهانی؛

علی اکبر فراهی بخشایش)

(دوره و شماره: دوره ۹، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صفحه ۹-۱۷۳، سال نهم،

شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش)

۱۱- بررسی ترجمه قرآن کریم به زبان آلمانی (محمدعلی رضایی اصفهانی؛ استفان

فریدریش شفر)

(دوره و شماره: دوره ۱۰، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صفحه ۹-۱۶۳ (سال دهم،

شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش)

۱۲- بررسی دیدگاه اسماء افسرالدین در مورد «شفاعت» (محمدعلی رضایی اصفهانی؛

فاطمه وجدی)

(دوره و شماره: دوره ۱۱، شماره ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۹۵)

۱۳- نقد مقاله «ابزارهایی برای مطالعه علمی قرآن» اندرو ریپین (محمد علی رضایی

اصفهانی؛ سید کمال کشیک نویس رضوی)

(دوره و شماره: دوره ۱۲، شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۹۶)

۱۴- دفاع دانشمندان شیعه از قرآن در برابر شبهه اقتباس (محمدعلی رضایی اصفهانی؛

صدیقه پروان)

(دوره و شماره: دوره ۱۲، شماره ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۶)

۱۵- بررسی اعجاز قرآن در دانشنامه قرآن الیور لیمن (محمدعلی رضایی اصفهانی؛

حسین علوی)

(دوره و شماره: دوره ۱۳، شماره ۲۴، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صفحه ۱-۱۴۴ (سال

سیزدهم، شماره ۲۴، بهار و تابستان ۱۳۹۷ ش)

۱۶- بررسی موارد ادعایی نسخ در مدخل نسخ دایرةالمعارف اسلام لایدن (حامد

شاهبیککی؛ محمدعلی رضایی اصفهانی)

(دوره و شماره: دوره ۱۳، شماره ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صفحه ۱-۱۶۰، سال

سیزدهم، شماره ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۷)

۱۷- نقد مدخل «علی بن ابی طالب» در دائرة المعارف الیورلیمن (محمدعلی رضایی اصفهانی؛ محمدعلی ریحانی نیا)

(دوره و شماره: دوره ۱۴، شماره ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صفحه ۹-۲۵۰، سال چهاردهم، شماره ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ ش)

۱۸- بررسی انتقادی کتاب «حسن الایجاز فی ابطال الاعجاز» (محمدعلی رضایی اصفهانی؛ باقر ریاحی مهر)

(دوره و شماره: دوره ۱۵، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صفحه ۹-۳۲۰)

۱۹- بررسی روش شناختی «تفسیر معاصرانه قرآن کریم» (محمدعلی رضایی اصفهانی) دوره و شماره: دوره ۱۶، شماره ۳۰، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صفحه ۹-۳۲۱ (سال شانزدهم، شماره ۳۰، بهار و تابستان ۱۴۰۰ ش)

۲۰- هرمنوتیک فلسفی و مستشرق مداران" (محمدعلی رضایی اصفهانی؛ عباس کریمی)

(دوره و شماره: دوره ۱۶، شماره ۳۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، سال شانزدهم، شماره ۳۱)

### پیشینه

تاکنون به طور خاص؛ مقاله یا اثری در موضوع کنونی یعنی "بررسی یا خوانش قرآن پژوهی مستشرقان در دیدگاه استاد رضایی اصفهانی" یافت نشده است، به طور عام؛ درباره نظریات و آراء استاد رضایی اصفهانی، تنها یک مقاله و آن هم با موضوع "بررسی تطبیقی آرای جعفر نکونام و محمدعلی رضایی اصفهانی پیرامون تفسیر گزاره‌های علمی قرآن" به نگارش در آمده است که توسط خانم محققیان و جناب محمدرضا حاج اسماعیلی نگارش شده و در مجله پژوهش‌های علم و دین به چاپ رسیده است و همچنین مقالاتی که بسیاری از دانش پژوهان درباره قرآن پژوهی مستشرقان بویژه در نشریه خاورشناسان به نگارش در آورده‌اند از آثار و مقالات استاد بهره برده‌اند و این آثار دارای استنادی فراوانی است.

## زندگی‌نامه

تاریخ و عظمت هر منطقه را می‌توان بر اساس عالمانی که از آن دیار سر بر آورده‌اند و بستر دانش و اندیشه را تا افق‌های دور گسترانیده‌اند، ارزیابی نمود و در صورتی که دین نیز بال موازی علم قرار گیرد آن را به حکمت خالده تبدیل می‌نماید، زمانی اصفهان، در هر کوجه اش مجتهدی بود که بساط دانایی را چون آبشارهای بلند و دست نیافتنی بر تشنگان علم و معرفت فرو می‌ریخت و رحمت و وسعت دیدگاه‌ها را به مثابه برداشت‌های هرمنوتیکی و با افقی باز پیش روی شاگردان می‌نهاد (مهدوی، ۱۳۸۵)، از عالمان و عارفان بزرگی چون میرداماد، شیخ بهایی، میرفندرسکی، خواجه‌نوی، درچه‌ای اصفهانی، ابوالحسین اصفهانی، حاج آقا رحیم ارباب، سیدحسن مدرس گرفته تا علامه مجلسی و سید شفتی و دیگر اندیشمندان بزرگی که هر کدام سهم بزرگی در حفظ و نشر اندیشه اسلامی بویژه شیعی داشته‌اند، در چنین فضایی بود که استاد رضایی اصفهانی چشم به جهان گشودند، تحصیلات آکادمیک را در شهر رهنان سپری نموده و در سال ۱۳۶۱ متاثر از فضای مذهبی و حشرو نشر با عالمان فرزانه وارد حوزه علمیه شدند، دروس سطح و عالی حوزه را در آن شهر گذرانیده و برای دروس خارج به شهر قم مهاجرت کردند، و در دروس خارج اساتید بزرگی چون آیات عظام فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، معرفت، صالحی مازندرانی و وحید خراسانی شرکت نمودند و ظرف وجودی خویش را با معارف فقهی و قرآنی توسعه بخشیدند، و هم زمان سطح چهار رشته تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم و دکترای علوم قرآن وحدیث را در واحد تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی به پایان رسانیدند.

شاید این تمهیدی بود بر مسیری که راه دراز و افق بلندی را پیش روی این استاد فرزانه گشود، گویا هیچ چیز غیر از تمرکز بر کلام خدا یعنی قرآن نمی‌توانست آن تشنگی و حقیقت طلبی باطنی اش را سیراب نماید به همین روی سعی نمودند با تمرکز و تحقیق و پژوهش و تفسیر قرآن، ادامه هستی اصیل خویش را بر کشف و تفسیر مقاصد الهی و روشمندسازی فهم آن بنهد که حاصل این دغدغه نه تنها تاسیس و بنیان گذاری مراکز مختلف و تصویب

رشته‌های جدید و حتی رشته‌های بینارشته‌ای مطالعات قرآنی بود که آثار مختلفی را پیرامون قرآن به نگارش در آوردند، از ترجمه گروهی قرآن کریم تا مجموعه چند جلدی کتاب منطق تفسیر که شامل مبانی و قواعد، روش‌ها و گرایش‌ها، روش‌های تحقیق در تفسیر، قرآن و مباحث جدید دانش تفسیر و قرآن و علوم طبیعی و انسانی است که مجموعه‌ای منظم و منسجم از سیر منطق تفسیر است که هر دانش پژوه قرآنی لاجرم به آنها رجوع خواهد نمود، (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳) تمام آثار استاد ۱۲۲ اثر یا بیشتر می‌باشد که بخشی از آنها به چندین زبان دنیا از جمله: اردوی پاکستانی، اردوی هندی، ترکی، ترکی استانبولی، مالایو، انگلیسی، عربی، روسی، تایلندی و... ترجمه شده‌اند، و مقالاتی که قریب به ۳۰۰ مقاله علمی پژوهشی، ترویجی، تخصصی و به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی در مجلات مختلف داخلی و بین‌المللی از ایشان به چاپ رسیده است، ذکر همه فعالیت و آثار علمی استاد رضایی اصفهانی در این مقال نمی‌گنجد و از وسع این تحقیق خارج است، اما از مهمترین دستاوردهای استاد رضایی اصفهانی می‌توان به راه‌اندازی رشته‌های مطالعات تطبیقی قرآنی بویژه رشته قرآن و مستشرقان در مجتمع عالی قرآن و حدیث المصطفی می‌باشد، ایشان با بینش معرفتی عمیق و دقیق و همچنین با بهره و غنای علمی برگرفته از اساتید بزرگی چون آیات عظام معرفت و مکارم شیرازی در دانش تفسیر و علوم قرآنی، تحلیل‌های نقادانه خویش را بر مستشرقان وارد نمودند، که غالب نقدها را می‌توان در سلسله مقالات ایشان در نشریه قرآن پژوهی خاورشناسان پی گرفت و همچنین در کتاب‌های منطق تفسیر نیز برخی از اشکالات وارده ایشان بر مستشرقان و حتی مستشرق گرایان به چشم می‌خورد. که در این پژوهش سعی شده است خوانشی بدیع نسبت به برخی از نقدهای بنیادین استاد نسبت به مستشرقان داشته باشد و به طور قطع دامنه این تحقیق، شامل همه نقدهای ایشان نیست.

### مستشرقان

شاید آن زمان که یک غربی با سبک فکری متمایز بودشناسانه (سعید، ۱۳۶۱: ۱۵) با چهارپا، چهارگوشه دول اسلامی را در می‌نوردید و همه سنن و زبان و فرهنگ مسلمانان را

واکاوی می نمود و روزها در زیر زمین های نمود و حجره های تاریک عالمان مسلمان، زانوی ادب می زد و همه تن، گوش می شد و شب ها را در حرمسرای خلفاء و امراء مسلمان میگساری می نمود و همانجا مهر تایید خلفاء بر "اجازه نامه" ورود به گنجینه کتابخانه های و دستیابی به کتب نفیس را دریافت می کرد و با زیرکی مرموزانه ای نه تنها برخی را که می توانست نسخه برداری کند در جوال چهارپایش می گذاشت کسی هرگز نمی اندیشید که او چه در سر دارد، در خدمت استعمار است (آل احمد، ۱۳۸۰، ۱۵۲) یا به دنبال مصارف علمی است (عنایت، ۱۳۶۹، ۴۵). در واقع چنین مستشرقی، بار تاریخی ملتش را ذخیره می نمود او سعی می کرد عناوین و سطر به سطر کتاب هایی که نمی توانست با خود حمل نماید را به حافظه بسیار د تا پاپ یا امپراطور را مجاب و مستشرق دیگری را مأمور، که آنها را نیز به هر حیلتي به دست بیاورند و این جزء در خدمت استعمار نبودند (بدوی، ۱۳۷۳، ۹) چنانکه در زمان حاضر، از کتابخانه عظیم مسکو گرفته تا نسخ بی نظیر کتابخانه های لایدن، برلین، رم، آکسفورد و بسیاری دیگری از کتابخانه ها غربی، منبع دست نیافتنی و نایاب از آثار نخستین متفکران مسلمان اند (داودی، ۱۳۶۱، ۶۹)

این منابع بی نظیر اسلامی در غرب، بستری را فراهم نمود تا مستشرقان با مطالعات روشمند و منسجم و با بورسیه های مکفی مطالعاتی، نه تنها تاریخ، سنت، فرهنگ، فلسفه و کلام اسلامی را یک بازاندیشی مجدد و در قالب جدید و متمایزی ارائه دهند، (کرامر، ۴۷) بلکه دین اسلام و به طور ویژه منبع و حیانی آن یعنی قرآن را نیز مورد تحقیق و پژوهش قرار قرارداد (اشکوری، ۱۳۷۱، ۶۷) چنانکه در تابستان ۲۰۲۰، بورسیه قرآن پژوهی اروپا برای هر دانشجوی دکتری با پروژه تحقیقاتی پیرامون قرآن با فرصت ۴ و ۶ ساله، مبلغی ماهانه در حدود ۲۵۰۰ تا ۳۵۰۰ دلار در نظر گرفت که این دریافتی، به غیر از هزینه ایاب و ذهاب، اقامت، سفر، شرکت در کنفرانس ها، کارگاه ها و سرزنی به کتابخانه های سرتاسر اروپاست. در حالی که در دولت های اسلامی چنین امری به یک رؤیا تبدیل شده است و حتی دانشجویان مطالعات قرآنی، متحمل شهریه های کلان دکتری و در شرائط سخت زندگی به سر می برند که عمدتاً

فرصتی برای پیش بردن دغدغه‌های مطالعاتی قرآنی خویش ندارند.

مستشرقان با بازخوانی و واکاوی سنت و فرهنگ عصر پیامبر ﷺ و پروژه‌های کلان قرآن پژوهی چون دائرة المعارف اولیور لیمن، دائرة المعارف مک اولیف و.... به دنبال سلطه دادن تعریف ثانوی و متمایزی از ماهیت، حقیقت و آموزه‌های دین اسلام و بویژه قرآن هستند، هر چند در دوره مدرن می‌توانستیم همدلی بیشتر با خاورشناسان داشته، اما در پست مدرن گویا باز مفاهیم از ثبات خروج پیدا نموده و تعیین ناپذیری خویش را پیش روی می‌نهند (ریتز، ۱۳۹۱، ۵۵۶). چنین به نظر می‌رسد که خاورشناسان هدفی جزء دستیابی به "مرجعیت" شدن و تبدیل آن به یک "واقعیت" در مطالعات اسلامی ندارند. در جامعه المصطفی العالمیه با تلاش اساتید بزرگی چون رضایی اصفهانی، زمانی، فاکر میبدی، اسکندرلو و علوی مهر و ارائه مقالات انتقادی پیرامون قرآن پژوهی غربیان چشم انداز روشنی پیش روی نهاده شده است که بتوان تمام اهداف و رویکردهای خاورشناسان را نیت خوانی و اشکالات ساختاری - روشی و معرفتی - محتوایی آنها را روشن نمود.

جامعه المصطفی العالمیه با بهره‌گیری از ظرفیت علمی اش، (اسکندرلو، ۲۵، ۱۳۹۷) در ابتدا با تصویب چند واحد درسی این امر را آغاز کرد و تاکنون که علاوه بر تصویب واحدهای درسی استشرق در بیشتر رشته‌های قرآنی و حدیثی، قرآن و مستشرقان خود به عنوان یک رشته دکتری با سه گرایش، تصویب و دانش پژوهان بسیاری فارغ التحصیل شده‌اند که برخی در کشورهایمان چون آلمان، آمریکا و آذربایجان.. در حال تدریس، تحقیق و پژوهش هستند و در خود فضای غربی، به نقد نگاه خاورشناسان بویژه در حیطه قرآن پژوهی می‌پردازند، مستشرقانی چون فلوگل، لایوم فرانسوی و ونسینگ در معجم نگاری، گلدزیهر در علوم قرآنی، نولدکه در تاریخ گذاری قرآن و کسانی چون اولیور لیمن و مک اولیف را در حوزه دائرة المعارف نویسی بر قرآن به نقد و بررسی پرداخته است. و حتی همایش‌هایی نیز در این میان با همکاری جامعه المصطفی العالمیه و اساتید قرآن پژوه آن برگزار شده است.

در این پژوهش و با توجه به نکوداشت و معرفی استاد رضایی اصفهانی به عنوان چهره



نمونه کشوری در تفسیر و ترجمه قرآن، سعی شده است دیدگاه‌های انتقادی ایشان را تحت مقولات انتقادی محتوایی و روشی طبقه بندی و تحلیل نموده تا علاوه بر اداء حق یک شاگرد به استاد، زمینه مناسبی پیش روی نهاد شود در جهت این که دانش پژوهان دیدگاه‌های انتقادی پیرامون مستشرقان را از منظر عالمان قرآن پژوه معاصر دریافته و بتوانند تحقیقات استشراف پژوهی خویش را هدفمند و روشمند دنبال نمایند.

### دیدگاه‌های انتقادی نسبت به مستشرقان

هنگامی که به شناخت انتقادی آثار مستشرقان پرداخته می‌شود، در واقع به دنبال اعتبار نهادن یا عدم اعتبار

آثار خاورشناسان یا به عبارتی در مقام ارزش نهادن و تعیین صدق هر گزاره که نه تنها در این مقام؛ نقاط قوت و ضعف آنها را پیش روی می‌نهد بلکه به آسیب شناسی دیدگاه‌های مستشرقان پرداخته و به دنبال آن است تا موارد ناقص را رفع و از نتایج نامیمون آنها جلوگیری شود، استاد رضایی اصفهانی در عمده نظرات خویش چه در کتب و چه در مقالات، سعی نموده است ضمن بر شمردن موارد قوت مستشرقان، دیدگاه خویش را پیرامون نظریات و نقاط ضعف مستشرقان ارائه دهند که در این حوزه با انواع نقد محاکاتی، نقد کاربردی، نقد عینی، نقد محتوایی، نقد روشی، نقد صوری، نقد زبانی، نقد نوشتاری، نقد زیبایی شناختی و نقد اخلاقی آثار مستشرقان پرداخته است که پرداختن به همه آنها مجال دیگری می‌طلبد...

در نظر استاد رضایی اصفهانی شکاف بزرگی میان داده‌های قرآن پژوهی مستشرقان با واقعیت‌های هستی‌شناسانه و حقیقت وحی رسولانه وجود دارد که حتی در ساحت‌های ارجاعی یک متن، این امر به نحو پدیدارشناسانه در موضوعات قرآنی ظهور پیدا کرده است چنانکه در واقعیت‌های قرآنی دیده می‌شود مستشرق گزارشی ارائه می‌دهد که نمی‌تواند آینه تمام‌نمای واقعیت باشد بلکه سعی نموده است به نحو گزینشی، تنها برخی از آن را روایت نماید و از بخش‌هایی که بمثابة بنیادین بوده یا گذر کرده است یا به صورت سطحی

و در جهت تنزیلی از آن گذشته یا منحرف نموده است، در این نوع روایت نه تنها کژفهمی و حتی بدفهمی غلبه دارد بلکه مستشرق فهمی غرض ورزانه با پیچیدگی مفهومی حقیقت را به تحریف می‌نشیند.

در نظر او حتی در مقام نقد کاربردی و پراگماتیک، مستشرق با کاربرد مفاهیمی خاص و نظریاتی مشوش کننده به دنبال تحریک احساسی یا اثری مخرب در خواننده است "محمد یک بدعت گذار در دین مسیحیت است" در چنین عبارتی میزان تخریب علاوه بر پنهان کردن حقیقت قدسی رسولانه، عمیق و دارای بار معنایی دقیقی است که ره به اقتیاسی بودن قرآن از تورات و انجیل می‌برد، به معنای دیگر، خطوط نانوشته میان متن تفاسیر متعارض و متضادی با حقیقت خود متن پیش روی می‌دارد. این نوع نگاه هم به لحاظ روانشناسانه هر "من خواننده فردی" را و هم به لحاظ جامعه شناسانه "بازتاب‌های اجتماعی دگماتیسم محورانه ای" را بر فضای معاصرانه متن و زمانه آن تحمیل می‌نماید که هیچ دستاوردی جزء در خفاء ماندن حقیقت به دنبال نخواهد داشت.

البته در نگاه استاد رضایی اصفهانی آگاهی و کشف دنیای متکلم یا به عبارتی مستشرق، نقد بیانگرانه ما را وسعت خواهد بخشید. از این رو سعی می‌شود در ادامه با توجه به دیدگاه انتقادی استاد رضایی اصفهانی؛ غالب نقدهای ایشان را در قالب نقد محتوایی و روشی می‌توان طبقه بندی نمود؛

### نقد محتوایی آثار مستشرقان

درک سخن نهایی و هندسه معنایی و ساختار محتوایی هر اثر پژوهشی با کشف محتوای پنهان داده‌ها یا واحدهای مورد تحلیل از ورای گفته‌ها، تصویرها و سمبل‌ها آنگونه که متن پیش روی می‌نهد یا آنگونه که متن در ورای خویش و به نحو نمادین در درون خویش پنهان می‌دارد با تحلیل و نقد محتوایی محصل می‌گردد، استاد رضایی اصفهانی با نقد محتوایی در واقع به دنبال نظریات کلی حاکم و پیش برنده و راهبر متن است تا جریان هدایت گر نهفته متن را و همچنین کشف ارتباط درونی اجزاء و عناصر متن را دریابد و از

این رهگذر نه تنها به هندسه معرفتی متن دست یافته بلکه نوعی از کلیت متن به همراه ارتباط مؤلفه‌های بنیادین متن را کشف نموده که به عبارتی نقد هندسه معرفتی، تناسب عناصر متن با هدف، میزان اتقان یا ابطال ادله، میزان اثبات‌گری و کفایت مسائل، حدود و شرائط را بیان نماید.

و در نقد محتوایی با بررسی انسجام درونی در واقع سازوکاری متن را اثبات و تناقض‌گویی آن نفی می‌گردد، که شامل تناقض مفهومی و ارجاعی نیز می‌شود. که یک متن در تناقض کلی متن، رسالت متن و اخلاقیات مورد ادعای ماتن باشد.

در بحث پیرامون دایره المعارف‌ها، دایره المعارف لایدن که در واقع مجموعه مقالات موضوعی و به دنبال ترسیم یک تفسیر از قرآن است برخلاف ادعای سرویراستاری که آنرا، پژوهشی موشکافانه می‌داند استاد رضایی اصفهانی معتقد است چنین امری پذیرفتنی نیست، چرا که برخی از نویسندگان دایره المعارف لایدن آگاهی کافی نسبت به مطالب بیان شده ندارند مثلاً کلود جیلیوت در مقاله تفسیر قرآن در دوره باستان، نه تنها شیخ طوسی و شیخ طبرسی را از مفسران شیعی معتزلی دانسته، بلکه کتاب حقائق التأویل فی متشابه التنزیل (۴۰۶ ق م) سید مرتضی را از تفاسیر معتزلی تلقی می‌نماید در حالی که به سه جریان غالب کلامی جهان اسلامی یعنی اشاعره، معتزله و شیعی گویا آگاهی ندارد و استقلال دستگاه فکری هر کدام را علیرغم مشابهت دیدگاه معتزلی با شیعی تمایز نمی‌نهد و حتی اندرو ریپین تفسیر ابوالفتح رازی را بزرگترین تفسیر روایی شیعی معرفی می‌کند در حالی که تفاسیر "عیاشی"، "البرهان" محدث بحرانی"، "نور الثقلین عروسی حویضی" و صافی فیض کاشانی از بزرگترین تفاسیر روایی شیعی هستند، این گونه خطاهای معرفتی با ادعای نخستین سرویراستار سازگاری ندارد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵)

استاد رضایی اصفهانی به عدم سازوکاری دایره المعارف لایدن اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که تناقضات درونی بسیاری در آن به چشم می‌خورد، مثلاً جوین بل در مقاله "حدیث و قرآن" درباره تحریف قرآن؛ جمله‌ای را از سیوطی نقل می‌نماید که آیه رجم بر محمد

ص نازل شده است اما در قرآن نیامده است

یا کلمه "ائمه" به "امت" مبدل شده است و این را که سوره احزاب از سوره بقره طولانی تر بوده است و در معرض تغییر واقع شده است را به شیعه نسبت می دهد و اینکه شیعه قرائت های هفت گانه را در جهت فتاوی فقهی تفسیر کرده اند. نظرات جوین بل در حالی است که ینوبای در مقاله "تحریف" چنین موضوعی را به طور اساسی مردود می شمارد و استاد رضایی اصفهانی تصریح می نماید که چنین تناقضات درونی محتوایی دائرة المعارف لایدن نمی تواند قابل اغماض باشد چرا که اولاً؛ عالمان شیعی و سنی همواره روایات تحریف را مردود شمرده اند، ثانیاً؛ زیادت سوره احزاب نسبت به بقره در میان اهل سنت به ابی بن کعب و عایشه نسبت داده شده است و نه شیعه، ثالثاً قرائت هفت گانه نیز از منظر عالمان شیعه قابل خدشه بوده است و چون متواتر نیست از این رو مبنای فقهی هم نمی تواند واقع گردد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵)

استاد رضایی اصفهانی در نقد تفسیر معاصرانه نیز که اخیراً ترجمه شده است نقدهای محتوایی آن را بسیار امری ضروری تلقی نموده و چرا که گویا در مقام این هستند تا برای آموزه های غربی تاییدیه از قرآن بیاورند، البته می تواند خوانشی روشنفکرانه از قرآن باشد که در مقام تطبیق علم و فرهنگ معاصرت با قرآن و آموزه های اسلامی است، استاد رضایی در نقد آن می نویسد؛ در این اثر، با کمک و تفسیر آیه (۱۶۱-۱۶۲ بقره) از پلورالیسم دینی دفاع شده است و در این مقام از تفسیر و کلام قشیری و غزالی مبنی بر نجات کافران بهره برده است و چنین نتیجه گرفته است که کلام غزالی رجحان داشته و حتی شواهدی بر مومن بودن مسیحیان و یهودیان ارائه می کند.

ایشان معتقدند چنین تفاسیری از جانب مستشرقان می توانند نه تنها به دنبال پوششی اصلاحی بر آیات مخالف یهودیت و مسیحیت باشند، که می توان گفت در مواردی به دنبال نادیده گرفتن، کم رنگ نشان دادن و عدم توجه به عقائد شیعی که در مقام ارائه اسلامی اصیل است پیش می روند. (اشپولر، ۱۳۸۴، ۱۱۰) و در مواردی به دنبال کم اهمیت شمردن

اعجاز قرآن می‌باشند چرا که نویسنده ذیل آیه ۷۵ بقره ۱۰۵ ی) مبارزه در مورد آیات تحد طلبی قرآن (در مورد اعجاز قرآن، فقد به زیبایی، وضو، بالغت، یاتی مراتب معنایی اشاره می‌کند و در پاورقی به اخبار غیبی و عدم اختال در آن اشاره می‌کند و هیچ مصداقی برای آن نمی‌آورد.

در تفسیر معاصرانه نسبت به آیات جهاد، تحلیل‌هایی ارائه شده است که نشانه از کم‌رنگ جلوه دادن ساحت جهاد در تفکر قرآنی است بویژه در تفسیر آیات ۴-۹۱ بقره که این امر بسیار به چشم می‌خورد. علاوه بر همه مواردی که ذکر شد شاید مهم‌ترین مسئله این است که زبان قرآن را یک زبان شاعرانه دانسته‌اند و آن را اثری با برترین کیفیت و قدرت شاعرانه تلقی نموده‌اند، (رضایی اصفهانی، ۱۴۰۰، ۳۰).

البته موارد دیگری از قبیل طرح علوم غریبه، اظهار نظرهای فقهی، استنادات به روایات ضعیف نیز از نقدهای محتوایی تفسیر معاصرانه است که استاد رضایی اصفهانی آنها را بسیار مهم و اساسی بر شمرده است..

### نقد روشی

منطق اندیشه ورزی و شیوه‌های صحیح تفکر و همچنین مراحل عمومی پژوهش خاورشناسان شامل مشاهده، طبقه‌بندی مشاهده‌ها، فرضیه‌سازی، آزمایش و تجزیه و تحلیل داده‌ها به منظور اثبات یا رد فرضیه می‌باشد که در هر یک از اینها خاورشناس مبتنی بر روش شناسی خود، شیوه‌های خاصی را اختیار یا عدم اعتبار می‌نهد در روش شناسی راهبردهای عملی یا به عبارتی روش کاربردی و همچنین منطق نظریه پردازی مستشرقان که همان بینش بنیادین و مشروعیت بخش نظریه است اهمیت پیدا می‌کند.

البته می‌توان گفت در واقع روش به پیش فرض‌ها، گرایش‌ها و رویکردها نیز اطلاق می‌شود که به تکنیک‌های مبتنی بر روش شناسی و پارادیم تحقیق بوده است.

استاد رضایی اصفهانی در بحث مشکلات روش شناختی مستشرقان به مقاله "تفسیر قرآن در دوره جدید و معاصر" راترود ویلانت در دائرة المعارف لایدن اشاره می‌کند و می

نویسد؛ تفسیر عقلانی را منحصر به تفسیر اجتهادی افرادی چون سیداحمدخان هندی و محمدعبده مصری می‌دانند و حتی کتاب الهدایه و العرفان فی تفسیر القرآن بالقرآن به محمد ابوزید نسبت می‌دهد در حالی که چنین اشتباهاتی روشن به نظر می‌رسد چرا که نه کتاب فوق از ابوزید است و نه از تفاسیر عقلی به شمار می‌آید، پس می‌توان گفت اولاً در تعریف و تبیین تفاسیر عقلانی دچار اشتباه شده و ثانیاً در طبقه بندی و منحصر شمردن صرف تفسیر اجتهادی در حوزه تفسیر عقلی نیز با مشکل مواجه می‌شود و در نتیجه چنین انحصاری بلاوجه به نظر می‌رسد.

و حتی راترود ویلانت در مقاله "تفسیر قرآن در دوره جدید و معاصر" آغازگر تفسیر علمی را به فخر رازی منتسب می‌نماید در حالی که تفسیر علمی از عصر بوعلی سینا و کتاب رسائل او شکل گرفته است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵)

حتی خود خانم مک اولیف در مقاله "فاطمه" و پرداختن به آیات پیرامون آن حضرت، تعداد آنرا متجاوز از دو الی سه آیه بیشتر نمی‌داند در حالی که بنابر نظر استاد رضایی اصفهانی با توجه به اقسام دلالت‌های تفسیری، تاویلی، شأن نزول و تطبیقی آیات این عدد می‌تواند به یکصد و سی و پنج آیه بنابر بر روایات تفسیری برسد در حالی که از خطاهای روش شناختی مک اولیف است که دلالت‌های تاویلی، شأن نزولی و تطبیقی را چندان واقعی نمی‌نهد و به صرف دلالت‌های تفسیری اکتفاء می‌کند و در جمع‌آوری داده‌ها جهت این فرضیه به منابع تفسیری اهل سنت و آن هم به صورت گزینشی رجوع می‌نماید.

استاد رضایی اصفهانی حتی مستشرقان را نسبت به امانت داری در بدیهی ترین فرضیات اصول روشی پژوهش به نقد می‌کشاند چرا که کسی چون "گرنلیا شک" در مدخل "آدم و حوا" نه تنها نتوانسته تفسیر قابل قبولی از این داستان ارائه دهد بلکه حتی نسبت به خوانش قرآنی داستان آدم و حوا دچار تحریف و تفسیری عهدینی شده است که مثلاً حوا از دنده چپ حضرت آدم آفریده شده است در حالی که چنین آیه‌ای در قرآن وجود ندارد بلکه چنین برداشتی در تورات ذکر شده است که خداوند بر حضرت آدم خوابی گران مستولی و از

دنده‌هایش گوشتی پر و حوا بنا نمود (سفر پیدایش، باب ۲۲) پس مستشرقان فرضیات را بر داده‌های خویش بنا می‌نهند تا قرآن را نه بر سقف کتب اسمانی بلکه در ذیل آنها یا هم‌مطراز آن در نظر بگیرند.

استاد رضایی اصفهانی بر این نظر است که مستشرق بنابر هر روشی که بر می‌گزینند نخستین اقدام مشاهده و جمع‌آوری داده‌ها و طبقه‌بندی کردن آنهاست که این امر در دائره المعارف نویسی بیشتر از هر امر دیگری ضرورت دارد چرا که باید تمام اطلاعات درباره یک موضوع، باید به نحو فشرده ارائه گردد که خواننده را از مراجعه به کتابهای دیگر بی‌نیاز گرداند و گزارش کاملی از دیدگاههای مخالف و موافق پیش روی مخاطب قرار دهد در حالی که چنین نیست.

در نگاه استاد رضایی اصفهانی تفسیر قرآن دارای مبانی، روش و قواعدهای خاص خویش است که مفسران قرآنی استشرق، مبانی و حیانی قرآن را نادیده انگاشته و دچار نفضان و ضعف‌های بنیادینی هستند و در منابع تفسیری بیشتر تفاسیر مهم و ارزشمند شیعی قلم گرفته می‌شود و حتی به تفاسیر دارای اسرائیلیات و روایات ضعیف مراجعه می‌کنند و مفسرانی را چینش می‌نمایند که در جهان اسلام دارای شهرتی نیستند و بر اساس همین چینش‌های غیر تخصصی روایات است که قرائات غیر متواتر را دقیق‌تر از قرائت متواتر ارزش می‌نهند ..

### نتیجه‌گیری

به طور کلی مستشرقان در دیدگاه استاد رضایی اصفهانی، تحلیل‌هایی ارائه داده‌اند که نمی‌تواند آیینه تمام‌نمای واقعیت و حقیقت اسلام باشد و از جهتی شکافی میان اسلام راستین و اسلام به تصویر کشیده می‌شود که قایل جبران نیست و تلاش آنها به طور تاریخی؛ در این جهت است که به نحو گزینشی، تنها برخی از آن را روایت نمایند و از بخش‌هایی که بمتابه بنیادین بوده یا گذر کرده‌اند یا به صورت سطحی و در جهت تنزیلی تبیین یا منحرف نموده‌اند، ایشان نقدهای محتوایی و روشی اساسی بر مستشرقان وارد نموده است که در نقد

محتوایی می‌توان به غیر جامع بودن مطالب ارائه شده توسط مستشرقان، استفاده از تفاسیر نامعتبر، پارادوکس‌های درون متنی، ترویج و تایید پلورالیسم، تایید و تقویت مسیحیت و یهودیت، کم اهمیت شمردن اعجاز قرآن و همچنین در نقد روشی به خطاهای روش شناختی تفسیری، تسری نگاه عهدینی به قرآن، اکتفا کردن به دلالت‌های ظاهری قرآن، تفسیر به رأی و عدم توجه به مبانی، قواعد و روش‌های تفسیری در تفسیر و تبیین آیات از مشکلاتی است که می‌توان در آثار مستشرقان رهگیری نمود.



## منابع

۱. طاهری، سید مهدی، انقلاب بیدارساز: نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهان اسلام پگاه حوزه ۱۳۸۷ شماره ۲۴۸
۲. رکابیان، رشید دستاوردهای آموزشی و علمی چهل ساله انقلاب اسلامی، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، زمستان ۱۳۹۷ - شماره ۵۵
۳. مرادی مقدم، حسین، بررسی الگوی رشد علم ایران بعد از انقلاب اسلامی: حوزه علوم پژوهشنامه کتابداری و اطلاع رسانی سال پنجم بهار و تابستان ۱۳۹۴ شماره ۱ (پیاپی ۹)
۴. نصر، سید حسین، ۱۹۳۹، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. کاظمی، سید آصف، چشم انداز نوین اسلامی، دو فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷
۶. مهدوی، مصلح الدین، دانشمندان و بزرگان اصفهان، انتشارات گلدسته، ۱۳۸۵
۷. رضایی اصفهانی، (منطق تفسیر ۵، ۴، ۳، ۲، ۱)، انتشارات کتاب‌های مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۳
۸. رضایی اصفهانی، محمد علی، بررسی دایره المعارف قرآنی لایدن، مجله قرآن و مستشرقان، شماره اول، زمستان ۱۳۸۵
۹. سعید، ادوارد، شرق شناسی، ترجمه عسکری خانقاه، انتشارات عطایی، ۱۳۶۱ ص ۱۵-۱۶.
۱۰. آل احمد، جلال، غرب زدگی، انتشارات فردوس ۱۳۸۰، بی تا ص ۱۵۲-۱۵۳
۱۱. عنایت، حمید، دین و جامعه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۹ ص ۴۵-۴۶
۱۲. بدوی، عبدالرحمن، فرهنگ کامل خاورشناسان، شکرالله خاگرد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم؛ ۱۳۷۳ ص ۹،
۱۳. داودی، رضا، شمه‌ای از تاریخ غرب زدگی ما، انتشارات سروش، ۱۳۶۱ ص ۶۹.
۱۴. کرامر، مارتین، تشیع، اسلام و غرب، مترجمان، معاونت امور بین الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی تا.
۱۵. اشکوری، ابوالفضل، جریان شناسی تاریخ نگاری ها در ایران معاصر، انتشارات بنیاد انقلاب

اسلامی، ۱۳۷۱.

۱۶. اسکندرلو، محمد جواد، نقش انقلاب اسلامی در گسترش پژوهش‌های استشراف شناسی، مجله

قرآن پژوهی خاورشناسان، سال سیزدهم شماره ۲ (پیاپی ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۷)

۱۷. اشیپور، برتولد، جهان اسلام، انتشارات موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴، ص ۱۱۰

۱۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی، بررسی روش شناختی «تفسیر معاصرانه قرآن کریم، نشریه قرآن

پژوهی خاورشناسان، شماره ۱۴۰۰، ۳۰)

۱۹. کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب ۲۲، ۲-۲۳، ترجمه انجمن کتاب مقدس ایران.

۲۰. ریتز جورج، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر مترجم محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی

- فرهنگی، ۱۳۹۱، ص ۵۵۶.

۲۱. سایت

۲۲. سایت نورمگز:

۲۳.

<https://www.noormags.ir/view/fa/search?q=%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF%D8%B9%D9%84%DB%8C%20%D8%B1%D8%B6%D8%A7%DB%8C%DB%8C%20%D8%A7%D8%B5%D9%81%D9%87%D8%A7%D9%86%DB%8C>

## تاثیر نیاز و کمال بر تکامل معنوی انسان معاصر

محمدحسین محمدی<sup>۱</sup> - عباس کریمی<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول)

### چکیده

تقابل دو رویکرد لاهوتی و ناسوتی به انسان در سرتاسر تاریخ امری روشن به نظر می‌سد، است، دیدگاه ناسوتی انسان را به "نیازش" و انسان لاهوتی به "ارزش و کمال" تعریف نموده است، انسان معاصر غربی در ذیل "قلمرو ناسوتیان" سعی بر تحمیل تمدن و فرهنگ آنگلو ساکسونی و بسط و گسترش آن در تمام ساحات وجودی آدمیان داشته است، اما با ظهور انقلاب اسلامی تمام انگاره‌های زیستی غربی با چالش روبرو شده و بی‌معنایی، نیهیلیسم غربی و تنزیل آدمی به صرف "نیاز" مورد نقد واقع گردید. این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی بر اساس آیات و روایات سعی بر آن داشته تا ضمن نقد رویکرد تنزیلی غربی، تعریف و چشم انداز روشنی از "انسان" ارائه دهد که خود تمهیدی باشد بر بناء نهادن تمدن اسلامی بر امور عقلانی و ملکوتی که در آن ترجیح صدر آدمی "عقل و قلب" و به خدمت گرفتن و در بندکشیدن ذیل آدمی "شکم و شهوت" ما را در جهت گسترش جهانی که معنویت را ارج می‌نهد و انسان متعالی را انسانی عقل گرا می‌داند یاری می‌دهد که چنین

۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه [mhmtafsir@yahoo.com](mailto:mhmtafsir@yahoo.com)

۲. دانشجوی دکتری رشته قرآن و مستشرقان جامعه المصطفی العالمیه [abbaskarimioreint@gmail.com](mailto:abbaskarimioreint@gmail.com)

انسانی، دل در گرو روحانیت والوهیت دارد و پا در زمین مادیت، تا آن هدف را پی بگیرد. ولذا این انسان از پیامدهای مخرب عصر "تکنیک زده" آسوده است چرا که نسبتش را با آنها بر اساس ترجیح "کمال" بر "نیاز" تعیین داده است.

واژگان کلیدی: نیاز، کمال، انسان معاصر، گام دوم انقلاب

## مقدمه

انقلاب اسلامی با اندیشه ناب الهی نه تنها سیر تطور تاریکی و ظلمت را به ایستایی رساند بلکه وجه دیگر ورزشی از عالم انسانی پیش روی آدمیان نهاد، انسان معاصر که در دام تکنولوژی و زیست مصرف گرایانه، می رفت که تمام ساحات زندگیش تعریفی متفاوت یابد و نسبتش را با جهان پیرامون بر اساس تکنولوژی تعریف و تنظیم نماید با انقلاب اسلامی چشم انداز روشنی از کرامت انسانی ظهور پیدا کرد، انسان غربی با تعریف این جهانی که از خویش و در پی تصرف عالم ارائه داده سعی در نهادینه کردن مفاهیم ضد ارزشی و افکندن آن بر تمام ساحات آدمی از طریق تکنولوژی است، به همین جهت بحث از تکنولوژی اهمیت پیدا کرده است چرا که در میان اندیشمندان معاصر بحث از آن و نسبتش با انسان مورد بحث واقع شده است چنانکه فیلسوفانی چون هایدگر بدان پرداخته است و سؤال اساسی او در بحث پرسش از تکنولوژی سؤال از ذات یا ماهیت تکنولوژی است. آن امری که گاهی در طول این بحث از آن به عنوان روح حاکم بر تکنولوژی یاد می شود. پس اصلی ترین سؤال هایدگر این است که ذات یا ماهیت تکنولوژی چیست؟

او با گفتن این سخن که «ماهیت تکنولوژی هم، به هیچ وجه، امری تکنولوژیک نیست» سعی می کند تا ماهیت تکنولوژی را از مصادیق و ظواهر آن تفکیک نماید او در درس - گفتار خود - به تبیین رابطه تکنولوژی با حقیقت پرداخته و آن را «نحوه‌ای از انکشاف حقیقت» می شمارد، انکشافی تعرض آمیز که به موجب آن نگاه انسان به عالم و آدم عوض شده و همه چیز برای او در قالب یک «منبع ذخیره» آشکار می شود، منبع ذخیره‌ای که آماده تصرف و ذخیره شدن است. به گفته هایدگر: «اکنون هوا مورد تعرض قرار می گیرد تا نیترون خود را عرضه کند، زمین مورد تعرض قرار می گیرد تا مواد معدنی خود را عرضه کند، مواد معدنی هم به عنوان منبع اورانیم مورد تعرض قرار می گیرند و اورانیم هم به عنوان منبع انرژی (زمانی، ۱۳۷۹، ۲۳-۱۰).

از این رو انسان معاصر؛ انسان تکنیک زده به معنای هایدگری است که با تکنولوژی

نگاهش به هستی تغییر پیدا کرده است و همه چیز را ابژه می‌بیند و برای تصرف کردن در آن، هستی را به سوژه در می‌آورد تا بتواند بر آن استیلاء یابد.

به هر حال، نوع مواجهه انسان معاصر (انسان تکنیک زده) با نیازها، منجر به شخصیت سازی فرد و حتی هویت سازی جامعه می‌شود، رفع متناسب و عقلانی نیازها، کمال را به دنبال دارد، البته شرائط اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و دینی در این امر دخیل هستند که هر کدام می‌توانند جهت را عوض کنند. و انسان برین به انسان سقوط کرده در زمین مبدل گردد، دو گانه نیاز و کمال به این معناست که هدف خلقت با برآوردن این دو؛ یعنی در ابتدا رفع نیازها و سپس با فضیلت مندی و کمال طلبی محقق می‌گردد، ایندو از این جهت نیز به هم مرتبط هستند که بنیاد کمال در رفع نیازهای طبیعی بشر نهفته است؛ چرا که وجود و بقا انسان در ساحت امکان است و هر ممکنی با توجه به زیستش نیازمند است، و از طرفی می‌توان دو گانه را به نحو دیگری نیز ترسیم کرد به این معنا که صدر آدمی که عقل و قلب است و ذیل آدمی که شکم است و شهوت در یک ارتباط کامل با یکدیگر هستند که شاکله وجودی آدمی را رقم می‌زنند و هر کدام از آنها می‌تواند بر دیگری موثر افتند؛ انسان با توجه به شخصیتی که انتخاب کرده یا ساخته و پرداخته است در جامعه برای خویش هویت خاصی تعریف کرده است نوع مواجهه اش با ایندو متفاوت است اگر ترجیح را بر جانب صدر یعنی عقل و قلب بنهد و ذیل را در نسبت با صدر تعریف و تنظیم کند کمال محقق می‌گردد، اما اگر ترجیح را بر ذیل آدمی بنهد یعنی شکم و شهوت، در اینصورت عقل و قلب را بنده اندو قراردادده و در جهت آندو سوق می‌دهد این انسان نمی‌تواند مراتب عالی کمال و انسانیت را طی کند، در این مقاله سعی بر آن است که اولاً؛ تصویری از نیاز بشری و کمال الهی او ارائه شود و ثانیاً؛ روشن گردد که جایگاه و تعریف آنها در قرآن چیست و ثالثاً؛ انسان معاصر چگونه می‌تواند با تنظیم نسبت میان نیاز و کمال به تکامل معنوی خویش دست یابد. باید ذکر کرد که هر چند به صورت جداگانه این موضوعات در مقالات و کتب زیادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، اما به این نحو و با این عنوان

مقاله‌ای دیده نشده است.

### پیشینه

به طور خاص تاکنون تحقیقی با این عنوان یافت نشده است البته به طور عام مقالاتی هستند که با بررسی محتوایی می‌توان تأکید بر بکار گرفتن قوه عقلانی و تزکیه قلب را در کنار اطاعت از دستورات نبوی، تمهید سعادت و کمال آدمی تلقی نموده و عقل و قلب یعنی بعد روحانی را بر بعد حیوانی یعنی شکم و شهوت ترجیح داده‌اند، که عمدتاً در پژوهش‌های مرتبط با اندیشه فلاسفه، عرفا و حتی برخی از متکلمان به چشم می‌خورد و از طرف دیگر بحث از "نیاز" بیشتر در مقالات مربوط به اندیشه‌های روانشناس انسان‌گرای آمریکایی یعنی آبراهام مازلو و به طور ویژه بحث از نظریه "سلسله مراتب نیازهای انسانی" او دیده می‌شود که می‌توان مقالات "درآمدی بر نقد نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو"، کاربرد سلسله مراتب نیازهای مازلو در بین کارکنان سازمانی"، "بررسی تطبیقی انسان خودشکوفای مازلو با ویژگیهای انسان در حکمت متعالیه ملاصدرا" و مقاله "نقد و بررسی نظریه انسان شناسانه «مازلو» با رویکردی بر آیات قرآن کریم" را از این جمله برشمرد.

### مفهوم شناسی

#### نیاز

نیاز مفهومی عمومی است که کاربردی وسیع و مفاهیم متعددی دارد؛ آنرا کمبود و فقدان در ارگانیزم نیز دانسته‌اند، نیاز بر اساس وجود و بقا انسان طرح می‌شود، چنانکه قبلاً اشاره شد انسان در ساحت امکان می‌نشیند و بقول براندن اگر انسان فناپذیر و غیرا وابسته بود اساساً نیاز برای او معنایی نداشت (براندن، ۱۳۷۶، ۱۲۷) و حتی کاپلان نیاز به حمایت آدمی را بیشتر نسبت به سایر حیوانات تلقی می‌کند. (کاپلان، ۱۸۲، ۱۳۸۵) چنانکه ریو ریشه حرکت و تکاپوی آدمی را در نیاز می‌داند (اتکینسون، ۱۴۶، ۱۹۷۵).

آبراهام مازلو روانشناس انسان گرای آمریکایی معروفترین نظریه پرداز است که به نیازها به صورت نظریه‌ای بنیادین و با رویکردی جدید پرداخته است، که آن را در قالب نظریه "سلسله مراتب نیازهای انسانی" ارائه داده است، او را عمدتاً با طرح چنین نظریه‌ای می‌شناسند و از جهتی با ارائه مبانی نظری جنبش انسان‌گرایانه در روانشناسی، بنیان‌گذار و رهبر معنوی این جنبش تلقی می‌کنند. (الکینس، ۱۳۵۸، ۸)

او برخلاف دیدگاه فیلسوفانی چون هابز، انسان را داری سرشتی نیک می‌دانست و به آن خوشبین بود و پژوهش او بر انسان برای آن بود تا دریابد انسان چه می‌تواند بشود و تا کجا به کمال می‌رسد (مزگان، ۱۳۸۹، ۲۶).

مازلو در نظریه انگیزه‌های انسانی به دنبال ترسیم ساختار کلی انسان، نیازهای او، ارضای نیازها و تاثیر آن بر انگیزه‌های آدمی است تا ماهیت آن را تبیین نماید، او نیاز به خودشکوفایی را ارزشمندترین نیاز بشر می‌داند، اما در آخر با بررسی مؤلفه‌های ماهیت آدمی به این نظر دست می‌یابد که کمال مطلق برای آدمی تحقق ناپذیر است. این در حالی است قرآن هدف خلقت را کمال نهایی انسان که آن معرفت به خویش است و معرفت خویش، معرفت به خداوند است. یعنی هر مسیرهستی شناسانه و معرفت شناسانه به خداوند منتهی می‌شود.

### سلسله مراتب نیازهای مازلو

در میان روانشناسان، از فروید و فروم گرفته تا جیمز و موری، نظریات متعدد و مختلفی در باب نیازها طرح شده است اما تنها مازلو در نظریه سلسله مراتب نیازها است که به صورت بنیادین آن را بسط داده است و طبقه بندی نموده است. که همین امر موجب شهرت او شده است.

"انسان روانشناسی" فرویدی انگیزه‌هایش را از نیازهای بافت بدنی می‌گرفت چرا که برای فروید اصولاً انسان موجودی سراسر غرایز و نیازهای زیستی بود، که آنها را در دو قالب غرائز زندگی و غرائز مرگ در نظر می‌گرفت. اما تحقیقات موری و همکارانش بود که میان نیازهای



اولیه که جنبه فیزیولوژیک دارند و نیازهای ثانویه که جنبه روانشناختی دارند تمایز نهاد. پس از نظریه موری، نظریه مزلو جایگاه اساسی در طرح و ساختار مندی نظریه نیازها پیدا کرده است، در نظر مزلو هر فرد دارای نیازهای ذاتی است که فعال کننده و هدایت دهنده فعالیت‌های اوست؛

این نیازها بر اساس اهمیت به ترتیب زیر قرار می‌گیرند:

۱- نیازهای فیزیولوژیکی شامل؛ نیاز به آب، غذا، هوا، خواب و رابطه جنسی ۲- نیاز به امنیت شامل؛ ثبات، نظم و رهایی از ترس و اضطراب ۴- نیازهای عاطفی و احساسی که از طریق روابط عاطفی با شخص یا اشخاص دیگر و احساس تعلق داشتن برآورده می‌شود. ۴- نیاز به احترام شامل؛ عزت نفس و احترام از سوی دیگران ۵- نیاز خودشکوفایی توانایی شامل؛ تحقق‌های بالقوه و قابلیت‌های شخص که مستلزم دانش واقع بینانه نسبت به نقاط ضعف و قوت خود می‌باشد. (شولتز، ۱۳۷۵، ۱۵۲)

مازلو در این زمینه می‌گوید نیازهای اساسی، خود را در یک سلسله مراتب تقریباً، معین بر مبنای اصل قدرت نسبی، مرتب می‌کنند. به همین مفهوم، نیازهای فیزیولوژیک، از نیازهای ایمنی قوی‌ترند، و نیازهای ایمنی از محبت، و نیازهای اخیر به نوبه خود، نیرومندتر از نیازهای احترام هستند و این‌ها نیز از آن دسته از نیازهای ویژه فردی، که ما آنها را نیاز به خوشکوفایی نامیده ایم قوی‌تر می‌باشند. (مازلو، ۱۳۷۲، ۲۱۲)

### نیاز و کمال از منظر قرآن

انسان نسبت به خداوند فقر محض است. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ۲۹۸) فقر نیاز است و نیاز هم در ساحت وجود است و هم در بقاء، چرا که هر دو در ساحت امکان می‌نشینند، خداوند باری تعالی در آیات بسیاری هر دو وجه نیاز را بیان کرده است؛ چنانکه فلسفه نزول قرآن نیز، نیاز بوده است، نیاز بشر به هدایت و رسیدن به کمال دنیوی و سعادت آخروی که در سایه معرفت به اوامر و نواهی خداوند تحقق می‌پذیرد. آیات بسیاری از قرآن نشانه از قدرت مطلق خداوند در ساحت وجود عالم و به ویژه حیات بشری است که سراسر

عجز و ناتوانی است .

چنانکه در سوره حج آیه (۷۳) عجز و ناتوانی بت ها را متذکر می شود و به تبع عجز انسان را حتی در خلقت یک پشه یادآور می شود: « يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاذْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ » ای مردم! مثلی زده شده است، بدان گوش فرا دهید: کسانی که آنها را به جای الله به خدایی می خوانید اگر همه جمع شوند، مگسی را نمی توانند، بیافرینند و هرگاه مگسی چیزی از آنها برباید، نمی توانند آن چیز را بازستانند! طالب و مطلوب هر دو ناتوانند (هم این عابدان و هم آن معبودان).

یعنی اساسا طالب و مطلوب هر دو عین نیاز و فقر هستند و بدون اراده ذات اقدس الهی نمی توان ند نیازی را برطرف نمایند. نیازها در قرآن به شرح ذیل بیان شده اند:

نیاز به خوردن و آشامیده

(۸۸/ مائده، ۱/ نحل، ۳۰/ انبیاء، ۴۲/ انفال، ۶۹، ۶۸/ نحل، ۳/ مائده، ۲۱۹/ بقره، ۲۷۵/ بقره)،  
نیاز به لباس و پوشاک (۲۶/ اعراف، ۸۱/ نحل، ۳۱/ اعراف) نیاز به مسکن (۸۰/ نحل، ۷۴/ اعراف)  
نیاز به جنس مخالف "غریزه جنسی

"(۳۲/ نور، ۳۵/ احزاب، ۵/ مؤمنون، ۳۳/ مائده، ۲۹/ نساء) نیاز به امنیت و آرامش  
روانی (۸۲/ انعام، ۳۰/ شوری) نیاز به محبت و عشق (۶۲/ انفال، ۲۱/ روم، ۱۴/ آل عمران) نیاز  
به خیر و فضیلت (۱۷۷/ بقره، ۳۶/ نساء، ۲/ مائده، ۹۲/ عمران) نیاز به جمال و زیبایی  
(۱۳۲/ اعراف، ۶/ صافات، ۳/ تغابن، ۵/ حج، ۷/ حجرات، ۳۱/ نور) نیاز به علم و دانش و  
آگاهی (۱۱/ مجادله).

با توجه به آیات مذکور خداوند به همه نیازهای فیزیولوژیکی، عاطفی، امنیت، عزت نفس و احترام و خودشکوفایی نفس انسانی و در پی آن کمال بشری اشاره کرده است و این مسئله بعدها توسط مازلو نیز در قرن بیستم به صورت طبقه بندی ارائه شده است، در حالی که قرن ها پیش در قرآن به اهمیت آنها تأکید شده است و آنها را پازل هایی از یک کل ترسیم و

به تصویر کشیده است که نقصان یا فقدان هر پازلی می‌تواند حیات بشری و سعادت اخروی دچار مشکل نماید، باشد، نکته‌ای که از اهمیت فراوانی برخوردار است افراط و تفریطی است که از سوی متشرعین نسبت به رفع نیازهای زیستی انسان مبذول داشته می‌شود، بعضی‌ها در تطابق خویش با دنیای معاصر و رفع نیازها توجیهاتی ارائه می‌نمایند که نمی‌توان هیچ منشأ و رهیافتی از آنها را در سنت اسلامی یافت و بعضی دیگر با استفاده از همان سنت اصلاً نمی‌توانند خویش را با جهان معاصر تطبیق دهند آنها هموار میان تعبدگرایی بر استدلال گرایی که شاخصه دوران مدرن است ترجیح می‌دهند، و از طرفی نمی‌توانند این ماتریالیسم روش شناختی را بر بتابند چرا که متدینان بسیاری از پدیده‌ها را به عالم بالا یا خداوند نسبت می‌دهند، این ماتریالیسم روش شناختی بسیار متدینان را دچار مشکل نموده است چرا که سه بخش دیگر نیز، یعنی ارتباط انسان با خود، ارتباط انسان با انسان‌ها و ارتباط انسان با طبیعت، هر سه کاملاً تحت تأثیر ارتباط انسان با خدا قرار دارد، علاوه بر این دو مشکل، نوع سومی نیز وجود دارد و آن این است که انسان معاصر آزمون او برای درک تمام واقعیت‌ها، حقیقت‌ها و ایان و مذاهب، آزمون «این جهانی» است. چرا که از منظر انسان معاصر احاله آنها به پس از مرگ با دو مشکل؛ ۱- «تئوریک و نظری» ۲. «مشکل پراگماتیک و عملی» مواجه خواهد شد، مشکل تئوریک به این معنا که اگر صدق ادیان و مکاتب را به پس از مرگ احاله نماییم تا زمانی که در دنیا زیست می‌کنیم نمی‌توانیم نسبت به دین یا مکتب حق دست پیدا کنیم. و به مشکل عملی و پراگماتیک این است که تمام مکاتب آمده‌اند تا انسان نوعی را نجات دهند اگر نجات را به بعد از مرگ احاله نماییم این نقض غرض خواهد بود، انسان مدرن پنج نیاز را بر صدر می‌نهد و از دین برای رفع آنها استمداد می‌نماید یعنی از نظر روانی «آرامش، شادی، امید و رضایت باطن داشته باشم و زندگی‌ام معنادار باشد، و رفع این نیازها به سلسله نیازها مورد نظر مازلو و نیازهایی که در قرآن نیز ذکر شده است برمی‌گردد، حالا پرسش این است که چگونه می‌توان علی‌رغم مشکلات طرح شده به آن حد وسط که بتواند یک نوع تطابق نسبی میان آنها برقرار نماید تا هم زیست

دینی اش را حفظ کند و هم نیازهای کنونی اش را رفع نماید.

### صدر و ذیل آدمی

هر چند نمی‌توان استدلالی بنیادین برای آن ارائه داد اما چه در سنت برخی فیلسوفان غربی و شرقی و چه در سنت اسلامی همواره جهان معقول را بر صدر می‌نشانند و آن را انسان گونه تبیین می‌نمایند، به این معنا که همانطور که در صدر انسان، عقل و سپس قلب می‌نشینند و سپس شکم و شهوت، جهان نیز این گونه طرح می‌شود و عقل بر صدر و ذیل آن محسوسات و مادیات قرار می‌گیرند، در قرآن نیز جایگاهی که خداوند به عقل و قلب داده است، همان جایگاهی است که به خود نسبت به مخلوقات قائل شده است از آن جهت که خداوند، عقل عقل است و همه عقول ذیل آن هستند. پس می‌توان گفت اگر بخواهیم انسان معاصر را از از بند مادیت برهانیم باید عقل و قلب را بر صدر نهیم و افسار شکم و شهوت را به او بسپاریم تا بتواند سعادت خویش را در دنیا و آخرت تضمین نماید. اکنون جایگاه عقل و قلب و سپس شکم و شهوت را که چهار عضو بنیادین انسانی که همه نیازها ناشی از آنها هستند را از با توجه به آیات قرآن بررسی می‌کنیم؛

### الف: عقل

رهبر انقلاب جایگاه خاصی برای عقلانیت اختصاص می‌دهد به این بیان که؛ عقلانیت، از پایه‌های اصلی جامعه‌ی اسلامی و در عرض ایمان، مجاهدت و عزّت است ۱۱ در فرآیند جامعه‌سازی اسلامی، معنویت روح کار، عقلانیت مهم‌ترین ابزار کار و عدالت جهت‌دهنده و ارزشگذار کارها در نظام اسلامی است. ۱۲ همچنین در ارکان تفکر و تمدن اسلامی، عقلانیت در کنار نوگرایی و سماحت اسلامی قرار می‌گیرد. رهبر انقلاب عقلانیت را در کنار معنویت و عدالت از ارکان اساسی جامعه اسلامی برشمرده است.

خداوند در قرآن کریم اهمیتی را که برای عقل قائل شده است کمتر از ارزش نبوت نیست و چنان که در قول امام کاظم علیه السلام آمده است که عقل حجت یا پیامبر درونی است، به

همین جهت آیات بسیاری از قرآن جایگاه عقل را در صدر می‌نشانند، نزدیک به ۳۰۰ آیه به طور صریح یا اشاره به تعقل اختصاص داده شده است که در قالب کلماتی چون تدبر، تعقل، شعور، تفکر، تفقه و... گنجانیده شده است؛ در ۱۸ آیه خداوند از کلمه تفکر استفاده نموده است "افلاتتفكرون"، ۴۹ آیه تعقل "يَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ"، ۴ آیه تدبیر "أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا"، ۱۶ آیه کلمه لب "لاولى الباب"، با کلمه شعور ۲۸ آیه "ما يشعرون"، کلمه فقه ۲۰ آیه "لعلهم يفقهون" که در بسیاری از آیات به نحو پرسشی و به گونه بازخواست است که چرا از بزرگترین ودیعه الهی آدمی بهره نمی‌برد تا به وضوح و تمایز دکارتی نائل آید و مسیر را روشن دریابد و از حالت شکاکیت و تردید و میان این و آن شدن و معلق بودن برهد.

البته چنین عقلی، از ظاهر در گذرد و با فهم خاص یعنی تجزیه و تحلیل و سپس تجرید و تعمیم، حقیقت را به جنگ می‌آورد و به جنگ آمدن حقیقت یک عمل ذهنی صرف نیست بلکه فرایندی است که تزکیه روح، تمهید آن است چرا که جنس حقیقت عاری از اشمئزاز و مادیت است بلکه سر در تجرد دارد و در تضاد با نفسانیت است لذا تزکیه روح برای اتصال ضروری است علاوه بر اینکه جنس حقیقت از ذات لایزال الهی و مطابق با فطرت اوست، پس عقل در قرآن از جایگاه بی‌بدیلی برخوردار است بمثابه پیامبر و رسالت در میان آدمیان.

در روایات ائمه نیز تأکید بسیاری بر عقل‌گرایی شده است چنان که حضرت رضا علیه السلام می‌فرماید: لیس العبادة كثرة الصلاة و الصوم، إنما العبادة التفکر فی أمر الله عزّ وجلّ "عبادت به فراوانی نماز و روزه نیست، بلکه عبادت تفکر در امر خدای والاست. (کلینی، ۱۳۷۹، ۲، ۵۵)

یعنی عقل است که ساحت انفسی یا آفاقی را در می‌نوردد تا به آیات ازلی پی‌ببرد و هدف آنچه هست را دریابد و بی‌بنیان بودن آنچه سر از نیستی در می‌آورد را آشکار کند، به عبارتی بیان حضرت رضاع روشن می‌شود که می‌فرماید: صدیق کل امرء عقله و عدوه جهله؛ "دوست هر کسی عقل اوست و دشمنش جهل او" ای جهل است که سقوط را ملازم خویش

دارد اما عقل صعود دارد و ذاتش از دنویت منفک می‌باشد.

### ب: قلب

قلب در اصطلاح فیزیولوژی، همان عضو بدن است، اما معنای اصطلاحی آن قرابت نزدیکی با آن دارد چرا که معنای تغییر و تحول و انقلاب و تحول را به همراه دارد یعنی یک نوع دگرگونی که در مکانی سکنی نمی‌گزیند و همواره متغیر و دگرگون شونده است بنابر این تعریف، «قلب» با سه مفهوم «روح»، «قلب» و «نفس» معنایی همسنگ پیدا می‌کند. اما می‌توان گفت «مفهوم روح در درجه اول صبغه جهان شناختی دارد، اما در حد انسان شناسی تفاوتی میان روح و نفس وجود ندارد جز آن که نفس نام بهره‌ای از روح است که در تن جنین معینی طلوع کرده و نمایان گر "خود" یا حقیقت وجودی فردی معین است. از سوی دیگر، رابطه و نسبت میان نفس و قلب نیز حکایت از آن دارد که مراد قرآن از «قلب» همان «نفس» است زیرا شوون اساسی نفس به قلب نسبت داده شده است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ۲۴۴)

در عرفان، آدمی وحدتی است در کثراتی از ابعاد وجودی مختلف، یک نوع منیتی که در خود هزاران کثرت را پذیراست دریایی است که هویت همه وجوه آن ناپیداست تنها آنچه به نحو پدیدارشناسانه ظهور می‌یابد، قابل درک است و قله کوهی است که ریشه‌ای عمیق تر و اسرار آمیزتر را در خود پنهان نموده است این نظریه نه تنها در اندیشه روانشناسانه امری ثابت است که حتی در دیدگاه عارفان و اخلاق‌گرایان نیز امری پذیرفته شده تلقی می‌گردد. هر چند فلاسفه عقل را بر صدر معرفت می‌نشانند و از آنجا همه چیز را به سنجش می‌نشینند اما عرفا و متصوفه در درک حقیقت ذات حق و صفات او تا فهم جهان و جمال به نظم در آمده خداوندی، همه را به قلب واگذار می‌کنند و قلب را راهبر می‌دانند و تاج بر سر می‌نهند.

عارفی مثل تاج الدین خوارزمی محل تجلی و ظهور اسماء الهی و برزخ میان ظاهر و باطن را قلب می‌داند و انشعاب قوای روحانیه و جسمانیه را از قلب می‌داند و معتقد است که

قلب است که بر آنها فیض می‌رساند یا محی الدین عربی تنها قلب عارف را دارای گنجایش حق می‌داند. (ابراهیمیان، ۱۳۸۳، ۱، ۵۵)

شهید مطهری قلب را پاره گوشت میان سینه نمی‌داند و نزاع عقل و دل را در سنت کلامی بی‌وجه می‌داند و معتقد است: قلب در قرآن محدود به جنبه فکری و شناختی انسان نیست بلکه وصف عقل ورزی را از منظری کل‌نگرانه و جامع‌نگرانه است که هم ساحت دل را در نظر دارد و هم عقل را و میان آند و نزاعی نیست (مطهری، ۱۳۷۹، ۱۷۴).

شهید مطهری معتقد است استعمارگران برای تسلط بر جوامع مختلف، ابتداء از راه به فساد کشاندن روح جامعه وارد می‌شوند شما این موضوع را می‌توانید در سقوط آندلس و آغاز رنسانس و سلطه غرب پیگیری نمایید.

ویژگی‌های خاصی را خداوند در ضمن آیات برای قلب بیان کرده است از جمله درک حقائق (اعراف/ ۱۷۹، انعام/ ۲۵، حج/ ۴۶، نجم/ ۱۱-۱۳، بقره/ ۹۷) یا مرکز احساسات باطنی یعنی اضطراب، حسرت، غیض، قساوت که همه را خداوند در قلب موطن می‌دهد در روایات ائمه نیز، اسب "قلب"، نعل به نعل "خرد" پیش می‌رود و درک ظلمت و نور را منتسب به قلب می‌دانند، چنان که امام باقر علیه السلام قلب را در چهار دسته حصر قرار می‌دهد؛ قلب ازهر و نورانی، قلب مطبوع و ظلمانی، قلب منکوس یا واژگونی و قلب اجرد که آمیزه‌ای از کفر و ایمان است. (کلینی، ۴، ۱۳۷۹، ۱۵۲)

از این میان قلب ازهر و نورانی است که ره به حقیقت و سعادت می‌برد و سه تای دیگر چنان که در کلام امام خمینی ره اشاره شده است از حق غفلت و غرق در نعمت دنیا می‌شوند. (امام خمینی ره، ۱۳۹۵، ۱۷۳).

پس قلب اساساً در سه ساحت درک، عاطفه و احساس نقشی بنیادین دارد، از جهتی درک حقیقت ذات و صفات و آثار فعل و جمالات حضرت حق را در می‌یابد و از طرف دیگر کثرتی از انگیزه‌ها و نگرش‌ها و احساسات درونی در او سرازیر می‌گردند که اگر جنس حضورشان از نوع غفلت و فراموشی حق باشد نه می‌تواند آن وحدت را به درستی دریابد و نه از تأثیرات این کثرات رهایی یابد و به حق متصل گردد.

## شکم یا شکم پرستی

شکم به عنوان عضوی که مواد قوای بدن را تامین می‌کند تا از تجزیه و تحلیل و ترکیب آنها خون تولید شود و خون اکسیژن و گلوکز را به بدن برساند و مواد زائدی چون کربن دی‌اکسید و اسید لاکتیک را دفع و از بدن در مقابل میکروارگانیسم دفاع کند. عضوی حیاتی در اندام بشر است، به عبارتی حیاط بدن انسانی در گروه شکمی است که مواد تولید کننده نیرو را در خود دارد، اما افراط در توجه به شکم که همان شکم پرستی است می‌تواند انسان را در کنار حیوانات قرار دهد و یکی از مسائلی است که در سنت دینی مذموم تلقی شده است، چنانکه فیض کاشانی شهوت شکم را عامل سقوط انسان تلقی می‌کند و سقوط آدم و حواریان از آسمان به دارالافتقار و دار نیاز را به شکم نسبت می‌دهد. و آن را منشأ آفات و بلیات در نظر می‌گیرد و نوعی قرابت میان شکم و شهوت برقرار می‌کند.

شکم پرستی از آن جهت مذموم است که انسان شک پرست حاضر است دین خویش را به بهای اندکی بفروشد به بیان دیگر آنها حاضر هستند آیات خدا را به بهای ناچیزی معاوضه نمایند. حتی پیامبر ﷺ نسبت به شکم پرستی امت بعد از خودش هشدار می‌دهند و آن را در کنار ضلالت بعد از معرفت و مضلات فتن می‌شمارد.

شاید در قرآن تأکید بر نقش شکم در تکامل انسان را بتوان در آیه (۲۴) عبس جست که خداوند می‌فرماید "فَلْيَنْظُرِ آلِ انْسَانِ نُنْ اِلَى طَعَامِهِ" با همه تفاسیری که در باب این آیه بیان شده است توجه به این مسئله که انسان چه چیزی را در وضعیت جسمانی و روحانی دریافت می‌کند تا حیات طیبه و جاودان یا جهان خبیثه‌ای برای خودش رقم بزند. یعنی اینکه بنگرد تا برای ادامه حیات خویش از حدود الهی تجاوز نکند و نعمات طیبه‌ای که خداوند از آسمان نازل و در زمین گسترش داده است برگیرد و قوت یابد و به عبادت و تکامل خویش پردازد.

اما اگر انسان در بند شکم بیفتد نزول خواهد نمود و حیات حیوانی را پی خواهد گرفت و نمی‌تواند کمالات الهی را دنبال نماید چرا که خونی که از طعام خبیثه و حرام بدست می‌آید شخصیت و فطرت الهی انسان را منقلب خواهد نمود و دیگر حتی اگر او بخواهد نمی‌تواند نه مسیر حقیقت و کمال را تشخیص دهد و نه به آن چنگ بیاویزد.



## شهوت یا شهوت پرستی

یکی از موضوعاتی که در آیات و روایات قرابت نزدیکی با شکم پرستی دارد شهوت پرستی است به این معنا که هر جا انسان نسبت به شکم طغیان می‌کند شهوت پرستی نیز اوج می‌گیرد و حتی در عوامل جهنمی شدن انسان‌ها به دو موضوع شکم پرستی و شهوت پرستی بیشتر توجه شده است و شهوت پرستی را مانع حکمت و ورزی یا به عبارتی در تضاد با حکمت و ورزی تلقی می‌نمایند و از اصلی‌ترین عوامل سقوط و افول انسان در نظر می‌گیرند. در آیات قرآن، خداوند افراط و انحراف در شهوت جنسی انسان را بسیار خطرناک توصیف نموده است در داستان حضرت یوسف جنبه مثبت و صعود انسان و در داستان قوم لوط جنبه منفی و نزول انسان به سبب شهوات به تصویر کشیده است چرا که از آن خداوند به عنوان میلی عظیم یاد نموده است (۲۷/ نساء) میل عظیمی به سبب موافقت شما بر اتباع شهوات و تکثر سیئات و استحلال محرمات که سبب سقوط است.

در داستان حضرت یوسف این میل عظیم از جانب جنس مونث است که سرکشی و تجاوز می‌کند اما طهارت و پاکی حضرت یوسف ع زیباترین قصه قرآن را رقم می‌زند و در داستان قوم لوط این میل عظیم از طرف جنس مذکر است که سر بر عصیان می‌گذارد و به خانه پیامبر خدا حمله می‌کنند تا مهمانان مردی که در خانه لوط ع هستند را مورد تجاوز قرار دهند و این اقدامات آنها موجب نزول بلا می‌گردد و از آسمان سنگ می‌بارد و شهر آنها زیرورو می‌گردد.

البته در برخی از آیات برای کنترل میل جنسی، به تقابل صلاه و شهوات اشاره شده است یعنی برای مصون ماندن از شهوات باید به نماز متوسل شد و از طرفی میل جنسی افراطی موجب تباه شدن صلوات می‌گردد. البته بدیهی است در آیات قرآن وقتی از شهوات سخن به میان می‌آید تنها شهوات جنسی نیست، بلکه هر گونه تمایل افراطی نفسانی و هواپرستی را نیز شامل می‌شود. از این جهت برای تکامل انسان باید یک نوع کنترل نسبت به شهوات روحانی و جسمانی باید روا داشته شود تا انسان بتواند مراحل عبودیت و طی طریق بندگی را به نحو درستی پیش ببرد.

## دو گانه نیاز و کمال

چنانچه گذشت هر چند نقش دو گانه نیاز یعنی "شکم و شهوت" و دو گانه کمال یعنی "عقل و قلب" در سعادت و رشد و تکامل بشری ضروری به نظر می رسند، اما پر واضح است که این دو گانه کمال هست یعنی عقل و قلب و نقش سازنده آنها در تعالی معنوی و سعادت الهی است که می توان د انسان الهی را رقم بزند و از دو گانه نیازی یعنی "شهوت و شکم" که به ظاهر جنبه حیوانی را نمایندگی می کنند رجحان دارند.

لذا انسان معاصر و تکنیک زده که غفلت پست مدرنیته ای او را بی بنیان نموده است، باید عقل و قلب را به نحو مناسبی حفظ نماید تا آنها مدیریت ساختار جهانی انسان را به نحو شایسته ای پیش ببرند و او را از ظلمت ناسوتی برهانند و در تعالی لاهوتی منزل دهند

انسان معاصر غربی تعالی انسان را در مرحله اول در علم (علم مادون) و نه عقل الهی (عقل الهی مقصود عقل درون "عقل طبیعی" و عقل بیرون "پیامبران") و قلب و در مرحله دوم به رفع نیازهای شکمی و شهوتی چنانکه مازلو و فروید معتقد بودند می جوید، و لزوما نمی تواند مسیرش با سنت اسلامی و آموزه های بنیادین اسلامی سازگار باشد، لذا جهانی که خلق کرده است و آن را به نحو سلطه محورانه ای گسترش داده است سعی در ارضاء نیازهای حیوانی انسانی است و برای انسان معاصر غربی مهم دمی است که انسان می زیند و تمام ساحات وجودی او بر اساس آنی است که هست و نه ترکیبی یا بر اساس آنی که هست (دنیا) و حیات جاویدانی که خواهد آمد (آخرت)، در اینجا پرسش این است که انسان معاصر مسلمان که در جهان و تمدن و فرهنگ آنگلو ساکسونی نفس می کشد چگونه می تواند خود را از سلطه ظلمت محور زمانه رهایی دهد؟ و سلوک متدینانه خویش را پیگیری نماید؟ تنها می توان اشاره نمود که در وهله نخست مرهون این است که معرفت خویش نسبت به دین کامل نماید و درک درستی از مقتضیات اسلام و زمان خویش داشته باشد و به شدت پرهیز نماید از اینکه دین را به مثابه عادت در معیت داشته باشد و بخواهد از تضادها ظاهری زمانه و دین، خوانشی دین گونه ارائه دهد و آنها را در دین هضم کند یا آنها

را با تفسیر به رأی بر دین تحمیل نماید. خب پرسش دوم این است که این دو گانه چه نقشی در سعادت و شقاوت مسلمان معاصر ایفاء می کند؟ چنانکه در سنت دینی نیز تأکید شده است حقیقتی را بپذیرید که عقل و قلبی که به مادیت نیالوده است آن را تصدیق نماید و نه عقل و قلبی که خویش اسیر شکم و شهوت و عالم ناسوتی است. به همین دلیل است که چنانکه رهبری انقلاب در نامه به جوانان فرانسه اشاره نمودند؛ در عقل غربی، اهانت به پیامبران نوعی آزادی بیان به شمار می رود اما همین عقل، پرسش درباره هولوکاست را جرم می شمارد. چرا که اساساً برای عقل غربی آنچه به عالم دنیوی مربوط است از اهمیت بیشتری برخوردار است حتی اگر دچار تعارضاتی نیز باشند.

## نتیجه گیری

دین به عنوان روش زندگی، دستورات و تکالیفی ساده جهت سعادت و تکامل بشر پیش روی می نهد، که عقل و قلب به عنوان ابزار اساسی کمال آدمی، نقشی بنیادین ایفاء می نمایند. چنانچه انسان در زیست دنیوی اش آنها را بر صدر بنهد خویش نیز صعود می کند اما اگر نیازهای دنیویش را ترجیح بدهد و تمام تلاش خویش را تنها در رفع و فتق امور دنیوی و نیازهای طبیعی اش بگذارد و از تعالی روح، عقل و قلب در جهت تکامل نهایی غفلت ورزد این مسیر جزء به ظلمت منتهی نخواهد شد تنها راه حل این است که شکم و شهوت را در خدمت تکامل عقل و قلب قرار دهد و آنها را خادمان صدر جهان آدمی یعنی عقل و قلب بداند چرا که دنیای کنونی هر چه هست نگاه به ایندو تغییر داده است و همه ساحات بشر از فرهنگ گرفته تا اقتصاد و سیاست در جهت تعالی دادن به ذیل جهان آدمی اختصاص داده است و این ذات تکینک زده جهان معاصر نتیجه ای جزء تشویش، اضطراب، نابسامانی و معلق بودن آدمی نداشته است چرا که جنبه معنوی و روحانی انسان را که ارتباط بنیادین با جنبه عقلانی و عاطفی او دارد نادیده گرفته است و همه چیز را به سطح نزول داده است. انسانی که فرهنگ غربی معرفی می نماید نمی تواند از بند مادیت رهایی یابد و همواره در ساحت ناسوتی خواهد ماند و هر چه علم توسعه پیدا می کند در واقع، ساحت وجود مادی خویش را گسترش می دهد و می خواهد بر طبیعت به نحو کامل آگاهی و سلطه یابد و اگر چنانچه در این مسیر از عقل نیز استفاده می نماید عقل صرفاً ابزاری است که راهگشای جهان مادون است و از این جهت غالباً سر در تنهای دارد.

## منابع

- ۱- علی زمانی، امیرعباس، ۱۳۷۹، ماهیت تکنولوژی از دیدگاه هایدگر، نشریه نامه مفید، شماره ۲۳.
- ۲- برانندن، ناتانیل، ۱۳۷۶، روانشناسی عزت نفس، مترجم جمال هاشمی، تهران، چاپ دوم، شرکت سهامی انتشار.
- ۳- کاپلان - سادوک، ۱۳۸۵، خلاصه روان پزشکی ج ۲، نصرت الله پور افکاری، تهران: شهرآب: آینده سازان، چاپ سوم.
- ۴- ریتال اتکینسون؛ ریچارد س. اتکینسون و ارنست ر. هیلکارد (۱۹۷۵)، زمینه روان شناسی، ترجمه جمعی از مترجمان، چاپ ششم، رشد.
- ۵- الکنیس، دیوید (۱۳۵۸)، مترجم مهدی اخوان، فراسوی دین: به سوی معنویت انسان گرا، مجله هفت آسمان، سال هشتم، شماره ۲۹.
- ۶- عسلی، مؤگان (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی انسان کامل در روان شناسی و عرفان «فصلنامه تخصصی ادیان و عرفان، سال هفتم، شماره ۲۶.
- ۷- شولتز، داون و شولتز، سیدنی (۱۳۷۵)، نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر ویرایش.
- ۸- مازلو، آبراهام. اچ (۱۳۷۲)، انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم.
- ۹- حسینی همدانی، سیدمحمدحسین، (۱۴۰۴)، انوار درخشان، تحقیق محمدباقر بهبودی، ج ۱۳، تهران: انتشارات لطفی.
- ۱۰- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۴)، اخلاق در قرآن، قم، انتشارات موسسه امام خمینی ره، چاپ هشتم، ص ۲۴۴.
- ۱۱- ابراهیمیان، حسین، (۱۳۸۳)، سیری در سلوک عارفان، تهران، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، چاپ سوم، ص ۵۵.

- ۱۲- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۹)، آشنایی با عرفان اسلامی، چاپ دوم، انتشارات صدرا، ص ۱۷۴. چاپ اول،
- ۱۳- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۹)، اصول کافی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ج ۴.
- ۱۴- امام خمینی، روح الله، (۱۳۹۵)، شرح اربعین حدیث، تهران، انتشارات طه. چاپ پنجاه و نهم.